



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

تاریخ نظامی ایران

تاریخ نظامی ایران از دوره صفویه تا پایان دفاع مقدس

سرتیپ ۲ ستاد هوشنگ جلالی

سرشناسنامه: جلالی، هوشنگ، ۱۳۱۶
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ نظامی ایران: تاریخ نظامی ایران از دوره صفویه تا پایان دفاع مقدس/ هوشنگ جلالی. برای هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی
مشخصات نشر: تهران: ایران سبز، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۸۲-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: ایران - - تاریخ نظامی - - قرن ۱۰ ق. - ۱۴.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۱۱۶/ج ۸
رده بندی دیویی: ۳۵۵/۰۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۴۰۶۶۹

نویسنده: سر تیپ ۲ ستاد هوشنگ جلالی

نوبت/سال چاپ: اول/۱۳۹۰
شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۷-۸۲-۷
شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز تهران - صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۳۶۹۷
تلفن مرکز پخش: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰
قیمت: ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است

با یاد و گرامی داشت

خاطره شهدای هشت ساله دفاع مقدس

به خصوص

شهید سرلشکر خلبان منصور وطن پور

همکاران

سرטיפ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

امور فنی ، آماده سازی ، نشر

حامد خدمتی

حروف نگاری، صفحه آرایی

حمیدرضا خزاعی

طرح جلد

سرטיפ ۲ ستاد هوشنگ جلالی

نویسنده



معرفی نویسنده

در سال ۱۳۱۶ در شهر تهران متولد گردید.

پس از طی تحصیلات ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۳۷ وارد دانشکده افسری و پس از فارغ التحصیل شدن به رشته پیاده اختصاص یافت.

در سال ۱۳۵۰ جهت طی دوره عالی پس از موفقیت در کنکور زبان به مدت ۱۸ ماه این دوره را در آلمان غربی طی نمود.

در سال ۱۳۵۴ پس از موفقیت در کنکور ورودی دانشگاه جنگ و همچنین بدست آوردن بهترین رتبه در زبان آلمانی به آکادمی دانشگاه جنگ در هامبورگ معرفی گردید.

در سال ۱۳۵۷ دوره دانشگاه پدافند ملی راطی کرده و رتبه دوم را احراز نمود.

دوره های کوتاه چتربازی و اسکی را به ترتیب در کشورهای آلمان و اتریش طی نمود، نامبرده دارای نشان عالی تیراندازی در مسابقات سنتو، نشان افتخار و نشان خدمت ۲۱ و ۲ می باشد. مدارج فرماندهی را از فرمانده گروهان، گردان در قبل از انقلاب و فرماندهی مرکز آموزش پاسداران (۰۶) به مدت دو سال، فرماندهی لشکر، فرماندهی قرارگاه غرب و مدیر طرح و برنامه معاونت لجستیکی نژاجا و ارتش جمهوری اسلامی را عهده دار بوده است. در ابتدای جنگ تحمیلی به مدت ۴ سال حضور دائم در جبهه را داشته و سپس در عملیات های مهم در قرارگاههای موقت همکاری می نموده است.

در سال ۱۳۷۰ به دلیل نیاز، مجدداً در دانشگاه پدافند ملی با نام دانشگاه عالی دفاع ملی شروع به کار نمود، و به عنوان معاونت پژوهشی (دفتر مطالعات و پژوهشهای استراتژیک) به مدت ۱۳ سال با آن دانشگاه همکاری نمود. و همچنین مدرس تاریخ نظامی ایران برای ۸ دوره از دانشجویان دانشگاه در مقطع دکترا بوده است.

تألیفات

- ۱- ترجمه کتاب سلاحهای ارتشهای جهان در قبل از انقلاب
- ۲- کتاب جنگهای صدر اسلام
- ۳- کتاب تاریخ سیاسی معاصر
- ۴- کتاب سیاست و حکومت
- ۵- کتاب تاریخ نظامی معاصر ایران

فعالیت‌های پژوهشی

- ۱- مدیریت پروژه استراتژی دفاعی امنیتی کشور سال ۱۳۷۴
- ۲- مدیریت پروژه استراتژی بکارگیری احتیاط سال ۱۳۷۵
- ۳- مدیریت پروژه تعیین الویت برای عواملی که امنیت ملی کشور را به خطر می‌اندازد ۱۳۷۸
- ۴- مدیریت پروژه سیاست دفاعی ج-ا-ا
- ۵- مدیریت پروژه ارتقاء منزلت اجتماعی پرسنل نیروهای مسلح
- ۶- مدیریت پروژه الگویی برای مدیریت دفاعی
- ۷- مدیریت پروژه بازنگری در ۱۹ جلد پروژه استراتژی دفاعی امنیتی کشور
- ۸- مدیر و تهیه کننده فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی

فهرست

۶	معرفی نویسنده
۱۱	مقدمه

فصل یکم: ارتش ایران در دوران قبل از قاجاریه

۱۳	بخش اول : دوره صفویه
۱۷	بخش دوم : دوره افشاریه
۲۰	بخش سوم : دوره زندیه
۲۶	بخش چهارم : اوضاع ارتش‌های پیشرفته جهان

فصل دوم: ارتش ایران در دوره اول قاجاریه

۳۱	اصطلاحات متداول، قشون و نظمیه در دوره قاجاریه
۳۷	بخش اول : دوره سلطنت آقا محمد خان قاجار
۳۹	بخش دوم : دوره سلطنت فتحعلی شاه قاجار
۵۴	بخش سوم : دوره سلطنت محمد شاه قاجار

فصل سوم: ارتش ایران در دوره دوم قاجاریه

۵۷	بخش اول : دوره سلطنت ناصر الدین شاه
۷۳	بخش دوم : تشکیل بریگاد قزاق
۸۹	بخش سوم : مدارس نظامی

فصل چهارم: ارتش ایران در پایان دوره قاجاریه

۹۵	بخش اول : دوره سلطنت مظفرالدین شاه
۹۹	بخش دوم : دوره سلطنت محمد علی شاه
۱۰۷	بخش سوم : دوره سلطنت احمد شاه

فصل پنجم : ایران در دوران جنگ بین المللی اول

- ۱۱۱ روند شکل گیری جنگ جهانی اول
- ۱۱۵ بخش اول : اثرات جنگ بین المللی اول در ایران
- ۱۲۴ بخش دوم : وقایع مهم دوران سلطنت احمد شاه

فصل ششم : سر آغاز سلطنت پهلوی

- ۱۳۷ بخش اول : تشکیل ارتش نوین
- ۱۴۳ بخش دوم : تحولات ارتش ایران برای تشکیل ارتش
- ۱۵۰ بخش سوم : زیر بنای نیروی زمینی از سال ۱۳۰۰ شمسی به بعد

فصل هفتم : تشکیل مدارس جدید نظامی

- ۱۶۳ بخش اول : آموزش
- ۱۶۶ بخش دوم : تشکیل دانشگاه ها
- ۱۷۴ بخش سوم : جنگ افزار و تجهیزات

فصل هشتم : تأسیس سازمانهای جدید

- ۱۷۷ بخش اول : نیروهای انتظامی
- ۱۸۲ بخش دوم : نیروی دریایی
- ۱۹۴ بخش سوم : نیروی هوایی

فصل نهم : ایران در جنگ جهانی دوم

- ۲۰۱ بخش اول : علل جنگ جهانی دوم
- ۲۰۸ بخش دوم : نیروهای متفقین
- ۲۱۷ بخش سوم : دفاع نیروهای ایرانی در مقابل شوروی
- ۲۲۲ بخش چهارم : دفاع نیروهای ایرانی در مقابل انگلیس

فصل دهم: ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه

- ۲۳۱ راهبرد و سیاست دو ابر قدرت در ایران
- ۲۳۳ بخش اول: نیروی زمینی پس از جنگ جهانی دوم
- ۲۳۷ بخش دوم: جنگ افزارهای موجود
- ۲۴۳ بخش سوم: عملیات ظفار
- ۲۴۸ بخش چهارم: هوانیروز
- ۲۵۲ بخش پنجم: جنگ افزارهای مدرن نیروی زمینی
- ۲۵۴ بخش ششم: اوضاع نیروی دریایی ایران
- ۲۶۲ بخش هفتم: نیروی هوایی ایران

فصل یازدهم: آموزش

- ۲۶۹ بخش اول: نقش راهبردی ایران و تأثیر آن بر دخالت آمریکا
- ۲۷۳ بخش دوم: دگرگونی های آموزش
- ۲۹۳ بخش سوم: وضعیت آموزش پس از پیروزی انقلاب اسلامی

فصل دوازدهم: ارتش جمهوری اسلامی ایران

- ۳۰۵ بخش اول: مقدمه
- ۳۱۳ بخش دوم: حمله عراق به ایران
- مرحله پایداری و تثبیت دشمن
- ۳۲۳ بخش سوم: مرحله فتح و پیروزی
- ۳۲۳ عملیات ثامن الائمه (ع) - شکست حصر آبادان
- ۳۲۷ عملیات طریق القدس (کربلا ۱) - فتح بستان
- ۳۳۲ عملیات فتح المبین (کربلا ۲)
- ۳۳۹ عملیات بیت المقدس (کربلا ۳) - فتح خرمشهر
- ۳۴۸ عملیات رمضان

۳۵۲	بخش چهارم : عملیات آفندی جهت تخلیه مناطق اشغالی باقیمانده
۳۵۲	عملیات مسلم ابن عقیل
۳۵۲	عملیات محرم
۳۵۴	عملیات والفجر مقدماتی
۳۵۶	عملیات والفجر ۱
۳۵۸	عملیات والفجر ۲
۳۶۰	عملیات عمومی مهران؛ والفجر ۳
۳۶۲	عملیات والفجر ۴
۳۶۳	عملیات ویژه خیبر
۳۶۶	عملیات بدر
۳۷۱	توسعه نظامی ارتش عراق
۳۷۲	عملیات قادر
۳۷۸	عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو)
۳۸۵	بخش پنجم : رکود نسبی در جبهه جنوب
۳۸۵	عملیات والفجر ۹
۳۸۶	عملیات کربلا (۴، ۵، ۶)
۳۹۵	بخش ششم : سالهای سخت پایانی
۳۹۷	عقب‌نشینی از فاو
۳۹۹	حمله عراق به شلمچه
۴۰۰	حمله عراق به جزیره مجنون
۴۰۱	حمله عراق به فکه - شریانی
۴۰۲	عملیات در قصر شیرین
۴۰۳	پذیرش قطعنامه ۵۹۸
۴۰۷	

مقدمه

تاریخ آگاهی از جنگ‌های گذشته نیست، مجموعه حوادثی که در گذشته رخ داده نیست، تاریخ آئینه عبرت و مطالعه تمدن‌ها نیست، تاریخ گذشته‌ایست که زمان حال را پدید آورده است. تاریخ حرکتی است که به‌سوی آینده در جریان است. تاریخ، عمر نوع انسان است. حیات یک جامعه یا نوع بشر واقعیت پیوسته‌ای است که در طیّ زمان حرکت دارد و تحوّل می‌یابد و از قوانین ثابت و مشخصی پیروی می‌کند. بنابراین تاریخ شناخت چگونگی تکوین و تکامل انسان است. مورّخ سعی دارد از طریق مطالعه اقوام و جوامع، جنگ‌ها و وقایعی که در طول سال‌های گذشته اتفاق افتاده حقایق تاریخی را کشف و به رشته تحریر در آورد، طبیعی است که از یک تاریخ نگار انتظار می‌رود که در ثبت وقایع و ارائه آن امانت‌دار باشد و در نقل حوادث و اخبار بدون دخل و تصرف عمل نماید.

اگر تاریخ تنها نمایان‌گر تمدن‌ها و رهگشای مسائل امروز و فردای بشر باشد همین بس که این رشته از علوم پایدار بماند و در تقویت و تعمیم آن بکوشیم.

سرزمینی که ما آنرا ایران می‌نامیم قسمت اعظمی از فلات ایران است، این مرز و بوم پهناور شامل جلگه وسیع و بلندی است که از هر طرف کوه‌های بلند آنرا احاطه نموده است. ایران امروزی تقریباً دوثلث از کلّ فلات ایران است. باقیمانده این فلات را بخشی از کشورهای افغانستان - تاجیکستان - ترکمنستان و سرزمین قفقاز شامل کشورهای آذربایجان - ارمنستان - گرجستان، قسمتی از مناطق شرقی ترکیه و عراق و قسمتی از منطقه بلوچستان پاکستان تشکیل می‌دهد. ضمناً برخی از مناطق جنوبی خلیج فارس نظیر بحرین - امارات - عمان و مسقط تا دوران قاجاریه جزئی از قلمرو این کشور محسوب می‌شدند. این نواحی در اثر حوادث تاریخی از اوایل قرن سیزدهم هجری به تدریج از خاک کشور ما جدا شده است.

آنچه حائز اهمیت است شامل جنگ‌ها و لشکرکشی‌هایی است که از دوران مادها و هخامنشیان تا عصر معاصر در این سرزمین انجام گرفته، ایران به‌خاطر موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد همیشه مورد توجه کلیه اقوام بوده است، زیرا محلّ تلاقی سه قاره اروپا - آسیا و آفریقا و مهد تمدن شرق بوده است.

تاریخ نظامی ایران بازگوکننده مجد و عظمت و غرور ملی ما است، اقوام قدیم که به اوج قدرت رسیدند بسیارند، اما از اغلب آنان، بجز خاطره‌ای آنهم گاهی مبهم که باستان‌شناسان می‌کوشند آنان را گویا نمایند، چیزی باقی نمانده است. تنها ایران، بی‌اعتنا به قرن‌ها و هزاره ها، مانند صخره‌ای صما برپا مانده و از گذشته تاریخی خود به‌نیکی یاد نموده است.

گذشته تاریخی کشور ما دارای دو خصیصه ممتاز نسبت به سایر اقوام و ملل دیگر می‌باشد یکی یکتاپرستی ایرانیان از دوران باستان تا ظهور و پذیرش دین مبین اسلام توسط ملت روشن‌ضمیر ایران با جان و دل و دیگر این که کشور ما هیچ گاه مغلوب قوم یا ملتی نگردیده است بلکه قدرت‌های غالب را پس از مدت زمان بسیار کوتاهی در فرهنگ برتر ملت خود حلّ نموده است.

اکنون با تأییدات حقّ و امیدواری به کمک و مساعدت اندیشمندان و پژوهشگران، برای نسل آینده به‌خصوص نیروهای مسلح شروع به تألیف و پژوهش تاریخ نظامی ایران نموده‌ام، امید است در نظر اربابان فضل و دانش پسندیده آید.

این کتاب با اشاره‌ای از اوضاع نظامی در دوره صفویه، افشاریه، زندیه و از سلاطین قاجاریه آقا محمدخان و جنگ‌های داخلی و خارجی زمان او آغاز شده و به جنگ‌های ایران و روس در دوران فتحعلی‌شاه، وقایع دوران محمدشاه و ناصرالدین شاه، جنگ بین‌الملل اوّل و کودتای ۱۲۹۹ در زمان احمدشاه پرداخته و پس از سلسله قاجاریه به چگونگی روی کارآمدن سرسلسله پهلوی، تشکیل ارتش نوین و بالاخره جنگ جهانی دوّم و خروج رضاخان از ایران بااستفاده از منابع و مآخذ در دسترس جمع‌آوری و به‌رشته تحریر آمده و سپس تحولات بعد از جنگ جهانی دوّم و چگونگی تشکیل مجدد ارتش و حضور مستشاران امریکایی مطرح و تلاش شده که در بیان حقایق کوتاهی نشود.

در پایان اوضاع ارتش بعد از انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران و اجرای عملیات ارتش و سپاه پاسداران در مقابل تهاجم ارتش عراق در زمان هشت سال دفاع مقدس تبیین گردیده است.

فصل یکم

ارتش ایران در دوران قبل از قاجاریه

بخش یکم - دوره صفویه

در ابتدای سلطنت شاه عباس ۹۶۷ هـ ش (۱۵۸۸ م)^۱ ارتش ایران از ۶۰ هزار سوار قزلباش که وضعیت منظمی نداشتند و از رؤسای مستقیم خود تمکین می‌نمودند تشکیل شده بود.

شاه عباس برای این که از نفوذ و اعتبار سرکردگان قزلباش بکاهد و قوای منظمی به‌وجود آورد این تعداد را به‌سی هزار نفر تقلیل داد و در عوض سپاه جدیدی مرکب از بیست هزار سوار و دوازده هزار پیاده نظام ایجاد نمود که این افراد کلیه حقوق و اسلحه و تجهیزات خود را از دولت دریافت می‌کردند، در نتیجه در ابتدا ارتش ایران از دو قسمت تشکیل شده بود، قوای سلطنتی که با هزینه دولت نگهداری می‌شد و قوای محلی که حکام در ایالات باهزینه خود تهیه و نگهداری می‌نمودند.

شاه عباس از بدو حکومت برای اجرای اهداف زیر ارتش جدید را به‌وجود آورد:

۱- آرامش و انسجام امنیتی داخلی.

۲- توسعه و حفظ قلمرو.

۳- پس گرفتن سرزمین‌های از دست رفته.

با توجه به‌اهداف بالا بود که شاه از هیأت انگلیسی که به‌دربار ایران آمده بود استقبال نمود و به کمک آنها توانست ارتش خود را با آموزش و تجهیزات جدید آشنا نماید. در اواسط سال ۱۵۹۸ م (۹۷۷ هـ ش) برادران شری به‌همراه بیست و پنج نفر از جمله کاپیتان پاول، جان هوارد، جان پاروت^۲ و یک نفر مهندس توپچی که در ساختن توپ مهارت داشت در

^۱ - تاریخ این دوران به صورت هجری شمسی (ه.ش) و میلادی (م) مشخص می‌گردد.

۲- Powel – J.Howard – J.Parrot

قزوین به خدمت شاه رسیدند و این گروه با همکاری ا. وردیخان که در آن وقت فرماندهی ارتش را به عهده داشت در صدد اصلاح ارتش و تهیه اسلحه جدید برآمدند. با مساعدت اروپائیان کارخانه‌های اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی در اصفهان ایجاد شد این کارخانه‌ها تا سال ۱۸۰۹ م (۱۱۸۸ ه. ش) دایر بودند. پی یترودولواله^۱ در سفرنامه خود سازمان ارتش جدید ایران را در سال ۱۶۲۲م به‌شرح زیر توصیف می‌کند

پیاده نظام (تفنگچی لر)

جدیدترین نفرات پیاده ارتش ایران که به‌اسم تفنگچی لر خوانده می‌شدند تقریباً بر مبنای اصول نظامی کشورهای اروپایی تشکیل و تربیت شده بودند. این افراد جیره و حقوق خود را از دربار گرفته و در ابتدای امر به‌صورت پیاده ولی بعد به‌واسطه وسعت زیاد کشور جزء سوارنظام شدند.

اسلحه آنها عبارت بود از: تفنگ فتیله‌ای که دارای دوشاخه بود و زیر لوله به‌وسیله بستن به‌ساق قنداق متصل می‌شد و موقع تیراندازی به‌جای پایه به‌زمین تکیه داده می‌شد و سربازان در حال به‌زانو تیراندازی می‌کردند. افراد پیاده نظام از بیست هزار نفر تجاوز نمی‌کردند فرماندهان پیاده نظام به‌نام تفنگچی لر آقاسی خوانده می‌شدند و مسئولیت تمام کارهای مربوط به‌تفنگچیان از قبیل آموزش و جمع‌آوری آنها برای جنگ و پرداخت مواجب را برعهده داشتند.

سوار نظام

سوار نظام دوره صفویه مرگب از پنج قسمت عمده زیر بوده است

۱- قوللر

افراد این طبقه از غلامان گرجی چرکسی، داغستانی و غیره تشکیل می‌شد که اغلب آنها را امیران مطیع گرجستان و داغستان یا حکام محلی ولایات قفقاز برای پادشاه می‌آوردند،

۱- پی یترودولواله، ایتالیایی در سال ۱۶۱۸ به ایران آمد.

این افراد از سنین طفولیت در دستگاه سلطنتی رشد می‌کردند و در واقع خانه‌زاد و مورد توجه مخصوص شاه بودند.^۱

افراد این طبقه جزو سوار نظام بودند و به‌حال سواره می‌جنگیدند اسلحه آنها مختلف بود بعضی با تفنگ فتیله‌ای و برخی به تیرو کمان و شمشیر و تبرزین مسلح می‌شدند، فرمانده آنها به نام قوللر آقاسی موسوم بود تعداد نفرات این دسته در حدود پانزده هزار نفر بود و از خزانه سلطنتی حقوق کافی دریافت می‌داشتند.^۲

۲- قزلباش

قدیمی‌ترین بخش ارتش ایران که از زمان شاه اسماعیل تشکیل یافت، قزلباش‌ها بودند، قزلباش از هفت طائفه معتبر شاملو، استاجلو، روملو، ذوالقدر، افشار و قاجار و تکلو تشکیل می‌شد که جزو نجبا و اشراف محسوب شده و لقب "بیگی" داشتند. قزلباش‌ها عموماً سواره می‌جنگیدند.

- اسلحه آنها تا آخر هم عبارت از تیروکمان و شمشیر و سپر بود و به تفنگ فتیله‌ای به‌نظر حقارت می‌نگریستند ولی بعضی از آنها تفنگ هم به‌دوش می‌انداختند.

افراد قزلباش آزاد و تقریباً مستقل بودند و تا موقعی که حقوقشان از طرف رؤسا مرتباً پرداخت می‌شد سرخدمت حاضر بودند ولی به‌میل خود می‌توانستند از خدمت کناره‌گیری نمایند. قدرت و نفوذ رؤسای قزلباش در زمان شاه عباس با ایجاد تفنگچیان و غلامان کاسته شد.

۳- قورچیلر

این قسمت عبارت بود از گارد مخصوص سلطنتی که وظیفه آنها حفظ جان شخص شاه بود. قورچی‌ها سواره می‌جنگیدند و فرمانده آنها به نام قورچی‌باشی خوانده می‌شد و در آغاز تأسیس الله‌وردیخان فرماندهی آنرا به‌عهده داشت.

۱. نصرالله فلسفی - زندگانی شاه عباس جلد دوم انتشارات علمی صفحه ۸۱۰ " غلامی شاه بر خلاف آنچه از این عنوان بر می‌آید در دوره صفویه از جمله افتخارات شمرده می‌شود و مایه شهرت و بلندی نامی بود".

۲. پادشاهان ایران دفاع از سرزمین خود را به عهده سواره نظام خود نهاده و در این راه کامیاب بودند اسلحه سوارنظام ایران عبارت بود از شمشیر، یک جفت طپانچه، یک قرابینه و گاهی نیزه با تیروکمان (سفر نامه ونیزیان در ایران صفحات

۴ - توپخانه

ارتش ایران دارای چندین آتشبار بود و تعداد توپ‌های برنجی موجود در سراسر کشور را حدود پانصد عراده تخمین می‌زدند، تعداد توپچیان حدود چهار هزار نفر بودند. فرمانده کل توپخانه به "امیر توپخانه" موسوم بود و خدمه توپ‌ها را به نام عمله توپخانه می‌نامیدند.

۵ - نسقچی کر

علاوه بر طبقات مختلف ارتش قسمتی به نام نسقچی لر وجود داشت که در واقع عهده‌دار وظیفه امنیه و در مواقع لشکرکشی مأمور حفظ نظم و امنیّت راه‌ها و جاده‌ها بودند و فرمانده کل آنها را "نسقچی‌باشی" می‌گفتند. جمع نفرات ارتش ایران اعم از دولتی و یا غیردولتی در حدود صدهزار نفر بودند و از این عده سی هزار نفر مأمور سرحدات بودند و از محل خدمت خود خارج نمی‌شدند. البته اگر تمام خدمه، صنعتگران، چهارپاداران و کسبه و غیره را که مسلماً بارود و حرکت می‌کردند جزو ارتش حساب کنیم تعداد افراد ارتش از صد و پنجاه هزار نفر هم تجاوز می‌کرد.

در عالم آرای عباسی^۱ چنین آمده است: "یوزباشیان عظام و ارباب منصب، قورچیان، سایر ملازمان درگاه حضرت شاه جنت مکان در حین ارتحال شاه اسماعیل شش هزار نفر بودند از آن جمله چهار هزار و پانصد نفر قورچی و یک هزار و پانصد نفر از قورچیان داش و یساولان، بوکاولان در میان این گروه بودند. در کتاب احسن التواریخ نفرات ارتش ایران در زمان شاه طهماسب "زیاده از هفتاد هزار" ذکر گردیده است.

^۱ - اسکندر بیک ترکمان - عالم آرای عباسی - جلد اول - انتشارات امیر کبیر - صفحه ۱۴۱.

بخش دوم - دوره افشاریه

۱۷۳۰م از لحاظ سازمانی با این که هسته اصلی ارتش نادری را عشایر تشکیل می‌دادند معه‌ذا نادر با کمک فکری دو افسر اروپایی که متأسفانه نامشان تا کنون مشخص نگردیده عشایر مذکور را تا حدودی به‌نظم درآورده و به آنها سازمان داده بود به این ترتیب که هر ده نفر زیر نظر یک گروه‌بان به نام "داؤن باشی" و هر ۱۰ گروه تشکیل یک گروهان ۱۰۰ نفره می‌دادند که یک یوزباشی در رأس آن قرار داشت پس از آن مین‌باشی‌ها بودند که ۱۰۰۰ نفر ابوابجمعی داشتند که بر ۱۰ یوزباشی فرماندهی می‌کردند.

از مین باشی بالاتر امیرتومان بود که بر ۱۰ مین‌باشی یعنی ۱۰ هزار نفر فرماندهی می‌کرد. چون جمع‌آوری این عده از ایلات مختلف و گذاشتن آنها زیر امر یک نفر اشکالات زیادی ایجاد می‌کرد نادر با کمک افسران اروپایی ۲ تا ۶ فوج^۱ را زیر امر یک فرمانده لایق می‌گذاشت. از این به بعد است که در تاریخ نظامی ایران به‌عنوان سرهنگ و سرتیپ برخورد می‌نماییم فی‌المثل نادر ۳ تا ۶ فوج را که تشکیل یک تیپ می‌داد زیر فرمان سرتیپ حاجی‌خان بیک افشار قرار داد و سرهنگ جوانقلی‌خان را به فرماندهی یک هنگ منصوب نمود. در زمان نادرشاه استعداد ارتش ایران به گفته مورّخین اروپایی از جمله "جونس هانوی" یک صد و شصت هزار نفر بوده که بیشتر آنها سواره نظام بودند و تعداد توپ‌ها را از ۵۰ تا ۲۰۰ عراده گفته‌اند.^۲

تاریخ‌نویسان مطلع و بی‌طرف استعداد ارتش ایران در سفر به هندوستان را به شرح زیر مطرح نموده‌اند:

قوللر ده هزار نفر، خواجه زادگان (فرزندان افسران شهید) هزار نفر، کشیک‌چی ده هزار نفر جارچی سه هزار نفر، چاوش ۹۰۰ نفر، یساول هزار و دویست نفر، نسقچی (دژبان) دویست و پنجاه نفر، جلودار صد نفر، جزایرچی بیست هزار نفر، قراچورلو (پیاده) شصت هزار نفر، سوارنظام افغانی ۵۰ هزار نفر، سوار نظام افشار بیست هزار نفر، تاتارها ۳۰ هزار نفر،

۱ - فوج - همان ساختار هنگ را داشت که این عنوان تا زمان پهلوی بیان می‌شد.

۲ - جونس "یونس" هانوی نویسنده انگلیسی کتاب زندگی نادر شاه ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی صفحه ۲۰۲ الی

توپچی و مهندس ۱۰ هزار نفر، جمع استعداد ارتش دویست و شانزده هزار و چهارصد و پنجاه نفر.

سرلشکر ابوتراب سردادور در کتاب "تاریخ نظامی و سیاسی دوران نادرشاه افشار" استعداد ارتش را به شرح زیر ذکر نموده است:

پیاده نظام تفنگدار	۱۰۰۰ نفر
پیاده نظام کماندار و شمشیرزن	۱۰۰۰۰ نفر
سوار نیزه‌دار	۲۰۰۰۰ نفر
سوارکار کارابین‌دار شمشیرزن	۳۰۰۰۰ نفر
جمازه سواران و زنبورک‌چیان	۲۰۰۰ نفر
سوارنظام گارد شاهنشاهی	۵۰۰۰ نفر
دسته توپخانه (۱۰۰ عراده توپ سبک)	۵۰۰۰ نفر
عوامل مختلفه بنه و سررشته‌داری و بهداری	۵۰۰۰ نفر
نسقچی (دژبان‌ها)	۲۰۰۰ نفر
	۸۰۰۰۰ نفر

مورخین روسی و فرانسوی اکثراً نادر را با ناپلئون مقایسه کرده‌اند از جمله شارل پیگلت فرانسوی که در زمان حیات ناپلئون در سال "۱۸۱۰ میلادی" در کتاب خود نادر را ناپلئون شرق دانسته اگر چه نادر از نظر عملکرد راهبردی سرآمد ناپلئون بوده است.

حمله ناپلئون به مسکو در ۱۸۱۲م در منطقه اروپا از جاده‌های کالسک‌هرو و راه‌های هموار و مناسب، بیش از ۳ هزار کیلومتر مسافت نبوده است در صورتی که نادر مسافت ۳۴۴۱ کیلومتری از اصفهان تا دهلی را پیمود و در مسیر خود از میان دهها هزار نفر افراد مسلح گذشت و سرمای کوهستان‌های افغانستان و مشکلات عبور از رودخانه‌هایی را که عرض آنها حدود یک کیلومتر بود، تحمل نمود. البته باین تفاوت که نادر این عملیات را باموفقیت به اتمام رساند ولی نبرد مسکو باشکست ناپلئون خاتمه یافت.

عملیات دریایی ناوگان نادری در جنوب^۱

۱- عملیات بصره به فرماندهی دریابییگی لطیف‌خان اجرا شد، تجهیزات دریایی ایران در این عملیات شامل ۳ ناو بزرگ از نوع بریگانتین^۲ و ۵۰ کشتی از نوع کوچک بود.

۲- عملیات دریایی بحرین که در آن استعداد نیروی دریایی ۴ هزار نفر بود و در سال ۱۱۱۵ ه.ش. (۱۷۳۶م) اجرا شد که طی آن جزایر بحرین و کیش به دامن وطن باز گردانده شدند.

۳- عملیات دریایی عمان که به استعداد زیر و به فرماندهی دریابییگی لطیف‌خان در سال ۱۷۳۷ انجام و منجر به تصرف رأس‌الخیمه - جلفار و دماغه مسندام گردید:

چهار فروند ناو بزرگ از نوع بریگانتین

دو غراب ناو متوسط

چند کشتی کوچک

۵۰۰۰ نفر سپاهی پیاده و سوار

در نیروی دریایی زمان نادرشاه کاپیتان و خدمه فنی اروپایی بودند ولی ملوانان و خدمه ناوها اکثراً ایرانی و یا اعراب جنوب بودند. ضمناً ظرفیت نیروبری ناوهای بزرگ بین ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر بوده است.

^۱ - تحلیل تاریخی قدرت دریایی ایران - مدیریت مطالعات و تحقیقات نداجا سال ۱۳۷۵.

^۲ - بریگانتین شامل کشتی‌هایی است که طول آنها ۹۰ متر بوده و در دوران نادر هر کشتی دارای ۸ توپ بوده است.

بخش سوم - دوره زندیه ۱۱۳۶ ه - ش برابر با ۱۷۵۷ م

بعد از نادرشاه افشار دوران هرج و مرج و بی سرو سامانی در کشور آغاز شد. پس از قتل نادر ارتش او تجزیه شد. احمدخان ابدالی فرمانده سپاهیان افغانی با قشون ده هزار نفری به قندهار گریخت و در آنجا سلطنت خود را پی‌ریزی کرد و بنام احمدشاه درآنی نخستین سنگ بنای استقلال افغانستان و جدایی آنرا از ایران بنا نهاد. علیقلی خان برادرزاده نادر در ششم ژوئیه ۱۷۴۷ به نام عادل شاه در مشهد به حکومت رسید ولی پس از یکسال از برادرش شکست خورد و ابراهیم خان به سلطنت رسید و بالاخره پس از کشته شدن عادل شاه و برادرش ابراهیم خان حکومت به شاهرخ نواده نادر که تنها بازمانده خاندان افشار بود رسید و در سال ۱۷۴۸ در مشهد به تخت نشست.

علاوه بر احمدشاه درآنی در افغانستان و شاهرخ افشار در خراسان چهار مدعی دیگر هم با نام‌های آزادخان افغان داماد اشرف، دراکلی دوم والی گرجستان، محمدحسن خان رئیس ایل قاجار و دیگری در لرستان و فارس به نام کریم خان زند وجود داشتند. این مدعیان سلطنت برای تصاحب تاج و تخت بی صاحب ایران به جان هم افتاده بودند و ارتش ایران نیز در دست سرداران نادر تقسیم شده بود.

کریم خان پس از شکست دادن محمد حسن خان و آزادخان توانست حکومت خود را در شیراز مستقر نماید. در مدت بیست و دو سال حکمرانی کریم خان (۱۷۷۹-۱۷۵۷) مردم از یک دوره صلح و آرامش که به آن نیاز مبرم داشتند برخوردار شدند.

از وقایع مهم دوران کریم خان جنگ ایران و عثمانی بر سر مسئله بصره بود زیرا عمر پاشا والی بغداد از زائران ایرانی مالیات می‌گرفت وقتی که موضوع به وسیله سفیر ایران در استانبول به سلطان عبدالحمید گفته شد مؤثر واقع نگردید در نتیجه کریم خان با یک سپاه شصت هزار نفری به فرماندهی برادرش صادق خان به بصره حمله کرد و پس از سیزده ماه و در اوایل سال ۱۷۷۶ م. بصره را تصرف نمود و نمایندگی تجارتی انگلیس را تعطیل کرد.

در این دوره هسته‌های مرکزی نیروهای تحت امر کریم خان عبارت بودند از دو هنگ پیاده نظام، دو هنگ سواره نظام، یک فوج توپخانه که تعداد آن‌ها بیش از ده هزار نفر نمی‌شد ولی در مواقع جنگ افراد بیشتری به خدمت می‌گرفتند.

اوضاع کشورهای همجوار

۱- هندوستان

پس از مرگ کریم خان زند به‌هنگامی که بین جانشینان او بر سر حکومت ایران اختلافات شدیدی به‌وجود آمده بود انگلیسی‌ها که کشور هندوستان را تصاحب نموده بودند به تدریج به فکر تصرف مناطق ساحلی کشورهای خلیج فارس و جزایر ایران افتادند لذا از فرصت استفاده کرده و جزیره قشم را اشغال و آنرا پایگاه ناوگان خود در خلیج فارس نمودند. سپس برای تجدید روابط بازرگانی با ایران اقدام نمودند.

در ژانویه ۱۷۸۸ میلادی کنسول انگلستان در بصره هیأتی را به‌شیراز فرستاد که به حضور جعفرخان زند رسیدند و پس از مذاکراتی که صورت گرفت مقرر گردید باتباع انگلیسی در امور بازرگانی نهایت مساعدت و همراهی به‌عمل آید و از کلیه مالیات‌ها و عوارض و حقّ راهداری و غیره معاف باشند، منظور جعفرخان از صدور این فرمان رونق دادن به بازار تجارت ایران بود که در اثر کشمکش‌های داخلی به‌شدت کساد شده بود. اما در واقع انگلیسی‌ها آنرا بهانه قرار داده و حقّ انحصاری تجارت در خلیج فارس را به‌خود تخصیص داده و شروع به‌توسعه نفوذ خود در منطقه نمودند، هم زمان توانستند سرزمین‌های وسیعی را در هند متصرف شوند و مستعمرات خود را تا سرحدات افغانستان توسعه دهند باتوسعه نفوذ انگلستان در هند روابط ایران و انگلیس تغییر شکل داد و در اوایل قرن نوزدهم ایران و خلیج فارس به‌صورت حصار و حفاظ سرحدات هند درآمدند.

۲- روسیه تزاری

دولت روسیه نیز به‌محض این که سلطنت کاترین دوّم قدرت و استحکام یافت تصمیم گرفت از وضع آشفته ایران به‌نفع خود استفاده کند، روس‌ها در ابتدا متوجه گرجستان شدند و چون آرایکلی خان والی آن ایالت تمایلات تجزیه‌طلبانه و جدا شدن از ایران را داشت باوی ارتباط برقرار نمودند. در ژوئیه ۱۷۸۳ میلادی یک معاهده سرّی به‌نام گیورگیفسک بین آرایکلی خان و دولت روسیه منعقد گردید و به‌موجب آن گرجستان تحت‌الحمايه روسیه گردید و از داشتن روابط مستقیم با ایران و عثمانی صرف‌نظر نمود. متقابلاً دولت روسیه از والی گرجستان حمایت نمود و یک لشکر روسی وارد خاک گرجستان گردید. دولت روسیه پس از

فتح گرجستان سرگرم جنگ و مبارزه در جبهه اروپا بر سر تقسیم لهستان شد، لذا قادر به جنگ در دو جبهه ایران و اروپا نبود.

۳- افغانستان

در افغانستان پس از یک دوره طولانی سلطنت تیمورشاه که مردم از رفاه و آسایش برخوردار بودند در سال ۱۷۹۳ میلادی تیمورشاه درگذشت و فرزندانش بر سر تصاحب تاج و تخت به جان هم افتادند بالاخره پس از مدتی، زمان شاه فرزند ارشد تیمورشاه توانست بر قندهار، کابل و غزنین مسلط شود و سلطنت خود را در سال ۱۷۹۹ مستقر سازد.

۴- ترکستان

در ترکستان بیگی جان ازبک حکومت می کرد و قلمرو او بین رودخانه های سیحون و جیحون بود و مدتی هم مرو را در تصرف داشت. وی در سال ۱۷۹۴ به خراسان حمله کرد ولی چون تسخیر پایتخت خراسان خارج از قدرت او بود به مقر حکمرانی خود مراجعت نمود.

۵- عثمانی

دولت عثمانی که قوی ترین دشمن ایران در طی قرون گذشته بود به علت شکست های پی در پی از روسیه به خصوص پس از انعقاد معاهده صلح (یاسی) تضعیف شد و به هیچ وجه قادر نبود از وضع پر آشوب ایران به نفع خود استفاده نماید.

در سال ۱۶۹۹ م. مجارستان از دست امپراتوری عثمانی بیرون رفت و جزو متصرفات اتریش گردید و سقوط عثمانی ها آغاز گردید لذا از سال ۱۶۹۹ تا سقوط امپراتوری ناپلئون یعنی ۱۸۱۲-۱۸۱۵ میلادی اراضی از دست رفته عثمانی یا به خاک اتریش افزوده شد و یا به خاک روسیه تزاری اضافه گردید و اراضی اروپایی نشین آن که در قرن نوزدهم مجزی گردید، به صورت کشورهای مستقلی درآمدند و تنها کشورهای عرب زبان از الجزایر تا شیخ نشینان جنوب خلیج فارس تحت تسلط این کشور بودند.

اوضاع کشورهای اروپایی در اوایل قرن نوزدهم

در سال ۱۷۸۹ فرانسه گرفتار انقلاب شد و این سرآغاز تغییرات در روابط اجتماعی و سیاسی بود که حاصل آن جنگ هایی است که یک ربع قرن طول کشید و سبب بوجود آمدن

آراء و مفاهیمی از دولت گردید که آثار ژرف و وسیعی بر اوضاع سیاسی سایر کشورهای اروپا و جهان داشت.

در سال ۱۷۹۲ ناپلئون در فرانسه به قدرت رسید و در سال ۱۷۹۹ به مصر حمله کرد. در اکتبر ۱۸۰۶ فرانسویان در دو نبرد وینا و اورشتاد لشکریان معروف پروس را در هم شکستند و پادشاه پروس و دولت وی به شرق گریختند اما ناپلئون از لهستان غربی و همچنین پروس شرقی عبور کرده با سپاهیان روسی درگیر شد و آنها را در سال ۱۸۰۷ در فریدلند شکست داد. فلذا الکساندر پادشاه مقتدر روسیه تمایل خویش را برای مذاکرات صلح با ناپلئون اعلام داشت و نتیجه مذاکرات آنها عهدنامه تیلزیت در ژوئیه ۱۸۰۷ بود که سبب اتحاد دو امپراتوری روسیه و فرانسه گردید. لازم به ذکر است که هدف اصلی این دو کشور مقابله با انگلیس بود. البته این اتحاد بیش از ۵ سال استمرار نیافت.

در سال ۱۸۰۸ ناپلئون در صدد ایجاد حکومت لهستان یا به قول خودش گراند دوک نشین ورشو برآمده بود. این امر در حکم وارد آوردن ضربتی به الکساندر پادشاه روسیه بود. در آوریل ۱۸۰۹ ناپلئون به اتریش حمله برد و در ژوئیه در نبرد "واگرام" این کشور را شکست داد. در پایان سال ۱۸۱۱ تمامی قاره اروپا به استثناء انگلستان و جزایر پراکنده اطراف اروپا در قبضه ناپلئون بود و روسیه و عثمانی نیز در حوزه دانوب در حال جنگ بودند. اضمحلال ناپلئون دیگر میسر نبود جز از طریق امحاء لشکریان وی و چنین امری نه به کمک ثروت یا نیروی دریایی انگلیس ممکن بود و نه از دست قوای مسلح پروس و اتریش بر می آمد. دیدگان همه معطوف به روسیه گردید.

در ژوئن ۱۸۱۲ ناپلئون بارتش ۷۰۰ هزار نفری خود عازم روسیه شد، غرض وی جنگی سریع و کوتاه مانند اکثر جنگ های گذشته خود بود. به همین جهت فقط آذوقه سه هفته را با خود حمل کرد.

ارتش روسیه بایک عقب نشینی تاکتیکی کلیه منابع موجود در سر راه ارتش فرانسه را از بین بردند "استراتژی زمین های سوخته" و در چهاردهم سپتامبر ۱۸۱۲ ناپلئون وارد مسکو گردید ولی شهر در آتش می سوخت و ناپلئون ناگزیر شد در فصل زمستان مسکو را ترک نماید. تعداد ۴۰۰ هزار نفر از ارتش فرانسه در اثر جراحات وارده در میدان جنگ، گرسنگی و

سرمازدگی تلف گردیدند و یکصد هزار نفر نیز به اسارت درآمدند در نتیجه ارتش عظیم ناپلئون دیگر وجود خارجی نداشت.

در ۱۸۱۴ اولین عهدنامه پاریس سرحدات فرانسه را محدود به حدود و ثغور آن کشور در ۱۷۹۲ نمود که پیامد آن تسخیر متصرفات فرانسه، هلند و اسپانیا توسط سپاهیان انگلیس و بالاخره مسئله سیادت و تسلط انگلیس بر دریاها بود.

انگلستان و روسیه قبل از کنفرانس بین‌المللی توافق نمودند که در باره عثمانی و بالکان مذاکره نشود به علاوه پاره‌ای از فتوحات روسیه در قفقاز که تقریباً هیچکس در اروپا از نام و نشان آنها اطلاعی نداشت مطرح نگردد.

طی دوازده سال از (۱۸۵۹ تا ۱۸۷۱) در آلمان، امپراتوری جدیدی به وجود آمد "وحدت آلمان تحقق پیدا کرد" که بنیان‌گذار و صدر اعظم آن بیسمارک بود. در ایتالیا شش ایالت مستقل بزرگ و چندین ایالت بسیار کوچک وجود داشت که در کنگره وین مجدداً آنها به صورت اول برگردانیده شدند.

حکومت پادشاهی دوگانه اتریش و مجارستان قدم به عرصه وجود نهاد، کلیه این حوادث متفاوت معرف تغییراتی بود که بر اثر پیدایش خطوط آهن، کشتیهای بخار و تلگراف به وقوع پیوست زیرا این وسایل، آگاهی از عقاید سایر ملل و تبادل کالا و حرکت ملل را در مناطق بسیار وسیع، زیاده‌تر و به مراتب سهل‌تر از سابق کرده بود. از لحاظ سیاسی تمامی این حوادث در اروپا معرف پیدایش اصل ایجاد کشور براساس ملیت و قومیت بود. تهیه و تدوین تاریخ نظامی ایران بدون بررسی حوادث کشورهای همجوار و پیشرفت کشورهای اروپایی به هدف مطلوبی که شامل دلایل و علل شکست‌های کشور ما در مقابل روسیه تزاری و انگلیسی‌ها می‌باشد، نخواهد رسید.

قاجاریه، سلسله‌ای که ۱۳۵ سال بر این کشور حاکم بود، از دید مردم ایران به دلیل داشتن پادشاهانی بی‌کفایت و نالایق مورد تنفر می‌باشد.

همزمان با حاکمیت این سلسله در ایران تحولات شگرفی در اروپا به وجود آمد که به مختصری از آن در بالا اشاره گردید. وقایع و آثار این دوران بی‌تردید بر دوران‌های بعد از خود تأثیرات عمیقی باقی گذاشته که می‌بایستی از زوایای مختلف به آن توجه نمود و آنرا مورد بررسی و تحلیل قرار داد. البته تا کنون کتب زیادی در رابطه با تاریخ این دوره به رشته تحریر

ارتش ایران در دوران قبل از قاجاریه / ۲۵

در آمده است که در آنها، مؤلفان، هر یک از دریچه بینش و اندیشه خود، جنگ‌ها و وقایع تاریخی این عصر را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند اما این حوزه همچنان کنکاش و بحث بیشتری را طلب می‌نماید.

بخش چهارم - اوضاع ارتش‌های پیشرفته جهان اوایل قرن نوزدهم از نظر تجهیزات و تغییرات در تاکتیک و تکنیک جنگ

۱- انقلاب صنعتی

بطور کلی از آغاز تاریخ تا حدود سال ۱۸۰۰ میلادی کلیه امور مردم جهان به کمک افزار دستی انجام می‌شد.

از سال ۱۸۰۰ به بعد بوده است که بشر بر موارد استفاده از ماشین فائق گردید. قبل از سال ۱۸۰۰ عضلات آدمی یا حیوان به کمک اهرم، جرثقیل، نیروی آب جاری و یا باد تولید نیرو می‌کرد. از آن تاریخ به بعد بشر توانست به نیروهای ناشناخته از قبیل بخار آب، الکتریسیته، احتراق گاز و بالاخره همین اواخر به انرژی اتمی دسترسی پیدا کند.

انقلاب صنعتی هنوز جریان دارد زیرا در پاره‌ای از کشورهای توسعه نیافته تازه آغاز گردیده است.

حدود سال ۱۷۰۲ میلادی (توماس نیوکومن) موفق به ساختمان نخستین ماشین بخار شد از ماشین برای استخراج ذغال سنگ از اعماق زمین استفاده گردید و بدین ترتیب اولین گام را بشر در جهت در خدمت گرفتن علم به منظور پیشرفت را برداشت.

در سال ۱۷۶۳ میلادی جیمز وات ماشین بخار نیوکومن را تکمیل نمود و بتدریج پس از تکمیل از این ماشین برای حرکت قطارها کشتی‌ها و سایر وسایل نقلیه استفاده گردید.

اروپائیان با استفاده از کشتی‌های خود و سابقه دریا نوردی به سایر قاره‌های جهان هجوم بردند و سهم انگلیس از این مستعمرات بیش از دیگر کشورها بود انگلیسی‌ها حدود ۲۰ میلیون کیلومتر مربع از خاک جهان را تحت سلطه خویش در آوردند و در سایر مناطق چون خاورمیانه، خلیج فارس و دریای عمان حضور فیزیکی داشتند.

۲- جنگ افزار

از آغاز قرن نوزدهم (۱۸۰۱ م) جنگ افزارهای پیاده نظام سریعاً رو به تکامل رفته و باعث تغییراتی در میدان نبرد گردید. ارتش های پیشرفته اروپایی نیز به تدریج به تأثیرات سلاح گرم در عملیات تاکتیکی پی برده و روز به روز نسبت به تکامل و توسعه آن اقدام نمودند. در سال ۱۸۰۶ تفنگ چخماقی مورد استفاده قرار گرفت که از نظر برد و نواخت تیر نسبت به جنگ افزار قبلی بهتر بود زیرا در هر دقیقه سه الی پنج تیر تیراندازی می نمود و حداکثر برد آن به ۳۵۰ متر می رسید.

۳- سلاح های پیشرفته و چگونگی سیستم کار آنها

هنگامی که تفنگ های (فتیله ای و چخماقی) سرپُر در قرن نوزدهم میلادی ابداع شد کم کم در سلاح کمری نظامیان یک سری دگرگونی هایی انجام گرفت، به ویژه برای ساخت گلوله های مورد نظر اقدامات مهمی به شرح زیر به عمل آمد.

الف - تفنگ

در قرن نوزدهم تلاش بر این بود که مکانیسم تفنگ ها را هر چه کامل تر بنمایند که حاصل آن به شرح زیر بود:

- تا سال ۱۸۶۰ سرعت سیر گلوله ها به ۲۹۰ متر در ثانیه رسید.
- در سال ۱۸۸۰ نیترو سلولز به جای باروت سیاه برگزیده شد و در نتیجه سرعت سیر گلوله ها به ۸۳۵ متر در ثانیه رسید.
- در سال ۱۸۸۱ "روبین" افسر سوئسی اولین گلوله کامل بارپوشی مسی را طراحی کرد.

- در سال ۱۸۸۵ فردیناند اتریشی خشابی از جنس آهن سبک ساخت.
 - در سال ۱۸۹۲ انگلیسی ها در مورد دستگاه چکاننده و گلنگدن گام بزرگی برداشتند.
- در نتیجه در جنگ جهانی اول تمامی کشورهای درگیر جنگ از تفنگ هایی بالوله های خان دار و از باروت بدون دود استفاده می کردند.

۴- رسته‌های نظامی

از سال ۱۸۰۲ م رسته‌های مختلف در ارتش‌های جهان رسماً دایر گردیدند صنف مهندسی به واسطه پیشرفت علم و صنعت رو به ترقی گذاشتند و تا استعداد یک هنگ در داخل ارتش سازمان یافتند که گروهان‌های مخابرات، پل‌سازی، تخریب استحکامات، قلعه‌سازی و راهسازی جزئی از آن بودند.

تلگراف الکتریکی در سال ۱۸۳۳ به وسیله "گوسن" آلمانی و به دنبال کشفیات "آمپر" و "آراگو" فرانسوی اختراع گردید و اولین نوع علمی آن را مورس امریکایی ساخت و از سال ۱۸۳۶ م ابتدا ارتش انگلیس و آمریکا و سپس در سال ۱۸۴۰ ارتش کشورهای فرانسه، روس و اتریش به دستگاه تلگراف مجهز گردیدند در سال ۱۸۵۵ م تلفن اختراع و از سال ۱۸۶۹ در ارتش‌ها معمول گردید.

۵- ترابری

چون سرعت در تمرکز نیروها، دارای اهمیت زیادی بود، لذا از وسایل جدیدی که سرعت حرکت نیروها را افزایش می‌داد استفاده گردید.

از سال ۱۸۳۸ حمل و نقل کارکنان و تجهیزات به وسیله خطوط راه‌آهن انجام می‌گرفت و در اواسط قرن نوزدهم خطوط راه‌آهن به وسیله خطوط دریایی تکمیل شد و ارتش‌ها به حرکات خود سرعت بخشیدند.

اختراع کشتی‌های بخاری در سال ۱۸۰۷ م باعث تحوّل شگرف در نیروهای دریایی و ناوگان‌های تجاری جهان گردید و در پنجم آوریل سال ۱۸۳۸ نیروی دریایی انگلستان از سواحل اروپا به سمت سواحل آمریکا حرکت کرد و پس از ۱۸ روز به آنجا رسید و این نخستین عبور از اقیانوس اطلس به آمریکا بود.

۶- سربازگیری عمومی

برای اولین بار در کشور پروس (فردریک ویلهلم) خدمت نظام اجباری اعلام گردید پس از آن دولت فرانسه نیز که در زمان انقلاب کبیر مجبور به جنگ با ارتش‌های متحد دول اروپایی شده بود، قانون خدمت نظام اجباری ابتکاری پادشاه پروس را پذیرفت و ارتش فرانسه از آن پس بر همین مبنا استوار گردید. این روش مدّتی در اروپا مرسوم بود تا این که ویلهلم

ارتش ایران در دوران قبل از قاجاریه ۲۹/

اول پادشاه پروس در سال ۱۸۶۲ خدمت نظام اجباری، منظمی را برقرار ساخت و در نتیجه ارتش دولت پروس همواره از حیث عده بر نیروهای سایر دول اروپا برتری داشت و همین امر موجب فتوحات پروس در سالهای ۱۸۶۶ الی ۱۸۷۸ گردید.

۷- مدارس نظام

در این دوره فنون نظامی از اهمیت خاصی برخوردار بود، به همین دلیل ناپلئون دستور داد که هر دسته نظامی را در مدرسه‌ای رایگان آموزش دهند. بعد از ناپلئون نیز دروس نظامی توسعه بیشتری یافت و در پایتخت کشورهای اروپایی مدارس نظام به وجود آمد. در سال ۱۸۱۸ مدارس نظامی فرانسه پیشرفت زیادی نمود به نحوی که اغلب کشورها افسران خود را برای تحصیل به پاریس فرستاده و در دانشکده افسری (سن سیر) علوم نظامی را فرا می‌گرفتند.

۸- تاکتیک‌های نظامی جدید

یکی از تاکتیک‌ها در قرن نوزدهم این چنین بود که پیاده نظام و سواره نظام در دو صف متوازی در برابر دشمن صف‌آرایی می‌کردند. پیاده‌نظام در جلو به منزله دیواری از انسان بود که در سه صف متفاوت ایستاده و افراد به یکدیگر چسبیده بودند و در آغاز نبرد ابتدا آنها تیراندازی می‌کردند و تمام قواعدی که در تمرین به آنها آموزش داده شده بود عیناً در میدان نبرد انجام داده و در اثر تمرین زیاد به‌بازاری بی‌اراده و ماشین‌های بی‌جان تبدیل شده بودند. صاحب‌نظران این دوره پس از جنگ اروپا تاکتیک‌ها را قدری تغییر دادند و با تفکیک پیاده‌نظام از سواره در تاکتیک جدید به‌طریق مناسب از آنها استفاده و از توپخانه نیز برای پشتیبانی از آنها کمک گرفته شد.

در این دوره گروهان واحد اصلی بود ولی باتشکیل گردان پیاده وظیفه گروهان‌ها خیلی آسان‌تر شد. لشکرها غالباً مختلط بودند یعنی هر لشکر دارای چند گردان اسواران و چند آتشبار توپخانه بود به علاوه هر گردان پیاده نیز توپخانه مختلطی با خود داشت که در عملیات با وی همراه بود. هر سه تا شش لشکر پیاده و دو تیپ سوارنظام را یک اردوی نظامی می‌نامیدند و سازمان سپاه هنوز مرسوم نشده بود. این سازمان‌ها را اغلب کشورهای اروپایی از یکدیگر تقلید می‌کردند و تا سال ۱۸۷۰ م برقرار بود.

اصول جنگ و طریقه استفاده صحیح از زمین جهت حمله و یا دفاع در مدارس نظامی آموزش داده می‌شد و افسران بر حسب لیاقت و شجاعت خود در میدان‌های نبرد مدارج فرماندهی را طی می‌کردند.

۹- نیروی دریائی

اختراع کشتیهای بخار (۱۸۰۷ م) سبب شد تا در سال ۱۸۳۸ نیروی دریائی انگلیس از سواحل اروپا، امریکا را پس از هیجده روز برای نخستین بار از اقیانوس اطلس طی نماید و صیادت دریائی خود را در اقیانوسها نشان دهد با این قدرت دریائی و داشتن پیشرفته ترین تجهیزات و تاکتیکهای جدید که بوسیله کشور های اروپائی تعامل یافت، اقدام به دست اندازی به قاره های جهان نمودند.

۱۰- نیروی هوائی

خیال استفاده از بالونها برای عملیات جنگی اولین بار در سال ۱۷۹۴ م بوسیله فرانسویان بود در آن موقع از این وسیله بیشتر برای انجام دیدبانی بکار می‌رفت در سال ۱۸۰۰ تشکیلات صنف هوائی در فرانسه توسعه یافت و این تفکر تا اختراع هواپیما بوسیله برادران رایت از امریکا در سال ۱۹۰۹ عملی گردید.^۱

^۱ - تاریخ قرن بیستم، انتشارات مطبوعات روزنامه ایران جلد اول صفحه ۸۳ سال ۱۳۷۹

فصل دوم

ارتش ایران در دوره اول قاجاریه

اصطلاحات متداول ، قشون و نظمیه در دوره قاجاریه

ردیف	واژه‌ها	مفاهیم
۱	اترید	هریک از واحدهای نه گانه تشکیل دهنده دیویزیون قزاق روسی
۲	آردل	متشکل از پیاده ،سوار توپخانه
۳	آجودان	سربازدر خدمت یکی از فرماندهان
۴	آژان	دستیار فرمانده واحد
۵	اتا ماژور	مأمور جزء پلیس
۶	اخاسیوس	صاحب منصب بزرگ کاپیتان-کلنل
۷	ارکان حرب	توپ اخاسیوس
۸	اسپیران	ستاد فرماندهی- قرارگاه مرکزی یک واحد
۹	استخبارات	ستوانیار
۱۰	اسکادران	واحد مخابرات
۱۱	امنیه	واحد سوار-سیصد سوار از سه با تالیون
۱۲	ادمیرال	نوعی تشکیلات انتظامی محلی نظیر ژاندارمری
۱۳	امیر تومان	صاحب بالا ترین مرتبه در نیروی دریائی
۱۴	امیر نظام	سرتیپ
۱۵	باتالیون	صاحب بالاترین مرتبه نظامی
۱۶	باتری	واحد کوچکتر از هنگ - یک گردان
۱۷	بالابان	واحد توپخانه مرکب از چهار تا شش توپ(یک آتشبار)
۱۸	برانکار	دسته موزیک نظامی
		وسیله حمل بیمار یا مجروح

ردیف	واژه‌ها	مفاهیم
۱۹	برج و بارو	مجموعه ای از دیوارها و برجهای اطرف قلعه
۲۰	بریگارد	واحد پیاده کمتر از دیویزیون (تیپ)
۲۱	بهادران	دسته سمت راست هر فوج متشکل از افراد زنده را دسته بهادران می‌نامند
۲۲	بیطار	دامپزشک
۲۳	بیک زاده	درجه دار در قرارگاه مرکزی مسئول ابلاغ اوامر فرماندهی
۲۴	پارتیزان	هر یک از افرادی که متهورانه برای ضربه زدن به دشمن انجام می‌دهد
۲۵	پراخوت جنگی	کشتی جنگی
۲۶	تابین	پائین ترین درجه نظامی، سرجوخه، گروه‌بان
۲۷	تامینات	بخشی از تشکیلات پلیس با وظیفه جلوگیری از ارتکاب جرم یا کشف جرم
۲۸	تخماق	میله‌ای چوبی با سرکروی برای متراکم کردن باروت
۲۹	تفنگ کارابین	نوعی تفنگ سبک لوله کوتاه مخصوص سواره نظام
۳۰	توپ ماکزیم	نوعی تیربار یا مسلسل سنگین
۳۱	تومان	واحد بزرگتر از تیپ (لشکر)
۳۲	تیر شراپنل	نوعی گلوله توپ
۳۳	جبه دار باش	رئیس اسلحه خانه
۳۴	جماز سوار	کسی که در عملیات برشته سوار می‌شود
۳۵	جوخه	واحد پیاده کوچکتر از رسد
۳۶	دیسپلن	انضباط و رعایت مقررات در قشون
۳۷	دیویزیون	لشگر
۳۸	دیویزن قزاق	متشکل از ۹ آتریاد
۳۹	راپرت	گزارشی که فرماندهان رده پائین به مقامات بالاتر می‌دهند
۴۰	رایت	بیرق - پرچم
۴۱	رژیمان	واحد پیاده کوچکتر از بریگاد بزرگتر از تالیون‌هنگ
۴۲	رولور	تپانچه خود کار فرانسوی

مفاهیم	واژه‌ها	ردیف
توپ کوچکی که بر روی شتر بسته می‌شد	زنبورک	۴۳
نوعی بالون قابل هدایت آلمانی	زیپلن	۴۴
نیروئی برای حفظ امنیت راه‌ها و نواحی در خارج شهر	ژاندارم	۴۵
سازمان حفظ و امنیت در جاده‌ها و نواحی روستائی	ژاندار مری	۴۶
درجه بالاتر از سرهنگ	ژنرال	۴۷
پادگان-مامور به خدمت و استوار در محلی معین	ساخلو	۴۸
سرکرده لشگریان	سالار	۴۹
سرباز روسی	سالدات	۵۰
فرمانده سپاهیان	سپهدار	۵۱
فرمانده سپاهیان- فرمانده کل قوا	سپهسالار	۵۲
صاحب منصب پائین تراز امیر تومان و بالاتر از سرهنگ	سرتیپ	۵۳
پائین ترین مرتبه نظامی میان وکیل و سرباز	سرجوخه	۵۴
فرمانده ، سدار قشون	سردار	۵۵
سرکرده ماموران کشت	سرگزمه	۵۶
صاحب منصب پایین تر از یاور و بالاتر از نایب (سروان)	سلطان	۵۷
جیره-آذوقه و علوفه نیروها در حرکت	سورسات	۵۸
نوعی گلوله توپ یا نارنجک انگلیسی	شراینل	۵۹
شمشیر (روسی)	شوشکه	۶۰
نوعی طپانچه که شش گلوله در مخزن دارد	شش لول	۶۱
افسران و امیران	صاحب منصب	۶۲
جهت خدمت مخصوص به امور بهداشتی	صحیه نظام	۶۳
مامور دستگاه انتظامی اداره پلیس	ضابطه	۶۴
نوازه طبل- طبال چی	طبال	۶۵
هر نوع وسیله حمل و نقل آبی	طراده	۶۶
بسته‌ای فلزی حاوی ماده منفجره	ترقه	۶۷

ردیف	واژه‌ها	مفاهیم
۶۸	طلایه	واحد گشتی شناسائی برای کسب خبر از دشمن
۶۹	طیاره	وسیله حمل و نقل هوائی مجهز به دو بال و موتور
۷۰	عراده- اراده	نوعی وسیله نقلیه دارای دو یا چهار چرخ که به کمک چهار پایان کشیده می‌شود
۷۱	عریضه	دادخواست- شکایت
۷۲	عسگر	نیروی نظامی
۷۳	عسس	نگهبان شب
۷۴	علیق	غذای اسب و چهارپایان
۷۵	غلاف	محفظه چرمی برای گذاردن شمشیر
۷۶	فانسخه	نوعی کمربند چرمی دارای محفظه‌های برای گذاردن فشنگ
۷۷	فوج	واحد بزرگ در موارد مختلف فوج را باتالیون- یا دورژیمن یا بریگادنام بردند واکثرا در حدیک تیپ بود
۷۸	قداره	نوعی شمشیر سنگین با تیغه پهن و کمی خمیده
۷۹	کارابین	نوعی تفنگ سبک ولوله کوتاه مخصوص سواره نظام فرانسه
۸۰	قراول	سربازی که در یک محل معین به نگهبانی مشغول باشد نگهبان - پاسدار (ترکی)
۸۱	قزاق	به معنی بی خانمان حادثه‌جو و طغیانگر قزاقها شاخه‌ای از ترکها هستند که در خدمت ارتش روسیه در آمدند
۸۲	قورخانه	اسلحه خانه و کارخانه اسلحه سازی
۸۳	کاپیتان	فرمانده گشتی (فرانسه)
۸۴	کلانتر	یکی از مقامات اداره کننده شهر
۸۵	کلانتری	محل و منصب کلانتر شهر
۸۶	کلنل	سرهنگ در ارتش اروپائی
۸۷	کمیسر	واحد انتظامی پلیس در هر یک
۸۸	گارد	گروه افرادی که در یک محل به نگهبانی مشغولند

مفاهیم	واژه‌ها	ردیف
واحد پیاده کوچکتر از فوج و بزرگتر از گروهان	گردان	۸۹
یک واحد رزمی پیاده مرکب از چهار تا هشت هزار سرباز	گروپ	۹۰
واحد پیاده کوچکتر از گردان و بزرگتر از دسته	گروهان	۹۱
مامور گشت زنی و نگهبانی در کوچه‌های شهر در طول شب	گزمه	۹۲
عمل سرکشی به نواحی بدون نگهبان اطراف اردو	گشت	۹۳
یک نیروی نظامی عمده که از چند تیپ تشکیل شده	لشگر	۹۴
در قشون فرانسه درجه‌ای معادل سلطان و در ایران به معنی (ستوان)	لوتنال	۹۵
بالاترین مرتبه نظامی در ارتش‌های اروپایی	مارشال فرانسه	۹۶
معادل یاور (درجه سرگرد)	ماژور فرانسه	۹۷
یا ماکسیم توپ ماکزیم	ماکزیم انگلیسی	۹۸
انجام حرکات جنگی تمرین به منظور آموزش عملی فنون نظامی	مانور	۹۹
متوقف کردن جنگ	متارکه	۱۰۰
نوعی اسلحه گرم خودکار ، مسلسل	مترالیوز	۱۰۱
مامور شناسائی و جلوگیری از حملات غافلگیرانه دشمن	مخبران	۱۰۲
عمل راه رفتن واحد پیاده با نظام و ریتم خاص	مارش	۱۰۳
نوعی تفنگ انگلیسی	مکنزی	۱۰۴
ناظر امور مالی و محاسبات واحد	مشرف	۱۰۵
سرپرست اصطبل و رسیدگی به امور اسب‌ها	میراخور	۱۰۶
مامور اجرای احکام	میرغصب	۱۰۷
فرمانده یک گروه هزارنفره	مین باشی	۱۰۸
منطقه تحت پوشش یک گروهان ژاندارمری	ناحیه	۱۰۹
ستوان - صاحب منصبی پایین تراز سلطان	نایب	۱۱۰
سرهنگ دوم	نایب سرهنگ	۱۱۱
مامور تنبیه افراد خاطی در اردو مامور ایجاد نظم	نسقچی	۱۱۲

ردیف	واژه‌ها	مفاهیم
۱۱۳	نشان	قطعه فلزی، معمولاً به شکل سکه که به خاطر اعمال برجسته یا رشادت در جنگ به فردی اعطا می‌شود.
۱۱۵	نقارچی	نوازنده نقاره (دو طبل کوچک به هم پیوسته) طبال
۱۱۶	نوغان	نوعی اسلحه کمرب سبک
۱۱۷	واکسیل	قبطان‌هائی بافته شده در رنگ‌های مختلف بر حسب شغل واحد یا قسمت که از شانه می‌آویزند
۱۱۸	ورندل	نوعی تفنگ
۱۱۹	وکیل باشی	صاحب مرتبه‌ای پایین تر از نایب و بالاتر از وکیل سرگروهبان
۱۲۰	یاور	مرتبه‌ای پایین تر از سرهنگی و بالاتر از سلطانی — سرگرد
۱۲۱	یسار	قسمت چپ نیروها
۱۲۲	یمین	قسمت راست نیروها
۱۲۳	یوز باشی	فرمانده یک گروه صد نفره

بخش یکم - دوره سلطنت آقا محمد خان قاجار

دوره سلطنت آقامحمدخان قاجار از سال ۱۷۷۹ میلادی ۱۱۵۸ شمسی الی سال ۱۷۹۸ میلادی ۱۱۷۷ شمسی می باشد یعنی آقا محمدخان در اواخر سال ۱۷۷۹ میلادی به قدرت رسید و سلسله قاجاریه را تأسیس نمود. ابتدا در شهر قزوین برای تشکیل ارتشی بر اساس اصول نوین اردوگاه بزرگی برپا نمود و شانزده نفر از افسران قرهباغ و نخجوان را که از ارتش روس اخراج شده و به ایران مهاجرت کرده بودند مأمور تشکیل ارتش نمود. در سازمان جدید برای اولین بار هنگ‌های پیاده و سوار توپخانه تشکیل و یک واحد بزرگ که (تومان) نامیده می شد و از پنج هنگ پیاده، چهار فوج سوار یک فوج توپخانه، دسته نقلیه و نیم دسته حفار تشکیل می شد در پایتخت جدید یعنی تهران استقرار یافت و افراد آن با وسایل و تجهیزات متحدالشکل مجهز شدند.

آقا محمدخان قاجار در دوران سلطنتش بادو مسأله مهم داخلی و خارجی مواجه بود:

۱- جنگ در منطقه قفقاز

فتح تفلیس

آقا محمدخان در آوریل ۱۷۹۵ نامه‌ای به آرایکلی خان نوشت و اشاره نمود که روابط خود را بادولت روسیه قطع و از ایران اطاعت کند. آرایکلی خان^۱ جواب داد که فقط از کاترین دوم تبعیت می کند. لذا آقامحمدخان باسپاهی در حدود شصت هزار نفر به جانب تفلیس روانه شد. خوانین ایروان و قرهباغ که از طرف آرایکلی خان تشویق به مقاومت شده بودند در برابر ارتش ایران پایداری نمودند و چون آقامحمدخان فاقد توپخانه سنگین بود از تسخیر قلاع مزبور صرف نظر کرد و مستقیماً متوجه تفلیس گردید. آرایکلی خان که در نتیجه سرعت عمل ارتش ایران غافلگیر شده بود و از جانب روس‌ها هم کمکی به او نرسید شکست خورد و در ژوئن ۱۷۹۵ تفلیس بدون مقاومت تسلیم گردید و به فرمان آقامحمدخان قتل عام فجیعی در پایتخت صورت گرفت در این کشتار بزرگ هزاران نفر از اهالی تفلیس کشته و به اسارت گرفته شدند.

۱ - علی اصغر شمیم ، کتاب ایران در دوره سلطنت قاجاریه انتشارات علمی ، آرایکلی (هرایکلیوس) پادشاه گرجستان

در سپتامبر ۱۷۹۶ یک سپاه سی هزار نفری روسی به‌دریاند اعزام شد و موفق به تصرف شهرهای باکو و طالش گردید. در نتیجه روس‌ها به‌کلیه سواحل غربی دریای خزر دست‌اندازی نموده و قصد داشتند که مناطق گیلان و آذربایجان را پس از سپری شدن زمستان تصاحب نمایند ولی بادرگذشت کاترین دوّم و روی کارآمدن پل اوّل، تزار جدید سیاست دیگری دنبال گردید و به‌دستور پل اوّل کلیه سپاهیان روسیه مناطق اشغالی ایران و حتی گرجستان را تخلیه نمودند.

۲- جنگ داخلی

در سال ۱۱۷۵ شمسی آقامحمدخان عازم خراسان گردید و بساط آخرین پادشاه افشار یعنی شاه‌رخ میرزا را برچید. آقامحمدخان در سال ۱۱۷۷ شمسی به‌قتل رسید و بدین ترتیب مدتی جنگ بین ایران و روسیه متوقف گردید.

بخش دوم - دوره سلطنت فتحعلیشاه قاجار ۱۷۹۸م ۱۱۷۷ش

پس از کشته شدن آقامحمدخان برادر زاده‌اش به‌نام فتحعلیشاه به‌پادشاهی رسید و در مدت ۳۷ سال سلطنت او تمام ولایات زرخیز قفقاز از ایران جدا شد.

این دوره مقارن با به‌قدرت رسیدن ناپلئون در اروپا بود که در نظر داشت مستعمرات انگلیس را در آسیا و آفریقا به‌تصرف خود در آورد.

در سال ۱۷۹۸ آرایکلی‌خان درگذشت و پسرش گرگین‌خان حاکم گرجستان شد و روس‌ها به بهانه وام‌هایی که به‌گرگین داده بودند تفلیس را اشغال و گرگین و خانواده‌اش را به سن‌پترزبورگ تبعید کردند و ژنرال سیسیانف را که از نژاد گرجی بود به‌فرمانداری گرجستان منصوب نمودند به‌این ترتیب این ایالت زرخیز ضمیمه امپراتوری وسیع روسیه شد.

جلوس الکساندر اول در سال ۱۸۰۱ م ۱۱۸۰ ش موجب شد که سیاست تجاوزکارانه روسیه دوباره پیگیری شود لذا در دسامبر ۱۸۰۳ م ۱۱۸۲ ش به‌ژنرال سیسیانف دستور حمله به‌خاک ایران را صادر کرد. قوای روس بدون زحمت شهر گنجه را تصرف و به‌سوی سایر نقاط قفقاز پیشروی نمود.

فتحعلیشاه در مقابل این تجاوز، عباس‌میرزا را به‌فرماندهی کل قوا منصوب و به‌سرعت روانه جبهه قفقاز نمود و از طرف دیگر درصدد دریافت کمک از کشورهای فرانسه و انگلیس برآمد. در این زمان انگلستان در فکر ائتلاف با دُول اروپایی علیه ناپلئون بود که دولت روسیه نیز موافقت ضمنی خود را با آن اعلام نموده بود.

در دسامبر ۱۱۸۲ شمسی که فتحعلیشاه به‌ایروان رفته بود، داود خلیفه ارمنی کلیسای اچمیادزین، فتوحات درخشان ناپلئون در اروپا را برای فتحعلیشاه شرح داد و وی را به‌نوشتن نامه‌ای برای ناپلئون و اتحاد با وی تشویق نمود. فتحعلیشاه پس از چند نامه و اعزام نمایندگان از طرفین بالاخره میرزا محمدرضاخان قزوینی را با هدایای زیاد به‌دربار ناپلئون فرستاد و در تاریخ چهارم ماه مه ۱۸۰۷ عهده‌نامه‌ای در شانزده ماده بین محمدرضاخان و هرگ برناردماره یکی از وزرای فرانسه در اردوگاه فینکن اشتاین واقع در لهستان به‌امضاء رسید.

به موجب این عهدنامه دولت فرانسه استقلال ایران را تضمین و گرجستان را متعلق به ایران دانسته و متعهد شده بود که توپهای صحرایی و سایر سلاح‌هایی را که ارتش ایران لازم دارد باقیمت مناسب واگذار نماید و از طرف دیگر تعدادی افسر توپخانه - مهندس و پیاده نظام را به سرپرستی ژنرال گاردان جهت آموزش ارتش ایران اعزام نماید. در ۲۴ دسامبر ۱۸۰۷م. هیأت نظامی فرانسوی وارد تهران شد، البته بدیهی است که دولت انگلستان باتمام قوا برای شکست مأموریت گاردان فعالیت می‌کرد.

۱- جنگ اول ایران و روس ۱۸۰۳م، ۱۸۱۲ش، ۱۸۱۳م، ۱۸۹۲ش

الف - مرحله یکم (۱۸۰۷-۱۸۰۳) تا انعقاد معاهده تیلسیت^۱

پس از تصرف شهر گنجه به وسیله ارتش روسیه عباس میرزا در ژانویه ۱۸۰۴ از رود ارس عبور کرد و قوای روسیه را شکست داد. روس‌ها در مقابل این شکست اقدام به محاصره شهر ایروان نمودند که با مقاومت مردم شهر روبرو شدند. این شهر مدت یکسال زیر آتش توپخانه روس‌ها دفاع می‌کرد سرانجام ژنرال سیسیانف فرمانده کل قوای روسیه در قفقاز دستور عقب‌نشینی داد.

در فوریه ۱۸۰۵ نیروی دریایی روسیه مرکب از دوازده کشتی جنگی تحت فرماندهی ژنرال شفت به بندر انزلی حمله‌ور شدند در این نبرد به نیروهای روسی تلفات سنگین وارد شد و در نتیجه این بار روس‌ها پس از تجدید قوا به باکو حمله بردند و با کمک توپخانه سنگین شهر را تسخیر کردند ولی ژنرال سیسیانف به دست پسرعموی حسینقلی‌خان حاکم ایرانی باکو کشته شد.

در سال ۱۸۰۶ فرماندهی جبهه قفقاز به ژنرال گودوویچ واگذار شد وی توانست شهرهای باکو - دربند و شکی را تصرف نماید.

در این میان ناپلئون در جبهه اروپا شکست‌هایی را در منطقه استرلیتز و ایلو به ارتش روسیه وارد کرد که باعث وخیم شدن اوضاع روسیه در اروپا گردید. به همین دلیل نماینده

^۱ - این معاهده در شهر تیلسیت (Tilsit) از شهرهای روسیه که امروز ساوینسک Sovietsk خوانده می‌شود، روز هشتم ژوئیه سال (۱۸۰۷م) بین ناپلئون و الکساندر اول تزار روسیه منعقد و از آن تاریخ روابط دوستانه بین دو کشور فرانسه و روسیه برقرار گردید، علی اصغر شمیم، صفحه ۶۷.

روسیه به نام استپانف به تهران فرستاده شد تا با ایران جهت صلح وارد مذاکره گردد. فتحعلیشاه شرط شروع مذاکره را تخلیه تمام نواحی اشغالی دانست لذا مأموریت استپانف با شکست روبرو گردید.

تزار الکساندر اول پس از شکست سختی که از ناپلئون در فریدلاند متحمل شد تقاضای متارکه نمود و حاضر شد در تیلسیت باامپراتور فرانسه ملاقات نماید و نتیجه آن عهدنامه تیلسیت بود که در ژوئیه ۱۸۰۷ منعقد گردید. ناپلئون با اجرای این عهدنامه ثابت کرد که هر وقت منافع یک قدرت بزرگ ایجاب نماید کشورهای ضعیف را فدای اهداف خود می‌کنند. در عهدنامه تیلسیت ناپلئون مسأله جنگ با ایران را باتزار روسیه مطرح نکرد و در نتیجه ارتش روسیه پس از آزادشدن از جبهه اروپا عازم قفقاز گردید. در این موقعیت ژنرال گاردان سفیر فرانسه در ایران سعی کرد میان دولت روسیه و ایران صلح برقرار نماید ولی جوابی از پاریس نرسید.

ب - مرحله دوم ۱۸۰۷م ۱۱۸۶ش و امضای معاهده بخارست در اروپا با عثمانی‌ها

دولت ایران که دیگر از کمک فرانسوی‌ها ناامید شده بود تصمیم گرفت با انگلستان رابطه برقرار نماید. و در نتیجه انگلیسی‌ها که مترصد موقعیت مناسبی بودند در آن واحد دو هیأت یکی از طریق هند به ریاست سیرجان ملکوم و دیگری از طریق انگلستان به ریاست سرهاردفورد جونز سرکنسول انگلیس در بغداد وارد ایران نمودند، لذا در مارس ۱۸۰۹ ایران با انگلستان عهدنامه‌ای را در تهران به امضاء رسانید که در آن دولت انگلیس متعهد شده بود که در صورت حمله یکی از کشورهای اروپایی به ایران اسلحه و مهمات لازم را به ایران بدهد و مادامی که بادولت فرانسه در حال جنگ است سالانه مبلغ صدو بیست هزار تومان به خزانه دولت ایران بپردازد و در عوض دولت ایران کلیه قراردادهایی که با سایر دول اروپایی بسته و به آنان اجازه عبور سپاه از خاک خود به هندوستان را داده بود ملغی نماید.

پس از اعلام این توافق‌ها سفیر جدیدی به نام سرگور اوزلی در ژوئیه ۱۸۱۰ همراه با مقداری اسلحه و مهمات و گروهی در حدود سی نفر افسر و معلم نظامی برای تعلیم ارتش ایران از طریق بوشهر وارد تهران شد سرپرست افسران انگلیسی را میجر کریستی به عهده داشت.

پس از گذشت پنج سال دوستی و اتحاد بین ناپلئون و الکساندر اوّل به پایان رسید و ائتلاف جدید در اروپا علیه فرانسه بین سه کشور روسیه - اتریش و انگلستان تشکیل شد به این جهت تزار روسیه مایل بود هر چه زودتر به جنگ در جبهه قفقاز خاتمه دهد. لذا در سال ۱۸۰۹ ژنرال ترموسف تقاضای متارکه جنگ با ایران را نمود و در اوّل مه ۱۸۱۰ بین میرزا بزرگ قائم مقام و ترموسف مذاکره به عمل آمد. قائم مقام شرط اساسی متارکه را تخلیه کلّیه ایالات اشغال شده قفقاز قرارداد ولی در نتیجه سرسختی روس ها و کارشکنی انگلیسی ها این مذاکرات باشکست مواجه شد.

در سال های ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ جنگ مهمی رخ نداد زیرا روس ها در جبهه لهستان گرفتار نبرد باناپلئون بودند اما در جنگ باعثمانی موفقیت بیشتری نصیب روس ها شد و توانستند در جبهه دانوب شکست های متعددی به آنان وارد آورند. دولت عثمانی در آوریل ۱۸۱۱ هیأتی را به ریاست عبدالوهاب افندی به تهران فرستاد تا یک نقشه حمله عمومی و مشترک علیه روس ها تنظیم نمایند. لذا تصمیم گرفته شد دو کشور در ژوئیه ۱۸۱۱ از دو طرف به گرجستان حمله ور شوند. هنوز ارتش عثمانی از قرارگاه خود حرکت نکرده بود که در مقابل حمله شدید روس ها مجبور به عقب نشینی شد و چون الکساندر اوّل باخطر حمله قریب الوقوع ناپلئون به روسیه مواجه بود عهدنامه صلح باعثمانی را در ۲۸ مه ۱۸۱۲ در بخارست به امضاء رساند وقتی سپاه آسیایی تزار از جانب عثمانی آسوده خاطر شد برای مقابله باایرانیان به جبهه قفقاز اعزام گردید.

ج - مرحله سوّم ۱۸۱۲م ۱۱۹۱ش تا اکتبر ۱۸۱۳م ۱۱۹۲ش معاهده گلستان

تخلیه جناح چپ قفقاز از طرف ارتش عثمانی صدمه جبران ناپذیری برای ارتش ایران بود به علاوه در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ پیمان اتحادی بین انگلستان و روسیه بر علیه ناپلئون منعقد شد. لذا می بایستی کار ایران یکسره گردد تا امپراتور روسیه بتواند در مقابل ناپلئون ایستادگی نماید پس از انعقاد این پیمان افسران انگلیسی پست های خود را ترک کردند و به این ترتیب یکبار دیگر ایران وجه المصالحه اتحاد دو قدرت اروپایی گردید.

در اکتبر ۱۸۱۲ قوای روس دست به حمله عمومی زده و باتهاجم به مواضع ارتش ایران در اصلاندوز شکست سختی به عباس میرزا وارد کردند سپس نیروهای روسی ایروان را محاصره کردند و باسقوط لنکران در ۱۲ ژانویه ۱۸۱۳ تمام سواحل غربی دریای خزر به دست روس ها

افتاد در این موقع سرگوراولی سفیر انگلیس از ترس آن که مبادا ایران یکباره به دست روس‌ها بیفتد فتحعلیشاه را برای انعقاد پیمان صلح تحت فشار قرار داد و شاه ایران علی‌رغم مخالفت عباس میرزا با انعقاد صلح موافقت کرد و سرانجام در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ عهدنامه صلح گلستان به امضاء رسید و به موجب آن (در بند - باکو - شیروان - قره‌باغ و قسمتی از طالش - گرجستان - مینگرلی آبخازی) به روسیه واگذار شد. اما خط مرزی بین دو کشور صریحاً تعیین نشد و این امر منشاء اختلاف آینده گردید.

۲- آخرین جنگ ایران و عثمانی

زامداران روسی پس از به دست آوردن موفقیت‌های زیاد در اروپا و قفقاز در فکر آن شدند که دو کشور مسلمان ایران و عثمانی را به‌جان هم اندازند تا باعث از دست رفتن نیرو و تجهیزات طرفین گردند تا بدین صورت اهداف خود را که تصرف اراضی ایران و عثمانی بود دنبال نمایند. حمایت حاکم ارزروم از دو ایل کرد ایرانی که پس از چند حمله به قریه‌های آذربایجان و ارتکاب قتل و غارت به خاک عثمانی پناه برده بودند سبب شد تا روس‌ها ایران را تشویق به جنگ با عثمانی نمایند. اما انگلیسی‌ها مخالف این جنگ بودند و کاردار انگلیس در تهران تلاش می‌کرد تا با عثمانی‌ها مصالحه شود.

دولت عثمانی در این موقع به شدت گرفتار جنگ‌های مربوط به استقلال یونان بود و قسمت اعظم سپاهیانش در جبهه اروپا درگیر بودند.

محمدعلی میرزا برادر عباس میرزا از این فرصت استفاده کرد و در تابستان سال ۱۸۱۲ شمال بین‌النهرین و مناطق کردنشین عراق را تصرف کرد و بغداد را محاصره کرد ولی در این موقع قوای ایران به دلیل شیوع بیماری وبا اکثراً بیمار شده و فرمان عقب‌نشینی صادر شد و محمدعلی میرزا هم در اثر بیماری وبا درگذشت.

در سال ۱۸۲۲ عباس میرزا مجدداً مناطق ارمنی‌نشین قارص و اردهان را اشغال کرد و عثمانی‌ها در مارس ۱۸۲۳ تقاضای متارکه کردند و دولت ایران هم میرزا محمدعلی‌خان مستوفی آشتیانی را به منظور انجام مذاکرات صلح به ارزروم فرستاد و عهدنامه اول ارزروم بین محمدعلی‌خان و رؤف پاشا در ژوئیه ۱۸۲۳ به امضاء رسید.

۳- جنگ دوم ایران و روس ۱۸۲۶ م ۱۲۰۵ ش - ۱۸۲۸ م ۱۲۰۷ ش

در اثنای جنگ ایران و عثمانی (۱۸۲۳-۱۸۲۱) ژنرال - یرمولوف از فرصت استفاده کرد و چند قطعه از خاک ایران را در بالغلو و گوگچای تصرف نمود. عباس میرزا نسبت به این تجاوز اعتراض کرد و فتحعلی خان حاکم تبریز را به تفلیس فرستاد که نتیجه آن موافقتنامه ۲۸ مارس ۱۸۲۵ بود که عباس میرزا با آن موافقت ننمود. در این موقع اخبار ناگواری از طرز رفتار روس‌ها با اهالی مناطق اشغال شده قفقاز به گوش می‌رسید که شامل زجر و شکنجه اهالی مسلمان به دست روس‌ها بود.

انگلیسی‌ها هم که از توسعه و پیشرفت روس‌ها در ایران بیمناک بودند و بی‌میل نبودند که ایرانیان جلوی روس‌ها را بگیرند، زمینه را برای شروع مجدد جنگ فراهم کردند.

الف - مرحله یکم

در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۸۲۶ در حمله عباس میرزا به سپاهیان روسی، منطقه لنکران و طالش به دست ارتش ایران آزاد شد، گوگچای و بالغلو تصرف گردید و قلعه شوشی به محاصره افتاد. در همین موقع اهالی گنجه هم قیام کرده نظامیان پادگان روسی آن شهر را قتل عام نمودند و ارتش ایران توانست آن شهر را تصرف کند، قیام و شورش به کلیه نقاط مسلمان‌نشین قفقاز سرایت کرد و کوه‌نشینان داغستان سربازان روسی را مورد حمله و کشتار قرار دادند. در عرض سه هفته ایرانیان به کمک اهالی محلی توانستند بسیاری از نقاطی که به موجب عهدنامه گلستان به روس‌ها تسلیم کرده بودند پس بگیرند.

فتحعلیشاه چون تجربه تلخی از ادامه جنگ باروس‌ها داشت تصمیم به مصالحه باروس‌ها گرفت ولی روس‌ها موافقت نکردند و در سپتامبر ۱۸۲۶ ژنرال یرمولوف بانیروی پنجاه‌هزار نفری تازه‌نفس اقدام به حمله متقابل نمود و در حوالی گنجه ژنرال باسکویچ با پانزده هزار نفر توانست در بند و گنجه را مجدداً تصرف نماید و یک ستون به فرماندهی ژنرال کراکوفسکی از رود ارس عبور کرد و به سوی تبریز روانه شد.

فتحعلیشاه در نتیجه شکست قوای ایران، به صلاح‌الدین مک‌دونالد وزیرمختار انگلیس تصمیم گرفت باروس‌ها مذاکره نماید.

ب - مرحله دوّم

نیکلای اوّل تزار روسیه ژنرال یرمولوف و عده‌ای از افسران ستاد او را که در جبهه قفقاز ناموفق بودند از کار برکنار کرد و فرماندهی را به ژنرال پاسکویچ واگذار نمود و نیروی زیادی به گرجستان فرستاد. پاسکویچ ایروان را محاصره کرد.

عباس میرزا پس از اطلاع از این موضوع بایک سپاه بیست و پنج هزار نفری در ژوئیه ۱۸۲۷ به سوی ارس حرکت کرد

در جنگ بسیار شدیدی که در ماه اوت ۱۸۲۷ در سواحل شمالی رود ارس پیش آمد روس‌ها توانستند قلعه‌های عباس‌آباد و اردوباد را تصرف نمایند ولی بعداً عباس میرزا موفق شد قوای روس‌ها را در نزدیکی کلیسای اچمیادزین و نخجوان شکست داده و وادار به عقب‌نشینی کند. در این موقع عباس میرزا از پدرش تقاضای کمک مالی کرد تا بتواند عملیات نظامی را دنبال کند ولی شاه از دادن کمک خودداری کرد.

در ۱۹ اکتبر ژنرال پاسکویچ پس از هشت روز جنگ خونین ایروان را فتح کرد و به این ترتیب سراسر زمین‌های ماوراء ارس به دست روس‌ها افتاد. آنگاه ژنرال آریستوف در رأس یک سپاه شش هزار نفری از رود ارس عبور کرد و به جانب تبریز رهسپار شد و توانست شهر را به آسانی تصرف نماید. پس از سقوط تبریز روس‌ها خود را برای حمله به تهران آماده می‌کردند. در این موقع مک‌دونالد وزیر مختار انگلیس که از پیشرفت روس‌ها و خطر سقوط تهران به شدت نگران بود و امیدی هم به نتیجه جنگ نداشت به اردوی شاه آمد و پیشنهاد میانجیگری کرد و مذاکرات صلح در دهکده ترکمانچای آغاز شد عهد نامه‌ای بسته شد که در این عهدنامه علاوه بر ایالاتی که در عهدنامه گلستان از ایران جدا شده بود، ایالات نخجوان - ایروان - طالش - قره‌باغ و شوره‌گل نیز به روسیه واگذار شد و مقرر گردید ده کرور (پنج میلیون تومان) هم بابت غرامت جنگ به روس‌ها پرداخت گردد.

۴ - محاصره هرات

شکست‌های ایران از روسیه و انعقاد معاهدات گلستان و ترکمن‌چای باعث شد که در میان عشایر ساکن شرق ایران آثار شورش بروز کند. به نظر دولت انگلیس و حکومت هند نفوذ روسیه در اثر قراردادهای مزبور در ایران افزایش یافته و لازم بود هر چه زودتر افغانستان به

صورت حدّ فاصل و حریم امنیّت هندوستان درآید. در سال ۱۸۳۱ فتحعلیشاه متوجه شورش ایالات شرقی شد و عباس میرزا را مأمور سرکوبی یاغیان کرد. عباس میرزا توانست تا سال ۱۸۳۳ خراسان و سیستان را آرام و امنیّت را برقرار نماید. سپس پسرش محمّد میرزا در رأس سپاهی عازم تسخیر هرات شد از طرف دیگر روسیه هم فرصت را غنیمت شمرده و ایران را برای پیشرفت به سوی هندوستان تشویق نموده و گراف سیمونیچ وزیر مختار روسیه در تهران وعده همه گونه مساعدت را به شاه می داد. در سپتامبر ۱۸۳۳ محمّد میرزا پس از تصرف سرخس سپاه پنج هزار نفری کامران میرزا را در هرات شکست داد و آن شهر را محاصره کرد و در نتیجه پیمان صلحی با کامران میرزا امیر هرات و قائم مقام وزیر محمّد میرزا منعقد گردید. در ۱۵ اکتبر ۱۸۳۳ عباس میرزا ولیعهد ایران در سن ۴۸ سالگی در اثر بیماری نقرس درگذشت و در اکتبر سال ۱۸۳۴ فتحعلیشاه در سن ۶۸ سالگی در اصفهان درگذشت و محمّدشاه در ژانویه ۱۸۳۵ در تهران تاجگذاری کرد.

۵- علل شکست ارتش ایران از قوای روسیه^۱

- الف - ایران دارای یک ارتش منظم و آموزش دیده چون ارتش های اروپایی نبود، لذا بجز چند هنگ پیاده و سوار و توپخانه مابقی به صورت چریک بودند.
- ب - ارتش روسیه دارای تجهیزات کافی و پیشرفته، سربازان آموزش دیده با اصول جدید جنگ و فرماندهان تحصیل کرده در مدارس نظامی بود.
- ج - ارتش ایران دارای یک نیروی احتیاط قوی نبود و اصولاً طریقه استفاده از نیروی احتیاط را نمی دانست.
- د - سیستم و وسایل حمل و نقل و ارتباطی ارتش ایران در مقابل دشمن صفر بود در صورتی که روس ها از راه آهن و ناوهای دریایی جهت جابجایی نیروهای خود استفاده می کردند.
- ه - ارتش ایران بدون ستاد بود در صورتی که ارتش - سپاه و لشکرهای روس دارای ارکان حرب بالنسبه مهمی بودند.

^۱ - جمیل قوزانلو - کتاب تاریخ نظامی ایران جلد دوم ناشر گلستانه صفحه ۹۳۰ الی ۹۳۳.

و - چون حاکمیت دریای خزر به دلیل داشتن نیروی دریایی قوی در دست روس‌ها بود لذا نیروهای خود را در مواقع حسّاس از طریق دریا در بنادر پیاده می‌کردند

ز - قبل از اتمام مراحل تشکیل ارتش جدید ایران، جنگ‌های دو کشور شروع شده بود در صورتی که دشمن بیش از نیم قرن اصول جدید نظام را در ارتش خود اجرا می‌کرد.
ح - پادشاه ایران در صدد بدست آوردن متحدی جهت مقابله با دشمن نبود و زمانی هم که با دولت عثمانی معاهده منعقد نمود، عملی نگردید.

ط - پادشاه ایران و سران کشور هیچگونه اطلاعاتی از وضعیت ارتش روسیه تزاری باتوجه به فتوحاتی که در زمان الکساندر اوّل در اروپا و آسیا نموده بود، نداشتند و به دلیل همین بی‌اطلاعی در شرایطی که روس‌ها درگیر عثمانی‌ها و یا ناپلئون بودند تن به اجرای معاهدات گلستان و ترکمن‌چای دادند.

ی - ارتش ایران از نظر تجهیزات و مهمات نظامی، متکی به کشورهای فرانسه و انگلیس بود و دشمن از این موضوع اطلاع داشت و در مواقع حسّاس از آن بهره‌برداری می‌نمود.

۶- عوامل سیاسی که می‌توانست به‌روند صلح کمک نماید

الف - فتح‌علیشاه به واسطه عدم اطلاع از سیاست، از تشخیص منافع حقیقی ایران عاجز بود و نمی‌دانست صلاح مملکت در دوستی با کدامیک از کشورهای (روس - فرانسه - انگلیس - عثمانی) می‌باشد.

ب - جنگ‌های ایران با روسیه بدون پشتوانه سیاسی بود در صورتی که روسیه در هر مرحله از جنگ تأیید عملیات را از کشورهای بزرگ اروپایی می‌گرفت.

ج - عدم توجه به پیمان‌ها و روابط سیاسی فی‌مابین روسیه - فرانسه - انگلیس در مقاطع و حوزه‌های مختلف.

د - شروع جنگ دوّم ایران و روس در شرایط مناسبی نبود زیرا ارتش روسیه ارتش مجهز و قدرتمند ناپلئون را شکست داده بود و ارتش ایران توان مقابله با آن را نداشت..

ه - اگر منافع انگلستان در ارتباط با هندوستان در میان نبود روس‌ها خاک ایران را به‌طور کامل تصرف می‌نمودند.

۷- نظریه عباس میرزا در مورد جنگ باروسیه^۱

عباس میرزا در جنگ اول متوجه شد که تا قشون نیرومند و آموزش دیده و قوی در دسترس ایران نباشد، نباید باروسیه که ارتش نیرومند آن قوای کشورگشای ناپلئون را شکست داده وارد جنگ شود و بهتر این است که از این زیان درس عبرت گرفته و به جای منازعه باب دوستی و تجارت باهمسایه شمالی باز شود و از تکرار جنگ و جدال خودداری گردد. عباس میرزا دلایل کافی خود را به شاه گفت و او را قانع نمود که به جای کشمکش باروس ها به تجارت با آنها مشغول شده و سرکوبی اشرار داخلی را آغاز نمایند. عوامل و عناصر داخلی و خارجی که منافع خود را در تضعیف دولت مرکزی و به زیر سؤال بردن ولیعهد می دیدند باعث به وجود آمدن جنگ دوم ایران و روس شدند. در این جنگ که ایران تجهیزات و قوای کافی نداشت در برابر نیروی از هر نظر برتر روس ها تاب نیاورد و منجر به شکست ارتش ایران شد.

۸- ساختار ارتش ایران در زمان فتحعلی شاه

ساختار ارتش در این زمان بسیار ساده بود هر دویست نفر سرباز تشکیل یک دسته و از هر ده دسته یک هنگ به وجود می آمد از هر ده هنگ یک تومان و از چند تومان یک اردو تشکیل می شد و توپخانه و سوار هم نسبت بخصوصی نداشت لذا تومان از صنوف مختلف پیاده و توپخانه و سواره تشکیل می گردید.

ضایعات و پیامدهای سنگین ناشی از نبود یک ارتش منظم که دارای پشتوانه مالی، ذخایر تدارکات و از همه مهم تر آموزش دیده باشد عباس میرزا را در نخستین سال های تجاوز نظامی سپاهیان مجهز و تعلیم دیده روسیه تزاری به فکر تأسیس یک ارتش منظم بامختصات و مشخصات نیروهای کشورهای اروپایی انداخت. پیش از آن اتکاء شاه و مقامات دولتی ایران به هنگام جنگ، بر ایلات و نیروهای عشیره ای بود که این امر بستگی به توان و قدرت نظام حاکم داشت.

نیروهای مسلح ایران در این زمان که ارتش های اروپایی در تلاش به دست آوردن مستعمرات جدیدی در سایر نقاط جهان از جمله آسیا و اروپا بودند از دو قسمت مجزا به نام

^۱ - ابوالقاسم لاجینی - عباس میرزا قاجار نایب السلطنه - نشریات بنگاه مطبوعاتی افشار صفحه ۱۰.

قشون پا رکابی و قشون ولایتی تشکیل می‌شد، قشون پارکابی شامل هفتاد و پنج هزار نفر بود که همیشه در اختیار شاه بود و بنا به دستور وارد عملیات جنگی می‌گردید و قوای ولایتی به فرماندهی شاهزادگان و حکام محلی و سران ایلات بودند. این ساختار نظامی قادر به مقابله با ارتش‌های مجهز و آموزش دیده روسیه و یا اروپا نبود و فرماندهان رده‌های مختلف سازمانی با شیوه جنگ‌های جدید آشنایی نداشتند، مسأله مهم دیگر فرسودگی نیروهای ایران در اثر تداوم عملیات‌ها بود. به علاوه پشتیبانی و تدارک نیروهای در خط می‌بایستی از شهرها و قصبات منطقه عملیاتی تأمین می‌گردید که روش مطمئنی نبود و عباس میرزا نیز در اثر نبردهایی که با روس‌ها در جبهه قفقاز می‌نمود به این نتیجه رسید که بایستی ارتش را از نظر (آموزش - تجهیزات و تدارکات) به طریق جدید آشنا نمود. در سال ۱۲۸۴ ناپلئون دو نفر از نمایندگان خود را به نام‌های "رومیو و ژوبر" از طریق کشور عثمانی به ایران فرستاد.

فتحعلیشاه نامه‌هایی برای امپراتور فرانسه در ارتباط با جنگ ایران و روس نوشت و در جواب، تعدادی از سفرای فرانسه به ایران آمده و شاه را به کمک‌های ناپلئون امیدوار نمودند. فتحعلیشاه هم رضاخان قزوینی را به نمایندگی از طرف خود به نزد ناپلئون فرستاد و سفیر ایران توانست در اردوگاه فین‌کن‌اشتاین به حضور ناپلئون برسد و عهدنامه‌ای که بیشتر مرتبط به همکاری نظامی بود منعقد نماید.

ناپلئون هم ژنرال گاردان را با هیأتی روانه ایران نمود.

۹- گزارش ژنرال گاردان به امپراتور فرانسه در مورد ارتش ایران شامل

قسمت‌های زیر بود^۱

الف - پیاده نظام : شصت هزار نفر که سلاح آنها تفنگ سرپر و بسیار سنگین بود و در هنگام تیراندازی آنها را روی سه پایه‌های بلند قرار می‌دادند.

ب - سوار نظام - ۱۴۴ هزار نفر که سلاح آنها تفنگ سرپر بود.

ج - توپخانه - دو هزار و پانصد نفر توپچی که توپ‌های آنها بیشتر از نوع توپ‌های روسی بوده و با گاو حمل می‌شد و لوازم آنها در اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد می‌ساختند. تعدادی تیربار که آمار آنها مشخص نگردید.

^۱ - مأموریت ژنرال گاردان ترجمه عباس اقبال صفحه ۶۴ الی ۶۶.

درجات نظامی در این تاریخ یعنی دوران پس از آقامحمدخان همان درجات و اصطلاحات دوره صفوی بود.

در زمان اقامت ژنرال گاردان در ایران درجات نظامی و اصطلاحات آن به شرح ذیل بود:

- ده باشی فرمانده ده نفر سرباز
 - آلی باشی فرمانده پنجاه نفر سرباز
 - سلطان فرمانده صد سرباز
 - خان فرمانده هشت تا ده هزار سرباز
- مدّت خدمت سربازی بنیچه و چریک مشخص نبود به هر سربازی در سال مبلغ سی تومان حقوق می دادند و از مالیات معاف بود برای هر سرباز روزانه یک چهارم نان و به هر دو سرباز یک اسب واگذار می شد البته علیق آنرا دولت تأمین می نمود.
- هیأت فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان که سمت سفیر فرانسه را هم در ایران داشت در دسامبر سال ۱۸۰۷م وارد تهران شدند و پس از حضور آنها سپاهییانی در مناطق آذربایجان، عراق و مازندران تشکیل دادند.

۱۰- هیأت نظامی فرانسوی که به همراه ژنرال گاردان به ایران آمدند

شامل: بیست و پنج نفر بودند که نام سیزده نفر آنها به شرح ذیل بود.

مهندس جغرافی	ستوان ترهزل
نقشه بردار که در نزدیکی خوی درگذشت	سروان برنارد
متخصص توپخانه	ستوان فابویه
	ستوان ربول
رسته مهندس	سروان لامی
رسته مهندس	سروان بن تان
رسته پیاده نظام	سروان وردیه
	مترجم سه نفر
	طیب یک نفر
	سرجوخه سه نفر

افسرانی که مسؤولیت آموزش سپاه ایران را به عهده داشتند در تهران و آذربایجان مشغول آموزش نیروهای ارتش ایران گردیدند.

فابویه متخصص توپخانه در اصفهان کارخانه توپریزی تأسیس نمود و به دستور شاه بیست توپ سنگین (قلعه کوب) در مدت ۸ ماه فراهم کرد^۱.

محل آموزش افواج سمنانی و مازندرانی در تهران بود.

تعداد ۲۰ هزار نفر پیاده نظام آذربایجانی در تبریز و ۱۴ هزار نفر سرباز در اصفهان تحت پوشش آموزش نظامی افسران فرانسوی قرار گرفتند. پس از یکسال استعداد سربازان آموزش دیده به ۳۵ هزار نفر رسید. افسران فرانسوی به دلیل فشار روس‌ها در جبهه قفقاز نتوانستند آن طوری که مورد نظر بود ارتش ایران را با اصول جدید تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها آشنا نمایند.

مشکلی که در این تاریخ به وجود آمد و سرنوشت جنگ ایران و روسیه را رقم زد عقد معاهده هفت ژوئیه "تیلست" بین امپراتور فرانسه و امپراتور روسیه تزاری در سال ۱۸۰۷ بود، در این معاهده اسمی از ایران برده نشد و دو کشور مذکور در جهت منافع خود اقدام به ترک مخاصمه نمودند که موجب آزاد شدن نیروهای روسیه از منطقه اروپا گردید. همین که ژنرال گاردان ایران را ترک کرد، فتحعلیشاه در برابر فشار حملات ارتش روسیه در قفقاز در جستجوی متحد دیگری در جهت دفع تهاجمات روس‌ها برآمد. این زمان مقارن باحضور هیأتی از انگلستان در اصفهان بود که شاه ایران نماینده دولت انگلیس را به دربار ایران پذیرفت.

در مارس ۱۸۰۷ میلادی سر هاردفورد جوینز سرپرستی هیأت مذکور را به عهده داشت. سفیر انگلیس خلاصه‌ای از نظرات و پیشنهادات کشورش را در مورد عقد قرارداد دوستی با ایران مطرح نمود که مورد قبول شاه واقع شد و در نتیجه منجر به حضور هیأت نظامی انگلیس در ایران گردید^۲.

^۱ - سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران و دوران معاصر جلد یکم، انتشارات بنیاد صفحه ۱۴۳.

^۲ - جرج - ن - کرزن کتاب ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب صفحه ۷۳۲.

۱۱- هیأت نظامی انگلیسی به سرپرستی سرهارد جویز

هیأت نظامی انگلیس شامل افسران (مهندس - توپخانه) و تعدادی از استادان نظامی بود که جمعاً سی نفر بودند که تعداد سی هزار تفنگ و بیست عراده توپ و مقداری مهمات نیز به همراه داشتند. نام هشت تن از ایشان به شرح ذیل می باشد:

سرگرد کریستی رئیس هیأت که در جنگ اصلاندوز کشته شد.

ستوان لیندزی افسر توپخانه

سرگرد هارت که بعد از کریستی رئیس هیأت شد

سروان ویلوک

سروان مونتایت

سرگرد دارسی.

ستوان ویلک

سروان ماچینتوج

سپاه عباس میرزا در تبریز شامل ۱۲۰۰۰ نفر بود که این افراد به دسته های ۱۰۰۰ نفری تقسیم شده و از طوائف مختلف جمع آوری گردیده بود. یک هنگ منظم سوار به استعداد ۱۲۰۰ نفر به انضمام توپخانه سوار با تعداد ۲۰ عراده توپ صحرائی و تعداد ۷۰۰۰ تا ۹۰۰۰ نفر از جانبازان وابسته به دستگاه همایونی تشکیل می شود که حقوق، لباس و مزایای این افراد به وسیله دولت تأمین می گردید.

این افراد اغلب از ایلات دوردست کشور از جمله ایل بختیاری بودند که با توجه به وضعیت نیروهای ارتش روسیه قابل مقایسه نبودند، زیرا از نظر آموزش نظامی ممکن بود تعالیمی دیده باشند ولی از نظر پشتیبانی ارتش که شامل تغذیه نفرات، وسایل حمل و نقل و یا نیروی انسانی (افسران - درجه داران) بود کمبودهای زیادی داشتند.^۱

در سال ۱۸۱۰م ۱۲۸۹ش ناپلئون در اروپا به نهایت اقتدار در طول حیات خود رسید و باعث نگرانی انگلیس و متحدانش در اروپا گردید.

^۱ - جرج - ن - کرزن: ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب صفحه ۷۳۰ تا ۷۴۰.

ارتش ایران در دوره اوّل قاجاریه ۵۳/

در این هنگام دوران دوستی و اتحاد بین ناپلئون و الکساندر اوّل به پایان رسیده و در نتیجه ائتلاف جدیدی علیه امپراتور فرانسه بین کشورهای روسیه، پروس، اتریش و انگلستان تشکیل شده بود. به این جهت تزار روسیه مایل بود هر چه زودتر به جنگ در جبهه قفقاز خاتمه داده شود

سفیر انگلیس به منظور آزادسازی قوای روسیه از قفقاز، و در جهت متارکه جنگ و عقد قرارداد صلح بین ایران و روسیه اقداماتی به عمل آورد. این زمان مصادف بود با عقب نشینی قوای روسیه در مقابل حمله قوای ناپلئون به مسکو، ولی ایران از این فرصت مناسب بهره‌برداری ننمود و تمایل به مصالحه با روسیه نشان نداد. در نتیجه باز هم دول اروپایی در جهت منافع خود ایران را وجه‌المصالحه قرار دادند و افسران انگلیسی اردوی جنگی ایران را در حسّاس‌ترین زمان ترک کردند و ایران هم به دلیل طولانی شدن جنگ و مشکلات اقتصادی و همچنین قرار گرفتن مقابل یک ارتش پیروز در جبهه‌های اروپا که موفق به شکست ارتش ناپلئون گردیده بود چاره‌ای جز اجرای عهدنامه گلستان با وساطت انگلیسی‌ها در سال ۱۸۱۳ نداشت.

در سال‌های ۱۸۲۸-۱۸۲۶ جنگ دوّم ایران و روس به وجود آمد که این جنگ هم باشکست ایران به پایان رسید و سرانجام با کمک مک‌دونالد سفیر انگلیس منجر به عقد قرارداد ترکمن‌چای در فوریه ۱۸۲۸ گردید.

بخش سوّم - دوره سلطنت محمد شاه قاجار

۱۲۸۱م ۱۲۱۴ش ۱۸۴۸م ۱۲۲۷ش

سلطنت محمد شاه

محمد شاه در ۳۱ ژانویه ۱۸۳۵ در تهران تاجگذاری کرد و نفوذ روسیه در دربار ایران به طرز فوق العاده‌ای افزایش یافت. این امر باعث نگرانی انگلستان که نسبت به مقاصد روسیه در مورد افغانستان و هندوستان بیم داشت گردید. لذا لرد پالمستون سفیر انگلیس در پترزبورگ با زمامداران روسیه وارد مذاکره شد و آنان را راضی کرد که تمامیت ارضی ایران را به عنوان کشور حائل بین قلمرو دو دولت تضمین کنند.

متعاقب امضای این سند حکومت هند مقداری اسلحه و مهمات به محمدشاه هدیه کرد و یک هیأت مستشاری نظامی مرکب از ده نفر افسر انگلیسی برای تعلیم ارتش ایران به تهران فرستاد ولی شاه نسبت به آنها همیشه سوءظن داشت.

محاصره هرات : ۱۸۳۶م ۱۲۱۵ش^۱

محمدشاه در زمان ولیعهدی پدر خود عباس میرزا، مأمور فتح هرات گردید ولی در حین محاصره هرات، به علت فوت عباس میرزا، هرات را رها کرد. محمد شاه پس از فوت فتحعلیشاه چون وضع افغانستان را برای پیشبرد مقاصد خود مساعد دید بارتشی به استعداد ۸۰ هزار نفر سرباز عازم هرات گردید. در نوامبر سال ۱۸۳۷ بدون برخورد با مانع مهمی به اطراف هرات رسید و شهر را محاصره نمود. مدافعین شهر به کمک افسران و مستشاران انگلیسی مقاومت شدیدی نشان دادند و محاصره هرات ده ماه به طول انجامید.

وقتی سقوط هرات نزدیک شده بود مک نیل وزیر مختار انگلیس از شاه اجازه خواست برای جلوگیری از کشت و کشتار به داخل شهر برود و کامران میرزا را وادار به تسلیم نماید و شاه هم باین امر موافقت نمود ولی وزیر مختار انگلیس به جای تسلیم نمودن کامران میرزا با آنها همکاری نمود و مردم را به مقاومت تشویق کرد و شاه از این عمل به شدت خشمگین شد و در سال ۱۸۳۸ روابط سیاسی دو کشور را قطع کرد.

^۱ - علی اصغر شمیم - ایران در دوره سلطنت قاجار - انتشارات علمی صفحه ۱۳۸ الی ۱۴۰.

محمد شاه در این موقع نیاز به پشتیبانی روس‌ها داشت. امّا روس‌ها که مشاهده کردند دولت انگلیس به هیچ وجه از منافع خود در افغانستان حاضر به چشم‌پوشی نمی باشد با کمال احتیاط خود را از جریان کنار کشیدند. محمد شاه مجبور شد در نهم سپتامبر ۱۸۳۸ پس از یک سال زد و خورد دست از محاصره هرات بردارد و بدون هیچ نتیجه‌ای به تهران مراجعت کرد. انگلیسی‌ها دوست محمدخان امیر کابل را از کار برکنار نموده و شجاع‌الملک را که در هند بود به جای او نشاندند این امر باعث جنگ اوّل افغان و انگلیس گردید که مدت چهار سال ۱۸۳۸ تا ۱۸۴۲ به طول انجامید و نتیجه آن شکست انگلیسی‌ها و انهدام ارتش چهار هزار و پانصد نفری آنان و کشته شدن شجاع‌الملک و تخلیه افغانستان شد. متأسفانه شاه ایران نتوانست از این پیروزی علیه انگلیس بهره‌برداری نماید.

ساختار ارتش ایران در زمان محمد شاه

مستشاران نظامی انگلیس از اواسط سال ۱۸۳۵ به بعد مجدداً مأمور شدند که تشکیلات ارتش ایران را منظم نمایند. در این زمان قائم‌مقام فراهانی که مردی کاردان و از امور نظامی مطلع بود تا سال ۱۸۳۷ که صدراعظم بود ارتش را به نحو مطلوبی اداره می‌کرد لذا مستشاران نظامی انگلیس را از ایران اخراج کرد. پس از کشته شدن قائم‌مقام در سال ۱۸۳۹ سیاست خارجی ایران بر اساس اتحاد با روسیه برای حفظ ولایات شرقی کشور قرار گرفت، در این زمان جهت آموزش از نیروهای داخلی استفاده می‌شد.

پس از قائم‌مقام تشکیلات ارتش آن وضعیت منظم دوره ژنرال گاردان و مستشاران انگلیس را از دست داد. در این زمان تشکیلات ارتش به صورت فوج‌های محلی مستقل بودند. قواعد چریکی و ایلجاری که متروک شده بود مجدداً مرسوم شد. دسته‌جات سوار پراکنده شدند، تنها در مواقع لزوم و ضرورت به رؤسای ایلات دستور داده می‌شد که برای دفاع یا سرکوب، در محل مشخصی متمرکز گردند تا بادستور فرماندهان لشکری و اوامر خوانین خود که به منزله افسران عالی رتبه بودند عملیات جنگی را در منطقه‌ای که تعیین می‌گردید شروع نمایند.

اسلحه و تجهیزات این افراد همراه خودشان بود و باهمان لباس شخصی و سلاح های مختلف وارد عملیات می گردیدند. در این زمان استعداد سربازان آذربایجان که تشکیل یک لشکر را می دادند به شش هزار نفر کاهش یافت.^۱

سازمان ارتش ایران در زمان حمله به هرات به شرح زیر بوده است:

فوج اوّل و دوّم تبریز

فوج اوّل و دوّم شقاقی

فوج ینکی مسلمانان

فوج بهادران

فوج خاصّه

افواج مازندران - آذربایجان - عراق - نیروهای محلی مستقر در خراسان - سیستان و بلوچستان و جمع نیروهای ارتش ایران در جنگ هرات ۸۰ هزار نفر بودند. پس از این وقایع، محمدشاه میرزا حسین خان، آجودان باشی (نظام الدوله) را به پاریس فرستاد و با دولت فرانسه وارد مذاکره شد. دولت فرانسه موافقت کرد، هیأتی از یازده افسر که شامل یک فرمانده، سه افسر توپخانه، دو افسر سوار و پنج افسر پیاده بود به سرپرستی سرتیپ داماس برای خدمت در ارتش ایران بفرستد.^۲ این افسران در ۱۳ سپتامبر ۱۸۳۹ وارد تبریز شدند. ورود این عده با مخالفت های سخت روس ها و انگلیسی ها مواجه شد و سرانجام پس از چهار سال سرگردانی این هیأت به فرانسه باز گشتند.

سازمان ارتش ایران در اواخر سلطنت محمدشاه به شرح ذیل بود:

در آذربایجان ۷ فوج پیاده و ۲ فوج توپچی با ۲۰ عراده توپ.

در تهران ۳ فوج پیاده و ۲ فوج توپچی با ۲۰ عراده توپ.

در خراسان ۴ فوج پیاده و ۱ فوج توپچی با ۱۰ عراده توپ.

در کرمانشاه ۲ فوج پیاده.

در اراک ۱ فوج پیاده به نام جانباز.

در شیراز ۱ فوج پیاده به نام جانباز.

^۱ - جمیل قوزانلو - کتاب تاریخی نظامی ایران، جلد دوم انتشارات شجاعی و گلستانه صفحه ۹۵۱-۹۵۵.

^۲ - سرتیپ علیقلی بیگلرپور - تاریخ ارتش نوین ایران - جلد یکم صفحه ۲۲.

فصل سوّم

ارتش ایران در دوران دوّم قاجاریه

بخش یکم - اوضاع اروپا در دوران نیم قرن سلطنت ناصرالدین شاه

ائتلاف امپراتوری سه گانه

(ائتلاف امپراتوری سه گانه) آلمان - اتریش - روسیه (۱۸۷۲)

اتّحاد مثلث

اتحاد نظامی و سیاسی دولت آلمان بادولت اتریش در سال ۱۸۷۹ که پس از الحاق دولت ایتالیا در سال ۱۸۸۲ به اتحاد مثلث مشهور شد و تا اوائل جنگ بین المللی اوّل دوام یافت. تشکیل اتّحاد مثلث از ابتکارات بیسمارک صدراعظم آلمان بود که این کشور را قادر ساخت حدوداً ۲۰ سال بر رقبای خود تفوّق یابد.

اتّحاد نظامی

اتحاد نظامی و سیاسی جمهوری فرانسه بادولت امپراتوری روسیه تزاری در سال ۱۸۹۱.

اتّفاق مثلث

ائتلاف دولت فرانسه با انگلیس در سال ۱۹۰۴ که پس از نزدیکی روسیه با انگلیس در سال ۱۹۰۷ به اتّفاق مثلث مشهور شد.

منظور از تشکیل اتّفاق مثلث صف بندی در مقابل قدرت آلمان بود. این تغییر و تحولات اثرات نامطلوبی بر روابط کشور ما با روس و انگلیس داشت. از این دوران به بعد تقریباً کلیه دول اروپایی در زمان صلح نیز ارتشی در حال آماده باش داشتند که استعدادش بیشتر از نیروی آنها در زمان جنگ بود. مخارج ارتش به سرعت افزایش یافت زیرا علوم و فنون نظامی همواره در حال تکامل سلاح های نظیر تفنگ ها - توپ ها - کشتی های جنگی بود.

در اروپا اختراعات جدید نظامی فکر و اندیشه دولت ها را سخت مشغول کرده بود دولت های آلمان - اتریش - فرانسه - ایتالیا - روسیه - انگلیس هر کدام به نوعی در مدرنیزه کردن ارتش های خود

تلاش می‌کردند و دوره خدمت سربازی از دو سال به پنج سال تغییر یافت، ارتش ذخیره و ارتش احتیاط به‌وجود آمد و مقدرات ارتش‌ها بامقدرات ملت‌ها توأم گردید.

ترقی علوم و فنون نظامی

قرن معاصر در تاریخ نظامی کشورهای جهان، نهضت فکری متمایز و عالی‌تری را نسبت به گذشته داشته است، در آغاز قرن بیستم اروپائیان به پیشرفت‌های خود مباهات می‌کردند، زیرا احساس می‌کردند که در اهمّ مسائل بشری بیشتر از سایر نژادها پیشرفت نصیب آنها گردیده است. ثمرات این تحولات باعث مسابقه تسلیحاتی بین کشورهای این قاره گردید.

از اوایل قرن معاصر تجهیزات پیاده نظام نیز رو به تکامل گذاشت. به عنوان مثال در سال ۱۸۷۰ وسایل انفرادی سربازان برای حفر سنگرها منحصر به بیل و کلنگ بود ولی در قرن اخیر آلات حفاری و وسایل تخریب به وجود آمد.

در سال ۱۸۹۹ تفنگ‌های پنج تیر، تیربارهای خودکار، توپ‌ها با برد بلند اختراع گردید. بعد از جنگ پروس و فرانسه تمام کشورهای اروپایی به آموزش افسران ستاد و ارکان ستاد لشکرها توجه فوق‌العاده‌ای نمودند زیرا موفقیت‌های ناپلئون در اروپا را در اثر داشتن یک ستاد منظم می‌دانستند و به‌نحو شایسته‌ای در نبردهای خود از ارکان جهت پشتیبانی تاکتیکی و عملیاتی یگان‌های در خط استفاده نمود.

از سال ۱۸۷۷ از فولاد که فلز قابل ارتجاع‌تری نسبت به آهن بود در ساختن کشتی‌های جنگی استفاده گردید. نیروی دریایی به‌وجود آمد و دانشگاه دریایی جهت آموزش خدمه و افسران نیروی دریایی تأسیس گردید.

برتری قدرت نیروی دریایی کشورهای جهان به‌شرح ذیل بود^۱:

نیروی دریایی انگلیس

نیروی دریایی فرانسه

نیروی دریایی امریکا

نیروی دریایی روسیه

^۱ - جمیل قوزانلو کتاب تاریخ نظامی ایران جلد دوم، انتشارات شجاعی - گلستانه، صفحه ۱۰۴۲ - ۱۰۵۰.

نیروی دریایی آلمان

نیروی دریایی ژاپن

در حقیقت این تلاش‌ها از یک طرف به منزله حصارِ جهت‌جلوگیری از تهاجم کشورهای همسایه و از طرف دیگر به منظور تشکیل اتحادها و پیمان‌ها برای حمله به همسایه‌های قدرتمند بود و در نتیجه (این رقابت تسلیحاتی) روز به روز بر قدرت نظامی خود می‌افزودند. در این قرن کشورهای اروپائی بخصوص انگلستان و فرانسه با یورش به قاره‌های آسیا، آمریکا و آفریقا توانسته بودند سرزمینهای زیادی را به عنوان «مستعمره» تحت سلطه خویش در آورند. روسیه تزار هم قسمتهای تاجیکستان، ترکمنستان، قفقاز-ارمنستان و گرجستان و سرزمینهایی از شرق اروپا را به خود اختصاص داد.

این وضعیت سبب شد بود تا سایر کشورهای اروپایی چون (آلمان - ایتالیا ...) که موقعیت مناسبی از نظر نظامی پیدا کرده بودند به دنبال فضای بیشتر برای مردم خود شدند. در نهایت این مسابقات تسلیحاتی سبب شد جنگهای زیادی بمنظور کسب منابع بیشتر در اروپا بین کشورها به وقوع پیوندد.

دوره سلطنت ناصرالدین شاه ۱۸۴۸م، ۱۲۲۷ش، ۱۸۹۶م، ۱۲۷۵ش

سال ۱۸۴۸ یکی از پرآشوب‌ترین سال‌های قرن نوزدهم بود در این سال انقلاب‌هایی در اغلب کشورهای اروپایی روی داد و نظام سیاسی و اجتماعی بسیاری از کشورها از جمله فرانسه - اتریش و آلمان تغییر یافت. در این سال بحرانی محمدشاه قاجار پس از چهارده سال سلطنت که قسمت عمده آن در کشمکش و اختلاف با انگلیسی‌ها سپری شد درگذشت و فرزند شانزده ساله‌اش ناصرالدین میرزا به‌همت میرزا تقی‌خان امیرنظام و همراهی سفرای روس و انگلیس از تبریز عازم تهران شد و بر تخت سلطنت نشست.^۱

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه قریب نیم قرن باکمال استبداد در کشور ایران سلطنت کرد. دوران سلطنت این شخص از نظر بررسی علل بدبختی و عقب‌ماندگی ملت ایران در تاریخ معاصر جای خاصی دارد. در دوره پنجاه ساله ناصرالدین شاه به‌واسطه شدت رقابت‌های خانمانسوز دولت انگلیس و روسیه تزاری به‌منظور بسط نفوذ خود در ایران و جهالت و رشوه‌خواری و فساد اخلاق رجال

۱ - ابراهیم تیموری - بی‌خبری یا ۵۰ سال استبداد در ایران، انتشارات اقبال صفحه ۱ الی ۳۰.

دربار و تشکیلات فاسد اداری کار مملکت به جایی رسید که اگر حوادثی به نفع ایران در جهان پیش نمی آمد امروز نه نامی از ایران بود نه ایرانی.

تصرف هرات و اعلان جنگ انگلیس به ایران

در بهار ۱۸۵۶ محمد یوسف خان، امیر جدید هرات در مقابل حمله دوست محمدخان از ناصرالدین شاه تقاضای کمک کرد ارتش ایران هم به فرماندهی حسام السلطنه عازم آن شهر شد و حاکم هرات دروازه های هرات را به روی ارتش ایران گشود و از آنان استقبال کرد ولی پس از چندی پرچم انگلیس را برافراشت و سپاه ایران را از شهر بیرون نمود و در نتیجه سپاه ایران شهر هرات را محاصره نمود پس از چندی حاکم هرات تسلیم شد. در این موقع انگلیسی ها دیگر تأمل را جایز ندانسته به دنبال صدور اعلامیه ای، ناوگان انگلیس در خلیج فارس مرکب از هشت کشتی جنگی و تعدادی ناوگان بخاری به ایران تجاوز نمود و در دسامبر ۱۸۵۶ جزیره خارک را اشغال کردند و بایک تیپ متشکل از قوای انگلیسی و هندی در حوالی بوشهر در خاک ایران پیاده شدند.

عملیات بعدی انگلیسی ها حمله به خوزستان بود در اوّل مارس ۱۸۵۷ وارد اهواز و بندر خرمشهر شدند ولی در این موقع دولت های روسیه و فرانسه که مایل به شکست و نابودی ایران نبودند به ناصرالدین شاه پیشنهاد میانجیگری کردند و در نتیجه منجر به عهدنامه صلح پاریس شد. طبق این عهدنامه که در ۴ مارس ۱۸۵۷ بین فرخ خان امین الملک و لرد کاولی در پاریس به امضاء رسید ایران متعهد گردید بیدرنگ هرات را تخلیه و از هرگونه ادعای حاکمیت نسبت به هرات و سایر نقاط افغانستان صرف نظر نماید. قوای انگلیس هم مناطق اشغالی در جنوب ایران را تخلیه نمود.

هرات تا چند سال بعد در دست امرای محلی بود تا این که در سال ۱۸۶۳ دولت محمدخان آن را ضمیمه افغانستان کرد. از طرفی دیگر روس ها تا سال ۱۸۷۵ توانستند کلیه نواحی ترکمنستان و ماوراءالنهر را بدون هیچ گونه اعتراض و مقاومت جدی از جانب ایران تصرف نمایند.^۱

انگلیسی ها صحرای بزرگی را که به نام بلوچستان انگلیس معروف بود به انضمام شهرهای کوپته و قندهار را بدون هیچ مانعی تصرف کردند، در این هنگام دولت ایران به شدت ناتوان بود و در مقابل تجاوزات و دخالت های دو قدرت بزرگ قادر به هیچ گونه عکس العملی نبود.

^۱ - دکتر عطایی، کتاب تاریخ روابط خارجی ایران، واحد انتشارات وزارت امور خارجه صفحه ۱۴۲ الی ۱۴۵.

در ۳۱ مه ۱۸۶۱ قراردادی بین شیخ محمدبن خلیفه شیخ بحرین و فلیکس جونز نماینده انگلیسی منعقد گردید که به موجب آن مجمع‌الجزار بحرین رسماً تحت‌الحمایه انگلستان گردید. ناصرالدین شاه پس از پنجاه سال حکومت استبدادی که سبب نارضایتی مردم گردیده بود به دست یکی از ستمدیدگان رژیم به نام میرزارضا کرمانی که از پیروان سید جمال‌الدین اسدآبادی بود به قتل رسید و به این ترتیب ملتی را از وجودش آزاد کرد.

امیرکبیر

هنگامی که ناصرالدین میرزا در تبریز بود زیر حمایت و تربیت میرزاتقی‌خان وزیر نظام به سر می‌برد و باتدبیر و درایت او توانست بر کلیه رقبای سلطنت فائق آید و برمسند قدرت نشیند. در این زمان صدراعظم ریاست دولت و وزارت جنگ و مالیه را به عهده خود گرفت، در بدو تصدی، اوضاع کشور از هر جهت آشفته بود زیرا در ارکان ارتش هرج و مرج حکمفرما بود و در هر گوشه‌ای از کشور فتنه و آشوبی برپا بود.

اقدامات امیرکبیر هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی دگرگونی عمده‌ای را در سازمان ارتش به وجود آورد.

اصول سربازگیری بنیچه^۱

امیرکبیر قانون سربازگیری بنیچه را در بیست و نه ماده نوشت و قسمتی از مخارج ارتش را به رعایا محوّل نمود. در بدو امر اصول بنیچه‌بندی، ضروریات محلی و مقتضیات اجتماعی ایجاب نمود که تعادل در سربازگیری رعایت نگردد مثلاً در آذربایجان که به دلیل وقوع کشمکش‌های جنگی، اهالی آن منطقه طبعاً جنگجو و مقاوم بودند تعداد زیادی یعنی حدود سی هزار نفر سرباز از آنجا گرفته شد در صورتی که از شهرهای رشت و کاشان و یزد که محل صنایع و دستگاه‌های کارخانجات مختلف کشور بود برای این که لطمه‌ای به امور اقتصادی کشور وارد نگردد اهالی را از دادن سرباز و سوار معاف نمودند. مسأله دیگر این که در ۱۸۵۰ سرشماری

^۱ - سرتیپ علیقلی بیگلرپور - استاد سعید نفیسی - سرهنگ جهانگیر قائم مقامی - کتاب تاریخ ارتش نوین ایران، جلد یکم صفحه ۲۴. بنیچه صورتی است که در وزارت جنگ ترتیب داده بودند و در آن معین کرده بودند هر آبادی و هریک از عشایر و قبایل چندتن از افراد خود را باید برای شرکت در افواج که از هر ناحیه بزرگ تشکیل می‌شد برای مدت معینی به خدمت نظام بفرستند.

صحیحی از کشور در دست نبود بنابراین سربازگیری اجباری که تازه در اروپا متداول شده بود در ایران قابل اجرا نبود. مورد دیگر تهی بودن خزانه دولت جهت تهیه تجهیزات و پرداخت حقوق یا مخارج لازم برای سربازان بود. خلاصه این که اصول بنیچه باهمه مشکلاتش بااوضاع و احوال آن زمان بهترین روش سربازگیری بود زیرا پرداخت مخارج صدهزار سرباز باوضع آن روز دولت غیرممکن بود. لذا در ابتدا تصمیم گرفته شد به هر سرباز سالیانه شش تومان (۶۰ ریال) حقوق از طرف دولت پرداخت شود و یک خروار جنس از طرف نه نفر رعیت دیگر (که سرباز دهمین آنها محسوب بود) به کسان او داده می شد تا سربازی که در سر خدمت است و دوازده سال قانوناً باید در خدمت باقی بماند از حیث معیشت آسوده خاطر باشد.

امیرکبیر بعد از آن که اصول بنیچه را برقرار و منبع سربازگیری را در کشور تأمین نمود، به فکر تربیت افسران افتاد. لذا در سال ۱۸۵۰ مدرسه دارالفنون را تأسیس و یک شعبه آنرا به عنوان مدرسه نظام جهت تربیت افسران تعیین نمود.

اصلاح سازمان فرماندهی رده بالای ارتش و تربیت افسران مسأله‌ای عمده و اساسی بود که این کار تنها به وسیله مستشاران نظامی اروپایی ممکن بود.

موضوع استخدام خبرگان نظامی، مسأله‌ای کاملاً سیاسی بود، زیرا ماده ۵ عهدنامه ایران و انگلیس ۱۸۱۴ میلادی دیکته می نماید اولیای دولت ایران برای تعلیم و تعلّم نظامی از فرنگ بایستی از معلمان استفاده نمایند که بادیولت انگلیس نزاع و جدال نداشته باشند. امیرکبیر راه سلامت و مصلحت کشور را به درستی تمیز داد و تصمیم گرفت که معلمان نظامی را از کشوری بیاورد که از انگیزه‌های سیاسی به دور باشند از این رو به دولت اتریش و پروس روی آورد که گذشته از جنبه بی طرفی سیاسی در فنون جنگ آوری ترقی شایانی کرده بودند و در مورد استخدام معلمان دارالفنون نیز همین شیوه را در پیش گرفت. اسناد موجود نشان دهنده آن است که شعبه علوم نظامی دارالفنون قریب هشت ماه پیش از افتتاح رسمی آن مدرسه، به دستگیری (گومنز و نیمرو) شروع به کار کرد.^۱

در دارالفنون به وسیله معلمان خارجی به افسران آموزش نظامی داده می شد از جمله تعلیم دهندگان مطراتسو و چند تن از مهاجران ایتالیایی بودند که فن آرایش نیروها و به اصطلاح آن زمان علم جنگ و حرکت قشون (تاکتیک‌های نظامی) را آموزش می دادند.

۱ - فریدون آدمیت، امیر کبیر و ایران، انتشارات خوارزمی صفحه ۲۹۲.

یکی از اقدامات مهم امیرکبیر به وجود آوردن تشکیلات نظامی دائمی بوده است. او در (کتابچه خیالات اتابکی)^۱ جمع قشون ایران را یک صد و هفتاد هزار در نظر گرفته بود نکته جالب دیگر این بود که برای ایلات هنگ‌های ثابت برقرار نمود و صاحب منصبانی را فرستاد که به آنها تعلیمات جدید دهند. امیر در سازمان نظامی، رسم بخشیدن مناصب بی‌شغل را برانداخت، سازمان لشکری در دفتر مخصوص ثبت گردید، تعداد مقام‌های نظامی معین شد و تا محلی خالی نمی‌گشت شغل و مقام تازه‌ای داده نمی‌شد و معیار ترفیع بر مبنای شایستگی آنان بود. میرزا تقی‌خان امیرکبیر را می‌توان یکی از سیاستمداران بزرگ تاریخ معاصر دانست که حقاً در تاریخ ارتش ایران مقام والایی دارد.

سازمان ارتش در زمان صدارت امیرکبیر

پنجاه هنگ پیاده نظام که هر هنگ پیاده از ۸۰۰ سرباز و ۲۰۰ افسر و درجه‌دار تشکیل شده بود. هر هنگ به ده گروهان تقسیم می‌شد.^۲

فرمانده گروهان یک نفر سروان و گروهان به دو رزمی تقسیم که یک نفر ستوان بر هر رزم فرماندهی می‌کرد. در هر دسته چهار گروهان و چهار سرجوخه خدمت می‌کردند. فرماندهی هنگ را یک نفر سرهنگ که دو نفر سرگرد معاون آن بود به عهده داشت ستاد هنگ از یک نفر آجودان و چهار نویسنده تشکیل شده بود.

سوار نظام رسته سوار به دو قسمت تقسیم می‌شد:^۳

دسته غلام شاه که مسئولیت گارد پادشاه و ولیعهد را به عهده داشتند استعداد آن ۴۰۰ سوار بود فرمانده هر ده سوار یک گروهان و فرمانده هر صد سوار یک افسر جزء بود.

^۱ - همان مأخذ صفحه ۲۹۴.

^۲ - سرتیپ علیقلی بیگلرپور - استاد سعید نفیسی - سرهنگ جهانگیر قائم مقامی، تاریخ ارتش نوین ایران، جلد یکم صفحه ۷.

یاور	سرگرد	رشد	دسته	واحد
سلطان	سروان	فوج	هنگ	
نایب	ستوان	تیپ	تیپ	
یوزباشی	افسر جزء	تومان	مشابه تیپ یا لشکر	
وکیل	گروهان			

^۳ - فریدون آدمیت - امیرکبیر، انتشارات خوارزمی صفحه ۳۰۱.

دسته غلامسوار یا سوارنظام معمولی که فرمانده هر هزار نفر یک سروان بود و هر سروان دو ستوان و دو گروهبان و دو سرجوخه زیر امر داشت.

دو هزار نفر توپچی

دویست نفر مسلسلچی

چندین هنگ جمازسوار برای منطقه بلوچستان و کرمان.

چندین هنگ جهت حراست و نگهداری از مرزهای کشور.

در سال ۱۲۳۰ شمسی تغییراتی در سازمان ارتش به وجود آمد و بنا براین ارتش ایران در زمان صدارت امیرکبیر به ده تومان به شرح زیر تقسیم شد که هر تومان به ترتیب از ۴ الی ۱۱ هنگ را زیر امر داشت. هر تومان به فرماندهی یک سرتیپ بود ضمناً در سازمان هر تومان یک هنگ "مخبران" وجود داشت که در حقیقت یک واحد شناسایی بود.

- تومان اول ۱۱ هنگ
- تومان دوم ۸ هنگ
- تومان سوم ۱۰ هنگ
- تومان چهارم ۸ هنگ
- تومان پنجم ۸ هنگ
- تومان ششم ۷ هنگ
- تومان هفتم ۸ هنگ
- تومان هشتم ۵ هنگ
- تومان نهم ۴ هنگ
- تومان دهم ۴ هنگ

تأسیسات دیگر وابسته به ارتش

امیر کبیر علاوه بر این سازمان، برای ارتقای توان ارتش ایران و بی‌نیاز کردن ایران از دول بیگانه، تأسیسات مورد نیاز ارتش را به شرح ذیل به وجود آورد:

کارخانه باروت سازی

کارخانه توپ سازی

کارخانه اسلحه سازی

کارخانه تهیه ساز و برگ نظامی

کارخانجات مذکور در شهرهای تهران - تبریز - مشهد و اصفهان راه اندازی شدند.^۱ در کارخانه اسلحه سازی تهران ماهانه یک هزار تفنگ و در اصفهان ماهانه سیصد تفنگ و هزار فانسقه ساخته می شد. ضمناً کارخانه توپ ریزی و باروت سازی تبریز که یادگار عهد عباس میرزا بود، نیز از نو به کار افتاد. در امیرآباد تهران کارخانه مهمات سازی به وجود آمد و در میدان توپخانه تأسیسات توپخانه تأسیس گردید. آمار ارتش سازمان یافته ایران در ژانویه سال ۱۸۴۹ و پس از عزل امیر به شرح ذیل بود:

پیاده نظام	۹۴۵۷۰ نفر
سوار نظام	۲۳۴۱۹ نفر
توپخانه	۶۰۷۵ نفر (مجهز به ۱۰۰۰ قبضه توپ)
توپخانه جمار سوار	۲۷۴ نفر
تفنگچی	۹۹۲۷ نفر
گارد عمومی	۲۷۳۳ نفر

لازم به ذکر است که بودجه ارتش ایران (۱/۶۸۰/۰۰۰) تومان در هر سال تعیین شده بود.^۲

آخرین اقدام میرزا تقی خان در زمینه تأسیس نیروی دریایی در خلیج فارس بود که در این مورد باسفیر انگلیس "شیل" مذاکره نمود و تمایل داشت که کشتی ها را ابتدا از انگلیسی ها خریداری نماید. "شیل" می نویسد "ایجاد نیروی دریایی کوچک نمی تواند تهدیدی برای منافع انگلیس باشد" ولی در پایان وزیر خارجه انگلیس پالمرستون با این امر مخالفت نمود و در نتیجه امیر این مأموریت را به جان داودخان که برای استخدام معلم برای

۱ - اکبر هاشمی رفسنجانی، امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، انتشارات اسلامی صفحه ۹۷ و ۹۸ .

۲ - فریدون آدمیت - امیر کبیر و ایران، انتشارات خوارزمی صفحه ۳۰۰.

دارالفنون به‌اتریش و پروس رفته بود محول کرد ولی متأسفانه به‌دلیل برکناری امیر تأسیس نیروی دریایی به‌نتیجه‌ای نرسید.^۱

چگونگی اوضاع نیروهای نظامی ایران در سال ۱۸۷۵م، ۱۲۵۴ش.^۲

وضعیت کلی نیروی پیاده نظام

نیروی پیاده نظام ارتش ایران متشکل از هفتاد و چهار هنگ بود که در واقع این هنگ‌ها در حکم گردان‌هایی بودند که شمار نفرات آنها متفاوت بود، برخی از آنها از هشتصد نفر و برخی دیگر از هزار سرباز تشکیل می‌شد.

معمولاً عشایر موجود در کشور، بسته به‌اهمیتشان یک یا چند گردان در خدمت دولت داشتند که این گردان‌ها بانام ایل خود مشخص می‌شدند این نیروها بر حسب تومان یعنی دسته‌های ده هزار نفری تقسیم شده بودند و اولین گردان هر تومان بهادران نام داشت و آخرین گردان مخبران نامیده می‌شد باوجودی که کلمه تومان دقیقاً به‌معنای عده است. معذالک تعداد گردان‌های تشکیل‌دهنده یک تومان گاه بیشتر از ده و گاه کمتر از آن بود هر گردان دارای فرمانده مشخصی بود و به‌طور جدا از دیگر گردان‌ها اداره می‌شد. به‌علاوه نام عشایری یا منطقه‌ای هر گردان و نیز شماره تومانی مربوط به‌آن بر روی پرچم متعلق به‌آن ذکر شده بود. هر یک از گردان‌های هزار نفری به‌ده گروهان صدنفری و به‌همین ترتیب هر گردان هشتصد نفری به‌هشت گروهان صدنفری تقسیم شده بود. معمولاً اولین گروهان از هر گردان از بهادران و آخرین گروهان از مخبران تشکیل شده بود. سایر گروهان‌ها باشماره ترتیب مشخص شده بود.

سربازگیری

سربازگیری در شهرستان‌ها و ولایات به‌تناسب مقدار مالیاتی که از ساکنان هر منطقه اخذ می‌شد انجام می‌گرفت، از آنجا که مالیات مأخوذه از هر منطقه تقریباً بستگی

^۱ - اکبر هاشمی رفسنجانی - امیر کبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار انتشارات اسلامی صفحه ۱۰۱.۳

^۲ - گزارش ژنرال آندره اینی به وزیر امور خارجه ایتالیا و یسکونت و نوستا - تاریخ معاصر ایران جلد سوم انتشارات مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی صفحه ۱۳ الی صفحه ۵۰.

به حاصلخیزی اراضی داشت. بنابراین در شهرستان‌های مختلف بر حسب مورد بابت هر بیست تومان یا بیست و پنج تومان و یا سی تومان مالیات، یک نفر بایستی به خدمت سربازی گمارده می‌شد، و نیز ولایاتی وجود داشت که در قبال هر ده تومان یا پنج تومان مالیات و یا کمتر از آن فردی از آن ولایات بایستی به خدمت ارتش در می‌آمد. مثلاً شهر اصفهان در مقابل هر، سی تومان مالیات یک سرباز داشت حال آن که شهرستان کرمان در قبال هر پنج تومان مالیات باید یک سرباز می‌داد.

البته ساکنان تمام دهات و روستاهای متعلق به دربار و نیز ایرانیان غیرمسلمان از این قاعده مستثنی بودند و سربازگیری در مورد آنها به عمل نمی‌آمد. به علاوه گزینش فردی که می‌بایست به خدمت ارتش درآید به طور کامل بستگی به میل و سلیقه کدخدای ده و یا سرپرست ایل و یا طائفه داشت و این شخص به سهولت می‌توانست باشخص مسؤول مذاکره کند و در مقابل دریافت پول در تصمیم خود تجدید نظر نماید این شیوه سربازگیری موجب آن چنان آشفتگی و بی‌عدالتی شده بود که نه تنها یک فرد بلکه کلیه ساکنان یک روستای پرجمعیت را نیز می‌توانستند با پرداخت پول از خدمت سربازی معاف کنند. سرباز ایرانی مادام‌العمر و یا بهتر بگوئیم تا زمانی که قادر به فعالیت بود در خدمت باقی می‌ماند.

فرماندهی

همان گونه که قبلاً اشاره شد فرماندهان گردان‌ها در عین حال رئیس قبیله یا طائفه و گاهی برادر یا فرزند و یا از بستگان نزدیک او بودند و عموماً این دو سمت در یک فرد متمرکز بود و جنبه کاملاً موروثی نیز داشت و خیلی به ندرت ممکن بود در این زمینه استثنایی مشاهده شود. کوشش‌هایی که توسط دولت ایران برای برچیدن این سنت انجام می‌گرفت اکثراً سبب ایجاد واکنش‌های آشوبگرانه از طرف رؤسای ایلات شده و در نهایت به خلع ید مقام مسؤولی که در صدد اصلاح بود، می‌انجامید. به رغم این اوضاع و احوال، کسانی که فرماندهی دسته و یا فوجی را عهده‌دار بودند برای حفظ موقعیت منصبی و شغلی خود مجبور می‌شدند مبالغه‌ناگفتی به‌والی شهر، به‌وزیر جنگ و حتی به شخص شاه باج بدهند باین توافق ضمنی که در طول خدمت معادل این مبلغ و یا چند برابر آن را از افراد زیردست خود به‌عنوانین مختلف وصول کنند.

ساختار کادرهای سرپرستی

تعیین کادرهای سرپرستی همیشه مبتنی بر یک روال معین و ثابت بود و به‌طور کلی کسی در این کادرها منصوب می‌گردید که بتواند افراد بیشتری از قبیله و یا روستای خود را به‌خدمت دولت گسیل دارد و در عین حال قادر باشد مبالغ بیشتری بپردازد. مواردی که شخصی به‌عنوان خدمات صادقانه به‌حکومت به‌این‌گونه مقامات دست یابد بسیار نادر بود و بسیار نادرتر، آن بود که به‌فردی به‌پاس توانایی شخصی او منصبی داده شود. نتیجه این شده بود که مقامات مسؤول عموماً ناتوان، بی‌اطلاع و بدون انگیزه برای انجام وظایف و یا آموزش مطالب جدید بودند، زیرا که آنان به‌خوبی می‌دانستند که فقط موقعیت خانوادگی، دسیسه‌بازی و فساد می‌تواند راه احراز مقام را به‌رویشان بگشاید.

ساختار کادر یک گردان

ذیلاً ساختار کادر یک گردان متشکل از هشت گروهان را که معمولی‌ترین تشکّل نظامی بود ذکر می‌کنیم. بدیهی است که در مورد گردان‌های متشکل از ده گروهان تعداد افراد ذکر شده به همین نسبت افزایش می‌یابد:

کادر تشکیلاتی یک گردان

سرهنگ	یک نفر
یاور (سرگرد)	یک نفر
سلطان (سروان)	هشت نفر
آجودان	یک نفر
نایب اول (ستوانیکم)	هشت نفر
نایب دوم	هشت نفر
بیرق‌دار	یک نفر
مشرف	یک نفر
حکیم	یک نفر
جراح	یک نفر
ماژور	یک نفر
بیگزاده	هشت نفر

وکیل باشی	یک نفر
آردل (امریر)	هشت نفر
وکیل بیرق	سه نفر
وکیل (گروهبان)	سی و دو نفر
سرجوخه	سی و دو نفر
بالابانچی باشی	یک نفر
نیچی باشی	یک نفر
شیپورچی باشی	یک نفر

دسته موزیک عموماً از پنجاه نوازنده تشکیل می‌شد و سازهای آنها عبارت بودند از طبل، فلوت و شیپور.

ستاد ارتش

ستاد ارتش متشکل بود از : وزیر جنگ، سردارها، امیرتومان‌ها، سرتیپ‌ها. در ترکیب فوق‌الذکر سرتیپ‌ها خود به سه رده تقسیم می‌شدند. در باره تعداد افراد تشکیل دهنده ستاد حتی به‌طور تقریبی هم نمی‌توان عدد و رقمی ذکر کرد زیرا که عملاً تعداد این افراد بستگی مستقیم به‌میل و استبداد شاه و یا وزیر جنگ داشت، آنچه به‌طور قطعی و مسلّم می‌توان در این مورد بیان داشت این است که تعداد افراد تشکیل دهنده ستاد به‌طور حتم بیش از تعداد مورد نیاز ارتش بود.

حقوق و جیره افراد در ارتش

حقوق افراد ارتش در درجه امیرتومانی مقدار ثابت و مشخصی نبود و باتبعیض همراه بود و میزان آن بستگی به‌میل و اراده شاه داشت که مختار بود دست به‌افزایش یا کاهش آن بزند. مثلاً سرتیپ‌هایی در سمت فرمانده لشکر دیده می‌شدند که تا هشت هزار تومان حقوق می‌گرفتند، در حالی که دیگران در همین سمت حدوداً سه هزار تومان حقوق می‌گرفتند. ولی در مورد سرتیپ‌ها (فرماندهان تیپ‌ها) به‌جهت آن که حقوقشان میزان ثابتی داشت می‌توان میانگین گویایی را ملاک قرار داد. روی این اصل و باتوجه به‌میزان حقوق درجه سرتیپ جدول حقوق درجات مختلف و نیز سربازان ارتش ایران به‌شرح زیر بوده است.

نمودار کلی حقوق و جیره افراد در ارتش (پیاده نظام):^۱

شماره ترتیب	درجات	حقوق سالانه به تومان	جیره روزانه نان به باتمن	جیره روزانه جو به باتمن
۱	سرتیپ رده یک	۱۵۰۰	۱۲	۳۶
۲	سرتیپ رده دو	۱۲۰۰	۱۰	۳۰
۳	سرتیپ رده سه	۱۰۰۰	۸	۲۴
۴	سرهنگ	۵۰۰	۴	۱۲
۵	یاور	۱۵۰	۳	۶
۶	سلطان	۶۰	۱/۲	۳
۷	آجودان	۵۰	۱/۲	۳
۸	نایب اول	۳۰	۱	۲
۹	نایب دوم	۲۰	۳/۴	۱
۱۰	بیرق دار	۴۰	۱/۲	۲
۱۱	مشرف	۸۰	۲	۴
۱۲	حکیم	۸۰	۲	۴
۱۳	جراح	۶۰	۲	۴
۱۴	ماژور	۲۵	۱	۲
۱۵	بیگ زاده	۲۰۱	۲	
۱۶	وکیل باشی	۳۰	۱	۲
۱۷	آردل	۱۰	۱/۲	۲
۱۸	وکیل بیرق	۱۰	۱/۲	۲
۱۹	سرجوخه	۸	۱/۲	۲
۲۰	سرباز	۷	۱/۲	۲

ملاحظات:

(۱) هر تومان یک سکه طلا به ارزش معادل ۱۱ فرانک است.

(۲) باتمن عبارت است از واحد وزن جیره معادل ۳ کیلوگرم. (به زبان ترکی)

(۳) حکیم مبلغ ۵۰ تومان اضافه بابت هزینه دارو دریافت می کرد.

^۱ - فریدون آدمیت - امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی صفحه ۳۰۱.

اکنون برای این که جنبه دیگر موضوع را مورد توجه قرار دهیم لازم است که به مزایایی که افراد ارتشی در طول خدمت از آنها برخوردار بودند، اشاره‌ای داشته باشیم، روستا یا قبیله‌ای که فرد ارتشی متعلق به آن بود متعهد می‌شد که در تمام مدتی که این فرد به خدمت در ارتش اشتغال دارد سالانه مبلغی به صورت مستمری به وی بپردازد که این مبلغ بسته به وسعت و بزرگی روستا یا قبیله از هشت تا حداکثر پانزده تومان بود. سایر روستائیان مالیات‌های فرد ارتشی را تقبل کرده و یا برای نگهداری خانواده او کمک مالی می‌کردند و زمین او را کشت و زرع می‌کردند. علاوه بر اینها فرد ارتشی به محض ورود به گردان و استقرار در یکی از پادگان‌های شهر، می‌توانست به صورت پیمانی به شغل غیرنظامی و یا خرید و فروش بپردازد. البته انجام چنین کاری از طرف وزیر جنگ اکیداً ممنوع اعلام شده بود ولی فرماندهان جزء به طور پنهانی این آزادی عمل را به زیردستان خود می‌دادند تا خود نیز از آن بهره‌برند، به کرات اتفاق می‌افتاد که سرباز در طول خدمت از این طریق سرمایه‌ای نیز برای خود فراهم و پس‌انداز کرده و پس از پایان خدمت و مراجعت به زادگاه خود از آن استفاده می‌نمود.

بودجه

وزارت جنگ هم مانند سایر وزارتخانه‌ها بودجه معین و پیش‌بینی شده‌ای نداشت، فقط زمانی که درآمدهای دولتی از ولایات و شهرستان‌ها به خزانه دولت در تهران منتقل می‌شد مبلغی متناسب با نیازهای وزیر جنگ در اختیار وی قرار داده می‌شد که در مقابل آن رسیدی می‌داد که بعداً توسط دیوان محاسبات برای واری امور مالی مورد استناد و استفاده قرار می‌گرفت. درآمد دولت میان ادارات متعدد تقسیم می‌شد و هیچ‌گاه درجه و حقوق یک کارمند افزایش نمی‌یافت مگر این که کارمند دیگری فوت می‌کرد یا اخراج می‌شد و یا به میل خود استعفا می‌داد تا بتوان از محلّ حقوق قطع شده او نسبت به افزایش پایه و حقوق کارمند دیگری استفاده نمود. این را هم باید اضافه کرد که استعفای ارادی یک کارمند دولت بسیار نادر بود و معمولاً هیچ مأموری به میل و خواسته خود از شغلش استعفا نمی‌داد.

خزانه دولت

مسئولیت خزانة دولت در دست وزیر دارایی بود که به نفع خود از موجودی خزانة سوءاستفاده‌ها و بهره‌برداری‌های متعدد می‌کرد بمانند این که خزانة جزء اموال شخصی اوست و همین امر سبب به تعویق افتادن پرداخت‌ها و یا تقسیط آنها به نفع خزانة‌دار می‌شد.

گردان‌های آماده خدمت

نیروی پیاده نظام ارتش ایران بجز در حالات و موارد استثنایی هرگز به‌طور کامل آماده خدمت نبود و فقط چند گردان که برای برقراری نظم ضروری تشخیص داده شده بود در حال خدمت نگاهداری می‌شدند و بقیه محیط نظامی را ترک کرده و به کار و کشاورزی خود می‌پرداختند.

فهرست ذیل نمایشگر توزیع گردان‌ها در مناطق مختلف کشور بود:

تهران	هشت گردان
تبریز	سه گردان
مشهد	سه گردان که یک گردان آن در منطقه کلات مستقر بود
استرآباد	دو گردان
اصفهان	یک گردان
کرمانشاه	دو گردان
کرمان	یک گردان
مجموع سایر مناطق	چهار گردان

این گردان‌ها از یک تا دو سال در حال خدمت بودند و سپس گردان‌های دیگری که از طرف وزیر جنگ فراخوانده می‌شدند جایگزین آنها می‌گردیدند. فقط افراد گردان‌های مشغول خدمت مواجب خود را به‌طور کامل دریافت می‌کردند، به‌سایر افراد که در حال خدمت نبودند فقط نیمی از مواجب پرداخت می‌شد.

بخش دوم - تشکیل بریگاد قزاق

تاریخچه قوم قزاق

(واسیلی ولادیمیر و ویچ بارتولد) خاورشناس روسی در کتاب خود تحت عنوان (خاورشناسی در روسیه و اروپا) در مورد قوم (قزاق) می‌نویسد.

« قزاق‌ها از نژاد (ازبک) هستند. قوم (قرقیز) در قرون وسطی در قسمت علیای رود (ینی‌سئی) زندگی می‌کردند. قسمت عمده این قوم تدریجاً به جنوب غربی مهاجرت کردند و در قرن شانزدهم میلادی به یک قسمت عمده از ملت (ازبک) نزدیک شدند. این ازبک‌ها از خوانین خود که به کشور گشائی پرداخته با سرزمین‌های متمدن حوزه دریاچه آرال درگیر بودند جدا شده همچنان در دشت باقی ماندند و به (قزاق) معروف شدند.»

کلمه ترکی (قزاق) درباره کسانی به کار برده می‌شود که از طایفه یا قبیله خود جدا شده و مجبور بودند زندگی ماجراجویانه‌ای را دنبال کنند.

سرلشکر اسماعیل شفائی از افسران دیویزیون قزاق^۱ چنین گفت پس از چنگیز سلطنت مغول‌ها در سرزمین مستقل روسیه چند قرن به طول انجامید و در طول این مدت بازماندگان چنگیز در جنوب روسیه سه حکومت تشکیل داده حکومت اول سلطنت ناحیه «کازان» بود و حکومت دوم ناحیه «سارای» و سومی سلطنت سرزمین کریمه. این سه حکومت مانند یک نیم دایره‌ای در مقابل حکومت «مسکو» که شاهزاده نشین و دست نشانده حکومت مغول بود، قرار داشت. متصرفات مغول‌ها و روس‌ها سرزمین‌هایی حایل بود که حالت بی طرف پیدا کرده بودند.

یا غیان و فراریان مغول از یکسو و ناراضیان روسی از سوی دیگر به این سرزمین می‌گریختند این فراری‌ها بتدریج تبدیل به عشایر بزرگی شدند و قلمرو آنها سرزمین وسیعی در «دنیپر»، «دنیستر»، «دون» و ولگا بود. روس‌ها این فراریان را «کازاک» نامیدند و قزاق همان کازاک است و به نظر میرسد که این نام از کلمه ترکی (قاقاق) گرفته شده باشد پس از تصرف سرزمین‌های قزاق‌ها روس‌ها از این قوم به دلیل شجاعت و جسارت در جنگ‌های خود استفاده می‌کردند.

^۱ - محسن میرزائی - تاریخچه بریگاد و دیویزیون قزاق - نشر علم جلد اول صفحه ۲۶.

قوم قزاق مسلمان و سنی مذهب بودند روسها در سال ۱۸۵۳ میلادی سرزمین قزاقستان را به تصرف خود در آوردند. پس از انقلاب اکتبر این کشور جزء اتحاد جماهیر شوروی شد و در حال حاضر قزاقستان کشوری مستقل می‌باشد.

چگونگی تشکیل بریگاد قزاق

ناصرالدین شاه در عالم خیال هوادار اصلاح قشون بود. او طی نخستین مسافرتش به فرنگستان سخت تحت تأثیر مانورهای منظم و «انیفورم‌های» زیبای قشون‌های کشورهای مختلف به خصوص اتریش در آمده بود.

ناصرالدین شاه در طول دومین سفر خود به اروپا در سال ۱۲۵۸ شمسی از طریق روسیه در (ماوراء قفقاز) متوجه سپاهیان روس شد که از جنگ‌های روس و عثمانی که پایان یافته بود، باز می‌گشتند.

همه جا عده‌ای از قزاق‌ها ناصرالدین شاه را همراهی می‌کردند. آنان دارای سرو وضعی خوب بودند، «انیفورم»‌های زیبا پوشیده و چابک سواری می‌نمودند، شاه را شدیداً تحت تأثیر قرار داد و اظهار تمایل کرد یگانی مشابه سوار نظام قزاق را در ایران به وجود آورده و نظر خود را با نایب السلطنه قفقاز گراندوک (میخائیل نیکولا یویچ) در میان گذاشت.^۱

گراندوک به تزار پیشنهاد کرد که بدین مقصود عده‌ای مربی به ایران بفرستد (الکساندر دوم) اجازه داد و رئیس ستاد منطقه نظامی قفقاز ژنرال (پاولوف) افسری را به نام سرهنگ دوم ستاد (الکسی ایوانوویچ دو مانتوویچ) برگزید و در رأس هیأت نظامی به ایرانی فرستاد.

امضاء قرار داد بریگان سواره قزاق ایران

پس از دو ماه قرارداد نخستین بریگاد قزاق ایران به امضاء رسید از سوی دولت ایران میرزا سعید خان وزیر امور خارجه^۲ قرارداد را تأیید نمود و به رسم آن روزگار پشت قرار داد را مهر کرد و این تشکیلات «بریگاد سواره قزاق همایونی» نامیده شد

^۱ - در کتاب رضا شاه و قشون متحدالشکل نگارش دکتر باقر عاقلی صفحه ۹۲ - و همچنین خاطرات نخستین سپهبد ایران، امیر احمدی، تهیه کننده غلامحسین زرگری نژاد صفحه ۴۶ محل بازدید ناصرالدین شاه سن پترزبورگ یا پترو گراد نوشته و شاه ایران مورد استقبال امپراطور روسیه قرار گرفته است.

^۲ - محسن میرزائی - تاریخچه بریگارد و دیویزیون قزاق - نشر علم جلد اول صفحه ۶۹ در سال ۱۲۶۴ هجری قمری که ناصرالدین شاه به همراه میرزا تقی خان جهت جلوس به تخت سلطنت از تبریز به تهران می‌آمد، ملا محمد سعید نامی برای

کلنل دو مانتوویچ پس از به امضاء رسیدن قرارداد، به قفقاز مراجعت کرد. بازگشت او به تهران چند ماه بعد در تاریخ ماه آوریل ۱۸۷۹ میلادی به ثبت رسیده است. او در بازگشت به ایران سه تن صاحب منصب و پنج وکیل (گروه‌بان) به همراه آورد اسامی این افراد به شرح زیر می‌باشد.

– سروان کوخارینکو

– سروان ماکودکین

– سروان آبرزوف

اسامی پنج درجه دار

– وکیل کریلوف

– وکیل وادوبشین

– وکیل رود

– وکیل یوسیف

– وکیل لاکتین

در بدو تشکیل اداره بریگاد سواره قزاق در اول ماه ژوئیه ۱۸۷۹ عده کل صاحب منصبان و کابین‌های بریگاد منحصر بود. به ششصد و پنجاه و چهار نفر در تاریخ ۱۸۸۲ مقارن ایام عید نوروز صاحب منصبان و تابین‌های فوج اول و دوم اسکادران سواره گارد تشکیل یافته، و در همان سال دسته موزیکا نچیان تعداد سی و پنج نفر بر عده کل صاحب منصبان و تابین‌های بریگاد ضمیمه شدند و همچنین در همین سال در اواخر «فوج سوم سواره قزاق مهاجر» عبارت از دویست و شصت و دو نفر صاحب منصب و تابین تشکیل یافته، ملحق شد به بریگاد سواره قزاق و آخر الامر در سال ۱۸۸۳ در اوایل فصل پاییز از صاحب منصبان و تابین‌های فوج اول و دوم باتری توپخانه سواره قزاق تشکیل یافت و دوازده توپ سوار بر عده کل بریگاد اضافه شد.

بدین ترتیب بریگاد سواره گارد تشکیل شده بود از سه فوج سوار، دسته موزیک و یک آتشبار توپخانه.

از این تاریخ هرگز کنترلی بر انتصاب افسران روسی بریگاد قزاق نبود لذا نه شاه و نه دولت هیچگونه آگاهی از چگونگی کم و کیف و اداره این سازمان نداشتند، از نظر افسران روسی بریگاد قزاق، به منظور تقویت منافع روسیه و دفاع از استبداد پادشاهان قاجار ایجاد شده بود و شاه به نوبه خود وابسته به بریگاد قزاق گردیده بود، نهادی که تا قبل از تشکیل ژاندارمری دولتی و نظمیه تنها نهاد سازمان یافته‌ای به شمار می‌آمد که قوایی را برای برقراری نظم در پایتخت در اختیار داشت و این امر بدون شک مهم‌ترین وظیفه بریگاد قزاق بود. در سال ۱۸۹۶ م پس از قتل ناصرالدین شاه بریگاد قزاق توانست از سلسله قاجاریه حمایت کرده و انتقال مسالمت‌آمیز حکومت را به مظفرالدین شاه تضمین کند، همچنین نقش اساسی را در برقراری ثبات تهران در خلال سفرهای مظفرالدین شاه به فرنگ در سال‌های م - ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ م به عهده گیرد.

کلنل لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق در خلال سال‌های انقلابی ۱۹۰۶ م تا ۱۹۰۹ م، مخصوصاً همواره سعی داشت تا جایی که میسر است افراد تحت امر خود را در تهران نگه‌دارد تا بتواند در مواقع ضروری نیروی کوچکی را تحت فرمان داشته باشد. دلیل ظاهری او برای این کار، مراقبت از جان اروپائیان بود ولی شکی نیست که ملاحظات امنیتی عمومی‌تری زیربنای این سیاست را تشکیل می‌داد. بنابراین لیاخوف نیروی لازم را برای اجرای کودتای محمدعلی شاه علیه مجلس در سال ۱۹۰۸ در اختیار داشت. پس از تأسیس ژاندارمری دولتی بود که بریگاد قزاق انجام عملیات نظامی عمده علیه شورشیان عشایر و ایالات را به عهده گرفت. ولی ضعف روحی و بی‌کفایتی این نیرو به معنای آن بود که آنان در انجام وظیفه مذکور باتوفیق اندکی روبرو خواهند شد، وظیفه‌ای که به هر حال هرگز قبلاً در نظر گرفته نشده و برای آن تربیت نشده بودند.

در سال ۱۸۹۹ میلادی استعداد رسمی بریگاد قزاق از ۱۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰ نفر افزایش یافت، این واحدها شامل سواره‌نظام - توپخانه اسبی و پیاده نظام بودند.

بریگاد قزاق از عناصر زیر تشکیل شده بود:

افسران ایرانی ۱۳۳ نفر

افسران روسی ۱۰ نفر

سوارنظام ۶۶۶ نفر

پیاده‌نظام ۴۸۰ نفر

افراد توپخانه ۱۳۲ نفر

بخش اعظم این بریگاد در تهران مستقر شده بود ولی قسمت‌هایی از آن نیز در نواحی گوناگون ایران یعنی در شمال شرق، شمال غرب و غرب ایران حضور داشتند. علاوه بر کلنل لیاخوف، پنج صاحب منصب دیگر روسی، هشت درجه‌دار و یک صاحب منصب بهداری نیز همراه بریگاد بود. این رقم در حقیقت بیشتر از تعدادی بود که در موافقتنامه قرارداد اصلی با دولت روسیه پیش‌بینی شده بود.^۱

روسیه همواره سعی داشت تا از حوادث سیاسی مساعد به نفع خود بهره‌برداری کرده و بر قدرت بریگاد قزاق بیفزاید. محمدعلی شاه پس از به‌توپ بستن مجلس در سال ۱۹۰۸ به لیاخوف اجازه داد تا تعداد قزاق‌ها را در کلیه صفوف نظامی به ۲۵۰۰ تن برساند و برای استخدام تعداد بیشتری از افسران روسی اقدام کند. با این حال، در این مرحله عملاً کار مهمی صورت نگرفت زیرا نه لیاخوف و نه محمدعلی شاه هیچ یک پس از پیروزی ملیون در سال ۱۹۰۹ در صحنه نبودند. در ژانویه سال ۱۹۱۰ مجلس هنوز قدرتمند بود و با درخواست وادبولسکی^۲ مبنی بر افزایش ۴۰۰ نفر به‌استعداد قزاق‌ها و ۳ صاحب منصب روسی مخالفت کرد، ولی بلافاصله پس از انحلال مجلس در پایان سال ۱۹۱۱، روسیه تقاضای قبلی خود مبنی بر توسعه بریگاد قزاق را تکرار کرد و اعلام داشت که پس از آن که قزاق‌ها برای برقراری نظم از قدرت لازم برخوردار گردیدند، قوای روس از شمال ایران خارج خواهد شد. دولت ایران قادر به مقاومت در برابر این فشارها نبود و در تابستان ۱۹۱۲ علاءالسلطنه وزیر امور خارجه اعلام کرد که دولت به‌وزارت جنگ اجازه داده است تا شعبه‌ای از بریگاد قزاق را در تبریز تأسیس کند در دسامبر ۱۹۱۲ دولت ایران در برابر این فشارها تسلیم شد و با تقویت عمومی بریگاد قزاق موافقت کرد. دولت ایران یکبار دیگر نیز در پایان سال ۱۹۱۳ موافقت خود را با دو برابر شدن تعداد نیروهای بریگاد در تبریز اعلام نمود و به‌این ترتیب تعداد افراد آن به ۱۲۰۰

^۱ - ناصر الدین شاه در سفر دوم خود به اروپا ۱۲۵۷ ش / ۱۸۷۸ م قراردادی را با دولت روسیه امضاء کرد که طبق آن روسیه تزاری متعهد شده بود افسرانی را برای تنظیم سواره نظام ایران (به سبک سواره نظام قزاق روسیه) به ایران گسیل دارد. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات علمی صفحه ۱۹۷.

^۲ - هشتمین فرمانده نیروی قزاق که در زمان احمدشاه در ایران خدمت می‌کرد.

نفر افزایش یافت همراه با ۴ نفر صاحب منصب و ۸ درجه‌دار روسی در زمستان سال ۱۹۱۴ وادبولسکی تعداد کل نیروهای خود را ۲۷۵۴ تن اعلام کرد. به‌علاوه ۷۱۶ دانش‌آموز نیز در مدرسه قزاق‌ها در تهران به‌تحصیل اشتغال داشتند.

در سال‌های آخر سلطنت مظفرالدین شاه، بریگاد قزاق نیز مانند سایر بخش‌های اداری ایران با بحران مالی روبرو شد، به‌نظر می‌رسد که تا آن زمان بودجه‌ای که برای بریگاد قزاق مورد نیاز بود به‌طور کم و بیش منظم توسط دولت تأمین می‌شد. فرمانده بریگاد نیز گه‌گاه با سرپیچی از تقاضاهای دولت ایران در مورد قزاق‌ها، فشارهای مالی وارده بر دولت را افزایش می‌داد، ولی در سال ۱۹۰۵م پرداخت‌های مربوط به بریگاد قزاق جدّاً به‌تعویق افتاد و کلنل چرنوزویوف^۱ حدود ۸۰ هزار تومان بدهکار بود و می‌بایست باضمانت خودش، بیش از ۶۰ هزار تومان یعنی حدود ۱۰ هزار لییره از بانک‌های روسی و انگلیسی قرض می‌کرد، در تابستان سال ۱۹۰۷م دولت ایران دیگر هیچ پولی برای هزینه‌های بریگاد قزاق پرداخت نمی‌کرد و این تصوّر و برداشت را داشت که روسیه قبل از آن که خود شاهد فروپاشی این نیرو باشد رأساً بایستی اقدام به پرداخت هزینه‌های مربوط به نگهداری آن نماید. دولت روسیه در واقع عملاً ترتیب پرداخت‌های لازم را از طریق بانک روسی می‌داد و همزمان جهت تقبّل و پرداخت هزینه‌های بریگاد قزاق به‌دولت ایران نیز فشار می‌آورد که بالاخره موفق شد ترتیبی دهد که پرداخت هزینه‌های ضروری بریگاد از طریق اداره گمرکات که زیر نظر بلژیکی‌ها اداره می‌شد انجام گردد، این وجوه از محلّ عواید گمرک شمال تأمین می‌گردید.

در چارچوب هزینه‌های نظامی ایران، مخارج بریگاد قزاق بدون شک رقم بالایی را تشکیل می‌داد. بودجه کلّ سالیانه آن تا سال ۱۹۰۶م تقریباً به ۴۵۰۰۰ لییره می‌رسید ولی رقم واقعی هزینه‌ها از این رقم هم فراتر می‌رفت.

یک ماه پس از آن که مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را امضاء کرد و اجازه تأسیس مجلس شورای ملی را صادر نمود کلنل لیاخوف فرماندهی بریگاد قزاق را برعهده گرفت، نامبرده متوجّه شد که صاحب منصبان روسی، فاقد هرگونه کنترلی بر بریگاد بوده و اداره امور آن در دست یک شورای نظامی متشکل از صاحب منصبان ایرانی است بنابراین باترفندهایی موفق شد به تدریج این شورا را منحل کرده و افسران ایرانی مخالف نفوذ روسیه را از بریگاد

^۱ - فرمانده بریگاد قزاق در ایران در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار.

قزاق ریشه کن کند. در نتیجه بامشکل بزرگی مواجه شد زیرا علاوه بر مخالفت‌های داخل بریگاد، علمای برجسته و برخی از وزیران و نمایندگان مجلس شورای ملی می‌کوشیدند تا قدرت او را محدود نمایند. در دسامبر ۱۹۰۷م یعنی زمانی که محمدعلی شاه نقشه‌هایی را برای تعطیل کردن مجلس به کمک بریگاد قزاق طرح کرده بود، لیاخوف ناگزیر شد اعتراف کند که نمی‌تواند برای انجام چنین کاری به افراد تحت امر خود متکی باشد باتمام این احوال وی بالاخره توانست با دفاع از منافع افراد تحت امر خود اعتماد آنان را تا حدودی به دست آورده و انضباط را در بریگاد برقرار کرده و کارآیی آن را بهبود بخشد.

پس از افتتاح مجلس در ۱۴ مهر سال ۱۲۸۵ش (اکتبر ۱۹۰۶) حملات مداومی از سوی نمایندگان آن علیه بریگاد قزاق آغاز شد، نمایندگان مجلس مدعی شدند در حالی که دولت ایران هزینه قزاق‌ها را می‌پردازد آنان تماماً در راستای منافع روسیه عمل می‌کنند به علاوه افسران و افراد بریگاد مزبور در ایالات به این منظور استخدام شده‌اند که اطلاعاتی را در باره اوضاع محلی جمع‌آوری کرده و آن را برای ستاد خود بفرستند و ستاد مزبور نیز اطلاعات مذکور را برای اداره اطلاعات جاسوسی وزارت جنگ روسیه ارسال نماید. کلنل لیاخوف برای آن که امتیازی به افکار عمومی مردم ایران بدهد عنوان رسمی "سرپرست آموزش سوار نظام ایران" را در برابر عنوان قبلی خویش مبنی بر "فرمانده بریگاد قزاق ایران" به کار برد.

در اوائل سال ۱۹۰۷ محمدعلی شاه بر تخت سلطنت جلوس کرد^۲ ولی طولی نکشید که کشمکش بین شاه جدید و مجلس آغاز شد و اختلافات میان سلطنت‌طلبان (مستبدین) و مشروطه‌خواهان بالا گرفت. در (ژوئن ۱۹۰۸ مصادف با ۱۲۸۶ ش) شاه که نتوانست کودتایی را علیه مجلس و با استفاده از بریگاد قزاق انجام دهد^۳ این بار آن را عملی ساخت و وفاداری بریگاد قزاق نیز که لیاخوف به تازگی آن را پاکسازی کرده بود بپاداش ویژه‌ای که در اوایل

۱ - در این تاریخ انتخابات مجلس شورای ملی در تهران پایان یافت و نخستین جلسه آن در کاخ گلستان با نطق مظفر الدین شاه افتتاح شد و روز بعد مرتضی قلیخانی صنیع الدوله داماد مظفرالدین شاه به ریاست مجلس برگزیده شده.

۲ - محمد علی میرزا در تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ه‍.ق (۱۹ ژانویه ۱۹۰۷) به سلطنت رسید.

۳ - محمد علی شاه که قبلاً با نظام مشروطیت مخالف بود و متمم قانون اساسی (مصوب شعبان ۱۳۲۵) نیز از اختیار استبدادی او می‌کاست، به مانور ماهرانه‌ای برای در هم کوبیدن مشروطیت دست زد، قزاق‌ها قصد تصرف مجلس را داشتند لیکن در اثر مقاومت شدید مجاهدین، شکست خوردند، علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجاریه، صفحات ۴۹۶ - ۵۰۱.

سال توسط محمدعلی شاه میان آنان تقسیم شده بود تضمین گردید. هزینه این کار با اعطای یک وام ۱۰۰۰۰ لیره‌ای به‌شاه از سوی یکی از افراد بانفوذی که وضع او در اثر بودجه تهیّه شده به‌وسیله مجلس در معرض تهدید قرار گرفته بود تأمین شد.^۱

در روز ۲ تیرماه ۱۲۸۷ش (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸) بریگاد قزاق به‌فرماندهی لیاخوف و تنی چند از صاحب منصبان روسی مجلس را به‌توپ بستند و به‌ارباب نمایندگان آن پرداختند بر اثر این واقعه حکومت نظامی اعلام شد و شاه لیاخوف را با داشتن اختیارات کامل بر نیروهای نظامی و نظمیه، به‌فرمانداری نظامی تهران نیز گمارد. حالا دیگر لیاخوف صاحب اختیارات و قدرت وسیع و کنترل بر کارکنان نظامی و مردم کوچه و بازار پایتخت شده بود وی علناً تا ورود مجاهدین در ژوئیه ۱۹۰۹ عملاً به‌صورت دیکتاتور تهران در آمده بود. اعمال حکومت نظامی نیز کلیه فعالیت‌های آشکار مشروطه‌خواهان را در پایتخت در خلال این دوره فلج کرده بود، لیاخوف نمی‌توانست کودتای شاه را بدون برانگیختن برخی از ناراضایتی‌ها در داخل بریگاد اجرا نماید. دست کم یک صاحب منصب ایرانی به‌نام خدایار خدایاری در اعتراض به توپ بستن مجلس، از مقام خود استعفا داد، گرچه وی بعد از برکناری محمدعلی شاه مجدداً به بریگاد قزاق ملحق شد ولی به‌نظر می‌رسد که حدود ۴۰۰ نفر از قزاق‌های بریگاد به‌تدریج این تشکیلات را ترک کردند، زیرا ترجیح می‌دادند که در کنار صاحب منصبان روسی باقی نمانند.

در نوامبر ۱۹۰۹ کلنل پرنس وادبولسکی (رئیس ستاد لشکر سواره‌نظام قفقاز) وارد تهران شد تا پست فرماندهی بریگاد قزاق را از لیاخوف تحویل بگیرد، شاه به‌دلیل نزدیکی زیاد او به دربار روسیه در ابتدا تصور می‌کرد که وادبولسکی مایل به‌همکاری باملّیون (مشروطه‌خواهان) است. هنگامی که سؤالات متعددی در مجلس جدید از نماینده وزارت جنگ روسیه در خصوص وفاداری قزاق‌ها به‌دولت ایران شد، همگی افسران قزاق در مجلس حضور یافتند و وفاداری خود را به‌حکومت مشروطه اعلام کردند مع‌ذالک طولی نکشید که وادبولسکی شروع

^۱ - مجلس شورای اسلامی ملی در آبان ۱۲۸۶ش وام پیشنهادی انگلیس و روسیه را رد کرد و یک سیاست ریاضت مالی را توصیه نمود که مبتنی بر نظارت مجلس بر حساب‌های مالی دولت و تفکیک بودجه دولت بود. شخصیت مورد نظر ظاهراً باید "امیربهادر جنگ" باشد که به سفارت روسیه پناهنده شده بود.

به‌بی‌اعتنایی به دستورات مقامات جدید (وزیر جدید جنگ) کرد و کشمکش میان وزیر جنگ ایران^۱ و فرمانده بریگاد قزاق در گرفت و سرپیچی فرمانده مزبور از دستورات وزیر جنگ منجر به خصومت شدید مردم نسبت به روسیه شد. از این زمان به بعد بود که شکایات در باره سرپیچی بریگاد قزاق همچنان ادامه یافت و رویه و سنت استقلال عمل بریگاد مزبور ظاهر شد، در حالی که دولت ایران قادر نبود حتی در مورد عملیات انتظامی در تهران متکی به قزاق‌ها باشد قطعاً نمی‌توانست از وجود قزاق‌ها در عملیات نظامی علیه محمد علی شاه (پادشاه سابق) که در طول سال ۱۹۱۱ می‌کوشید تا باتوسل به زور تاج و تخت از دست رفته را دوباره به دست آورد^۲ استفاده کند. در نوامبر ۱۹۱۱ مجلس شورای ملی در برابر اتمام حجت روس‌ها سقوط کرد.^۳ بریگاد قزاق در این شرایط عکس‌العملی از خود نشان نداد و دخالت آن هم لزومی نداشت معهداً به‌رغم پیروزی نقشه‌های روس‌ها و شکست مشروطه‌خواهان، مقامات ایرانی، دولت و نائب‌السلطنه (عضدالملک) هنوز نمی‌توانستند به وفاداری بریگاد قزاق مطمئن باشند. کوشش دولت در سال ۱۹۱۳ برای بکارگیری بریگاد علیه سالارالدوله یکی از برادران شاه که شورش مسلحانه‌ای را بر پا کرده بود صرفاً به طرفداری قزاق‌ها از سالارالدوله منجر گردید.

گرچه فشار روس‌ها برای افزایش تعداد و نفرات بریگاد قزاق در این دوره همچنان ادامه یافت ولی رشد ژاندارمری دولتی از سال ۱۹۱۲ به بعد باعث تشدید فشار مزبور شد. اعضای هیأت سیاسی روسیه و صاحب منصبان قزاق از توسعه این نیروی جدید هراس داشته و از آن ناخشنود بودند و از موفقیت آن فوق‌العاده احساس حسادت می‌کردند و خصومت آنان با فشارهایی که از جانب روسیه وارد می‌شد تشدید می‌گردید. گزارش‌های که وزیر مختار روسیه

^۱ - محمد ولیخانی نصر السلطنه سپهدار.

^۲ - دولت روسیه که از روش ملتین و مشروطه خواهان ایران ناخشنود بود در سال ۱۲۹۰ ش محمد علی میرزا (پادشاه سابق) را به منطقه غرب ایران (استان کرمانشاه) آورد. چند صباحی محمد علی میرزا و برادرش سالارالدوله به ترک تازی مشغول بودند ولی سرانجام از قوای دولتی شکست خوردند و به روسیه گریختند. ایران در دوره سلطنت قاجار صفحات ۵۴۳ - ۵۴۶.

^۳ - در هشت آذر ماه ۱۲۹۰ سفارت روسیه اتمام حجتی بر مبنای سه اصل به دولت ایران داد و برای آن ۴۸ ساعت مهلت قائل شد. این اصول عبارت بودند از: ۱- اخراج مورگان شوستر آمریکایی ۲- استخدام اتباع خارجی با اجازه روس و انگلیس. ۳- پرداخت خسارت لشکر کشی روسیه به ایران، ناصرالملک (نایب السلطنه) که نگران واکنش شدید نمایندگان دموکرات در مجلس بود، مجلس را در سوم محرم ۱۱۳۰ منحل کرد و مورنارد بلژیکی را به جای شوستر گمارد.

در تهران (درباره موفقیت ژاندارمری) برای مقامات روسی ارسال می‌کرد، توجه دولت روسیه را به موفقیت‌هایی که سوئدی‌ها در ژاندارمری ایران به‌دست آورده بودند جلب و حسادت آنها را برانگیخت. جریان مزبور ناخوشنودی زیادی در محافل نظامی روسیه ایجاد کرد و منجر به اتخاذ تصمیمی شد که بخشی از آن مبتنی بر غرور ملی و بخش دیگری مبتنی بر حفظ منافع روسیه بود بدین معنا که دولت روسیه تصمیم گرفت نیرویی را تحت نظر صاحب‌منصبان روسی ایجاد کند که بتواند با ژاندارمری دولتی به رقابت برخیزد.

صاحب‌منصبان روسی نیز در مقایسه با صاحب‌منصبان سوئدی که دارای فعالیت قابل توجه، شایستگی نظامی و جایگاه اجتماعی بالایی بودند، از موقعیت مناسبی برخوردار نبودند. در واقع بریگاد از نظر قدرت رزمندگی، ارزش ناچیزی داشت. افزون بر آن رقابت رو به‌گسترش بریگاد قزاق با ژاندارمری دولتی باعث شد که بریگاد به‌انجام عملیاتی‌های مبادرت نماید که هرگز برای آن منظور در نظر گرفته نشده و برای چنین نوع کارهایی آموزش ندیده بود، نتیجه چنین عملیاتی‌های طبیعتاً شکست بود، شکستی که با موفقیت نسبی ژاندارمری مورد مقایسه قرار می‌گرفت، اردو کشی‌هایی نظیر آنچه که علیه سالارالدوله در سال ۱۹۱۳ انجام شد با این هدف صورت گرفت که ثابت کند قزاق‌ها نیز به‌اندازه ژاندارمری از خود کفایت نشان می‌دهند، ولی فقط غیرقابل اعتماد بودن سیاسی، نامناسب بودن به‌لحاظ نظامی و بی‌کفایتی صاحب‌منصبان روسی را ثابت کرد.

در سال ۱۲۹۹ استاروسلسکی از ایران اخراج شد و به‌جای وی سردار همایون که در کابینه وثوق‌الدوله پست وزارت جنگ را برعهده داشت به‌فرماندهی قزاق‌ها منصوب شد. در همان زمان آیرونساید، سرهنگ دوم هنری المایث را مأمور کرد تا بر امور مالی قزاق‌ها نظارت نماید در میان قزاق‌ها صاحب‌منصبانی بودند که به‌خاندان سلطنت وابسته بودند این عده عبارت بودند از: اعتضادخاقان و اقتدارالسلطنه (پسران کامران میرزا) و سرلشکر عبدا. خان امیر طهماسب آجودان و فرمانده گارد شاه در دیویزیون قزاق. در این بین رضاخان، محمودخان آیرم در قزوین و اسمعیل خان امیرفضلی در تبریز، در مظان شک قرار داشتند، شاه از آیرونساید خواست که تضمین کند صاحب‌منصبان انگلیسی را به‌جای روس‌ها منصوب ننماید و نامبرده فقط از فرماندهان ایرانی استفاده نماید. از میان قزاق‌ها رضاخان که آشکارا سربازی جدی و کارآمد بود مورد توجه آیرونساید قرار گرفت. رضاخان پس از طی مراتب

نظامی به درجه سرهنگی رسید وی در نبرد گیلان فرماندهی واحدهای پیاده نظام قزاق را (در سال ۱۹۲۰) برعهده داشت و در پائیز همان سال به فرماندهی "آتریاد" همدان رسید و پس از مدتی باتوجه به سوابق درخشان در دیویزیون قزاق، آبرونساید او را به فرماندهی دیویزیون منصوب کرد.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ حاصل همسویی دو حرکت جداگانه بود یکی از جانب رضاخان فرمانده دیویزیون قزاق و دیگری از سوی سید ضیاء گرچه کودتا به دست ایرانی‌ها صورت گرفت ولی در اصل انگلیس نقش قاطعی در انجام این کار داشت.

گسترش سازمان دیویزیون (لشکر) قزاق

دیویزیون قزاق دارای یک ارکان حرب (ستاد) و ۹ آتریاد (تیپ مختلط) قزاق بود، ارکان حرب به دو شعبه اجراء و تشکیلات تقسیم می‌شد.

فرماندهی دیویزیون به عهده ژنرال روسی استراسلسکی بود، ستاد لشکر از تعدادی افسران جزء روسی و تنها دو افسر ایرانی به نام‌های امیر موثق خان نخجوان با درجه سرهنگی که تحصیل کرده مدرسه نظام روسیه بود و دیگری سرهنگ امان‌الله میرزا جهانبانی افسر توپخانه که او هم تحصیل کرده روسیه بود تشکیل شده بود. سایر مشخصات لشکر قزاق به شرح زیر بود: هر آتریاد (تیپ مختلط) حداکثر از یک فوج (هنگ) پیاده و یک هنگ سوار و یک آتشبار صحرائی یا کوهستانی تشکیل می‌گردید و هر هنگ آن حداقل شامل یک گروهان پیاده، یک بهادران سوار و یک آتشبار توپخانه بود.

هر آتریاد (تیپ مختلط) به نام شهر یا پادگانی که در آن استقرار داشت نامیده می‌شد و آتریاد نه‌گانه دیویزیون (لشکر) قزاق در شهرهای زیر استقرار داشتند:

تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، اردبیل، همدان، ارومیه، مازندران.

آتریاد تهران در محل قبلی باشگاه افسران و دژبانان و بنای دارایی ارتش واقع در خیابان سخایی بود. در تهران دو آتریاد تشکیل شده بود یکی از افراد طایفه "مهاجر" بودند و دیگری بومی نام داشتند این دو واحد تحت آموزش افسران روسی قرار داشتند.^۱

^۱ - جرج - ن - کرزن ایران و قضیه ایران ترجمه وحید مازندرانی - انتشارات نشر کتاب ، صفحه ۷۵۴.

هر تیپ مختلط حداکثر دارای ۱۲ قبضه و حداقل ۲ قبضه مسلسل شصت تیر روسی بود. تفنگ‌ها در لشکر قزاق عموماً روسی و مسلسل‌ها و توپ‌ها، مخلوطی از روسی و فرانسوی و مهمات آنها کم و به اندازه کافی نبود.

لباس قزاق‌ها مشابه لباس قزاق‌های روسی بود و برای هر نفر قزاق مبلغ بیست تومان اعتبار در سال در نظر گرفته شده بود.

بودجه لشکر قزاق از طرف بانک استقراضی روس در تهران به حساب بدهکاری دولت ایران به‌فرمانده روسی لشکر قزاق پرداخت می‌شد که معادل ۱۹ میلیون قران (ریال) در سال بود. افراد قزاق معمولاً به‌طور داوطلب وارد خدمت قزاقخانه می‌شدند ولی در اواخر خدمت به صورت بنیچه در می‌آمدند و پس از پانزده سال خدمت بازنشسته شده و از حقوق بسیار ناچیز و کم بازنشستگی استفاده می‌کردند.

اسب و قاطر برای حمل و نقل توپخانه و سایر وسایل و تجهیزات و خواربار نظامی، وسیله قزاقخانه خریداری می‌گردید ولی افراد سوار قزاق هر یک اسب سواری خود را شخصاً تهیه می‌کردند.

برای نیل به‌درجه افسری در لشکر قزاق یک مدرسه افسری به‌نام مدرسه قزاقخانه در تهران تأسیس گردیده بود که شاگردان آن از بین افراد و درجه‌داران باسواد و لایق قزاقخانه انتخاب می‌شدند، در این مدرسه گذشته از برنامه آموزشی دبیرستان، تعلیمات نظامی نیز به‌داوطلبان داده می‌شد. کلیه دروس مدرسه قزاقخانه به‌استثنای دروس فارسی، عربی و اصول دینی به‌زبان روسی تدریس می‌شد و اغلب معلمان آن روسی بودند. شاگردان مدرسه پس از موفقیت در طی دوره به‌درجه ستوان دومی نایل می‌شدند. برای نیل به‌درجه گروهبانی نیز مدرسه دیگری در لشکر قزاق موجود بود که اغلب فرزندان گروهبانان و قزاقان در آن پذیرفته شده و پس از پایان دوره به‌درجه وکیلی (گروهبانی) نایل می‌گردیدند.

اصول تعلیم و تربیت در مدارس قزاقخانه، روسی بود و فرامین نظامی به‌زبان‌های مختلف روسی، ترکی، فارسی و یا مخلوطی از آنها صادر می‌گردید.

فرماندهی لشکر قزاق همیشه بایک ژنرال روسی بود ولی در درجات پائین‌تر افسران روسی و ایرانی توأماً خدمت می‌نمودند بااین تفاوت که در یک درجه مشابه حقوق و مزایای

افسران روسی حدود پنج برابر افسران ایرانی بود و این تفاوت فاحش در درجات پائین‌تر بیشتر می‌شد و حتی تا پانزده برابر نیز می‌رسید.

حکم نظامی کل ارتش ایران و یا فرمان همگانی ارتش بوسیله ارکان حرب (ستاد) قزاقخانه صادر می‌شد و به‌جای فرماندهی کل قوای ایران یک افسر روس آنرا امضاء می‌نمود. این حکم به دو زبان فارسی و روسی تهیه و بدون اظهار نظر و تأیید مقامات ایرانی ابلاغ می‌گردید.

سرنوشت استاراسلسکی و سایر فرماندهان روسی

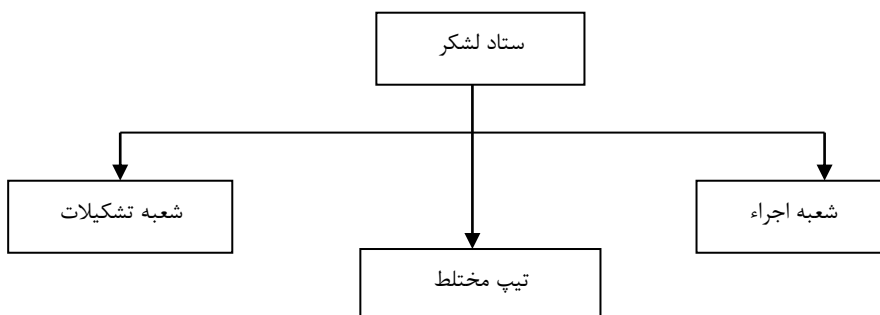
شروع جنگ جهانی اول مشکلات سازمانی و مالی برای بریگارد قزاق و نیز برای ژندارمری و دولت پدید آورد.

ازجمله این که تعدادی از صاحب منصبان روسی، به کشور خود فراخوانده شدند. با این وجود در طول سالهای بحرانی (۱۹۱۵-۱۹۱۶) فایده چندانی برای دولت‌های ایرانی و روسیه نداشت. به خصوص که ملیون از بریگان قزاق تنفر داشتند.

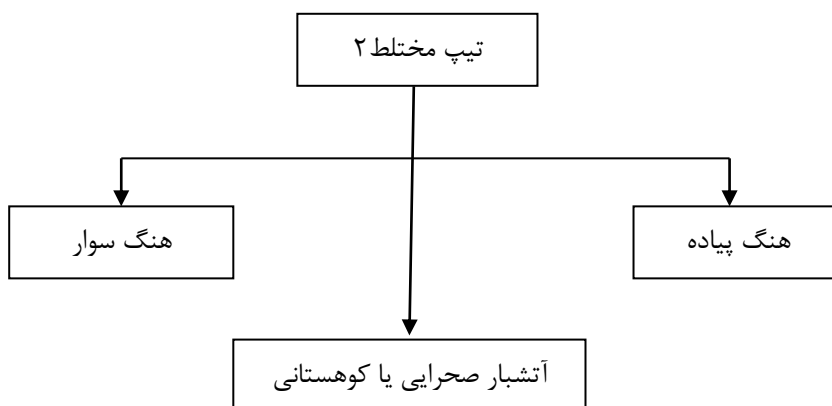
استاراسلسکی و تعدادی از صاحب منصبان دیویزیون قزاق حاضر به بازگشت به کشور خود نشدند و احمدشاه او را خدمتگذار ایران می‌دانست. در این زمان که انگلیسی‌ها تمام قدرت را در دست داشتند، وزیر امور خارجه (نورمن) و ژنرال آیرونساید و البته نظامی سفارت بریتانیا با نخست وزیر ایران (سپهدار ارتش) ملاقات کرده ضمن گفت و گو التیماتوم دوستانه‌ای تسلیم می‌کند.

در این موقع مذاکرات ایران با دولت شوروی در مسکو به خوبی پیش می‌رفت و این مسأله سبب نگرانی انگلیسی‌ها شد. استاراسلسکی در نتیجه فشار ایران مجبور به کناره‌گیری شد و با شش نفر از افسران روسی با اتومبیل ایران را به سمت بین‌النهرین ترک نمود و جانشین وی ابتدا سردار همایون به فرماندهی دیویزیون قزاق رسید ولی پس از چند ماه از طرف آیرون ساید رضاخان میرپنجه فرمانده دیویزیون قزاق شد.

نمای سازمانی لشکر قزاق



نمای سازمانی یک تیپ مختلط^۱



^۱ - هر لشکر قزاق دارای ۹ تیپ مختلط بود.

^۲ - یک تیپ مختلط حداقل دارای یک گروهان پیاده و یک بهاداران سواره و دو قبضه مسلسل (شصت تیر) بود و حداکثر یک هنگ پیاده و یک هنگ سواره و یک آتشبار صحرائی و یا کوهستانی و ۱۲ قضیه مسلسل (شصت تیر) بود.

جنگ‌افزارهای موجود در دیویزیون قزاق عموماً از نوع روسی، مسلسل‌ها از انواع مختلف، توپخانه کوهستانی و صحرایی ساخت روسیه و فرانسه و مهمات محدودی نیز در اختیار آنان بود. جنگ‌افزارهای موجود در سال‌های ۱۲۹۹ الی ۱۳۰۵ به شرح زیر بود^۱:

۱- مسلسل سنگین ماکزیم کالیبر ۹/۷ میلیمتری ساخت روسیه.

۲- مسلسل ضدّ هوایی کالیبر ۱۵ میلیمتری ساخت چکسلواکی.

۳- خمپاره ۸۱ میلیمتری برانت فرانسوی.

۴- توپ ۷۵ میلیمتری بوفورس.

۵- توپ ۱۰۵ میلیمتری اشکورا.

۶- توپ ۱۰۵ میلیمتری کوتاه کششی به وسیله اسب.

دوران ضعف و انحطاط ارتش در پایان سلطنت ناصرالدین شاه

دوره حکومت ۵۰ ساله ناصرالدین شاه (۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ میلادی) مصادف بود با توسعه سریع قدرتهای نظامی و اقتصادی جهان. در این دوران روسیه به آن اندازه قدرت پیدا کرد که دیگر هیچ ارتش در آسیا توان مقابله به آن را نداشت. روس‌ها در سالهای ۱۸۳۹ تا ۱۸۶۴ سرزمینهای خیوه، خانات خوقند، خانات ازبک‌ها، دریاچه اورال و تا شکند را تصرف کردند و سپس در سال ۱۸۶۸ در چند نبرد سنگین خانات بخارا و سمرقند را شکست دادند و بدین ترتیب سرزمینهایی که تا زمان فتحعلی شاه خراجگزار ایران بودند. بدون هیچ ادعائی از خاک ایران جدا شدند.

فرانسه و انگلیس در سال ۱۸۵۳ میلادی دریافتند روسها قصد تجاوز به دولت عثمانی از طریق کریمه (شمال دریای سیاه) را دارد. لذا تصمیم گرفتند جلو روسها را بگیرند.

۱ - سپهبد کاظمی، کتاب تاریخ پنجاه سال نیروی زمینی ارتش، صفحه ۱۸۶ الی ۲۰۱.

ارتش ایران در این زمان آن قدر ضعیف بود که انگلیس ترجیح داد پیشنهاد ناصرالدین شاه علیه روسیه را نادیده بگیرد، چرا که میدانست روس‌ها بعداً از این اقدام ایران، سوء استفاده کرده و جنگ جدید را در قفقاز آغاز می‌کنند.

در اروپا، پروس بتدریج از نظر صنعتی و نظامی به درجه‌ای از قدرت دست یافت که فرانسه را در سال ۱۸۷۰ در یک جنگ غافلگیرانه بشدت شکست داد.

انگلیس نیز وسعت سرزمینهای تحت تسلط خود را به بیش از بیست میلیون کیلومتر مربع رساند و مبدل به قدرت بالا منازع جهان شد.^۱

ترکیه عثمانی لقب مردپیرو و بیمار اروپا را گرفته و حتی قادر نبود ملتهای بالکان، بلغار، مجار، صرب و کرووات را سرکوب نماید

امپراطور عثمانی تقریباً تمام متصرفاتش را در آفریقا به دولتهای انگلیس و فرانسه واگذار کرده بود.

ناصرالدین شاه نه تنها دیگر ارتش مستقلی نداشت بلکه به دلیل ضعف مالی مجبور شد کاملاً گوش به فرمان دولتهای روس و انگلیس باشد.

^۱ - علی غفوری - تاریخ جنگهای ایران ، انتشارات اطلاعات سال ۱۳۸۸ صفحه ۴۴۹.

بخش سوم - مدارس نظامی ایران در دوره سلطنت ناصرالدین شاه

دارالفنون

امیرکبیر شخصیت بزرگ تاریخ ایران برای تقویت قوای نظامی، و آشنایی ارتش ایران با اصول جدید سپاهی‌گری، تصمیم گرفت مدرسه‌ای تأسیس نماید که بتواند احتیاجات لشکری و کشوری را تأمین نماید.

بنای دارالفنون در سال ۱۸۴۹ میلادی در زمینی واقع در شمال شرقی ارگ سلطنتی که قبلاً محلّ سربازخانه بود، آغاز شد. نقشه دارالفنون را میرزارضاخان مهندس که یکی از پنج نفر اعزامی زمان فتحعلی شاه به انگلستان بود طراحی نمود و محمد تقی‌خان معمارباشی که از معماران به نام و معروف آن زمان تهران بود به ساختن آن مأمور گردید.^۱

برای تدریس در دارالفنون، امیرکبیر ناچار بود عده‌ای افسر و مرتبی خارجی استخدام نماید. او تصمیم گرفت که این مربیان و معلمان از کشورهای بی‌طرف انتخاب شوند تا بدینوسیله از دخالت آنان در امور سیاسی کشور جلوگیری نماید. به این ترتیب جان داودخان که از زمان‌های پیش یعنی در ایام سفارت امیرکبیر در ارزروم در خدمت امیر انجام وظیفه نموده و مترجم اول دولت ایران محسوب می‌شد و در این تاریخ جزء اعضای سفارت ایران در سن پترزبورگ بود، مأموریت یافت که از کشورهای اروپایی تعدادی معلم و افسر جهت تدریس در دارالفنون استخدام نماید.^۲

جان داودخان به حضور امپراتور اتریش رسید و مورد لطف و مرحمت امپراتور واقع گشت و در خواست‌های دولت ایران را به عرض رسانید. دولت اتریش هفت نفر از بهترین افسران خود را به همراه جان داودخان روانه ایران کرد. جان داودخان روز جمعه ۳۰ آبان سال ۱۲۳۰ شمسی، (۲۴ نوامبر ۱۸۵۱) یعنی دو روز بعد از عزل امیرکبیر از صدارت ایران، وارد تهران شد و معلمین را به حضور ناصرالدین شاه برده و معرفی نمود.

^۱ - علی اصغر شمیم - ایران در دوره سلطنت قاجار - انتشارات علمی - چاپ دوم سال ۱۳۷۰ - ص ۱۶۳.

^۲ - دکتر پولاک، سفرنامه پولاک، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۰۶.

در بین استادان کاپیتان زاتی^۱ استاد مهندسی، کارنوتا^۲ استاد عملیات کوهستانی، دکتر پولاک^۳ استاد داروسازی، کاپیتان گومنز^۴ افسر پیاده، کاپیتان کرزیز^۵ استاد توپخانه، ستوان نیرو^۶ استاد سواره نظام حضور داشتند.^۷

معلمین دیگر اروپایی دارالفنون عبارت بودند از: پتی^۸ فرانسوی معلم پیاده نظام، نیکلا^۹ فرانسوی معلم توپخانه، ژنرال پروسکی^{۱۰}، لهستانی الاصل افسر سابق ارتش ایران که جغرافیا و زبان فرانسه تدریس می‌کرد، بوهرلر^{۱۱} فرانسوی معلم ریاضی و مسیو ریشارد^{۱۲} فرانسوی که بعدها مسلمان شد و به میرزا رضاخان مشهور و سپس مؤدب الدوله^{۱۳} نامیده شد. از اسناد رسمی چنین بر می‌آید که سفیر انگلیس تلاش بسیار نمود تا افسران مربی از کشور متبوعش انتخاب شوند ولی سعی و تلاش سفیر بی‌نتیجه ماند، لذا انگلیسی‌ها در پی فرصت نشستند.^{۱۴}

قتل امیرکبیر (۱۴ ژانویه ۱۸۵۱ - ۱۲۳۰ هجری شمسی) راه را برای اجرای مقاصد بیگانگان خاصه روسیه و انگلستان باز کرد. انگلیسی‌ها توانستند شش تن از اتباع ایتالیایی را در امر تدریس دارالفنون وارد کنند که از میان آنان دو تن نظامی بودند که به کار تعلیمات نظامی مأمور گردیدند: کلنل متراتسو^{۱۵} برای معلمی پیاده نظام و

^۱ - Capitain zattie

^۲ - Carnota

^۳ - Dr. Polak

^۴ - Capitain Gumoenz

^۵ - Capitain Krziz

^۶ - Lieutenant Nemiro

^۷ - تاریخ ارتش نوین ایران، ستاد بزرگ ارتشتاران - اداره سوم چاپخانه ارتش - ص ۲۷.

^۸ - Petit

^۹ - Nicols

^{۱۰} - Provsy

^{۱۱} - Bohler

^{۱۲} - Richard

^{۱۳} - علی اصغر شمیم، همان منبع، ص ۱۶۳، سفرنامه دکتر پولاک، همان منبع ص ۲۳۰.

^{۱۴} - فریدون آدمیت - امیر کبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم، تهران ۱۳۶۲، ص ۱۸۰.

^{۱۵} - Metratoso

تاکتیک و پوشه^۱ معلم پیاده نظام. بدین ترتیب مدرسه عالی نظامی دارالفنون در آخر ژانویه ۱۸۵۱ یعنی هفده روز پس از قتل بنیانگذار آن افتتاح گردید. آمار فارغ‌التحصیلان نظامی نخستین دوره آن ۷۳ نفر به شرح زیر بوده است. رسته پیاده نظام ۳۰ نفر، رسته توپخانه ۲۶ نفر، رسته مهندس ۱۲ نفر، رسته سوار ۵ نفر.^۲

دانشجویان دارالفنون جزء کارمندان دولت به‌شمار می‌آمدند و دارای مقرری و حقوق از خزانه دولت بودند و ناهار را در مدرسه صرف می‌کردند. دانشجویان هر رسته لباس مخصوص معینی می‌پوشیدند. جنس لباس زمستانی از ماهوت و لباس تابستانی از خارا بود که از طرف مدرسه تهیه و سالی دو دست میان محصلین به‌طور رایگان توزیع می‌گردید.^۳ با تأسیس دارالفنون و شرکت مؤثر هیأت نظامی اتریشی در امر تعلیم و تربیت و شرکت در تنظیم امور ارتش به‌تدریج اصول و مراسم نظامی ایران به‌سبک ارتش اتریش شکل گرفت.

موضوعات درسی دارالفنون

به گواهی اسناد موجود، موضوعات درسی و علوم نظامی دارالفنون حدود هشت ماه پیش از افتتاح رسمی آن مدرسه به‌دست کاپیتان گومنز^۴ و افسران دیگر، طرح ریزی شده بود. امیر در یکی از نامه‌هایش به‌شاه می‌نویسد: "امتحانات شش ماهه به‌خوبی انجام یافت. قرار شد به جهت جنگ چندین فوج مشق مخبران (صف جمع) بکنند، چون برای جنگ بهترین مشق‌ها است. در نزد صاحب منصبی که فردا وارد می‌شود، علم ساختن قلعه و بردن مارپیچ و ساختن پل را خواهند آموخت. به‌زودی در ایران صاحب منصبان لایق تربیت خواهند شد."^۵

^۱ - Poche

^۲ - تاریخ ارتش نوین ایران، همان منبع، ص ۲۸.

^۳ - آرشیو دانشگاه افسری.

^۴ - Gumoenz

^۵ - خان ملک ساسانی - سیاست‌گزاران - دوره قاجار، انتشارات هدایت، ص ۴۳. جلد اول نامه چهارم (نامه‌های میرزاتقی خان امیر کبیر به ناصرالدین شاه)

برای تعلیمات افسران، کتابی بنام نظام ناصری منتشر شد. نویسنده کتاب بهرام میرزا، پسر عباس میرزا است که، نزد معلمین انگلیسی درس خوانده و مدتی ریاست قورخانه آذربایجان را برعهده داشت. این کتاب از اولین نوشته‌های فارسی در علوم نظامی است.^۱

دارالفنون دارای پنج رشته: پیاده نظام، توپخانه، مهندسی، سواره نظام، پزشکی جراحی بود علاوه بر رشته‌های اشاره شده، تاریخ و جغرافیا، طبیعی، ریاضی و زبان فرانسه نیز تدریس می‌شد. دارالفنون دارای آزمایشگاه‌های فیزیک، شیمی و داروسازی بود. یک چاپخانه و یک کتابخانه از مؤسسات وابسته به دارالفنون بودند.^۲

در سال سه مرتبه از دانشجویان آزمون به‌عمل می‌آمد و شاگردان تلاشگر و فعال به کلاس بالاتر ارتقاء می‌یافتند.^۳

مدرسه نظام کامران میرزا

کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه وزیر جنگ وقت، با اجازه ناصرالدین‌شاه در سال ۱۸۴۷ در محل کنونی وزارت دادگستری مدرسه نظامی تأسیس کرد. ریاست مدرسه بامیرزا کریم‌خان فیروز بود و استادان آن ژنرال بروشن اتریشی، سرتیپ کریم‌خان قوئلو معاون نظامی و استاد پیاده نظام و سرهنگ حاج میرزا محمدخان رزم‌آرا، استاد توپخانه بودند. این تنها مدرسه نظامی است که پیش از دارالفنون در تاریخ ارتش ایران ثبت شده است اما هرگز قابل مقایسه با دارالفنون نبود.

از افسرانی که از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند می‌توان عزیزا. ضرغامی، حسینعلی رزم‌آرا و کلنل محمدتقی خان پسپان را نام برد.^۴

مدرسه کالج سلطانی

لرد کرزن از آموزشگاهی به نام "کالج سلطانی" سخن به میان آورده است. وی وجود این کالج را اثری از سعی و اهتمام ناصرالدین شاه و فرزندش نایب‌السلطنه می‌داند. او می‌نویسد:

۱ - خان ملک ساسانی، همان منبع، ص ۴۳ و ۴۴.

۲ - علی اصغر شمیم - همان منبع.

۳ - محمد حسن خان اعتماد السلطنه - مراه البلدان - موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۱۴۷.

۴ - آرشیو دانشگاه افسری

"کالج سلطانی که شاه فعلی به‌زودی بعد از احراز مقام سلطنت اساس نهاده، تا اندازه‌ای از روی نمونه مدارس فرانسه است و من از آنجا بازدید و شرحش را تعریف کرده‌ام. بخشی را هم راجع به نظام دارد که تحت تعلیم دو مربی ایرانی، علم جنگ آموخته می‌شود. در آنجا سی شاگرد در رسته توپخانه و ۴۵ نفر در رسته پیاده نظام حضور داشتند".^۱

کالج نایب

وی همچنین از آموزشگاه نظامی دیگری به‌نام "کالج نایب" نام برده که نایب‌السلطنه به‌سبب نارضایتی از مدرسه نظامی دارالفنون و جهت رقابت با آن در سال ۱۸۸۵ میلادی تأسیس کرد. این مدرسه ۱۵۰ نفر شاگرد داشت و فقط موضوعات درسی نظامی در آنجا تدریس می‌شد و هدف آن تربیت افسرانی بهتر و آزموده‌تر بود. این مدرسه یارای رقابت با دارالفنون را نداشت.... از این مدرسه که نایب‌السلطنه آن را جهت رقابت با دارالفنون تأسیس کرده بود به‌نام مدرسه "ناصری" نیز یاد کرده‌اند.^۲

مدرسه نظام قزاقخانه

سرهنگ چرنوزوف^۳ که فرماندهی قزاقخانه را عهده‌دار بود، آموزشگاهی در محلّ فعلی دارایی ارتش^۴ برای فرزندان و بستگان افسران قزاقخانه به‌وجود آورد و میرپنج زین‌العابدین خان را به‌فرماندهی آن گماشت. این آموزشگاه در ابتدای کار دارای دو کلاس الف و ب بوده و به تدریج هر سال یک کلاس متوسطه به آن اضافه گردید که به‌پنج کلاس رسید.^۵ لباس دانشجویان کلاه‌پوست سفید، بلوز سرمه‌ای، سردوشی سبز، شلوار سرمه‌ای، مچ پیچ و کمربند بود^۶. در سال ۱۸۸۱ میلادی همان آموزشگاه به‌دبیرستانی پنج کلاسه به‌علاوه دو

۱ - لرد کرزون (مؤلف) - غلامعلی وحید مازندرانی (مترجم)، ایران و قضیه ایران، جلد اول، ص ۷۶۸.

۲ - همان منبع، ص ۷۶۹.

۳ - Tchernezouboff

۴ - دارایی ارتش در خیابان دکتر شریعتی، خیابان معلم قرار دارد.

۵ - سپهبد محمد کاظمی، سرهنگ منوچهر البرز و سرهنگ علی وزیری - تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ایران، تهران ۱۳۵۵ - ص ۱۵۹.

۶ - آرشیو دانشگاه افسری.

کلاس که دوره دانشکده افسری در آن تدریس می‌شد به ریاست کلنل چارکوفسکی^۱ مبدل گردید.

از فارغ التحصیلان این مدرسه می‌توان سپهبد یزدان پناه، سرلشکر احمد نخبوان، سرلشکر اسمعیل شقاقی، سرهنگ عزت‌ا.. جهانبانی، سرهنگ نصرا... سیف که از دوره‌های اول بودند و سرلشکر مطبوعی، سرلشکر محتشمی، سرلشکر منصور جهانبانی که از دوره‌های بعدی این دانشکده بودند، نام برد.^۲

مدرسه افراد

در سال ۱۲۸۹ شمس ۱۹۱۰ میلادی، ژنرال پرنس وادبولسکی، مدرسه‌ای دیگر برای فرزندان قزاق‌ها تأسیس کرد. برنامه درس این آموزشگاه، برابر برنامه‌های درس آموزشگاههای ابتدائی بود. فارغ التحصیلان این آموزشگاه با درجه گروهبانی درپادگان‌ها در قسمت (صف) خدمت می‌کردند.

^۱ - Col.Tcharkofsky.

^۲ - آرشیو دانشگاه افسری.

فصل چهارم

ارتش ایران در پایان دوران قاجاریه

بخش یکم - دوره سلطنت مظفرالدین شاه ۱۸۹۶ م

مظفرالدین شاه به عنوان چهاردهمین پسر ناصر الدین شاه چهل روز پس از مرگ پدر در ۴۴ سالگی حکومت در هم ریخته ایران را به دست گرفت. او وارث کشوری بی اندازه ضعیف، فقیر و آماده عصیان بود.

روس و انگلیس در این زمان تمام تلاش خود را برای برخورداری از امتیازات گمرکی به کار می بردند و ایران ناتوان را چپاول می کردند. تأسیس بانک روس در سال (۱۹۰۱ میلادی) امتیاز با ارزش بود که نصیب همسایه شمالی گردید.

اما انگلیس ها که تقریباً جنوب ایران را کاملاً تحت نفوذ داشتند در سال ۱۹۰۲ میلادی توسط ویلیام دارسی امتیاز نفت جنوب را گرفتند.

با آغاز قرن بیستم ایران شاهد حضور نمایندگانی از کشورهای فرانسه، بلژیک، آمریکا، سوئد و هلند بود که می خواستند در کنار دولتهای انگلیس و روسیه به چپاول ایران بپردازند. در این برهه از زمان ایران دارای یک ارتشی که بتواند مانع زورگویی خارجیان شود نبود.

درباره وضعیت ارتش در زمان مظفرالدین شاه، فرج الله حسینی سرکنسول ایران در انگلیس می نویسد (اداره لشگری ما اسماً ۷۰ هزار نفر ولی رسماً هیچ است زیرا بعضی افواج ما حتی خدمت نرفته اند. افواج موجود را اگر احضار کنیم ۶ ماه طول می کشد تا به حرکت در آیند. نه اسلحه داریم، نه مهمات، نه درس نظام، نه کارخانه اسلحه سازی و کشتی سازی).^۱

^۱ - علی غفوری - تاریخ جنگهای ایرانی. انتشارات اطلاعات سال ۱۳۸۸ صفحه ۴۴۹، ۴۵۰.

نیروی قزاق تنها واحد قابل ذکر در دوره مذکور، به جای تا بعیت از ایران عملاً تابع دولت روسیه بود.

با چنین شرایطی باید گفت که دولت مرکزی حتی از سرکوب یک نیروی محلی نیز عاجز بود، چه رسد به مقابله با دشمن خارجی البته چنان که گفته شد، سیاست دولت انگلیس در این دوره جلوگیری از حاکمیت روسیه بر ایران بود و شاید تنها تضاد منافع این دو دولت مانع سقوط کامل ایران شد.

مظفرالدین شاه مایل بود مانند پدرش به کشورهای اروپایی مسافرت نماید لذا باتوجه به این که پولی در خزانه دولت وجود نداشت به وسیله امین السلطان که روابط دوستانه‌ای با روس‌ها داشت بابانک استقراضی روس وارد مذاکره شد و در ۱۹ ژانویه ۱۹۰۰ به موجب قراردادی مبلغ دو میلیون و دویست هزار لیره بابت پانزده سال از روس‌ها قرض گرفت و در مقابل روس‌ها عایدات گمرکات ایران به استثنای بنادر خلیج فارس را به‌گرو گرفتند. شاه و همراهان وی مدت پنج ماه در اروپا اقامت گزیدند. در سال ۱۹۰۱ بیماری شاه شدت یافت و برای معالجه عازم اروپا گشت و بدین منظور مجدداً از روس‌ها دومین قرضه به مبلغ یک میلیون لیره را در ۳۱ مارس ۱۹۰۲ در پترزبورگ دریافت و عواید جاده‌های شمال کشور را وثیقه آن قرار داد و بالاخره مظفرالدین شاه در پنجم مه ۱۹۰۵ برای سومین بار جهت معالجه عازم اروپا گردید.

عملیات اکتشاف نفت که چندی پیش شروع شده بود بالاخره در ۲۶ مه ۱۹۰۸ در مسجد سلیمان به منابع نفت برخورد کرد پس از این موفقیت بزرگ شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن به ثبت رسید و دولت انگلیس قسمت عمده سهم آنرا در دست گرفت.

در سال ۱۹۰۵ عده‌ای از انقلابیون و آزادیخواهان قفقاز که در انقلاب بدفراجام روسیه شکست خورده بودند به ایران پناه آوردند و مردم را تشویق به مبارزه با رژیم استبدادی نمودند. در ۲۱ ژوئن ۱۹۰۶ تظاهراتی علیه عین‌الدوله در تهران صورت گرفت و سرانجام در سال (۱۳۲۴ - ۱۹۰۶ ه - ق) مظفرالدین شاه به ناچار فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی را امضاء کرد.

سازمان ارتش ایران در زمان سلطنت مظفرالدین شاه

در سال ۱۸۹۸ هفت فوج سرباز و سه فوج توپخانه عمده ارتش کشور را تشکیل می‌داد و بودجه‌ای جهت پرداخت حقوق و جیره نظامیان وجود نداشت و افسران و افراد چند ماه در انتظار حقوق و جیره بسر می‌بردند و اصول مالیاتی و تشکیلات کشوری و گمرکی مانند دوره قرون وسطی و عهد ملوک‌الطوایفی اعمال می‌گردید. باتوجه به‌موارد بالا ارتش نیز در زمان سلطنت مظفرالدین شاه مانند دیگر شئون و امور مملکتی سیر نزولی را پیمود گرچه در مکاتبات اداری ظاهراً استعداد نیروهای ارتش را ۷۴ هنگ می‌شمردند ولی این افواج اولاً حداکثر بیش از ۱۰٪ سازمان خود را نداشتند و ثانیاً این نیروها محلی بوده و ضمن نداشتن سازمان صحیح و آموزش لازم، تحت نظر حکام محلی انجام وظیفه می‌کردند و اغلب به کارهای روزمره غیرنظامی خود مشغول بوده و فقط در روزهای مخصوصی در سربازخانه مربوطه حضور می‌یافتند و پس از یک حضور و غیاب روانه کسب و کار روزانه خود می‌گردیدند. بنابراین نه تنها این نیروها ارزش رزمی نداشتند بلکه بیشتر باعث ناامنی و بی‌نظمی بودند.

جماعت نظامی

سوار نظام ایران مانند پیاده نظام به‌صورت فوج (هنگ) نامگذاری نشده بود، بلکه در هر ایالت و ولایت بنام جماعت نامبرده می‌شدند و تابع رؤسای ایل یا خوانین بودند و در هنگام ضرورت از آنها تعدادی سوار خواسته می‌شد که اهم آنها به‌شرح زیر بودند:

- جماعت افشار ارومی
- جماعت صائین قلعه
- جماعت چهار دولی
- جماعت سواره مظفر
- جماعت غلام نصرت
- جماعت سواره قوچانی
- جماعت سواره بجنوردی
- جماعت سواره طبسی

جماعت درجی

جماعت کلاتی

جماعت باخزر

جماعت تیموری

جماعت جامی

بریگاد قزاق

تنها نیروی منظم موجود در این دوره بود که دارای لباس منظم و متحدالشکل و آموزش خوب و حقوق دائمی بودند و این نیرو نیز همانطوری که در مباحث گذشته به آن اشاره شد تحت نفوذ کامل روسیه تزاری بود.

بخش دوم - دوره سلطنت محمد علی شاه انقلاب مشروطیت ۱۹۱۰-۱۹۰۷ م

مظفرالدین شاه ده روز پس از امضاء قانون اساسی بدرود حیات گفت و محمدعلی میرزا، ولیعهد به جای او به سلطنت رسید، از ابتدای امر محمدعلی شاه با کمک درباریان و ایادی خود در برانداختن اساس مشروطه می کوشید و دولت تزاری روس نیز از آن پشتیبانی می کرد. شاه در برابر نیروهای مقاومت ملی و فعالیت مداوم ملیون بیکار ننشسته و پیوسته درصدد توطئه علیه مجلس و در اندیشه برانداختن رژیم جدید بود.

در ۱۹۰۹ ترک‌های جوان، سلطان عبدالحمید دوم پادشاه مستبد عثمانی را خلع نمودند و در نتیجه هیجان شدیدی در ایران ایجاد گردید در اوایل ماه مه ۱۹۰۹ سردار اسعد بختیاری با عده‌ای از سواران خود اصفهان را تصرف کرد و رشت به دست مجاهدین افتاد و مجاهدین رشت و اصفهان وارد حومه تهران شدند.

بریگاد قزاق، هرچند که ظاهراً ستون اساسی ارتش بود، لیکن با وجود کلنل لیاخوف افسر فرمانده روسی و اختیاراتی که از لحاظ سیاسی و نظامی و مالی به وی داده شده بود تابع مستقیم اوامر و دستورهای محمدعلی شاه بود و آرزومند اعاده رژیم استبدادی بود. لیاخوف مسبب بمباران بهارستان و انحلال مجلس و توقیف و تبعید و قتل و کشتار بیرحمانه مردم به دست بریگاد قزاق بود و شاه ایران در حقیقت آلت دست دولت ستمگر روسیه تزاری برای اجراء مقاصد و نیت پلیدش بود.

پس از پیروزی موقت لیاخوف نیروهای مجاهدین رشت و اصفهان به سمت تهران حرکت کردند و مدت سه روز بانیهوهای دولتی نبرد کردند تا بالاخره در ۲۵ تیرماه ۱۲۸۸ شمسی مصادف با ۱۹۱۰م قوای دولتی شکست خورد. محمدعلی شاه به سفارت روسیه پناهنده شد و لیاخوف از ایران اخراج گردید و پس از چندی به دست گرجیان کشته شد.^۱

در دوران حکومت محمد علی شاه در تاریخ اوت ۱۹۰۷ قراردادی بین دولت‌های روس و انگلیس منعقد گردید که به موجب آن کشور ایران به سه قسمت تقسیم گردید. قسمت شمالی

۱ - احمد کسروی - تاریخ هیجده ساله آذربایجان، چاپ دوم صفحه ۶۰-۶۱.

منطقه نفوذ روسیه شناخته شد، قسمت جنوبی منطقه نفوذ انگلستان و قسمت سوّم که شامل کویر و بیابان‌های بی آب و علف و فاقد اهمّیت بود متعلق به دولت ایران شناخته شد و در ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷ سفرای روس و انگلیس رسماً دولت ایران را از انعقاد قرارداد مطلع کردند، این امر باعث ناراحتی مردم و نمایندگان مجلس شد.

سازمان ارتش ایران در زمان سلطنت محمد علی شاه

در طول مدت کوتاه سلطنت محمد علی شاه ارتش ایران راه انحطاط را پیمود و نه تنها قدم مثبتی در جهت تکامل آن برداشته نشد، بلکه به علت ضعف زمامداران و تهی بودن کامل خزانه دولت، حقوق و مزایای عادی نیز به کارکنان ارتش پرداخت نشد و از نیروی نظامی که می‌بایستی حافظ نظم و استقلال کشور باشد جز نامی باقی نماند. ولی چون محمد علی شاه از نظر سیاسی متمایل به روس‌ها بود، در زمان او بریگاد قزاق رونق بیشتری یافت و بر چهار فوج سوار آن، یک گردان پیاده و یک آموزشگاه نظامی اضافه گردید و حقوق و مزایای کارکنان آن از محل درآمد گمرکات شمال به وسیله بانک روس در تهران پرداخت می‌شد.

روسیه بی شک از این موضوع واهمه داشت که در پی نفوذ ژاندارمری در منطقه نفوذ روسیه، خواه و ناخواه شاهد اعمال نفوذ بریتانیا باشد. در حالی که افکار عمومی در تهران در تلاش بود تا سریعاً از طریق مخالفت با هر گونه افزایشی در تعداد نفرات افسران سوئدی و نیز محدود کردن دایره آنها به منطقه جنوب، مانع گسترش آن نیرو شود ولی روس‌ها نادانسته و سهواً از موفقیت این نیروی جدید تمجید می‌کردند تانلی وزیر مختار انگلیس به نوبه خود این نظر بدبینانه را مطرح کرد که اگر روس‌ها فکر می‌کردند که افسران سوئدی در کار خود موفق خواهند شد، آنان در همان وهله اوّل با انتصاب افسران مزبور به مخالفت بر می‌خاستند.^۱

مع الوصف ژاندارمری به رغم مشکلات و موانع متعدد در سال ۱۹۱۴ به پیشرفت کاملاً جدیدی در تجربه نظامی و سیاسی ایران نایل آمد. نیروی انسانی ژاندارمری شاید یکی از جنبه‌های مهم پیشرفت این نیرو بود که منجر به تشکیل رسته افسران ایرانی گردید. کارکنان افسری این نیرو از چهار منبع تأمین می‌شد: اوّلین و مهم‌ترین منبع این نیرو افسرانی بودند

^۱ - استفانی کرونین کتاب ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران - ترجمه غلامرضا علی بابایی انتشارات خجسته صفحه ۵۰ الی ۸۰.

که از ژاندارمری خزانه منتقل شده بودند، بنابه گفته یکی از مقامات، این افسران به علت تجربه‌ای که در طول خدمت خود کسب کرده بودند، از بالارزش‌ترین و کارآمدترین افسران ایرانی به شمار می‌رفتند و همین‌ها بودند که چرخ‌های ژاندارمری را به گردش در آوردند برای مثال اعضای این گروه عبارت بودند از سروان فضل‌الله خان آق اولی، ستوان یکم فرج‌الله خان آق اولی، حسنخان ملک زاده، علیقلی خان پسیان، فتحعلیخان ثقفی توپچی، احمدخان اخگر، ستوان دوم‌ها مسعودخان پولادین و عطاءالله خان علایی و حیدرقلی خان پسیان، گروه دوم افسرانی بودند که از وزارت جنگ منتقل شده بودند و مشتمل بودند بر سرگردها عبدالعی خان اعتماد مقدم و عزیزالله خان ضرغامی و محمدتقی خان پسیان، گروه سوم افرادی بودند که بنا به ابتکار خود در مدارس نظامی اروپایی و عثمانی آموزش دیده و مستقیماً به استخدام ژاندارمری دولتی در آمده بودند، افراد این گروه عبارت بودند از سرگرد سالار نظام کوپال، مسعودخان کیهان، رضاقلی خان کریم قوانلو و سروان حبیب‌ا. خان شیبانی و غلامرضا پسیان، گروه چهارم مشتمل بر افسرانی بود که از مدارس ژاندارمری فارغ‌التحصیل شده بودند، گرچه افسران گروه‌های یاد شده در قشون متحدالشکل به درجات بالایی نایل شدند ولی فارغ‌التحصیلان ژاندارمری دولتی خیلی موفقتر از آنان بودند. از میان افراد مذکور می‌توان از میرمحمدعلی علوی مقدم (که بادرجه سرلشکری بازنشسته شد) مهدی قلی علوی مقدم سرلشکر محمود امین، سرلشکر حسین قلی سطوتی، سرتیپ حسنخان بقایی، سرتیپ محمودخان پولادین یاد کرد سه تن از فارغ‌التحصیلان مدرسه افسری ژاندارمری دولتی که فرماندهی امنیه (کل مملکتی) را در حکومت پهلوی برعهده داشتند عبارت بودند از: سرتیپ حسینقلی خان سطوتی، سرلشکر مهدی قلی علوی مقدم و سرلشکر محمد علی علوی مقدم. بسیاری از ایرانیانی که در ژاندارمری به کسوت افسری در آمدند، از قشرهای نسبتاً بالای جامعه بودند افسران مذکور مظهر بخشی از طبقه ممتاز بودند و نه از یک قشر اجتماعی در حال ترقی لذا افسران بیشتر از جنبه‌های معنوی شغلی خود بهره می‌بردند. برای مثال حسن ارفع فرزند ارشد ارفع‌الدوله یکی از بلند پایگان دیوانسالار قاجار بود. عبدالرضا افخمی ابراهیمی فرزند سلطان علیخان وزیر افخم پیشکار مظفرالدین شاه بود و شاهزاده محمدحسین جهانبانی یکی از شاهزادگان قاجار بود که باخواهرزاده قوام‌السلطنه ازدواج کرد.

صاحب منصبان ژاندارمری ایران باتوجه به مقام و منزلت اجتماعی آنان به‌طور کلی از تحصیلات خوبی برخوردار بودند. برخی از آنان بنا به ابتکار و سلیقه شخصی آموزش علمی و نظامی خود را در خارج از کشور گذرانده بودند. کالج نظامی استانبول یکی از مشهورترین آنها بود که اغلب داوطلبین به آنجا می‌رفتند. برخی دیگر در سن‌سیر فرانسه و یا در نهادهای مشابه در کشورهای اتریش و آلمان به تحصیل می‌پرداختند و تعدادی نیز دوره‌های آموزشی خود را در ایران می‌گذراندند و برای تحصیلات نظامی خود وارد مدارس به‌خوبی سازمان یافته صاحب منصبان ژاندارمری می‌شدند شمار زیادی از این صاحب منصبان به‌یک‌ی از زبان‌های خارجی که معمولاً فرانسه بود تکلم می‌کردند، طبیعتاً صاحب منصبانی که این‌گونه تربیت می‌شدند در جامعه ایران از اعتبار چشمگیری برخوردار بودند آنان از روحیه‌ای بالا بهره‌مند بودند و حس وفاداری آنان درخور توجه بود. دستورات انضباطی به‌شدت در میان آنان اجرا می‌شد و آن‌طور که ژنرال (سرلشکر) حسن ارفع بعدها نقل کرد "افسران جوانی که بعد از طی دوره آموزشی به‌درجه افسری نایل می‌شدند افراد تیزهوشی بودند و از موقعیت و اعتبار خود به عنوان یک افسر، آگاه بودند. در خصوص خاستگاه منطقه‌ای آنان بررسی‌ها نشانگر آنست که اکثر آنان از مناطق شمال ایران، تهران و تبریز بودند. (سرهنگ) پرویز افسر در کتاب تاریخ ژاندارمری در یک سرشماری از افسران کشته شده در عملیات جنگی، اسامی زادگاه ۵۲ افسر را ارائه می‌دهد، اگر چه فهرست مزبور تنها به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود ولی مندرجات آن به‌روشنی بیانگر گرایش عمومی است. از میان صاحب منصبان مذکور ۱۷ تن آنان تهرانی الاصل، ۱۲ تن دیگر تبریزی و بقیه آنها از سایر مناطق ایران بودند و فقط ۴ تن از آنان از اهالی جنوب بودند. برخی از صاحب منصبان ژاندارمری خطه شمال مانند "پسیان‌ها" همانند بسیاری از صاحب منصبان تیپ قزاق از خانواده "مهاجرین" بودند که بر اثر تسلط روسیه بر قفقاز به ایران مهاجرت کرده بودند.

در باره ترکیب اجتماعی و نژادی صنوف مختلف نظامی ژاندارمری، اطلاعات بسیار کمی در دست است. ولی از ظواهر امر چنین بر می‌آید که تا سال ۱۹۱۴، اصلیت اکثر آنان قبیله‌ای بوده، شهرنشین‌ها دربدو امر به‌استخدام درآمدند و بعداً نوبت به‌روستائشینان رسید ولی گروه اخیر برای مقاصد نظامی چندان مناسب نبودند. افراد دارای زمینه‌های مختلف پس از آن که به‌این

ارتش ایران در پایان دوران قاجاریه ۱۰۳/

نیرو می‌پیوستند بدون اعمال هیچ‌گونه تبعیضی در یک واحد گردهم می‌آمدند و آماده می‌شدند تا دوران خدمت ۳ ساله خود را در هر نقطه‌ای از کشور که ضروری باشد به‌انجام برسانند.

تأسیس ژاندارمری

تأسیس ژاندارمری دولتی در چارچوب یک طرح کلی برای انجام اصلاحات صورت گرفت، در آذرماه ۱۲۸۹ شمسی مجلس برنامه‌ای را تصویب کرد که به‌موجب آن به‌دولت اجازه داده شد تا مبادرت به تشکیل یک نیروی متمرکز کارآمد نظامی که بتواند دستورات دولت مرکزی را در جهت امنیت سراسر ایران به‌اجرا در آورد به‌اجرا گذارد. لذا دولت از ژانویه ۱۹۱۱ باب مذاکرات را با کشور سوئد در ارتباط با استخدام افسران سوئدی باز نمود. دولت سوئد سه نفر از افسران خود را به سرپرستی سروان یالمارسون روانه ایران کرد تا سرپرستی ژاندارمری ایران را عهده‌دار گردند. این کار بانظارت وزارت داخله (کشور) ایران صورت می‌گرفت و هدف از تشکیل ژاندارمری برقراری امنیت در طول جاده‌ها و داخل شهرهای ایران بود. در ماه سپتامبر همان سال مجدداً مجلس رأی به استخدام هفت نفر دیگر از افسران سوئدی را داد.

در این ضمن، مورگان شوستر، امریکایی^۱ برای وصول مطالبات دولت ایران از افراد، ملاکین و اعیان مبادرت به تشکیل یک سازمان نظامی اجرایی به‌نام ژاندارمری خزانه نمود و عده‌ای از افراد تحصیل کرده و خوشنام را در آنجا استخدام کرد. اقدامات شوستر در ایران چندماهی بیشتر دوام نداشت و با ولتیماتوم روس و قبول آن از طرف دولت ایران، قرارداد لغو و شوستر ایران را ترک نمود و طبعاً ژاندارمری خزانه منحل گردید و بیش از یک هزار تن از اعضای آن به ژاندارمری دولتی پیوستند، در پایان سال ۱۹۱۲، ژاندارمری دولتی متشکل از ۲۱ سوئدی و حدود ۳۰۰۰ افسر و کارکنان ایرانی بود در آغاز سال ۱۹۱۴ یالمارسون اقدام به تشکیل دو فوج برای تهران و یک فوج برای شیراز کرد که جمعاً هفت فوج ژاندارم تأسیس شده بود دو سرفرماندهی آن در تهران و مابقی در شیراز - کرمان - قزوین - اصفهان و بروجرد به وجود آمد، مدارس متعددی در تهران برای آموزش افسران تأسیس شد و مورد

^۱ - مورگان شوستری امریکایی - کتاب اختناق ایران - ترجمه ابوالحسن موسوی انتشارات صفی علیشاه صفحه ۱۸ الی

حمایت علماء و بازرگانان مقیم پایتخت و مراکز ایلاتی نظیر اصفهان که برقراری امنیت در جاده‌ها برای انجام تجارت آنان ضروری بود قرار گرفت.

بدین ترتیب ژاندارمری به سرعت به صورت یکی از آمال ملّی ایرانیان درآمد. تأسیس ژاندارمری دولتی، در اصل تا حدودی در پاسخ به فشار انگلیس صورت گرفت و در طول سال‌های اولیه این نیرو همواره از حمایت انگلیسی‌ها برخوردار بود مع‌ذالک موفقیت ژاندارمری، به‌ویژه در شمال ایران به تدریج سبب بروز مشکل تازه‌ای به صورت بدگمانی‌های فزاینده برای روس‌ها شد به طوری که در اوایل سال ۱۹۱۴ وزیر مختار روس اعلام کرد که افسران سوئدی مورد اعتماد روس‌ها نمی‌باشند و دولت روسیه تمایلی به گسترش ژاندارمری در منطقه شمال ایران را ندارد ولی از طرف دیگر انگلیسی‌ها به خاطر منافع تجاری خود در شمال از گسترش ژاندارمری حمایت می کردند.

پس از شروع جنگ بین‌الملل اوّل و ورود سپاه ژنرال باراتف از قفقاز به ایران برای جلوگیری از تهدید آلمان‌ها و همکاری قسمتی از قوای ژاندارم بامتّحدین و مقاومت در برابر روس‌های تزاری، این قسمت‌ها منحل گردیدند و افسران و افراد ژاندارمری پس از مقاومت دلیرانه بالأخره متفرّق شده و عده‌ای به آلمان و استانبول رفتند و عده کمی هم در ایران باقی ماندند.

دوره دوّم ژاندارمری

پس از خاتمه جنگ سرهنگ گلوپ به فرماندهی تشکیلات درهم ریخته ژاندارمری منصوب شد و او افسران و درجه‌داران پراکنده و عده‌ای از مهاجران ژاندارم را دوباره جمع کرد. به این معنی که در تهران دو هنگ یوسف‌آباد و باغشاه دوباره تشکیل شد و در هر یک از نواحی خراسان، گرگان، مازندران، آذربایجان، کردستان، قزوین، همدان، کرمانشاه، لرستان، خوزستان، یزد و سمنان نیز یک گردان استقرار یافت.

بریگاد مرکزی

تشکیلات بریگاد مرکزی مرکب بود از یک "ارکان حرب" ستاد که یک افسر سوئدی و نوزده افسر ایرانی در درجات مختلف آن را اداره می کردند و ارکان حرب از دو شعبه

ارتش ایران در پایان دوران قاجاریه / ۱۰۵

خدمات عمومی و مباشرت و سه فوج پیاده - سوار - توپخانه و یک مدرسه صاحب منصبی تشکیل می‌شد.

واحدهای صف شامل

فوج پیاده سه گردان
فوج سوار پنج بهادران
فوج توپخانه پنج آتشبار
یک مدرسه صاحب منصبی

بریگاد مرکزی شامل

صاحب منصب ۱۲۷ نفر (دو تن سوئدی و لهستانی) بقیه ایرانی.
آسپیران ۱۰۷۹ نفر
سرباز ۱۹۰۰ نفر
اسب ۴۲۰ رأس

اسلحه بریگاد مرکزی از انواع مختلف و توپخانه شامل چهار توپ شنایدر صحرایی، سه توپ شنایدر کوهستانی و چهار اخاسیوس نه میلیمتری و دو اخاسیوس هشت مم و دو اخاسیوس کوهستانی بود توپ‌های اخاسیوس ساخت اتریش و توپ شنایدر آلمانی بود. برای لباس هر نفر بیست تومان در سال برآورد شده بود که شامل کت و شلوار و یک پالتو برای زمستان بود. این افراد موظف بودند سه سال خدمت کنند و پس از آن به‌میل خود مختار به ادامه و یا ترک خدمت بودند. ترفیع افسران به‌وسیله وزارت جنگ به‌عمل می‌آمد و افسران جزء را از میان افراد لایق و همچنین فارغ‌التحصیلان مدرسه صاحب منصبی انتخاب می‌کردند و تعلیمات به‌روش سوئدی داده می‌شد.

مدرسه نظام مشیرالدوله

حسن پیرنیا مشیرالدوله در سال ۱۲۹۶ شمسی (۱۹۱۶ میلادی) که در کابینه وثوق‌الدوله سمت وزارت جنگ را داشت برای تأمین کادر افسری ارتش ایران به‌تقلید از سن سیر فرانسه

به تشکیل یک دانشکده به نام مدرسه احمدی بابودجه بیست هزار تومان در سال اقدام نمود که بعدها به نام مدرسه نظام مشیرالدوله^۱ معروف شد.^۲

آزمون ورودی این دانشکده بسیار مشکل بود و صلاحیت اخلاقی و خانوادگی داوطلبین کاملاً از طرف شهربانی بررسی و موشکافی می شد و اگر دانشجویی صلاحیت نداشت، بلافاصله از مدرسه اخراج می شد. لباس مرخصی دانشجویان عبارت بود از نیم تنه و شلوارسرمه ای بانوار زرد دو سانتیمتری و چکمه، سردوشی ملیله دوزی و به ترتیب سالها نوار باریکی می دوختند، کلاه پوست قهوه ای بانشان شیر و خورشید سقف کلاه پارچه سرمه ای باشش نوار زرد، رنگ لباس تابستانی آنها عبارت بود از شلوار سفید بانوار سه سانتیمتری سرمه ای رنگ.^۳

این مدرسه از سه کلاس تشکیل می شد که موضوعات درسی آنها باهم تفاوت هایی داشت. در کلاس تهیه، معلومات کلاس ششم متوسطه به ویژه درس ریاضی تکمیل می شد و آموزش های مقدماتی مثل تاریخ نظامی، جغرافیای نظامی، عملیات صحرائی، تاکتیک، سنگرسازی و اسلحه شناسی ارائه می شد. دانشجویان این کلاس که برای ورود به دو کلاس نظامی دیگر آماده می شدند، در آموزش های صف جمع، عملیات صحرائی و تیراندازی بادو کلاس دیگر شرکت می کردند. در کلاس اول و دوم فقط آموزش های نظامی داده می شد و برنامه این کلاس ها از روی برنامه نظامی دانشکده افسری فرانسه (سن سیر) اقتباس شده بود.

درس های آن عبارت بودند از تاکتیک، رزم پیاده، سوار و توپخانه، عملیات صحرائی، سنگرسازی، استحکامات، تاریخ و جغرافیای ایران و جهان، نقشه کشی و بالاخره اسلحه شناسی، در روزهای سه شنبه به درس های عملی در زمینه آموزش های رزمی می پرداختند و در تابستان ها دو ماه را در اردو می گذراندند. در روزهای معینی، آموزش های لازم را ضمن کار عملی با توپخانه و سواره نظام فرا می گرفتند.^۴

۱ - آرشیو دانشگاه افسری.

۲ - حیدرقلی بیگلری، خاطرات یک سرباز، ستاد بزرگ ارتشتاران، اداره روابط عمومی ص ۲۴-۲۸.

۳ - آرشیو دانشگاه افسری.

۴ - فصلنامه بررسی های - شماره ۱۸ - از انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۳ - ص ۸۶ - آرشیو دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.

بخش سوم - دوره سلطنت احمد شاه قاجار ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ (ه.ق)

انتخاب نایب السلطنه

به دنبال فتح تهران به دست مجاهدین و سقوط دولت و استعفای محمدعلی شاه از سلطنت اجتماع بزرگی از ملتّون و سران مشروطه در بهارستان تشکیل گردید و برای اداره امور کشور ۲۲ نفر برگزیده شدند که بر هیأت دولت ریاست داشتند این هیأت در حقیقت قائم مقام رئیس دولت بودند و چون احمدشاه پسر سیزده ساله محمدعلی شاه به سلطنت برگزیده شد و او به سن بلوغ نرسیده بود عضدالملک رئیس سنتی ایل قاجار به نیابت سلطنت انتخاب گردید.

دولت جدید و جوان مشروطه با مسائل پیچیده و مشکلات گوناگون داخلی و خارجی روبرو بود. از آن جمله دولت تزاری بعد از عقد معاهده ۱۹۰۷م و تعیین مناطق نفوذ روس و انگلیس در ایران تصمیم گرفت که منطقه نفوذ را به تدریج تصرف نماید. لذا اقدام به مداخله مستقیم در امور داخلی ایران نمود. که مهم ترین آنها ورود سربازان روسیه تزاری به آذربایجان و سپس گیلان بود. قصد آنها در ابتدا بر انداختن نظام مشروطه در ایران و سپس در صورت امکان جداسازی ایالات شمالی و شمال غرب از ایران بود.

میزان بدهی های دولت ایران به کشورهای بیگانه ۵/۱۲ میلیون تومان بود که دولت در تلاش به تعویق انداختن زمان پرداخت آنها بود.

در این زمان نیروهای نظامی کشور مرگب از دو نیرو بود که بر ضد یکدیگر عمل می کردند یکی نیروی قزاق که کاملاً در تحت اختیار روس ها بود که قسمتی از قشون اجنبی شمرده می شد، گرچه در میان قزاق ها اشخاص ایرانی وطن دوست هم یافت می شدند ولی همه مقهور فرماندهان روسی بودند. قدرت دیگر ژاندارمری بود که صاحب منصبان سوئدی آنرا اداره می کردند.

اختلاف بین این دو نیرو به جایی کشید که یک قزاق و یک ژاندارم در یک رهگذر که به هم برمی خوردند مثل دو رقیب به یکدیگر نگاه می کردند. لازم به ذکر است که ژاندارم ها از پشتیبانی ملّی برخوردار بودند.^۱

^۱ - یحیی دولت آبادی، حیات یحیی انتشارات عطار سوم صفحه ۲۸۳.

وضعیت نیروهای قزاق و ژاندارمری از هر نظر نامطلوب بود هم از نظر وضع لباس و تجهیزات و همین طور از نظر جیره روزانه و حقوق ماهیانه که از طرف دولت به موقع پرداخت نمی شد و در نتیجه اکثر این افراد به مردم منطقه خود تعدی می کردند.

وضع عمومی کشور در پایان دوره قاجاریه

هر استان یا شهرستان تیول یک والی یا حکمران بود که بآدادن رشوه و پیشکش و صرف هزینه گزاف این مقام را برای خود می خرید و بآدهای قراول و یساول از تهران عازم محلّ مأموریت خود می گردید.

وضع ایلات و عشایر

ایلات و عشایر ایران در طول تاریخ همیشه مرزداران غیور این آب و خاک بوده اند ولی وقتی حکومت مرکزی خود در چپاول اموال مردم بی پناه شریک بود و وقتی نظم و امنیت مفهوم خارجی نداشت، آنها نیز به وسیله بیگانگان اغوا و مسلح گردیده و بر عوامل عدم ثبات و ناامنی و هرج و مرج افزودند و تحت امر خوانین خود مشغول راهزنی و قتل و غارت و تاراج اموال و تجاوز به نوامیس مردم گردیدند.

وضع مرزها

مرزهای کشور کاملاً باز و نه تنها بی دفاع، بلکه بدون واریسی (نظارت) و مراقبت بود. هر جنسی اعم از ضروری یا غیرضروری، مجاز یا قاچاق بسیار راحت و بدون بازدید و حتی اطلاع دولت وارد یا خارج می گردید و هیچ کس حق گمرکی بابت ورود و خروج کالا به دولت پرداخت نمی کرد و در نتیجه خزانه دولت روز به روز خالی تر می شد.

وضع راهها

نخست باید گفت که در طول ۱۴۴ سال سلطنت سلسله قاجاریه حتی یک قدم در راه توسعه راههای کشور برداشته نشد و راههای موجود نیز که همگی در شرف ویرانی و انهدام بود، تماماً ناامن و زیر نظر مستقیم دزدان و راهزنان قرار داشت که باکمال شجاعت و جسارت اموال کاروانیان را چپاول می کردند و یا از آنها حق عبور و باج سبیل دریافت می داشتند.

ارتش ایران در پایان دوران قاجاریه ۱۰۹/

حکام محلی نیز در صورت عدم قدرت و توانایی مقابله با دزدان سکوت می کردند و در صورت توانایی فقط به دریافت حق السهم از راهزنان اکتفاء می نمودند، یعنی شریک دزد و رفیق قافله بودند.

وضع داخلی پایتخت

هر محله ای از تهران منطقه شرارت یکی از اوباش بود که با کمک چاقوکش ها و قداره بندهای خود که آنها را "نوچه" می نامید محله را اداره می کرد و بر جان و مال و ناموس مردم حکومت داشت و هر کس به نسبت درآمدش باید برای ادامه حیات به او باج و حق و حساب می پرداخت. ضمناً نامبرده نیز برای حفظ موقعیت خود یا بانسج چی ها همدست بود، یا به اشخاص بانفوذ در دستگاه های دولتی رشوه می داد و یا بایکی از سفارتخانه های خارجی به نحوی ارتباط داشت. بنابراین از غروب آفتاب به بعد هیچ کس جرأت عبور از کوچه ها و گذرهای شهر تهران را نداشت و گرنه به وسیله اوباش لخت می شد به طور مثال خیابان سعدی جنوبی امروز تهران، اصولاً به نام خیابان لختی ها معروف شده بود و اوباش اغلب کسانی را که در ساعات خلوت روز و یا شب ها از آن خیابان عبور می کردند لخت می نمودند.

چگونگی زندگی در داخل پایتخت و شهرهای عمده کشور

بهداشت و آموزش عمومی تقریباً وجود نداشت آب سالم و قابل آشامیدن یافت نمی شد دارو و پزشک تحصیل کرده نادر بود و سلامتی مردم در دست دکانویسان و رمالان و گاه تعداد انگشت شماری پزشک نما قرار داشت که اغلب حرفه پزشکی را مانند عنوان و لقب از پدر به ارث برده بودند و سواد آموزی به دست تعدادی ملاً و مکتب دار سپرده شده بود. به علت عدم رسیدگی کافی به وضع شهرها و فقدان بلدیه (شهرداری) کوچه ها پر گل و شب ها تاریک بود و از جوی های آب بوی لجن و تعفن استشمام می شد.

کشتارگاه وجود نداشت و هر قصابی در جلوی دکان خود ذبح می کرد و زباله و فضولات حیوانات در کوچه ها انبار می شد، غسالخانه در اغلب شهرها وجود نداشت و مردم اموات خود را اجباراً در آب جاری می شستند و چه بسا همان آب برای مصرف و آشامیدن داخل حوض یا آب انبارها می گردید.

بیماری‌های همه‌گیر به‌علت عدم رعایت اصول بهداشت هر چند یکبار شهری را غرق در عزا می‌کرد و مردم به‌عنوان بلای آسمانی آنرا به‌ناچار می‌پذیرفتند. نبودن بهداشت برای کودکان و مادران از سایرین خطرناک‌تر بود چه بسیار مادرانی که در موقع زایمان می‌مردند و یا برای همه عمر ناقص و علیل می‌گردیدند. مسأله مرگ کودکان یک واقعیت پذیرفته شده بود و خانواده‌ای یافت نمی‌شد که حداقل یک یا چند کودک مرده نداشته باشند. در شهرها و مخصوصاً در روستاها عده زیادی از کودکان قبل از رسیدن به‌سن چهار سالگی در اثر بیماری‌های مختلف و عدم وجود بهداشت می‌مردند و یا به‌علت بیماری‌های آبله و فلج برای تمام عمر کور و علیل می‌گردیدند.

فصل پنجم

ایران در دوران جنگ بین‌الملل اول

روند شکل‌گیری جنگ جهانی اول

گسترش اکتشافات و اختراعات که نتیجه انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم بود زمینه‌های رشد تولید در کشورهای انگلیس، فرانسه و آمریکا را فراهم آورد و نیاز این کشورها را به مواد خام و بازار فروش افزایش داد لذا طی سالها ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ میلادی رقابت بر سر تهیه مواد خام و ارزان و دستیابی به بازار فروش محصولات برای کسب درآمدهای بیشتر ابعاد تازه و وسیعی گرفت. این امر باعث مناقشاتی در خصوص رقابت بر سر حوزه نفوذ و سلطه بر مستعمرات بیشتر گردید.

در این زمان روحیه استعمارگرانه خط مشی سیاستمداران و صاحبان صنایع را تشکیل می‌داد.

لذا تسلط بر کشورهای توسعه نیافته در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین همراه با گسترش دایره نفوذ اقتصادی مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی انگلیس، فرانسه، آلمان و روسیه بود و رقابتها هر روز ابعاد وسیع‌تری می‌یافت.

آمریکا که تا پایان قرن نوزدهم بر سیاست انزوا طلبانه و نظریه مونرو تأکید داشت و فقط آمریکای لاتین را حوزه نفوذ و سلطه خود قلمداد می‌نمود از اوایل قرن بیستم به جمع سایر قدرت‌های سلطه اروپائی پیوست.

رقابت همراه با توازن قوا تا سال (۱۹۰۵ م ۱۲۸۴ ش) ادامه داشت اما از این سال به بعد بر سر بدست آوردن بیشتر مناطق تحت سلطه، مسابقات تسلیحاتی بین دو قطب در عرصه قدرت‌های مسلط جهانی پدیدار گشت.

انگلیس، فرانسه و روسیه اتحادی علیه آلمان، ایتالیا و اتریش تشکیل دادند در سال ۱۹۰۸ میلادی اتریش و صربستان تا آستانه جنگ پیش رفتند در سال ۱۹۱۱ ایتالیا در جهت تسلط برلیبی اقدام کرد و این امر منجر به بروز جنگ میان ایتالیا و عثمانی گردید در سال ۱۹۱۳ م

جنگ در بالکان همه گیر شد و شورش علیه دولت عثمانی افزایش یافت که سرانجام منجر به تشکیل صربستان بزرگ در بالکان گردید. رقابت های استعماری چنان گسترش یافته بود که جرقه ای می توانست منجر به جنگ بین قدرت ها گردد.

مقدمه - جنگ بین المللی اول

در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ یکی از جوانان انقلابی بوسنی که عضو انجمن سرّی صربستان موسوم به "اتحاد یا مرگ" بود ولیعهد امپراتوری اتریش "فرانسیس فردیناند" را در یکی از معابر سارایوو بقتل رسانید.

حکومت اتریش مصمم بود که نهضت تجزیه طلبی اسلاوهای جنوبی را که مشغول تکه تکه کردن امپراتوری اتریش بودند از میان بردارد. بهمین جهت در صدد آن بود که استقلال صربستان را که هسته مرکزی بلوای اسلاوهای جنوبی بود محو سازد. قتل ولیعهد اتریش به دست یک انقلابی صرب بهانه شروع جنگ جهانی اوّل شد، جنگی که از سالها قبل مقدمات آن فراهم شده بود.

جنگ میان (فرانسه - انگلیس - روسیه) یا دول اتّفاق مثلث با دول اروپای مرکزی (آلمان و اتریش) آغاز گردید. بتدریج دولت های صربستان، بلژیک، رومانی، ژاپن، یونان، ایتالیا، پرتغال و چند کشور دیگر به دول اتّفاق مثلث پیوستند و دولت های عثمانی و بلغارستان نیز به صف دول مرکزی ملحق شدند.

در سال ۱۹۱۷ با ورود ایالات متحده امریکا و اکثر کشورهای آمریکای مرکزی - به همراه برزیل - از یکسو و جمهوری لیبریا از آفریقا و کشور های سیام، چین و ژاپن از آسیا، جنگ جنبه جهانی پیدا کرد و متفقین - به ویژه انگلیس و روسیه در جبهه آسیای غربی با نیروهای عثمانی و آلمان وارد جنگ شدند. بدین ترتیب با اشغال قسمت عمده ای از خاک ایران مناطق شمالی، شمال غرب، غرب و جنوب این کشور، برای آنان اهمیت استراتژیکی پیدا کرد. این اتفاقات در ایران مقارن با تاجگذاری احمدشاه قاجار و افتتاح مجلس سوم بود.

ارتش‌های متحدین و متفقین در شروع جنگ جهانی اول

نیروهای متحدین^۱

– آلمان ۵ میلیون نفر که ۷۸ لشکر آن به جبهه فرانسه اعزام شدند.

– اتریش ۳/۳۵۰ میلیون نفر

– عثمانی‌ها

نیروهای متفقین^۲

– فرانسه ۴ میلیون نفر ۷۲ لشکر آن در مقابل آلمانی‌ها قرار گرفت

– انگلیس ۱۲۵ هزار نفر ۵ لشکر به کمک فرانسوی‌ها

– بلژیک

– روسیه ۶ میلیون نفر

– ایتالیا در آوریل ۱۹۱۵ به متفقین پیوست

سازمان ارتش‌ها کم و بیش به یکدیگر شبیه بودند. تشکیلات و ارکان ارتش‌های آن روز از واحدهای پیاده نظام، توپخانه، سوار نظام و نیروی دریایی تشکیل می‌یافت. در سال‌های آخر جنگ یگان‌های هوایی در چند کشور تشکیل شد نیرومندترین ارتش درگیر در جنگ بین‌الملل اول بدون تردید ارتش آلمان بود. تبلیغات میهن‌پرستانه و بلهلم دوم افراد ارتش را سربازانی متعصب و مغرور ساخته بود که بجز پیروزی به هیچ چیز دیگر نمی‌اندیشیدند. جنگی که در اوت ۱۹۱۴ شروع شد پس از یک سال به صورت جنگ جهانی درآمد. ابتدا هفت کشور در این جنگ شرکت داشتند اما به تدریج سی کشور در آن وارد شدند.

جنگ بین (اتریشی‌ها و صرب‌ها) – (ژاپنی‌ها، امریکایی‌ها با آلمانی‌ها) – (ایتالیایی‌ها، رومانی‌ها با اتریش) در سراسر اروپا و آسیا گسترش یافت. اولین بار بود که کشورهای اروپایی جهت سرعت بخشیدن به عملیات از تانک استفاده کردند و هواپیماها شهرها را مورد تهاجم قرار دادند. آلمانی‌ها برای اولین بار از گاز سمی استفاده کردند که منجر به مرگ بسیاری از سربازان گردید.^۳

^۱ – رابرت روزول پالمر تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، انتشارات امیر کبیر جلد دوم صفحه ۳۳۵ الی ۳۴۰.

^۲ – محمود حکیمی – نگاهی به تاریخ معاصر جهان، انتشارات امیر کبیر صفحه ۱۶۳.

^۳ – محمود حکیمی – نگاهی به تاریخ معاصر جهان، انتشارات امیر کبیر صفحه ۱۷۳.

اعلان جنگ امریکا به آلمان در آوریل ۱۹۱۷ سبب شد تا نیروهای بسیاری را وارد جنگ نماید از طرفی تلفات سنگین و باورنکردنی در جبهه‌های جنگ، روسیه را کاملاً از پای درآورده بود و مردم روسیه تمام توان خود را در این جنگ از دست داده بودند. حزب بلشویک از این فرصت استفاده کرد و لنین اعلام نمود که به عقیده آنها جنگ واقعی مبارزه بین کارگران و سرمایه‌داران است.

روسیه با آلمان صلح نمود و لنین دستور آتش‌بس صادر کرد و تمام سرزمین‌هایی را که تصرف نموده بود واگذار کرد.^۱ بالاخره بعد از پنج سال جنگ خونین و پرتلفات سران کشورهای درگیر در ورسای نزدیک پاریس ملاقات کردند و در ژانویه ۱۹۱۹ نمایندگان ۲۷ ملت در پاریس گرد آمدند، اما تصمیمات را نمایندگان چهار دولت بزرگ اتخاذ می‌نمودند که براساس آن قسمتی از خاک آلمان منطقه (سار - لورن) به فرانسه واگذار شد و به این ترتیب قرارداد صلح ورسای منعقد گردید، ولی نماینده آلمان حضور نداشت لذا از امضاء آن امتناع ورزیدند ولی بالاخره احزاب سوسیال دمکرات به قبول آن رضایت دادند.

بدین ترتیب با تحمیلاتی که دول غالب به مردم کشورهای شکست خورده اروپا نمودند زمینه را برای جنگ جهانی دوم به وجود آوردند. فرانسوی‌ها اصرار داشتند که آلمان باید آنقدر ضعیف بماند تا نتواند دوباره جنگ تازه‌ای آغاز کند آنها تقاضای غرامت جنگی و تصرف خاک بیشتر را از آلمان داشتند. چک‌ها، کراواسی، اسلونی و بوسنی هرزه‌گوین از اتریش جدا شدند. در سال ۱۹۲۴ صربستان منطقه مونتنگرو را اشغال کرد و در سال ۱۹۲۸ عنوان یوگسلاوی یا اسلاوهای جنوبی جانشین صربستان گردید.

۱ - ویلیام شایر - ظهور و سقوط رایش سوم ترجمه ابوطالب صارمی جلد اول صفحه ۶۸ دولت آلمان در مارس ۱۹۱۸ در برست لیتوفسک به روسیه شکست خورده پیمان صلحی را تحمیل کرد که به عقیده یک مورخ انگلیس "در تاریخ معاصر خواری و خفتی بی‌سابقه بود این مورخ در کتاب خود به نام بیست سال پس از سرد شدن احساسات ناشی از جنگ نوشته است آن پیمان روسیه را از سرزمینی که مساحت آن تقریباً به اندازه مجموع مساحت اتریش - مجارستان و ترکیه بود و ۵۶ میلیون نفر جمعیت داشت محروم کرد یک سوم خط آهن و ۷۳ درصد مجموع سنگ آهن و ۸۹ درصد همه محصول ذغال سنگ روسیه را گرفت و بیش از ۵۰۰۰ کارخانه و دستگاه صنعتی آنرا برد. به علاوه روسیه مجبور شد به آلمان شش میلیارد مارک غرامت جنگ بپردازد. در بهار سال ۱۹۱۹ روز حساب پس دادن آلمانی‌ها در ورسای، بود.

بخش یکم - اثرات جنگ بین‌المللی اول در ایران

دولت متزلزل ایران، که ریاست آن را هر چند ماه، یکی برعهده داشت در برابر بحران‌های سیاسی ناشی از مداخله نظامی متفقین و متحدین در ایران و دودلی مجلس سوم، هیچ کار مثبتی نمی‌توانست انجام بدهد. در میان مردم یک بغض و عداوت آمیخته به نفرت و ترس به روس‌های تزاری وجود داشت. اما در مراکز تصمیم‌گیری و مقامات مطلع کشور این احساس وجود داشت که انگلیس مغلوب‌کننده ناپلئون بالاخره جنگ را خواهد برد.

فعالیت مستمر آلمانی‌ها در ایران برای جلب دوستی و همکاری ملت ایران روزبروز بیشتر می‌شد.^۱ به‌طوری که در سال ۱۹۱۵ بعضی از جاسوسان زبردست آلمان که نیدرمایر و واسموس، مشهورترین آنان هستند توانستند دسته‌های نیرومندی از مردم را مسلح و مجهز کنند و به یاری سپاه عثمانی، که در محور بغداد - قزوین و محور کرمانشاه - ساوه با نیروهای روسیه تزاری در حال نبرد بود، بفرستند. بدین ترتیب علی‌رغم اعلام بی‌طرفی از طرف دولت ایران، نیروهای متحارب متفقین و متحدین قسمت عمده خاک ایران را اشغال کردند و مناطق غرب و شمالغرب و بعضی از ایالات شمالی صحنه نبرد میدان تاخت و تاز ارتش و جولانگاه نیروهای روس و انگلیس از یک طرف و عثمانی و آلمان از طرف دیگر گردید.

وضعیت نیروهای متفقین در حمله به ایران

سپاه سوار قفقاز^۲

لشکر اول قزاق قفقاز به فرماندهی ژنرال باراتف

هنگ اول قزاق اوهان

هنگ اول قزاق کوری - مزدک گردان اول توپخانه صحرایی قفقاز

هنگ اول قزاق کوبان

هنگ اول قزاق زاپودک

^۱ - احمد احرار - کتاب توفان در ایران جلد دوم. انتشارات نوین صفحه ۶۲۴ (ژنرال فون درکلدر) فرماندهی کل نیروهای مختلط آلمان - عثمانی برگزیده شده بود ژنرال آلمانی پس از شکست انگلیسی‌ها در کوت العماره در اثر بیماری حصبه در سن نود و شش سالگی درگذشت.

^۲ - دانشکده افسری هیئت علمی - تاریخ نظامی جنگ بین‌المللی اول در ایران - چاپخانه شهاب صفحه ۴.

لشکر سواره نظام قفقاز

هنگ ۱۶ دراگون تور گردان توپخانه کوهستانی سوار قفقاز

هنگ ۱۷ دراگون نیونی

هنگ ۱۸ دراگون سورسک

هنگ ۱ قزاق خومر

تیپ دوم از لشکر مختلط قزاق کوبان شامل:

هنگ مختلط قزاق کوبان

هنگ چهارم مختلط قزاق کوبان

دو اسواران از هنگ دوم مختلط قزاق کوبان

تیپ پیاده گارد سرحدی قفقاز شامل :

هنگ دوم گارد سرحدی پیاده

هنگ چهارم گارد سرحدی پیاده

تیپ ۱۰۵ پاسبان شامل :

گردان ۲۳۵ پاسبان آتشبار چهل و یکم

گردان ۵۶۱ پاسبان

اسواران چهارم تیپ ۲۹ گارد سرحدی با آتشبار ششم توپخانه صحرایی ترکستان جمعاً ده هنگ و سه اسواران سوار - دو هنگ و دو گردان پیاده (ده گردان) و ۴۰ توپ دوقپس کوهستانی، از این سازمان روشن می‌شود که سپاه نظامی فوق‌العاده متحرک و مستعدی برای اجرای عملیات و مانورهای وسیع به‌صورت مستقل در نظر گرفته شده بود، ضمناً در این عملیات هواپیما و زره‌پوش به‌کار گرفته نشده ولی از ۶۰ خودرو باری جهت حمل مهمات و وسایل استفاده شد.

مأموریت سپاه سوار قفقاز به‌شرح ذیل بود

پاک کردن شمال و مرکز ایران از عناصر دشمن و برقراری نفوذ روسیه در تهران بدون اشغال پایتخت (در این خصوص سفیر انگلیس در پترزبورگ باروس ها هماهنگی نموده بود).

ایران در دوران جنگ بین‌الملل اول ۱۱۷/

باتشریک مساعی بانگلیسی‌ها که در جنوب اصفهان بودند از هرگونه تلاش آلمانی‌ها در بسیج نیروهای ملی جلوگیری نمایند.

احاطه پهلوی راست عثمانی‌ها برای جلوگیری از بکاربردن احتیاط خود به‌جبهه قفقاز. یکی از اشتباهات بزرگ (انوربیک) فرمانده عثمانی‌ها حمله به قفقاز بود در اثر این اشتباه ارتش عثمانی به‌سختی شکست خورد و بسیاری از سربازان در جنگ کشته شدند و تعداد زیادی از آنها نیز هنگام بازگشت از سرما مردند و فقط یک هشتم سربازان اولیه از جنگ برگشتند. مدتی بعد در فوریه ۱۹۱۵ سپاه عثمانی در حمله به بصره متحمل تلفات زیادی گردید.^۱

تشریک مساعی بانگلیس‌ها که برای تسخیر بغداد و شکست ارتش ششم عثمانی در بین‌النهرین که از بصره پیشروی می‌کردند.

وضعیت نیروهای ایرانی که از طریق آلمانی‌ها مجهز گردیدند^۲

سه روز پس از درگیری نظامی روسیه و عثمانی احمدشاه در یکم نوامبر ۱۹۱۴ با صدور فرمانی قصد ایران را برای حفظ بی‌طرفی در جنگ اعلان داشت.

مفاد این فرمان با اصول حقوق بین‌المللی اروپایی مطابقت داشت. اما حضور نیروهای روسی در خاک ایران، به‌ویژه در نواحی سوق‌الجیشی مهم این کشور، امتیازی برای روس‌ها نسبت به عثمانی‌ها به‌شمار می‌آمد و اصولاً حضور نیروهای بیگانه در خاک کشور بی‌طرف، با اصول بی‌طرفی مغایر بود. بنا براین تلاش دولت برای بیرون راندن روس‌ها بی‌اثر ماند. زیرا نیروهای روسیه از ارومیه تا مشهد گسترش یافته بود.

شروع جنگ سبب شد که آلمان در صدد برآید در جاهایی که می‌توانست به دشمن ضربه بزند، برای خود متحدانی دست و پا کند و یا آن‌جاها را برای طرف متخاصم ناآرام سازد

۱ - محمود حکیمی - نگاهی به تاریخ معاصر جهان - انتشارات امیرکبیر صفحه ۱۷۰ الی ۱۷۱.

۲ - احمد احرار - کتاب توفان در ایران جلد یکم - انتشارات نوین صفحه ۵۷۱. به موجب نقشه فرماندهان آلمانی که توسط (پرنس رویس) سفیر آلمان در ایران به برلین مخابره و مورد تصویب دولت آلمان واقع شده بود می‌بایستی قوای واحدی از نیروهای ملی ایران در کرمانشاه تشکیل شود و این قوا، با پول و اسلحه آلمان، همدان و اراک را از تصرف روس‌ها خارج ساخته، اصفهان را پایتخت قرار دهد و آنگاه یک کابینه ملی در اصفهان روی کار آمده و نیروها را به طرف تهران گسیل دارد " رضاقلی خان نظام السلطنه " به عنوان رئیس نیروهای ملی قدم در عرصه فعالیت گذارد.

دولت آلمان تصمیم گرفت، انگلیس را در مرزهای هندوستان تهدید نماید. لذا در کنفرانسی که برای بررسی راههای کار (در سپتامبر ۱۹۱۴) در محل وزارت امور خارجه در برلین تشکیل شد، تصویب گردید که از طریق سازماندهی و مدیریت با پول و سلاح آلمان ملتهای مسلمان (عثمانی - ایران و افغانستان) را برضد انگلستان بشورانند و توجه آن دولت را تا حدودی از صحنه‌های اصلی جنگ در اروپا به جبهه شرق جلب کنند. در اروپا همه دولتهای بزرگ (روسیه، انگلیس، فرانسه) با آلمان به جنگ پرداختند و ویلهلم دوم تصمیم گرفت یک جبهه دیگر باز کند تا از فشار بر آلمان کاسته شود. لذا آلمانها جهت اجرای اهداف خود به ایران روی آوردند.^۱ تنها نیروی مردمی که لیاقت خود را به نحوی نیکوئی نشان داده بود ژاندارمری بود در اوایل سال ۱۹۱۵ بیشتر افسران آن ایران را ترک کردند و ژنرال یالمارسن فرمانده ژاندارمری هم جزء این دسته بود ولی ۱۸ افسر ارشد و ۶ افسر جزء آن باقی ماندند و آلمانها کلیه پشتیبانی لازم را جهت آماده نمودن این نیرو بعمل آوردند.

وظایف افسران سوئدی که از طریق آلمانها حمایت می‌شدند عبارت بودند:

- تقویت ژاندارمری با افزایش نفرات به ۱۲۰۰۰ نفر
- پشتیبانی از جنبش ملی ایرانیان در هر بخش از کشور
- جلب موافقت ایلات و عشایر به نقشه‌های آلمان
- هنگام جنگ، فرماندهی بر نیروهای ایران و عشایر کشور توسط ژاندارمری
- نیروهای ایرانی متشکل از ژاندارمری و نیروهای مردمی

الف - قوای ژاندارمری دولتی

- هنگ ۲ تهران
- هنگ ۶ اصفهان
- هنگ ۷ بروجرد
- گردان مستقل قزوین

^۱ - صفا اخوان مجموعه مقالات سیمینار ایران و جنگ جهانی اول - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی صفحه ۱۳۵ سال

ایران در دوران جنگ بین‌الملل اول ۱۱۹/

افسران و نفرات ژاندارمری دارای اسلحه‌های نسبتاً خوب و با انضباط و یگانه نیروی آماده برای دفاع از کشور بودند.

ب - مجاهدین سیصد نفر تحت امر ستوان یکم اردما.

ج - سربازان در حدود ده هنگ محلی تقریباً هفت هزار نفر که قابلیت جنگی نداشته و سلاح‌های آنها ناقص بود که تحت فرماندهی افسران آلمانی بودند.

د - سواران عشایر : عده این سواران متفاوت بود این عده در موقع رزم اکثراً عده‌شان تقلیل پیدا می‌کرد.

عملیات زمستانی روس‌ها در سال ۱۲۹۴ (۱۹۱۵ م)

لشکر اول قزاق به فرماندهی ژنرال باراتف در تاریخ ۲۱ آبان ۱۲۹۴ با ستاد خود در بندر انزلی پیاده شد و پس از چند روز وارد قزوین گردید.

تیپ اول لشکر قزاق قفقاز به فرماندهی سرهنگ فیسنگو پس از یک درگیری با مجاهدین و ژاندارم‌ها شهر همدان را تصرف و سپس به سمت کنگاور حرکت کردند.

تیپ دوم لشکر قزاق قفقاز به فرماندهی سرهنگ کولسیلوف مأمور اجرای عملیات فرعی بود که شامل تصرف قم و کاشان بود این تیپ پس از درگیری با سواران تفنگچی ماشالله‌خان پسر نایب کاشی و ۱۲۰۰ ژاندارم و سوار تحت امر امیرحشمت وارد قم شد و سپس به کاشان رفت. هنگ اول زاپودک در شهرهای مذکور باقی ماند. ژنرال باراتف پس از تصرف کنگاور و گردنه بیدسرخ اقدام به تقویت مواضع خود و ارتباط بین همدان و قزوین و بندر انزلی نمود. در آن زمان ژنرال فن در کلدز آلمانی به فرماندهی ارتش ششم بین‌النهرین منصوب شده بود که جهت مطالعه وضعیت جبهه ایران به کرمانشاه وارد شد وی برای تقویت جبهه ایران از لشکر ششم پیاده عثمانی چهار گردان اعزام نمود.

فرماندهی کلیه عناصر ایرانی و عثمانی در جبهه ایران به‌طور افتخاری به‌عهده نظام‌السلطنه بود ولی در حقیقت سرهنگ آلمانی (بپ) که رئیس ستاد نظام‌السلطنه بود نیروی مشترک را اداره می‌کرد.

وضعیت نیروهای موجود در غرب ایران

نهادند: ۸۰۰ نفر از ژاندارمری و ۲۰۰۰ نفر سوار عشایر، ۶ مسلسل و ۲ توپ به فرماندهی سرگرد ارمکن.

بیدسرخ: ۲ گروهان عثمانی - ۲ گروهان سرباز محلی - ۲۵۰ مجاهد، یک مسلسل و ۴ توپ به فرماندهی سرگرد کال اشترم.

صحنه: ۳ گروهان عثمانی به فرماندهی شوکت‌بک.

یارینه: ۲ گروهان عثمانی - ۷۰۰ سوار و تفنگچی سنجابی به فرماندهی سرگرد رایت.

سنقر: ۴ گروهان عثمانی - ۳۰۰ ژاندارم - ۵۰۰ سوار محلی به فرماندهی سرگرد

سنسون.

قروه: ۸۰۰ نفر سنجابی - ۶۰۰ سوار محلی تحت امر استوار یکم شنک.

سندج: ۱۰۰۰ نفر سرباز محلی - ۲۰۰ نفر سرباز کرد تحت امر سرگرد محمد تقی خان

پسیان.

جمعاً ۹۰۰۰ نفر که ۶۰۰ نفر آن آلمانی بود و همچنین تعداد ۱۴۰۰۰ نفر سرباز گارد

سرحدی که با ۳۸ توپ در منطقه عملیاتی کرمانشاه متمرکز شده بودند.

تصرف کرمانشاه از طرف روس‌ها - اشغال اصفهان

نیکلا تزار روسیه تصمیم گرفته بود نهضت ضدّ روس را در ایران از بین ببرد. برای این

کار می‌خواست باقیمانده قوای نظام‌السلطنه را قبل از آن که کمک مهمی از طرف عثمانی‌ها

به او برسد متفرق نماید. به همین منظور سرلشکر باراتف قوای عمده خود را به سمت کرمانشاه

حرکت داد. ضمناً عملیات فرعی ذیل انجام گرفت:

پیشروی به سمت اصفهان و برقراری ارتباط بانگلیسی‌هایی که از طریق بندر بوشهر وارد

خاک ما شده بودند.

برقراری ارتباط بین قوای قم و همدان به وسیله اشغال بروجرد و ملایر.

تأمین پهلوی راست قوای عمده به وسیله تعرّض ستون فرعی به سمت سندج.

ایران در دوران جنگ بین‌الملل اول ۱۲۱/

حمله باراتف به سمت کرمانشاه و سنندج باعث تهدید جناح راست ارتش عثمانی که در قفقاز درگیر باقوای روس‌ها بودند می‌شد و در نتیجه عثمانی‌ها مجبور بودند احتیاط خود را در قفقاز بکار نبرند.

سرلشکر باراتف قبل از تعرض به کرمانشاه ابتدا به طرف بروجرد، ملایر و نهاوند حرکت کرد. آن نقاط را اشغال کرد و بعد شهر اصفهان را تصرف نمود بدین طریق جلوی عملیات احتمالی عشایر لر و بختیاری را که به وسیله آلمانی‌ها ممکن بود مزاحمت فراهم آورند، سد نمود.

در ۱۶ اسفند کرمانشاه که از طرف عثمانی‌ها تخلیه گردیده بود به تصرف روس‌ها درآمد^۱ لشکر سواره نظام قفقاز در ناحیه کرمانشاه استقرار یافت و لشکر اول قزاق قفقاز مأمور حفظ ارتباط از بندر انزلی تا کرمانشاه به طول ۷۰۰ کیلومتر گردید.

حمله متقابل عثمانی‌ها تابستان (۱۲۹۵-۱۹۱۶ شمسی)

۱۵ خرداد لشکر دوم پیاده عثمانی پس از شکست لشکر ۶ انگلیس تحت فرماندهی سرلشکر تاون شند در کوت‌العماره، و یک تیپ سوار عشایری کرد از موصل به خانقین وارد شدند و تشکیل سپاه ۱۳ عثمانی تحت فرماندهی سرتیپ علی احسان پاشا را دادند. این سپاه دارای ۲۱ هزار سرباز بود که ۲ هزار نفر آن از عشایر کرد بودند.

لشکر ۴ پیاده عثمانی که عبارت بود از ۶ گردان پیاده، ۲ آتشبار توپخانه و ۲ هزار نفر از سواران عشایری که همزمان مأمور حمله به سنندج شدند.

سرلشکر باراتف سریع قوای خود را از قصرشیرین به کربلای شکر و قرارگاه سپاه روسیه را در همدان قرار داد.

در ۱۷ خرداد علی احسان پاشا به سمت کرمانشاه با دو ستون حمله کرد.

۱ - احمد احرار - کتاب توفان در ایران جلد دوم انتشارات نوین صفحه ۶۳۰ تا ۶۳۵.

هنگ پنجم ژاندارمری و هزار و پانصد نفر سوار و پیاده تحت فرماندهی (ماژور محمد تقی خان پسیان) در مواضع اسد آباد - کنگاور - بید سرخ مستقر شدند.

(سلطان غلامعلی خان) در گردنه اوج مأمور به تأخیر انداختن پیشروی لشکر روس‌ها به فرماندهی (ژنرال - واسیلوف) بود این لشکر مدت دو ماه در زمستان متوقف شده بود تا این که ژنرال باراتف با اعزام نیروهای کمکی و تقویت توپخانه کوهستان توانست از گردنه اوج عبور کند.

تک اصلی در محور خانقین - قصر شیرین - کردند.
 تک فرعی شامل قسمتی از نیروهای ژاندارمری در محور مندلی - اسلام آباد.
 در تاریخ ۶ تیر عثمانی‌ها موضع روس را در کردند مورد حمله قرار دادند.
 روسها بدون درگیری کرمانشاه را تخلیه کردند و پیاده‌نظامشان به‌گردنه اسدآباد
 عقب‌نشینی کرد.
 عشایر محلی که در مدت اشغال منطقه کرمانشاه به‌کوه‌ها رفته بودند مجدداً شروع به
 حمله به واحدهای کوچک روس‌ها در مسیر جاده کرمانشاه همدان کردند.
 در شمال لشکر ۴ از سپاه ۱۳ عثمانی به‌سندج وارد شد و آماده حمله به‌سمت همدان گردید.

عقب‌نشینی قوای روس

در ۱۱ مرداد علی احسان پاشا فرمانده سپاه ۱۳ به‌سمت همدان حمله کرد و لشکر سواره
 نظام قفقاز و همچنین لشکر اول قزاق به‌طرف بیستون عقب‌نشینی کردند و سپس به‌شهر
 همدان وارد شدند. در نتیجه عقب‌نشینی‌های مداوم و انجام عملیات‌های چریکی بر علیه
 ستون‌های در حال عقب‌نشینی روحیه قوای روس فوق‌العاده ضعیف شده بود و چنانچه
 نیروهای عثمانی آنها را تعقیب می‌کردند توانایی مقابله نداشتند. ولی احسان‌پاشا چون از مرکز
 ارتباط خود از بغداد دور شده بود در همدان مستقر شد و روس‌ها در قزوین متمرکز شدند.

عقب‌نشینی عثمانی‌ها : پیشروی به‌سمت بغداد ۱۲۹۶ش - ۱۹۱۷

پس از آن که وضعیت ارتش ششم عثمانی در مقابل انگلیسی‌ها دشوار شد، سپاه ۱۳
 عثمانی از همدان به‌سمت بغداد حرکت کرد:
 در ۲۰ اسفند بغداد به‌وسیله انگلیسی‌ها تصرف شد.

ژنرال باراتف مجدداً همدان و کرمانشاه را اشغال کرد و در ۱۲ فروردین تیپ اول لشکر
 قزاق در نزدیکی خانقین باسواره نظام انگلیسی تلاقی نمودند.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه باعث شد تا ارتش روسیه در کلیه جبهه‌ها اعلام آتش‌بس
 نماید در نتیجه سپاه ۱۳ روسیه باوضع بسیار نامطلوبی اقدام به‌عقب‌نشینی کرد و قوای
 انگلیس جایگزین نیروهای روس گردیدند همزمان باشکست عثمانی‌ها و آلمانی‌ها در کلیه
 جبهه‌ها جنگ جهانی اول به‌پایان رسید و ایران دچار مسائل جدیدی شد. در این هنگام

سیاست دولت انگلیس در ایران، درست در جهت عکس رژیم انقلابی روسیه بود. انگلیسی‌ها از گروه ضدّ انقلاب بر علیه روس‌ها جانبداری می‌کردند. انگلیسی‌ها با تشکیل (پلیس جنوب) اختیار قسمت عمده مناطق جنوبی و شرقی ایران را در دست داشتند و درصدد دستیابی به مناطق شمال و غرب ایران بودند. در این زمان مشکل تازه‌ای به‌نام قحطی بر دیگر مشکلات افزوده شده بود، قشون از هم پاشیده روس یکی از عوامل مؤثر در اشاعه گرسنگی و بیماری بود.^۱ جنگ خسارات زیادی به‌بار آورد هستی مردم ایران را به‌غارت و یغما بردند. در راه‌ها و محورهای عبور قوای روس و انگلیس مردمان زیادی که به‌نوعی مقاومت کرده بودند کشته شده و اجساد آنها بجا مانده بود و خلاصه آن که در اثر بی‌لیاقتی زمامداران، کشور به‌ویرانه‌ای تبدیل شده بود.

ولی نباید فراموش کرد که سالهای جنگ جهانی اول و عواقب فوری آن در ایران به عنوان دوره شکست مشروطه خواهان، آشوب سیاسی و فروپاشی، معروف است اما دو نهادی که توسط انقلاب مشروطه تشکیل گشته بودند، مجلس و ژاندارمری نه فقط از این دوره جان سالم بدر بردند، بلکه به مبارزات ملی گرایان، مساعدت کردند و فعالیتهای سیاسی رادیکال را تثبیت کرده و برای آن کانون و ابزاری را فراهم آوردند در نتیجه مجلس و ژاندارمری را بین تلاشهای کشورسازی دوره مشروطه و سالهای بعد از جنگ و آغاز دوره پهلوی، به وجود آوردند.

^۱ - احمد احرار - توفان در ایران جلد دوم - مؤسسه انتشارات نوین صفحه ۱۰۲۳.

بخش دوم : وقایع مهم دوران سلطنت احمدشاه

در سال‌های پایانی سلسله قاجاریه که حکومت ایران فقط جنبه تشریفاتی داشت ملت به‌ستوه آمده بودند، افرادی در گوشه و کنار مملکت پیدا شدند تا زنجیرهای اسارت را پاره کنند و آزادی و استقلال کشور را تأمین نمایند. اینان می‌دیدند که وضع اقتصادی کشور به‌وخامت کامل گراییده، تسلط بیگانه اقتداری برای دولت مرکزی باقی نگذاشته، خرابی ناشی از جنگ و قطع روابط بازرگانی، مردم را به‌فلاکت کشانده، خزانه کشور تهی شده، زمین‌ها کشت نمی‌شد، قیمت نان و سایر مایحتاج به‌چندبرابر رسیده و قحطی، گرسنگی و شیوع بیماری باعث شده است که قسمت‌هایی از کشور به‌مناطق غیرمسکونی مبدل گردد. همه این عوامل باعث شد که اواخر دوران جنگ جهانی اول و بعد از آن قیام‌ها و نهضت‌هایی در ایران بر پا شود که در مورد آنها نظرات مختلفی ابراز شده، بعضی قیام‌کنندگان را یاغی و شورشی و باج‌گیر معرفی کرده‌اند و دسته‌ای آنان را مجاهد، مؤمن، آزاده و ناجی شناخته‌اند.

نهضت جنگل

آنچه خود جنگلی‌ها در باره اهداف خود بیان کرده‌اند چنین است " اخراج نیروهای بیگانه، برقراری امنیت و رفع بی‌عدالتی، مبارزه باخودکامگی و استبداد " میرزا کوچک جنگلی، فرزند میرزا بزرگ اهل رشت ساکن استادسرا در سال ۱۲۹۸ قمری متولد شد. میرزا تحصیلات علوم دینی را ابتدا در تهران و بعد در قم فرا گرفت، میرزا همه مظاهر نهضت را از دریچه دیانت می‌نگریست. میرزا پس از تشکیل نهضت جنگل به مبارزه با ارتش تزاری پرداخت و روستای (کسما) را در ناحیه فومن مرکز قرارگاه ارتش خود نمود. میرزا تا پایان سال ۱۲۹۶ شمسی بخش وسیعی از گیلان و قسمتی از مازندران، طارم، آستارا، طاش، کجور و تنکابون را به زیر نفوذ خود در آورد. میرزا برای تشکیلات نظامی یک مدرسه (درجه داری) تاسیس نمود تحت نظر افسران آلمانی (مائرفن پاشن- ستوان اشتريخ، شنیدر، والتريخ) اداره می‌شد.

اهداف نهضت جنگلی

استقلال ایران

برقراری امنیت و رفع بی‌عدالتی

مبارزه با خود کامگی و استبداد

اتحاد مسلمانان

در ژوئیه سال ۱۹۱۷ میلادی حکومت سوسیالیستی در روسیه آغاز شد و دستور عقب نشینی به روسها داده شد و ژنرال باراتف به مسکو احضار گردید. سربازان روسی در نقاط مختلف کشور دست به چپاول زدند بدیهی است که اعمال و حشیانه سربازان روس نمی توانست جنگلی‌ها را فارغ البال نگهدارد. لذا شرایطی را برای عبور سربازان روسی تعیین کردند که مورد موافقت کلنل بیچراخف فرمانده روسی قرار نگیرد ژنرال دنسترویل هم بقصد حرکت بسوی قفقاز و دستیابی به نفت آن بود در نتیجه نیروهای روسی با همکاری و پشتیبانی انگلیس از مسیر قزوین به طرف رشت حرکت کردند. ابتدا دو هواپیمای اکتشافی انگلیس از قزوین به پرواز در آمد و پس از شناسائی مواضع دفاعی جنگلی‌ها بزمین نشست و متعاقب آن توپخانه سنگین روسها تمام منطقه منجیل را زیر آتش گرفت در این هنگام دستجات سواره و پیاده نظام یورش بردند و سنگرها یکی بعد از دیگری فرومیرخت و افرادش یا کشته می‌شدند یا سنگرها را تخلیه می‌کردند تعادلی بین قوای جنگل و روس و انگلیس از حیث مهارت و اسلحه ساز بزرگ جنگ نبود در نتیجه قوای جنگل عقب نشستند و روس‌ها و در پشت آنها انگلیس‌ها بجانب رشت و انزلی سرا زیر شدند.

پس از این جنگ که تعداد ۱۰۰ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی و تعداد زیادی اسیر شدند اختلافات زیادی در سران نهضت جنگل به وجود آمد. تسلیم دکتر حشمت با ۲۷۰ نفر از یارانش و همچنین حاج احمد کسمائی و یارانش به دولت پیوستند. و بدین ترتیب آخرین سخنرانی میرزا این بود «آنطور که من فهمیدم مقصد دولت و نیروی تعقیب کننده (رضا خان با نیروی قزاق) دستگیری شخص من است و بنا براین مایل نیستم که شما برای خاطر من در زحمت و رنج باشید و اجازه میدهم که به میل خودتان هر جا که می‌خواهید بروید»^۱

۱ - ابراهیم فخرائی - سردار جنگل - انتشارات جاویدان ۱۳۴۴ صفحه ۲۰۵.

میرزا دارای افکار مذهبی بود ولی به دلیل نیاز به کمک برای تداوم عملیات جنگلی ابتدا با عثمانی‌ها و سپس با دولت کمونیستی شوروی ارتباط برقرار کرد و تجهیزات و سلاح‌های جنگی را از طریق بندرانزلی دریافت می‌کرد.

پس از روی کار آمدن احمد شاه با ارسال سفرائی به شوروی و تهران و بهبود روابط، دولت کمونیستی پشتیبانی سیاسی و نظامی خود را قطع کرد و این یکی از عوامل مهم شکست میرزا گردید.

در خاتمه میرزا از طریق کوه‌های طالش تصمیم داشت به خلخال برود که در اثر سرمای زمستان از پای در آمد.

مراحل عملیات جنگل به‌طور کلی به‌شرح ذیل بوده است.^۱

جنگ بر علیه نیروهای روس و انگلیس در سال ۱۹۱۵.

اعلام حکومت جمهوری و تشکیل دولت انقلابی که اعضاء آن اکثراً از باکو آمده بودند.

قطع کمک‌های سیاسی و نظامی از طریق شوروی.

اختلاف فکری و ایدئولوژیکی بین میرزا و عوامل نفوذی حزب بلشویک و تسلیم خالوقربان به قوای دولتی.

شکست قوای جنگل از نیروهای دولتی قزاق و کشته شدن میرزا در سال ۱۲۹۹ شمسی

قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

پس انقلاب بلشویکی در ۱۹۱۷ که وضعیت داخلی روسیه را بحرانی نموده بود. سرپرسی کاکس، کنسول بوشهر، وزیر مختار بریتانیا در دربار ایران شد

انتخاب سرپرسی کاکس به منظور اجرای قرار ۱۹۱۹ بوده و با توجه به مشکلات داخلی روسیه، انگلیس‌ها در فکر آن بودند که ایران را مستعمره خود قرار دهند

این پیمان در دوره کابینه‌ی و ثوق‌الدوله مطرح گردید که مهم‌ترین موادش، یکی قسمت مالی و دیگر قسمت نظامی آن بود که طرفین موافقت کرده بودند یک ارتش با ظرفیت چهل هزار نفری طبق روش پلیس جنوب روی کار آید.

^۱ - ابراهیم فخرانی - سردار جنگل - انتشارات جاویدان صفحه ۴۲ - ۸۶.

ایران در دوران جنگ بین‌الملل اول / ۱۲۷

اسلحه و مهمات را کشور انگلستان با قیمت عادلانه تامین نماید. طبق عهد نامه، قرار می‌شود که عده‌ای گروه‌بان از ارتش هندوستان استخدام شوند و در ارتش ایران افسران از درجه سروان به بالا ترقی نکنند. به این ترتیب مسئولیت فرماندهان رده بالا به عهده افسران انگلیسی بود.

پس از تشکیل مجلس قرار بود وثوق الدوله پیمان مذکور را به تصویب مجلس برساند. ولی مخالفت مردم و محافل وطن پرستان و روشنفکران موجب شد که کابینه حسن و ثوق سقوط کند. مجلس هم با تصویب آن مخالفت کرد.

این قرارداد میان انگلیس و نمایندگان ایران که شامل وثوق‌الدوله نخست‌وزیر - نصرت‌الدوله وزیر امور خارجه و صارم‌الدوله وزیر مالیه بود به امضاء رسید و نتیجه‌اش این بود که مالیه و قشون ایران زیر نظر معلمین و فرماندهان انگلیسی قرار گرفت که مردم و مجلس شدیداً با آن مخالفت نمودند

قیام شیخ محمد خیابانی

شیخ محمد خیابانی در خاмене متولد شد، او از آزادیخواهان و مجاهدین دوره انقلاب مشروطه ایران بود اقدامات خیابانی از ۱۷ فروردین ۱۲۹۹ با کمک سردار انتصار، رئیس نظام و برخی از یاران فرهنگی او چون اسماعیل امیرخیزی آغاز گردید و در نهایت اداره شهر تبریز و آذربایجان به دست خیابانی افتاد. سازمان سیاسی خیابانی به نام (دمکرات ملّی) خوانده می‌شد و ارگان رسمی آن هم روزنامه (تجدّد) بود مبارزه خیابانی بر ضد حکومت ارتجاعی وثوق‌الدوله که عامل و طراح اصلی قرارداد ۱۹۱۹ میلادی ایران و انگلیس به شمار می‌رفت، بود.

در نتیجه استان آذربایجان از بقیه خاک ایران جدا شد و به نام (آزادستان) موسوم گشت در روش مسلکی و سیاسی شیخ محمد خیابانی یکسویی و انسجام کامل دیده نمی‌شود. به عنوان مثال زمانی استقلال داخلی آذربایجان را مطرح می‌نمود و گاهی برای تهدید دولت مرکزی با بلشویک‌ها که در تبریز بودند همدردی نشان می‌داد.^۱ و گاهی هم طی سخنان و اقدامات خود دشمنی خویش را با مسلک بلشویکی ابراز می‌داشت.

^۱ - علی اصغر شمیم - ایران در دوره سلطنت قاجار - انتشارات علمی صفحه ۶۰۲.

به هر حال خیابانی علیه حکومت قیام کرد و خواستار شرایط بهتر برای جامعه بود. در نطق‌های خود راه‌های عملی برای حاکمیت قانون، آزادی، استقلال، ترقی و مبارزه با فساد اجتماعی را مطرح می‌نمود. در پایان خیابانی به‌وسیله مخبرالسلطنه هدایت والی آذربایجان کشته شد.

قیام چاکوتاهی‌ها و تنگستانی‌ها

در سال ۱۲۷۳ هجری قمری نیروهای انگلیس شهر بوشهر را تصرف کردند. در این زمان باقرخان و پسرش احمد خان تنگستانی با چهار صد نفر از اهالی در قلعه ریشهر منتظر ورود نیروهای انگلیسی بودند

سپاه انگلیس با هشت هزار نفر نیرو جنگی وسی فرزند کشتی و تعداد زیادی توپ در ساحل دریا پیاده شدند و قلعه را به توپ بسته و سپس به آن حمله کردند و باقرخان و احمد خان پسرش و هفتاد نفر همه در این نبرد کشته شدند.

رئیس علی دلواری و شیخ حسین چاه کوتاهی و زایرخان اهرمی سه نفر خوانین تنگستان پس از این واقعه تصمیم گرفتند که علیه دشمن بجنگند.

آنها مسلمانانی معتقد و مرز دارانی رشید بودند که در سال‌های (۱۲۹۲-۱۳۰۰ شمسی مطابق با ۱۹۱۴-۱۹۲۲ میلادی) در جنگ‌های متعدد هزاران نفر از افراد بریتانیا را با تمام تجهیزات از بین بردند.

انگلیسیها بالاخره در این مورد به حيله دست زده، رئیس علی و سایر یاران او را از طریق جاسوسان خود و با همدستی و تطمیع افراد بومی آنها را محاصره نمودند. و رئیس علی را از پای در آوردند و در سال ۱۹۲۰ میلادی شیخ حسین هم در جنگ با پلیس جنوب S. P. I از پای در آمد جنبه ملی نبرد های تنگستانی با انگلیسی‌ها از کلیه قیام‌های این دوره خالص تر بود در عملیات تنگستانی‌ها بیشتر از طریق انسانهای شریف که در منطقه بودند پشتیبانی می‌شدند. کمکهای آقای شیخ محمدحسین مجتهد برازجانی (از اجله علمای جنوب) و آقای کازرونی که موجب اتحاد بین دلیران تنگستان گردیدند یاد کرد.^۱

۱ - محمد حسین آدمیت - دلیران تنگستان - انتشارات آوا صحنه ۵۷.

ایران در دوران جنگ بین‌الملل اول / ۱۲۹۱

سرهنگ احمدخان اخگر افسر ژاندارمری و "واسموس" آلمانی هر کدام به‌سهم خود در عملیات جنوب به تنگستانی‌ها کمک کردند.

محمد تقی خان پسیان

کلنل محمدتقی‌خان پسیان افسر ژاندارمری، تحصیل کرده در آلمان با احساسات تند وطن‌دوستی و بیزار از دولت‌های فاسد به‌فرماندهی قوای خراسان منصوب گردید و در مدت کوتاهی ۷ هزار نفر را بسیج نمود. زمانی که قوام‌السلطنه حاکم خراسان بود با اشاره سیدضیاء رهبر کودتای ۱۲۹۹ قوام را دستگیر و به‌تهران روانه نمود. پس از سقوط سیدضیاء، قوام‌السلطنه به‌نخست‌وزیری رسید لذا محمد تقی خان پسیان از کینه و انتقام قوام در امان ماند و در نتیجه دسیسه‌های فرخ و شوکت‌الملک علم حاکم قانات و سیستان که از سرسپردگان انگلیس بودند این اختلاف دامن زده شد.

در پائیز سال (۱۹۲۱ م - ۱۳۰۰ شمسی) قیام محمدتقی خان در خراسان سرکوب گردید. پسیان عضو حزب دمکرات بود و در زمان جنگ جهانی اول فرماندهی ژاندارمری را عهده‌دار بود و در عملیات نظامی علیه انگلیسی‌ها و روس‌های تزاری در قزوین و همدان و کرمانشاه شرکت کرده بود.^۱

غائله اسماعیل آقا سیمیتقو ۱۳۰۱ شمسی

اسماعیل آقا معروف به‌سیمیتقو^۲ پسر محمدآقا و برادر کوچک جعفرآقا کرد از طائفه شگاک پس از کشته شدن جعفرآقا به‌وسیله والی آذربایجان (نظام‌السلطنه مافی) سالها مزاحمت و خسارات جانی و مالی فراوان در منطقه شمال غرب کشور به‌وجود آورد و سالها امنیت راه‌ها و شهرهای ارومیه، سلماس، خوی را به‌خطر انداخت. اسماعیل آقا بسیار قسّی‌القلب بود و از طریق کشورهای روس، انگلیس، عثمانی و آلمان به‌او کمک می‌شد، دارای چهار توپ و دو توپ صحرایی و هفتصدنفر افسر تحصیل کرده از

^۱ - دکتر جلال الدین مدنی - تاریخ سیاسی معاصر ایران - جلد یکم انتشارات اسلامی صفحه ۱۶۰.

^۲ - مهدی بامداد - تاریخ رجال ایران قرون ۱۲-۱۳-۱۴ جلد اول چاپخانه بانک بازرگانی صفحه ۱۳۶.

آلمان بود. در جنگی که با سرهنگ ملک‌زاده و عده‌ای ژاندارم رویداد ژاندارم‌ها همگی باتفاق فرمانده خود محاصره شدند و پس از تسلیم شدن، همگی به قتل رسیدند. اسماعیل آقا بالاخره به‌وسیله فرمانده لشکر ارومیه در اطراف اشنویه محاصره گردید و پس از مختصر زد و خورد سیمیتقو و کسانش به قتل رسیدند.

شورش شیخ خزعل در خوزستان

شیخ خزعل پسر حاج جابر از طایفه اعراب بنی کعب عرب خوزستان بود، دارای نشان‌ها و حمایل نظامی و همچنین از طرف دربار انگلستان به لقب "سر" مفتخر گردیده بود، استعداد یاران شیخ ۳۵ هزار نفر سوار و پیاده تخمین زده می‌شد. شیخ خزعل حاکم خوزستان یعنی استان ششم بود و در سال ۱۹۱۴ حکومت پادشاه انگلیس با وی قراردادی را امضاء کرده بود که به موجب آن شیخ موظف بود از منافع انگلیس که شامل تأسیسات نفتی خوزستان بود حفاظت نماید و در عوض حکومت انگلیس متعهد شد که شیخ محمّره و جانشین و اعقاب او را حمایت نماید. تا اواسط سال ۱۳۰۳ نه تنها از او امر دولت مرکزی اطاعت نمی‌کرد بلکه اجازه ورود نیروی نظامی را به منطقه نفوذ خود نمی‌داد.

شیخ به امید انتزاع خوزستان و تشکیل سلطنتی مستقل بود، وی در سال ۱۳۰۴ پس از جنگ باقوای دولتی دستگیر و به تهران آورده شد و پس از چند سال از طرف شهربانی به منزل او در تهران رفته و شیخ را خفه کردند.

شورش ایلات لرستان و بختیاری

شهرهای نهاوند و تویسرکان و ملایر به وسیله لره‌های طایفه حسن وند ناامن گردیده بود. از فریدن تا خوانسار و گلپایگان را طوایف زلفی و خواجه مکویی که از ایلات چهار لنگ بختیاری بودند ناامن ساخته بودند.

شورش ایلات قشقایی

از حاشیه کرمان تا آنسوی بهبهان و کهگیلویه و از دروازه‌های خوزستان تا اصفهان به‌وسیله عشایر مختلف باسلاح و پشتیبانی بیگانه ناامن گردیده بود. مهم‌ترین آنها عبارت بودند از ایلات قشقایی، ایلات شیبانی، باصری، عرب خمسه، بویراحمدی، چهار راهی.

قوچان و بجنورد

این منطقه را سران طوایف شادلو مانند سردار معزز بجنوردی قبضه کرده بودند.

- قائنات و بیرجند تا مرزهای افغانستان در اختیار امیر شوکت‌الملک علم بود که از انگلیسی‌ها تبعیت می‌کرد.

- بلوچستان و شهرهای آن استان تا بندرعباس در زیر استیلای طوایف بلوچ بوده و بهرام‌خان بارام‌زایی پس از او دوست محمدخان بلوچ، سکه بنام خود زده و اعلام استقلال کرده بودند.

- سران کرد مانند سردار رشید، طوایف سنجابی، کلهر و افرادی امثال سیدطه در سقر و بانه منطقه را عرصه تاخت و تاز و غارتگری خود کرده بودند.

نیروی نایب حسین کاشی

این شخص، اجدادش از لرهای لرستان و از طایفه بیران‌وند بود. خودش هنگامی که در فراشخانه‌ی شاهان قاجار بود، در حدود کاشان نیرویی از افراد چریک شامل سوار، پیاده و توپخانه گرد آورده و حدود اصفهان و یزد و کاشان را تا قم تحت تسلط و نفوذ خود قرار داده تا جایی که کمپانی لنج، برای عبور مال التجاره خود با او پیمان می‌بندد.

اگر بنا بود نیروی نظامی از تهران به اصفهان یا برعکس انتقال یابد بدون موافقت و مراقبت نایب حسین امکان نداشت نایب حسین، از آلمان تفنگ‌های مخصوص خریداری می‌کند. دو عراده توپ کوهستانی داشت. چند مرتبه نیروی قزاق و ژاندارمری برای سرکوبی او اعزام شدند که در هروهمه با شکست روبرو شده و به تهران برگشتند.

ولی و ثوق الدوله با تدبیر نایب حسین و پسرش - ماشاالله خان را به چنگ آورد و هردو را به دار آویخت و سپس سرهنگ فضل الله اق اولی و سروان شارق السلطان، با گردان ژاندارمری کاشان، به سوران سردار حمله کرده و ذخایر با ارزش او را تصاحب نمودند.

عواملی که زمینه‌ساز به‌وجود آمدن کودتای ۱۲۹۹ شد

۱- موقعیت حساس ایران و بی‌کفایتی زمامداران باعث شد که هر یک از امپراتوری‌های روسیه و انگلستان به فکر تجزیه ایران باشند و بالاخره در چند نوبت قسمت‌های مهمی از خاک ایران را جدا کردند که شامل تجزیه قفقازیه - افغانستان و قسمت عمده ترکستان شرقی و بلوچستان بود. نفوذ روسیه تزاری در دربار ایران پس از عهدنامه (ترکمن‌چای) به‌طور

محسوسی افزایش یافت از این رو انگلیس از ازدیاد نفوذ روسیه در ایران نگران بود، به همین لحاظ رقابت و اختلاف نظر شدیدی بین روسیه و انگلیس بر سر ایران به وجود آمد. سلاطین قاجار در بعضی مواقع از این رقابت‌ها استفاده نموده سیاست توازن را پیش می‌گرفتند و تا حدی از تعرض آنها مصون بودند.

عده‌ای از مورّخین عقیده دارند اگر دو رویداد بزرگ تاریخی یعنی جنگ جهانی اول و انقلاب روسیه انجام نمی‌گرفت ایران به‌طور قطع استقلالش را از دست می‌داد زیرا قراردادهای سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و در نهایت ۱۹۱۹ هر کدام به‌نوعی زمینه‌های به‌زیر سلطه درآوردن این کشور را فراهم نموده بودند.

۲- ملت ما که پس از انقلاب مشروطیت انتظار استقلال - آزادی و رفاه عمومی را داشت بعد از انقلاب بامصائب بسیاری مواجه گردید.

حکومت از نظر سیاسی، اقتصادی و دفاعی بسیار ضعیف شده بود و بیشتر جنبه تشریفاتی داشت ملت به‌ستوه آمده بود، وضع اقتصادی کشور به‌وخامت کامل گراییده بود، تسلط بیگانه نیرویی برای دولت مرکزی باقی نگذاشته، خرابی ناشی از جنگ و قطع روابط بازرگانی مردم را به‌فلاکت رسانده، خزانه کشور تهی شده، زمین‌ها کشت نمی‌شد، قیمت نان و سایر مایحتاج به‌چندبرابر رسیده و قحطی، گرسنگی و شیوع بیماری باعث شده بود که قسمت‌هایی از کشور به‌مناطق غیرمسکونی مبدّل گردد. همه این عوامل سبب نارضایتی مردم از وضع موجود شده و ملت آماده یک تحوّل و دگرگونی در اوضاع حکومتی بود.

۳- بوجود آمدن قیام‌های مردمی و شورش‌ها و راهزنی‌ها، تمام اینها نشانه ضعف حکومت مرکزی بود. پایتخت کشور نیز از راهزنی و شرارت و قتل و غارت در امان نبود و پاره‌ای ایلات که دارای سلاح بودند، بر راه‌های حومه تهران مسلط بودند و در فرصت‌های مناسب اموال مسافری را چپاول می‌کردند لذا مردم کشور دارای آسایش و امنیت واقعی نبوده و در راه‌ها و گذرگاه‌ها مورد تجاوز قرار می‌گرفتند.

۴- دولت‌هایی که پس از انحلال مجلس دوم بر سر کار آمدند پی در پی سقوط کردند و کاری از پیش نبردند. دولت‌های مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله، وثوق‌الدوله، سردار منصور (سپهدار) بیش از چند ماهی دوام نداشتند و مردم از این وضع خسته شده بودند.

۵- کودتای (۱۲۹۹) پس از این که دولت انگلستان به‌عللی از اجرای قرارداد ۱۹۱۹ منصرف گردید درصدد برآمد برای سلطه خود در ایران طرح دیگری پایه‌گذاری کند. از این رو انگلستان درصدد انتخاب یک قدرت نظامی بود که مصالح آن کشور را در ایران رعایت نماید. در اواخر سال ۱۲۹۹ فرماندهی ارتش انگلیس در ایران به‌ژنرال سر ادموند آیرون‌ساید واگذار گردید. ژنرال آیرون‌ساید در بازدیدی که از دیویزیون (لشکر) قزاق در قزوین به‌عمل آورد طی یادداشتی از مشیرالدوله رئیس دولت درخواست نمود که افسران روسی را که در استخدام دولت ایران می‌باشند، از خدمت خارج نموده و به عوض آنها از افسران انگلیسی استفاده گردد، مشیرالدوله باخارج افسران روسی موافقت ولی بااستخدام افسران انگلیسی مخالفت می‌کند و سردار همایون والی را به‌فرماندهی دیویزیون (لشکر) قزاق منصوب می‌نماید ولی انتخاب نامبرده در بین افسران قزاق با مخالفت همراه بود و در نتیجه فرماندهی دیویزیون قزاق در قزوین به‌رضاخان میرپنج محول گردید، کودتای ۱۲۹۹ که به‌قدرت رسیدن رضاخان منجر شد در زمانی رخ داد که ایران بایکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ خویش روبرو بود. اگر چه طرح کودتا را مقامات انگلیسی مستقر در ایران، ریختند، ولی عوامل داخلی نقش مهمی در ظهور رضاخان ایفا کردند. در واقع کودتا اقدامی در جهت جلوگیری از تجزیه و اضمحلال کشور یا گرفتار آمدن آن در یک "انفجار انقلابی" بود.^۱

در اوایل سال ۱۹۲۱م، اکثر ایرانیان که از رشد سیاسی برخوردار بودند بر این نکته واقف بودند که مملکت آنها به‌یک دولت مرکزی احتیاج دارد شرایط داخلی کشور از این بدتر نمی‌شد. شاه جوان رؤیای سفر به‌اروپا را در سر داشت طبقه حاکم ایران کاملاً فرتوت و نالایق بود و توده‌های مردم نیز به‌شدت فقیر و نسبت به‌آینده خود بی‌تفاوت بودند و امنیت داخلی وجود نداشت.

دو عامل دیگر نیز بر پیچیدگی موقعیت افزوده بود و زمینه را برای کسب قدرت توسط رضاخان مساعد ساخت.

۱ - دکتر علی اصغر زرگر - کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه - انتشارات معین صفحه ۶۰.

یکی ماهیت گریز از مرکز (نهضت‌های آزادیبخش ملی) در ولایات شمالی گیلان و آذربایجان بود، این حرکت‌ها مانع از آن بود که برای تحکیم قدرت دولت و استقرار نظم در ایران زمینه مساعدی فراهم شود.

دوم آن که از انقلاب مشروطه به بعد و به ویژه پس از شروع جنگ جهانی اول، در میان نمایندگان مجلس و اعضاء کابینه‌ها فرقه‌گرایی پدیدار گشت که در تضعیف نظام مشروطه مؤثر افتاد. در نتیجه بسیاری از ملت‌یون از ناتوانی دولت در اعاده نظم دچار نگرانی روزافزونی شدند.

در روز ۱۲ فوریه ۱۹۲۱ (۲۳ بهمن ۱۲۹۹) آخرین گفتگو بین رضاخان و آبرون‌ساید صورت گرفت، آبرون‌ساید حاضر شد بادو شرط به رضاخان اجازه دهد که قدرت را در تهران به دست گیرد.^۱

الف - در حین خروج نیروهای انگلیس از ایران، آنها را مورد حمله قرار ندهد.

ب - برای سرنگونی شاه دست به یک اقدام قهرآمیز نزده یا وقوع چنین اقدامی را اجازه ندهد.

رضاخان، به عنوان فردی فاقد ارتباطات مهم فامیلی که عملیات او را محدود می‌ساخت و به مثابه افسری که به شجاعت در نبرد معروف بود، انتخاب مناسبی بود. پس از سقوط کابینه سید ضیاء، وی در مظان اتهام و توطئه اجرای کودتا قرار گرفت. در مورد منشاء و توطئه‌گر اصلی کودتا بحثی جریان یافت. رضاخان که در آن زمان وزارت جنگ را به عهده داشت، از حدس و گمان‌های جراید به خشم آمده بود برای خاتمه دادن به این ماجرا، یک بیانیه رسمی صادر کرد و در آن کودتا را به خود نسبت داد.

قزاق‌ها در ۲۰ فوریه مصادف با اول اسفند ۱۲۹۹ به حومه تهران وارد شدند و رضاخان عملاً بدون هیچ زد و خوردی وارد شهر شد. شاه پریشان احوال خواستار آن شد که سفیر بریتانیا در مورد خط مشی‌هایی که وی باید اتخاذ کند، توصیه لازم را به او بنماید به او توصیه شد، سید ضیاء را احضار کند تا دولت خویش را تشکیل دهد. در جریان کودتا سلطان احمدشاه و محمدحسن میرزا ولیعهد به کاخ فرح‌آباد گریختند و سپهدار رشتی نخست‌وزیر از ترس به سفارت انگلیس پناهنده شده.

^۱ - ژنرال سرادموند آبرونساید - کتاب خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرونساید در ایران ترجمه بهروز قزوینی صفحه ۱۴.

۶- در ارتباط با کودتای ۱۲۹۹ در کتاب پهلوی‌ها به روایت اسناد چنین نوشته شده: «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را می‌توان نقطه عطفی در روابط سیاسی ایران و انگلیس دانست چرا که با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، سلسله قاجار از حمایت روسیه محروم شد و هنگام آن رسیده بود که رقیب دیرینه او، انگلیس بدون نیاز به تقسیم منابع با رقیب به تدریج حضور گسترده خود را در ایران بیش از پیش تثبیت نماید. هدف از کودتای ۱۲۹۹ بر اندازی احمدشاه نبود بلکه کودتا به مشابه اولین کیش برای مات کردن آخرین شاه قاجار به شمار می‌رفت.

عمده ترین هدف کودتا عاری کردن احمد شاه از قدرت نظامی قزاق بود. برای عملی شدن این مقصود ضروری بود که ابتداء کلنل استاراسلسکی فرمانده نیروی قزاق خلع ید شود. که وی به وسیله ژنرال آبرونساید برکنار و امور بریگاد قزاق به سرهنگ اسمایس انگلیسی واگذار شد ژنرال آبرونساید و سرهنگ اسمایس به منظور عملی کردن کودتا رضاخان را شناسائی کرده بودند. هنوز مدت زمان زیادی از انتصاب سردار همایون نگذشته بود که سرهنگ اسمایس به توصیه ژنرال آبرونساید وی را به مرخصی روانه میدارد تا در غیاب او رضاخان به تحکیم موقعیت خود بپردازد و فرماندهی نیروی قزاق را بر عهده بگیرد.^۱

۷- در کتاب سردار سپه و فروپاشی دودمان قاجار از دریچه دیگر کودتای ۱۲۹۹ را می‌نویسد «هنوز روشن نیست که آیا عقب نشینی هنگ‌های قزاق از برابر نیروهای جنبش جنگل و گرد آمدن آن‌ها در قزوین به گونه‌ای شکست بود، یا پیش درآمدی آگاهانه از یک برنامه طرح‌ریزی شده برای کودتا؟ اما، به هر آیین، پس از چند دیدار آبرو نساید انگلیسی با رضاخان، هنگ‌های قزاق گرد آمده در قزوین را به صورت بازوی نظامی کودتای ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م در آورد. از آن جا که رویدادها زاینده شرایطاند، به بررسی شرایط رضاخان می‌پردازیم.

زندگی سخت گذشته‌اش، از رضاخان، سازشگری توانا و در همان حال، بسیار پر خاشگر، بار آورده بود. خوی او چنان بود که می‌بایست یا در سایه قدرت و یا در جایگاه قدرت به سربرد.

۱ - فرهاد رستمی - پهلویها به روایت اسناد جلد اول رضا شاه - موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران سال ۱۳۴۸ صفحه ۱۴ تا ۱۶.

او در مقام وزیر جنگ و با سرکوب خان‌ها و خاوندهایی که می‌کوشیدند سر به فرمان دولت مرکزی ننه‌ند، به بهره‌های دوگانه رسید:

از یک سو، سبب امنیت کشور شد. و از دگرسو، زمان آن می‌یافت که دوستداران خود را، به سراسر کشور، گسیل دهد و در سمت‌های بالا بگمارد. فقر و ستم و آشوب گریبانگیر آن روزگار ایران نیز بود و مردم بدنبال فردی بودند که آنها را از این مصیبت به رهاوند در برابر او احمدشاه و گروهش بودند. احمدشاه از یک سو، پرونده ننگین دودمانش را با خود داشت: از دگرسو، او احمد شاه جوانی نخواست و ناز پرورده بود، نه مردی دلاور که به پیشواز خطر رود. این شهریار از حرکات و رفتار، رضاخان هراس داشت.

نیروهای مخالف، هم یگانگی نداشتند. میان نیروهای درون مجلس و برون آن شکاف پدید آمده بود تنها گروه مدرس-نیرومند ترین گروه در برابر سردار سپه بودند.

از جنبه سیاست خارجی، انگلستان برنده‌ی جنگ جهانی اول، در نبرد تزارها، ابتدا بفکر به زیر سلطه درآوردن ایران بود. ولی با پیدایی یک کشور سوسیالیستی در شمال ایران و بالاسر هندوستان، برنامه ریزی تازه‌ای- در وزارت امور خارجه انگلیس را فرا می‌طلبید. کشف دریاهای زیر زمینی نفت در خوزستان در سال ۱۹۱۳ میلادی سبب شد دولتمردان لندن به دنبال فردی باشند که در اداره کشور نقطه مشترکی داشته باشد و آن نقطه مشترک را در سردار سپه دیدند.

اما بعدها همین نکته مایه‌ی دشمنی آنها گشت. احمد شاه در ۱۱ آبان ۱۳۰۲ برای سومین بار، رهسپار اروپا گردید و سردار سپه او را تا قصر شیرین، همراهی کرد. این سفر بازگشت نداشت»^۱

^۱ - دکتر غلامرضا وطن دوست - حمد الله آصفی، سردار سپه و فروپاشی دودمان قاجار - انتشارات نوید شیراز سال ۱۳۸۳ صفحه ۱۴۸-۱۵۳.

فصل ششم

سر آغاز سلطنت پهلوی

بخش یکم - تشکیل ارتش نوین

چگونگی تشکیل ارتش نوین

قبل از بحث در مورد ساختار ارتش نوین لازم است به اجمال ماهیت ارتش نوین را چنان که در اوایل دهه ۱۳۰۰ پایه‌ریزی شد، بررسی کنیم.

در اسفندماه ۱۲۹۹ رضاخان با پشتگرمی ژاندارمری دولتی، در رأس دو هزار قزاق به تهران لشکر کشید و حکومتی جدید به رهبری یک غیر نظامی، سید ضیاءالدین طباطبایی بنیاد نهاد در حالی که برای خود عنوان سردار سپه را انتخاب کرده بود و پس از اندک زمانی مقام وزیر جنگ را پذیرفت. او بی درنگ انجام طرحی را آغاز کرد که شامل تشکیل یک ارتش نوین بود تا در سایه این قدرت نظامی بتواند پله‌های ترقی را هر چه سریع‌تر طی نماید. این ارتش از نیروهایی که انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول را گذرانده بودند تشکیل شد و مهم‌ترین عناصر آنرا دیویزیون قزاق و ژاندارمری دولتی تشکیل می‌داد. از همان ابتدا هزینه‌های نظامی بالا بود و بیشترین رقم در بودجه ملی را به خود اختصاص می‌داد در تمام سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ سهم بودجه وزارت جنگ در برخی موارد حدود ۹ میلیون تومان در سال و تقریباً ۴۰٪ درآمد تقریبی کشور را در بر می‌گرفت. به علاوه، باید توجه داشت که این رقم رسمی بود و مخارج واقعی قطعاً به طور قابل ملاحظه‌ای از این حد فراتر می‌رفت، در آغاز ارتش به سرعت توسعه یافت و از بیست هزار نفر در سال ۱۳۰۰ به تعدادی بالاتر از چهل هزار تن در پایان سال ۱۳۰۱ رسید.

در این دوره پیش از شروع ثبت نام و سربازگیری جدید در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۶ نحوه سربازگیری به چند صورت بود: ثبت نام داوطلبانه - مشارکت همیشگی عشایر کوچک و اتکای دائمی به سیستم بنیچه که تمهیدی از قرن نوزدهم بود و براساس آن نواحی مختلف به تعداد اعلام شده سرباز معرفی می‌کردند.

افسران عالی‌رتبه و جزء عمدتاً از همان بریگاد قدیمی قزاق و ژاندارمری بودند، ضمن آن که به تدریج مدرسه نظام در تهران به سرپرستی محمد نجوان نسل تازه‌ای از افسران جزء را تربیت کرد و از سال ۱۳۰۲ به بعد گروه‌های برگزیده‌ای از افسران جوان در دانشگاه سن سیر فرانسه تربیت شدند.^۱

قوای نظامی ایران در سال ۱۳۰۰ شمسی

دیویزیون قزاق ۱۸۷۹ م ۱۲۵۸ ش

وضع دیویزیون قزاق پس از جنگ جهانی اول بسیار نامطلوب گردید زیرا پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه قدرت فرماندهان روسی به تدریج کم شده بود و سازمان آتریادهای نه‌گانه قزاق که هر کدام از یک فوج پیاده و یک فوج سوار و یک آتشبار کوهستانی تشکیل می‌شدند، هیچ‌کدام سازمانشان تکمیل نبود. تجهیزات نفرات نیز همیشه کهنه و مندرس بود و قزاقخانه آن زمان از نظر افسران ارشد و امرا اشباع شده بود. عده‌ای قریب پنجاه سردار امیرتومان، میرپنج و سرتیپ در قزاقخانه بودند که هیچ‌کدام شغل حساسی نداشتند. عده خیلی از افسران ارشد ایرانی مدرسه نظام عثمانی را طی کرده و مدتی در ارتش عثمانی آموزش دیده بودند. چند نفری هم مدرسه نظام پترزبورگ روسیه را گذرانیده و یا در یکی از دانشکده‌های نظامی اروپا مانند فرانسه یا اتریش تعلیمات نظامی فراگرفته بودند. در دیویزیون قزاق مجموعاً ۵۶ افسر روسی، ۶۶ درجه‌دار روسی، ۲۰۲ افسر ایرانی وجود داشت.

بریگاد مرکزی^۲ ۱۲۹۵ ش ۱۹۱۶م

در اواسط جنگ بین‌المللی اول که امنیت شهرها مخصوصاً پایتخت به هم ریخت احمدشاه برای حفظ خود و دربارش دستور تشکیل یک سازمان نظامی به نام "بریگاد مرکزی" را صادر نمود. فرمانده این واحد نظامی کلنل لیندبرگ سوئدی و معاون وی کلنل لهستانی بود و ۱۲۶ افسر ایرانی، ۲۱۴۲ نفر سرباز و درجه‌دار بابودجه‌ای معادل ۲۵۰ هزار تومان

۱ - استفانی کرونین - کتاب مخالفت با رضا خان در ارتش ترجمه افسانه منفرد در مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی ۹۲ - ۹۱ صفحه ۶۶.

۲ - سرتیپ میر حسین یکرنگیان - کتاب گلگون کفنان جلد دوم صفحه ۲۲۰-۲۲۱.

سرآغاز سلطنت پهلوی / ۱۳۹

(سالیانه) استخدام شدند این نیرو جدا از واحدهای قزاق و ژاندارم بود که در تهران تشکیل شده بود.

ترکیبات بریگاد مرکزی به شرح زیر بود:
ستاد.

یک هنگ پیاده سه گردانی.
یک هنگ سوار از پنج اسواران.
یک هنگ توپخانه از پنج آتشبار.
یک آموزشگاه گروهبانی.

ژاندارمری ۱۲۹۱ش ۱۹۱۲م

در پایان سال ۱۲۹۹ مجموع نفرات و افسران ژاندارمری در حدود ۱۱ هزار نفر بود که آمار تفکیکی آن به شرح زیر بود:

افسر سوئدی ۳ نفر
افسر ایرانی ۳۱۹ نفر
پزشک ۳۱ نفر
مباشر ۲۴ نفر
افسریار ۳۳۹ نفر
درجه دار ۱۱۲۴ نفر
سرجوخه ۴۶۱ نفر
ژاندارم ۸۷۶۲ نفر
غیرنظامی ۳۸۰ نفر
جمع کل افسر و افراد ۱۱۴۴۳ نفر

واحدهای نظامی ژاندارمری به طریق زیر در تهران و سایر شهرها مستقر بودند

هنگ شماره یک تهران مستقر در یوسف آباد به فرماندهی نایب سرهنگ عزیزالله ضرغامی.

هنگ شماره دو تهران مستقر در باغشاه به فرماندهی سرگرد عبدالعلی اعتماد مقدم.

هنگ خراسان مستقر در مشهد به فرماندهی نایب سرهنگ محمدتقی پسیان این هنگ کامل‌ترین واحد ژاندارمری بود.

هنگ اصفهان مستقر در شهر اصفهان به فرماندهی سرهنگ فضل‌الله میرسپاسی.

هنگ آذربایجان مستقر در تبریز به فرماندهی سرگرد حسن‌خان ملک‌زاده هیربد.

گردان مستقل قم به فرماندهی سرگرد درگاهی.

گردان مستقل اراک و ملایر به فرماندهی سرگرد مهدیقلی تاجبخش.

گردان مستقل سمنان به فرماندهی سرگرد فتحعلی توپچی.

گردان مستقل مازندران به فرماندهی سرگرد فرج‌الله آق‌اولی.

گردان مستقل استرآباد به فرماندهی سرگرد حبیب‌الله شیبانی.

گردان مستقل کردستان به فرماندهی سرگرد اکبر میرزا قهرمانی.

گردان مستقل کرمانشاه به فرماندهی سرگرد عبدالله خان شرابی.

گردان مستقل گیلان به فرماندهی سرهنگ فضلعلی خان.

اسلحه ژاندارم‌ها از سیستم‌های مختلف تشکیل شده بود. قسمت اعظم نیروی ژاندارمری

از تفنگ‌های انگلیسی استفاده می‌کردند، تعدادی هم تفنگ و موزر آلمانی داشتند. جمعاً ۹

توپ و ۱۵ تیربار در اختیار ژاندارمری بود.

پلیس جنوب (s-p-r) ۱۲۹۴ش-۱۹۱۶م-۱۳۰۰ش ۱۹۲۱م

ایجاد و تشکیل پلیس جنوب در ایران از پدیده‌های جنگ جهانی اول است که دولت

انگلستان برای حفظ منافع خود در جنوب ایران به این اقدام سیاسی و نظامی دست زد.

دلایل تشکیل پلیس جنوب به شرح ذیل می‌باشد

حفظ و حراست مال‌التجاره تجار انگلیسی و هندی از دستبرد و غارت دزدان محلی.

ایجاد امنیت در آن منطقه زیرا دولت مرکزی قادر به تأمین آن نبود.

جلوگیری از نفوذ روسیه و حفظ منافع انگلستان در هندوستان و بین‌النهرین و تشکیل

قوایی مثل قزاق‌ها در جنوب.

^۱ - دکتر باقری عاقلی - کتاب رضا شاه و قشون متحدالشکل نشر نامک صفحات ۱۰۲ الی ۱۰۵.

مبارزه باستون پنجم آلمانی‌ها در جنوب.

در دست گرفتن بخش عظیمی از نقاط جنوبی ایران به‌منظور تحت سلطه در آوردن این قسمت از خاک ایران.

ژنرال سرپرسی ساکس در سال ۱۹۱۶ مأمور تشکیل پلیس منطقه جنوب ایران شد و در همان سال با هیأتی شامل سه افسر انگلیسی و سه افسر هندی بیست درجه‌دار هندی و ۲۵ سواره از بخش مرکزی ارتش هند وارد بندرعباس شد و شروع به فعالیت نمود، ساکس سازمان دو تیپ مختلط را در شیراز و کرمان به شرح زیر پی‌ریزی کرد:

ترکیبات تیپ شیراز شامل:

سه گردان پیاده.

سه گردان سواره.

یک گروهان مسلسل.

یک واحد توپخانه دارای چهار توپ.

گروهان مهندسی - بهداشتی - دامپزشکی و انبار.

ترکیبات تیپ کرمان شامل:

دو گردان پیاده.

چهار گردان سوار.

ارکان پلیس جنوب.

علاوه بر دو تیپ نسبتاً مجهز شیراز و کرمان در یزد، سیرجان، بوشهر، بندرعباس و برازجان نیز پادگان‌هایی تشکیل شده بود.

سازمان پلیس جنوب پنج تا شش هزار نفر نیرو داشت. افسران انگلیسی شامل یک ژنرال، سه سرهنگ دوم، ده سرگرد، سه سروان و چهار ستوان مجموعاً ۵۱ نفر می‌شدند. افسران ایرانی دویست نفر بودند که قسمت اعظم آنها افسران ژاندارمری بودند که مستعفی شده بودند علاوه بر افسران مذکور ۲۵۶ درجه‌دار انگلیسی و هندی نیز انجام وظیفه می‌کردند. رضاخان در اوایل سال ۱۳۰۰ با تشکیل قشون متحدالشکل با حضور افسران انگلیسی مخالفت کرد و بالاخره در دسامبر ۱۹۲۱ افسران انگلیسی و هندی ایران را ترک کردند، ایران مایل بود تجهیزات پلیس جنوب را

خریداری کند ولی انگلیسی‌ها از فروش آن به ایران خودداری کردند و فقط ۷۰۰ تفنگ و ۲۰۰ جعبه فشنگ و ۴۵ رأس اسب به ایران واگذار نمودند و عمر پنجساله پلیس جنوب خاتمه یافت.

۵- پلیس چریک خاور^۱ ۱۲۹۴ش تا ۱۹۱۶م

علاوه بر نیروهای دولتی، انگلستان در جنگ جهانی اول به منظور کمک به ارتش نیروهای در خاور ایران تشکیل داد که شامل ۸۸ افسر و ۲۲۸۰ نفر درجه‌دار و سرباز، همچنین ۸۴۰ رأس اسب و ۱۰۵۰ نفر شتر بود این نیروها به دو قسمت تقسیم می‌شدند: قوای چریک خراسان: دارای ۵ افسر انگلیسی، ۱۲ افسر ایرانی، ۵۸۰ درجه‌دار و سرباز ایرانی و ۱۴۰ رأس اسب بود. نیروهای چریک خراسان دارای یک دسته سوار و یک گروهان پیاده در تربت حیدریه و مشابه آن در خواف بودند و بقیه در پاسگاه‌های متعدد بین بیرجند و مشهد تقسیم شده بودند.

قسمت سیستان: دارای ۱۳ افسر انگلیسی ۵۸ افسر ایرانی، ۱۸۰۰ درجه‌دار و سرباز ایرانی و ۷۰۰ رأس اسب و ۱۰۵۰ نفر شتر بود این نیروها در قائنات، سیستان و ملک سیاه کوه مستقر شده مراقبت از راه‌ها را به عمل می‌آوردند این سازمان در سال ۱۳۰۰ تبدیل به یکی از تیپ‌های خراسان گردید.

^۱ - سرتیپ میرحسین یکرنگیان - کتاب گلگون کفنان جلد دوم صفحه ۲۲۵ - ۲۲۷.

بخش دوم - تحولات ارتش ایران برای تشکیل هسته مرکزی ارتش

پس از فتح تهران پنج نیروی مستقل نظامی (ژاندارمری، قزاق، واحدهای مختلف و بریگاد مرکزی) ادغام گردیدند و هسته مرکزی ارتش را تشکیل دادند. در این زمان مجموع نیروهای ایران ۲۸۰۰۰ نفر به شرح زیر بود:^۱

- دیویزیون قزاق ۷۰۰۰ نفر
- ژاندارمری دولتی ۱۲۰۰۰ نفر
- بریگاد مرکزی ۱۸۰۰ نفر
- پلیس جنوب ۵۰۰۰ نفر
- پلیس چریک شرق ۲۲۰۰ نفر

واحدهای یاد شده بالا هسته اصلی ارتش نوین را تشکیل دادند، در آغاز به موجب حکم عمومی شماره ۱ مورخه ۱۴ جدی ۱۳۰۰ از پنج لشکر و یک ارکان حرب و یک هیأت شورای قشونی در ارکان حرب کل قشون که خود از پنج دایره ترکیب می شد تشکیل یافت و طرح کلی متضمن شالوده این تشکیلات که نخستین سازمان منظم و پایدار ارتش ایران بود فراهم شد.

به دلیل اهمیت حکم شماره ۱ متن کامل آن به شرح ذیل نقل می گردد
اجرای مواد ذیل را امر می دهم و باید فوراً به موقع اجرا گذارده شود

۱- در تعقیب عقاید و نظریات سابق از این تاریخ کلمه ژاندارم و قزاق مطلقاً ملغی و متروک خواهد بود و برای افراد نظام دولت علیه ایران بلااستثناء عنوان قشون را انتخاب و تصویب نموده و امر می دهم که عنوان مزبور را به رسمیت شناخته مارک نوشتجات و مراسلات دوایر قشونی به عنوان فوق تبدیل شود.

۲- چون تشکیل ارکان حرب کل قشون در درجه اول اهمیت است لهذا به شاهزاده امان... میرزا^۲ سرتیپ فرمانده توپخانه که مراتب لیاقت خود را در انجام وظایف مرجوعه کاملاً ابراز

^۱ - سرتیپ علیقلی بیگلرپور - استاد سعید نفیسی - سرهنگ جهانگیر قائم مقامی کتاب تاریخ ارتش نوین ایران جلد یکم صفحه ۵۷ الی ۶۰.

^۲ - سپهبد امان... جهانبانی .

داشته اجازه می‌دهم که فوراً ارکان حرب کل قشون را از عناصر لایقی که قادر به فیصله امور باشند تشکیل داده و به‌من معرفی نمایند.

۳- ریاست ارکان حرب کل قشون باشاهزاده امان ... میرزا سرتیپ و معاونت آن با سرهنگ حبیب‌ا... خان شیبانی خواهد بود.

۴- نظر به این که رؤس قشونی باحضور صاحب‌منصبان معین باید فوراً مورد مطالعه و مشاوره واقع گردد به‌سردار مقتدر حکم می‌کنم که صاحب منصبان ذیل را در تحت ریاست خود به‌رسمیت شناخته و وظایف مراجعه به‌این امر را مجموعاً ایفاء نمایند .

(به نام هیأت شورای قشونی)

- مدحت‌الممالک سردار

- حاجی میرزا محمد خان

- معاون نظام

- شاهزاده ناصرالدوله فیروز

- محمد تقی خان امیر پنجه

- سرهنگ حصن الدوله

- شاهزاده محمد حسین میرزا

- سرهنگ ولیخان

- سرهنگ عزیزا.. خان ضرغامی

- سرهنگ سالار نظام

- نایب سرهنگ میرزا علی خان ریاضی

۵- تبدیل اسامی و لغات ذیل را به‌موجب این حکم به‌تمام دوایر قشونی امر می‌دهم و باید فوراً مورد تلفظ و اطلاق قرار گیرند:

اسم عمومی قشون

اسم سرباز نظامی

به جای دیویزیون لشکر

به جای بریگاد تیپ

به جای رژیمان	فوج
به جای باطالیون	گردان
به جای باتری	آتشبار
به جای اسکادران	بهادران
به جای مترالیوز	مسلسل
به جای آتامازور	ارکان حرب

۶- در این موقع که به حفظ تمرکزی قشون امر داده شده برای حفظ انتظامات قطعی داخلی، نواحی ایران را به پنج ناحیه تقسیم و به جهت هر ناحیه یک لشکر تخصیص می دهیم که مراکز آنها عبارت از تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، همدان خواهد بود و چون برای هر یک از مراکز نیز ارکان حرب جداگانه را امر به تشکیل داده‌ام لهذا شعبات جزو نواحی تمام مطالب خود را باید به ارکان حرب ناحیه خود اظهار و در مقام کسب تکلیف برآیند، مجموع ارکان حربهای جزو ناحیه به ارکان حرب کل قشون مراجعه خواهند نمود.

۷- ارکان حرب کل قشون باید فوراً وارد تشکیلات ارکان حربهای مراکز قشونی شده و نتیجه اقدامات خود را به من راپورت بدهند.

۸- مدلول اوامر فوق از امروز بلافاصله مجری خواهد بود.

تشکیلات اداره ارکان حرب کل قشون منبهد به طرق ذیل خواهد بود

دایره اوّل: آجودانی کل قشون که ریاست آن در عهده نایب سرهنگ علیخان ریاضی خواهد بود.

دایره دوّم: عملیات قشونی که ریاست آن با سرهنگ محمد حسین میرزا فیروز است.

دایره سوّم: مباشرت قشونی که رئیس آن سردار منتخب است.

دایره چهارم: صحّیه قشون که رئیس آن نایب سرهنگ امیراعلم است.

دایره پنجم: بیطاری قشون که رئیس آن سرهنگ مشیراعلم است^۱ رؤسای فوق مطابق دستورات علیحده که داده شده است شعبات خود را به‌فوریّت تشکیل خواهند داد. سرهنگ عزیزا..خان^۲ به‌ریاست کل مدارس قشون منصوب و به‌فوریّت کلیه مدارس نظامی را متّحدالشکل و در عمارت مسعودیه برقرار داشته نظریات خود را راجع به تشکیلات جدید مدرسه راپورت خواهند نمود. طهران مورخه ۱۴ جدی ۱۳۰۰.

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون سردار سپه

پس از صدور حکم عمومی شماره یک سازمان وزارت جنگ و ارکان حرب کل قشون از قسمت‌های زیر تشکیل گردید:

وزارت جنگ:

- کابینه وزارتی که مخصوص وزیر بود.

- شورای عالی وزارت جنگ که ریاست آن باشخص وزیر جنگ بود و در غیاب وزیر، اداره شورا به‌عهده نایب شورا محوّل می‌شد. این شورا بر حسب دستور وزیر تشکیل جلسه می‌داد و در ارتباط بایست و توسعه سازمان وزارت جنگ و مخصوصاً انتخاب مراکز حسّاس برای استقرار نیروهای انتظامی در نقاط مختلف کشور و تنظیم لوایح قانونی و تدوین آئین‌نامه‌ها و دستورهای مربوط به‌آموزش و پرورش عمومی و غیره مذاکره و بررسی می‌نمود و همچنین پیشنهادهایی که از قسمت های مختلف و ادارات نظام به‌مقام وزیر می‌رسید مورد بررسی قرار می‌داد و نتیجه آن پس از تصویب وزیر جنگ به‌وسیله فرمان عمومی ارتشی به‌قسمت‌های مربوط ابلاغ می‌گردید. عمر این شورا تا خردادماه ۱۳۰۵ دوام داشت و پس از چهار سال منحل گردید.

ارکان حرب کل قشون

مرکب از پنج دایره و هر دایره دارای شعب مختلفی بود که وظایف مخصوصی را به‌شرح زیر برعهده داشتند:

۱ - سرتیپ علیقی بیگلرپور - استاد سعید نفیسی - سرهنگ جهانگیر قائم مقامی - تاریخ ارتش نوین، ایران جلد یکم صفحه ۶۰ - مشیراعلم - دکتر شیخ می‌باشد.

۲ - کتاب تاریخ ارتش نوین: سرهنگ عزیزا.. خان سرلشکر عزیزا.. ضرغامی است که تارباست ستاد ارتش ارتقاء یافت.

دایره اول - دایره تنظیمات

- دایره تنظیمات کل که کمی بعد، آجودانی کل نامیده شد، شامل پنج شعبه بوده است
- شعبه سجلات (کارگزینی) که وظایف آن بایگانی امور شخصی افسران، تعیین شغل، پاداش، حقوق، ترفیع، تقاعد، مستمریات، استخدام و تعهد خدمات بود.
 - جدیدگیری (سربازگیری) وظایف آن جمع‌آوری افراد و رساندن آنها به مراکز تعلیماتی بود و پس از تصویب قانون خدمت نظام وظیفه، کارگزینی افراد تحت‌السلاح (موجود) و امور مربوط به آنها در این شعبه بایگانی ضبط می‌شد.
 - شعبه محاکمات نظامی
 - وظایف آن بدین شرح تعیین شده تدوین قوانین محاکمات جزایی و نظامی ارتش ایران، تعیین وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های رؤسای واحدهای مختلف ارتش و تشکیل کمیسیون‌ها برای حل و فصل مناقشات اداری.
 - شعبه تشکیلات و تکمیلات
 - وظایف این شعبه: تهیه و تنظیم دستور تعلیمات، صدور دستور برای رفع نواقص، تأمین نیازهای صنوف مختلف از حیث افراد و افسر.
 - دفتر هواپیمایی

دایره دوم، دایره عملیات کل قشون^۱

- شعبه تنسیقات
- وظایف آن از این قرار بود: تعیین ترکیبات قوای حاضرالسلاح و نیروی ذخیره و احتیاط و صنف معاونه در زمان صلح و جنگ، تعیین کلیه مهمات و ملزوماتی که قوای اعزامی باید در سفر همراه داشته باشند، تعیین خط سیر قوای اعزامی و دستور حرکت آنها، صدور تعلیمات لازم در جمع‌آوری افراد قشون برای دفع آشوب و بلوآهایی که از طرف اولیای امور کشور از قشون استمداد می‌شود، تعیین مکان و تغییر ساختارهای قشون در نواحی لشکرها، طراحای نقشه عملیات جنگی، کسب اطلاعات لازم در مورد وسایل ارتباطی داخله کشور و صدور

۱ - کتاب تاریخ ارتش نوین، صفحات ۶۱ - ۶۲.

دستور راجع به امنیت طرق و شوارع و تقسیمات نیروی ژاندارمری، پیشنهاد تمرکز قوا و عملیات جنگی، صدور دستورهای راجع به تشریفات و سانها و سلامهای رسمی و تعیین میزان قوایی که باید در این مراسم حاضر کنند، مطالعه مناطقی که ممکن است عملیات در آن واقع شود، جمع‌آوری اطلاعات راجع به منابع ثروت نواحی لشکرها، طرح مانورها (عملیات جنگی) و تیراندازی در موقع صلح، صدور فرمانهای قشونی.

- شعبه استخبارات

وظایف آن عبارت بود از: کسب اطلاع از قدرت نظامی کشورهای خارجی، جمع‌آوری اطلاعات در باره اکتشافات جدید نظامی، کسب اطلاع از داخله و عشایر و ایلات کشور، تبلیغات، بایگانی نقشه‌ها و اسناد مختلف.

- شعبه نقشه‌برداری

وظایف آن تهیه و تنظیم نقشه‌های جامعی از همه ایالات ایران و تهیه نقشه‌های کشورهای همجوار بود.

- شعبه تربیت

که وظایف آن تهیه و تنظیم برنامه تعلیمات، صدور دستور به مدارس نظام و تعلیم افسران جزء و تهیه برنامه مجالس درس و سخنرانی‌ها در قسمت‌های قشون، چاپ و انتشار روزنامه و مجلات نظامی تأسیس مجامع و شرکت‌های ورزشی و مسابقات نظامی، دستور طرح مسائل و عملیات جنگی و تیراندازی و مسافرت‌های فنی و نظامی از نظر سوق الجیشی بوده است.

دایره سوّم نقلیه و مباشرت کل قشون "سررشته‌داری"

شعبه تدارکات

که وظایف آن تهیه و تأمین احتیاجات قشون از حیث ساز و برگ و لباس و چادر و اسلحه و مهمات و آذوقه و علیق. این شعبه دارای دو انبار، انبار ذخیره و انبار لوازم بوده است.

- انبار ذخیره از دو قسمت تشکیل می‌شده است:

انبار مهمات محتوی اسلحه و باروت و فشنگ و غیره

انبار سازو برگ محتوی ملزومات اردویی مانند چادر، زین و برگ و بیل و کلنگ.

- انبار لوازم : محتوی اجناسی بوده که به مصرف روزانه می‌رسیده است مانند جیره و علیق و سوخت و وسایل روشنایی.

شعبه نقلیه و وظایف آن

در هر لشکر عده‌ای دواب و وسایل نقلیه مانند گاری، دوچرخه و اتومبیل برای حمل و نقل ملزومات و مهمات و کلبه محمولات نظامی نگاهداشته می‌شد. مباشرت کل این وسایل را در اختیار رئیس شعبه می‌گذاشت لیکن چون این وسایل کاملاً مهیا نبود و از طرفی برای دولت گران تمام می‌شد حمل و نقل بعضی محمولات به وسیله چاپارخانه (پست دولتی) و چارودار و غیره انجام می‌گرفت.

شعبه خدمات فنی : وظایف آن تهیه و تنظیم نقشه‌های ساختمان‌های نظامی، خدمات تلفنی و تلگرافی و خدمات دیگر مربوط به مخابرات ارتش بوده است.

شعبه دواب و بیطاری : وظیفه آن مواظبت از مراتع و قرق‌های قشونی، اداره ایلخی‌های دولتی و مراقبت در اصلاح نژاد و تزئید اسب در مملکت بوده است.

شعبه کارخانجات نظامی : وظایف آن نگاهداری و اداره امور مؤسسات قورخانه بوده است. محاسبات نقدی و جنسی:

وظایف آن نگاهداری محاسبات نقدی و جنسی ارتش، تهیه و تحویل اشیاء و اجناس به انبار، تدارکات قسمت‌ها و نگاهداری محاسبات نقدی و جنسی آنها بوده است. (۷) در تاریخ ۱۳۰۲ نیز شعبه‌ای بنام شعبه ارزاق تأسیس و ضمیمه مباشرت گردید.

دایره چهارم : صحیه کل قشون (بهداری)

این دایره موظف بود از بهداشت عمومی قشون در زمان صلح و جنگ مراقبت کند و تأسیس بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و تهیه و تربیت پزشکان نظامی و تشکیل مؤسسات دارویی به عهده آن بود.

دایره پنجم بیطاری (دامپزشکی)

خرید دواب و مواظبت از مراتع و مراقبت در اصلاح نژاد و تزئید دواب و بازرسی و معاینه آنها از وظایف این دایره بود. در فصل‌های بعد تغییرات و تحولات نیروهای سه‌گانه قشون متحدالشکل (نیروهای زمینی، هوایی و دریایی) را به طور جداگانه و مستقل مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

بخش سوم - زیر بنای نیروی زمینی از سال ۱۳۰۰ شمسی به بعد^۱

در همان زمان که وزارت جنگ تشکیل شد یعنی در سال ۱۳۰۰ سازمان پنج لشکر نیز برای تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و همدان که در ماده ۶ حکم شماره ۱ پیش‌بینی شده بود به شرح زیر تشکیل گردید:

۱- لشکر مرکز به فرماندهی سردار سپه رضاخان وزیر جنگ شامل

- تیپ گارد پیاده به فرماندهی سرتیپ مرتضی خان یزدان پناه.
- تیپ تیرانداز عراق به فرماندهی سرتیپ جان محمدخان.
- تیپ سوار به فرماندهی امیر تومان عبدالله خان امیرطهماسب.
- تیپ توپخانه به فرماندهی سرهنگ ابوالقاسم خان.
- قسمت مستقل گیلان و تنکابن به فرماندهی سرهنگ جعفرقلی.
- ضمناً فرماندهان مستقل گیلان و مازندران اختیارات فرماندهان فوج را خواهند داشت.

مناطق استقرار لشکر مرکزی عبارت بود از تهران، قزوین، گیلان، مازندران، قم، سمنان و دامغان مرکز و ارکان حرب لشکر مرکز نیز در شهر تهران بود.

سازمان این لشکر شامل ۸۹۶ نفر افسر و درجه دار، ۱۳۳۶۳ سرباز و ۳۹۹۶ رأس دواب بود. ضمناً اکثر عواملی که در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در عملیات فتح تهران شرکت داشتند، از این لشکر بودند. لشکر مرکز را باید در حقیقت یک لشکر آموزشی، دانست زیرا این لشکر کار اصلیش آموزش نظامی به سربازان جدید برای لشکرهای دیگر بود.

و به دلیل بالا بودن آمادگی رزمی، در تمام جنگ‌های داخلی در مناطق فارس، کردستان، آذربایجان و لرستان از یگان‌های این لشکر استفاده می‌شد.

۲- لشکر شمال غرب

به فرماندهی سرتیپ اسماعیل آقا (سرلشکر فضلی) که رئیس ستاد آن سرهنگ محمد حسین فیروز بود.

^۱ - سرتیپ علیقلی بیگلرپور، استاد سعید نفیسی، سرهنگ جهانگیر قائم مقامی، تاریخ ارتش نوین ایران جلد یکم صفحه ۶۵ الی ۶۸.

منطقه این لشکر عبارت بود از آذربایجان، ماکو، آستارا، اردبیل، ساوجبلاغ و ولایت خمسه. سازمان این لشکر شامل ۲۱۱ نفر افسر و درجه دار ۳۷۹۹ سرباز و تعداد ۱۰۴۵ رأس دواب بود. عناصر تشکیل دهنده این لشکر، تیپ مختلط قزاق تبریز، تیپ قزاق اردبیل، هنگ ژاندارمری تبریز و گردان ژاندارمری زنجان بودند.

۳- لشکر شرق

مرکز لشکر شهر مشهد بود و فرماندهی آن به عهده امیرپنجه حسین آقا (خزاعی) بود و رئیس ستاد لشکر نایب سرهنگ محمد حسین میرزا جهانبانی بود. منطقه این لشکر عبارت بود از خراسان، گرگان، قائنات، سیستان، بجنورد، قوچان، شاهرود و بسطام، سازمان این لشکر شامل ۱۳۷ نفر افسر و درجه دار ۳۳۷۷ سرباز و تعداد ۱۱۱۹ رأس دواب بود. عناصر تشکیل دهنده این لشکر از تیپ قزاق خراسان و هنگ ژاندارمری گرگان، هنگ ژاندارمری قائنات، هنگ سرباز سده و قسمت توپخانه سیستان بودند.

۴- لشکر جنوب

مرکز آن اصفهان و فرمانده آن امیر پنجه محمودخان آیرم بود، رئیس ستاد لشکر نایب سرهنگ حیدرقلی پسیان بود. منطقه این لشکر عبارت از اصفهان، فارس، کرمان، بلوچستان، خوزستان، بنادر جنوب، یزد و کاشان بودند. سازمان این لشکر شامل ۱۸۸ نفر افسر و درجه دار، ۲۷۲۱ سرباز و تعداد ۶۵۱ رأس دواب بود. عناصر تشکیل دهنده این لشکر تیپ قزاق اصفهان و هنگ ژاندارمری اصفهان و گردان مستقل ژاندارمری کاشان بودند.

۵- لشکر غرب

مرکز آن در همدان به فرماندهی احمد آقا خان امیراحمدی بود رئیس ستاد لشکر نایب سرهنگ فرج الله خان آق اولی بود. منطقه این لشکر عبارت از کردستان، همدان، عراق، ولایت ثلاث، بروجرد و لرستان بودند. سازمان این لشکر شامل ۵۵۱ نفر افسر و درجه دار ۴۰۶۵ سرباز و تعداد ۱۱۵۱ رأس اسب بود. عناصر تشکیل دهنده این لشکر تیپ قزاق همدان، تیپ قزاق بروجرد، هنگ ژاندارمری کردستان، هنگ ژاندارمری کرمانشاه، هنگ ژاندارمری عراق و هنگ بروجرد بودند.

لشکر غرب بعد از لشکر مرکز از قوی‌ترین لشکرها بود به خصوص که قسمت اعظم آنرا هنگ‌های ژاندارمری تشکیل می‌داد.

تغییرات نیروی زمینی از سال ۱۳۰۵ به بعد^۱

از لحاظ یگان‌های رزمی براساس همان سازمان پنج لشکری بود که در شهرهای تبریز، اصفهان، مشهد، همدان و تهران استقرار داشتند و هر لشکر دارای یک منطقه استحقاقی بود که اغلب شهرهای اطراف آنرا هم شامل می‌شد. در سال ۱۳۰۵ پس از یک سلسله بررسی‌ها و مطالعات در زمینه‌های گوناگون به این نتیجه رسیدند که تجدید نظر در سازمان کل قشون و همچنین لشکرهای آن زمان ضروری است. به همین سبب در سازمان قرارگاه‌ها و ادارات نظامی تغییراتی داده شد که به طور مختصر به شرح زیر بوده است:

- اداره دادرسی و کلّ دعاوی (دادرسی نیروهای مسلّح)
- اداره نظام اجباری (وظیفه عمومی)
- اداره مالیّه و مباشرت (دارایی ارتش)
- اداره نقلیه (ترابری)
- اداره هواپیمایی (مبنای اولیه تشکیل نیروی هوایی)
- اداره قورخانه (سازمان صنایع نظامی)
- اداره تلگراف بیسیم (اداره مخابرات)
- اداره صحّیه کل قشون (اداره بهداشت)
- اداره امور دواب (دامپزشکی)

ارکان حرب (ستاد ارتش) مشتمل بر ۴ رکن و یک دفتر کل و امور اداری که وظایف هر رکن تقریباً مشابه وظایف امروزی ارکان بود، به موازات تغییراتی که در سازمان‌های ادارات و ارکان ستاد ارتش به وجود آمد لشکرها نیز به مناسبت وضع و موقع خود دچار تحولات و تغییراتی شدند که به طور خلاصه ذکر می‌شود:

- لشکر شمال غرب (تبریز): این لشکر از دو تیپ در تبریز و ارومیه تشکیل شده بود و قسمت‌های مستقلی نیز از این لشکر در اردبیل سلماس و ماکو مستقر گردیدند.

^۱ - سپهبد کاظمی، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ارتش، صفحه ۱۴۹ الی ۱۵۲.

سرآغاز سلطنت پهلوی ۱۵۳/

- لشکر غرب (همدان): این لشکر از دو تیپ مختلط مستقل در لرستان و کردستان تشکیل می‌شد که تیپ اول آن مرکب بود از یک هنگ مختلط در خرم آباد به اضافه یک گردان سوار و یک گردان مختلط در بروجرد و تیپ دوم آن شامل یک هنگ مختلط در سنندج و دو گردان مختلط در سقز و دزفول و یک هنگ مختلط نیز در کرمانشاه.

پس از سال ۱۳۰۶ در سازمان لشکرهای مرکز، شرق و جنوب و شمال نیز تجدید نظر به عمل آمد که نتایج آن به شرح زیر بود:

سازمان لشکر مرکز در این سال منحل شد و هر یک از تیپ‌های تابع آن به ترتیب زیر به صورت تیپ مستقل درآمد

- تیپ ۱ گارد سوار و یگان‌های آموزشگاه گروهبانی و اسکورت ارامنه

- تیپ گارد پیاده و یگان‌های مهندس و زره‌پوش و یک دسته تانک

- تیپ ۲ گارد پیاده و یک آموزشگاه گروهبانی پیاده

- تیپ توپخانه و یک آموزشگاه گروهبانی توپخانه

لشکر شرق

- تیپ مختلط مشهد شامل سه هنگ پیاده، سوار و توپخانه

- هنگ مختلط سیستان شامل یک گردان پیاده، یک گردان جماز سوار و یک آتشبار توپخانه

لشکر جنوب

- یک تیپ مختلط در فارس

- هنگ مختلط در خوزستان (که در همان سال به تیپ مختلط خوزستان تبدیل شد).

- یک هنگ مختلط در کرمان (که در همان سال به تیپ مختلط کرمان تبدیل شد).

- پنج گردان مختلط به ترتیب در اصفهان، یزد، بهبهان، بوشهر و بندرعباس که

گردان‌های اصفهان و یزد اندکی بعد ادغام و هنگ مختلط اصفهان را تشکیل دادند.

پیش از سال ۱۳۰۵ از لشکر مرکز یگان‌هایی در گیلان و تنکابن و مازندران استقرار داشتند در سال ۱۳۰۶ تجدید نظری در سازمان یگان‌های شمال انجام شد که نتیجه آن به شرح زیر بود:

- یک هنگ مختلط در گیلان

- یک هنگ مختلط در پهلوی دژ (آق قلا)

- یک هنگ مختلط در گرگان

هر سه هنگ مزبور جمعاً تیپی را تشکیل دادند به نام تیپ مختلط مستقل شمال. هم زمان با تشکیل تیپ مستقل شمال، هنگ‌های مستقر در کرمان و خوزستان نیز هر یک به تیپ مستقل تبدیل شدند، نظر به این که وسایل ارتباطی جهت اداره یگان‌ها در آن زمان توسعه و تکامل نیافته و اشکالاتی را در زمینه نظارت و هدایت یگان‌ها به وجود آورده بود ناگزیر در مرداد ماه سال ۱۳۰۷ لشکر جنوب منحل شد و یگان‌های تابع آن هر کدام به شرح زیر استقلال یافته و مستقیماً به مرکز مربوط شدند.

- تیپ مختلط مستقل فارس

- تیپ مختلط مستقل کرمان

- تیپ مختلط مستقل خوزستان

- هنگ مختلط مستقل اصفهان

به موازات این تجدید سازمان که براساس حذف قرارگاه لشکر و صرفه‌جویی در کارکنان و تسهیل نظارت بر یگان‌ها به وسیله ستاد ارتش صورت گرفت در تیپ‌های مستقل مرکز نیز تغییراتی به شرح زیر داده شد:

- تیپ مستقل سوار مرکز مرکب از سه هنگ فاتح، حمله، پهلوی

- تیپ مستقل توپخانه مرکب از سه هنگ سوار، کوهستانی، پیاده

- تیپ یکم گارد پیاده مرکب از سه هنگ پهلوی، آهنین، بهادر و یک گردان مهندس

که بعدها توسعه یافته و به هنگ مهندس تبدیل شد

- تیپ ۲ گارد پیاده مرکب از هنگ نادری، رضاپور، هنگ ۷ و هنگ ۲۱ و یک گردان

مستقل پیاده در ساری

- تیپ مختلط مستقل گرگان که از ادغام دو هنگ مستقر در گرگان و پهلوی دژ

تشکیل یافت

لشکر شمال غرب

در سال ۱۳۰۹ تجدید نظر مختصری در سازمان لشکر شمال غرب به وجود آمد و این لشکر توسعه یافت و مجموعاً دارای سه تیپ گردید به نام تیپ ۱، تیپ ۲ و تیپ ۳ که ترکیبات و محل استقرار عناصر آن به شرح زیر تعیین شد:

- تیپ ۱ شامل یک هنگ پیاده (سپه‌بان) و یک هنگ سوار (نصرت) در تبریز.
- تیپ ۲ شامل یک هنگ پیاده (اخگر) و یک هنگ پیاده (باوند پور) و یک هنگ سوار (آذر) و دو گردان مختلط به نام گردان مستقل آتشین و گردان مختلط ماکو و ارومیه.
- تیپ ۳ شامل یک هنگ پیاده (قهرمان) یک هنگ سوار و دو گردان مختلط و یک دسته توپخانه در اردبیل.

هنگ مختلط سیستان که جزء ترکیبات لشکر شرق بود در سال ۱۳۰۹ از لشکر مزبور جدا و به نام تیپ مختلط مستقل سیستان سازمان یافت و در همین سال یگان‌های غرب و جنوب غربی از ترکیبات نیروهای عمده آن مناطق و به طور مستقل به شرح زیر سازمان داده شدند:

- هنگ مختلط کردستان (هنگ مختلط مظفر، گردان مستقل سقز).
- تیپ مختلط لرستان (هنگ مختلط گارد سپه، گردان مستقل بروجرد و گردان مستقل دزفول).
- تیپ مختلط خوزستان (هنگ مختلط ناصری، گردان مستقل بهبهان).

تغییرات نیروی زمینی از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۱ عبارت بودند از:

- در مرکز دو تیپ پیاده، دو تیپ توپخانه، چهار هنگ سوار.
- دو لشکر در آذربایجان.
- یک لشکر در خراسان.
- یک تیپ مختلط در لرستان که مرکز آن در خرم آباد بود.
- یک تیپ مختلط در شیراز.
- یک تیپ مختلط در کرمان.
- یک تیپ مختلط در بلوچستان که مرکز آن در خاش بود.
- یک تیپ مختلط در خوزستان که مرکز آن در اهواز بود.
- تیپ مختلط گرگان به هنگ مختلط مستقل گرگان تبدیل شد.

- یک هنگ مختلط در اصفهان.
- یک هنگ مختلط در بندرعباس.
- در سال ۱۳۱۲ دو تیپ پیاده مستقر در تهران به دو لشکر تبدیل و به نام لشکر ۱ و لشکر ۲ مرکز نامیده شدند.

تغییرات نیروی زمینی در سال ۱۳۱۳

در سال ۱۳۱۳ دوباره در تشکیلات قشون ایران تغییراتی حاصل گردید و به موجب این طرح جدید اداره قشون متحدالشکل به چهار قسمت مختلف واگذار شد: وزارت جنگ، ارکان حرب کل قشون، تفتیش نظامی کل قشون، تفتیش مالی و مباشرت کل قشون.

وزارت جنگ

- سازمان وزارت جنگ در این تاریخ به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت:
- کابینه وزارتی شامل آجودان وزارتی، دفتر وزارتی، دایره کارکنان، اعضاء وزارتی و تقاعد و مستمری قشونی.
 - مالیه کل قشون.
 - خزانه داری کل قشون.
 - مباشرت کل قشون.
 - نقلیه کل قشون.
 - پارک قورخانه.
 - دایره مهندسی و مخابرات.
 - صحیه کل قشون .
 - بيطاری.
 - محاکمات کل قشون.
 - دایره ایلخی و تهیه دواب.
 - کارخانه ها و ذخایر قشونی.
 - نظام وظیفه.

ارکان حرب کلّ قشون

ارکان حرب از یک دفتر کل و ۴ رکن و دو دایره و یک دفتر تشکیل می‌شد:
رکن یکم، شامل تشکیلات احصائیه و قوانین، سجلات صاحب منصبان، تجهیزات عمومی.

رکن دوم، شامل اطلاعات استخبارات از امور نظامی خارجی و داخلی.
رکن سوم، شامل عملیات حرکات و تقسیمات قشونی و تعلیمات.
رکن چهارم، شامل تدارکات و تسلیحات و وسایل و تجهیزات عمومی (ذخایر و غیره) و خطوط مواصلات.

دایره ۱: دایره نقشه‌برداری و جغرافیایی.

دایره ۲: دایره موزیک.

دفتر بحریه و هواپیمایی.

تفتیش کلّ نظامی

این قسمت شامل دفتر تفتیش و دو دایره و ۵ کمیسیون بود:

- دفتر تفتیش و آجودانی.
- دایره مطالعات نظامی و مانورها.
- دایره تعلیمات ورزشی و تربیت بدنی.
- کمیسیون تفتیش سوار نظام.
- کمیسیون تفتیش پیاده نظام.
- کمیسیون تفتیش توپخانه.
- کمیسیون تفتیش هواپیمایی.

تفتیش مالی و مباشرتی کل قشون

این قسمت که به امور مالی و مباشرتی کل قشون رسیدگی می‌کرد شامل یک دفتر کل و دو دایره تفتیش امور مالی و یک دایره تفتیش امور مباشرتی بود.

تغییرات نیروی زمینی از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹

در سال ۱۳۱۴ در سازمان نیروی زمینی تغییرات کلی به وجود آمد بدین معنی که تعداد لشکرها و تیپ‌ها از ۵ لشکر و ۱۰ تیپ پیاده سازمانی به ۹ لشکر و ۴ تیپ مستقل و دو واحد توپخانه ۱۰۵ بلند و ضد هوایی به شرح و شماره‌های زیر افزایش یافت :^۱

لشکر ۱ مرکز	نمره ۱	لشکر ۲ مرکز	نمره ۲
لشکر اول شمال غرب	نمره ۳	لشکر دوم شمال‌غرب	نمره ۴
لشکر ۵ کردستان	نمره ۵	لشکر خوزستان	نمره ۶
لشکر فارس	نمره ۷	لشکر مکران	نمره ۸
لشکر شرق	نمره ۹		

تیپ مختلط و مستقل اصفهان

تیپ مختلط و مستقل کرمانشاه

تیپ مختلط و مستقل گرگان

تیپ مختلط و مستقل گیلان

توپخانه ۱۰۵ بلند تابع ارکان حرب کل قشون

توپخانه ۱۰۵ ضد طیاره تابع ارکان حرب کل قشون

از این پس تا سال ۱۳۱۹ نیز بنا بر مقتضیات وقت و متناسب با وضع امنیّت نقاط مختلف کشور، تغییراتی در سازمان واحدهای ارتش داده شده که چندان قابل ذکر نمی‌باشد.

^۱ - حکم عمومی قشونی نمره ۲۱۲۰ مورخه فروردین ۱۳۱۴ (مواد ۱ و ۲).

تغییر در اصطلاحات نظامی و اسامی درجات در سال ۱۳۱۴

اصطلاحات نظامی و اسامی درجات در سال ۱۳۱۴ به موجب حکم عمومی قشونی شماره ۲۱۱۸۹ به تاریخ بیست و پنجم اردیبهشت از صورت قدیم تغییر و به شرح زیر مقرر شد.

قدیم	جدید
فرمانده کل قوا	بزرگ ارتشتاران
مملکت	کشور
وطن	میهن
نیروی سلطنتی	ارتش شاهنشاهی
بیرق نظامی	پرچم
ارکان حرب کل قشون	ستاد ارتش
ارکان حرب	ستاد
فرمانده	فرمانده
سپهبد	سپهبد
امیر لشکر	لشکر بد (کمی بعد به سرلشکر تبدیل شد)
سرتیپ	سرتیپ
سرهنک	سرهنک
نائب سرهنک	سرهنک یار (کمی بعد به سرهنک دوم تبدیل شد)
یاور	سرگرد
سلطان	سروان
نائب اول و دوم و سوم	ستوان یکم و دوم و سوم
قشون	ارتش
ساخلو	پادگان
سپاه	سپاه
لشکر	لشکر

تیپ	تیپ
هنگ	فوج
گردان	گردان
گروهان	گروهان
اسواران	بهداران
دسته	دسته ورسد
گروه	گروه
جوخه	جوقه
ستوان یار(بعدها به استوار تبدیل شد)	معین نائب
گروهبانیکم	وکیل اول
گروهبان دوم	وکیل راست
گروهبان سوم	وکیل چپ
سرجوخه	سرجوقه
سرباز	نظامی وتابین
دژبان	قلعه بیگی

واحدهای نیروی زمینی در سال ۱۳۱۹

در سال ۱۳۱۹ ارتش ایران مشتمل بر ۱۸ لشکر و به شرح زیر استقرار یافته بود:

در تهران	لشکر یکم
در تهران	لشکر دوم
در تبریز	لشکر سوم
در ارومیه	لشکر چهارم
در کردستان	لشکر پنجم
در خوزستان	لشکر ششم
در فارس	لشکر هفتم

لشکر هشتم	در کرمان
لشکر نهم	در خراسان
لشکر دهم	در گرگان
لشکر یازدهم	در گیلان
لشکر دوازدهم	در کرمانشاه
لشکر سیزدهم	در اصفهان
لشکر چهاردهم	در کرمان
لشکر پانزدهم	در اردبیل
لشکر شانزدهم	در لرستان
لشکر هفدهم	در خوی
لشکر هیجدهم	در تربت جام

گذشته از این هیجده لشکر، یک تیپ مکانیزه هم در تهران وجود داشت.

سازمان لشکرها متفاوت بود و رویهم هر لشکر تشکیل می‌شد از یک عناصر فرماندهی و چهار یا سه یا دو هنگ پیاده، دو یا یک هنگ سوار، یا یک گردان مستقل، یک تیپ و یا یک هنگ مختلط توپخانه مرکب از دو یا یک گردان و یا یک آتشبار و در بعضی از لشکرها هم اصولاً توپخانه وجود نداشت. واحدهای مهندسی در برخی از لشکرها موجود بود و در بعضی وجود نداشت.

استعداد نیروی زمینی در سال ۱۳۲۰

واحدهای رزمی نیروی زمینی در ارتش ایران در سال ۱۳۲۰ به قرار زیر بود:

- ۱۱۶ گردان پیاده چهار گروهانی (سه گروهان پیاده و یک گروهان مسلسل) در لشکرها ۱ و ۲ مرکزی که هر کدام دارای یک گروهان توپ ۳۷ مم و یک گروهان مسلسل ضد هوایی و یک گروهان خمپاره و یک اسواران زره‌پوش بوده است.
- ۴۹ گردان سوار (هر گردان مرکب از دو اسواران شمشیر) و ۲۴ اسواران مسلسل سنگین.

- ۳۰ آتشبار ۱۰۵ کوتاه، ۲۷ آتشبار کوهستانی نمونه ۱۳۱۲ و چهار آتشبار ۷۵ صحرایی سوار (شنیدر)، سه آتشبار صحرایی پیاده انگلیسی، نه آتشبار کوهستانی روسی، سه آتشبار ضد هوایی (در لشکرها ۶ و ۹ و ۳) دو آتشبار ۱۵۰ کرانه‌ای در لشکر گیلان و یک آتشبار ۱۵۰ کرانه‌ای در لشکر یکم مرکز.
- دوازده گردان مهندسی که چهار گردان آن در مرکز و بقیه در لشکرها دیگر بوده است از گردان‌های مهندسی مرکز یک تیپ مستقل استحکامات و مخابرات شامل هنگ استحکامات و هنگ مخابرات تشکیل می‌شد و گردان‌های خارج از مرکز مستقل و هر یک شامل یک گروهان حقّار و یک گروهان مخابرات بود.
- تیپ مستقل مکانیزه که شامل عناصر زیر بود:
 - فرماندهی و قسمت فنی.
 - یک هنگ توپخانه ۱۰۵ بلند و ۱۵۰ کوتاه صحرایی.
 - یک هنگ توپخانه ضد هوایی.
 - یک گردان مسلسل ضد هوایی.
 - دو آتشبار نورافکن.
- وسایل تندرو و کندرو ارتش در این تاریخ بالغ بر ۵۵۲ دستگاه موتوری و ۲۷۲ دستگاه اسبی بوده است.

فصل هفتم

تشکیل مدارس جدید نظامی

بخش یکم آموزش

پس از به قدرت رسیدن رضاخان در سال ۱۳۰۰ شمسی ارتش دارای سازمان اداری و فرماندهی متنوعی بود و از حیث آموزش و پرورش، تجهیزات و لباس، وضع درهم و آشفته‌ای داشت. لذا اولین گام برای اصلاح آن متحدالشکل نمودن سازمان‌های موجود بود.

از نظر آموزش تا این زمان مدارس و آموزشگاه‌های مختلفی مثل دیویزیون قزاق، ژاندارمری، بریگاد مرکزی، مدرسه نظام مشیرالدوله، دایر بود که هر یک با روش مخصوص خود افسران و درجه‌داران را تربیت می‌کردند. سردار سپه آن مدارس را در هم ادغام کرد و مدارس نظام کل قشون را به وجود آورد که از ده کلاس تشکیل می‌شد.

اما پیدا بود که تشکیل این نوع مدارس با اصول آموزش‌های جدید دنیای آن روز مطابقت نداشت و در نتیجه سردار سپه برای رفع مشکل به دو طریق در جهت پویایی سیستم آموزشی ارتش اقدام نمود:

- اعزام افسران ایرانی به خارج.

- به خدمت گرفتن افسران خارجی جهت تأسیس مدارس و مراکز آموزشی تا زمان بازگشت افسران ایرانی از خارج.

مدارس و آموزشگاه‌هایی که در دوره پهلوی یکم تأسیس گردید به شرح زیر بودند:

مدرسه نظام: این مرکز آموزشی از سه مدرسه جداگانه تشکیل شده بود نام این مدارس از سال ۱۳۱۴ به دبستان نظام و دبیرستان نظام تغییر یافت.

- مدرس ابتدایی نظام دارای ۶ کلاس.

- مدرسه متوسط نظام دارای ۴ کلاس.

- مدرسه عالی نظام دارای ۲ کلاس.

مدرسه صاحب منصبی که شامل صنوف پیاده، سوار نظام، توپخانه و مهندسی بود و از سال ۱۳۱۴ دوره عالی و در سال ۱۳۱۸ هم دوره هوایی به آن اضافه شد. نام این مدرسه در سال ۱۳۱۴ به دانشکده افسری تغییر داده شد.

آموزشگاه ستوانی ارتش: آموزشگاه ستوانی در سال ۱۳۰۳ در دانشکده افسری تأسیس شد و دوره آن یکسال بود و در مهرماه ۱۳۰۵ تعطیل گردید.

آموزشگاه ستوانی ژاندارمری: این آموزشگاه در سال ۱۳۰۹ تأسیس گردید که از دو کلاس به نام سال تهیه و سال یکم تشکیل شده بود.

دانشکده دیدبانی و فنی نیروی هوایی: دانشکده دیدبانی در سال ۱۳۱۲ و دانشکده فنی در سال ۱۳۱۵ تأسیس شدند و تا سال ۱۳۲۰ بکار خود ادامه دادند.

و - آموزشگاه ستوانی فنی تخشائی (جنگافزار و مهمات سازی): این آموزشگاه از مهرماه ۱۳۱۴ تأسیس شد و فعالیت آن تا شهریور ماه ۱۳۲۰ ادامه یافت.

آموزشگاه فنی نظام وظیفه: این آموزشگاه در سال ۱۳۱۴ تأسیس و در سال ۱۳۱۷ در دانشکده افسری ادغام گردید.

آموزشگاه دامپزشکی و تکمیلی: آموزشگاه دامپزشکی پیش از سال ۱۳۰۰ نیز وجود داشت ولی از سال ۱۳۰۰ دوره‌های آن در دانشکده افسری تشکیل گردید که مدت آن سه سال بود و در اواخر سال ۱۳۰۴ منحل گردید و در سال ۱۳۰۵ دوره‌ای به نام تکمیلی زیر نظر اداره دامپزشکی تشکیل شد که فارغ‌التحصیلان آن با درجه ستوان دومی در ارتش خدمت می‌نمودند.

آموزشگاه پزشکی و معین پزشکی: در تاریخ ۱۳۰۹ این آموزشگاه در بیمارستان امام خمینی (پهلوی سابق) تشکیل گردید مدت دوره تحصیل هشت ماه بود و پس از خاتمه تحصیل با درجه استوار سوّمی در ارتش خدمت می‌کردند.^۱

^۱ - سرتیپ علیقلی بیگلریور، استاد سعید نفیسی، سرهنگ جهانگیر قائم مقامی، تاریخ ارتش نوین ایران جلد یکم صفحه ۱۱۶.

مقررات ورود به آموزشگاه مزبور عبارت بود از:

الف - افراد می‌بایست باسواد باشند.

ب - حقوق ماهیانه ۱۲۰ ریال با مخارج شام و ناهار و لباس.

ج - تمام دوره هشت ماه بود.

د - پس از خاتمه تحصیل با درجه استوار سوّمی داخل خدمت می‌شدند.

تشکیل مدارس جدید نظامی / ۱۶۵

آموزشگاه موسیقی نظام: در سال ۱۲۴۹ شمسی در مدرسه دارالفنون زیر نظر موسیقیدانان خارجی تشکیل شد.

در سال ۱۳۰۷ مدرسه موزیک به مدرسه دولتی تبدیل شد و آقای علینقی وزیری به ریاست آن منصوب گردید.

دوره مدرسه موسیقی پنج سال بود. در سال ۱۳۱۲ این آموزشگاه تبدیل به مدرسه عالی موسیقی شد و در سال ۱۳۱۳ به هنرستان تغییر نام داد. در سال ۱۳۱۷ عده‌ای از شاگردان نظام در هنرستان موسیقی مشغول تحصیل شدند و فارغ‌التحصیلان این دوره با درجه ستوان دومی به خدمت وارد می‌شدند (عده آنها ۱۲ نفر بود)^{۱۰}

مراکز آموزشی که در بالا به آن اشاره شد هر کدام تا سال ۱۳۲۰ تغییرات عمده‌ای نمودند و اکثراً در هم ادغام و به سه مرکز آموزشی، دبیرستان نظام، دانشکده افسری و دانشگاه جنگ تبدیل شدند و در کنار آن مراکز آموزشی تخصصی کوتاه مدت هم به وجود آمدند.

^{۱۰} - همان مأخذ صفحه ۱۰۰ الی ۱۲۰.

بخش دوم - تشکیل دانشگاه‌های جدید برای آموزش افسران

دانشکده افسری

همان طور که قبلاً به آن اشاره شد در بهمن ماه سال ۱۳۰۰ شمسی به دستور وزیر جنگ وقت مدرسه قزاقخانه، مدرسه نظام مشیرالدوله و مدرسه بیطاری ژاندارمری در پارک مسعودیه (محل فعلی وزارت آموزش و پرورش) با یکدیگر تشکیل مدرسه نظام را دادند و سرهنگ عزیزا.. خان ضرغامی به سمت اولین فرمانده مدارس نظام تعیین گردید و تحت نظر ستاد ارتش شروع به کار نمود.^۱

تا دوره دوازدهم به نام مدارس نظام خوانده می‌شد و از دوره سیزدهم یعنی سال ۱۳۱۴ شمسی به نام (دوره شاه عباس) نام مدارس نظام به دانشکده افسری تغییر یافت.^۲ لباس دانشجویان عبارت بود از فرنج و شلوار، مچ پیچ، کمربند، قلاب شیر و خورشید فلزی زرد، کلاه پوستی سفید با نشان شیرو خورشید، لباس سلام نیم تنه سرمه‌ای سراسستین جنافی، یراق زرد، شلوار ماهوت آبی با یراق زرد، چکمه مشکی و کلاه کاسکت.^۳ در سال ۱۳۰۱ مدارس نظام از عمارت مسعودیه به عمارت کامرانیه که متعلق به کامران میرزا بود منتقل گردید که همان محل فعلی دانشکده افسری امام علی (ع) می‌باشد.^۴ در دوم مرداد ۱۳۰۲ جشن فارغ‌التحصیلی دوره اول برگزار شد و دانشجویان فارغ‌التحصیل با درجه ستوان سومی به پیاده نظام انتقال یافتند و این دوره به نام پهلوی نامگذاری گردید و پس از آن نیز هر دوره بنا به مقتضیات تاریخ و زمان به نام‌های مختلفی نامیده شد.

از سال ۱۳۱۴ شمسی (۱۹۳۴ میلادی) در دانشکده افسری دوره‌های رسته‌ای تشکیل گردید. این دوره‌ها برای افسران پیاده، سوار نظام، توپخانه، مهندسی، مخابرات و دارایی تا

^۱ - حیدرقلی بیگلری، خاطرات یک سرباز، ستاد بزرگ ارتشتاران، اداره روابط عمومی، ص ۲۶، آرشیو دانشگاه افسری.

^۲ - فرمان‌های ارتش، اسناد رسمی.

^۳ - موزه دانشگاه افسری.

^۴ - محل فعلی دانشگاه افسری امام علی (ع) روبروی خبرنگان رهبری می‌باشد.

تشکیل مدارس جدید نظامی / ۱۶۷

سال ۱۳۲۰ ادامه یافت و دانش مربوط به هر رشته را در اختیار دانشجویان قرار می‌داد و تا شهریور ۱۳۲۰ در محل دانشکده افسری ادامه یافت.^۱

از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۰ طی نوزده دوره فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری، بالغ بر ۲۰۹۵ نفر به درجه ستوان دومی نایل شدند و به یگان‌های مختلف ارتش اعزام گردیدند:^۲

افسران فارغ‌التحصیل از دانشکده افسری تا سال ۱۳۲۰ به شرح ذیل بودند

پیاده نظام ۹۹۰ نفر

سواره نظام ۳۹۱ نفر

توپخانه ۳۲۵ نفر

مهندسی مختلط (استحکامات و مخابرات) ۶۱ نفر

مهندسی استحکامات ۷۶ نفر

مهندسی مخابرات ۷۶ نفر

امور مالی ۱۴۸ نفر

هواپیمایی ۱۸ نفر

از سال ۱۳۲۸ به علت پیشرفت در فن‌آوری جنگ‌افزارها و سایر وسایل مورد استفاده ارتش، دوره دانشکده افسری به سه سال افزایش یافت و موضوعات درسی از دانشکده افسری ارتش امریکا (دانشکده افسری وست پوینت)^۳ اقتباس گردید.

بخش مهمی از موضوعات درسی شامل ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی، علوم اجتماعی و مهندسی بود و کلیه دروس به تمام دانشجویان آموزش داده می‌شد.

ارزش تحصیلی این دوره به عنوان لیسانس نظامی از طرف وزارت فرهنگ سابق شناخته شده بود.^۴ فارغ‌التحصیلان مجاز بودند در آزمون ورودی دانشگاه‌ها در بعضی از رشته‌های مورد علاقه برای اخذ درجه فوق لیسانس شرکت نمایند.

^۱ - سپهبد کاظمی تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ارتش، ص ۱۷۲ و فصلنامه بررسی های نظامی، شماره ۱۸، ص ۸۸، تاریخ ارتش نوین ایران، ص ۱۰۸.

^۲ - سرتیپ علیقلی بیگلریور، تاریخ ارتش نوین ایران، ص ۱۰۵ (اسناد و مدارک رسمی، آرشیو).

^۳ - West point military Academy U.S.A

^۴ - به استناد رأی هفصد و بیست و یکمین جلسه مورخه ۱۳۲۸/۱۱/۲۲ شورای عالی فرهنگ، ارزش مدارک تحصیلی دانشکده افسری، لیسانس در رشته نظامی شناخته شد.

دانشجویان در طی مدت سه سال علوم پایه و موضوعات عمومی نظامی را فرا می‌گرفتند و برای اخذ تخصص نظامی به مدت ۶ تا ۹ ماه به سایر مراکز فرهنگی ارتش اعزام و پس از پایان دوره جهت خدمت بین یگان‌های ارتش تقسیم می‌شدند.^۱

در سال ۱۳۵۰ کمیسیونی با شرکت نمایندگان متخصص نیروهای سه‌گانه ارتش و تعدادی از دانشگاه‌های معتبر راجع به برنامه درسی دوره سه ساله دانشکده افسری تشکیل شد. که به نتایج زیر دست یافتند:

- دروس علمی به صورت نظام واحدی ارائه گردد.
- ارزش این برنامه لیسانس علوم از طرف وزارت علوم و آموزش عالی سابق شناخته شود.
- به دانشجویان فارغ‌التحصیل این امکان داده شود که با شرکت در آزمون ورودی دانشگاه‌ها در بعضی از رشته‌های مورد علاقه برای اخذ درجه فوق‌لیسانس شرکت نمایند.
- کلیه دانشجویان پس از پایان دوره جهت اخذ تخصص‌های نظامی به مدت ۶ تا ۹ ماه به سایر مراکز فرهنگی اعزام شوند.

نقش و دخالت مستشاران خارجی در اجرای آموزش‌های نظامی

یکی از حساس‌ترین مباحث در اجرای آموزش و تعلیمات نظامی نقش مستشاران خارجی در ایران بود. دولت‌های بیگانه در طراحی و برنامه‌ریزی درسی نظام آموزش عالی ارتش، نقش عمده‌ای را ایفا نمودند. قبل از آن که رضاخان وزیر جنگ، سپس نخست‌وزیر و در نهایت پادشاه شود و بر اوضاع سیاسی، نظامی کشور تسلط یابد، بیشتر در تلاش حذف نظامیان خارجی بود، ولی به دلیل پیشرفت‌های سریعی که در اوایل قرن بیستم در ارتش‌های جهان به وجود آمده بود، ناگزیر شد تا آماده کردن نیروی جایگزین، از افسران خارجی جهت دستیابی به اهداف نظامی خود استفاده نماید.

در مهرماه ۱۳۰۲ و در اولین دوره دانشکده افسری بعد از کودتا که به دوره "پهلوی" معروف بود، از افسران ایرانی فارغ‌التحصیل از دانشکده افسری سن سیروفونتن بلوی فرانسه مثل سرتیپ غلامعلی انصاری (استاد توپخانه) و سروان سعید نظام (استاد پیاده) استفاده شده

^۱ - آرشیو دانشگاه افسری، اسناد رسمی.

و در سال ۱۳۰۳ از وجود ژنرال کاراکاراتلی که به گرجی‌خان معروف بود، استفاده گردید. (وی استاد عملیات صحرایی بود).

در جریان پایه‌گذاری نیروی هوایی در سال ۱۳۱۰، سرگرد نورکیس^۱ و سروان اکمان نقش اساسی داشتند.^۲

در سال ۱۳۱۰ در جریان تبدیل اداره هوایی به نیروی هوایی و تشکیل ستاد آن یک افسر بلژیکی به نام بیورت^۳ به ریاست آن منصوب گردید، که تا سال ۱۳۱۷ در آن سمت باقی ماند. در سال ۱۳۱۱، بیمارستان شماره ۵۰۲ ارتش زیر نظر معلمان و پرستاران سوئدی افتتاح شد. بنابر این ملاحظه می‌شود که از وجود بیگانگان در حدی فراتر از ارائه خدمات و در حیطه تخصصشان استفاده می‌کردند و آنان را در پست‌های طراحی و برنامه‌ریزی قرار می‌دادند.

در بهمن ماه ۱۳۱۲، چهار معلم سوئدی که به استخدام نیروی هوایی در آمده بودند، به تهران آمده و در مدرسه خلبانی مشغول خدمت گردیدند. آنان عبارت بودند از نایب اول فردریک یوهانس، نائب دوم استیک سوندکرین، نایب دوم کنارکرینوس و نایب سوم هانریک اسکولین. به دستور رضاخان این چهار تن با ارتقاء یک درجه مشغول خدمت گردیدند و از مزایای درجات اعطایی بهره‌مند شدند.^۴

مرتضی طلوعی می‌نویسد: نایب خلبان اسکولین به علت اشتباهی دچار سانحه گردید و هواپیمایش ۷۵٪ آسیب دید لذا در تاریخ ۸ مرداد ماه سال ۱۳۱۳ به دستور رضاخان از ادامه خدمت معاف گردید و نیز سایر خلبانان سوئدی به علت بی‌ترتیبی در کار در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۱۳ از کار برکنار شدند.^۵

^۱ - Norkess

^۲ - یکرنگیان، گلگون کفنان، گوشه‌ای از تاریخ نظامی ایران، ۱۳۳۶، ص ۲۷۶ همان منبع، ص ۹۲.

^۳ - Bivert

^۴ - مرتضی طلوعی، تاریخ نیروی هوایی، ستاد فرماندهی نیروی هوایی، ص ۸۷ همان منبع، ص ۹۳ فرمان‌های ارتش (اسناد رسمی).

^۵ - مرتضی طلوعی، همان منبع، فرمان‌های ارتش (اسناد رسمی).

همچنین چهار نفر از خلبانان بلژیکی (یک افسر و سه درجه‌دار) برای تعلیم خلبانی در نیروی هوایی استخدام شدند و با یک درجه ارتقاء در آبان سال ۱۳۱۳ مشغول کار شدند.

در سال ۱۳۱۲ نیز، عده‌ای از افسران ارتش فرانسه به عنوان مربی، متخصص آموزش و معلم استخدام شدند تا به آموزش دانشجویان ایرانی بپردازند. اعضای این هیأت عبارت بودند از: سرهنگ کالدرو^۱ (افسر سواره نظام و رئیس هیأت)، سرگرد دولاکور^۲، (افسر پیاده نظام، معلم پیاده نظام و تاکتیک)، سرگرد رنوار^۳ (افسر توپخانه و معلم توپخانه) و سرگرد بودینا^۴ (معلم نقشه‌برداری).^۵

با تأسیس دانشگاه جنگ در سال ۱۳۱۴، هیأت دیگری از مستشاران فرانسوی برای ارائه آموزش‌های نظامی، استخدام شدند. در منابع موجود دو لیست متفاوت از اعضای این هیأت ارائه شده است. در یکی تعداد آنها هفت نفر و در دیگری شش نفر ذکر شده است. این افراد به عنوان فرمانده، مدیر دروس و معلم پیاده نظام، توپخانه، مهندسی، دارایی، مخابرات، تاکتیک و زره‌پوش مشغول بکار شدند و تا سال ۱۳۱۸ در ایران بودند^۶ و چون جنگ جهانی دوم آغاز شد به کشور خود باز گشتند. از افسران این هیأت می‌توان ژنرال ژاندر^۷، سرهنگ روایه^۸ افسر پیاده، سرهنگ پشو^۹ افسر مهندس، سرهنگ کنستانت^{۱۰} افسر

^۱ - Caldeorau

^۲ - Delacourt

^۳ - Renoir

^۴ - Baudina

^۵ - تاریخ ارتش نوین ایران، اداره سوم ستاد بزرگ ارتشتان، ص ۱۰۴.

^۶ - سپهبد کاظمی، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی، ص ۱۷۰، همان منبع ص ۹۴.

^۷ - Gendre

^۸ - Royer

^۹ - Pechau

^{۱۰} - Constannte

تشکیل مدارس جدید نظامی / ۱۷۱

توپخانه، سرهنگ بوسک^۱ افسر مالی، سرگرد شووان یار^۲ افسر پیاده و سرگرد سیمون^۳ افسر مخابرات را نام برد.^۴

تشکیل دانشگاه جنگ (ستاد فرماندهی)

در سال ۱۳۱۴ برای تشکیل دانشگاه جنگ جهت تحصیل افسران در مشاغل بالای ارتش، از طریق وزارت امور خارجه با وزارت امور خارجه فرانسه مکاتباتی به عمل آمد تا برای تشکیل چنین دانشگاهی عده‌ای افسر تحصیلکرده به عنوان مستشار به ایران اعزام نمایند.

دولت فرانسه با این تقاضا موافقت نمود و هیأتی را به ایران مأمور نمود تا دانشگاه ستاد و فرماندهی را تشکیل دهند و ارتقاء افسران از درجه سرهنگی به سرتیپی مشروط به طی این دوره شود. دولت فرانسه یک هیأت هفت نفری به شرح زیر به ایران اعزام نمود:^۵

- سپهبد ژاندار: رئیس هیأت
- سرهنگ روایه: افسر پیاده
- سرهنگ پشو: افسر مهندس
- سرهنگ کنستانت: افسر توپخانه
- سرهنگ برسک: افسر امور مالی
- سرهنگ شووان یار: افسر پیاده
- سرگرد سیمون: افسر مخابرات

افسران فرانسوی موظف بودند که لباس نظام ایران را بپوشند و از مقررات ارتش ایران تبعیت نمایند. دانشگاه جنگ دارای دو دوره بود، دوره فرماندهی به مدت یک سال

^۱ - Bosc

^۲ - Choignard

^۳ - Simon

^۴ - تاریخ ارتش نوین ایران، همان منبع ص ۱۰۴.

^۵ - دکتر باقر عاقلی، رضا شاه و قشون متحدالشکل، نشر نامک، صفحه ۳۴۰ الی ۳۴۲.

و دوره ستاد به مدت دو سال. افسران ستاد دیده دارای واکسیل ستاد بودند که بر شانه سمت چپ آنها نصب می‌شد. در سال ۱۳۱۸ به علت آغاز جنگ جهانی، افسران فرانسوی به جبهه دعوت شدند و بلافاصله ایران را ترک گفتند و استادان و مدرسين ایرانی مسؤولیت آنها را به عهده گرفتند.

تا شهریور ۱۳۲۰ مجموعاً ۹۶ نفر از دوره فرماندهی و ۱۶۱ نفر از دوره ستاد فارغ‌التحصیل شدند. دروس نظامی دانشگاه عبارت بودند از آموزش‌های توپخانه، تاکتیک، پیاده نظام، مهندسی، سواره نظام و زره پوش.

اکثریت دانشجویان این دانشکده از افسران نیروی زمینی بودند و افسران هوایی و دریایی به ندرت در دوره‌های دانشگاه جنگ، شرکت می‌کردند. زیرا در آن زمان وضعیت نیروهای هوایی و دریایی از نظر توسعه و تکامل به نحوی نبود که لزوم تشکیل دانشکده جداگانه‌ای را برای آنان ایجاب نماید و ضمناً افسران این دو نیرو، تحصیلات نظامی خود را در خارج از کشور، طی می‌نمودند. در سال ۱۳۲۲ به علت مشکلات ناشی از جنگ دوم جهانی، دانشگاه جنگ به طور موقت تعطیل و این دوره رکود، چهار سال به درازا کشید.

در سال ۱۳۲۶، دانشگاه جنگ، مجدداً گشایش یافت ولی در طول دوره و آموزش‌ها، تجدید نظر کلی صورت گرفته بود. حتی نام این مرکز فرهنگی نیز از دانشگاه جنگ به دانشکده فرماندهی و ستاد تغییر یافت و طول دوره، یکسال گردید.

در سال ۱۳۴۰ به علت نیاز، یک مرکز آموزش عالی نظامی، به نام "**دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک**"، در ارتش ایران تأسیس گردید که آموزش‌های آن در سطحی بالاتر از آموزش‌های دافوس و عمدتاً عملیات مشترک و مرکب و کار در ستادهای مشترک و مرکب، تدریس می‌گردید.

مجموعه این دانشکده‌ها به نام دانشگاه جنگ نامگذاری و زیر چتر یک فرماندهی قرار گرفتند.

چهار سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۴ بر حسب ضرورت و مصالح آموزشی، دانشگاه جنگ منحل و به دو دانشکده یعنی فرماندهی و ستاد در تابعیت نیروی

تشکیل مدارس جدید نظامی ۱۷۳/

زمینی و دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک در تابعیت ستاد مشترک ارتش تجزیه گردید.

ساختمان‌ها و تأسیسات دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی در سال ۱۳۴۶ توسعه یافته و ظرفیت پذیرش دانشجویی آن تقریباً ۵/۲ برابر شد.

بخش سوّم : جنگ افزار و تجهیزات

در آغاز سال ۱۳۰۰ جنگ افزارهای سبک و سنگین ارتش ایران به شرح ذیل بود

بريگاد قزاق

تفنگ پنج تیر روسی بلند و کوتاه.

تیربار ماکزیم

توپ ۷۶ میلیمتری و ابو خف روسی

توپ اخاسیوس اتریشی

توپ شنیدر ۷۵ میلیمتری فرانسوی

ژاندارمری

تفنگ پنج تیر کارابین آلمانی

تیربار ماکزیم

توپ شنیدر فرانسوی

بريگاد مرکزی

تفنگ ورنند ولوبل

تیربار ماکزیم

توپ چهار پوند انگلیسی

چون این جنگ افزارهای متنوع با طرح اساسی مبنی بر متحدالشکل شدن ارتش که شامل لباس، آموزش و جنگ افزار بود مطابقت نداشت لذا سردار سپه پس از ثبات نسبی و شکل گرفتن ارتش به فکر مجهز نمودن ارتش به یک نوع سلاح افتاد و این هدف را ابتدا با خریداری تفنگ و فشنگ و توپ از یک کشور خارجی و در مرحله دوم با خریداری و تأسیس کارخانه های جنگ افزارسازی در داخل ایران عملی نمود. نخستین قسمت از جنگ افزار و مهماتی که برای ارتش خریداری شد از کشور آلمان بود. به دنبال تحقق هدف یاد شده در اول خرداد ماه ۱۳۰۲ شمسی به موجب حکم عمومی شماره ۱۴۳ قشون، قورخانه تهران که جزو

تشکیل مدارس جدید نظامی / ۱۷۵

لشکر مرکز بود از آن لشکر جدا و با شعبه کارخانه‌های نظامی ارکان حرب تشکیل دایره‌ای را در ارکان حرب به شرح ذیل داد:

حکم قشون ۱۴۳^۱

ماده یک : قورخانه لشکر مرکز در تاریخ اوّل خرداد از لشکر مذکور منتزع و به عنوان دایره جزء ارکان حرب کل خواهد بود.

ماده دو : تشکیلات قورخانه را از اوّل خرداد ۱۳۰۲ به قرار زیر مقرر می‌داریم:

- ۱- هیأت رئیسه
- ۲- دایره مهندسی
- ۳- دایره ملزومات
- ۴- شعبه افزارسازی
- ۵- دایره سوهانکاری
- ۶- دایره چرخکاری
- ۷- شعبه حدادی
- ۸- شعبه ریخته گری
- ۹- نجاری و قنداق سازی
- ۱۰- جنگ‌افزار سازی
- ۱۱- باروت سازی
- ۱۲- فشنگ سازی
- ۱۳- ماشین خانه

مورخه دهم جوزای ۱۳۰۲

وزیر جنگ و فرمانده کل قشون سردار سپه

^۱ - سرتیپ علیقلی بیگلرپور، استاد سعید نفیسی، سرهنگ جهانگیر قائم مقامی، کتاب تاریخ ارتش نوین ایران، جلد یکم صفحه ۱۳۲ الی ۱۳۴.

در سال ۱۳۰۴ طرحی برای تأسیس کارخانه جنگ افزارسازی و مهمات سازی تهیه گردید ولی به دلیل مشکلات اقتصادی مورد تصویب واقع نشد.

سردار سپه با مشورت مستشاران آلمانی و هماهنگی با وزارت دفاع آلمان به تدریج اقدام به تأسیس کارخانه‌هایی به شرح ذیل نمود:

- احداث کارخانه لوله سازی با تولید ۲۵ لوله در روز برای تفنگ کالیبر ۹/۷ در سال ۱۳۰۸.

- احداث کارخانه فشنگ‌سازی با تولید ده هزار تیر در روز در سال ۱۳۰۸ که این تعداد در سال ۱۳۱۴ به ۷۰ هزار تیر در روز رسید.

- کارخانه شیمیایی پارچین در ۲۴ مهرماه ۱۳۱۰ شروع به کار کرد.

- کارخانه‌ای با ظرفیت ساخت ۲۰ قبضه تفنگ در روز در ۱۳۱۳ شروع به کار کرد که در سال بعد ظرفیت آن به یکصد قبضه تفنگ در روز افزایش یافت.

- در سال ۱۳۱۸ کارخانه مسلسل‌سازی با ظرفیت تولید ۱۲۰۰ قبضه مسلسل سبک و ۳۰۰ قبضه مسلسل سنگین در سال شروع به کار کرد.

- کارخانه برنج‌سازی برای ساخت گلوله‌های توپ در اواخر سال ۱۳۱۷ شروع بکار کرد.

- در تیرماه ۱۳۱۹ کارخانه گلوله‌سازی توپ آغاز به کار نمود.

موجودی - جنگ‌افزار و مهمات ارتش در مرداد ماه ۱۳۲۰

تفنگ	مسلسل	فشنگ تفنگ و مسلسل	توپ	گلوله توپ	تانک	زره پوش
۵۰۷۵۷۸	۸۱۵۸	۸۵۵۱۰۰۰	۸۷۴	۳۲۸۰۰۰	۱۰۲	۱۶

همزمان با تأسیس کارخانه‌های مذکور خرید جنگ‌افزار از کشورهای دیگر نیز ادامه داشت به عنوان مثال در سال ۱۳۰۹ تعداد ۴۷ صندوق تفنگ برنو و ۴۸ صندوق ساز و برگ چرمی خریداری شده از چکسلواکی از راه دریا به ایران رسید.^۱

^۱ - تاریخ ارتش نوین ایران، جلد یکم صفحه ۱۳۶.

فصل هشتم

تأسیس سازمان‌های جدید

بخش یکم: نیروهای انتظامی

امنیه

در اسفندماه ۱۳۰۰ شمسی، مجلس شورای ملی تشکیل نیرویی را که وظایف ژاندارمری دولتی سابق را عهده‌دار می‌شود، به تصویب رساند و نام آنرا «امنیه کل مملکتی» تعیین نمود. وظیفه این نیرو حراست از جاده‌های اصلی و مناطقی بود که در دسترس شهرها نبود. این سازمان تا سال ۱۳۰۴ زیر امر وزارت جنگ بود ولی بودجه آن را وزارت داخله تأمین می‌کرد ولی پس از روی کار آمدن پهلوی یکم سازمان امنیه از وزارت جنگ جدا و به وزارت داخله ملحق گردید.

نخستین رئیس امنیه، امیر لشکر سردار رفعت نقدی بود و محلّ استقرار آن در ساختمان شمس‌العماره (محل سابق ژاندارمری) بود. و افراد ناحیه مرکزی در سربازخانه محمدیه استقرار داشتند.^۱

سازمان امنیه در ابتدای کار از افراد ژاندارمری دولتی که برای خدمت در ارتش مناسب نبودند، تشکیل می‌شد، تعداد افراد امنیه تا سال ۱۳۰۵ به چهار هزار نفر رسید و چون این نیرو با چنین سازمانی قادر به تعقیب و دستگیری راهزنان و مرتکبین جرم نبود لذا اکثراً این وظیفه به ارتش واگذار می‌گردید.

نیروی امنیه معمولاً از افراد محلی تأمین می‌شد و این امر باعث می‌شد تا عوامل محلی اطلاعات مفیدی را در اختیار ارتش قرار دهند.

^۱ - تاریخ ژاندارمری ایران: از قدیمی ترین ایام تا عصر حاضر صفحات ۲۸۳ الی ۲۸۶.

امنیه به طور کلی به دلایل پراکندگی پاسگاه‌ها، ضعف در آموزش نیروی انسانی و کمبود اعتبارات نتوانست بر مشکلات آن روز فائق آید ولی با کمک ارتش توانست تا حدودی بر ناآرامی‌ها و زد و خوردهای منطقه‌ای فائق آید. مأموریت و وظایف این سازمان بعدها به سازمان ژاندارمری کل کشور واگذار گردید و ژاندارمری هم، جهت اجرای مأموریت خود گسترش یافت.

نظمیه^۱

اولین رئیس شهربانی در دوران مشروطیت یفرم خان ارمنی بود که مسؤولیت شهربانی تهران را عهده دار بود. از سال ۱۲۹۲ شمسی ژنرال وستداهل و هیأت نظمیه سوئدی مسؤولیت تشکیلات نظمیه را به عهده گرفتند. نظمیه تحت امر وزارت داخله بود و بودجه آن نیز توسط این وزارتخانه تأمین می‌گردید. در دی ماه ۱۳۰۲ شمسی که افسران سوئدی از ایران اخراج شدند و اداره این سازمان به افسران ایرانی واگذار گردید، این نیرو علاوه بر انجام وظایف عادی در جلوگیری از جرم و جنایت و نیز برقراری نظم دارای یک "پلیس مخفی" بود که اطلاعات لازم برای حفظ و نگهداری شاه را جمع‌آوری می‌نمود. پس از وستداهل سرهنگ محمد درگاهی به ریاست نظمیه مملکتی رسید. سازمان شهربانی در مورخ ۱۳۰۷ به شرح ذیل بود:

در مرکز

سازمان شهربانی تهران به شرح زیر بود:

- کابینه یا دفتر
- اداره پلیس
- اداره تأمینات
- اداره مجلس
- اداره تفتیش

^۱ - مرتضی سیفی تفرشی - کتاب پلیس خفیه ایران انتشارات ققنوس صفحه ۱۰۹ الی ۱۱۴.

- اداره کل تذکره
- دایره سجلات و مباشرت
- دایره صحّیه
- دایره سیاسی

ولایات

ولایات دارای ۶۶ شهربانی بودند که به ۵ ناحیه به شرح زیر تقسیم می‌شد:

- ناحیه مرکزی
- ناحیه شمال غرب
- ناحیه شرقی
- ناحیه جنوب
- ناحیه غرب

اداره پلیس تهران

دارای یک کلانتری به نام مرکز در داخل شهربانی و یک کلانتری سوار و دوازده کلانتری دیگر در دوازده ناحیه تهران به شرح ذیل بود:

- کلانتری ارگ، واقع در میدان "توپخانه".
- کلانتری دولت - میدان بهارستان.
- کلانتری حسن آباد - خیابان دروازه یوسف آباد (محل فعلی سازمان آتش نشانی تهران).

- کلانتری سنگلج - خیابان فرمانفرما مقابل خیابان فرهنگ.
- کلانتری قنات آباد - خیابان بلورسازی.
- کلانتری محمدیه - چهارراه ماشین.
- کلانتری شرق - مقابل بازارچه در دار.
- کلانتری بازار - بازار کفاش‌ها و علاقه بندها.
- کلانتری عودلاجان، سرچشمه کوچه عزت الدوله.
- کلانتری شهرنو - خیابان حاج عبدالمحمود.

- کلانتری شمیران (تجریش).

- کلانتری زاویه عبدالعظیم - خیابان مظفریه.

اداره نظام اجباری (وظیفه عمومی)^۱

از روزی که سردار سپه، ضمن عهده داری وزارت جنگ، به مقام فرماندهی کل قشون نیز منصوب شد، متوجه این نقص بود که سرباز داوطلب و بنیچه، چون در برابر پول کار می‌کنند، علاوه براین که برای دولت گران تمام می‌شود، آن طور که باید برای نگهبانی وطن و انتظامات کشور مورد استفاده واقع نمی‌شدند.

به علاوه، اینها فقط چند صبحی که در خدمت ارتش بودند مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در مواقع حساس که کشور به سرباز احتیاج داشت، به هیچ مقام و منبعی دسترسی نداشت، این بود که دستور داده شد که قانون و مقررات نظام وظیفه ترکیه، فرانسه و روسیه را مورد بررسی قرار دهند و پس از تطبیق با اوضاع کشور مقرراتی آماده نمایند.

قانون نظام وظیفه عمومی را طی لایحه‌ای به مجلس شورای ملی بردند و در جلسه شانزده خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید که بعدها تغییراتی در آن داده شد.

سال ۱۳۰۵، اولین سالی بود که این قانون اجرا می‌شد. و چون افسران واحد نظام وظیفه بی اطلاع از نحوه اجرای قانون نظام وظیفه بودند، لذا در سال های نخست، سرباز زیر پرچم بطور قرعه کشی انتخاب می‌شد. تدریجاً افراد محلی تحلیل رفتند بطوری که در سال ۱۳۱۰، در هر لشکر یک گروهان به نام کادر ثابت باقی ماند.

به موجب قانون سال ۱۳۰۴ خدمت سربازی برای کلیه اتباع ذکور دولت ایران اهم از سکنه شهرها و قصبات و قراء و ایلات و متوقفین در خارج از ایران از اول سن بیست و یک سالگی، اجباری شد

مدت خدمت سربازی بنابر قانون جدید جمعاً ۲۵ سال و شامل سه دوره بود.

دوره خدمت نظامی به مدت شش سال (دو سال اول تحت السلاح و چهار سال بعد احتیاط)

^۱ - سرهنگ مهندس جهانگیر قائم مقامی - تاریخچه سربازگیری در ایران (مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره اول)

تأسیس سازمان‌های جدید / ۱۸۱

دوره ذخیره به مدت ۱۳ سال

دوره پاسبانی به مدت ۶ سال

چون قانون با تعجیل تهیه شده بود با ایراداتی روبرو شد که ناچار برای رفع آن در ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ شمسی قانون دیگری جهت اصلاح و تکمیل تهیه و به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

دوره زیر پرچم دو سال

دوره احتیاط چهار سال

بخش دوم - نیروی دریایی

تاریخچه

از سال ۱۱۶۰ قمری که نادرشاه کشته شد و نقشه تشکیل نیروی دریایی او عقیم ماند، تا سال ۱۲۲۴ قمری صحبتی از نیروی دریایی ایران در میان نبود. در سال ۱۲۲۷ قمری که مصادف با سلطنت فتحعلیشاه قاجار بود عهدنامه‌ای بین دو دولت ایران و انگلیس منعقد گردید که در فصل هفتم آن دولت انگلیس قول مساعدت در ارتباط با ساخت کشتی را به ایران داده بود ولی عملاً هیچ اقدامی به عمل نیاورد.^۱

سند دیگر نامه ایست که در سال ۱۲۷۸ قمری که میرزا حسن خان سپهسالار وزیر مختار ایران در استانبول درباره مقاصد و اقدامات انگلیس در بحرین و خلیج فارس نوشته و در آن می‌نویسد:

"چنانچه مکرر شفاهاً عرض نموده‌ام اخذ حق با حفظ حق یا ایجاد حق به جهت خود، بسته به قوه سرنیزه و استعداد برّیه و بحرّیه است".^۲

بدین ترتیب مداخلات غیرقانونی انگلیس در امور خلیج فارس و جزایر آن رفته رفته شدت یافت و گزارش‌هایی که از کارگزاران و مأموران دولتی به مرکز می‌رسید، لزوم تشکیل و داشتن یک نیروی دریایی را در خلیج فارس توصیه می‌کردند. این پیشنهادات اگر چه به ظاهر صحیح و منطقی بود ولی می‌توان تصوّر کرد که بیگانگان با سیاست‌ها یشان در ارائه آن خواه از راه القاء و یا از طریق مرعوب ساختن دخالت داشته‌اند.

در سال ۱۲۸۴ قمری شیخ بحرین گرفتار شورش مردم قطر شد و از ایران کمک خواست. حسام‌السلطنه حکمران فارس عده‌ای از سپاهیان فارس و تفنگ‌چیان بندر لنگه را به کمک آنها فرستاد ولی کلنل پلی مأمور انگلیسی که کنسول بوشهر هم بود به این بهانه با چند کشتی به بحرین و بندر لنگه حمله کرد و آنها را به توپ بست و حسام‌السلطنه نامه میسوطی به ناصرالدین شاه نوشت.

۱ - محمود محمود، کتاب تحولات سیاسی ایران و انگلیس جلد یکم صفحه ۱۴۴-۱۴۷.

۲ - خان ملک ساسانی، کتاب دست پنهان سیاست انگلیس صفحه ۵۰.

دنباله این وقایع به سال ۱۲۹۵ قمری کشید و در این سال میرزا علی خان امین‌الممالک در سفر دوم ناصرالدین شاه به اروپا، مأموریت یافت به فرانسه رفته و در بندر تولون برای دولت ایران کشتی جنگی سفارش بدهد که به نتیجه نرسید و ناصرالدین شاه که می‌خواست نفوذ از دست رفته ایران در خلیج فارس را با تشکیل نیروی دریایی قدرتمندی احیاء نماید در این راه موفق نبود زیرا انگلیسی‌ها غیر مستقیم با او مبارزه می‌کردند تا این که بالاخره شاه با شرکت‌های کشتی‌سازی آلمانی قرارداد بست که دو کشتی برای ایران بسازند. در سال ۱۳۰۳ قمری علی قلی خان مخبرالدوله دو کشتی شوش و پرسپولیس را وارد آب‌های خلیج فارس نمود. سپس ناوی بنام مظفری به ظرفیت ۳۵۰ تن از بلژیک خریداری گردید چهار ناوچه بخاری به نام‌های آذربایجان، مازندران، خراسان، گیلان نیز به ناوهای ایران اضافه گردید.^۱

نیروی دریایی ایران در دوران قاجاریه^۲

این نیرو در زمان قاجاریه اکثراً مأموریت گمرکات را در بنادر جنوب شامل بندر خرمشهر، بندر بوشهر و در شمال بندر انزلی را انجام می‌داد. به استناد نوشته بعضی از روزنامه‌ها از جمله روزنامه حبل‌المتین چاپ کلکته هندوستان تعداد کشتی در شمال که به کشتی‌های سلطنتی معروف بودند به شرح ذیل بود:

- کشتی تجاری کوچک که نیکلا امپراطور روسیه به محمد شاه قاجار هدیه کرده بود.
- یک کشتی قبل از سال ۱۲۵۲ شمسی ۱۸۷۳ میلادی در انگلستان ساخته شده بود، خریداری شد که پس از سوراخ شدن در مرداب انزلی غرق گردید.
- یک کشتی در سال ۱۲۷۲ شمسی ۱۸۹۳ میلادی در استکهلم ساخته شده و به مبلغ ۴۰ هزار منات خریداری گردید.
- یک کشتی کوچک که شرکت قفقاز مرکوری به دولت ایران هدیه کرد که میرزا حسن فراهانی در سفرنامه‌اش از آن یاد کرده است.
- در اواخر دوران قاجاریه در بنادر جنوب شامل بندر خرمشهر، بندر بوشهر و در شمال بندر انزلی ناوها و ناوچه‌هایی که اکثراً مأموریت گمرکات را انجام می‌دادند وجود داشت.

^۱ - دریابد فرج ا... رسانی، کتاب ۲۵۰۰ سال بر روی دریا صفحه ۳۷۲.

^۲ - تحلیل تاریخی قدرت دریایی ایران، مدیریت مطالعات و تحقیقات نداجا سال ۱۳۷۵ صفحه ۱۳۰ تا ۱۳۵.

تعداد کشتی‌ها در بندر انزلی چهار فروند بود که دو فروند آن کشتی بخاری قدیمی و دو فروند دیگر موتوردار و از نوع جدید بود فرماندهی نیروی دریایی شمال به عهده آقاخان کمانور و فرمانده بحریه گمرکات جنوب به عهده سرتیپ دریا بیگی بود جدول زیر تعداد کشتی‌های ایران را در اواخر قاجاریه نشان می‌دهد:

ناو موتور	ظرفیت به تن	قدرت موتور	تجهیزات
ناو پرسپولیس	۶۰۰	۴۵۰ اسب	۴ توپ ۷۰ مم
ناو شوش	۲۵۰		کروپ
ناو مظفری	۳۵۰		یک توپ ۳۰ مم
			کروپ
			۲ توپ ته پر
ناوچه آذربایجان	۷۵		۲ توپ
ناوچه گیلان	۷۵		یک توپ
ناوچه مازندران	۷۵		یک توپ
ناوچه خراسان	۷۵		یک توپ
ناوچه چلچله	۴۰		–
ناو ناصرالدین شاه	۶۰۰		یک توپ

نیروی دریایی در دوران پهلوی

در سال ۱۳۰۳ شمسی که سردار سپه به مقام ریاست وزراء رسید جهت سرکوبی شیخ خزعل عازم خوزستان گردید و از شخصی به نام حسین موقر یک ناوچه کوچک به اسم "خوزستان" که شصت تن ظرفیت داشت خریداری نمود و پس از دستگیری خزعل نیز سه کشتی دریایی و شطی او به تصرف در آمد که یکی از آنها به نام هما به ظرفیت ۱۰۰۰ تن به نیروی دریایی واگذار شد و دو کشتی دیگر هم برای انجام امور بندر امام (شاهپور) در اختیار مهندسین امریکایی قرار داده شد.

در سال ۱۳۰۴ یک ناوچه مین جمع کن آلمانی به ظرفیت ۱۴۱ تن خریداری شد که "شاهین" نامیده شد. به موازات آن دو افسر ارشد دریایی ایتالیا نیز به استخدام درآمدند و چند ناو نیز به کارخانه‌های کشتی سازی ایتالیا سفارش داده شد و همزمان با این اقدام اولین گروه از افسران جوان برای فرا گرفتن فنون دریایی در سال ۱۳۰۶ به ایتالیا رفتند این افسران عبارت بودند از :

عبداله ظلی - با درجه ستوان یکمی

نصرالله نقدی - با درجه ستوان دومی

حبیب الله شاهین - با درجه ستوان دومی

اولین گروه از دانشجویانی که در سال‌های ۱۳۰۶ به ایتالیا اعزام شدند عبارت بودند از:^۱

مرتضی دفتری

فرج الله بخشایش

علی زند

حسن میلانیان

محمد پیشوا

نصرالله امان پور

جعفر فزونی

فرج الله رسائی

^۱ - دریابد فرج ا... رسائی - کتاب ۲۵۰۰ سال بر روی دریا صفحه ۳۷۹ الی ۳۸۲.

حمید شیروانی

هادی روستازاد

غلامرضا دهتازیانی

عباس صفائی

رضا نوربخش

در سال ۱۳۱۰ نیز دو گروه دانشجوی دیگر به شرح زیر به ایتالیا اعزام شدند که دوره رسته‌های فرماندهی و مهندسی دریایی را به پایان رساندند.

یدالله بایندر

صمد مجلسی

جعفر کوروس

ابوتراب غفاری

گروه بعدی شامل ده نفر افسر و چهل نفر ناو استوار و مهنای به شرح زیر بود:

ابوالحسن فاطمی

پرویز یارافشار

ناصر عمیدی

منوچهر امیر ابراهیمی

مهدی افخمی

هوشنگ افخمی

رحمت الله دبیر علائی

تخیری

محمد علی احتسابیان

امیر حاجب

در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ نیز دو گروه از دانشجویان افسری به کشور فرانسه اعزام

گردیدند که اسامی آنان به شرح زیر بود:

شمس‌الدین صفوی

عبدالحسین وهابی

حسن کهنموئی

احمد عظیمی

اعتمادزاده

معتمد

جلیل اصغرزاده

ابراهیم هریسچی

مهدی ابراهیمی

افسران ایتالیایی اولین مستشاران نیروی دریایی ایران بودند که تا سال ۱۳۱۱ در ایران حضور داشتند از آنجمله "سرگرد دوزان و کلنل کنت پیرلوئی ژی دل پراتو" مدتی در خدمت نیروی دریایی بودند.

در پائیز سال ۱۳۱۱ شش ناو به اسامی ببر، پلنگ، شهباز، سیمرغ، کرکس و شاهرخ به سواحل ایران در خلیج فارس نزدیک شدند و در بندربوشهر لنگر انداختند، فرمانده و خدمه این ناوها ایرانی بودند. به این ترتیب نخستین قدم برای تشکیل و برقراری نیروی دریایی جنوب برداشته شد.

برای نگهداری و انجام تعمیرات ناوها، ابتدا در خرمشهر تعمیرگاهی ایجاد شد ولی برای تعمیرات کتی به کراچی و یا سواحل هندوستان اعزام می‌شدند. به منظور رفع این نقیصه یک حوض شناور شش هزار تنی در سال ۱۳۱۳ در بندر امام ساخته شد و برای تقویت کادر درجه‌داران فنی، یک آموزشگاه مهندسی در ناو "هما" ایجاد گردید و پاسگاه‌های دریایی در نقاط مختلف خلیج فارس و در دورترین بنادر به وجود آمد.

پس از آغاز جنگ جهانی دوم و در پی وقایع شوم شهریور ۱۳۲۰ اوضاع نیروی دریایی ایران نیز دگرگون گردید. این جنگ بزرگترین لطمه را به نیروی دریایی وارد ساخت و کلیه ناوهای ایران در شمال و جنوب به وسیله متفقین توقیف و اوضاع این نیرو تا سال ۱۳۲۵ نابسامان گردید.

همان طوری که قبلاً اشاره شد در پائیز سال ۱۳۱۱ شش ناو جنگی وارد آبهای خلیج فارس شدند. این ناوها از ویژگی‌های خاصی برخوردار بودند، موتوردار، مجهز به دستگاه‌های مخابراتی و دارای توپخانه قویتر از ناوهای قدیمی بودند.

نوآوری‌های ناوهای جدید به شرح ذیل بود:^۱
تجهیزات مخابراتی.
توپخانه قویتر مخصوص یگان‌های شناور.
موتورهای غیر ذغال سنگی (نفت سیاه، نفت کوره) در نتیجه سرعت بیشتر و قدرت تحرک بهتر.

سازمان و ترکیب نیروی دریایی ایران در جنوب و شمال تا سال ۱۳۲۰ به شرح ذیل بوده است^۲

نیروی دریایی شمال مرکز بندر انزلی
ارکان نیرو (ستاد فرماندهی، امور اداری، مستحفظان، تعمیرگاه، بهداشتی).
ناوچه‌ها و کرجی‌ها.
ناوچه بابلسر - ۶۰ تنی مجهز به توپ ۴۷ میلیمتری اشکودا و تیربار سنگین ماکزیم و دارای فرستنده و گیرنده.
ناوچه سفید رود - ۶۰ تنی مجهز به توپ ۴۷ میلیمتری
ناوچه گرگان - ۶۰ تنی مجهز به توپ ۴۷ میلیمتری
ناوچه آماد و پشتیبانی نهنگ ۷۰ تنی مجهز به ۲ قبضه توپ ۳۷ میلیمتری
کرجی‌های مسلح رامسر و نوشهر
ناو سلطنتی شهسوار (۶۰۰ تن) بدون جنگ‌افزار.
به طور کلی در شمال یک ناو سلطنتی ۶۰۰ تنی، سه ناوچه ۶۰ تنی یک ناوچه ۷۰ تنی و پنج کرجی موتوری مستقر بودند.

^۱ - تحلیل تاریخی قدرت دریایی ایران - مدیریت مطالعات و تحقیقات نداجا سال ۱۳۷۵ صفحه .

^۲ - فرج ا...، رسائی، کتاب ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها صفحه ۴۲۱.

نیروی دریایی جنوب (مرکز خرمشهر)

ارکان نیرو شامل ستاد فرماندهی، بهداری، آموزشگاه مهنای (در کشتی هما به ظرفیت ۱۰۰۰ تن).

کشتی یدک بر، حوض شناور، تعمیرگاه ثابت، تعمیرگاه متحرک، دو نفت کش.

بنگاه‌های فانوس دریایی در بوشهر و خرمشهر.

تدارکات بندرها، اداره بندری خزل آباد، اداره بندری، بندر امام (بندر شاهپور سابق)

ناوهای نیروی دریایی

دسته یکم

ناو ببر با ظرفیت ۹۵۰ تن مجهز به یک دستگاه فرستنده و گیرنده (موج بلند - متوسط، کوتاه) دو توپ ۱۰۲ میلیمتری دریایی، دو توپ ۷۶ میلیمتری ضد هوایی، دو تیربار سنگین "ماکریم" و ۴۰ قبضه تفنگ برنو.

(۲) ناو شهباز و ناو سیمرخ با ظرفیت ۳۳۰ تن هر یک دارای دستگاه فرستنده و گیرنده (موج بلند، کوتاه و متوسط) دو توپ ۷۶ میلیمتری دریایی، دو تیربار سنگین ماکریم و ۲۰ قبضه تفنگ برنو.

دسته دوم

ناو پلنگ با ظرفیت ۹۵۰ تن دارای دستگاه فرستنده و گیرنده (موج بلند، متوسط و کوتاه) و دو توپ ۱۲۰ میلیمتری دریایی و دو توپ ۷۶ میلیمتری دریایی ضد هوایی و یک مسلسل سنگین ماکریم و ۲۰ قبضه برنو.

(۲) دو ناو کرکس و شاهرخ هر یک به ظرفیت ۳۳۰ تن و هر کدام دارای دستگاه فرستنده و گیرنده (موج متوسط و بلند) و دو توپ ۷۶ میلیمتری دریایی و دو مسلسل سنگین ماکریم و ۲۰ قبضه تفنگ برنو.

دسته سوم

- ارکان دسته ساحلی مستقر در بندر خرمشهر.

- دو گروهان پیاده مستحفظان جزایر مرکزی.

- ناوچه شاهین با ظرفیت ۱۵۰ تن برای باربری و حمل و نقل خواربار، آب، نفت و راهنما.

- کرجی‌های موتوری چلچله، باربری کارون، کُهِف، کرجی چنگر و کرجی سواری فرماندهی.
- کرجی‌های خلیج پیما از شماره ۱ تا ۱۰ که هر یک دارای یک قبضه تیربار سبک بودند.
- کشتی یدک بر با ظرفیت ۳۷۰ تن دارای فرستنده و گیرنده و دو تیربار سنگین.
به طور کلی در جنوب ایران، دو ناو ۹۵۰ تنی، چهار ناو ۳۳۰ تنی، یک کشتی یدک‌کش ۳۷۰ تنی، یک کشتی ۱۰۰۰ تنی هما برای آموزش، یک ناوچه ۱۵۰ تنی، پانزده کرجی موتوری و یک ناوچه آتش نشانی و یک حوض شناور ۶ هزار تنی جهت تعمیر شناورها در بندر امام (شاهپور سابق) مستقر بود.^۱

مشخصات ناوهای ایتالیایی به شرح ذیل می‌باشد^۲

ناوهای ببر و پلنگ داری ۷ نفر افسر و ۷۳ نفر ناوی و مهندسی بودند که برای کلیه افراد محلّ استراحت مناسب پیش‌بینی شده بود.
دو پروانه با ظرفیت ۹۵۰ تن ساخت کارخانه (رئونیستی) بندر پالمو.
طول ۴۰/۶۲ متر.
عرض ۹ متر.
آبخور متوسط ۰۵/۳ متر.
موتور ساخت کارخانه فیات.
قدرت موتور ۲۵۰/۹۵۰ اسب بخار.
حداکثر سرعت ۱۴ گره دریایی، سرعت دریانوردی ۱۰ گره دریایی.
دو توپ ۱۰۲ میلیمتری.
دو توپ ضد هوایی ۷۶ میلیمتری.
دو تیربار سنگین ۷/۶ میلیمتری.
ظرفیت کامل سوختگیری ۸۰ تن.
شعاع عمل دریایی ۴۰۰۰ میل دریایی ولی سازنده ناو مدعی بود که ۹۰۰۰ میل بدون سوختگیری طی می‌کند.

۱ - فرج ا... رسائی، کتاب ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها صفحات ۴۲۴ الی ۴۲۸.

۲ - تحلیل تاریخ قدرت دریائی - مدیریت مطالعات و تحقیقات نداجا صفحه ۱۴۱.

واقع‌ه بندر باسعیدو

در سال ۱۳۱۲ (اواخر خردادماه) ناپلنگ مأموریت یافت که به تمام نقاط ساحلی و جزایر واقع در خلیج فارس سرکشی نماید. ضمن انجام مأموریت فوق‌الذکر به بندر باسعیدو نزدیک می‌شود و سربازان هندی جزیره به تصور این که این ناو یک ناو انگلیسی است پرچم نظامی انگلیس را برافراشتند ولی وقتی که لنگر انداخت، سربازان هندی متوجه اشتباه خود شدند و اقدام به فرار کردند.

سروان فزونی فرمانده ناپلنگ تصمیم گرفت که پرچم ایران را جایگزین پرچم انگلیس نماید و ضمناً چند نفر ناوی به نگهبانی آنجا گماشت.

یک ماه بعد یعنی اواسط شهریورماه دولت انگلیس به دولت ایران اعتراض نمود و دولت ایران که از موضوع بی‌اطلاع بود پوزش خواست ولی پس از چندی مسأله به دیوان داوری لاهه ارجاع و دولت انگلیس طبق رأی دادگاه بنادر ایران را اجباراً تخلیه کرد.

لغات و اصطلاحات جدید در نیروی دریایی^۱

لغات و اصطلاحات جدید

نیروی دریایی

دریایی

دریائیان

دریانورد

ناوبر

ملوان

جاشو

آب باز

کشتی

ناو

ناوچه

لغات و اصطلاحات قدیم

بحریه

بحری، منسوب به دریا

اهل دریا

ناویگاتور

راننده کشتی

ملاح (در کشتی‌های عادی)

جاشو عمه کشتی

غواص - نجات‌دهنده

کشتی به معنی مطلق و اعم

کشتی جنگی به معنی اعم

کشتی کوچک جنگی

^۱ - فرج ا... رسائی، ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها صفحه ۴۷۸ - ۴۷۹.

قایق پاروئی و یا موتوردار	کرجی
قایق بادی دریایی	کرو
کرواز - دوباتای	نبرد ناو
کروازور	رزم ناو
اکسپلوراتور	پی گرد
اکسپلوراسیوان	پی گردی
کشتی زره پوش	زره دار
ضد تورپیور	ناوشکن
تورپیل	اژدر
لانس تورپیل	اژدرانداز
کشتی کوچک دارای توپ	توپدار
تحت البحری	زیردریایی
تابین در قوای بحری، ملاح کشتی جنگی	ناوی
سرجوخه بحری	سرناوی
گروه بان دوّم	مهنای دو
گروه بان یکم	مهنای یک
استوار دوّم	ناو استوار دوّم
استوار یکم	ناو استوار یکم
ستوان ۳ بحری	ناوبان سوّم
ستوان ۲ بحری	ناوبان دوّم
ستوان ۱ بحری	ناوبان یکم
سروان بحری	ناوسروان
سرگرد بحری	ناخدا سه
سرهنگ دوّم بحری	ناخدا دو
سرهنگ بحری	ناخدا یکم
امیرالبحر سوّم	دریادار

تأسیس سازمان‌های جدید / ۱۹۳

دریابان

امیرالبحر دوم

دریاسالار

امیرالبحر یکم

مجموع کشتی‌های جنگی یک دولت (۲ تا ۳ اسکادر) مطابق ارتش ناوگان

ناوبخش

اسکادر (۲ تا ۳ دیویزیون) مطابق سپاه

ناو تیپ

دیویزیون (۲ تا ۳ اسکادریل) مطابق لشکر

ناو گروه

اسکادریل فلویتیل (۲ تا ۳ سکسیون) مطابق تیپ

دسته

سکسیون (۲ کشتی) مطابق هنگ

بخش سوّم - نیروی هوایی

تاریخچه پرواز

اولین هواپیمای مجهز به موتور که موفق به پرواز گردید، مربوط به برادران "رایت" بود این دو برادر توانستند در ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۳ در "کیتی هاوک" امریکا پرواز تاریخی خود را انجام دهند.

در ۱۲ فروردین ۱۳۰۱ روزنامه "ایران" در اخبار منتشره خود خبر می‌دهد که یک فروند طیاره روسی از طریق بندر انزلی به سمت تهران پرواز می‌نماید.

در تیرماه سال ۱۳۰۱ انگلیسی‌ها درخواست اعزام دو فروند هواپیما به تهران را نمودند و حکومت وقت به فکر تخصیص زمین مناسب و مسطحی برای فرود آنها افتاد در نتیجه زمین "قلعه مرغی" را با استفاده از زندانیان شهربانی تسطیح و هموار کردند و محلّ مناسبی برای فرود هواپیماها فراهم نمودند.

در سال ۱۳۰۱ شرکت آلمانی "یونکرس" با ایجاد یک سرویس حمل و نقل هوایی در ایران پروازهایی را بین تهران و بعضی از شهرهای عمده کشور برای حمل مسافر انجام می‌داد. این شرکت از چند فروند هواپیمای "یونکرس، اف ۱۳" استفاده می‌نمود.

دولت ایران در سال ۱۳۰۲ علاوه بر دو فروند هواپیماهای "یونکرس اف - ۱۳" و "یونکرس - آ ۲۰" که توسط اهالی گیلان و مازندران خریداری شده بود چهار فروند هواپیمای دیگر نیز از کشور روسیه خریداری نمود. این هواپیماها عبارت بودند از:

یک فروند دوهاویلاند - ۴

یک فروند دوهاویلاند - ۹ آ

دو فروند آورو

پس از یک سال دفتر هواپیمایی به "هواپیمایی نظامی ایران" تغییر نام داد و در ۱۱ خرداد ۱۳۰۳ "هواپیمایی کل قشون" به عنوان یک سازمان مستقل اعلام شد.

در ۱۳ خرداد ۱۳۰۲ اولین دسته از افسران ایرانی از رسته‌های مختلف ارتش انتخاب و برای تکمیل تحصیلات نظامی به کشور فرانسه اعزام شدند. تعدادی از این افسران "سن سیر"

تأسیس سازمان‌های جدید / ۱۹۵

را به پایان رسانده و تعدادی آموزشگاه خلبانی "ایستر" فرانسه را نیز به پایان رساندند (سرهنگ ۲ نجوان و سروان دفتری، احمد خسروانی از آن جمله بودند).

سرهنگ احمد نجوان اولین فرمانده نیروی هوایی ایران نیز جزو افسران اعزامی بود که پس از بازگشت از فرانسه به این سمت منصوب گردید.

بین سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ پنج فروند هواپیمای دهاویلاند - ۹ روسی و ۷ فروند هواپیما که پنج فروند آن مشقی و دو فروند جنگی بودند از فرانسه خریداری گردید.^۱

در آغاز تأسیس اداره هواپیمایی کل قشون دولت ایران (در سال ۱۳۰۵) مجهز به ۲۰ فروند هواپیمای جنگی و مشقی به شرح جدول زیر بود که از این تعداد دو فروند آن (خارج از رده) و غیر قابل استفاده، ۶ فروند آن تعمیری و ۱۲ فروند آن قادر به پرواز بودند.

ردیف	نوع هواپیما	کشور سازنده	وضعیت	نام	مصرف بنزین در یک ساعت
۱	برکه ۱۹	فرانسه	-	-	۲۷/۲۰ من
۲	برکه ۱۴	فرانسه	تعمیری	-	۲۲ من
۳	برکه ۱۴	فرانسه	تعمیری	-	۲۲ من
۴	دهاویلاند ۴	روسیه	-	قرقی	۱۶/۲۰ من
۵	دهاویلاند ۱۹	روسیه	-	-	۲۲ من
۶	دهاویلاند ۱۹	روسیه	-	-	۲۲ من
۷	دهاویلاند ۱۹	روسیه	شکسته	-	۲۲ من
۸	دهاویلاند ۱۹	روسیه	تعمیری	عقاب	۲۲ من
۹	دهاویلاند ۱۹	روسیه	-	شاهین	۲۲ من
۱۰	یونکرس ۲۰۱	المان	-	کرکس	۱۹/۱۰ من
۱۱	یونکرس ۲۰۱	المان	-	گیلان	۱۹/۱۰ من
۱۲	یونکرس اف ۱۳	المان	-	مازندران	۱۹/۱۰ من
۱۳	یونکرس اف ۱۳	المان	-	هما	۱۹/۱۰ من
۱۴	یونکرس اف ۱۳	المان	-	سیمرغ	۱۹/۱۰ من
۱۵	اسپاد (مشقی)	فرانسه	تعمیری	-	۱۹/۱۰ من
۱۶	اسپاد (مشقی)	فرانسه	تعمیری	-	۱۹/۱۰ من
۱۷	اورو (مشقی)	روسیه	-	کبک	۱۱ من
۱۸	اورو (مشقی)	روسیه	شکسته	تیپو	۱۱ من
۱۹	پوتز (مشقی)	فرانسه	تعمیری	-	۸/۱۰ من
۲۰	پوتز (مشقی)	فرانسه	تعمیری	-	۸/۱۰ من

^۱ - پیشگامان پرواز در ایران، ناشر انتشارات عقیدتی سیاسی نهجا، صفحات ۳۳ تا ۸۸.

میزان مصرف روغن هر هواپیما حدود یک پنجم میزان مصرف بنزین آن می‌باشد.

تأسیس اداره هواپیمایی کل قشون

در فروردین ماه ۱۳۰۵ اداره هواپیمایی کل قشون با ۲۰ فروند انواع هواپیماهای جنگی و آموزشی عملاً فعالیت رسمی خود را آغاز و در مهرماه ۱۳۰۷ دارای دو گردان عملیاتی و یک گروه مستقل تعلیماتی بود. در سال ۱۳۱۰ بیست فروند هواپیمای مشقی از نوع تایگر موس که از بهترین هواپیماهای تعلیماتی بود، به کارخانه سازنده انگلیس سفارش داده شد و هواپیماهای مذکور در آبان سال ۱۳۱۱ به وسیله کشتی به بندر خرمشهر انتقال داده شدند. هیأتی مرکب از عده‌ای خلبان و مکانیسین جهت آماده کردن، آزمایش پرواز و انتقال هواپیماهای جدید عازم جنوب شدند. پنج فروند از این هواپیماها در روز ۱۲ آذر ۱۳۱۱ به وسیله خلبانان ایرانی از اهواز پرواز و هم زمان به تهران رسیدند و مابقی در سه مرحله تا بهمن ماه به تهران پرواز کردند.

کمپانی هواپیماسازی "دوهاویلاند" انگلیس یک نفر از متخصصین فنی خود موسوم به "مستر جونس" را به ایران اعزام کرد که نامبرده پس از خاتمه مأموریت، به استخدام قوای هوایی ایران در آمد.

در اواخر سال ۱۳۱۱، قوای هوایی ایران ده فروند هواپیمای (آر - ۵) از روسیه خریداری نمود و اولین فروند آن به وسیله خلبان ایرانی از مسکو به تهران پرواز کرد و روز نهم خرداد ۱۳۱۲ در فرودگاه قلعه مرغی فرود آمد.

۹ فروند دیگر به وسیله کشتی به بندر انزلی رسید و در پنج مرحله به وسیله خلبانان ایرانی به تهران پرواز کردند و در اختیار فوج نمره «۱» قوای هوایی ایران قرار گرفتند.^۱

راه اندازی مراکز آموزشی و خدماتی قوای هوایی

- تأسیس بهداری - در دیماه ۱۳۱۰.

- تأسیس مدرسه مکانیکی - از اوّل شهریور ۱۳۱۰ یک مدرسه مکانیکی در قلعه مرغی تأسیس شد که بعدها تحت عنوان هنرستان نظامی به دوشان تپه انتقال یافت و اولین دوره آن دارای سی هنرآموز غیرنظامی واجد شرایط بود.

^۱ - همان - صفحات ۱۶۵ تا ۲۱۰.

تأسیس سازمان‌های جدید / ۱۹۷

- تأسیس مدرسه خلبانی - در شهریور ۱۳۱۱ مدرسه خلبانی تأسیس شد و ۱۴ نفر از اولین سری فارغ‌التحصیلان آن با درجه نایب دومی به جمع خلبانان هوایی پیوستند. دوره دوم ۱۸ نفر فارغ‌التحصیل داشت. بعداً این مدرسه به هنرستان خلبانی و بالاخره به آموزشگاه خلبانی تغییر نام داد.

- مدرسه دیدبانی هوایی - از اول دیماه ۱۳۱۲ مدرسه دیدبانی هوایی که دوره آن یکسال بود با شرکت ۱۸ نفر تشکیل گردید که دوره را در آبان ۱۳۱۳ به پایان رسانیدند بعداً مدرسه دیدبانی به دانشکده دیدبانی تغییر نام داد.

- تأسیس دانشکده فنی هوایی - در فروردین ماه ۱۳۱۵ در دوشان تپه تشکیل شد دوره آن دو سال بود و هنرجویان آن با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل می‌شدند اولین دوره این دانشکده دارای ۲۷ دانشجو بود که در فروردین ۱۳۱۷ دوره آموزشی را به پایان رسانیدند.

- آموزشگاه افزارمندی - در سال ۱۳۱۶ به منظور تأمین افزارمند مورد نیاز جهت انجام وظیفه در امور فنی کارخانجات شهباز، یک آموزشگاه افزارمندی تأسیس گردید که به موازات آموزشگاه فنی افراد افزارمند را تعلیم می‌داد.

سازمان قوای هوایی ایران در آغاز سال ۱۳۱۳

در آغاز سال ۱۳۱۳ سازمان جدید قوای هوایی ایران تشکیل شد که شامل :

- ارکان حرب قوای هوایی (رکن یکم، رکن دوم، رکن سوم) در بین ارکان مذکور رکن دوم از همه مهم‌تر و دارای چهار شعبه با وظایف سنگین بود.

- واحدهای تابعه قوای هوایی:

فوج نمره ۱

شعبه اطلاعات

قسمت عکاسی

گروه ارتباط و بی سیم

شعبه نقلیه

سه گردان عملیاتی (گردان رابط، گردان صیادی (شکاری)، گردان دیده بانی و

بمباران مرکب از پنج گروه)

فوج نمره ۵

این فوج از یک سازمان آموزشی که همان مدرسه خلبانی بود تشکیل شده و در تاریخ ۱۳۱۳ نام این فوج به مدارس خلبانی تبدیل گردید؛ شامل :

دفتر آجودانی

گروه تمرینات خلبانی

شعبه تعلیمات

قسمت نقلیه

پارک تعمیرات

قسمت فنی که از پارک مرکزی، کارخانه‌ها و شعباتش و مدرسه مکانیکی تشکیل می‌شد.

خرید هواپیماهای آداکس

در اسفندماه سال ۱۳۱۲ هواپیمای "آداکس" ساخت کارخانه "هاوکر" انگلیسی خریداری و به وسیله کشتی وارد بندر خرمشهر شد. سری اول این نوع هواپیما شامل سی فروند "آداکس" مجهز به موتور "هورنت" بود. این هواپیما مجهز به یک قبضه مسلسل ثابت برای تیراندازی به سمت جلو و یک قبضه مسلسل نیز در برجک کابین عقب سوار می‌شد و مقرهایی برای حمل و پرتاب چهار بمب ۲۰ پوندی و یا دو محموله تدارکاتی ۱۱۲ پوندی نیز در زیر بالش تعبیه گردیده بود.

فیوری "اولین هواپیمای شکاری یک نفره

هواپیما (فیوری) در دو سری مختلف خریداری شد، اولین سری آن ۱۶ فروند، سری دوم آن ۶ فروند که مجهز به موتور ستاره‌ای شکل "هورنت" بود و به دلیل استفاده از موتور مزبور با انواع دیگر هواپیماها تفاوت چشمگیری داشت.

در سال ۱۳۱۳ ایران سفارش تعداد بیشتری از هواپیماهای "فیوری" را داد و نمونه‌های مجهز به موتور مرکوری را که از قابلیت و توانایی بیشتری برخوردار بودند انتخاب نمود. با به خدمت گرفتن این هواپیما، اولین واحد شکاری قوای هوایی ایران تشکیل شد. این هواپیما، به مسلسل‌هایی تجهیز شده بودند که از وسط ملخ هواپیما تیراندازی می‌کردند و در نتیجه دقت هدف‌گیری بسیار خوبی داشتند.

تأسیس سازمان‌های جدید / ۱۹۹۱

اولین دستگاه بی سیم در تاریخ ۷ مهر ۱۳۱۳ روی یک فروند هواپیمای نظامی در ایران سوار شد. این هواپیما از نوع "آدکس" بود. بدین ترتیب خلبانان یا سرنشینان آنها حین پرواز توانستند با کارکنان زمینی ارتباط برقرار کنند.

کارخانجات هواپیمایی شهباز

ماشین آلات کارخانه هواپیمایی که ابتدا واحد فنی مستقلی در کادر سازمان‌های تابعه قوای هوایی بود و بعدها تحت عناوین و یا زیر نظر سازمان‌هایی نظیر (پارک مرکزی، تیپ فنی، آمادگاه هوایی) اداره می‌شد. ولی پس از خرید کارخانه هواپیمایی به آن نام شهباز داده شده و کلیه واحدهای فنی در آنجا متمرکز گردید و کارخانه هواپیمایی شهباز در سازمان فرماندهی آماد و پشتیبانی نیروی هوایی قرار گرفت و در سال ۱۳۱۴ نصب و برای بهره‌برداری آماده گردید. تجهیزات این کارخانه به منظور انجام تعمیرات اساسی و سوار کردن قطعات هواپیماهای مختلف در سال ۱۳۱۲ از انگلستان خریداری شد. این کارخانه علاوه بر تعمیرات اساسی با استفاده از قطعات و مواد اولیه مورد لزوم موفق شد تا قبل از سال ۱۳۲۰ تعداد قابل ملاحظه‌ای هواپیمای مشقی و جنگی ساخته و تحویل نیروی هوایی دهد. (از انواع هواپیماهای تایگرموس، آدکس و هاینده) در اول مرداد ۱۳۱۷ نخستین سری از هواپیماهای ساخت این کارخانه به پرواز درآمد. برنامه ساخت هواپیما توسط این کارخانه تا سال ۱۳۱۸ فعال بود ولی از این تاریخ به بعد به سبب بروز جنگ جهانی و نرسیدن مواد اولیه، اجرای برنامه با مشکلات جدی مواجه گردید.

نخستین عنوان "نیروی هوایی"

از تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۱۴ طبق ماده ۱ حکم شماره ۲۳۶۶ عنوان "قوای هوایی" به "نیروی هوایی" تغییر یافت و رسماً ابلاغ گردید.

هنگ هوایی مرکز (قلعه مرغی) شامل سه گردان، چهار گروه اکتشافی، دو گروه شکاری جمعاً مجهز به ۲۱ فروند هواپیما بود.

هنگ هوایی تبریز در سال ۱۳۱۷ تشکیل شد و دارای دو گردان، سه گروه اکتشافی، یک گروه شکاری از هواپیماهای (آدکس، هورنک و تایگرموس) و جمعاً ۲۱ فروند هواپیما بود.

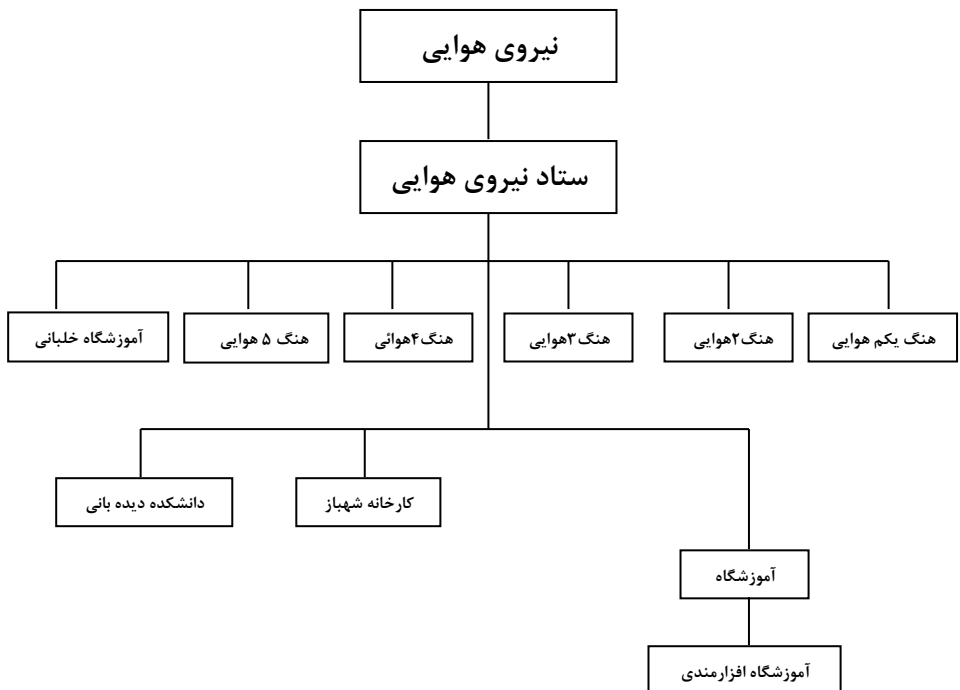
هنگ ۳ اهواز در سال ۱۳۱۵ تشکیل شد و دارای تعدادی هواپیماهای (آدکس و تایگرموس) بود. سازمان هنگ شامل دو گردان، سه گروه اکتشافی، یک گروه شکاری و تعداد ۲۷ فروند هواپیما بود.

هنگ ۴ مشهد در اسفند ۱۳۱۴ تشکیل شد. سازمان این هنگ دارای دو گردان و سه گروه اکتشافی بود و هواپیماهای آن از نوع اداکس و تایگرموس بود.

هنگ ۵ بمباران که با دو فروند هواپیمای دو موتوره آکسفورد تأسیس گردید.

در سال‌های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ تعدادی هواپیمای دو موتوره از نوع "آکسفورد" وارد خدمت نیروی هوایی گردیدند "هایند" یک هواپیمای دو نفره بود و در عملیات گوناگون به عنوان هواپیمای شکاری، بمب افکن و اکتشافی می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد و نیز برای آموزش رزمی خلبانان به کار گرفته می‌شد.

هواپیمای "آکسفورد" انگلیسی ساخت شرکت، ایراسپید نیز اولین هواپیمای دو موتوره نظامی به شمار می‌رود که در یگان‌های هوایی ایران به کار گرفته شد. این هواپیما به کلیه وسایل ناوبری بی‌سیم، چهار بمب ۱۰۰ پوندی و یک دستگاه مسلسل مجهز بود.



فصل نهم

ایران در جنگ جهانی دوّم

بخش یکم: علل جنگ جهانی دوّم

علل جنگ

تحقیر آلمان در معاهده ورسای در سال ۱۹۱۹.
تلاش آلمان برای رسیدن به سرحدات سال ۱۹۱۴.
توانایی‌های جنگی آلمان.
مصالحه انگلیس و فرانسه درمورد تجاوزات آلمان به کشورهای اروپایی که موجب ترغیب هیتلر گردید.
گسترده‌ی مستعمرات کشورهای اروپایی در مناطق مختلف جهان.

وقایع مهمی که در جریان جنگ جهانی دوّم رخداد

اتحاد آلمان و اتریش در سال ۱۹۳۴.
حمله آلمان به لهستان، در سپتامبر ۱۹۳۹ و همزمان تصرف قسمتی از شرق لهستان توسط روس‌ها.
حمله آلمان به بلژیک در سال ۱۹۴۰ و سپس تصرف هلند، فرانسه و سقوط پاریس.
حمله هوایی آلمان به شهر لندن که باعث کشته شدن ۱۴ هزار نفر از اهالی آن شهر گردید.
تغییر جهت آلمان به شرق اروپا و حمله به شوروی در سال ۱۹۴۱.
جنگ دریایی آلمان بر علیه ناوهای جنگی انگلیس.
حمله ژاپن به جنوب شرقی آسیا.
حمله ژاپن به پایگاه دریایی امریکا در (پرل هارلر) واقع در جزایر هاوایی در دسامبر ۱۹۴۱.

وقایع قبل از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰

روز اوّل سپتامبر سال ۱۹۳۹ (دهم شهریور ۱۳۱۸) نیروهای آلمان هیتلری به لهستان حمله بردند و در مدت ۱۴ روز با یک حمله برق آسا خاک این کشور را تصرف نمودند. شوروی هم از این موقعیت استفاده نمود و شرق لهستان را اشغال کرد.

ایران در تاریخ (۱۳ شهریور ماه ۱۳۱۸) اعلام بیطرفی نمود و شاه ایران بدون داشتن یک خط مشی سیاسی دقیق با نگرانی زیادی اوضاع جنگ را دنبال می نمود.

مذاکرات آلمان و شوروی در ۱۲ نوامبر (۲۱ آبان) آغاز شد و ریبن تروپ وزیر امور خارجه آلمان به همتای خود مولوتوف اطمینان داد که « شکست انگلستان قطعی است و این کشور سرانجام دیر یا زود به شکست خود اذعان خواهد کرد » سپس نظرات هیتلر را پیرامون "مناطق نفوذ" تشریح کرد.

ریبن تروپ با اشاره به توسعه آلمان و ایتالیا و ژاپن در جهت جنوب، مناسب ترین راه وصول شوروی به دریای آزاد را خلیج فارس و دریای عمان دانست. استالین طرح پیمان چهارجانبه را مورد بررسی قرار داد و با الحاق نکاتی چند در باب فنلاند و داردانل آن را پذیرفت.

مقامات شوروی با آن که هنوز در مورد پیشنهاد خود پاسخی از هیتلر دریافت نداشته بودند، به تهیه تدارکات لازم جهت پیشروی در خاک ایران مشغول بودند. طرح عملیاتی ستاد فرماندهی شوروی در ماه مارس (اسفند ۱۳۱۹) تکمیل شد. بر اساس این طرح قرار بود نیروهای ارتش سرخ از ده نقطه از آسیای میانه و قفقاز به ایران هجوم آورند.

محور اصلی این تجاوز جاده جلفا - تبریز - تهران بود. ستون های دیگری نیز در کنار محور اصلی مسیرهای ارومیه و کرانه های دریای خزر را تحت پوشش قرار می دادند. علاوه بر آن بندر انزلی نیز به وسیله یک حمله آبی خاکی تصرف می شد و نیروهای مستقر در آسیای میانه از طریق گرگان راهی تهران می شدند و از طریق عشق آباد به سوی مشهد پیشروی می کردند و در نهایت مسیر پیشروی به سوی مناطق جنوبی ایران یعنی خلیج فارس در نظر گرفته شده بود.^۱

^۱ - ریچارد ۱- استوارت ، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات معین ، صفحه ۳۰ الی ۵۰.

ایران در جنگ جهانی دوم / ۲۰۳

در این میان رضاشاه نیز اقدامات دفاعی کشور را تحت بررسی داشت و همچنان که بهار ۱۳۲۰ نزدیک می‌شد، مسأله جدی‌تر می‌گردید. شاه از شورای عالی جنگ خواست که طرحی برای اقدامات دفاعی در جهت مقابله با تهاجم احتمالی شوروی تهیه کنند. به عقیده سرلشکر حسن ارفع مرزهای شمالی ایران قابل دفاع نبود لذا وی توصیه کرد که تدارکات نظامی و نیروهای کشور در بخش‌های کوهستانی و صعب‌العبور مرکزی و جنوبی ایران متمرکز گردند. اما سرتیپ علی رزم‌آرا معتقد بود که ارتش ایران باید فقط در مرزهای شمالی متمرکز شود. در آن صورت روس‌ها مجبور می‌شوند برای عبور از مرز با ارتش ایران درگیر شوند. شاه طرح رزم‌آرا را پذیرفت.

ستاد فرماندهی ارتش سرخ در اسفند ماه ۱۳۱۹ برنامه‌ریزی‌های لازم را برای مانورهای گسترده‌ای که قرار بود ارکان ستاد و فرماندهی مناطق نظامی ماوراء قفقاز و آسیای میانه در ماه اردیبهشت ۱۳۲۰ انجام دهند آغاز کرد. در ۵ خرداد ماه نیروهای شوروی با ورود واحدهایی از سبیری بیش از پیش تقویت شدند. در این بین در عزم و اراده انگلیسی‌ها برای مقابله با پیشروی نیروهای شوروی و یا آلمان به سوی خلیج فارس تغییر حاصل نشده بود. لذا سه لشکر از نیروهای هندی (لشکرهای ششم، هشتم، دهم) برای مقابله با تهاجم روس‌ها آماده شده و به سمت بصره در حرکت بودند تا از عراق و حوزه‌های نفتی جنوب ایران دفاع نمایند.

در (۲ آوریل ۱۹۴۱ - ۱۲ فروردین ۱۳۲۰) رشید عالی گیلانی با کمک آلمانی‌ها در عراق کودتا نمود و دولت جدید خود را معرفی کرد.

نیروهای تقویتی انگلیسی در ۳۱ اردیبهشت از طریق اروندرود در بصره پیاده شدند و در ۷ خرداد پیشروی قوای انگلیس به سوی بغداد آغاز شد و در تاریخ ۱۰ خرداد رشید عالی گیلانی و مفتی اعظم فلسطینی و همراهانشان با اتومبیل به سوی مرز ایران گریخته و پناهنده شدند.

در نیمه شب ۲۱ ژوئن ۱۹۴۱ مصادف با ۳۱ خرداد سال ۱۳۲۰ ارتش آلمان از مرزهای لهستان عبور نمود و نیروهای ضربتی آلمان بر پل‌ها و معابر مرزی هجوم آورده راه را برای واحدهای زرهی هموار می‌کردند. بیش از یک میلیون سرباز قوای محور در جبهه‌ای که از دریای بالتیک تا دریای سیاه امتداد داشت، بزرگ‌ترین تهاجم تاریخ را آغاز کردند. صدها

هواپیمای جنگی شوروی در زمین و هوا نابود شد، اغتشاش و سرگردانی عمومی بر کل نیروهای ارتش سرخ که در امتداد مرز مستقر بودند حکم فرما گشت.

تعرض آلمان به شوروی برای ایران نتایج مهمی را به دنبال داشت، زیرا این تجاوز باعث شد احتمال تعرض و رویارویی که سال‌ها روس و انگلیس را بر سر ایران از یکدیگر دور نگه داشته بود، از میان برداشته و مجدداً آنها را متحد نماید.

وینستون چرچیل از شوروی به عنوان یک قدرت متحد نام برد و طی پیامی برای مردم بریتانیا اعلام داشت "هیچکس بیش از من مستمراً با کمونیست مخالف نبوده است، حتی یک کلمه نیز از آنچه در این باب گفته‌ام عدول نمی‌کنم ولی تمام این مسائل در برابر تصویری که اینک پیش رویمان گشوده می‌شود رنگ باخته است. گذشته با تمام جنایات و خط‌ها و مصائبش، از دیده نهان می‌گردد... فقط یک هدف و یک مقصود برگشت‌ناپذیر داریم... نابودی هیتلر و تمام آثار نظام نازی... بنابر این خطری که روس‌ها را تهدید می‌کند، خطر برای ما و خطر برای ایالات متحده امریکا است"

در پی یورش آلمان به اتحاد شوروی دولت‌های انگلیس و شوروی به اهمیت خطری که از ناحیه اتباع آلمانی مقیم ایران وجود داشت، پی بردند.^۱

اسمیرنوف سفیر شوروی در ایران در پنجم تیرماه ۱۳۲۰ اعتراض خود را در مورد پناه دادن به آلمانی‌ها در ایران طی یادداشتی به وزارت امور خارجه اعلام نمود.

مردم ایران از حمله آلمانی‌ها به کشور روسیه شادمان بودند و این که ممکن است ایرانیان قربانی جهانگشایی هیتلر شوند به هیچ وجه مطرح نبود زیرا آنها در مقاطع مختلف

۱ - سپهبد باقری کاظمی، کتاب تاریخ پنجاه سال نیروی زمینی صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸. تعداد کارکنان و کارشناسان خارجی را در شهریور ۱۳۲۰ که از ملل مختلف در ایران مشغول کار بودند ۴۴۷۰ نفر به شرح زیر نوشته است:

۱- اتباع دولت انگلیس - ۲۵۹۰ نفر

۲- اتباع دولت آلمان - ۶۹۰ نفر

۳- اتباع دولت روس - ۴۹۰ نفر

۴- اتباع دولت ایتالیا - ۳۱۰ نفر

۵- اتباع دولت چکسلواکی - ۱۸۰ نفر

۶- اتباع دولت یوگسلاوی - ۱۴۰ نفر

۷- اتباع دولت سوئیس - ۷۰ نفر

جمع ۴۴۷۰ نفر

تاریخ از همسایه شمالی خود لطمه خورده بودند. ستاد ارتش انگلیس و وزارت جنگ ایالات متحده، معتقد بودند که مقاومت ارتش سرخ در برابر آلمانی‌ها در عرض شش هفته تمام خواهد شد. ولی پرزیدنت روزولت معتقد بود اگر روس‌ها بتوانند تا ماه اکتبر به مقاومت خود ادامه دهند، زمستان سخت روسیه، پیشروی آلمان‌ها را به تعویق خواهد انداخت و در خلال این مدت آمریکا کمک‌های نظامی خود را به شوروی ارسال خواهد نمود، ولی متفقین برای کمک به شوروی در جستجوی یک محور تدارکاتی مطمئن بودند لذا ایران را بهترین راه برای ارسال کمک‌های خود تشخیص دادند.

راه‌های دیگری چون بندر ولادی وستک و آرخانگل وجود داشت ولی از نظر استالین، هر یک دارای مشکلاتی بود، اولی تحت محاصره دریایی ژاپن و دومی در شمال روسیه واقع شده که نیمی از سال یخبندان بود.

رضاشاه از انگیزه‌های اصلی شوروی و انگلیس بی‌خبر بود. ولی امیدوار بود اقدامات ناچیزی که بر ضد آلمانی‌ها به عمل می‌آورد موجب رضایت متفقین شود. با توجه به مخالفت دیرینه انگلیسی‌ها با دخالت روس‌ها در شمال ایران، فکر نمی‌کرد این دو کشور تدارک یک حمله مشترک به ایران را دیده باشند. لذا بدین جهت در آغاز با هرگونه نقل و انتقال نیروهای نظامی مخالفت می‌کرد. ولی چندی بعد با تمرکز نیرو در امتداد محور نفوذی کرمانشاه موافقت کرد و سرلشکر حسن مقدم، فرمانده لشکر پنجم کردستان نیز به سمت فرماندهی نیروهای مستقر در غرب منصوب شد وی با تعدادی از واحدهای دیگر تحت فرماندهیش به کرمانشاه اعزام شد در روزهای آخر ژوئیه ۱۹۴۱ (۸ مرداد ماه - ۱۳۲۰) ساختار نیروهای منطقه نظامی ماوراء قفقاز به نحوی اساسی تجدید سازمان یافته بود. یک سپاه مکانیزه و سه سپاه پیاده به فرماندهی ارتشبد دمیتری کوزلوف در منطقه نظامی آسیای میانه، ارتش‌های چهل و پنجم و چهل و ششم در امتداد مرزهای ترکیه مستقر شدند و ارتش‌های چهل و چهارم و چهل و هفتم در جبهه ماوراء قفقاز در امتداد مرزهای ایران و شوروی استقرار یافتند. برابر گزارشی که به آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس داده بودند، نیروهای ارتش سرخ مستقر در مرزهای شمالی ایران ده برابر نیروهای بریتانیا در عراق بود. این نیرو در اواخر مرداد آماده برای اجرای عملیات تهاجمی بود. در این زمان نیروهای نظامی بریتانیا در عراق موضع تهاجمی اختیار کرده و آماده عملیات شدند. ژنرال هاروی و ستاد عملیاتی او در ۱۳

مرداد وارد بصره شدند. لشکر نهم هندی تحت فرماندهی او قرار داشت. ناو ۱۲۰۰۰ تنی کانیمبلا وارد بصره شده و برای عملیات بندر امام(شاهپور) در نظر گرفته شده بود در ملاقاتی که هاپکینز نماینده شخصی پرزیدنت روزولت درمسکو با استالین داشت، پرده سکوت استالین کنار زده شد و به فرستاده دولت امریکا اطمینان داده بود که به محض فرا رسیدن زمستان خطوط جبهه حول محوری به طول ۱۰۰ کیلومتر تثبیت خواهد شد اما هشدار داد که نتیجه ادامه عملیات در بهار سال آینده تا حدود زیادی به چگونگی تجهیز ارتش سرخ از طریق امریکا بستگی دارد و بهترین مسیر ارسال تدارکات جنگی را از راه ایران دانست. اینک دولت‌های انگیس و شوروی مصمم شده بودند که راهبرد سیاسی و نظامی خود را در قبال ایران به مرحله اجرا در آورند.

آخرین هماهنگی را نخست وزیر انگلیس چرچیل در باره اشغال ایران با روزولت در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۲۰ در سواحل نیوفاوندلند به‌عمل آورد. روزولت موافقت خود را رسماً در رسانه‌های جهان اعلام ننمود ولی بعدها به نام "منشور آتلانتیک" معروف شد که به نوعی حاکمیت ایران را تضمین می‌کرد.

نکات مهم منشور آتلانتیک که از طریق روزولت و چرچیل صادر شد به شرح ذیل بود

- هیچیک از دو کشور طالب هیچگونه تملک ارضی نمی‌باشند.
 - هر دو کشور مخالف هرگونه تغییرات مرزی می‌باشند.
 - هر دو کشور حق هر ملت را در انتخاب حکومتی که مایل است محترم می‌شمارند.
- در ساعت چهار بامداد روز دوشنبه سوّم شهریور سفرای دولّین انگلیس و شوروی در منزل علی منصور با وی ملاقات نموده و هر یک یادداشت جداگانه‌ای تسلیم نخست وزیر کردند که در آن شدیداً از فعالیتّ اتباع آلمان در ایران ابراز نگرانی شده بود و شفاهاً هم توضیح دادند که چون دولت ایران به یادداشت‌های مورخه ۲۸ تیرماه و ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ در باره اخراج اتباع آلمان در ایران توجّهی ننموده است و تذکرات دولّین متبوعه ما را با حسن

ایران در جنگ جهانی دوم / ۲۰۷

نیت تلقی ننموده است، ناچار قوای زمینی و دریایی و هوایی ما وارد خاک ایران خواهند شد و آنها را از ایران اخراج خواهند کرد.^۱

چرچیل نخست وزیر انگلستان در جلد سوم کتاب خاطرات جنگ جهانی درباره حمله به ایران از منافع سوق الجیشی این اقدام توضیحی به شرح ذیل داده است:

" بدین گونه عملیاتی که از طرف نیروهای کثیر ما بر ضد یک کشور ضعیف و قدیمی آغاز شده بود پایان یافت و چون انگلستان و روسیه برای حفظ موجودیت و حیات خود جنگ می کردند لذا در چنین جنگی هر عملی جایز است."

علل اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰

- استفاده آلمان از احساسات ضد استعماری ملل شرق بر علیه متفقین.
- کودتای عراق به رهبری رشید عالی گیلانی و کمک آلمانی‌ها.
- ضعف در سیاست خارجی ایران و عدم تصمیم‌گیری به موقع.
- حضور عده زیادی آلمانی در ایران و تشکیل پایگاه بر علیه متفقین.
- ایران مطمئن‌ترین راه مواصلاتی جهت کمک به روس‌ها با توجه به راه آهن سرتاسری جنوب به شمال بود.
- حمله آلمان به روسیه که موجب اتحاد روسیه، انگلیس، فرانسه و در نهایت امریکا گردید.
- عدم توانایی ارتش ایران در مقابل دو ابرقدرت روس و انگلیس.

^۱ - حسین مکی ، تاریخ بیست ساله ایران جلد هفتم انتشارات علمی صفحه ۱۱۳-۱۱۴.

بخش دوم : نیروهای متفقین در تهاجم سوّم شهر یور به ایران

ارتش اتحاد جماهیر شوروی

نیروی دریایی

فرماندهی عملیات آبی خاکی حمله به بندر انزلی به عهده دریابان (ف.س.سد لنیکوف) بود وی برای انجام این مأموریت تجهیزات و وسایل زیر را در اختیار داشت: سه ناوچه توپدار ۷۵۰ تنی به نام‌های داغستان، مارکین، رابوچی. دو ناوچه توپدار ۷۰۰ تنی به نام‌های لنین، آذربایجان. یک ناو ۱۰۰۰ تن به نام سرگئی ارجو نیکیدزه. سه آتشبار شناور ضد هوایی. چهار قایق گشتی، سه کشتی بیمارستانی، قایق‌های تعقیب زیردریایی و اژدرانداز. مأموریت ناوگان دریایی خزر پیاده کردن هنگ صدو پنجم پیاده کوهستانی و یک گردان توپخانه از لشکر هفتاد و هفتم پیاده کوهستانی در کرانه‌های بندر انزلی بود.

نیروی زمینی

جبهه ماوراء قفقاز

فرماندهی عملیاتی گروه ارتش‌های جبهه ماوراء قفقاز به عهده سپهبد دیمتری کوزلوف بود که یگان‌های ذیل تحت امر این قرارگاه بودند. - ارتش چهل و چهارم به فرماندهی سرلشکر آ - آ - هادی اف.

لشکر ۷۷ پیاده نظام کوهستانی

لشکر ۲۷۶ پیاده نظام کوهستانی

لشکر ۳۲۴ تفنگدار کوهستانی

لشکر ۲۳۹ تفنگدار کوهستانی

لشکر ۱۷ سوار نظام کوهستانی

ایران در جنگ جهانی دوم / ۲۰۹

یگان‌های فوق قسمتی از ارتش چهل و چهارم را تشکیل می‌دادند که در منطقه لنکران متمرکز شده و مأموریت داشتند پس از تصرف آستارا از طریق بندر انزلی، رشت و قزوین وارد تهران شوند.^۱

سپهبد کوزلوف فرماندهی محور اصلی حمله را به سرلشکر ایوانویچ تولبوخین محول نمود. ژنرال تولبوخین مرکز فرماندهی خود را در شهر نخجوان در نزدیکی مرز ایران مستقر ساخت و به نیروهای خود گفته بود که به استناد ماده ۵ عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی، ایران را از عوامل هیتلری که در امتداد مرزهای جنوبی شوروی فعالیت دارند پاکسازی می‌کنیم. در این میان ژنرال تولبوخین بدون جلب توجه و در نهایت اختفاء، نیروهای مکانیزه خود را در امتداد مرز مستقر ساخت. - ارتش چهل و هفتم به فرماندهی سرلشکر واسیلی واسیلویچ نوویکوف رهبری محور اصلی و تهاجم اولیه را در مسیر جلفا، مرند، تبریز، میانه، زنجان، قزوین و تهران به عهده داشت که یگان‌های ذیل تحت امر این قرارگاه بودند.

لشکر ۶ زرهی

لشکر ۵۴ زرهی

لشکر ۶۳ پیاده نظام کوهستانی گرجی

لشکر ۷۶ پیاده نظام کوهستانی ارمنی

لشکر ۲۳۶ پیاده

لشکر ۲۴ سوار

نیروی معادل ۴۰۰۰۰ نفر و متجاوز از ۱۰۰۰ دستگاه تانک، با رهبری ژنرال نوویکوف که یکی از مجرب‌ترین فرماندهان زرهی ارتش سرخ محسوب می‌شد در این عملیات شرکت داشتند، طرح نوویکوف برای حمله به ایران از سه جهت انجام می‌گرفت:

- لشکرهای ۶ و ۵۴ زرهی، لشکر ۷۶، لشکر ۲۴ سوار در محور تبریز تهران.

- لشکر ۶۳ در محور پل دشت، خوی، ارومیه به سوی کردستان.

- نیروی محدودی به استعداد یک هنگ برای استقرار در نواحی مرزی ایران و ترکیه به

سوی غرب پیشروی کرده و در ماکو مستقر می‌گردید.

^۱ - ریچارد استوارت، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰ ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات معین صفحه ۱۳۳ - ۱۳۴.

گروه عملیاتی ژنرال تولبوخین از پشتیبانی هوایی چشمگیری برخوردار بود. منطقه نظامی ماوراء قفقاز ۴۰۹ فروند هواپیمای رزمی از جمله بمب افکن‌های سنگین در اختیار داشت. ارتش چهل و چهارم دارای چهار هنگ جنگنده بود که در آن تعداد ۷۲ فروند هواپیمای بمب افکن وجود داشت.

جبهه آسیای میانه

فرماندهی عملیات منطقه آسیای میانه به عهده سپهبد سرگئی تروفیمنکو بود، قرارگاه ارتش پنجاه و سوم مستقل آسیای میانه در عشق آباد مستقر گردید. ارتش پنجاه و سوم شامل یگان‌های زیر بود:

سپاه ۵۸ پیاده (لشکر ۶۸ پیاده نظام - لشکر ۳۹ سوار نظام)

سپاه ۴ سوار (لشکر ۱۸ سوار نظام - لشکر ۴۴ سوار نظام)

لشکر ۲۰ سوار نظام

لشکر ۸۳ پیاده نظام کوهستانی.

حمله تروفیمنکو در سه محور انجام می‌شد:

- سپاه ۵۸ پیاده به فرماندهی سرلشکر گریگوریوویچ از طریق محور گرگان، سمنان به سوی تهران.

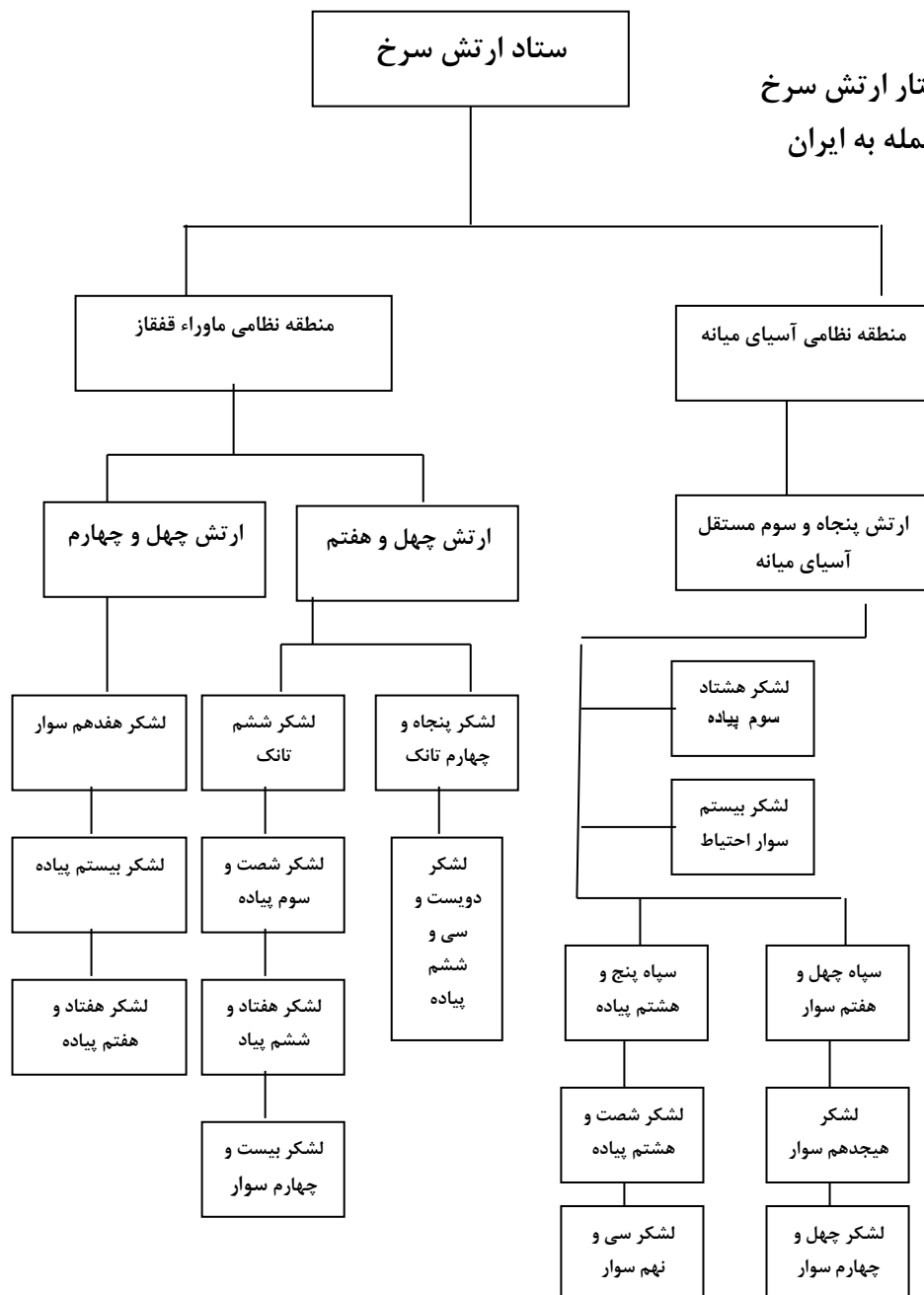
- لشکر ۸۳ پیاده به فرماندهی سرهنگ آ - آ - لوچینسکی از عشق آباد - قوچان به سوی مشهد.

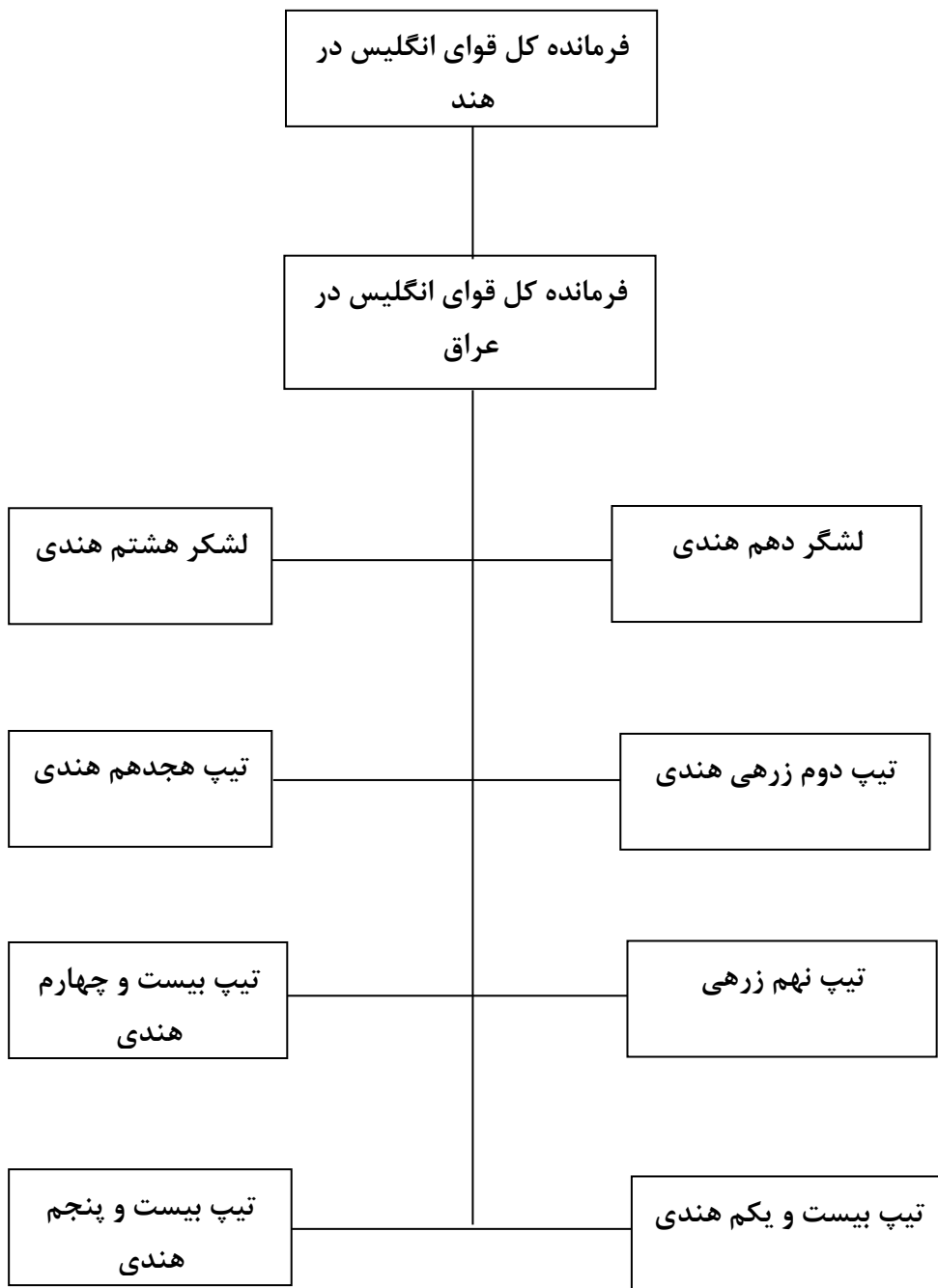
- سپاه ۴ سوار به فرماندهی سپهبد ت - ت - شاپکین از سرخس به سوی مشهد.

در اواخر مرداد ماه سال ۱۳۲۰ نیروی زمینی ارتش شوروی به استعداد ۱۲۰ هزار نفر و ۱۰۰۰ تانک برای تهاجم به ایران آماده شد که شامل یگانهای تفنگدار، موتوریزه، تانک، توپخانه، مهندسی، پدافند هوایی و پشتیبانی هوایی بودند. نیروی دریایی شوروی نیز از ناوگان دریایی جهت پیاده کردن نیرو در بندر انزلی استفاده کرد. به طور کلی تجاوز نیروهای شوروی از جبهه‌های شمالی و شمال غربی ایران صورت گرفت.

تلاش اصلی نیروهای شوروی در منطقه آذربایجان و به ویژه محور جلفا، مرند و تبریز بود و در سایر قسمت‌های شمالی ایران مانند خراسان و کرانه‌های دریای مازندران یک سلسله عملیات آفندی برای تصرف نقاط حساس و مراکز پر جمعیت در شهرها انجام شد.

ساختار ارتش سرخ
در حمله به ایران





ارتش انگلیس

نیروی زمینی

ستاد فرماندهی ارتش بریتانیا در نظر داشت که مناطق نفت خیز ایران را در مقابل آلمانی‌ها حفاظت نماید، لذا به غیر از تصرف حوزه عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران و بنادر خلیج فارس، تصرف کرمانشاه نیز جزو اهداف عملیاتی انگلیسی‌ها بود. ژنرال ویول فرماندهی نیروهای هندی و انگلیسی را به عهده داشت و نیروهای تحت امر او شامل :

- لشکر دهم هندی به فرماندهی ژنرال هاروی که ستاد عملیاتی آن در بصره مستقر بود، شامل:

تیپ ۲ زرهی هندی.

تیپ ۹ زرهی.

تیپ ۲۱ پیاده.

هنگ توپخانه.

لشکر دهم هندی مأموریت داشت همزمان با عملیات دریایی به بنادر آبادان، خرمشهر و بندر امام حمله نماید و این عملیات را با نه گردان پیاده و یک هنگ زرهی و یک هنگ توپخانه انجام بدهد. تیپ ۲ و ۹ در منطقه خائنین مستقر شده بودند. - لشکر هشتم هندی به فرماندهی ژنرال کوینان که ستاد عملیاتی آن در بغداد مستقر بود، شامل:

تیپ ۱۸ هندی به فرماندهی سرتیپ روبرت لاکنر که مأموریت داشت از طریق پیشروی زمینی خرمشهر را اشغال نماید.

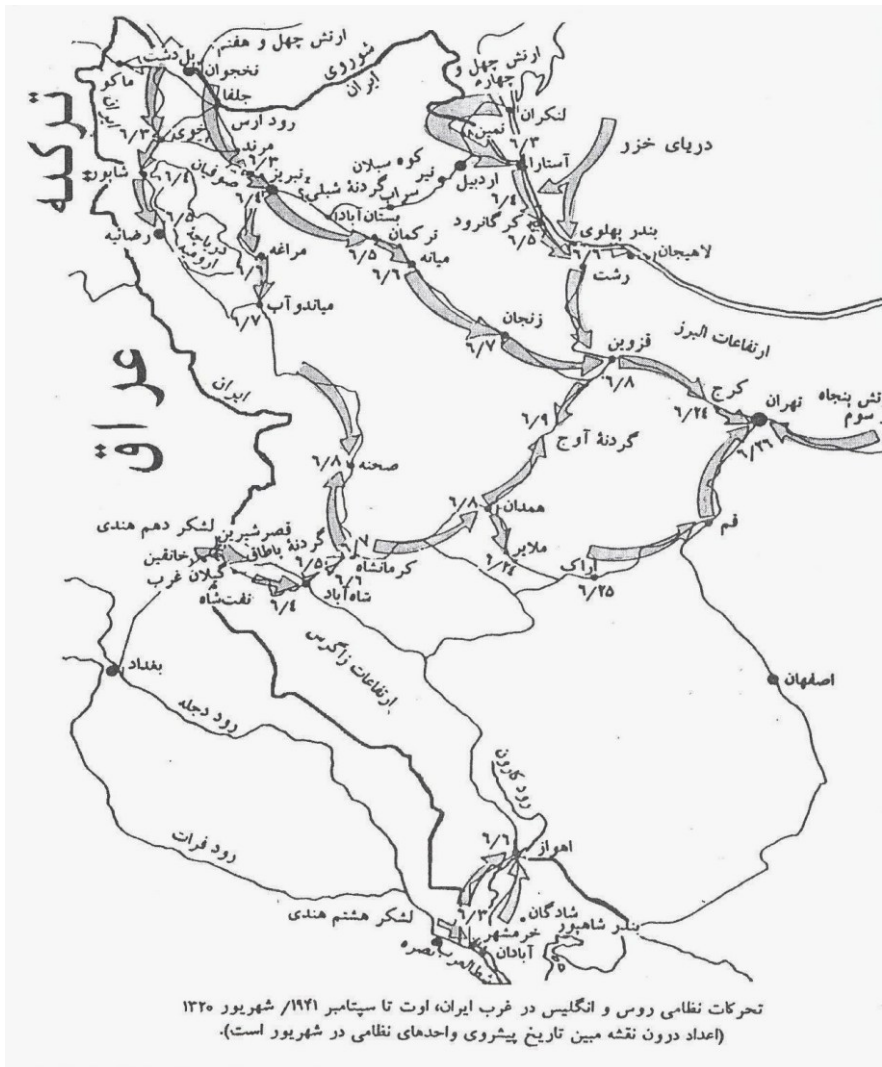
تیپ ۲۴ هندی به فرماندهی سرتیپ راجزولوفلمینک که مأموریت داشت از طریق دریا آبادان و بندر امام را تصرف نماید.

تیپ ۲۵ هندی به فرماندهی سرتیپ رونالد - جی ماونتین که مأموریت داشت اهواز را اشغال نماید.

هنگ ۶ تفنگدار به فرماندهی راجپوتانا که مأموریت داشت آبادان را اشغال نماید.

لشکر هشتم مأموریت داشت با برخورداری از پشتیبانی چهار اسکادران بمبافکن از بصره به سوی اهواز پیشروی نماید.

- تیپ نهم زرهی به فرماندهی سرتیپ جان تیارک به تیپ دوم زرهی به فرماندهی سرتیپ آیزل وود در خانقین پیوست. این دو تیپ با پشتیبانی یک هنگ توپخانه سبک مأموریت داشتند پس از اشغال تأسیسات نفتی در نفت شهر و قصر شیرین و تصرف ارتفاعات پاتاق به سمت کرمانشاه حرکت نمایند.



نیروی دریایی

نیروی دریایی مستقر در خلیج فارس می‌بایستی برای اجرای یک حمله هم زمان به بنادر آبادان خرمشهر و بندر امام (شاهپور سابق) آماده می‌شد. مسؤلیت اجرای عملیات دریایی به عهده دریادار گراهام بود که وسایل شناور زیر را تحت امر داشت:

- چهار رزم ناو برای حمل دو گردان تفنگدار جهت تصرف بندر امام.
 - دو کشتی بخاری، یک ناو مین یاب و چند لنج و قایق موتوری.
 - ناو ۱۲ هزار تنی کانیمبلا به فرماندهی ناخدا ال - جی آدامز برای عملیات بندر امام.
 - ناو استرالیایی یارو و قایق‌های نفربر در آبراه اروندرود.
 - ناوچه اسپ دراگون، ناوچه توپدار کاک شیفر، یدک کش‌های سنت اتنز و آرتور کالوانا.
 - ناو لاورنس که به ناو کانیمبلا پیوست.
- در عملیات "بیشاب"^۱ کشتی‌های تحت فرماندهی ناخدا آدامز می‌بایستی شبانه از آبراه صعب‌العبور خورموسی گذشته و به بندر امام برسند، آنگاه می‌بایست پیش از تصرف کشتی‌های بازرگانی کشورهای ایتالیا و آلمان (به شرح زیر) نخست دو ناو توپدار ایرانی، یعنی ناوهای کرکس و شهباز را در اختیار گیرند.
- کشتی‌های آلمانی موجود در بندر امام شامل :
- ویسن‌فلس ۱۵ با ظرفیت هزار تن.
 - اشتورم‌فلس.
 - ویلدن‌فلس.
 - هوهن‌فلس.
 - مارین‌فلس.

^۱ - ریچارد استوارت - تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰ صفحه ۱۲۸ (بیشاب = اسقف) یعنی طرح حمله از جناب دریا به بندر امام.

کشتی‌های ایتالیایی موجود در بندر امام شامل :

- کابوتا

- باربارا

- برونته

نیروی هوایی

- چهار اسکادران هواپیمای بمب افکن.

- یک اسکادران هواپیمای جنگنده.

اهداف کشورهای روس و انگلیس برای اشغال ایران

- تحت فشار قرار دادن دولت ایران برای اخراج اتباع آلمان.

- دو کشور خطوط مواصلاتی را تحت نظارت خود در آورند.

- حفظ مناطق تولید نفت در خوزستان و نفت شهر در کرمانشاه.

کشورهای روس و انگلیس قرن‌ها در پی موقعیتی جهت تصرف خاک ایران بودند لذا به

غیر از اهداف ذکر شده در پی تسلط و تأمین منافع استعماری خود بودند.

تلاش اصلی نیروهای انگلیس در جبهه غربی قصر شیرین و جبهه جنوب باختری در دو

قسمت بندر امام (بندر شاهپور) و بندر خرمشهر و آبادان به عمل آمد.

بخش سوم : دفاع نیروهای ایران در مقابل تهاجم گسترده شوروی

یگان‌های مستقر در شمال ایران

- لشکر ۴ ارومیه به فرماندهی سرلشکر معینی.
 - لشکر ۳ تبریز به فرماندهی سرلشکر مطبوعی.
 - لشکر ۱۵ اردبیل به فرماندهی سرتیپ قادری.
 - لشکر ۱۱ گیلان به فرماندهی سرتیپ قدر.
 - لشکر گرگان به فرماندهی سرهنگ معتضدی.
 - لشکر ۹ خراسان به فرماندهی سرلشکر محتشمی
- از مجموع ۶ لشکر فوق فقط سه لشکر (۹-۳-۴) آن دارای سازمان ۵۰٪ بودند.

عمیات لشکرهای ایران در مقابل قوای دشمن

لشکر ۴ ارومیه

در سپیده‌دم روز سوم شهریور ۱۳۲۰ نیروهای جلودار شوروی که به استعداد یک هنگ بود و در پیشاپیش آنان تانک‌های شناسایی ت - ۲۶ حرکت می‌کرد بدون هیچ مانعی از پاسگاه مرزی پلدشت گذشته به سمت ماکو به سرعت در حال پیشروی بودند در این شهر هنگ پیاده ماکو به فرماندهی سرهنگ نیک نژاد از لشکر ارومیه مستقر بود در ساعت ۴ صبح هواپیماهای بمب‌افکن شوروی تعداد زیادی بمب بر روی شهر و پادگان ماکو فرو ریختند افراد پادگان بدون آگاهی از نیروی دشمن به منظور مقابله به خارج شهر حرکت کردند ولی اکثراً شهید و مابقی به سمت ترکیه از مرز خارج شدند ستون شوروی که به سوی ماکو پیشروی می‌کرد بخشی از لشکر ۶۳ گرجی بود و این لشکر قسمتی از ارتش ۴۷ سرلشکر نوویکوف را تشکیل می‌داد بخش عمده لشکر ۶۳ به سوی خوی و ارومیه رهسپار شده بود.

لشکر ۴ ارومیه دارای سه هنگ پیاده که در ماکو، ارومیه، مهاباد مستقر بودند و دو هنگ سوار که در سلماس و ارومیه و همچنین یک هنگ توپخانه شامل یک گردان توپخانه ۷۵ کوهستانی بوفورس و یک گردان توپخانه ۱۰۵ کوتاه و یک گردان مهندس بود.

لشکر فاقد نیروهای زرهی و جنگ افزارهای ضد تانک بود جنگ‌افزار و مهمات به مقدار کافی نداشت و تعداد ۱۴ کامیون مهمات مورد نیاز لشکر در راه تهران به ارومیه بود. سرلشکر معینی فرمانده لشکر برای جلوگیری از پیشروی شوروی دستور داد یک گردان پیاده، یک دسته مسلسل سنگین یک دسته کوهستانی با تجهیزات کامل به فرماندهی سرگرد ستاد سلیمانی به گردنه قوشچی اعزام شود. این گردان با کمک هنگ سوار سلماس که در حال عقب نشینی به سمت ارومیه بود در گردنه قوشچی پیشروی روس‌ها را به ارومیه به تأخیر می‌انداخت.

استقرار واحدها به سرعت انجام گرفت. این نیرو توانست جلوی پیشروی شوروی را سد نماید. اما شوروی‌ها ابتدا با هواپیما مواضع مدافعین قوشچی را به سختی بمباران کردند و سپس قوای زرهی شوروی به حمله پرداختند و در نتیجه واحدها با دادن تلفات سنگین روز ششم شهریور به طرف ارومیه عقب نشینی کردند. یکی دیگر از مکان‌هایی که لشکر ارومیه مقاومت کرد در داخل سربازخانه بود که منجر به شهادت تعداد زیادی از نیروهای ایرانی و همچنین تلفاتی چند از نیروهای روسی گردید این عمل باعث شد که تعداد زیادی از مردم بی دفاع ارومیه به وسیله روس‌ها در داخل شهر به قتل برسند.

لشکر ۳ تبریز

جناح راست و عمده قوای ارتش چهل و هفتم ژنرال نوویکوف از جلفا به درون خاک ایران سرازیر شد تک اصلی به این ارتش محول گردیده بود که شامل لشکر ۷۶ پیاده نظام ارمنی، لشکر ۲۴ سوار کوهستانی و لشکر ۵۴ تانک بود.

پس از بمباران شهر تبریز به وسیله هواپیماهای شوروی سرلشکر ابراهیم مطبوعی به فرودگاه شهر تلفن کرد و به سرهنگ شیبانی فرماندهی هنگ دوم هوایی دستور داد تا به شمال پرواز نموده و قدرت نیروهای دشمن را ارزیابی نماید. شیبانی از گسترش و توانایی‌های نیروهای شوروی که از لحاظ قدرت آتش، تحرک و به ویژه پشتیبانی هوایی برتری فاحشی نسبت به نیروهای ایران داشتند به فرمانده لشکر گزارش داد و اشاره نمود نیروهای دشمن به سرعت از رودخانه ارس عبور نمودند و یگان‌های لشکر ۳ تبریز را که در جهت عملیات تأخیری در ارتفاعات مرند صوفیان مستقر شده بودند (یک گردان پیاده، یک اسواران سوار، یک آتشبار ۷۵ میلیمتری همراه با عناصری از یگان مهندس) از سر راه خود برداشتند. ارتش

شوروی در سپیده دم روز چهارم شهریور به مناطق اطراف تبریز رسیده بود، سرعت عملیات در این محور غیر قابل تصور فرمانده لشکر بود. یگانی که فاقد وسائل زرهی و خودرویی و هرگونه دفاع هوایی بود. لذا خط اصلی دفاعی لشکر را در گردنه شبلی قرار داد. نیروهای شوروی پس از تصرف شهر تبریز به پیشروی خود در محور تبریز، آذرشهر، عجب‌شیر، بناب و میاندوآب ادامه دادند. لشکر تبریز هر چند یکی از عوامل شکست آن نقص وسائل بود ولی عدم رهبری صحیح - هرج و مرج اوضاع داخلی کشور و بلاتکلیفی و ضعف روحیه از مشکلات دیگر این لشکر بشمار می‌رفت.

لشکر ۱۵ اردبیل

لشکر اردبیل دارای دو هنگ پیاده و یک هنگ سوار بود که هنگ سوار لشکر در مشکین شهر مستقر بود، پاسگاه فرمانده لشکر سرتیپ قادری در سراب مستقر بود و همیشه یک اسواران از واحدهای هنگ سوار مأمور مرزبانی می‌گردید. در روز سوم شهریورماه اسواران مرزی با جلودارهای پیاده موتوریزه و سوار نظام لشکر چهل و چهارم سرلشکر هادی اف برخورد می‌نماید که پس از یک زد و خورد خونین اکثراً به شهادت رسیدند.

لشکر پیاده موتوریزه ۷۷ کوهستانی و ستون‌های سوار لشکر هفدهم شوروی به سوی آستارا در حال پیشروی بودند. لشکر ۱۵ اردبیل فقط ۲۰ کامیون سبک و ۱۵ کامیون سنگین برای حمل توپخانه و مهمات و غذا و آب داشت و از دو هنگ پیاده، یک هنگ آن جدیدالتأسیس بود و تفنگ نداشت و تنها یک آتشبار توپخانه ۷۵ میلیمتری داشت. سرهنگ صدیق فرمانده هنگ ۱۱ پیاده برای مقابله با یگان‌های شوروی در گردنه (صائین قلعه) در ۹ فرسنگی اردبیل مستقر می‌شود.^۱

متأسفانه این هنگ هم به دلیل کمبود مهمات و خواربار و عدم پشتیبانی به موقع متحمل تلفات سنگینی شد و تعدادی از نفرات در اثر گرسنگی نتوانستند مقاومت کنند و در نتیجه هنگ تارومار گردید.

سپهبد کمال در کتاب "گوشه‌ای از خاطرات" در باره وقایع شهریور ۱۳۲۰ چنین می‌نویسد:

^۱ - حسین مکی تاریخ بیست ساله ایران جلد هفتم انتشارات عالمی صفحه ۴۳۷ الی ۴۹۰.

"من در شهریور ۱۳۲۰ رئیس رکن سوّم لشکر اردبیل بودم که یک نفر جاسوس شوروی در اردبیل دستگیر شد این فرد حامل نقشه راه‌ها و پل‌های مسیر حرکت ارتش شوروی در داخل خاک ایران بود که می‌خواست مقدار تناژ و مقاومت پل‌ها و جاده‌ها را بررسی نماید وقتی از جاسوس تحقیقات لازم به عمل آمد و گزارش تمرکز قوا را در آن سوی مرز می‌داد نامبرده با کمال رشادت گفت شما قبل از آن که مرا محاکمه و اعدام کنید قوای ما خواهد آمد و سرزمین شما را اشغال می‌کند".

لشکر ۱۱ گیلان

لشکر ۱۱ یک واحد جدیدالتأسیس بود که فرماندهی آن را سرتیپ قدر به عهده داشت. در روز سوّم شهریور کشتی‌های جنگی شوروی در بندر انزلی پهلو گرفتند سرهنگ ایرانپور فرمانده هنگ ۳۶ پیاده مستقر در بندر انزلی بود در این منطقه عملیات روس‌ها از راه هوا - دریا و زمین آغاز شد.

کوهی کرمانی در کتاب "از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان" می‌نویسد "کشتی‌های جنگی شوروی به گیلان و توالش حمله کردند، ولی نیروهای دولتی به فرماندهی سرتیپ قدر به دلیل نداشتن وسایل، جنگ‌افزار حتی توپ‌های ضد طیاره و کشتی در مقابل توپ‌های دریایی با تفنگ برنو و مسلسل دفاع می‌کردند".

در نتیجه قوای شوروی بدون مقاومت در سواحل ایران پیاده شده و مردم بیچاره و بی‌دفاع را از زن و مرد از هوا و زمین هدف قرار داده و کشتند در این حملات ۲۰۳ نفر از سربازان و اهالی در شهر رشت و هفت نفر در بندر انزلی و ۲۹ نفر در لاهیجان کشته شدند.

لشکر گرگان

فرمانده لشکر سرهنگ سوار معتضدی یکی از افسران مجرب و کارآزموده بود هنگ ۲۵ پیاده و هنگ ۲۳ سوار و یک هنگ توپخانه سازمان لشکر را تشکیل می‌داد. هنگ ۲۳ سوار که قسمتی از سوار نظام خود را در پشت پل رود گرگان مستقر ساخته بود، بقیه نیروها را در دهلیز نوده، شاهرود برای جلوگیری از پیشروی روس‌ها به داخل فلات مرکزی مستقر نمود. یک قسمت پیاده نظام هم با کامیون پشت پل "آق قلا" و پل "خواجه نفس" تمرکز یافته بود. واحدهای شوروی پس از پیشروی و عبور از مرز در پشت رودخانه گرگان با

واحدهای پیاده نظام لشکر گرگان برخورد کردند و درگیری مختصری رخ داد یگان‌های گرگان عقب نشینی کردند و در مکان مناسبتری در دهلیزهای (زیارت) و (قزلق) موضع گرفتند لشکر گرگان در مقابل سپاه ۵۸ پیاده شوروی به فرماندهی سرلشکر گریگوریچ قرار داشت که در دو محور در حال پیشروی بود. لشکر ۳۹ سوار با یک هنگ از لشکر ۶۷ پیاده نظام کوهستانی به سوی گنبد قابوس و مابقی لشکر ۶۷ به سوی گرگان روانه شد.

لشکر ۹ خراسان

بیشترین منطقه استحقاقی مربوط به لشکر شرق بود که می‌بایستی از ۷۵۰ کیلومتر مرز ایران و شوروی دفاع می‌نمود. لشکر خراسان از شش هنگ تشکیل می‌شد محل استقرار دو هنگ پیاده و دو هنگ سوار آن در مشهد بود. هنگ ۲۸ پیاده در تربت جام و یک هنگ سوار در بجنورد مستقر بود. در تربت حیدریه یک گردان پیاده و مختصری هم از یگان‌های پشتیبانی لشکر در بیرجند اسکان داشتند.

فرمانده لشکر نهم سرلشکر محتشمی قوای لشکر را به دو ستون رزمی تقسیم نمود.

ستون اول مرکب از یک هنگ پیاده ناقص سه آتشبار ۷۵، یک گروهان مهندس و یک گردان سوار به فرماندهی سرهنگ محمود دولو مأمور اشغال و حفظ گردنه مزدوران در محور مشهد سرخس می‌شود.

ستون دوم مرکب از یک هنگ پیاده ناقص یک آتشبار ۷۵، یک گروهان مهندس یک گردان سوار و دو آتشبار ۱۰۵ به فرماندهی سرهنگ ۲ افشار مأمور اشغال گردنه (امامقلی) در محور قوچان باجگیران و دره‌گز می‌شود.

روز پنجم شهریور ستون سرهنگ محمود دولو مورد تهاجم نیروهای شوروی قرار می‌گیرد و تلفات زیادی به هر دو طرف وارد می‌آید ولی در اثر فشار نیروی هوایی دشمن و نرسیدن مهمات فرمانده ستون از تاریکی شب استفاده کرده و عقب‌نشینی می‌نماید.

ستون دوم که دویست کیلومتر از موضع "امامقلی" فاصله داشت به دلیل نداشتن وسایل خودرویی نتوانست به موقع مواضع خود را اشغال نماید لذا در دهنه "اخلمد" مستقر شده و دفاع می‌نمایند. این لشکر در روز ششم شهریور از محور تربت حیدریه و طبس اقدام به عقب‌نشینی می‌کند. اکثر یگان‌های مستقر در شمال ایران به سمت تهران عقب نشینی کردند و اولیای امور هم اندک توجهی به حال آنها نمی‌کردند.

بخش چهارم: دفاع نیروهای ایران در مقابل تهاجم گسترده انگلیس

یگان‌های مستقر در غرب

لشکر ۵ کردستان و لشکر ۱۲ کرمانشاه، تشکیل سپاه غرب را دادند که فرماندهی آن به عهده سرلشکر حسن مقدم بود این دو لشکر در دو جبهه اصلی قصرشیرین و گیلان غرب و در دو محور فرعی نفت شهر و پاتاق تمرکز داشتند. سپاه مذکور در ۲۰ مرداد مطلع شد که قوای زیادی در آن سوی مرز قصرشیرین و خسروی مستقر گردیده است، لذا آمادگی کامل برای رویارویی با سپاه انگلیس در غرب کشور را داشت. سرهنگ طباطبایی فرمانده هنگ ۳۹ در قصر شیرین مستقر بود و سرتیپ پوریا فرمانده لشکر ۱۲ در ارتفاعات پاتاق و گیلانغرب موضع گرفته بود، این یگان جلوی پیشروی انگلیسی‌ها را روی گردنه پاتاق و گیلان غرب سد نمود. انگلیس‌ها تلفات زیادی دادند تا این که بالاخره با استفاده از هواپیما و نیروی زرهی از طریق گیلانغرب، قلاجه، گردنه پاتاق را دور زده و اسلام آباد را تصرف نمودند. در این زمان از تهران فرمان ترک مخاصمه صادر شد و در نتیجه با مذاکراتی که سرلشکر مقدم با سرلشکر ویلیام اسلیم به عمل آورد لشکر ۱۲ از طریق کرمانشاه به (صحنه) عقب نشینی کرد و لشکر کردستان هم در روانسر مستقر گردید.

فرماندهی عملیات سپاه انگلیسی با سرلشکر ویلیام اسلیم بود و سرتیپ جان آیزل وود فرماندهی تیپ دوم زرهی هندی را به عهده داشت که از طریق قصرشیرین وارد سرپل ذهاب شدند، تیپ‌های ۱۴ و ۲۰ سوار نظام انگلیسی نیز از طریق محور گیلان غرب - قلاجه عملیات خود را اجرا نمودند. در این منطقه انگلیسی‌ها متحمل ۲۲ کشته و ۴۲ زخمی گردیدند و از هواپیماهای بمب افکن بلنهایم از اسکادران چهل و پنجم و توپخانه استفاده کرده و منطقه را زیر آتش پرحجمی قرار دادند.

یگان‌های نیروی زمینی مستقر در منطقه خوزستان

لشکر ۶ در منطقه اهواز مستقر و فرماندهی آن با سرلشکر شاه بختی بود و دفاع از آبادان و خرمشهر به غلامعلی بایندر محول شده بود. شاه بختی برای دفاع از اهواز و میدان‌های نفتی و بندر امام (شاهپور سابق) هنگ چهل و پنجم پیاده، هنگ سی ام پیاده و هنگ‌های ۱ و ۲

مرکز را در اختیار داشت. ادوات زرهی این لشکر هشت تانک متوسط - هشت تانک سبک و ۱۰ زره پوش بود.

عملیات نیروی دریایی ایران در شهریور ۱۳۲۰

مدت‌ها پیش از شهریور ۱۳۲۰ تعداد ۵ فروند کشتی آلمانی پس از اعلان جنگ و حمله آلمان به کشور لهستان که در نزدیکی سواحل خلیج فارس بودند و از حرکت به سمت بنادر خود احساس خطر می‌کردند به بندر امام (شاهپور سابق) پناهنده شدند. بزرگ‌ترین این کشتی‌ها "ویزن فلس" "هوهن فلس" "مارین فلس" متعلق به شرکت کشتیرانی آلمانی (هانزالاین) بود. مدتی بعد چند کشتی ایتالیایی نیز به بندر امام پناهنده شد و این بندر موقعیت بسیار حساسی پیدا کرد، لذا نیروی دریایی ایران تمام تلاش خود را برای حفظ بی‌طرفی به کار برد ولی مع‌الاسف اقدامات تحریک‌آمیزی از طرف نماینده شرکت آلمانی هانزالاین به نفع قوای آلمانی‌ها و علیه انگلیسی‌ها صورت می‌گرفت.

اوضاع نیروی دریایی قبل از سوّم شهریور

در خرمشهر دو گروهان تفنگدار دریایی و ناوهای ببر - شاهرخ و ناوهای آموزشی حضور داشتند. ناو پلنگ به فرماندهی ناخدا سوّم میلانیان در آبادان و ناوهای سیمرغ، شهباز و پنج لنج به علاوه ۸ کشتی آلمانی و ایتالیایی نیز در بندر امام مستقر بودند. ناوهای انگلیسی هر روز از مقابل اسکله‌های آبادان و خرمشهر و ناوهای نیروی دریایی ایران، برای رفت و آمد به بصره از ارون رود عبور می‌کردند. هیچ گونه دشمنی و تضادی وجود نداشت و برابر قوانین بین‌المللی هنگام عبور ناوهای انگلیس از کنار ناوهای ایرانی ادای احترام نظامی می‌شد و آنان پاسخ می‌دادند.

عملیات در بندر آبادان و خرمشهر

در روز سوّم شهریورماه ۱۳۲۰ ناوهای انگلیسی ناوهای ایرانی را بدون هیچگونه خطاری به گلوله بستند. در ساعت چهار بامداد ناو انگلیسی "یارو" ناو ایرانی ببر را در خرمشهر و ناو پلنگ را در آبادان غرق نمود. ناو پلنگ به فرماندهی ناخدا میلانیان برای حفاظت پالایشگاه آبادان در کنار یکی از اسکله‌های این بندر پهلو گرفته بود.

در شب قبل از واقعه که ناوهای دشمن بر ما یورش آوردند، ناو انگلیسی (یارو) وارد آبهای آبادان شد و در نزدیکی ناو پلنگ پهلو گرفت و مطابق رسم معمول ناخدای دو کشتی از ناوهای همدیگر بازدید به عمل آوردند. آن شب قریب صد نفر از افسران و ملوانان و دیگر کارکنان ناو پلنگ بی خبر از همه جا به خواب رفتند سحرگاه درست سر ساعت ۴ صبح که کشتی‌های تحت فرماندهی سرهنگ آدامس به کشتی‌های آلمانی، ایتالیایی و ایرانی در بندر امام حمله کردند، در همان موقع فرمانده ناو انگلیسی نیز به روی ناو ایرانی پلنگ آتش گشود و آن را با همه سرنشینانش در زیر آب مدفون ساخت و تنها ناخدا میلانین فرماندهی ناو پلنگ زخمی شد که پس از اعزام به بیمارستان تهران به شهادت رسید.

عملیات در بندر امام (شاهپور سابق)

در اوایل جنگ چند فروند هواپیمای ایتالیایی از بندر "مساوا" واقع در ساحل غربی دریای سرخ به پرواز در آمدند و تأسیسات نفتی بحرین را بمباران کردند این اقدام سبب نگرانی انگلیسی‌ها شد لذا وقتی نقشه محرمانه حمله به ایران طرح‌ریزی می‌شد یکی از دلایل، امکان مشابه یعنی «حمله» هواپیماهای قوای محور به تأسیسات نفتی آبادان بود. همان طوری که قبلاً اشاره شد ۸ کشتی دول محور به ظرفیت ۸۰ هزار تن در بندر امام (شاهپور سابق) پناهنده شده بودند. چنین ظرفیتی در زمان جنگ برای هر کشوری بسیار ذی‌قیمت و ارزنده است. در ساعت چهار بامداد روز سوم شهریور ۱۳۲۰ نگهبانان کشتی‌های شهباز و سیمرغ متوجه شدند که صدای شلیک گلوله از طریق ناوهای انگلیسی به گوش می‌رسد.

افسران نیروی دریایی در بندر امام عبارت بودند از :

ناخدا یکم ظلّی فرمانده پادگان بندر امام

ناو سروان فرج الله رسائی فرمانده ناو شهباز

ناو سروان فروزی فرمانده ناو سیمرغ

ناوهای ایرانی شهباز و سیمرغ بین کشتی‌های آلمان و ایتالیایی قرار گرفته بودند. به این ترتیب کشتی‌های آلمانی زودتر از ناوهای ایرانی و ایتالیایی مورد حمله ناگهانی ناوهای انگلیسی قرار گرفتند.

انگلیسی‌ها برای حمله به بندر امام ۱۶ ناو مجهز انگلیسی و استرالیایی را وارد میدان کرده بودند و با یورش‌های ناگهانی موفق شدند سه کشتی آلمانی را سالم بگیرند. ولی دو کشتی دیگر با سه کشتی ایتالیایی به دست کارکنانشان منفجر شدند و کشتی‌های ایرانی هم در محاصره سربازان انگلیسی در آمدند.

تمام این عملیات دو سه ساعت بیشتر طول نکشید از سوی دیگر، نیروهای پیاده انگلیسی در ساحل پیاده شدند. اجرای این عملیات به وسیله کلنل "آدامس" فرمانده نیروهای مهاجم انگلیسی بود و کلیه افراد باقیمانده نیروی دریایی دربندر امام نیز بازداشت شدند از جمله ناوهای انگلیسی که به بندر امام حمله نمودند رزم ناو مشهور کانیمبلا و ناولورنس را باید نام برد. فرماندهی عملیاتی نیروی دریایی انگلیس در جنوب به عهده دریادار گراهام بود.

دریادار بایندر که فرماندهی نیروی دریایی ایران را به عهده داشت پس از اطلاع از غرق شدن ناوهای ببر و پلنگ عازم خرمشهر گردید ولی در مقابل میدان بی سیم خرمشهر اتومبیلش مورد حمله تانک‌های انگلیسی‌ها قرار گرفت و فرمانده نیروی دریایی و سروان مکرى نژاد به شهادت رسیدند.

خاتمه عملیات در جنوب

ساعت ۵ صبح روز ششم شهریور تیپ ۱۸ هندی و تیپ‌های ۲۴ و ۲۵ پس از اشغال مناطق حیاتی خرمشهر - آبادان و بندر امام به سمت اهواز در حرکت بودند و پیشاپیش آنها یگان‌های زرهی و دربالای سر آنها هواپیماهای بمب افکن انگلیسی آنها را پشتیبانی می‌کردند. فرماندهی عملیات به عهده ژنرال هاروی بود. نیروهای انگلیسی درمضاف با لشکر اهواز موفقیت چندانی به دست نیاوردند و به اجبار در نزدیکی شهر اهواز موضع گرفتند در این موقع ژنرال هاروی به قرارگاه فرمانده لشکر هدایت شد و شرایط آتش‌بس، مورد توافق ژنرال هاروی و سرلشکر شاه بختی قرار گرفت که شامل آزادسازی کارمندان شرکت نفت، بازداشت و تسلیم افراد آلمانی و ایتالیایی موجود در خوزستان بود، ضمناً یگان‌های ایرانی در پادگان اهواز مستقر شدند. در مناطق خرمشهر - آبادان و بندر امام از ساعت ۴ صبح ارتباطات تلفنی قطع شده بود و لذا افراد نیروی دریایی که در این مناطق اسیر یا زخمی شده بودند از اوضاع

کشور کاملاً بی اطلاع بودند و ارتباط با تهران هم به کلی قطع شده بود، تنها از طریق رادیو دهلی مطلع شدند که نیروهای مهاجم از شمال و جنوب و غرب کشور پیشروی می‌کنند. در پایان اخبار رادیو دهلی اعلام کرد: آخرین خبر حاکی از ترک مخاصمه و تغییر کابینه و بر روی کار آمدن دولت آقای محمد علی فروغی می‌باشد. این خبر تا اندازه‌ای وضعیت را روشن ساخت و چند روز بعد یعنی در روز ۱۶ شهریور ۲۰، کلیه افسران و درجه داران و افراد باقی مانده از نیروی دریایی به لشکر خوزستان منتقل شدند.^۱

شهدای نیروی دریایی در جنوب به شرح ذیل بودند

دریابان غلامعلی بایندر فرمانده نیروی دریایی جنوب

ناخدا سوّم حسن میلانیان

ناخدا سوّم نصرالله نقدی

ناو سروان یدالله بایندر

سروان مکرری نژاد

ناو سروان حسن کهنموئی

ناویان یکم مهدی ریاضی

ناویان یکم ابراهیم هریسچی

ناویان سوّم جعفر مسگرزاده

تعداد ده نفر درجه دار و ششصد ناوی.

در کلیه عملیات جنوب که شامل بندر امام و خرمشهر و آبادان بود، ناو سروان فرج‌الله رسائی که فرمانده ناو شهباز در بندر امام بود حضور داشت و مطالب بالا از نوشته‌های نامبرده برداشت شده است. ذکر چند نکته در اینجا ضروری است:

این اولین جنگ دریایی ایران با نیروهای دریایی و زمینی انگلیس بود که به صورت ناجوانمردانه و با اطلاع کافی از موقعیت و وضعیت کشور ما انجام شد.

افراد نیروی دریایی ایران در حدّ توان و شجاعانه عمل کردند ولی به دلیل بی تجربگی و اعتماد به دشمن که در کنار آنها بود و بی اطلاعی رژیم پهلوی از اوضاع جهانی چه از نظر

^۱ - دریابان فرج الله رسائی - کتاب ۲۵۰۰ سال بر روی دریا ها ، صفحه ۴۴۵ تا ۴۸۰.

سیاسی و چه از نظر نظامی، شکست سنگینی را متحمل گردیدند و نیروی دریایی جوان ما نتوانست از توان بالقوه خود در این نبرد نابرابر استفاده نماید.

عملیات نیروی دریایی شوروی در بندر انزلی

در ساعت ۴ صبح سوم شهریور ۱۳۲۰ ناوگان شوروی که در بین آنها یک ناو بزرگ که دارای هواپیماهای آب نشین هم بود در دوازده مایلی ساحل بندر انزلی لنگر انداخت. نیروی دریایی شمال در آن موقع دارای سه ناوچه ۳۰ تنی (که هر یک مجهز به یک قبضه مسلسل و یک توپ کالیبر کوچک بودند)، ناو شهسوار و ناوچه نهنگ بود. در آن شب دریا توفانی و بسیار متلاطم بود و بنابر تصمیم فرمانده نیروی دریایی شمال به ناوچه "گرگان" دستور گشت زنی داده شد ولی به دلیل توفانی بودن دریا این امر عملی نشد. ولی وقتی که ناوچه گرگان در نزدیکی موج شکن بالای موج قرار می‌گرفت از حضور ناوگان شوروی اطلاع حاصل نمود و مراجعت کرد.

فرمانده نیروی دریایی شمال دستور داد تا ناو شهسوار را در جلو دهانه ورودی به بندر انزلی غرق نمایند. این کار مانع ورود ناوگان شوروی شد ولی ارتش سرخ از راه آستارا به طرف بندر انزلی سرازیر گردید.

هواپیماهای شوروی به سربازخانه‌های رشت و بندر انزلی هجوم آوردند و کلیه منطقه را بمباران کردند و یکی از آنها در محل تمرکز افسران و درجه‌داران شروع به تیراندازی با مسلسل کرد. در نتیجه ناو سروان یدالله بایندر شهید و ناوبان اعتمادزاده دست راست خود را از دست داد. چند نفر درجه‌دار و غیرنظامی نیز به شهادت رسیدند. در روز پنجم شهریور دستور ترک محاصره و عدم مقاومت از تهران صادر شد.

وضعیت نیروی هوایی ایران در مقابل تهاجم متفقین^۱

هنگ هوایی تبریز

صبح روز سوم شهریور لشکر تبریز در اثر تهاجم نیروهای شوروی پس از مقاومت محدودی مجبور به عقب نشینی شد و هواپیماهای شوروی بسیاری از نقاط آذربایجان را

^۱ - پیشگامان پرواز در ایران، ناشر انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ۱-ج-۱۰۱- صفحه ۲۱۴ الی ۲۲۷.

بمباران نمودند و طبق اعلامیه ستاد ارتش یک هواپیمای مهاجم در ناحیه تبریز در نتیجه تیراندازی توپخانه ضد هوایی سرنگون شد. از هنگ هوایی تبریز هیچگونه مأموریتی بجز یک پرواز اکتشافی که اجرا گردید، خواسته نشد. فرمانده هنگ تا شب چهارم شهریور با لشکر تبریز در تماس بود و پس از قطع ارتباط تصمیم گرفت تا برای نجات هواپیماها و ابوابجمعی اقدام نماید.

در ساعت ۳ بعد از نیمه شب، ۱۵ فروند هواپیما با استفاده از تاریکی، فرودگاه تبریز را به مقصد زنجان ترک کردند ولی دو هواپیما نتوانستند خود را به زنجان برسانند و در کوه‌های تالش مجبور به فرود شدند این دو هواپیما از بین رفت ولی خلبانان و سرنشینانشان موفق شدند خود را به تهران برسانند.

هنگ هوایی اهواز

این هنگ از پیاده شدن نیروهای انگلیسی در بنادر جنوب و تجاوز به خاک ایران بی‌خبر بود. روز سوّم شهریور سه فروند هواپیمای شکاری انگلیسی در آسمان فرودگاه اهواز به پرواز درآمدند و فرودگاه را به گلوله بستند و در این حمله ۳ نفر از درجه‌داران فنی هنگ کشته شدند. حمله در تمام ساعات روز سوّم شهریور ادامه داشت و تقریباً اکثر هواپیماهای هنگ آسیب کَلّی دیدند. لذا انجام هیچگونه فعالیتی از طرف این هنگ امکان‌پذیر نگردید.

هنگ هوایی مشهد

صبح روز پنجم شهریور ۱۳۲۰ هواپیماهای دو موتور شوروی در آسمان مشهد به پرواز درآمدند و چند بمب بر فرودگاه هنگ هوایی مشهد و حوالی شهر فرو ریختند. فرمانده هنگ سرگرد خلبان داراب جهانسوز، هواپیماها را به فرودگاه سبزوار منتقل نمود ولی یکی از هواپیماها به خلبانی استوار رضا فلاحی در حوالی کاشمر فرود اجباری نمود. سرگرد جهانسوز پس از آماده کردن هواپیما به سمت فرودگاه سبزوار پرواز نمود ولی در حوالی خسروآباد هواپیما متلاشی شد دلیل سقوط هواپیمای مذکور را در اثر حمله هواپیماهای روسی می‌دانند.

پادگان قلعه مرغی

در تاریخ سوّم شهریور هِنگ یکم تهران مأمور دفاع از آسمان پایتخت در برابر حمله هواپیماهای بیگانه گردید. فرماندهی این هِنگ را سرهنگ دوّم محمّد معینی و فرماندهی گردان یکم شکاری آن به عهده سرگرد مصطفوی بود.

افراد هِنگ یکم تهران حاضر به تسلیم در مقابل دشمن نشدند و مخالفت‌هایی به وجود آمد که در نتیجه فرمانده نیروی هوایی سرتیپ خسروانی به وسیله سروان وثیق دستگیر شد و جریان مقاومت پادگان قلعه‌مرغی به فرمانده لشکر یکم سرلشکر بوذرجمهری گزارش شد و برای درهم شکستن مقاومت کِنندگان گروهان زره‌پوش اعزام گردید و در نتیجه سروان وثیق و شوشتری به سوی شمال پرواز کردند. شوشتری در حوالی تالش به علّت تمام شدن سوخت هواپیما، فرود اجباری نمود و مجروح شد و به تهران انتقال یافت ولی از سرنوشت سروان وثیق خبر موثقی به دست نیامد.

علل شکست ایران از ارتش‌های شوروی و انگلیس

در جریان تجاوز نیروهای متفقین به خاک ایران و اشغال کشور در جنگ جهانی دوّم، وجود فرماندهان نالایق و بلا تکلیفی نیروهای مسلّح موجود باعث شد تا هیچگونه اقدام مؤثری بر علیه متجاوزین انجام نشود و نقاط مختلف کشورمان تحت سلطه نیروهای متجاوز و اشغالگر قرار گیرد.

شکست نیروهای مسلّح را از دو جنبه می‌توان بررسی نمود یکی عدم رهبری و نظارت و هدایت واحدها و دیگری حجم، گستردگی و توان نیروهای مهاجم شمال و جنوب، ارتش‌های نیرومندی که باعث شکست ارتش آلمان هیتلری گردیده بودند.

"قرارگاه کلّ ارتش" که برای مقاومت در مقابل متفقین تشکیل شده بود در ابتدای امر ناتوانی خود را در مقابل دشمن احساس کرده بود زیرا فرماندهان عالی رتبه اکثراً از افسران قدیمی و ناآشنا با عملیات نظامی جدید بودند لذا نتوانستند از نقاط حساس و موانعی که در سر راه نفوذ دشمن وجود داشت استفاده کنند و یا حداقل اختیارات کامل را به رده‌های پائین تفویض کنند تا با ابتکار شخصی مانع نفوذ دشمن گردند. چنانچه مقاومت ارتش ایران در

مقابل متفقین به درازا می کشید وضع کاملاً فرق می کرد و در آن صورت تقاضای مصالحه و همکاری با ما را می کردند که این با اشغال کشور تفاوت داشت.

عواملی که در شکست سریع ارتش مؤثر بود

- ارتش ایران فاقد ستاد عملیاتی جهت هدایت نیروهای مستقر در شمال، جنوب و غرب کشور بود.

- کمبود تجهیزات، مهمات، تانک، توپ و خودروهای رزمی.

- آسمان ایران در اختیار هواپیماهای متفقین بود به طوری که بمباران شهرها و پادگان ها بدون هیچ مانعی انجام می شد و نیروی هوایی ایران هیچگونه مأموریتی انجام نداد.

- طرح های عملیاتی که بتواند لشکرها را در اجرای عملیات راهنمایی نماید در زمان صلح تهیه نشده بود.

- ارتش از پشتیبانی مردمی برخوردار نبود.

- با توجه به شواهد و قرائن موجود در مورد نقل و انتقالات نیروها در مرزهای شمالی و جنوبی تصمیم قاطعی به وسیله فرماندهان نظامی گرفته نشد.

- همین نگرانی برای کشور ترکیه به وجود آمد ولی ترکیه با تجربه از جنگ جهانی اول، (شکری سراج اوغلو) وزیر امور خارجه خود را برای حصول نوعی توافق و تفاهم با استالین (در اکتبر ۱۹۳۹-آبان ۱۳۱۸) در مورد بغاز بسفر و داردانل به مسکو فرستاد. ولی نتیجه ای از این مذاکره حاصل نشد، دو روز بعد دولت ترکیه با فرانسه و انگلیس یک پیمان دفاعی منعقد ساخت. این پیمان مانع حضور قوای شوروی به خاک ترکیه گردید.

ولی رضا شاه بر خلاف ترکها، از انعقاد هر گونه پیمان رسمی اکراه داشت زیرا نسبت به ارزش و اعتبار عملی این گونه پیمانها در تردید بود. و متأسفانه اجازه هرگونه اظهار نظر را هم از سیاستمداران گرفته بود. این جنگ گذشته از خسارت های مادی، فساد اخلاقی - که در اثر حضور بیگانگان در ایران رواج پیدا کرده بود - تبعات شومی از خود بجای گذاشت.^۱

^۱ - ریچارد استوارت - در آخرین روزهای رضا شاه ترجمه کاوه بیات - انتشارات معین سال ۱۳۷۰ صفحه ۲۳.

فصل دهم

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه

راهبرد و سیاست دو ابر قدرت در ایران

اشغال ایران و بیرون کردن رضاشاه هنوز خاتمه نیافته بود که تصوّر واهی همکاری انگلیس و شوروی شروع به محو شدن کرد. در این موقع حوادثی در نقاط دیگر جهان به وقوع پیوست که ناگهان سیاست شوروی در ایران را تغییر داد. در ۴ مهرماه ۱۳۲۰ ارتش آلمان شهر کی‌یف را تصرف کرد و همراه با آن ۶۰۰ هزار سرباز شوروی را به اسارت گرفت. حمله نازی‌ها به مسکو در ۱۰ مهرماه آغاز گردید و در عرض پنج روز سه ارتش شوروی را محاصره کردند. استالین با از دست دادن این نیروها چنان ناامید شد که از چرچیل تقاضای ۲۵ تا ۳۰ لشکر انگلیسی برای تقویت ارتش سرخ را نمود.

چرچیل با تیزی به استالین پیشنهاد نمود که (پنج تا شش لشکر خود را برای استفاده در جبهه جنگ از ایران خارج سازد) و افزود انگلیس امنیت داخلی ایران را عهده‌دار می‌شود، لذا این پیشنهاد عملی گردید. دولت ایران هم در ۹ بهمن ۱۳۲۰ پیمان سه جانبه اتحاد ایران و انگلیس و شوروی را در تهران به امضاء رساند ولی شاه نه به روس‌ها اعتماد داشت و نه به انگلیسی‌ها، لذا در فکر یک نیروی سوّم مقتدری بود که او را پشتیبانی نماید.

تغییر موازنه قوا در جهان و اشغال ایران توسط نیروهای روس و انگلیس در جنگ جهانی دوّم و عدم تمایل شوروی به خروج نیروهای خود از آذربایجان در پایان جنگ، یکی از نکات مهم بود که باعث گردید تا جهت‌گیری و سیاست خارجی ایران را به سوی ایالات متّحد امریکا سوق دهد.

راهبرد و سیاست جهانی دو ابر قدرت را می‌توان به طور خلاصه در این دانست که آنها به فکر به‌دست آوردن و یا نظارت حاکمیت بر کشورهایی که اهمیت راهبردی و ژئوپلیتیکی داشتند، بودند، زیرا این کشورها سبب تأمین منافع ابر قدرت‌ها با کمترین هزینه می‌گردیدند.

ایران با سوابق تاریخی که از تصرف سرزمین‌ها و اشغال آن به وسیله دو همسایه جنوبی و شمالی داشت، در آن شرایط دست نیاز به سوی امریکا دراز کرد و امریکا هم از این موقعیت در جهت منافع خود بهره‌برداری نمود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ نیروهای هوایی و دریایی ایران در اثر تهاجم روس‌ها و انگلیسی‌ها در شمال و جنوب عملاً از فعالیت باز ایستادند و نیروی زمینی برابر فرمان عمومی شماره ۳۴۴۵ ارتش با تغییراتی اعلام موجودیت نمود و تا پایان جنگ جهانی دوم که ایران تحت اشغال بود ارتش به صورت نیروی نظامی کوچکی باقی ماند. پس از خاتمه جنگ و هنگامی که شرایط بین‌المللی زمینه را فراهم ساخت ارتش ایران حیات دوباره گرفت و به شرح ذیل سازمان داده شد:

- لشکر اهواز منحل گردید.

- یک تیپ در بهبهان تشکیل شد و از مجموع این تیپ و تیپ ۱۴ اهواز لشکر ۱۰ خوزستان تشکیل شد.

- لشکر ۱۳ کرمانشاه منحل شد و از مجموع نیروهای باقی مانده این لشکر تیپ مختلط مستقل ۱۲

کرمانشاه به وجود آمد که با تیپ مختلط ۱۳ لرستان، لشکر ۵ لرستان را در خرم آباد تشکیل دادند.

با توجه به موقعیت‌هایی که روس‌ها در جبهه جنگ علیه آلمانی‌ها به دست آوردند دولت‌های آمریکا و انگلیس موافقت کردند تا حکومت ایران جهت امنیت داخلی و جلوگیری از نفوذ شوروی نسبت به تشکیل هسته مرکزی لشکرهای نیروی زمینی اقدام نماید. لذا شاه بار دیگر بنا بر نیازمندی و انطباق سازمان با تحولات آن روز دستور تشکیل ۱۰ لشکر و دو تیپ به شرح زیر را صادر نمود، که مأموریت آن‌ها حفظ امنیت داخلی کشور بود:

لشکرهای ۱ و ۲ در تهران.

لشکر ۳ در آذربایجان (مرکز لشکر تبریز).

لشکر ۴ باختر (مرکز لشکر سنندج).

لشکر ۵ جنوب باختری (مرکز لشکر در خرم آباد).

لشکر ۶ جنوب (مرکز لشکر شیراز).

لشکر ۷ جنوب خاوری (مرکز لشکر کرمان).

لشکر ۸ خاور (مرکز لشکر در مشهد).

لشکر ۹ اصفهان.

لشکر ۱۰ خوزستان (مرکز لشکر در اهواز).

دو تیپ مستقل سوار مکانیزه در تهران.

این وضعیت تا سال ۱۳۲۴ باقی ماند و تغییرات عمده‌ای در آن صورت نگرفت.

بخش یکم: اوضاع نیروی زمینی پس از جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم باعث از هم گسیختگی ارتش ایران گردید نیروی هوایی در ابتدای کار نتوانست در مقابل قدرت هوایی دشمن ایستادگی نماید و در نتیجه هواپیماها در ابتدا به تهران و سپس به اصفهان و شهرهای جنوبی انتقال داده شدند.

نیروی دریایی ایران هم پس از یک مقاومت حماسه آفرین در جنوب ناوهای آن به وسیله متفقین تصرف و کارکنان آن به اهواز منتقل شدند.

تنها نیروی باقی مانده از ارتش نیروی زمینی بود که لشکرهای آن از توان و قدرت رزمی لازم برخوردار نبودند و وسایل و تجهیزات یگان‌های آن اکثراً فرسوده، قدیمی و فاقد کارایی مناسب بودند. یگان‌ها از نظر افسر و درجه دار تکمیل نبودند و بهترین لشکرهای نیروی زمینی در تهران استقرار داشتند که آنها هم تنها دارای چهل درصد نیروی انسانی بودند:

واحدها از نظر آموزش از شیوه یکنواختی تبعیت نمی‌کردند لذا هر یگانی بنا بر فکر و سلیقه خود عمل می‌نمود. بیشتر اوقات آموزش صرف رژه و صف جمع می‌گردید و افسران اطلاعاتی از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جدید جنگی که باعث پیروزی متفقین و یا دول محور گردید، نداشتند. اثرات شکست سریع ارتش به وسیله متفقین سبب پائین آمدن روحیه افسران ارتش گردیده بود، اکثر افسران به علّت شکست کاملاً واقف بودند ولی در مقابل فرماندهان رده بالا سکوت می‌کردند. در این زمان نیروهای شوروی خاک ایران را در اشغال داشتند و نتایج ناشی از اشغال کشور به وسیله ارتش بیگانه تأسف بار بود.

رکود اقتصادی، قحطی، مشکلات اجتماعی، ناامنی در شهرها، بالارفتن قیمت‌ها و از همه بدتر اعلان خود مختاری در هر گوشه‌ای از کشور، هرج و مرج و نبودن یک قدرت مرکزی جهت سامان بخشیدن به این نابسامانی‌ها استقلال و تمامیت ارضی کشور را به خطر انداخته بود.

فرقه دموکرات آذربایجان و تشکیل حکومت خودمختار

حزب دموکرات آذربایجان ساخته و پرداخته شوروی‌ها بود و هدف از ایجاد آن خودداری از تخلیه ایران و اعمال فشار به دولت، برای گرفتن امتیاز نفت بود. رهبری آن را سید جعفر پیشه‌وری عهده‌دار بود.

پیشه‌وری در تبریز از تاریخ ۳ آبان ۱۳۲۴ کنگره ملی آذربایجان را تشکیل داد و در کنگره وحدت دو حزب توده و فرقه دمکرات اعلام گردید.

نکات اساسی تصمیمات کنگره خلق به شرح زیر بود:

- تشکیل انجمن ایالتی با حفظ تمامیت ایران.

- تشکیل مجلس ملی آذربایجان.

- کنگره ملی انحلال تشکیلات پلیس و ژاندارمری و ارتش را اعلام کرد.

پیشه‌وری پادگان تبریز را خلع سلاح نموده (فرمانده نیروهای نظامی تبریز سرتیپ درخشانی بود)^۱ و با کمک ارتش شوروی سازمان جدیدی تشکیل داد. ارتش نیرویی را به آذربایجان اعزام نمود ولی این نیرو در شریف آباد شش کیلومتری قزوین به وسیله ارتش سرخ متوقف گردید. دولت ایران حضور نظامی شوروی را علت اغتشاش در آذربایجان اعلام کرد و سفیر ایران در واشنگتن از رئیس جمهور امریکا جهت حلّ ماجرا کمک خواست.

قوام در تاریخ سوّم بهمن ماه ۱۳۲۴ به نخست وزیری رسید و در ۲۹ بهمن جهت ملاقات با استالین و مولوتف به مسکو سفر نمود، موضوع مذاکره بر روی سه محور زیر مشخص گردید:

- دادن امتیاز نفت شمال به شوروی.

- درخصوص فرقه آذربایجان.

- خارج شدن ارتش سرخ از ایران.

در مورد بند اوّل قوام اشاره نمود که دادن هر امتیازی منوط به رأی نمایندگان مجلس ایران می‌باشد. در مورد بند ۲ و ۳ مذاکرات چون به یکدیگر مربوط بود شوروی تمایلی به تخلیه ایران نشان نداد. انعکاس عدم تخلیه ایران در محافل بین‌المللی برای شوروی پیامدهای نامناسبی را به وجود آورد. در این موقع دولت ایران دومین شکوائیه را در ۲۹ اسفند ۱۳۲۴ تسلیم سازمان ملل نمود.

در زمانی که ارتش ایران به وسیله قوای شوروی در قزوین متوقف شده بود قاضی محمد رهبر جنبش کردها در باکو با جعفر باقراف (رئیس جمهور آذربایجان شوروی) ملاقات کرد و

^۱ - لوئیس فاوست، کتاب ایران و جنگ سرد ترجمه کاوه بیات، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صفحه

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه / ۲۳۵

موجودیت فرقه دموکرات کردستان را اعلام نمود و در زمانی که کنگره خلق در تبریز گشایش یافت در کنار پیشه‌وری قرار گرفت.

مسأله جدید نظام حاکم را بیش از پیش نگران کرد، ولی چون قادر به اخراج شوروی از خاک خود نبود از طریق سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کرد. در ۱۵ اسفند سال ۱۳۲۴ چرچیل ملاقاتی را با ترومن رئیس‌جمهور امریکا به عمل آورد، و رسماً اعلام نمود که اتحاد جماهیر شوروی و سازمان‌های کمونیست بین‌المللی در تلاش برای به دست آوردن پایگاه‌های مناسبی در کشورهای جهان سوّم می‌باشند و حدود تمایلات آنها مشخص نمی‌باشد.

بالاخره ترومن در اوّل فروردین ۱۳۲۵ در باره تخلیه ایران به استالین اولتیماتوم داد که چنانچه روسیه ایران را تخلیه نکند امریکا وارد خاک ایران خواهد شد و در اثر فشارهای امریکا و انگلیس در شورای امنیت در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ ایران از قوای شوروی تخلیه کامل گردید.

پس از تخلیه ایران مذاکراتی بین قوام و پیشه‌وری در تهران و آذربایجان به عمل آمد و نکته اصلی بر سر خلع سلاح قشون ۱۲۰۰۰ نفری پیشه‌وری بود که به وسیله روس‌ها تجهیز شده و در تبریز و شهرهای بزرگ مستقر گردیده بودند، تلاش دولت برای حل مسأله آذربایجان به جایی نرسید تا این که قوای دولتی در اوایل آذرماه با سه ستون به آذربایجان و کردستان حرکت کردند. ارتش دموکرات‌ها که در حوالی میانه مقاومت می‌کردند شکست خوردند و ارتش به سمت تبریز پیشروی نمود و نیروهای پیشه‌وری با بی‌نظمی کامل شروع به اجرای یک سلسله مقاومت‌های پراکنده نمودند که تمامی این عملیات در فاصله تبریز و میانه سرکوب گردید و قوای دولتی وارد تبریز گردیدند. پیشه‌وری و یارانش به شوروی پناهنده شدند و ۲۵۰۰ نفر از افراد باقی مانده در تبریز کشته شدند.

نیروهای ارتش پس از سرکوب فرقه دموکرات آذربایجان راه خود را به سوی کردستان در پیش گرفتند و قاضی محمّد که از سرنوشت شوم پیشه‌وری باخبر شده بود با اندک مقاومتی شهر مهاباد را تخلیه و خود را در میاندوآب به نیروهای دولتی تسلیم نمود ولی قبل از تسلیم شدن قسمت اعظم جنگ‌افزارهای موجود را به بارزانی‌ها تحویل داده بود. قاضی محمّد و برادر و پسرانش در شهر مهاباد به دار آویخته شدند. نیروهای بارزانی به رهبری شیخ احمد برادر بزرگ ملاّ مصطفی و خود ملاّ از مهاباد به نقده و اشنویه عقب‌نشینی کردند و با مذاکراتی که

در تهران و منطقه به عمل آمد در مقابل تقاضای ملاّ مصطفی و شرایط او ستاد ارتش سه پیشنهاد را به شرح ذیل ارائه داد :

- ماندن در ایران و خلع سلاح کامل و قبول تابعیت ایران برای خود و خانواده‌اش.
 - باقی گذاردن تعدادی از کارکنان نیروی بارزانی که سابقه محکومیت در عراق دارند در ایران، رفتن بقیه بارزانی‌ها به عراق .
 - ترک کامل خاک ایران با تمام طایفه و خانواده.
- سرانجام ملاّ مصطفی پس از یک سری عملیات ناموفق به خاک شوروی پناهنده شد.

وضعیت نیروی زمینی از سال ۱۳۲۴ به بعد

از سال ۱۳۲۴ تیپ مستقل سوار مرکز به لشکر سوار تبدیل شد و متعاقب آن در سال ۱۳۲۶ لشکر ۴ سنندج منحل و تیپ مستقل کردستان جایگزین آن شد و لشکر سوار مرکز در خردادماه ۱۳۲۶ منحل و عناصر آن تعدادی به لشکر ۲ مرکز و تعدادی به گارد شاهنشاهی منتقل شدند و سرانجام لشکر ۱ مرکز نیز در سال ۱۳۲۸ به لشکر ۱ گارد تغییر نام یافت.^۱

وضعیت نیروی زمینی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

سازمان نیروی زمینی تا سال ۱۳۳۴ تغییرات چندانی نداشت ولی همان طوری که در مبحث مستشاران نظامی به آن اشاره خواهد شد پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حضور گسترده مستشاران نظامی امریکا، در ساختار آن تغییرات و دگرگونی زیادی به وجود آمد. سازمان نیروی زمینی تا سال ۱۳۴۲ از ۶ سپاه به شرح زیر تشکیل شده بود:

سپاه مرکز شامل لشکر ۱ تهران - لشکر ۵ گرگان

سپاه زنجان شامل لشکر ۲ تبریز

سپاه مهاباد شامل لشکر ۴ ارومیه - لشکر خانه

سپاه باختر شامل لشکر ۷ کرمانشاه - لشکر ۶ کردستان - لشکر ۸ خرم آباد

سپاه شیراز شامل لشکر اهواز - لشکر فارس (هنگ ۲۸ رزمی)

سپاه خاور شامل لشکر خراسان

^۱ - سپهبد کاظمی تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ارتش صفحه ۲۸۶.

بخش دوم

جنگ افزارهای موجود در نیروی زمینی تا سال ۱۳۳۷

جنگ افزارهای یگان های پیاده^۱

تفنگ برنو

تفنگ مسلسل

تفنگ کالیبر ۳۰/۰ اینچ

تفنگ ۵۷ میلیمتری

تفنگ ۱۰۶ میلیمتری

تفنگ ۷۵ میلیمتری

مسلسل کالیبر ۳۰/۰ اینچ

مسلسل آبی کالیبر ۳۰٪ اینچ

مسلسل براونیک AN-M۲

مسلسل برنو

خمپاره انداز ۶۰ و ۸۱ میلیمتری

خمپاره انداز ۴/۲ نمونه M۲ و M۳۰

بازو کای ۵/۳ اینچی

تیانچه کلت

تیانچه پارابل

نارنجک های دستی و مشقی

^۱ - حسین تجلی ستوان ۲ پیاده - مختصات سلاح ها وسایل متداوله در ارتش ایران ، از انتشارات دانشکده افسری ، صفحه ۱ تا ۳.

جنگ‌افزارهای توپخانه

توپ ۴۰ میلیمتری

هویتزر ۱۰۵ میلیمتری نمونه m۳

هویتزر ۱۰۵ میلیمتری نمونه m۲a۱

هویتزر ۱۵۵ // // m۱

هویتزر ۸ اینچ

توپ ۷۵ میلیمتری کوهستانی

مختصات جنگ‌افزارهای زرهی

تانک M ۴۷

تانک M ۴۸

تانک M ۲۴

تانک M۴A۳

زره شکن M۱۸

زره شکن M۳۶

زره پوش M۸

زره پوش M۲۰

مختصات مین‌ها و وسایل مهندسی

مین‌های M۱A۱ و M۶

مین‌های ضد تانک M۷ و ضد نفر M۳

گریدر و کامیون تخلیه کن

تراکتور D۴ و D۷

غلطک و کمپرسور هوا و یدک‌کش

بتون ساز

وسایل مخابراتی

- بی سیم ۳۹۹-۴۹۹ SCR
- بی سیم ۱۸۸ - SCR
- بی سیم ۱۹۳ - SCR
- بی سیم ۹ - AN-GRC
- بی سیم ۶۹۴ - SCR
- بی سیم ۲۸۴ - SCR
- بی سیم ۵۳۶ - SCR
- بی سیم ۶ / AN-PRC
- بی سیم ۳۰۰ - SCR
- بی سیم ۵۰۶ - SCR
- بی سیم ۵ - AN-GRC
- بی سیم ۵۱۰ - SCR
- بی سیم ۵۰۹ - SCR
- بی سیم ۶۰۹-۶۱۰ - SCR
- بی سیم ۵۲۸ - ۵۰۸ - SCR

وسایل عمده مهندسی

- انواع پل‌های شناور شامل:
- قایق حمله m۲
- پل شناور m۴
- پل شناور ۶۰ تن
- پل شناور ام - ۴، تی - ۶ لاستیکی (امریکایی)
- پل شناور پی - ام - پی (روسی)
- طراده‌های آبی خاکی g-s-p روسی
- پل آلومینیومی شناور جهت افراد پیاده نوع سبک S آلمانی

پل تجهیزاتی بیلی (پانل) امریکایی
پل هجومی تی - ام - ام سوار بر خودرو چرخدار روسی
پل آ - وی - ال - بی (a-v-l-b) سوار بر خودرو زرهی (چیفتنن - m۶۰)
غلطک مین کوب K-M-T۵ روسی
غلطک مین روب KMT۴ روسی
مین یاب متکس آلمانی

نیروی زمینی در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ تغییر ساختار داد و از سه ارتش به شرح ذیل تشکیل گردید

قرارگاه ارتش یکم در کرمانشاه با عناصر تشکیل‌دهنده:

لشکر ۲ پیاده تبریز

لشکر ۳ پیاده مراغه

لشکر ۴ پیاده ارومیه

لشکر ۷ پیاده کرمانشاه

قرارگاه ارتش دوم در تربت حیدریه با عناصر تشکیل‌دهنده:

لشکر ۵ گرگان

لشکر ۶ مشهد

در سال ۱۳۴۷ ارتش سوم تشکیل و قرارگاه آن در شهر شیراز تعیین گردید با عناصر

تشکیل‌دهنده:

مراکز فرهنگی شامل (مرکز پیاده - مرکز زرهی - مرکز توپخانه و موشک‌ها - گروه

مراکز آموزش رسته‌ای پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی، گروه مراکز

رسته‌ای پشتیبانی و اداری، مراکز جایگزینی)

یک لشکر مکانیزه (که تشکیل نشد)

تیپ ۵۵ هوابرد

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه ۲۴۱/

نیروی زمینی در سال ۱۳۵۰ قرارگاه‌های ارتش را منحل و به جای آن اقدام به تشکیل سپاه نمود

تاریخ تشکیل سپاه ۱ سال ۱۳۵۰ و محل قرارگاه آن در کرمانشاه با عناصر تشکیل دهنده:

گروهان ۱۰۱ قرارگاه سپاه

گروه ۴۰۴ مخابرات

گروه ۱۱ توپخانه

تیپ ۲۸ پیاده کردستان

لشکر ۶۴ پیاده ارومیه

لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه

گروهان ۱۰۱ دژبان

گردان ۴۱۷ مهندس

گردان‌های ۲۰۳ و ۲۳۴ سوار زرهی

گروهان‌های ۴۱۸ و ۴۳۵ پل پانل

یگان پشتیبانی کننده پیش م ۱

تاریخ تشکیل سپاه ۲ سال ۵۰ و محل قرارگاه آن شیراز تعیین گردید با عناصر تشکیل دهنده:

گروه ۴۱۲ مخابرات

گروه ۲۲ توپخانه

لشکر ۹۲ زرهی اهواز

تیپ ۸۴ خرم آباد.

تیپ ۵۵ هوابرد شیراز

آخرین تغییرات نیروی زمینی

تغییرات مربوط به انحلال سپاه‌ها و استقلال لشکرها :

در سال ۱۳۵۳ تغییرات به شرح زیر در سازمان یگان‌های عمده به عمل آمد و لشکرها و تیپ‌های مستقلی تشکیل شد و این یگان‌ها تحت نظر فرماندهی و ستاد نیروی زمینی قرار گرفتند و این سازمانها تا سال ۱۳۵۷ ثابت ماندند:

گارد شاهنشاهی شامل لشکر ۱ گارد - گارد جاویدان

لشکر ۶۴ ارومیه

لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه

لشکر ۱۶ زرهی قزوین

لشکر ۹۲ زرهی اهواز

لشکر ۷۷ پیاده خراسان

تیپ ۸۸ زرهی زاهدان

تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد

تیپ ۴۰ پیاده سراب

تیپ ۲۸ سنندج

تیپ ۵۵ هواپرد

تیپ ۲۳ نیروهای مخصوص

هوانیروز متشکل از پایگاه‌های زیر

پایگاه تهران

پایگاه کرمانشاه

پایگاه کرمان

پایگاه مسجد سلیمان

پایگاه اصفهان

بخش سوم: عملیات ظفار

کشور (سلطنت نشین عمان) در منتهی الیه جنوب شرقی شبیه جزیر عربستان واقع شده است پایتخت آن شهر مسقط می باشد وسعت عمان ۳۰۰ هزار کیلومتر است. ایالت ظفار در منتهی الیه جنوبی کشور عمان و نزدیک مرز یمن قرار داد. و «صلاله» مرکز این ایالت می باشد.

در سال ۱۹۶۷ یمن جنوبی اعلام استقلال کرد و پایتخت خود را شهر یمن قرار دارد و یمن جنوبی به اردوی کشورهای کمونیستی پیوست، لذا برای ادامه راه خود شروع به تقویت شورشیان ظفار که هم مرز با یمن جنوبی بودند گذاشت و هدف یمن توسعه چریکها ظفار به کلیه خاک عمان و در نهایت تشکیل یک پایگاه مناسب در تنگه هرمز بود.

حکومت جوان عمان در این شرایط نا مناسب نیروی نظامی کافی برای دفع این توطئه نداشت و باتوجه به این که نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۷۰ از منطقه خلیج فارس خارج شدند. عملیات چریکی ظفار رو به گسترش گذاشت سلطان عمان از ایران کمک خواست و ایران بدون درنگ به این درخواست پاسخ مثبت داد.

مسئله دیگر که از سوی (مسقط) مکرراً یاد آوری می شود، موضوع عدم شجاعت و علاقمندی اعراب به شرکت مستقیم نظامی در جنگ ظفار بود، امری که ایران به سرعت آن را پذیرفت.

قیس الزواوی - وزیر خارجه عمان، پس از آن که در آبان ۱۳۵۳ پیشنهاداتی در جامعه عرب مبنی بر تشکیل یک ارتش متحد عرب برای اعزام به ظفار و جایگزینی آن با ارتش ایران مطرح شد، به سفیر ایران در مسقط این گونه پاسخ داد.

«برادران اعراب همیشه خوش دارند به جای عمل، حرف بزنند و اکثر این قبیل حرفها و ادعاها اقدامی را به دنبال نخواهد داشت کدام یک از کشورهای عربی قادر است که مثل ایران به عمان کمک کند.»^۱

^۱ - محمد جعفر چمن کار - بحران ظفار و رژیم پهلوی - موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران سال ۱۳۸۳ صفحه ۱۸۰.

مداخله نظامی ایران در بحران ظفار زائیده یک- سلسله علل و شرایط وابستگی‌های سیاسی اقتصادی و نظامی و ارتباط تنگا تنگ با نوع راهبرد و تحول کارکردهای ابر قدرت‌ها در سطح بین‌المللی بود. این مجموعه عوامل را باید در یک شبکه زنجیره‌ای و تاثیر گذاری بر یکدیگر ارزیابی و بررسی کرد.

در خواست کمک حکومت عمان از ایران پس از اعزام نیروهای ایران به عمان و برخی واکنش‌های منفی در میان اعراب ، سلطان قابوس همواره این سیاست را کاملاً بجا و منطقی می‌دانست. و مسئله درخواست رسمی خود از ایران برای مداخله نظامی را تأکید می‌نمود و این کار تنها راه برای خروج از بحران ظفار می‌دانست.

ایفای نقش نظامی و امنیتی خلیج فارس جنبش ظفار و این فرضیه که آنان، توانائی و هدف وارد آوردن ضربه به مناطق نفتی و تنگه هرمز را دارند، منافع جهان غرب و ایران را با خطر روبرو می‌ساخت

اهمیت راهبردی خلیج فارس، تنگه هرمز و سرزمین عمان

- موقعیت خاص جغرافیایی خلیج فارس

طول تنگه هرمز، صدو هشتاد و هفت کیلومتر و عرض آن بین پنجاه و پنج تا نود و پنج کیلومتر است باریک ترین بخش تنگه هرمز، پنجا و پنج کیلومتر است که بین جزیره ایرانی لارک و قوئین کبیر در سرزمین عمان قرار دارد.

عمق تنگه هرمز در نزدیکی جزیره لارک، سی و شش متر است، در حالی که در آب‌های ساحل جنوبی عمان صد و چهل و چهار متر می‌رسد. به همین علت بیشتر رفت و آمد کشتی‌های تجاری و نفتی در آب‌های ساحل عمان صورت می‌گیرد که در محدوده شبه جزیره مسندام قرار دارد.

- اهمیت سوق الجیش سرزمین عمان

سرزمین عمان، با وجود وسعت اندک و کمی جمعیت از موقعیت راهبردی و تأثیر گذار در منطقه خلیج فارس و دریای عمان برخوردار است.

- اهمیت راهبردی تنگه هرمز

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه / ۲۴۵

ایران با هزار و سیصد و هفتاد و پنج کیلومتر راه آبی که از بندر عباس تا دهانه جزیره فاو امتداد دارد ۴۵/۳ درصد از کل خلیج فارس، و دریای عمان را در کنترل خود دارد. تنگه هرمز، یگانه راه آبی قابل دسترسی ایران به دریای آزاد است و عمده صادرات از طریق این گلوگاه صورت می‌گیرد.

لذا جنبش ظفار به طور بالقوه می‌توانست خطرانی را برای منافع ایران در خلیج فارس در پی داشته باشد. لذا نگرشی خاص در جهت دخالت نظامی مستقیم در ظفار و توجیه و دفاع از این عملکرد بود.

عملیات نیروهای نظامی ایران در ظفار

عملیات جاده سرخ

در اوایل دیمه ۱۳۵۲ نیروهای ایرانی به منظور پاکسازی مناطق مختلف ظفار از چریک‌ها در دستور کار فرماندهی عملیات قرار گرفت. تصرف جاده راهبردی صلاله به مسقط در بخش مرکزی ظفار اولین مأموریت عمده ارتش ایران تعیین شده. این جاده که تنها راه مواصلاتی صلاله در جنوب را به مسقط در شمال که بیش از ششصد کیلومتر است و جاده صلاله به میدوی که به جاده سرخ شهرت یافته بود بطول هشتاد و دو کیلومتر است از سال ۱۳۴۸ در اختیار چریکهای ظفار بود و تنها از راه هوا یا دریا امکان پشتیبانی شهر صلاله بود.

نیروهای ایرانی برای آزادی سازی در جنوب و شمال این منطقه استقرار یافتند، این عملیات را تیپ قوچان و تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۲۳ نیروهای ویژه هوابرد با پشتیبانی هلی‌کوپتر های هوانیروز انجام دادند و جاده سرخ که سال‌ها در اختیار شورشیان بود از وجود چریکها پاکسازی شد این عملیات غافلگیرانه ضربه سختی به روحیه چریکها وارد نمود. در تاریخ ۱۳۵۲/۱۲/۹ به نقل از گزارش رسمی دولت مسقط اعلام شد که راه بین صلاله میدوی در نزدیکی دریای عمان پاکسازی و با عقب راندن چریکهای ظفار، رفت و آمد با اتومبیل آغاز شده است.

عملیات راخیوت

این شهر از نظر جغرافیائی کاملاً کوهستانی با دره‌ها و پرتگاه‌های عمیق بود باگرفتن این شهر راه انتقال محموله‌هایی که از یمن جنوبی به چریکها در شرق راخیوت می‌رسید، مسدود می‌گردید. نیروهای ویژه ارتش ایران این شهر را در عرض ۳۷ روز عملیات مداوم آزاد کرده و مرکز شورشیان ظفار را اشغال و قرارگاه ۱۴ تیپ شورشیان را در تاریخ ۵۳/۱۰/۱۶ تصرف نمودند.

در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۳ خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع موثق نظامی دولت عمان اعلام کرد نیروی ارتش ایران، شهر بسیار راهبردی و سوق الجیش راخیوت واقع در چهل کیلومتری یمن جنوبی را پس از محاصره، تسخیر کرده‌اند.

در نتیجه عملیات راخیوت، ارتش ایران بیش از سه هزار کیلومتر مربع از ظفار را پاک سازی کردند.

همراه با افزایش درگیری در ظفار و برتری نیروهای دولتی، شمار زیادی از هواداران جبهه خلق به دولت مرکزی عمان پیوسته اند.

در ادامه عملیات پاکسازی چریکها با استفاده از نیروی هوائی و ناوگان دریایی ایران تپه راهبردی ۵۸۷ منطقه شابوت را به تصرف در آوردند.

در این مرحله از جنگ ظفار پاکسازی غربی و نابودی خطوط مواصلاتی و تأمینی آنها بود نیروهای ایرانی در نظر داشتند چریکها را از غارهای فراوان شیرشیتی بیرون کشیده، آنها را به مرز یمن جنوبی برانند و با کنترل کامل کرانه‌های خلیج هوف ارتباط جبهه خلق را با دریای آزاد قطع کنند.

در تاریخ ۲۶ مهرماه وزارت دفاع عمان اعلام کرد در حملات شدید هوائی نیروهای چریکی تلفات سنگینی را بجا گذاشتند و مواضع خود را ترک کردند.

در بامداد ۳۰ مهر ۱۳۵۴ تپه سوق الجیشی ۱۰۲۲ در جنوب دهکده شازینی سقوط کرد و در ۱۰ آبان ماه ۱۳۵۴ آخرین قلعه در سرحدات یمن جنوبی به ارتفاع ۱۰۷۳ بدست نیروهای ضربتی ارتش ایران افتاد.

با افزایش پیروزی‌های متوالی و هماهنگ جبهه مشترک ایران و عمان چریک‌های ظفار وحدت فرماندهی خود را از دست دادند. از مهم‌ترین پیامدها سرپیچی عناصر بومی و افزایش

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه ۲۴۷/

پناهندگی چریک‌ها بود بطوریکه دوتن از فرماندهان جنبش در میان آنها بودند. سرانجام در روز ۱۳۴۵/۹/۲۲ سلطان قابوس پایان جنگ را رسماً اعلام کرد نیروهای ایران شامل تیپ ۵۵ هوابرد - تیپ ۲۳ نیروهای ویژه و ۵ تیپ پیاده.

نیروی هوایی با ۱۰۰ فروند هواپیمای ۱۳۰ - C جهت ترابری نیروها و هواپیمایی هجومی (۱ ف - ۵) و (۱ ف - ۴) جهت پشتیبانی نیروهای زمینی ناوگان نیروی دریایی ایران به منظور پشتیبانی از راه دریا هوانیروز به اعزام ۴۰ فروند هلی کوپتر هجومی کبرا و ۲۱۴ توانست نقش اصلی را در این عملیات اجرا نماید.

بخش چهارم: هوانیروز^۱

تاریخچه

اولین کسی که بالگرد را در جهان طراحی و ترسیم نمود، فیلسوف و نقاش بزرگ ایتالیایی لئوناردو داوینچی بود.

در سال ۱۹۴۲ بالگرد از حالت آموزشی به صورت وسیله‌ای کارآمد تبدیل شد و در سال ۱۹۴۵ بالگرد ساخت سیکورسکی به عنوان بالگرد نجات و گارد ساحلی در نیروهای دریایی و هوایی امریکا بکار گرفته شد.

فکر تشکیل یگان‌های بالگردی در ارتش‌های جهان بعد از پایان جنگ جهانی دوم تقویت شد. در جنگ کره کاربرد هواپیمای سبک و بالگرد مورد آزمایش قرار گرفت و بالگرد به "فرشته جنگ" کره مشهور گردید.

در جنگ ویتنام، تحرک کم توپخانه و سرعت زیاد و ارتفاع بالای هواپیماهای شکاری، جوابگوی نیازمندی‌های پشتیبانی عملیاتی نبود لذا در این جنگ که بیشتر امریکا درگیر عملیات نامنظم گردیده بود توانستند از بالگردهای (یو - اچ - وان) و کبری به نحو قابل ملاحظه‌ای بهره‌برداری نمایند. پس از مشخص شدن کاربرد یگان بالگردی ارتش‌های پیشرفته جهان از بالگرد در نیروهای خود استفاده نمودند و در حال حاضر به عنوان یک یگان رزمی کارآمد همچون پیاده و زرهی که مستقیماً با دشمن درگیر نبرد می‌شوند، از آن نیز بهره‌برداری می‌شود.

ضرورت وجود بالگرد در ایران

با توجه به وضعیت جغرافیایی ایران که سرزمینی پهناور با رشته کوه‌های مرتفع می‌باشد، دسترسی سریع به تمام نقاط دلخواه در سراسر کشور حائز اهمیت فراوانی می‌باشد. وجود جنگل‌ها در شمال و کویرهای وسیع در مرکز کشور از عواملی هستند که ارتباط میان مناطق مختلف را بسیار کند کرده است. عدم نیاز بالگرد به باند فرود، این پرنده را در دنیای امروز بسیار با ارزش و سودمند جلوه داده است. بالگرد وسیله‌ای است که با قابلیت‌های فراوان خود مأموریت‌های متعددی را انجام می‌دهند.

^۱ - شناسایی و کاربرد هوانیروز از مجموعه انتشارات معاونت عملیات و اطلاعات (آموزش) در سال ۱۳۶۴.

عوامل مهمی که وجود بالگرد را در ایران ضروری ساخته به شرح زیر می‌باشد:

- کمبود جاده‌ها و راه‌های ارتباطی.
- وجود عوارض طبیعی همچون جنگل، کوهستان، بیابان و کویر.
- ایجاد قدرت تحرک بیشتر.
- مدرنیزه کردن یگان‌های زمینی با وسایل پیشرفته.
- ایجاد قابلیت انعطاف در عملیات آفندی و پدافندی.

تشکیل و توسعه سازمان هوانیروز

برای تشکیل یگان هوانیروز و تجهیز آن با انواع وسایل پرنده، در اوایل سال ۱۳۵۰ بررسی‌های لازم به عمل آمد و طراحی برای سازمان دادن یک یگان هواپیمایی، بالگردی برای نیروی زمینی به عمل آمد.

سازمان پیش بینی شده می‌بایستی دارای توانایی‌های زیر باشد:

- در منطقه هر سپاه یک گردان پیاده را جا بجا نماید.
- عملیات یگان‌های زمینی را پشتیبانی کند.
- تأمین تدارکات و تخلیه مجروحین را از راه هوا به انجام رساند.

بر مبنای تدابیر بالا سازمان هوانیروز به شرح زیر تشکیل گردید

- قرارگاه فرماندهی.
- یک گروه پشتیبانی عمومی.
- سه گروه پشتیبانی مستقیم.
- یک گردان هواپیمایی پشتیبانی فرماندهی.
- یگان پشتیبانی هوانیروز.
- مرکز آموزش فنی و خلبانی.
- گروهان عملیات و مخابرات.
- شرکت پشتیبانی و نوسازی بالگردهای ایران : "پن‌ها" (که بخشی از سازمان صنایع دفاع می‌باشد)

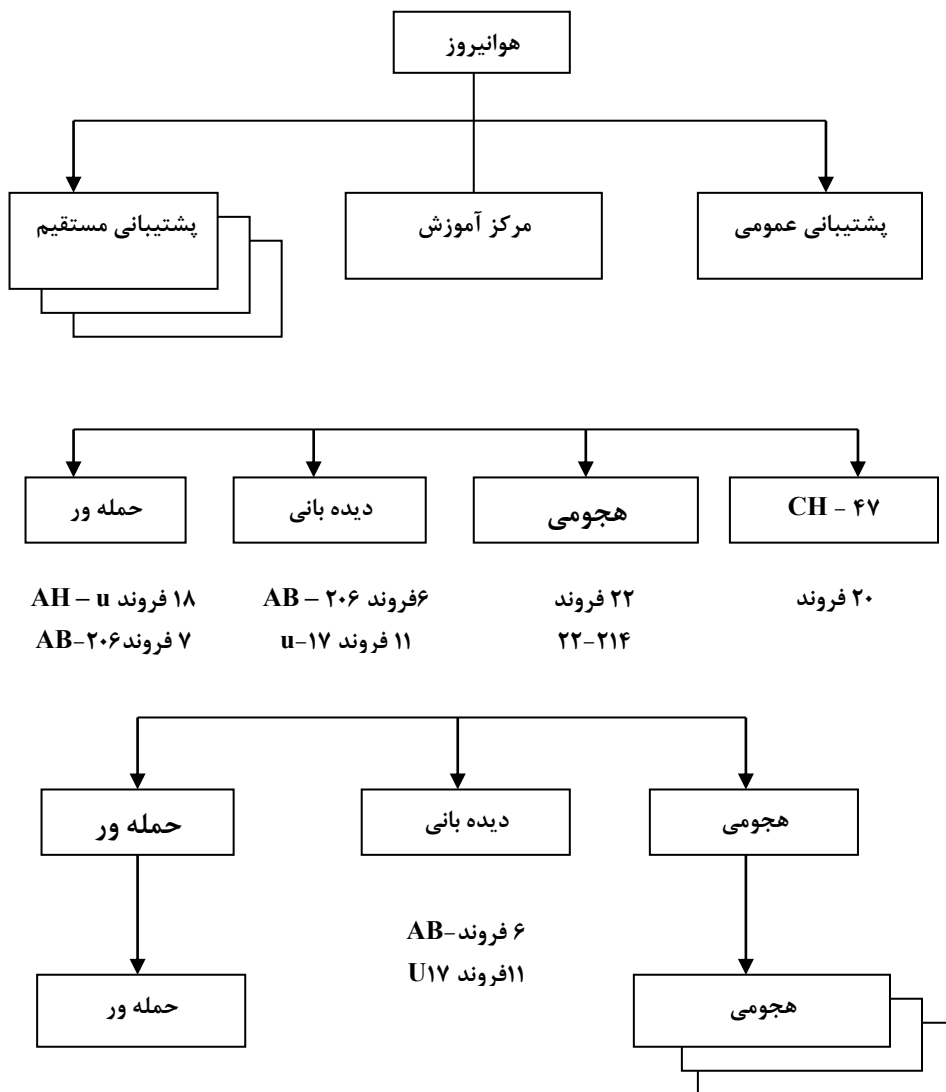
بالگردهای موجود در هوانیروز

- هلی کوپتر ۲۰۶ یا جت رنجر ۲۰۶ - AB - (OH - ۵۸)
مأموریت اصلی رابط فرماندهی - شناسایی و عکس برداری، تعداد سرنشین ۴ نفر با خدمه.
- هلی کوپتر ۲۰۵ AB (UH - ۱)
مأموریت اصلی هجومی (نیروبری) تعداد سرنشین ده نفر با خدمه.
- هلی کوپتر کبری شکاری J - ۱ AH
مأموریت اصلی - شکار تانک - اسکورت بالگرد هجومی.
- هلی کوپتر اصفهان - هجومی (۲۱۴)
مأموریت اصلی هجومی (نیروبری) تعداد سرنشین ۱۶ نفر با خدمه یا ۶ برانکار.
- هلی کوپتر حمل و نقل متوسط شنوک ۴۷ - CH.
مأموریت اصلی نیروبری در پشت جبهه، حمل تدارکات و جابجا کردن موضع توپخانه.
- تعداد سرنشین ۴۴ نفر بدون صندلی، ۲۴ برانکار.

هواپیماهای موجود در هوانیروز

- توربو کماندر ۶۹۰ - TC
مأموریت اصلی، رابط فرماندهی، حمل و نقل سبک، تعداد سرنشین ۹ نفر.
- فالکن ۲۰ - DA
مأموریت اصلی رابط فرماندهی، حمل و نقل سبک تعداد سرنشین ۱۲ نفر.
- فرند شیپ ۲۷ - F.
مأموریت اصلی، حمل و نقل سبک، حمل چتر باز، تعداد سرنشین ۵۲ نفر.

شمای سازمانی هواپیمایی نیروی زمینی



بخش پنجم

جنگ افزارهای مدرن نیروی زمینی

جنگ افزارهای پیاده

تپانچه کلت کالیبر ۱۱/۴۳ مم

تفنگ ام - ۱ کالیبر ۷/۶۲ مم ساخت امریکا

تفنگ ژ - ۳ کالیبر ۷/۶۲ مم

تیربار آ - ۳ کالیبر ۷/۶۲ مم

تیربار ۱۲/۷ مم ضد هوایی

نارنجک انداز آر - پی - جی - ۷ کالیبر ۴۰ مم

خمپاره انداز ۶۰ مم

خمپاره انداز ۸۱ مم

خمپاره انداز ۱۲۰ مم

تفنگ ۵۷ مم بدون عقب نشینی

تفنگ ۱۰۶ مم بدون عقب نشینی

موشک انداز هدایت شونده "تو" با برد ۳۰۰۰ متر

موشک هدایت شونده "دراگون" با برد ۱۰۰۰ متر

انواع مین (ضد تانک - ضد نفر)

جنگ افزارهای توپخانه

هویتزر ۱۰۵ مم - ام - ۲

هویتزر ۱۵۵ مم کششی (ام - ۲)

هویتزر ۱۵۵ مم خودکششی (ام - ۱۰۹)

هویتزر ۲۰۳ مم - (ام - ۲) کششی

هویتزر ۲۰۳ مم - (ام - ۱۱۰) خودکششی

توپ ۱۷۵ مم - (ام - ۱۰۷) خودکششی

توپ ۱۳۰ مم - (ام - ۴۶) کششی

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه / ۲۵۳

توپ ۵۷ مم پدافند هوایی

توپ ۲۳ مم پدافند هوایی

توپ ۲۳ مم ۴ لوله خودکشی پدافند هوایی (شیلکا)

موشک انداز کاتیوشا (خودرو رزمی بی - ام - ۲۱)

جنگ افزارهای زرهی

خودرو رزمی ب - ام - پ - ۱

نفربر چرخدار روسی ب - ت - ۶۰ - پ - ب

نفربر شنیدار روسی ب - ت - ۵۰ - پ - کا

نفربر شنیدار - ام ۱۱۳

نفربر شنیدار - ام ۱۱۳ - آ - ۱

خودرو پاسگاه فرماندهی ام ۵۷۷

خودرو شناسایی اسکورپیون

تانک ام - ۴۷ - ام

تانک ام - ۶۰ - آ - ۱

تانک چیفتن مارک - ۵

تانک شیر ایران

پل گذار زرهی چیفتن

بخش ششم

اوضاع نیروی دریایی ایران از سال ۱۳۲۵ الی ۱۳۵۷

پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۳۲۵ ه. ش دولت انگلیس نه به عنوان پرداخت غرامت بلکه تحت عنوان این که در جنگ، ایران علیه آلمان و دول محور به متفقین پیوسته، بجای ناوهای ببر و پلنگ سابق دو ناو فریگیت به ایران تحویل داد که به یاد ناوهای غرق شده ببر و پلنگ نامگذاری شدند. ناوهای شاهرخ، شهباز، سیمرغ، کرکس و یدک بر را که از نیروی دریایی ایران گرفته بودند مجدداً در سال ۱۳۲۶ مسترد نمودند.

- با این شش فروند ناو (۴ فروند کهنه و ۲ فروند که در زمان جنگ جهانی دوم ساخته شده بود) نیروی دریایی ایران راه اندازی شد.

- انگلیسی ها تقبّل نمودند که تعدادی افسر نیروی دریایی ایران را در انگلستان آموزش دهند و اولین گروه این افسران در سال ۱۳۳۲ اعزام گردیدند.

- امریکایی ها نیز ۴ ناوچه توپدار به نام های کیوان، ماهان، مهران، تیران بعنوان کمک نظامی به ایران تحویل دادند.

- بین سال های ۱۳۴۰-۱۳۳۹ چهار مین جمع کن به نام های شاهرخ، شهباز، کرکس و سیمرغ بعنوان کمک نظامی امریکا به نیروی دریایی ایران تحویل گردید. اسامی این مین جمع کن ها به نام ناوهای قدیمی که از رده خارج شده بود تعیین گردید.

- در سال های ۱۳۴۰-۱۳۴۳ ناوهای کروت (ناوشکن سبک) بایندر، نقدی، کهنموئی، میلانیان و دو ناو مین جمع کن ریاضی و هریسچی بعنوان کمک نظامی امریکا به نیروی دریایی ایران تحویل شد.

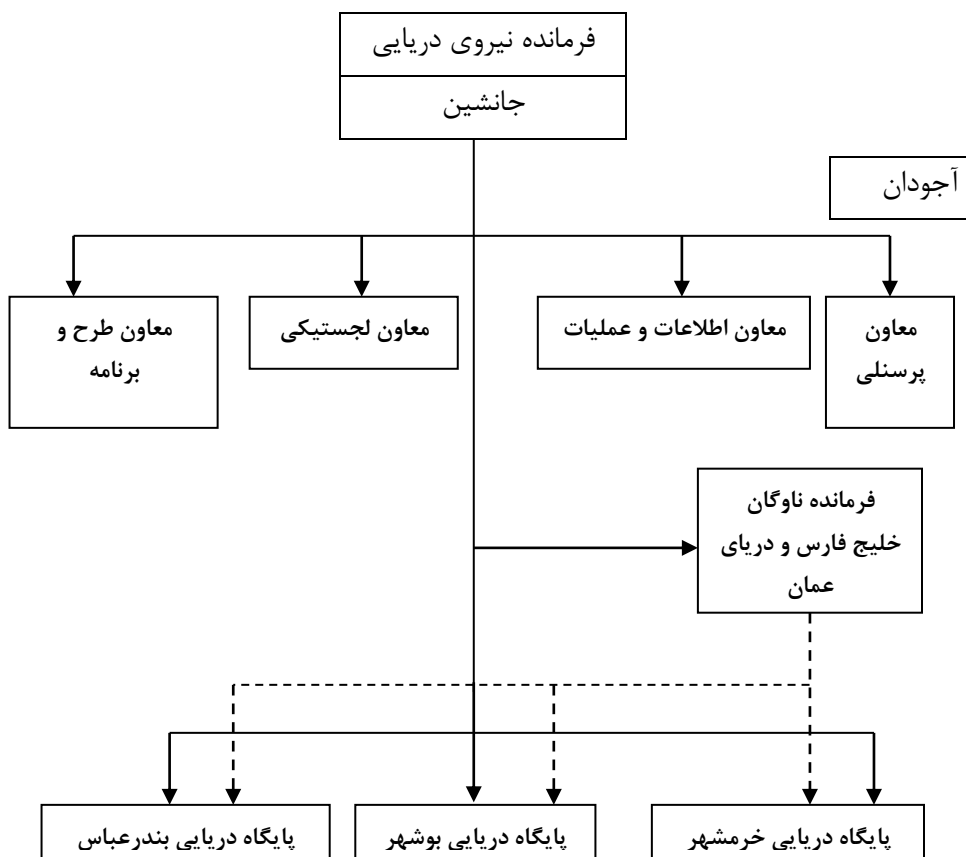
- در سال ۱۳۴۷ سازمان نیروی دریایی تغییرات کلی نمود و در جنوب فرماندهی ناوگان خلیج فارس و دریای عمان (مستقر در بندرعباس) تشکیل شد و در خرمشهر نیز فرمانده پشتیبانی نیروی دریایی سازمان یافت.

- در سال ۱۳۴۷ تعداد ۵ فروند ناوشکن از انگلستان خریداری شد که یکی از آنها به نام آرتیمیز بود که پس از تعمیرات اساسی و آموزش عملی در سال ۱۳۵۰ وارد خلیج فارس شد و بقیه ناوشکن های موشک انداز سبک به نام های سام - زال - رستم و فرامرز در پایگاه دریایی جدیدالتأسیس بندر عباس پهلو گرفتند.

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه / ۲۵۵

- در همین سال دو فروند نفتکش نو از آلمان و دو فروند ناو نیرو برنو از انگلستان خریداری شد و در پایگاه دریایی بندرعباس مستقر گردیدند.

سازمان نیروی دریایی در سال ۱۳۵۰



کنترل عملیات -----
فرماندهی -----

نیروی دریایی در سال ۱۳۵۰ دارای یک ناوگان پیشرفته و شناورهای با تناژ به شرح

زیر بود:

ناوهای سلطنتی به ظرفیت	۷۵۶ تن
ناوهای نوع ناوشکن سنگین به ظرفیت	۱۰۰۰۱ تن
ناوهای نوع سام (ناوشکن پاسور) به ظرفیت	۴۸۰۰ تن
ناوهای نوع بایندر (ناو پاسور) به ظرفیت	۴۵۵۰ تن
ناوهای نوع مین روب کرانه‌ای به ظرفیت	۱۵۱۲ تن
ناوهای نوع مین روب رودخانه‌ای به ظرفیت	۴۷۰ تن
ناوهای نوع ناوگشتی توپدار به ظرفیت	۴۳۸ تن
ناوچه‌های نوع ناوچه گشتی توپدار به ظرفیت	۴۲۸ تن
ناوچه‌های نوع زهره	۲۲۸ تن
ناوچه‌های گشتی سرویس	۴۸ تن
ناوهای آماد و پشتیبانی و تعمیراتی	۱۶۶۶۰ تن
هواناوهای نوع ۶ srn	۱۱۰ تن
هواناوهای نوع BHV	۱۰۰ تن

علاوه بر این یگان هوادریای نیروی دریایی ایران نیز دارای تعدادی بالغ‌تر از انواع

سیکورسکی، UH-1 و Jet Ranger بود.

با مقایسه ظرفیت فعلی یگان‌های شناور نیروی دریایی در ایران (۴۰۱۰۱ تن) و سال ۱۳۲۵ (۳۳۰۰ تن) یعنی از تاریخ تأسیس مجدد نیروی دریایی ایران می‌توان به آسانی دریافت که چگونه به یگان‌های شناور نیروی دریایی ایران مرتباً افزوده گردیده یعنی ظرفیت یگان‌های شناور نیروی دریایی نسبت به سال ۱۳۲۵، ۱۲/۱ برابر گردیده است.

نیروی دریایی دارای تشکیلات منظم در ساحل و سازمان‌های پیشرفته نظامی بر روی ناوهای جنگی شد به همین نسبت تعداد کارکنان یگان‌های عملیاتی نیز به بیش از ۱۰ برابر افزایش یافت.

در سال ۱۳۵۴ پس از اعلام دکترین نیکسون نظریه تقویت اساسی نیروی دریایی ایران مطرح گردید و در این راستا اقدامات زیر به عمل آمد:

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه ۲۵۷/

- سفارش خرید ۴ فروند رزمناو پیشرفته از کلاس اسپرونس^۱ به نام‌های کورش داریوش - نادر و اردشیر به امریکا.
- سفارش خرید ۳ فروند زیردریایی دست دوم به امریکا که یک فروند آن به نام کوسه مراحل نهایی انتقال را می‌گذراند.
- سفارش خرید ۶ فروند زیردریایی پیشرفته به آلمان.
- سفارش خرید ۴ فروند ناوشکن پیشرفته به هلند.
- این ناوها قرار بود در پایگاه جدید چابهار که ساختمان آن در سال ۱۳۵۶ شروع شده بود مستقر گردند.
- سفارش خرید یک ناو نفتکش و تدارکاتی اقیانوس پیما به نام خارک به انگلستان.
- سفارش خرید ۴ فروند ناو نیروبر از کلاس لارک به آلمان.
- سفارش خرید ۱۲ فروند ناوچه سریع‌السير فوق پیشرفته از نوع لاکمباتانت (مجهز به موشک سطح به سطح هارپون) به فرانسه.
- ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان نیروی دریایی تغییر کرد و پروژه خرید ناوها و زیردریایی‌ها از امریکا - آلمان و هلند لغو گردید و پروژه بزرگ پایگاه دریایی چابهار منتفی شد و در عوض پایگاه دریایی کوچک‌تری ساخته شد.
- در همین دوره زمانی بخش هوایی نیروی دریایی نیز به عنوان "هوادریا" به‌منظور گشت دریایی در بندرعباس تأسیس شد که شامل انواع بالگردهای زیر بود:
 - بالگردهای چند منظوره (U-H - ۱) در نقش موشک اندازه‌های ضد شناورهای سطحی.
 - بالگردهای (SH - ۳ D) مجهز به سونار و اژدر به عنوان سکوی ضد زیردریایی پرنده.
 - بالگردهای (RH-۵۳ D) برای عملیات مین روبی دریایی.
- به موازات تجهیز یگان‌های عملیاتی، روند تجهیز مراکز آموزشی در بندرعباس جهت آموزش‌های تاکتیکی و در بندر انزلی جهت کادر درجه‌داری به پیشرفته‌ترین تجهیزات انجام پذیرفت. ولی آموزش روی سیستم ناوها، آموزش دانشجویی و دوره‌های عالی افسران کماکان در کشورهای اروپایی (فرانسه - آلمان - انگلیس - ایتالیا) و کشورهای آسیایی (هند - پاکستان) و امریکا انجام می‌گرفت.

^۱ - Sprounce

تاریخچه هوادریا

پیدایش هوادریا به سال ۱۳۴۶ بر می‌گردد در آن سال گارد ساحلی ژاندارمری مستقر در حاشیه اروندرود به منظور نظارت آبراه‌های کم عمق به ویژه خورهای دهانه خلیج فارس در مقابله با قاچاقچیان، مطالعاتی را در مورد استفاده از وسیله شناوری که روی تشکی از هوا در سطح آب حرکت می‌کرد (هاورکرافت)، آغاز نمود. با نگرش به عملکردی که این وسیله شناور تندرو در جنگ ویتنام نشان داده بود، بهره‌گیری از آن در شرایط اقلیمی سواحل شمالی خلیج فارس مورد تأیید قرار گرفت و متعاقباً در سال ۱۳۴۷، چهار فروند هاورکرافت از نوع (SRN۶) از انگلستان خریداری شد و در اختیار گارد ساحلی ژاندارمری مستقر در خسروآباد (آبادان) قرار گرفت.

در آغاز فعالیت، به دلیل نیاز به تخصص‌های دریایی، تعمیر و نگهداری این وسیله به عهده نیروی دریایی واگذار گردید و همزمان با طرح تشکیل یگان‌های پروازی نیروی دریایی ابتدا یگان‌های هاورکرافت کلاً به نیروی دریایی انتقال یافتند و با تأسیس ایستگاه دریایی خسروآباد در مجاورت پایگاه گارد ساحلی ژاندارمری اولین ایستگاه هاورکرافت که بعدها به (هواکاو) و سپس به (هواناو) تغییر نام یافت به وجود آمد.

در اواخر سال ۱۳۴۷ طرح مجهز شدن نیروی دریایی به یگان‌های پروازی بالگردی و بال ثابت عملی گردید و به همین منظور تعدادی از افسران برای طی دوره‌های آموزشی به خارج کشور اعزام گردیدند.

در اواسط سال ۱۳۴۸ با استقرار چهار فروند بالگرد از نوع (UH۱-D) و (AB-۲۰۶) در ایستگاه هواناو خسروآباد نخستین یگان پروازی نیروی دریایی تشکیل شد و عملکرد مثبت آن موجب گسترش یگان هواناو گردید و در جزیره خارک اقدام به تأسیس پایگاه مجهزی برای یگان فوق نمودند. در سال ۱۳۴۹ عنوان یگان هواناو به (هوادریا) تغییر یافت و شامل مجموعه هواناوها - بالگردها و تعدادی هواپیمای سبک ترابری از نوع (AIR-COMMANDER) ساخت امریکا گردید.

نتیجه مطلوب عملیات یگان هوادریا در نیروی دریایی موجب شد، طرح گسترش آن بر مبنای شرایط محیطی و نیازمندی‌های عملیاتی مورد تجدید نظر قرار گیرد و بر همین اساس

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه ۲۵۹/

پایگاه‌هایی در بندر بوشهر و بندرعباس به وجود آمد. با تشکیل یگان تکاوران دریایی در سال ۱۳۴۹ و تأسیس مرکز آموزش تکاوران در منجیل نیاز به یگان‌های هوادریا تشدید شد. خرید بالگردهای (Sh3d) ضد زیردریایی در سال ۱۳۵۰ و بالگردهای (AB-212) ضد سطحی در سال ۱۳۵۲ و بالگردهای (RH53D) مین روب در سال ۱۳۵۴ برای پایگاه هوا دریای بوشهر سبب بالا رفتن قدرت دریایی ایران در خلیج فارس گردید. ویژگی این بالگردها که در زمان خود از پیشرفته‌ترین انواع بالگردها محسوب می‌شدند و از کشورهای ایتالیا و امریکا خریداری شده بودند، دارای قابلیت اجرای عملیات پروازی در تمام شرایط جوی بودند.

در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ استعداد یگان‌های بالگردی به یک اسکادران (۱۸ فروند) ضد زیردریایی یک اسکادران (۱۸ فروند) AB212 ضد سطحی و یک اسکادران (۶ فروند) RH 53D مین روب رسید و یگان‌های پروازی ترابری هوادریا نیز با خریداری ۴ فروند هواپیمای (فوکر - F27) فرند شیب از کشور هلند، ۴ فروند هواپیمای جت فالکن از کشور فرانسه و الحاق ۴ فروند هواپیمای ترابری سبک شرایک کماندر سازمان یافت و تعداد هواناوهای سبک (SRN6) به ۱۲ فروند افزایش یافت و با خرید ۶ فروند هواناو سنگین (۷-BH) که برای جابجایی تکاوران دریایی در عملیات آب‌خاکی بسیار مناسب بود قابلیت عملیاتی این یگان افزایش یافت. به همراه خریدهای مذکور تعدادی از هواپیماهای (Orion با نام p3f) که نوعی هواپیمای ضد زیردریایی مجهز به ردیابی حوزه مغناطیسی برای کشف زیردریایی بود از امریکا خریداری شد.

این هواپیما به دلیل شباهت آن با هواپیمای (هرکولس C130) به نیروی هوایی واگذار شد ولی در عملیات ضد زیردریایی تحت نظارت عملیاتی نیروی دریایی قرار داشت.

گسترش پایگاه‌های هوادریا

گسترش پایگاه‌های هوادریا هماهنگ با طرح توسعه نیروی دریایی به اجرا درآمد به طوری که در سال ۱۳۵۷ فرماندهی هوادریا چهار پایگاه زیر را در اختیار داشت

- ایستگاه هواناو خسروآباد
- پایگاه هوادریای خارک

- پایگاه هوادریای بوشهر
- پایگاه هوادریای بندرعباس
- بدین ترتیب با یگان‌های زیر که شامل
- یگان‌های شناور سطحی - ناوها و شناورها
- یگان‌های زیردریایی
- یگان‌های آب‌خاکی تفنگداران دریایی
- یگان‌های پروازی - هوادریا

با گسترش پایگاه‌های، نیروی دریایی ایران که مأموریت حفظ سیادت دریایی در خلیج فارس و دریای عمان را به عهده داشت با داشتن قدرت و توانایی کامل نظارت بر دو هزار کیلومتر ساحل و ده‌ها جزیره سوق‌الجیشی در تنگه هرمز را به خوبی انجام می‌داد و این مأموریت را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و وقوع جنگ تحمیلی در دوران جنگ به نحو احسن اجرا نمود به طوری که یگان‌های شناور عراق قادر به خروج از بنادر خود نگردیدند و نیروی دریایی ایران بود که در صحنه عملیات حضور داشت.^۱

بالگردهای نیروی دریایی برای پایگاه‌های هوادریا **بالگردهای RH-۳۵ - (کارخانه سازنده سیکورسکی آمریکا)**

اسکادران بالگردهای مین روب در پایگاه هوادریای بوشهر مستقر بود و پس از تهاجم بالگردهای آمریکا به طَبس نیز ۳ فروند از بالگردهای RH-۳۵ به جای مانده به تعداد بالگردهای اسکادران افزوده شد.

مأموریت اصلی - مین رویی دریایی
مأموریت فرعی - تجسس در دریا، حمل و نقل نفر و بار - توانایی بار ۶۰۰ پوند - صندلی برای ۳۷ نفر.

بالگردهای ضد زیردریایی SH۳D (کارخانه سازنده - کمپانی اگوستای ایتالیا)
اسکادران بالگردهای ضد زیردریایی در پایگاه هوادریای بندرعباس مستقر بوده و مأموریت اصلی این بالگرد عملیات ضد زیردریایی در تمام شرایط جوی بود.

^۱ - دریادار دوم اللهیار افشار، کتاب تاریخچه هوادریا و توانائی‌های عملیاتی یگانهای هوادریا تاریخ انتشار ۱۳۷۰.

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه ۲۶۱/

عملیات ضد زیردریایی به منظور کشف زیردریایی دشمن در عمق دریا، توسط آنتن سونار و نمایش آن در صفحه اسکوپ سونار و انهدام آن توسط اژدر. توانایی حمل بار و نفر، ۶ هزار پوند با قلاب بار خارجی، ۶۰۰ پوند با بالابر نجات، صندلی برای سه نفر مسافر. بالگردهای ۲۱۲-AB - (کارخانه سازنده اگوستای - ایتالیا)

اسکادران بالگردهای ضد سطحی در پایگاه هوادریای بوشهر مستقر بوده و مأموریت اصلی این بالگرد عملیات ضد سطحی با موشک هوا به سطح بر علیه یگانهای شناور دشمن، مأموریت فرعی تجسس و نجات در دریا، حمل بار و نفر و حمل بار خارجی.

هواپیماهای بال ثابت

هواپیمای شرایک کماندر ۵۰۰-SHRIKE

- کارخانه سازنده - راکول امریکا
- دوموتوره هر یک دارای قدرت ۲۹۰ اسب بخار
- ظرفیت حمل مسافر ۴ نفر علاوه بر دو نفر خلبان
- دارای قابلیت عملیاتی و حمل مسافر

هواپیمای توربو کماندر A-۶۹۰

- کارخانه سازنده - راکول امریکا.
- دوموتوره هر یک دارای ۷۱۵ اسب بخار.
- ظرفیت حمل مسافر ۶ نفر علاوه بر دو نفر خلبان.
- قابلیت عملیاتی و حمل مسافر.

هواپیمای جت فالکن DA-۲۰

- کارخانه سازنده - مارسل داسو فرانسه.
- مجهز به دو موتورجت.

هواپیمای فرندشیپ F-۲۷

- کارخانه سازنده فوکر هلند.
- ظرفیت مسافر ۴۰ نفر.
- ظرفیت بار ۸ هزار پوند.

بخش هفتم

نیروی هوایی ایران در سال‌های ۱۳۲۵ الی ۱۳۵۷

در خردادماه ۱۳۲۱ هنگ یکم هوایی که در قلعه مرگی تهران مستقر بود به دلیل اشغال تهران به وسیله ارتش سرخ به اصفهان انتقال یافت و فرودگاه قلعه مرگی در اختیار روس‌ها قرار گرفت.

هنگ دوم هوایی که در تبریز مستقر بود آن هم به دلیل اشغال تبریز در آبان ماه همان سال به اصفهان تغییر مکان یافت و عملاً نیروی هوایی فعالیت خود را در اصفهان متمرکز نمود و تنها قسمتی از تعمیرات مرکزی در تهران باقی ماند.

در اواخر آبان ماه ۱۳۲۱ یک گروه از هواپیماهای مستقر در اصفهان با کارکنان و سایر تجهیزات به شیراز مأمور گردید و همزمان یک گروه هم به کرمانشاه مأمور گردید. دلیل نقل و انتقالات واحدهای هوایی دور نگه داشتن هواپیماها و تجهیزات آن از نظر نیروهای متفقین خصوصاً ارتش شوروی بود زیرا روس‌ها در مناطق اشغالی با اشاعه ایدئولوژی کمونیستی زمینه را برای به وجود آوردن احزاب دمکرات فراهم می‌کردند و دولت مرکزی ایران هم کاملاً به این امر واقف بود.

جمع افسران و درجه داران اداره هواپیمایی در تیرماه ۱۳۲۳ به شرح ذیل بود:

کارکنان پرنده ۱۴۰ نفر (۸۰ نفر خلبان - ۶۰ نفر دیده‌بان)

کارکنان فنی ۳۵۳ نفر

پیش از وقوع حوادث جنگ جهانی دوم چند فروند هواپیمای "کورتیس" امریکایی به ایران حمل شد که به وسیله متفقین به غنیمت گرفته شد، در سال ۱۳۲۳ تعدادی هواپیمای "انسن" به جای هواپیماهای به غنیمت گرفته شده، از طرف امریکا واگذار گردید.

به طور کلی نیروی هوایی تا سال ۱۳۲۵ عملاً موجودیت خود را از دست داده بود و قادر به هیچگونه فعالیت عملیاتی نبود به همین دلیل تعدادی از افسران این نیرو به واحدهای زمینی منتقل گردیدند. در نیمه دوم سال ۱۳۲۳ هنگ‌های هوایی مستقر در اصفهان با هواپیماها و تجهیزات مربوطه به تهران منتقل شدند و یک گردان هوایی در اصفهان باقی ماند.

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمدرضا شاه ۲۶۳/

در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۲۴ یک گروه هوایی در مشهد و در اسفندماه یک گروه هوایی در همدان تشکیل شد.

جمع افسران و درجه داران در دی ماه ۱۳۲۴ به شرح زیر بود:

کارکنان پرنده ۱۰۹ نفر (۴۷ نفر خلبان، ۶۲ نفر دیده بان)

افسر فنی ۹۵ نفر

درجه دار فنی ۳۸۶ نفر

عمده هواپیماهایی که از سال ۱۳۲۰ به بعد به خدمت نیروی هوایی ایران گرفته شدند به شرح زیر می باشد

هواپیماهای دوموتوره "انسن" در سال ۱۳۲۳

هواپیماهای شکاری "هاریکن" در سال ۱۳۲۵

هواپیماهای شکاری "تندربولت" در سال ۱۳۲۸

هواپیماهای ترابری "داکوتا" در سال ۱۳۲۸

هواپیماهای شکاری جت "تی - ۳۳" مدل آر در سال ۱۳۳۵

هواپیماهای شکاری جت "اف - ۸۴" در سال ۱۳۳۶

هواپیماهای شکاری جت "اف - ۸۶" در سال ۱۳۳۹

هواپیماهای ترابری "سی - ۱۳۰" در سال ۱۳۴۲

هواپیماهای شکاری جت "اف - ۵" در سال ۱۳۴۳

هواپیماهای شکاری بمب افکن "اف - ۴" در سال ۱۳۴۷

هواپیماهای ترابری "اف ۲۷" در سال ۱۳۵۰

هواپیماهای تانکر "تی سی ۷۰۷" در سال ۱۳۵۳

هواپیماهای ضد زیردریایی "پی ۳ - اف" در سال ۱۳۵۳

هواپیماهای جمبوجت ترابری "بوئینگ ۷۴۷" در سال ۱۳۵۴

هواپیماهای شکاری "اف - ۱۴" در سال ۱۳۵۴

انواع بالگردهای "یو اچ ۴۳" و "شنوک اچ ۴۷" نیز در فاصله سال ها ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰ برای پشتیبانی به خدمت نیروی هوایی ایران وارد شدند.

سازمان‌های آموزشی در نیروی هوایی فرماندهی آموزش‌های هوایی

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم با توسعه روزافزون نیروی هوایی و در نتیجه نیاز به مراکز آموزشی طرح متمرکز نمودن کلیه سازمان‌های آموزشی ارایه گردید لذا بر مبنای این هدف از تاریخ ۱۳۲۹/۸/۹ تیپ تعلیماتی در پادگان شمالی دوشان تپه محلّ فعلی فرماندهی آموزش‌های هوایی که قبلاً محلّ استقرار هنگ اکتشافات بود تشکیل گردید. بتدریج از تاریخ ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۳ همراه با تحولات عمده در اوضاع نیروی هوایی ایران تغییرات قابل توجهی در یگان‌های آموزشی آن به عمل آمد و در سال ۱۳۴۳ این کانون فرهنگی با امکانات آموزشی بیشتر به مرکز آموزش‌های هوایی تغییر نام داد.

۲- فرماندهی آموزش‌های هوایی (شهید خضرائی)

مرکز آموزش‌های هوایی در سال ۱۳۵۰ به "فرماندهی آموزش‌های هوایی" تغییر نام داد و از آن به بعد با هفت مرکز وظیفه آموزش کادر مورد نیاز نیروی هوایی را به عهده دارد. مراکز مذکور عبارتند از

مرکز آموزش زبان

مرکز آموزش الکترونیک

مرکز آموزش نظامی

مرکز آموزش نگهداری

مرکز آموزش تخصص‌های پشتیبانی

مرکز آموزش زمین به هوا

مرکز آموزش تخصص‌های پروازی

اینک اختصاراً با هر یک از مراکز آموزشی مورد بحث آشنا می‌شویم.

مرکز آموزش تخصص‌های پشتیبانی

در سال ۱۳۴۸ هیئت آموزش افسری و هیئت آموزش تخصص‌های مختلف در هم ادغام و هیئت آموزش تخصص‌های پشتیبانی نامیده شد. در سال ۱۳۵۰ این هیئت به مرکز آموزش تخصص‌های پشتیبانی تغییر نام داد.

مرکز آموزش زبان

آموزشگاه زبان در سال ۱۳۳۶ شروع به کار کرد و در سال ۱۳۵۰ به مرکز آموزش زبان تبدیل شد. این مرکز در بدو تأسیس با هماهنگی که با مؤسسه زبان ایران - آمریکا به عمل آمده بود از وسایل آموزشی بسیار جدیدی برخوردار بود و در جهت آموزش زبان انگلیسی کارکنان نهاجا "افسر - همافر - درجه‌دار" نقش به سزائی داشته است. لابراتوارهای این مرکز در بدو تأسیس از معدودی دستگاه ضبط صوت برخوردار بودند و امروز تعداد دستگاه‌های ضبط صوت لابراتوارهای آموزش زبان به بیش از سه برابر افزایش یافته است. از بدو تأسیس تعداد معدودی کلاس در این مرکز دایر بوده است که ساعات تدریس روزانه برای هر کلاس دو تا چهار ساعت بوده است، ولی امروز تعداد کلاس‌های صبح و عصر به حدود چهل برابر افزایش یافته و ساعات تدریس هر کلاس ۶ ساعت در روز است. کتابخانه این مرکز در سال ۱۳۵۳ تأسیس یافته و با تعداد کافی کتاب آموزشی به کار خود ادامه می‌دهد.

مرکز آموزش الکترونیک

این مرکز در سال ۱۳۳۰ با نام آموزشگاه الکترونیک تأسیس یافت و در سال ۱۳۴۳ به "مرکز آموزش الکترونیک" تغییر نام داد. تعداد شاگردان این آموزشگاه در بدو تأسیس ۱۵ نفر بود که این تعداد در سال ۱۳۵۶ به هزاران نفر بالغ گردید. آموزشگاه الکترونیک فقط با یک دوره الکترونیک تشکیل شد، اما هم اکنون ده‌ها دوره مختلف در این مرکز آموزش داده می‌شود.

شاگردان این مرکز در حال حاضر ساعات عملی دروس خود را در ده‌ها لابراتوار که در همین مرکز موجود است آموزش می‌بینند، در حالی که در بدو تأسیس حتی یک لابراتوار هم در این مرکز وجود نداشت. علاوه بر لابراتوارها که سهم مهمی در پیشبرد آموزش شاگردان به

عهده دارند، حدود ۷۰۰ حلقه فیلم آموزشی موجود در این مرکز نیز به تفهیم دروس تئوری و عملی کمک می‌کنند.

مرکز آموزش نظامی

در سال ۱۳۲۹ که قسمت‌های آموزشی نیروی هوایی در محلّ تیپ ۲ تعلیمات متمرکز گردید به منظور آموزش مقدماتی نظامی به داوطلبین شرکت در آموزشگاه‌های این تیپ، هنگی به نام هنگ آموزش مقدماتی نظامی در پادگان شمالی دوشان تپه دایر شد. در سال ۱۳۴۳ این هنگ به هیأت آموزش نظامی و در سال ۱۳۵۰ به مرکز آموزش نظامی تغییر نام داد و این مرکز در حال حاضر چهار دوره نظامی را آموزش می‌دهد:

- آموزش مقدماتی نظامی بین ۸ تا ۱۳ هفته.
- آموزش عمومی نظامی ۴ هفته.
- آموزش تکمیلی نظامی در طول دوره تحصیلی.
- دوره توجیهی ستوانیاری.

مرکز آموزش نگهداری هواپیما

در سال ۱۳۵۰ هیئت آموزش نگهداری هواپیما به مرکز آموزش نگهداری هواپیما تغییر نام داد که در حال حاضر عده زیادی شاگرد را تحت آموزش دارد و ده‌ها دوره تخصصی را تدریس می‌کند و بعضی از وسایل کمک آموزشی که در اختیار این مرکز می‌باشد عبارتند از وسایل کمک آموزشی آلات دقیق، سیستم هیدرولیک، سیستم رهاساز خلبان، تجهیزات رادار ناوبری، سیستم ارتباطی، سیستم الکترونیک، سیستم بنزین هواپیما، دستگاه رادار شناسایی، دستگاه تکن ناوبری، دستگاه کنترل اسلحه، سیستم تهویه، سیستم چرخ، موتور جت، کنترل سطوح فرامین و غیره.

مرکز آموزش پدافند زمین به هوا

در دهم دی ماه ۱۳۴۸ هیئت آموزش پدافند زمین به هوا تأسیس شد. در سال ۱۳۵۰ به مرکز آموزش پدافند زمین به هوا تغییر نام داد. تعداد شاگردان این مرکز در بدو تأسیس ۵۷۰

وضع ارتش ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه / ۲۶۷

نفر بود ولی حالا به چند برابر افزایش یافته است. این مرکز که در حال حاضر دهها دوره آموزشی دارد از وسایل کمک آموزشی جدید مختلفی جهت تسهیل آموزش سود می برد.

مرکز آموزش تخصص های پروازی

از تاریخ ۱۳۵۳/۱۰/۱۹ مرکز آموزش تخصص های پروازی تأسیس شد. تا قبل از این تاریخ آموزش های پروازی بیشتر در مرکز آموزش تخصص های پشتیبانی متمرکز بود، اما در این تاریخ دانشکده خلبانی زیر نظر این مرکز در آمد. در حال حاضر صدها دانشجوی این مرکز به آموزش دوره هایی به شرح زیر مشغول هستند:

- آموزش خلبانی .
- آموزش ناوبری.
- آموزش سوریوال.

گردان پشتیبانی فرماندهی آموزش های هوایی

در سال ۱۳۳۹ در تیپ تعلیمات، سازمانی به نام کمک های آموزشی جهت تکمیل تعلیمات تأسیس شد. در سال ۱۳۵۰ با گسترش بیشتر به صورت قسمتی از گردان پشتیبانی در آمد. کمک های آموزشی از قبیل کارگاه های نجاری، نقاشی، فلزکاری، جوشکاری، چاپخانه و عکاسی تشکیل شدند که هر کدام از این کارگاه ها دارای وسایل و پرسنل متخصص کافی برای تأمین نیازمندی های روزافزون قسمت های مختلف فرماندهی آموزش های هوایی شدند.

نظام آموزشی کارکنان وظیفه نهاجا

آموزش کارکنان وظیفه به دو بخش دوره مقدماتی و تخصصی مانند سایر نیروها تقسیم می گردد مرکز آموزش وظیفه نهاجا (قلعه مرغی) برای پذیرش مشمولین عادی - دیپلم و بالاتر با ظرفیت ۴ گردان سازمان دهی شده است.

مدت آموزش دوره های تخصصی یا کارآموزی ۸ هفته که برای گروه های دیپلم - فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس در پایگاه ها و مناطق نیروی هوایی اجرا می گردد.

فصل یازدهم

آموزش

بخش یکم

نقش راهبردی ایران و تأثیر آن بر دخالت امریکا در آموزش‌های عالی نظامی

پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی متفقین، دولت امریکا با توجه به موقعیت راهبردی ایران در خاورمیانه و به منظور حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود و دستیابی به نفت فراوان و ارزان حوزه خلیج فارس، تصمیم گرفت به حضور خود در منطقه ادامه دهد و به بهانه دفاع در مقابل شوروی‌ها و کمک به کشورهای منطقه به ویژه ایران، اقدامات لازم را به عمل آورد. عامل تعیین کننده دیگری که در ترسیم راهبرد نظامی ایران تأثیر داشت و کمک‌های نظامی و آموزش‌های امریکایی را به دنبال داشت، تقویت رژیم سلطنتی در مقابل خطرات و مخالفت‌های داخلی بود. جان ویلی سفیر امریکا در ایران، در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ گفته بود: "ایران به ارتشی نیاز دارد که قادر باشد در درجه اول نظم را در کشور حفظ کند، ارتشی که بتواند شورش را صرفنظر از آن که از چه صنفی الهام می‌گیرد و چه کسی محرک آن است، سرکوب کند".^۱

ایران با استفاده از پشتیبانی امریکا نیروهای دفاعی خود را تقویت می‌کرد. لذا در سازمان جدید، نیروهای مسلح گسترش یافت.^۲ بدیهی است، اعطای کمک‌های نظامی و تجهیزات پیشرفته، مستلزم دخالت مستقیم در امور آموزشی، و طرح ریزی‌های عملیاتی بود.

مستشاران نظامی در دوران پهلوی دوم، به کلیه امور و از جمله روند پیشرفت آموزشی نظارت کامل داشتند لذا طرح ریزی‌ها و برنامه ریزی‌های آموزشی با نظارت آنان انجام می‌شد. امریکایی‌ها مایل بودند، ارتش ایران از لحاظ تسلیحات، آموزش و دکتربین به صورت یک نیروی عامل و کارآمد درآید. راهبرد جهانی امریکا پس از جنگ ویتنام که باعث عدم موفقیت

^۱ - پرفسور جیمزبیل (مؤلف) - مهوش غلامی (مترجم) - عقاب و شیر - چاپ اول - ۱۳۷۱، ص ۶۹، فصلنامه بررسی های نظامی، شماره ۱۹ - ص ۳۸.

^۲ - سرهنگ غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران جلد اول انتشارات رسا، صفحه ۵۱ و صفحه ۳۹.

امریکا گردید، بر این قرار داشت که برای جلوگیری از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی از طریق تسلیح و آموزش کشورهای دوست در منطقه مبارزه نماید. لذا امریکا جهت اجرای اهداف خود از دو طریق زیر اقدام نمود:

- اعزام مستشاران نظامی جهت اجرای برنامه‌های آموزشی به ایران.
- اعزام دانشجویان به خارج جهت آموزش‌های نظامی که امریکا عمده‌ترین مرکز جلب دانشجویان نظامی ایران در دوران شاه بود.

منابع امریکایی نشان می‌دهند که تا سال ۱۳۵۲ تعداد ۱۱۰۰۰ نفر افسر و کارکنان نظامی ایران در امریکا آموزش دیده بودند. این تعداد غیر از افسرانی بودند که از طریق پلیس یا ساواک به امریکا اعزام شده بودند.^۱

طبق برآورد دیگری که از سوی پنتاگون منتشر شده از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ بیش از ۱۵۰۰۰ نفر افسر و درجه‌دار ایرانی در ارتش امریکا، آموزش دیده‌اند.^۲

آنچه را که در رابطه با برنامه‌های درسی باید یادآور شد آن است که امریکایی‌ها در نظر داشتند نظام برنامه‌ریزی آموزشی ارتش ایران را مطابق نظام امریکا سازمان دهند و این هدف را با کمک افسرانی که در امریکا تعلیم می‌دیدند به آسانی قابل تحقق می‌دانستند. لذا با تماس مستقیم افسران ایران با روش زندگی امریکایی‌ها، می‌باید تدریجاً سران آینده ارتش ایران نسبت به امریکا نظر مثبت پیدا نمایند و جامعه امریکا را الگوی مناسبی برای کشور خود در نظر بگیرند. برای اعزام افسران به خارج بیشتر از طریق کنکور و مصاحبه عمل می‌شد و اکثراً نخبگان نظامی را که آینده درخشانی داشتند، برای تحصیل در خارج انتخاب می‌نمودند.

^۱ - ابراهیم سنجر، نفوذ امریکا در ایران، صفحه ۲۳۲ و صفحه ۵۴.

^۲ - شاپور رواسانی - دولت و حکومت در ایران، نشر شمع، صفحه ۲۳۲ و صفحه ۵۴.

(جدول شماره ۴)

سال	نظامیان ایرانی که برای آموزش به آمریکا اعزام شدند	سال	نظامیان ایرانی که برای آموزش به آمریکا اعزام شدند
۱۹۵۲	۱۰۳ نفر	۱۹۶۲	۱۰۹۵ نفر
۱۹۵۳	۱۴۹ نفر	۱۹۶۳	۱۰۷۷ "
۱۹۵۴	۱۹۶ نفر	۱۹۶۴	۹۵۰ "
۱۹۵۵	۹۸ "	۱۹۶۶	۴۸۰ "
۱۹۵۶	۲۲۷ "	۱۹۶۷	۴۰۸ "
۱۹۵۷	۳۶۳ "	۱۹۶۹	۷۶۵ "
۱۹۵۸	۶۶۰ "	۱۹۷۰	۵۰۴ "
۱۹۵۹	۱۹۰ "	۱۹۷۱	۳۵۸ "
۱۹۶۰	۹۴۷ "	۱۹۷۲	۱۸۶ "
۱۹۶۱	۱۳۴۶ "		

جدول فوق به نقل از فصلنامه بررسی‌های نظامی - شماره ۱۳۷۳ - ۱۹ اقتباس شده است.

اولویت تعداد افسرانی که به خارج کشور اعزام گردیدند به ترتیب مربوط به نیروی هوایی، نیروی دریایی و سپس نیروی زمینی بود.

افراد نیروی هوایی را خلبانان و تکنسین‌های پروازی تشکیل می‌دادند.

افراد نیروی دریایی پس از سفارش‌های خرید رزمناوها و ناوها و سایر تجهیزات نیروی دریایی به کشور طرف قرارداد رفته و همراه با جنگ افزارهای مربوط تعالیم لازم را فرا گرفته و با آن به کشور باز می‌گشتند. افراد نیروی زمینی، بیشتر مربوط به خلبانان هوانیروز، افسران پیاده، زرهی، توپخانه و سایر صنوف بودند که پس از بازگشت اکثراً در مراکز آموزشی مشغول تدریس می‌شدند.

افسران و درجه داران بغیر از کشور آمریکا در کشورهای اروپائی دوره های نظامی را طی می‌کردند این کشورها شامل انگلیس - فرانسه - آلمان - ایتالیا بودند.

– این کشورها هر کدام بورسیه جهت آموزشهای نظامی افسران در اختیار ارتش ایران قرار داده بودند در انگلیس ، فرانسه و آلمان دوره های دانشکده افسری دوره های ستاد را طی می کردند..

– خریدهای تسلیحاتی ایران از انگلستان موشک های را پیر- تانگ چیفتن و هاورکرافت و از فرانسه – ایتالیا هم ناوها و بالگردهای شنوک بود که جهت آموزش افراد نظامی (افسران – درجه داران) را اعزام می کردند
بغیر از موارد بالا افسران به جهت طی دوره ستاد به کشورهای هندوپاکستان اعزام می شدند.

بخش دوم: دگرگونی‌های آموزشی

در این بخش به چگونگی تشکیل مدارس نظام و تحولات آموزشی که در زیربنای ارتش ایران تأثیر فراوانی داشت، اشاره می‌کنیم.

تا سال ۱۳۲۴ برنامه آموزشی منظم و مدوّنی که اساس کار یگان‌های نیروی زمینی در آموزش افراد قرار گیرد، به آن مفهوم که متداول امروز است وجود نداشت، و هر فرمانده یگان با توجه به آئین نامه‌های محدود و مختصر آن زمان و سوابقی که از سال‌های قبل در آن سازمان وجود داشت برنامه‌ای تنظیم می‌کرد و آنرا به مورد اجرا می‌گذاشت.

در سال ۱۳۲۵ پس از یک سلسله تحقیقات و بررسی‌های لازم نخستین برنامه آموزشی یکساله که شامل دو مرحله مقدماتی و تکمیلی بود، تنظیم و جهت اجرا به یگان‌های نیروی زمینی ابلاغ گردید ولی به دلیل بی‌سوادی قسمت اعظم کارکنان وظیفه، و کافی نبودن تعداد افسران کارآموده و مطلع در امر آموزش، نتیجه مطلوبی حاصل نشد.

در سال ۱۳۳۳ برنامه آموزشی بر حسب نیازمندی و با توجه به کمک و همکاری مستشاران امریکایی تغییر یافت و مراحل آموزشی بر اساس مراحل ۱۳ هفته‌ای تنظیم گردید و سرانجام با ایجاد مراکز آموزش وظیفه و مراکز فرهنگی تخصصی و به موازات تجربیاتی که از این روش‌ها به دست آمده بود در سال ۱۳۴۹ برنامه‌های سالانه آموزشی در یگان‌های نیروی زمینی تنظیم گردید. پس از این که کار سازماندهی یگان‌های نیرو در مسیر منطقی و منظمی قرار گرفت و برنامه‌های آموزشی تدوین شد از تجارب و اطلاعات مستشاران خارجی بهره برداری شد و مراکز آموزشی و فرهنگی نیرو که اکثراً مشابه مراکز آموزشی و فرهنگی ارتش‌های پیشرفته جهان بود در مناطق مختلف کشور به وجود آمد. استادان مراکز آموزشی و فرهنگی اکثراً از افسرانی بودند که در مراکز مشابه آن در خارج از کشور این دوره‌ها را دیده و با ترجمه مدارک خارجی آن در داخل تدریس می‌نمودند. این روند در پیشبرد آموزش افراد نیروی زمینی تأثیر فراوانی داشت.

حال برای آشنایی با مراکز آموزشی و فرهنگی نیروی زمینی مختصراً پیرامون هر یک از این مراکز توضیح داده می‌شود.

مرکز آموزش پیاده شیراز

مرکز آموزش پیاده در سال ۱۳۲۸ در تهران تأسیس شد و این دانشکده تحت نظارت دانشگاه نظامی در پادگان عباس آباد تهران فعالیت‌های آموزشی خود را آغاز نمود. به سبب گسترش وسایل و وسایط پیاده نظام و وارد شدن جنگ افزارهای پیشرفته در خدمت رسته پیاده گسترش این سازمان مورد تأیید کارشناسان داخلی و خارجی قرار گرفت و به همین منظور در سال ۱۳۳۹ دانشکده پیاده از دانشگاه نظامی تهران جدا شد و به صورت یک واحد مستقل فرهنگی به نام مرکز پیاده در شیراز به وجود آمد.

در مرکز پیاده شیراز علاوه بر دوره‌های مقدماتی و عالی پیاده و دژبان دوره‌های تخصصی آموزشی دیگری نیز به وجود آمد که شامل:

دوره جنگ‌های ش - م - ر (شیمیایی، میکربی و رادیو اکتیویته)

دوره تکاوران

دوره هوابرد

دوره اسکی و کوهنوردی

دوره پیاده موتوری

دوره پیاده مخابرات

این دوره‌های کوتاه مدت (سه ماهه) اکثراً پس از دوره مقدماتی برای آموزش دادن به افسران جوان پیش بینی شده بود. مرکز پیاده شیراز یکی از مراکز مهم آموزشی نیروی زمینی است که آخرین اطلاعات را از تاکتیک و تکنیک و فن بکار بردن یگان‌های پیاده، وسایل، جنگ افزارهای آنها را با جمع آوری و هم آهنگ کردن آن با مراکز آموزشی پیاده کشورهای جهان آموزش می‌دهد. این مرکز از پیشرفته‌ترین وسایل کمک آموزشی برخوردار بوده و نحوه ارائه آموزش در کلاس‌های آن به صورت علمی و عملی می‌باشد.

در مرکز پیاده شیراز سالیانه متجاوز از یکهزار افسر و دو هزار درجه‌دار کادر و همچنین بیش از یکهزار نفر کارکنان وظیفه آموزش می‌بینند.

مرکز آموزش زرهی شیراز

مرکز آموزش زرهی در سال ۱۳۲۸ به عنوان یکی از دانشکده‌های تابعه دانشگاه نظامی تهران در پادگان سلطنت آباد تأسیس و آغاز به کار کرد. به سبب افزایش روزافزون و اهمیت وسایل زرهی و توسعه یگان‌های زرهی در نیروی زمینی، دانشکده زرهی از دانشگاه نظامی جدا شد و مرکز زرهی و سوار، نخست در پادگان جی واقع در جنوب باختری تهران و سپس مرکز زرهی را در شیراز به وجود آوردند. مرکز آموزش زرهی شیراز با برخورداری از عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین وسایل مکانیکی و الکترونیکی و کمک آموزشی سازمان یافت و در فواصل سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۲ افسران زیادی جهت آشنایی با تانک‌های چیفتن -ام ۶۰ و ام ۴۸ به مراکز آموزشی امریکا و اروپا اعزام گردیدند که پس از بازگشت وجود این افسران در شکل‌گیری مرکز زرهی شیراز نقش بسزایی داشت.

استادان متخصص این مرکز از توانایی بالایی برخوردار بودند لذا افسران و درجه‌داران رسته زرهی با استفاده از امکانات وسیع آموزشی این مرکز به آسانی قادر به فرماندهی بر یگان‌های زرهی نیروی زمینی بوده و نیاز ارتش را در این زمینه مرتفع می‌نمودند.

مرکز توپخانه و موشک‌های اصفهان

آموزش افسران رسته توپخانه نیروی زمینی اعم از کادر یا وظیفه تا سال ۱۳۲۸ در دانشکده افسری انجام می‌شد. با ازدیاد یگان‌های توپخانه و انواع جنگ افزارهای این رسته، احتیاج مبرم به وجود افراد متخصص و کارآزموده و تشکیل یک سازمان فرهنگی معتبر که بتواند نیازمندی‌های آموزشی نیروی زمینی را برطرف کند، آشکار شد. لذا از سال ۱۳۳۰ دانشکده توپخانه در سازمان دانشگاه نظامی منظور شد و با تشکیل دوره‌های تخصصی مقدماتی و عالی، کار خود را رسماً آغاز کرد.

از آنجا که ظرفیت محدود و نارسایی‌ها مواد آموزشی دانشکده توپخانه جوابگوی احتیاجات روزافزون نیروی زمینی نبود از سال ۱۳۳۷ دانشکده توپخانه از دانشگاه نظامی جدا شد، و در پادگان جی هسته اولیه مرکز توپخانه را تشکیل داد و در تاریخ ۱۳۳۸ با سازمان جدید در اصفهان استقرار یافت. مرکز توپخانه و موشک‌های اصفهان یکی از مراکز معتبر آموزشی است که با مجهزترین وسایل مکانیکی و الکترونیکی سازمان یافته و استادان

متخصص این مرکز به خوبی توانسته‌اند نیازهای ارتش را در این زمینه مرتفع و افسران را با فنون و علوم جدید این رسته آشنا نمایند.

مرکز آموزش مهندس

آموزش رسته مهندس تا قبل از مهرماه ۱۳۲۲ در دانشکده افسری انجام می‌شد. از این تاریخ تا پایان سال ۱۳۲۸ این رسته مانند سایر رسته‌ها به صورت دوره یکساله در دانشکده افسری دنبال می‌شد. در اسفند سال ۱۳۲۸ دانشکده تکمیلی استحکامات تأسیس و در پادگان قصر تهران مستقر گردید. این دانشکده از نظر آموزش مستقل بود ولی از نظر اداری و پادگانی تابع لشکر ۲ مرکز، و از نظر فنی تحت نظارت اداره مهندسی قرار داشت و در سال ۱۳۲۹ از هر نظر تابع اداره مهندسی ارتش گردید.

در سال ۱۳۳۰ دانشکده تکمیلی استحکامات به "دانشکده مهندسی" تغییر نام داد و با تأسیس دانشگاه نظامی از جمله دانشکده‌های آن محسوب و در پادگان عباس آباد تهران مستقر شد.^۱

دانشکده مهندسی در سال‌های ۱۳۳۷ دو بار تجدید سازمان داده شد و در مردادماه سال ۱۳۴۴ به پادگان لشکرک تهران تغییر مکان داد و در سال ۱۳۴۶ با نام "مرکز آموزش مهندس" در سازمان "مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی" قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۹ پس از انتقال مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی به تبریز این یگان مجدداً به تابعیت اداره مهندسی ارتش در آمد. در آذرماه ۱۳۵۰ مرکز آموزش مهندس به شهرستان بروجرد نقل مکان نمود.

رسته مهندسی در جنگ‌های پیشرفته نقش اساسی را بازی می‌کند کلیه اعمال جاده سازی، ایجاد پل بر روی رودخانه‌های غیرقابل عبور تأسیس میادین مین و یا مین برداری، ایجاد موانع، تأسیس ساختمان در قرارگاه‌ها و سایر موارد از وظایف واحدهای مهندسی است. افسران مهندس علاوه بر دانش "مهندسی عمران" می‌بایستی در مورد مهندسی رزمی هم اطلاعات کافی داشته باشند تا بتوانند در پیشرفت عملیات نظامی کارساز باشند، لذا به همین

^۱ - سپهبد کاظمی، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی، صفحه ۳۱۴ و ۳۱۵.

منظور مرکز آموزش مهندسی بروجرد با استفاده از استادان مختلف زمینه را برای ارائه آموزش علوم مهندسی و مهندسی رزمی فراهم نموده است.

مرکز آموزش مخابرات

در سال ۱۳۱۰ دانشکده احتیاط رسته مخابرات در محل دانشکده افسری تشکیل شد و از سال ۱۳۱۴ آموزش مخابرات نیز در دروس دانشکده افسری منظور شد. در مهرماه ۱۳۱۷ دانشکده تکمیلی رسته مخابرات تأسیس شد. در تاریخ یکم آبانماه ۱۳۳۰ با تأسیس دانشگاه نظامی، دانشکده تخصصی مخابرات نیز به وجود آمد و به عنوان یک مرکز آموزش رسته‌ای، هسته مرکزی مخابرات را تشکیل داد.

در خردادماه سال ۱۳۴۷ دانشکده مخابرات از تابعیت دانشگاه نظامی خارج شد و به نام مرکز آموزش مخابرات تابع "مرکز آموزش‌های پشتیبانی" شد و از تهران به تبریز انتقال یافت. در سال ۱۳۵۰ مرکز آموزش مخابرات در ردیف یکی از مراکز فرهنگی مستقل نیروی زمینی درآمد.

مأموریت اصلی مرکز آموزش مخابرات تهیه و اجرای آموزش‌های تخصصی، موضوعات عمومی برای افسران، درجه‌داران و کارمندان رسته مخابرات است به نحوی که بتواند وظایف خود را در شغل سازمانی مربوط به طور مؤثر انجام دهند و از وسایل پیشرفته و دقیق مخابرات در نیروی زمینی به بهترین وجهی استفاده نمایند.

مرکز آموزش دارایی

در سال ۱۳۰۲ به فرمان سردار سپه اداره مالیّه کلّ قشون جهت انجام امور محاسبات و مالی ارتش ایران تأسیس شد. در آذرماه ۱۳۰۷ اولین دوره آموزشی رسته دارایی تشکیل شد و پس از آن در سال ۱۳۱۴ آموزش عالی رسته‌ای و دوره‌های تخصصی دارایی و سررشته داری در دانشکده افسری تدریس می‌شد.

در سال ۱۳۳۰ با تأسیس دانشگاه نظامی و تفکیک دانشکده‌های دارایی و سررشته‌داری و تشکیل دوره مقدماتی، رسته دارایی در مسیر تازه‌ای قرار گرفت و با تنظیم برنامه‌های مختلف آموزشی برای افسران، درجه داران و کارمندان این رسته، تغییرات اساسی و مهمی در سازمان و روش‌های رسته مزبور به وجود آمد.

در سال ۱۳۴۷ دانشگاه نظامی منحل گردید و دانشکده دارایی نیز همراه با تعدادی دانشکده دیگر به تبریز انتقال یافت ولی در سال ۱۳۵۳ به منظور بهره‌برداری از استادان و مربیان کارآزموده و استفاده بیشتر از امکانات آموزشی کامپیوتری این دانشکده از مرکز آموزش‌های پشتیبانی جدا شد و در تهران مستقر گردید.

مرکز آموزش‌های پشتیبانی

در سال ۱۳۳۰ دانشگاه نظامی تأسیس گردید. این دانشگاه در بدو تأسیس شامل ۹ دانشکده زیر بود:

دانشکده زرهی

دانشکده پیاده

دانشکده توپخانه

دانشکده مهندسی

دانشکده مخابرات

دانشکده ترابری

دانشکده دژبان

دانشکده سوار و خدمات فنی

از سال ۱۳۳۸ به تدریج تعدادی از دانشکده‌ها از دانشگاه نظامی جدا و به صورت مستقل در محل‌های دیگری استقرار یافتند. در سال ۱۳۴۶ دانشگاه نظامی براساس تفکیک مأموریت و وظایف خود به دو مرکز عمده فرهنگی به شرح زیر تقسیم گردید:

- مراکز آموزش پشتیبانی خدمات رزمی.

- مراکز پشتیبانی اداری.

در سال ۱۳۴۹ مراکز آموزش‌های پشتیبانی به تبریز نقل مکان کرد و تلاش‌های آموزشی خود را با امکانات و شرایط تازه‌ای آغاز کرد و تنها تغییراتی که در سازمان این مرکز فرهنگی به وجود آمد، جدا شدن مرکز دژبان و دارایی از آن سازمان بود. مراکز آموزشی رسته‌های زیر در تبریز مستقر بودند:

- مرکز آموزش آجودانی.

- مرکز آموزش موزیک.

- مرکز آموزش دژبان.

- مرکز آموزش دارایی و سررشته داری.

- مرکز آموزش اردنانس.

- مرکز آموزش ترابری.

مراکز آموزش بالا با آخرین پدیده‌های فن‌آوری و وسایل کمک آموزشی و فنی، در پیشبرد آموزش افسران و درجه‌داران فنی نیروی زمینی نقش بسیار مؤثری داشتند.

مرکز آموزش ۰۱ کادر

برای آموزش مقدماتی انفرادی دانش‌آموزان کادر ثابت و افراد وظیفه ابتدا در تاریخ ۱۳۳۶ مرکز آموزش شماره ۱ ارتش در سربازخانه تهران تشکیل شد، و سپس نام آن به مرکز آموزش ۵۰۱ ارتش و مرکز آموزش تهران و مرکز آموزش ۲۰۲ و ۳۰۱ کادر و بالاخره مرکز آموزش ۰۱ کادر تغییر کرد و از پادگان حرّ (باغشاه سابق) به سربازخانه عشرت آباد، قصر، مهرآباد، جی تغییر محل داد و در پایان در پادگان افسریه واقع در خاور تهران و پادگان لشکرک واقع در شمال خاوری تهران محلی را جهت آموزش کارکنان افسری وظیفه بنا نمودند.

مرکز آموزش ۰۱ کادر از کلیه امکانات کمک آموزشی و بهترین وسایل زیست، بهداشت، ورزش و تغذیه برخوردار بوده و در یگان‌های مختلف آموزشی آن همه ساله دوره‌های افسری وظیفه، آموزشگاه افسری جزء، درجه‌داری کادر ثابت درجه‌داری وظیفه آموزش می‌بینند. در مرکز آموزش ۰۱ کادر امکانات و تسهیلات فراوانی برای زیست و آموزش جوانان تحصیل کرده کشور فراهم است و هر سال تعداد قابل ملاحظه‌ای از دیپلمه‌ها، لیسانسیه‌ها و دکترهای کشور، آموزش‌های اولیه نظامی خود را در این مرکز آموزش فرا می‌گیرند.

مراکز آموزش وظیفه

به منظور اجرای آموزش انفرادی مقدماتی سربازان وظیفه و آماده کردن جوانان کشور برای آغاز خدمت مقدس سربازی در یگان‌های نیروی زمینی هفت مرکز به شرح زیر وجود دارند که دارای مسؤولیت و مأموریت آموزشی مشابه می‌باشند:

- مرکز آموزش ۰۲ چهل دختر.
- مرکز آموزش ۰۳ عجب شیر.
- مرکز آموزش ۰۴ بیرجند.
- مرکز آموزش ۰۵ کرمان.
- مرکز آموزش ۰۶ تکاوری لشکرک.
- مرکز آموزش ۰۷ خرم آباد.
- مرکز آموزش ۰۸ خاش.

دانشگاه پدافند مّلی

تاریخچه تشکیل دانشگاه پدافند مّلی به سال ۱۳۴۰ بر می‌گردد در این سال اوّلین دوره دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک در دانشکده فرماندهی و ستاد تشکیل و تعدادی از افسران فارغ‌التحصیل دوره‌های قبل دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) در این دوره شرکت نمودند.

در سال ۱۳۴۷ دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک که در محلّ دانشکده فرماندهی و ستاد فعلی تشکیل می‌شده جدا و دانشگاه پدافند مّلی با تشکیل دو دوره دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک و دانشکده مدیریت عالی شروع به کار نمود و در ۱۰ مهرماه سال ۱۳۴۸ فارغ‌التحصیلی هشتمین دوره دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک و نخستین دوره مدیریت عالی دانشگاه پدافند مّلی در محلّ دانشگاه پدافند مّلی در چهار راه قصر انجام گرفت.

در سال ۱۳۵۱ دانشکده فرماندهی عالی و ستاد مشترک تغییر نام داده و دانشگاه پدافند مّلی با دو دانشکده با اسامی دانشکده مدیریت و امنیّت مّلی و دانشکده ستاد نیروهای مسلّح فعالیت آموزشی خود را ادامه داد.

در شهریورماه سال ۱۳۵۸ مراسم پایان دوره یازدهم دوره مدیریت و امنیّت مّلی و دوره هجدهم دانشکده ستاد نیروهای مسلّح و دوره سی و دوم دانشکده فرماندهی و ستاد در محلّ دانشگاه توسط نخست وزیر موقت مرحوم مهندس بازرگان انجام و در همان سال انحلال دانشگاه پدافند مّلی توسط ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام گردید.

دگرگونی در وضعیت آماد و پشتیبانی ارتش پس از شهریور ۱۳۲۰

یکی از عوامل موفقیت جنگ‌های ایران در دوران صفویه و افشاریه امور آماد و پشتیبانی ارتش بود که آنها به خوبی به آن توجه می‌کردند.

برای اولین بار ناپلئون در جنگ‌های اروپا یکی از ارکان ستاد خود را مسؤول تدارکات سپاه نمود و بیش از رکن‌های دیگر به آن توجه داشت و جمله "ارتش‌ها روی شکم حرکت می‌کنند" از نظرات این شخصیت نظامی است. شاید یکی از علل شکست سریع ارتش ایران در جنگ جهانی دوم نارسایی در پشتیبانی یگان‌های در حال رزم بوده است. زیرا لشکرهای اردبیل، تبریز، ارومیه در مراحل اولیه به خوبی در مواضع دفاعی خود جلوی پیشروی دشمن را گرفتند ولی پس از ۲۴ ساعت اکثراً به دلیل کمبود مهمات و آذوقه کافی مجبور به ترک سنگرهای خود شدند. پس از جنگ جهانی دوم عمده‌ترین دگرگونی‌ها در امور آماد و پشتیبانی را باید در تغییرات سازمان‌های آماد و پشتیبانی دنبال نمود. این تغییرات شامل دو مرحله می‌گردد. مرحله یکم از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۴ و مرحله دوم مربوط به سال ۱۳۴۴ به بعد می‌باشد.

مرحله یکم

در مهرماه ۱۳۲۰ همگام با تجدید سازمان کلی‌ارتش، سازمان‌های خدمات و پشتیبانی نیز تغییر یافته به جای اداره مباشرات، صحتیه، بیطاری و شعبه ساختمان، سازمان‌های جدیدی با مقدرات بیشتر به نام‌های اداره کارپردازی، اداره بهداری، اداره دامپزشکی و اداره مهندسی تشکیل و مأموریت پشتیبانی یگان‌های نیروی زمینی را به عهده گرفتند.

- اداره کارگزینی در سال ۱۳۲۱ به اداره سررشته‌داری ارتش تغییر نام داد و با مأموریت برآورد، تهیه، خرید، انبار کردن و توزیع اقلام جیره، علیق، پوشاک و ساز و برگ برای تمام یگان‌ها فعالیت خود را آغاز نمود.

- در سال ۱۳۲۰ به منظور ایجاد تسهیلات بیشتر در امور آمادی لشکرها، یک عنصر سررشته‌داری به شعب نقدی و جنسی و شعبه ممیزی و همچنین یک گروهان کارپردازی که در حقیقت عامل اجرایی پشتیبانی‌های آمادی بود، به سازمان لشکرها اضافه شد و به این ترتیب از وابستگی دایمی یگان‌های رزمی به سازمان‌های پشتیبانی مرکز کاسته شد.

- در سال ۱۳۲۲ پس از بررسی و ارزیابی نتیجه کار سازمان‌های آمادی، مقرر شد که در منطقه هر یک از لشکرهای خارج از تهران یک آمادگاه "دپو" تأسیس شود، و در تهران نیز برای پشتیبانی کلیه یگان‌ها و ادارات و سازمان‌های مستقر در مرکز، آمادگاه جداگانه‌ای به وجود آید که آمادگاه‌های خارج از تهران از نظر فنی تابع اداره مربوط در تهران و از نظر اداری و انضباطی تحت امر فرمانده نظامی منطقه قرار داشته باشند.

- در شهریور ۱۳۳۴ نیروی هوایی و نیروی دریایی از تابعیت ستاد ارتش خارج شده و به طور مجزاً هر یک نیروی مستقلی را تشکیل دادند، و سازمان ستاد کل تشکیل شد و ادارات سر رشته داری، بهداری، مهندسی و موتوری جزو ترکیبات این ستاد در آمد، ولی روش‌های پشتیبانی ارگان‌ها بر اساس همان شیوه‌های قدیمی ادامه یافت.

- از سال ۱۳۳۵ عنوان ستاد کل به ستاد بزرگ ارتشتاران تبدیل و وظایف نیروهای مسلح صریحاً روشن و مقرر شد که هر یک از نیروهای سه گانه طرح ریزی لازم را به منظور انجام پشتیبانی‌های یگان‌های تابعه معمول و ترتیبی اتخاذ نمایند که وسایل و تجهیزات و سایر اقلام آمادی هر نیرو به وسیله عوامل پشتیبانی همان نیرو تأمین شود. بر اساس این تدبیر در سال ۱۳۳۸ یک فرماندهی آماد و پشتیبانی هم طراز نیروها به منظور انجام هماهنگی در امور آماد و پشتیبانی تشکیل و با مأموریت، هدایت و هماهنگی مسائل آماد و پشتیبانی در رده نیروهای مسلح به کار مشغول شد.^۱

مرحله دوم

در وضعیت آماد و پشتیبانی نیروهای مسلح با این تغییرات سازمانی نیز تحوّل به وجود نیامد. یگان‌ها همیشه در تنگناهای آمادی بودند و حیف و میل‌های زیادی می‌شد و اکثراً اقلام آمادی به موقع به دست افراد نمی‌رسید تا این که با کمک افسران با تجربه و بررسی و مطالعه سازمان آماد و پشتیبانی کشورهای پیشرفته و استفاده از مستشاران خارجی تحوّل و دگرگونی در ساختار آماد و پشتیبانی ارتش به وجود آمد که اهمّ آن به شرح ذیل بود:

- نیروها هر یک مسؤول تأمین آماد و پشتیبانی یگان‌های تحت امر خود شده و اقدام به تشکیل یک فرماندهی آماد و پشتیبانی نمودند.

^۱ - سپهبد کاظمی، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ارتش صفحه ۳۳۸ الی ۳۴۴.

- در مناطق مختلف کشور فرماندهی پشتیبانی مناطق به وجود آمد.

- در لشکرها سازمان فرماندهی پشتیبانی تشکیل شد.

- به همین ترتیب در پایگاه‌های نیروی هوایی و دریایی نیز عمل شد.

از تاریخ یکم بهمن ۱۳۴۴ در راستای این که هر نیرو در زمینه آماد و پشتیبانی کاملاً خودکفا شده و یگان‌های تابعه را در اسرع وقت و به‌دور از درگیری‌های واسطه‌ای پشتیبانی نماید، با تشکیل فرماندهی آماد و پشتیبانی در رده نیرو و همچنین به وجود آمدن سازمان فرماندهی پشتیبانی در رده لشکرها، مشکل آماد و پشتیبانی نیروهای مسلح تا حدود زیادی مرتفع گردید.

از آنجایی که هدف نهایی ایجاد تسهیلات کافی در امر پشتیبانی آمادی و امور درمانی و تخلیه بیماران بود، سازمانی به نام تحقیقات و ارزیابی رزمی به نام اختصاری "ساتار" به وجود آمد. مأموریت این سازمان تحقیقات در مسیر بهبود روش‌ها، وسایل، تجهیزات، جنگ‌افزار و وسایط بود که فعالیت چشمگیری داشت. این گروه تحقیقاتی در سال ۱۳۴۸ به نام مرکز تحقیقاتی به نتایج مثبت و ارزنده‌ای دست یافت و تحقیقات مفیدی برای تعیین کارایی جنگ افزارهای خریداری شده و وسایل و انطباق آنها با شرایط اقلیمی کشور انجام داد که این اقدامات در افزایش و قابلیت رزمی یگان‌های نیروی زمینی به نحو قابل ملاحظه‌ای مؤثر بود.

تا سال ۱۳۴۹ روش‌های آماد و پشتیبانی در نیروی زمینی بر سیستم رسته‌ای مبتنی بود، بدینسان که به طور مثال تأمین و توزیع خواروبار، ساز و برگ انفرادی، وسایل آشپزخانه، چادرها، وسایل دفتری و مشابه آن به عهده اداره سررشته‌داری و اقلام مهندسی با اداره مهندسی بود که این خود نارسایی‌هایی را به وجود می‌آورد. ولی در سازمان جدید فرماندهی آماد و پشتیبانی به صورت تمرکزی روش‌های آمادی، تعمیراتی را به وجود آورده بود.

حضور مستشاران امریکا در ایران

موقعیت مهم راهبردی ایران و خلیج فارس و نقش تعیین‌کننده ایالات متحده در جنگ جهانی دوم موجب گردید که امریکا در مسائل مربوط به ایران نظارت بیشتری داشته باشد. در بهار سال ۱۳۲۱ دولت ایران خود را واجد شرایط برای دریافت کمک‌های (وام و اجاره) از سوی

امریکا دانست. وزارت امور خارجه امریکا اعلام کرد که استقلال و تمامیت ایران از جنبه منافع دراز مدت امریکا، حائز اهمیت است.^۱

اولین دسته از مستشاران نظامی امریکا به نام "میسون نظامی ایران" در آذرماه ۱۳۲۱ وارد ایران شدند. دولت امریکا دومیسون نظامی را برای کمک به تجدید سازمان و نوسازی تشکیلات نظامی روانه ایران نمود.

گروه یکم برای ارتش به سرپرستی ژنرال "گریلی" که بعداً جای خود را به ژنرال "رایدلی" داد.

گروه دوم برای تشکیلات ژاندارمری به سرپرستی سرهنگ "نورمن شوارتسکف". قرارداد مربوط به هیئت مستشاری ژاندارمری در پائیز ۱۳۲۲ در زمان نخست وزیری علی سهیلی برای مدت دو سال به امضاء رسید. در مهرماه ۱۳۲۶ بین دولتین ایران و ایالات متحده امریکا، قراردادی در باره اعزام یک هیئت مستشاری از امریکا برای بالابردن سطح کارآیی ارتش ایران در زمان نخست وزیری قوام به امضاء رسید. در سال ۱۳۲۸ امریکا مبلغ ۱۰ میلیون دلار وام جهت خرید جنگ افزار در اختیار دولت ایران گذارد.

اعزام دو هیئت نظامی امریکایی به ایران به حضور امریکایی ها در ایران ابعاد تازه ای بخشید، لذا در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ اولین گروه از افسران و درجه داران نیروی هوایی ایران به قصد کسب آموزش های ویژه راهی امریکا شدند.^۲

نخستین دسته هیأت مستشاران نظامی امریکا به شرح زیر وارد ایران گردیدند:

- سرلشکر رایدلی رئیس هیأت مستشاران نظامی

- سرهنگ ف - ک - دومان

- سرهنگ توماس ای ماهونی

- سرهنگ دوم سوگارد

- سرگرد - س کنلی

^۱ - مارک . ج - گازیورسکی ، کتاب سیاست خارجی امریکا و شاه ترجمه جمشید زنگنه انتشارات رسا صفحه ۱۶ و ۱۷.

^۲ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام ، اسناد لانه جاسوسی شماره ۷۰ مستشاری نظامی امریکا در ایران جلد یکم صفحه هـ تا ی.

- سروان - و.ا. کیدویتس

- سروان - ر - ی - ساندوس

هدف این هیئت همکاری با وزارت جنگ و ارتش به منظور بالابردن قدرت ارتش ذکر شده بود و وظایف هیئت عبارت بود از اظهار نظر در باره طرح‌ها و مسائل مربوط به سازمان و اصول اداری و روش‌های آموزشی در مواردی که وزارت جنگ دولت ایران مشورت در این قبیل امور را ضروری تشخیص دهد.

ارتش ایران در دوران بعد از جنگ جهانی دوم وضع اسف باری داشت، چون از لشکرهای غیر استاندارد و غیر مجهز و پراکنده در سراسر کشور تشکیل شده بود. این ارتش فاقد پشتیبانی بود و بسیاری از تجهیزات قدیمی آن فرسوده و نیاز به تعویض داشت. محدود مدارس نظامی موجود نیز در سال‌های جنگ از بین رفته بود و کشور با فقدان افسران آموزش دیده روبرو بود. در تاریخ (۱۹۵۱-۱۳۳۰) هیئتی مرکب از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه به فرماندهی سرتیپ (رابرت - مک کلور) وارد تهران شد. هدف کلی هیئت، آموزش و ارائه مشاوره‌های اداری و فنی و کمک در تمام زمینه‌های نظامی جهت تسریع روند پیشرفته سازی، کارآیی نیروی زمینی، هوایی و دریایی ایران بود. هیئت مذکور برای سازماندهی مجدد و نوسازی ارتش طرح‌هایی را تهیه نمود. یک نظام تدارکاتی عملی برای آن به وجود آمد. سپس روش مترقی تدریس امور نظامی طراح شد تا افسران واجد شرایط و متخصص بتوانند برنامه آموزشی واقع‌گرایانه‌ای را طی کنند.

پیدایش برنامه کمک نظامی امریکا به ایران تا حدودی راه را برای رسیدن به این اهداف هموار نمود ولی گهگاه به خاطر تغییر اوضاع سیاسی و فقدان همکاری ستاد فرماندهی ایران با مستشاران امریکایی، پیشرفت کار با موانعی روبرو می‌شد.

اصولاً طرز برخورد و فکر ستاد فرماندهی، انعکاسی از جو سیاسی دولت موجود (نخست وزیر) و رابطه‌اش با غرب بود. علیرغم تشنجات گذشته و وضع نابسامان اقتصادی ایران، در این مقطع در طول دو سال کارهای بسیاری برای ارتش انجام گرفت.

طرح سازماندهی مجدد ارتش که با کمک مستشاران نظامی امریکا تنظیم شده بود عبارت بود از نیروی زمینی از ۱۲ لشکر پیاده (سبک) و سه لشکر (زرهی سبک) که به صورت

پنج سپاه رزمی سازماندهی شده بود و هر لشکر دارای واحدهای آماد و پشتیبانی ویژه خود بود تا تعمیر و تدارک واحدهای رزمی زیر امر آن دچار وقفه نشود. بخش اعظم تجهیزات مربوط به این نیروها بر اساس کمک نظامی امریکا به ایران دریافت شد و علاوه بر آن مقداری از تجهیزاتی که برنامه‌ریزی نشده بود نیز واگذار گردید که شامل توپخانه‌های میان برد - تسلیحات پدافند هوایی - تانک میان برد تجهیزات پل سازی و آشناسازی اولیه با هواپیماهای جت می‌گردید.^۱

جهت تسهیل در پیشرفت کار ارتش، تغییرات مؤثری در وظایف مستشاری به وجود آمد لذا مستشاران برای کمک به ارتش ایران به سه دسته تقسیم شدند:

- گروه مشاوره و کمک به ستاد مشترک ارتش ایران و ادارات تابعه آن.
- گروه کمک‌های آموزشی به تمام واحدهای ارتش.
- گروه مشاوره و کمک به بهره‌برداری از سیستم دانشگاه‌های نظامی.

ضمناً علاوه بر وابستگان نظامی زمینی، هوایی و دریایی، سفارت امریکا سه هیئت مستشار نظامی دیگر که بر اساس قراردادهای منعقد شده بین دو دولت مشخص شده بود در اختیار داشت که عبارت بودند از

هیئت نظامی امریکا در ارتش

- مأموریت این هیأت کمک و مشاوره با وزیر جنگ، ستاد مشترک و واحدهای تابعه ارتش از جمله "نیروی هوایی و دریایی" در مورد مسائل مربوط به طرحها، سازمان، مدیریت و آموزش بود. اعضای این هیئت هیچگونه مسؤولیت عملیاتی یا فرماندهی نداشتند ولی جهت پیشبرد وظایف خود به بازرسی و تحقیق می‌پرداختند.
- سازمان این هیأت مرکب از ۲۴ افسر کادر و ۶۷ افسر وظیفه و یک گروه هوایی مرکب از ۱۶ افسر و ۱۲ خدمه هواپیمایی بود، اقامت این گروه در سال ۱۹۵۶ تمدید گردید.

گروه مشاورین کمک نظامی

- مأموریت این گروه اجرای اهداف و تضمین اجرای مؤثر برنامه کمک دفاعی در ایران بود.

^۱ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی شماره ۷۰ مستشاری نظامی امریکا در ایران جلد یکم صفحه ۱۲۰ تا ۱۲۲.

- سازمان آن مرکب از ۲۵ افسر کادر و ۲۰ افسر وظیفه، یک بخش هوایی مرکب از ۵ افسر کادر و ۷ افسر وظیفه و یک بخش دریایی مرکب از دو افسر کادر و دو افسر وظیفه بود. این گروه در سال ۱۹۵۵ تحت سرپرستی فرماندهی نیروهای امریکا در اروپا قرار گرفت.

هیئت نظامی امریکا در ژاندارمری ایران

- مأموریت این گروه مشاوره با وزیر کشور به منظور بهبود سازمان و عملیات ژاندارمری ایران بود.
- سازمان آن مرکب از ۸ افسر کادر و ۹ افسر وظیفه بود که کارهای خدماتی می‌کردند. اقامت این گروه در سال ۱۹۵۶ برای مدت دو سال تمدید گردید.

وضعیت کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کاملاً تغییر کرد زیرا از این تاریخ به بعد ایران در جهت منافع امریکا اقدام می‌نمود. از سال ۱۳۳۳ دولت ایران با استفاده از پشتیبانی امریکا، نیروهای دفاعی خود را تقویت می‌کرد. بدین منظور در سازمان جدید نیروهای مسلح، تعداد افراد ارتش از ۸۰ هزار نفر به ۲۰۰ هزار نفر افزایش یافت. شاه برای بهبود وضع ارتش خواستار اعتباری به مبلغ ۱۷۵ میلیون دلار برای خرید جنگ‌افزار از امریکا شد. ولی ایالات متحده با فروش ۱۰/۷ میلیون دلار موافقت کرد.

یکی از اهداف مهم امریکا در جهت تقویت نیروهای مسلح ایران، به منظور جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی در ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس بود و ایران در کمر بند امنیتی سه پیمان منطقه‌ای (ناتو - سنتو - سیتو) قرار گرفته بود. لذا به همین جهت ارتش‌های مستقر در منطقه جنوبی اتحاد شوروی را که شامل ترکیه - ایران و پاکستان می‌گردید از جنبه تسلیحات، آموزش و دکتربین، به صورت یک نیروی عامل در جهت منافع خود در آورده بود. بدین منظور طی سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰ میزان کمک‌های نظامی به ایران، حدود نیمی از مجموع کمک‌هایی بود که امریکا طی سال‌های ۶۱-۱۳۵۳ به دیگر کشورهای جهان داده بود و همه این کمک‌ها مجانی و بلاعوض بود.

در طول این مدت، تعداد زیادی از افسران ارتش، در دانشگاه‌ها و مدارس نظامی امریکا و کشورهای اروپا، دوره‌های تخصصی نظامی را طی کردند و از وجود این افسران در مراکز آموزش داخلی بهره‌برداری می‌شد، و افسران جوان با شیوه آموزش، طرز استفاده از جنگ افزارهای پیشرفته، دکتربین نظامی غرب و شرق، اصول فرماندهی و مدیریت در ارتش آشنا گردیدند و در نتیجه کارآیی و قدرت رزمی یگان‌های زمینی، هوایی، دریایی به

سطح مطلوبی رسیده بود. ولی نباید این موضوع را از نظر دور داشت که ارتش ایران از لحاظ تسلیحات و تجهیزات آموزش و کارآیی رزمی وابسته به امریکا شده بود. در "نوامبر ۱۹۵۵" امریکا موافقت کرد که تعدادی جت‌های جنگنده اف - ۸۴ جی و تجهیزات پیشرفته به ارتش ایران تحویل دهد.^۱

در سال ۱۹۶۴ هولمز سفیر امریکا در ایران هنگام تحویل ۱۴ فروند جت اف - ال اظهار داشت در پانزده سال گذشته امریکا ۶۵۰ میلیون دلار به ایران کمک نظامی نموده است. در دهه ۱۳۴۰ به تدریج بر گروه مستشاران نظامی در ایران افزوده می‌شد که بیشتر آنها افسرانی در رسته‌های تخصصی بودند. تعداد ۳۰۰ نفر آن افسران کادر مهندسی بودند که برای اجرای مأموریت خاصی به ایران آمده بودند کار آنها گرفتن عکس هوایی - نظارت زمین‌شناسی و نقشه‌برداری از مناطق مورد نظر بود در اجرای این مأموریت ارتش ایران گردان ۶۴ مهندسی را جهت همکاری در اختیار این گروه قرار داد. به این ترتیب ایران تبدیل به یک پایگاه تجسّسی برای تأمین اهداف امریکا شده بود و مستشاران امریکا به همین منظور تأسیسات زیادی را در شمال ایران احداث کردند.

تحوّلات مهم در خاورمیانه

امریکایی‌ها از بیم پیروزی احتمالی آلمانی‌ها در جنگ جهانی دوّم، برای رویارویی با اقتدار نازی‌ها تصمیم گرفتند با چند کشور اروپایی متفق شوند. در جریان جنگ نیز امریکا یگانه کشوری بود که کمترین صدمات را دید. پایتخت همه کشورهای درگیر به شدت آسیب دید. شهرهای مهم و مراکز صنعتی مبدّل به ویرانه شدند. تعداد قابل توجهی از انسان‌ها قربانی شدند، لیکن در این میان امریکایی‌ها لطمه چندانی ندیدند. خسارات وارده بر کشورهای اروپایی به همان اندازه که موجب تضعیف این کشورها در عرصه داخلی و بین‌المللی شد، باعث توانمندی و اقتدار روز افزون امریکا در عرصه‌های مختلف جهان گردید. لذا امریکا پس از جنگ جهانی دوّم تنها کشوری بود که در زمینه‌های سیاسی - اقتصادی و نظامی در جهان بی‌رقیب ماند و در اروپا با پیاده کردن طرح مارشال کمک‌های زیادی را به اقتصاد اروپا نمود.

^۱ - مارک ج - گازیوروسکی - کتاب سیاست خارجی امریکا و شاه ترجمه جمشید زنگنه ، انتشارات رسا، صفحه ۲۳۴.

در ایران در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۲۷ اصل ۴ ترومن از سوی رئیس جمهوری امریکا مطرح شد و امریکا کمک‌هایی به نام "اصل ۴ ترومن" به ایران نمود.

در خاورمیانه و مشخصاً در منطقه خلیج فارس، در پی اعلام دولت انگلیس در سال ۱۹۶۸ مبنی بر خارج ساختن نیروهای خود از منطقه خلیج فارس تا پایان سال ۱۹۷۱ و خاتمه دادن به حضور نظامی خود در این منطقه و شرق سوئز، امریکا در صدد برآمد تا این خلاء قدرت را پر کند، بدین ترتیب عصر یگانه تازی امریکا به ویژه در منطقه حساس خلیج فارس آغاز شد.

نیکسون در کتاب خود "جنگ واقعی" که در سال ۱۹۸۰ منتشر شد، در این زمینه می‌نویسد:

"وقتی که بریتانیا چندی پس از جنگ جهانی دوم اعلام کرد که دیگر قادر نیست از یونان و ترکیه حمایت کند، ترومن خلایی را که با بیرون رفتن نیروهای نظامی انگلیس از مدیترانه شرقی به وجود آمده بود با نیروهای ایالات متحده امریکا پر کرد تا نگذارد شوروی آن خلاء را پر کند. اما اکنون خروج نیروهای نظامی انگلیس از خلیج فارس خلاء دیگری را به وجود می‌آورد که اگر به شوروی فرصت داده شود آن را پر خواهد کرد."

بدبختانه خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس وقتی صورت می‌گرفت که فریادهایی علیه جنگ در ویتنام در امریکا به گوش می‌رسید، لذا این مسأله جدی را مطرح کرده بود که آیا مردم امریکا از تعهد دیگری در محل اغتشاش دور افتاده‌ای نظیر خلیج فارس حمایت می‌کنند یا خیر از این رو به جای جایگزین کردن حضور بریتانیا یا حضور مستقیم ایالات متحده، طرح اتکا به قدرت‌های محلی پیشنهاد شد که مقدمتاً ایران و عربستان سعودی برگزیده شدند تا امنیت خلیج فارس را تأمین کنند، در حالی که ما با فراهم آوردن جنگ‌افزار و دیگر تدارکات آنها را مساعدت می‌کردیم این "سیاست دوپایه‌ای" نسبتاً به خوبی عمل کرد تا یکی از پایه‌ها یعنی ایران در سال ۱۹۷۹ سقوط کرد".^۱

دکترین نیکسون

۱ - صفاءالدین تبرائیان، کتاب سراب یک ژنرال، مؤسسه فرهنگی و پژوهشی سال ۱۳۷۷ صفحه ۱۰ و ۱۱.

به دنبال شکست سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا در ویتنام و آسیای جنوب شرقی، سیاست دولت نیکسون، در قبال منازعات و کشمکش‌های بین‌المللی که مبتنی بر "ایستادگی مطلق" در برابر کمونیست‌ها و تروریست‌ها بود، تغییر کرد.

هنری کیسینجر طراح جدید سیاست آمریکا، ساختار صلح آینده جهان را براساس عادی ساختن روابط آمریکا با اتحاد شوروی و چین، با حفظ سیادت آمریکا در جهان آزاد، پی‌ریزی نمود. در چهارچوب این سیاست، در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) دکترین نیکسون ابلاغ شد. بر اساس این دکترین، ایالات متحده بخش عمده مسؤولیت‌های دفاعی و امنیتی گذشته را به عهده دوستان و متحدین خود محول می‌کرد. در عوض، فروش جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی مورد نیاز آنها و آموزش برای استفاده از این جنگ‌افزارها را به آنان که مسؤول دفاع از خود بودند به عهده می‌گرفت.

این دکترین و راهبرد نیکسون - کیسینجر، در قبال کشورهای جهان سوم به طور کلی به سود آمریکا بود. در راهبرد جدید، بر خلاف گذشته سعی در ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای نظیر "سنتو - سیتو" نداشت، بلکه رژیم‌های دوست و متحدین آمریکا را در دفاع از مواضع و منافع واشنگتن، سهیم می‌کرد و نیروهای نظامی آنها را با پول خودشان تقویت می‌نمود.^۱ ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود و نیز به دلایل زیر، در زمره کشورهای دوست و متحد آمریکا و حافظ منافع آن محسوب می‌شد.

- منطقه خاورمیانه همچنان ناآرام بود و کشمکش بین اعراب و اسرائیل ادامه داشت و اتحاد شوروی از این آشفتگی سود می‌برد.

- خاورمیانه تقریباً دو سوم ذخایر نفت جهان را در اختیار داشت که نیمی از آن در حوزه خلیج فارس بود.

- با عقب نشینی نیروهای بریتانیا از حوزه خلیج فارس ایران با موقعیت راهبردی و قدرت نظامی خود، می‌توانست نقش مهمی در امنیت منطقه عهده‌دار شود.

- ایالات متحده طی دو دهه ۳۰ و ۱۳۴۰ در ایران سرمایه‌گذاری‌هایی کرده بود، از جمله بیش از دو میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی.

^۱ - سرهنگ غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، جلد اول انتشارات فرهنگی رسا، صفحه ۵۲۰ الی ۵۲۵.

بدین ترتیب ایران در دهه ۱۹۷۰ با وابستگی به سیاست امریکا، بی آن که امتیازی به دست آورد، تعهدات عمده‌ای به عهده گرفت، ایران نه تنها ژاندارم امنیت خلیج فارس شد، بلکه در نقاط دیگر جهان و دور از مرزهای آبی و خاکی دنباله رو سیاست واشنگتن گردید. از اوایل دهه ۱۹۶۰ با اضافه شدن درآمد نفت، مشکلات خرید جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی تا حدودی مرتفع گردید.

تلاش اوپک در اوایل دهه ۱۹۷۰ برای بالا بردن بهای نفت، همراه با افزایش در تولید نفت ایران، درآمد نفتی حکومت ایران را از ۷۹۱ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۶/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ و از ۶/۴ میلیارد دلار در ۱۹۷۴ به ۸/۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ رساند و به ترتیب از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ از درآمدهای نفتی مبالغ زیر به خرید تجهیزات نظامی اختصاص داده شد:

۱۹۷۱	۴۰۰	میلیون دلار
۱۹۷۲	۵۲۲	"
۱۹۷۳	۲۱۳۸	"
۱۹۷۴	۴۲۸۰	"
۱۹۷۵	۲۵۷۰	"
۱۹۷۶	۱۳۰۵	"

افزایش گروه مستشاران امریکایی در ایران

ارسال جنگ افزارهای پیشرفته به ایران، مستلزم آموزش افسران و درجه‌داران برای استفاده از این گونه وسایل بود و لزوم اعزام افراد متخصص نظامی و غیرنظامی را به ایران ایجاد می‌کرد، بدین منظور، وزارت دفاع امریکا و کارخانجات فروشنده تسلیحات و تجهیزات نظامی هیأت‌هایی را به ایران فرستادند.

طبق آمار رسمی، تعداد افراد امریکایی، اعم از مستشاران نظامی و هیأت‌هایی که از سوی پنتاگون و کارخانجات و شرکت‌های فروشنده به ایران اعزام می‌شدند دائماً رو به افزایش می‌رفت، به طوری که تعداد این افراد که در سال ۱۳۵۱ (۱۶۰۰۰) تن بود، در سال ۱۳۵۵ به ۲۴۰۰۰ تن رسید و این رقم در سال ۱۳۵۷ به حدود ۴۵۰۰۰ تن افزایش یافت.

بدون تردید تقویت نیروهای مسلح کشور مستلزم خرید جنگ افزارهای پیشرفته و آشنا ساختن کادر ارتش به طرز استفاده و کاربرد سلاح‌های جدید بود. اعزام افسران در درجات مختلف به خارج از کشور، برای طی دوره‌های آموزشی و کسب اطلاعات و تجارب نظامی و آشنایی با دکرین نظامی ارتش‌های جهان، از طرفی هم پیامدهای منفی در ذهن این گروه به وجود آورده بود که صرف اینهمه هزینه‌های نظامی برای چه منظوری است. آنچه طی پانزده سال پیش از انقلاب برای توسعه و تکامل نیروهای مسلح کشور، تحت عنوان برنامه خرید جنگ‌افزار صورت گرفت سبب افزایش ظرفیت و توانایی نیروهای نظامی ایران گردید، در این سال‌ها بودجه دفاعی با سایر نیازهای اجتماعی و عمرانی کشور تناسب و هماهنگی لازم را نداشت.^۱

وزیر جنگ مسئول مسائل حقوقی و بودجه‌ای نیروهای سه گانه بود و کلیه خریدهای ارتش از طریق معاون وزیر جنگ ارتشبد طوفانیان انجام می‌گرفت.

کل بودجه نظامی در سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۴ بین ۳/۴ تا ۵ میلیارد دلار برآورد شده بود.^۲

نیروی زمینی ۲۷۰۰۰ نفر

نیروی هوایی ۶۵۰۰۰ نفر

نیروی دریایی ۱۸۰۰۰ نفر

نیروی زمینی بخش اعظم نیروی انسانی ارتش را به خود اختصاص داده بود این بخش از نیروهای مسلح دارای واحدهای رزمی پیاده، زرهی، هوابد و نیروی ویژه بود. نیروی زمینی دارای واحدهای پشتیبانی رزمی از جمله واحدهای توپخانه، مهندسی، مخابرات، هوانپروز و واحدهای پشتیبانی خدمات رزمی شامل فرماندهی آماد و پشتیبانی، پشتیبانی مناطق ۱-۲-۳ بود.

فرماندهی آماد و پشتیبانی از سازمان‌های اداره مهندسی، اداره بهداری، اداره سررشته‌داری، دامپزشکی، فرمانده تعمیر و نگهداری، فرماندهی مهمات که هر کدام مسؤولیت پشتیبانی یگان‌های نیروی زمینی را به عهده داشتند تشکیل شده بود.

^۱ - سرهنگ غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، جلد اول، انتشارات رسا، صفحه ۵۳۴.

^۲ - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از ظهور تا سقوط جلد یکم صفحه ۷۶ الی ۹۰.

بخش سوم: وضعیت آموزش پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند اسلامی و خروج هزاران مستشار خارجی، تا جایگزینی از نیروهای ارتش، خواه ناخواه وقفه‌ای در کار آموزشی یگان‌ها به وجود آمد. این مشکلات در نیروی هوایی و دریایی و هوانیروز بیشتر به چشم می‌خورد، ولی چون در نیروهای سطحی تجهیزات و جنگ‌افزارهایی که خارج توان نیروی زمینی باشد وجود نداشت لذا یگان‌ها احساس کمبودی نمی‌کردند. به خصوص این‌که در نیروی زمینی تعداد مستشاران بسیار کم بودند.

روند آموزش در یگان‌های پیاده چون گذشته ادامه داشت و مراکز آموزشی در سطوح مختلف به کار خود ادامه دادند و این وضعیت در هشت سال دفاع مقدس تداوم یافت، ولی پس از جنگ تغییراتی در بعضی از سازمان‌های آموزشی به وجود آمد که به طور مختصر به آن می‌پردازیم.

آموزشگاه نظامی نزاجا

نزاجا - برای تأمین درجه‌داران پایور، جوانان داوطلب واجد شرایط که دارای مدرک پایان راهنمایی باشند را گزینش می‌نماید. این کارکنان با گذراندن دوره آموزشگاه نظامی که شامل ۱۵ واحد (رزم مقدماتی) و ۴۹ واحد دروس علوم پایه (غیرنظامی) به درجه گروه‌بانی دومی مفتخر و پس از تعیین رسته جهت تخصص به مرکز آموزش تخصصی اعزام و ۲۲ واحد دروس تخصصی را می‌گذرانند.

آموزش درجه‌داری به آموزشگاه نظامی تغییر نام داد و مأموریت‌های محوله را با ۶ گردان دانش‌آموز انجام می‌دهد. مرکز این آموزشگاه در پادگان پاسداران می‌باشد.

مرکز آموزش هوانیروز اصفهان

دبیرستان فنی حرفه‌ای هوانیروز اصفهان در قالب سازمان مرکز آموزش هوانیروز همان وظیفه مراکز فرهنگی را در جذب درجه‌داران در رشته‌های فنی و حرفه‌ای انجام می‌دهد.

دانشگاه افسری امام علی (ع)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی روند آموزشی دانشکده افسری چون گذشته ادامه یافت و در ابتدای جنگ تحصیلی در مهرماه ۱۳۵۹ دانشجویان به جبهه جنوب جهت کمک به یگان‌های در خط اعزام شدند و تعدادی از افسران و دانشجویان به شهادت رسیدند. این روند در سال‌های بعد هم ادامه داشت، ولی دانشجویان، اردوگاه‌های آموزشی خود را در جبهه‌ها طی می‌کردند و عملاً به چگونگی وضعیت یگان‌های در خط آشنا می‌شدند ولی دیگر در اجرای عملیات شرکت نداشتند.

پس از جنگ، از سال ۱۳۶۷ تغییراتی به وجود آمد که شامل ایجاد رشته‌های تحصیلی مختلف در زمینه‌های مهندسی، علوم پایه و انسانی بودند. از مهرماه ۱۳۶۷ با توجه به اطلاق عنوان دانشگاه افسری از سوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل نیروهای مسلح - در مراسم اخذ سردوشی مهرماه ۱۳۷۰، به جای دانشکده افسری- سازمان جدیدی با بافتی مناسب، فعالیت‌های آموزشی و پرورشی خود را آغاز نمود.

مجموعه‌های پیشنهادی با عناوین فیزیک، ریاضی و مدیریت در مقطع کارشناسی به تصویب شورای عالی برنامه ریزی رسید و جایگزین تنها مجموعه آموزشی قبل (لیسانس علوم) گردید. از این تاریخ تلاش‌های لازم جهت فراهم ساختن امکانات و شرایط اجرای مجموعه‌های فنی و مهندسی نیز صورت گرفت و ضمن انجام هماهنگی‌های ضروری از مهرماه ۱۳۷۱ رشته‌های مهندسی کامپیوتر، الکترونیک، مکانیک و عمران نیز دایر گردید.

طول دوره دانشگاه افسری ۴ سال می‌باشد. دانشگاه از ۳ دانشکده مدیریت، علوم و فنی مهندسی با چند گرایش تشکیل شده است. دانشگاه از دو دوره تشکیل گردیده، دوره اول حداقل ۳ ترم و حداکثر ۴ ترم تحصیلی است. آموزش‌های این دوره در مقطع کاردانی است. و فارغ‌التحصیلان به درجه ستوان سومی نایل می‌گردند. دوره دوم شامل ۴ تا ۵ ترم تحصیلی است. دانشجویان این دوره از بین داوطلبین فارغ‌التحصیل دوره اول از طریق آزمون انتخاب می‌شوند. آموزش‌های این دوره ادامه دوره اول بوده و در مقطع کارشناسی ارائه می‌گردد و فارغ‌التحصیلان به درجه ستوان دومی نایل می‌گردند.^۱

^۱ - آرشیو دانشگاه افسری.

دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران (دافوس آجا)

در سال ۱۳۵۸، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به علت ضرورت تجدید نظر در مدارک آموزشی و تعمیرات اساسی ساختمان‌ها و تأسیسات، دانشکده تعطیل گردید.

در سال ۱۳۵۹، دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی با تجدید نظر در محتوای آموزش‌ها و اصلاحات ساختمانی آماده گشایش مجدد گردید که عراق با تجاوز به ایران، جنگ تحمیلی را آغاز و بنا بر ضرورت استادان دانشکده برای شرکت در عملیات و کسب تجارب عملی به صحنه جنگ شتافتند و به این ترتیب کلاس‌های دانشکده تا سال ۱۳۶۱ گشایش نیافت.

در سال ۱۳۶۱ به علت نیاز به افسران ستاد دیده، علیرغم تنگناها و علاقه افسران به حضور مستمر در جبهه‌های جنگ، دانشکده فرماندهی و ستاد بازگشایی و دوره‌های آموزشی آن تا پایان جنگ تحمیلی، همه ساله و به طور مداوم تشکیل می‌شد و همچنان ادامه یافت.

در تمام دوره‌های دانشکده فرماندهی و ستاد، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، همواره معدودی از افسران منتخب نیروهای هوایی، دریایی و نیروهای انتظامی شرکت می‌نمودند. با این همه نیروی هوایی و دریایی، بنا به نیاز دانشکده‌های فرماندهی و ستاد مستقلی برای خود تأسیس کردند که ضرورت دارد، اشاره مختصری هم به این دانشکده‌ها داشته باشیم.

دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی هوایی به طور مستقل اولین دوره خود را در سال ۱۳۵۳ در محل ستاد فرماندهی نیروی هوایی تشکیل داد که دوره‌های آن همه ساله و به طور منظم تا تشکیل دافوس مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران (آجا) ادامه یافت.

دانشکده فرماندهی نیروی دریایی در سال ۱۳۶۵ فعال گردید و تا قبل از این تاریخ افسران نیروی دریایی دوره ستاد خود را در کشورهای مختلف از جمله آمریکا، انگلستان، ایتالیا، هندوستان، پاکستان و یا فرانسه می‌گذراندند.

در سال ۱۳۶۹ دانشکده فرماندهی و ستاد نیروی زمینی - هوایی و دریایی در یکدیگر ادغام و زیر امر یک فرماندهی و در تابعیت ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند و این روند تا کنون ادامه دارد.^۱

^۱ - فصلنامه خبری و آموزشی دانشکده فرماندهی و ستاد آجا، زمستان سال ۱۳۷۷ شماره یکم.

پس از تشکیل دافوس مشترک و پیرو هماهنگی‌های انجام شده با وزارت فرهنگ و آموزش عالی مقاد درسی آن در قالب یک مجموعه کارشناسی ارشد به وزارت یاد شده ارائه و با همت و یاری مسؤولین وقت در تاریخ ۱۳۷۱/۶/۲۲ ابتدا با نام دوره کارشناسی ارشد علوم و فنون نظامی تصویب و به مورد اجراء گذاشته شد و مجدداً با پیگیری و تلاش مسؤولین به دوره کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی تغییر نام داده شد.

برابر بخشنامه صادره از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی فارغ‌التحصیلان این دوره می‌توانند در آزمون ورودی در کلیه رشته‌های مدیریت دولتی بازرگانی و در مقطع دکتری شرکت نمایند.^۱

^۱ - همان مأخذ شماره (۱).

سازمان‌های آموزشی در نیروی هوایی اجا

مقدمه

نیاز به وجود یک مجتمع آموزش عالی هوایی ابتدا در سال ۱۳۵۲ مورد بررسی قرار گرفت و به دنبال آن نمایندگانی از نیروی هوایی برای بازدید از تأسیسات آموزشی انگلستان و امریکا به آن کشورها اعزام شدند و از پایگاه‌های گرانفیلد انگلستان - دانشگاه رابرت - پایگاه هوایی راندلف - باشگاه پروازی هوندا و پایگاه ویس امریکا بازدید به عمل آوردند. نتایج این بازدیدها منجر به توافق‌هایی برای ایجاد مجتمع آموزش عالی هوایی شد و مقرر گردید که چنین مجتمعی در زمینی به وسعت ۲۰۰ میلیون متر مربع در کنار جاده اصفهان - نائین تأسیس شود و قرار بر این بود که دو مرحله آن تا سال ۱۹۸۰ به اتمام برسد، این مجتمع آموزش عالی هوایی شامل چندین دانشکده و تعدادی آموزشگاه جهت تربیت خلبان، مهندس، ناوبر، متخصص فنی و همینطور تسهیلات پروازی شامل سه باند پرواز، آشپانه‌های مربوط به تأسیسات و اماکن زیست شبانه‌روزی و غیره پیش بینی شده بود که به دلایلی به مرحله اجرا در نیامد.

دانشگاه هوایی شهید ستاری

به‌منظور تأمین نیازهای کارکنان نه‌اجا در تخصص‌های کارشناسی خلبانی، عملیاتی و فنی در رابطه با تجهیزات متنوع از قبیل انواع هواپیماها - موشک‌ها - سیستم‌های تسهیلات فرودگاهی و پروازی - رادار - پدافند زمین به هوا - وسایل مخابراتی و کامپیوتری طرح ایجاد دانشگاه هوایی تهیه و از تصویب فرماندهی معظم کل قوا و شورای عالی انقلاب فرهنگی گذشت و پس از تصویب با همت و پایمردی تعدادی از مسؤولین از جمله سرلشگر شهید منصور ستاری ظرف مدت کوتاهی آماده بهره‌برداری گردید.

دانشگاه با ایجاد رشته‌های کارشناسی دانشجویان را از طریق کنکور سراسری می‌پذیرد. دانشگاه هوایی شهید ستاری از تاریخ ۱۳۶۷/۸/۱۵ به طور رسمی توسط مقام معظم رهبری (ریاست جمهوری وقت) افتتاح گردید.

هدف از تشکیل دانشگاه هوایی

هدف از تأسیس دانشگاه هوایی را به شرح زیر می‌توان بیان نمود:

- تأمین نیروی انسانی متعهد و متخصص نه‌اجا در سطح کارشناسی به نحوی که فارغ‌التحصیلان دانشگاه قادر باشند مسؤولیت‌های مربوط به امور پروازی، نگهداری، بازسازی و کار با سیستم‌های موجود را به عهده گرفته و نسبت به طراحی و ساخت سیستم‌های مورد نیاز نیز اقدام نمایند.

- پرورش فارغ‌التحصیلانی که علاوه بر تعمیر و نگهداری سیستم‌های پیشرفته موجود در نیروی هوایی، امر خطیر هدایت کارکنان را نیز بر عهده گرفته و در مشاغل مدیریتی در سطوح مختلف نه‌اجا و ارتش جمهوری اسلامی ایران انجام وظیفه نموده و ارائه طریق نمایند.

- فراهم کردن بستر مناسب جهت گسترش فعالیت‌های علمی، فنی و پژوهشی در نه‌اجا.

- گسترش آموزش عالی در ارتش و تقویت بنیه علمی کارکنان نه‌اجا.

دانشکده‌ها، رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی موجود در دانشگاه هوایی

- دانشکده پرواز: در این دانشکده رشته هوانوردی در سه گرایش به شرح زیر تدریس می‌شود:

کارشناس فنی هوانوردی (خلبانی)

کارشناس فنی هوانوردی (ناوبری هوایی)

کارشناس فنی هوانوردی (مراقبت پرواز)

- دانشکده مهندسی هوافضا:

کارشناس مهندسی نگهداری هواپیما

کارشناس مهندسی هوافضا

- دانشکده مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی:

کارشناس مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی (کنترل شکاری)

کارشناس مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی (عملیات موشک)

کارشناس مهندسی فرماندهی و کنترل هوایی (اطلاعات عملیات)

- دانشکده مهندسی برق:

کارشناس مهندسی برق (الکترونیک)

کارشناس مهندسی برق (مخابرات)

- دانشکده مهندسی کامپیوتر:

در این دانشکده رشته مهندسی کامپیوتر با گرایش نرم افزار تدریس می شود.

- دانشکده مدیریت:

کارشناس مدیریت (بازرگانی)

کارشناس مدیریت (دولتی)

دانشجویان در انتهای سال سوم تحصیل و همزمان با گذراندن کارآموزی اول با عنوان تخصصی خود آشنا می شوند و در طی این دوره مباحث کلی در رابطه با زیر مجموعه تخصصی خود آموزش های لازم را فرا می گیرند.

سازمان‌های آموزشی در نیروی دریایی اجا

دانشگاه دریایی امام خمینی (ره) نوشهر

مقدمه

بحث آموزش عالی در نیروی دریایی دارای سابقه ۷۰ ساله می‌باشد صرف نظر از اهداف حکومتی در دوران قبل از انقلاب، این روند همواره از رشد قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار بوده در ابتدا به دلیل نداشتن سازمان‌های آموزشی با اعزام دانشجویان به خارج از کشور مهارت‌های دریائی را به دست می‌آوردند.

با گسترش و توسعه نیروی دریائی دانشجویانی جهت آموزش‌های عالی دریایی به کشورهای ایتالیا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ترکیه و امریکا اعزام گردیدند و به موازات تنوع منابع آموزش خارج از کشور، افزایش کمی قابل ملاحظه‌ای نیز در تعداد دانشجویان اعزامی به این کشورها صورت می‌گرفت لیکن سن کم دانشجویان اعزامی، زمینه‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی آنان در مواجهه با فرهنگ غرب تبعاتی را در پی داشت.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی قدم‌های مثبتی برای استقلال و خودکفائی نیروی دریائی برداشته شد. تأسیس مجتمع دانشگاه علوم دریائی در سال‌های ۶۰-۱۳۵۹ یکی از کارهای مهم در جهت شکوفائی آموزش نیروی دریائی بود.

مجتمع دانشگاه علوم دریائی عهده‌دار تربیت و آموزش افسران نیروی دریائی و کادر مدیران سایر ارگان‌های دریائی می‌باشد و هدف از تشکیل آن:

- قطع وابستگی در زمینه تربیت و آموزش افسران نیروی دریائی
- داشتن مرکزی که افسران و فرماندهان نیروی دریائی را از آموزش در سایر کشورها بی‌نیاز سازد. این دانشگاه در سال ۱۳۵۹ در نوشهر تأسیس گردید و در مقطع کارشناسی دانشجو جهت طی دوره‌های زیر جذب می‌نماید:

- کارشناسی ناوبری

- مهندسی الکترونیک و مخابرات دریائی

- مهندسی مکانیک دریائی

- مدیریت و کمیسر دریائی

مراکز آموزشی متوسط نداجا (درجه‌داری)

فرماندهی آموزش تخصص‌های دریائی (ف - آ - ت - د)

هدف تربیت نیروی کارآمد و متخصص (درجه‌دار کادر ثابت و پیمانی) در تخصص‌های مختلف به‌منظور کاربری - تعمیر و نگهداری - تجهیزات و سیستم‌های موجود در نداجا.

مرکز آموزش غواصی (غازیان)

مراکز مستقر در مجموعه آموزشی رشت

مرکز آموزش برق و الکترونیک

مرکز آموزش مکانیک دریائی

مرکز آموزش هودریا

مرکز آموزش زبان

مرکز آموزش پیکان

مرکز آموزش تدارکات

مرکز آموزش راه و عملیات

مرکز آموزش ضد زیردریائی

مرکز آموزش مخابرات

مرکز آموزش تربیت بدنی

مراکز مستقر در مجموعه آموزشی حسن رود

مرکز آموزش سپاهیگری

مرکز آموزش توپخانه و ملوان

مرکز آموزش علوم پایه

مرکز آموزش ترابری

مرکز آموزش کنترل صدمات و آتش نشانی

مرکز آموزش موزیک

آموزش رسته تفنگداران دریائی مستقر در پایگاه دریائی منجیل که سازمان آن یک گردان می‌باشد.

نظام آموزشی کارکنان وظیفه نداجا

آموزش کارکنان وظیفه به دو بخش دوره مقدماتی و تخصصی تقسیم می‌گردد. مرکز آموزش نداجا در سیرجان برای پذیرش مشمولین عادی، دیپلم و بالاتر با ظرفیت ۴۰۰ نفر پذیرش می‌باشد. مدت آموزش دوره‌های تخصصی یا کارآموزی ۸ هفته برای گروه‌های دیپلم - فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس در پایگاه‌ها و مناطق دریائی اجرا می‌گردد.

ارگان‌های دیگر دریائی ج.ا.ا.

- نیروی دریائی سپاه پاسداران
- اداره کشتی رانی ج.ا.ا.
- سازمان بنادر و کشتی رانی
- اداره شیلات
- شرکت ملی نفت کش
- صنایع دریائی وزارت دفاع
- آموزش و پرورش شاخه‌های هنرستانی

دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی

به دلیل نیاز به یک دانشگاه پزشکی که بتواند مشکلات درمانی کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران را مرتفع نماید در تاریخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۲ اساسنامه دانشگاه علوم پزشکی ا.ج.ا. به استناد اساسنامه ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی و ماده ۵۵ قانون آجا در ۱۵ ماده و ۱۰ تبصره تنظیم و اجرا گردید.

دانشگاه علوم پزشکی در رشته‌های زیر دانشجو می‌پذیرد:

- گروه پزشکی در مقاطع دکتری پزشکی.
 - گروه پرستاری کارشناسی.
 - گروه پیراپزشکی در مقطع کاردانی و کارشناسی علوم پیراپزشکی.
- تشکیل دوره‌های تخصصی، فوق تخصصی و تکمیلی تخصصی.
- مدت آموزش

طول مدت آموزش رشته‌های گروه پزشکی - پرستاری و پیراپزشکی برابر مصوبات شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی می‌باشد.

دانشگاه عالی دفاع ملی

در اجرای تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا و تحقق ماده ۵۴ قانون ارتش دانشگاه عالی دفاع ملی در سال ۱۳۷۱ آغاز بکار نمود. دانشگاه عالی دفاع ملی عالی‌ترین مرکز تحصیلات تکمیلی و آموزشی و پژوهشی نیروهای مسلح و وزارتخانه‌های ج.ا.ا. در سطح استراتژیک بوده که مسئولیت آموزش فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه نظامی و انتظامی و مقامات بلندپایه مملکتی را در زمینه سیاست کلی نظامی و خط مشی کشور در امور دفاعی، امنیتی برای تصدی مشاغل فرماندهی و مدیریت عالی عهده‌دار می‌باشد.

ساختار دانشگاه

دانشگاه عالی دفاع ملی در سال ۱۳۷۱ از دو دانشکده (دفاع ملی و مدیریت استراتژیک) و دفتر مطالعات و پژوهش‌های استراتژیک تشکیل یافته بود.

کلیه هماهنگی‌های علمی، پژوهشی و مقاد درسی از طریق معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه که تابع خط مشی کلی آموزشی و پژوهشی مصوبه هیأت امناء دانشگاه، وزارت فرهنگ و آموزش عالی می‌باشد انجام و پیگیری می‌شود.

در سال ۱۳۸۴ دانشگاه عالی دفاع ملی از سه دانشکده (دفاع ملی مدیریت استراتژیک و امنیت ملی) تشکیل یافت و معاونت آموزش و پژوهشی دانشگاه تبدیل به معاونت آموزش و معاونت پژوهش گردید.

دانشگاه عالی دفاع ملی از سال ۱۳۸۰ به وسیله ستاد کل نیروهای مسلح اداره می‌شود.

فصل دوازدهم

ارتش جمهوری اسلامی ایران

بخش یکم: وضعیت نیروی خودی قبل از آغاز جنگ

مقدمه

جامعه همانند دریاست، تا آرام است همه چیز در جای خود ثابت است، اما همین که طوفانی شد و موج ها سر برآوردند بسیاری چیزها که در روی آب است در قعر دریا دفن می شود و بسیار چیزها از اعماق دریا بالا آمده در سطح آشکار می گردد. "هنگامی که جامعه دچار بحران ها و انقلاب های فکری می شود، نه تنها شخصیت ها بالا و پایین می روند، افرادی از قله به دره سقوط می کنند و افرادی دیگر بر فراز قله ها قرار می گیرند، بلکه ارزش های دینی و اجتماعی نیز سخت جابجا می شوند و بازار ارزش ها دچار بحران می شود، یکی به سرعت بالا می رود و دیگری به سرعت قوس نزول را طی می کند."^۱ مطالب فوق تصویری از سازوکار دگرگونی های جامعه ما است در بعد از انقلاب که شهید مرتضی مطهری آن را ارایه می نماید.

در دو سده اخیر یعنی از آغاز قرن نوزدهم تا کنون به گزارش تاریخ و به گفته محققین داخلی و خارجی، جهان سه انقلاب مادر به چشم خود دیده است که امواج آن به فراسوی مرزها کشیده شده ، منشا تحولات، جنبش ها و حرکت هایی در سایر جوامع و در سطح بین المللی گردیده جهانی را تحت تأثیر قرار داده است.

انقلاب کبیر فرانسه ۹۴-۱۷۸۹ میلادی

انقلاب روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ میلادی

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی برابر با ۱۳۵۷ شمسی

^۱ - استاد مرتضی مطهری - اسلام و نیازهای جهان امروز - انتشارات جمهوری اسلامی تهران ۱۳۶۱ صفحه ۳۰.

با این تفاوت که یکی از ویژگی هایی که انقلاب اسلامی را از دو انقلاب پیشین متمایز می کرد تکیه آن بر مذهب بود و انقلاب ایران در مرحله ای از پیشرفت تکنولوژی واقع شد که آن را در برابر مسایل و دشواری های بسیار پیچیده ای قرار می داد.

تنها یک نمونه آن امپریالیزم رسانه ای است که قادر بود در افکار عمومی جهان و حتی در داخل ایران، همزمان و در سطح وسیع اثر گذاری کند، جهان را علیه او متحد سازد، یا آنرا در برابر جنگی نابرابر قرار دهد و کشور متجاوز را متکی به ماهواره ها و پیچیده ترین امکانات اطلاعاتی نماید و از طریق شرق و غرب حمایت گردد.

انقلاب ایران نه تنها یک تصویر پرشکوه برای تاریخ ایران می باشد بلکه که رویدادی بس مهم در تاریخ منطقه و جهان است.

در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، با به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمند اسلامی فصل تازه ای در روابط سیاسی و دفاعی با غرب خصوصاً آمریکا به وجود آمد.

با تغییر دکترین نظامی ایران، به صورت یک جانبه از پیمان سنتو خارج شد و در نتیجه این پیمان منحل گردید و ج.ا.ا اعلام نمود، از سیاست های استعمارگرانه آمریکا در خاورمیانه تبعیت نخواهد کرد. پس از تسخیر لانه جاسوسی این روابط به طور کامل قطع گردید. این وضعیت سبب نگرانی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و همچنین کشورهای مصر، اردن و عراق شد.

عراق پس از قبول قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به دنبال ضربه زدن به ایران بود. ولی واکنش های مناسب ایران در کنار رشد سریع نظامی، حکام عراق را بر آن داشت تا به انتظار موقعیت مناسب بنشینند. در سال ۱۹۷۹ -همزمان با انقلاب اسلامی ایران- حسن البکر رئیس جمهور وقت عراق با فشار صدام استعفا کرد. صدام، اولین هدف خود را به صورت محرمانه حمله به ایران اعلام کرد. او که می دانست هنوز برای حمله به ایران فرصت مناسب نیست، در زمانی که ایران گرفتار ناآرامی داخلی در کردستان و سایر نقاط ایران بود، اقدام به تجهیز ارتش خود و رایزنی وسیع دیپلماتیک با غرب و آمریکا و حتی شوروی پرداخت و رضایت کشورهای عربی را نیز حاصل نمود.

روس ها در این موقعیت با توجه به ورود به خاک افغانستان درگیر مبارزه با مجاهدین افغان که از طریق ایران یاری می شدند بودند. شوروی نیز پس از شروع جنگ، کلیه تجهیزات مورد نیاز که شامل هواپیما، بالگرد، تانک، توپ و موشک ها با بردهای مختلف بود در اختیار عراق قرار داد.

اما آمریکا همه گونه همکاری سیاسی، اقتصادی، دفاعی و به خصوص اطلاعاتی را با عراق نمود. چنانچه در اواخر جنگ نیروی دریایی و هوایی آمریکا وارد نبرد شد و حاضر به محکوم کردن صدام جهت استفاده از سلاح‌های شیمیایی نگردید. کشورهای فرانسه، انگلیس و آلمان به نوعی کمک تسلیحاتی نمودند. بررسی حوادث روزهای نخست جنگ نشان می‌دهد که نیروی زمینی و یگان‌های تحت امر آن، با چه مسائل و مشکلات حائز اهمیتی روبرو بودند. شورش‌های جنوب و شمال ایران در کنار وقایع کردستان در کمتر از یک سال سبب شد تا یگان‌های عمده نیروی زمینی در منطقه شمال غرب کشور متمرکز شده و درگیر بحران‌های داخلی شوند. این عدم تمرکز سبب شد تا در آغاز تهاجم عراق اکثر لشکرها از توان رزمی مناسبی برخوردار نباشند.

عواملی که سبب کاهش توان رزمی ارتش ج.ا.ا گردید

- تقلیل و پاک سازی کارکنان کادر ثابت ارتش در رده های مختلف فرماندهی (بخصوص افسران)
- تقلیل خدمت نظام وظیفه از دو سال به یک سال
- لغو قراردادهای خرید تجهیزات و وسایل نظامی که قبلا پول آنها پرداخته شده بود (تانک چیفتن)
- طرح فروش تجهیزات مدرن موجود از قبیل ناوها و ناوچه های نیروی دریایی و هواپیمای اف ۱۴ نیروی هوایی
- متوقف نمودن طرح احداث پایگاه نظامی چاه بهار
- تقلیل فروش نفت
- انحلال پاره ای از قسمت های نظامی ارتش
- بر کناری کلیه فرماندهان ارتش از درجه سرهنگی به بالا
- موافقت با خرید خدمت افسران جوان با درجه ستوانی
- وسایل و تجهیزات تعداد زیادی از پادگانها به وسیله مردم و یا گروهکها تصاحب گردید

با توجه به موارد بالا یگانهای نیروزمینی پس از سال ۱۳۵۷ به تدریج سروسامان پیدا کرد بود ولی آمادگی رزمی آنها تا سال ۱۳۵۹ به ۵۰ درصد هم نرسیده بود که جنگ تحمیلی علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع گردید. خوشبختانه نیروی هوایی و دریایی به دلیل نداشتن تماس فیزیکی با مردم آسیب چندانی ندیده بود.

یگان‌های عمده نیروی زمینی در سال ۱۳۵۷ به شرح زیر بود:

- لشکر ۱ پیاده تهران
 - لشکر ۱۶ زرهی قزوین
 - لشکر ۶۴ پیاده ارومیه
 - لشکر ۲۸ پیاده سنندج
 - لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه
 - لشکر ۹۲ زرهی اهواز
 - لشکر ۷۷ پیاده خراسان
 - لشکر ۲ پیاده تهران (۵ گردان پیاده - یک گردان تانک - گردان توپخانه)
 - تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد
 - تیپ ۳۷ زرهی شیراز
 - تیپ ۵۵ هوابد شیراز
 - تیپ ۲۳ نوه
 - تیپ ۸۸ زرهی زاهدان که در حال تشکیل بود.
 - گروه‌های ۲۲-۳۳-۴۴ و ۵۵ توپخانه
 - هوانیروز
- توضیح - لشکرهای ۲۱ پیاده تهران در سال ۱۳۵۹ در شروع جنگ ادغام شدند و بنام لشکر ۲۱ پیاده حمزه در عملیات حضور مستمر داشته و افتخارات زیادی را در جبهه‌های جنگ به ثمر رساندن.

مقدمات آغاز تجاوز

صدام حسین رئیس جمهور عراق در شب مورخه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۹ ضمن یک سخنرانی و اشاره به نکات زیر در تلویزیون عراق در واقع به ایران اعلام جنگ نمود. قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مردود دانست. کلیه آبراه شط العرب (اروند رود) جزو آبهای ساحلی عراق است. آنچه که برابر قرارداد الجزایر بایستی به ایران واگذار شود نخواهیم داد و آنچه که بایستی می گرفتیم با زور خواهیم گرفت. سرانجام روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ فرا رسید روزی که برخلاف همه مولفین بین المللی ، با چراغ سبز استکبار جهانی آغاز شد.

وضعیت نیروها در مرزهای ایران و عراق

استعداد نیروهای ایران

در منطقه شمال غرب : یگانهای لشکر ۶۴ ارومیه و ۲۸ سنندج این دو لشکر درگیر آرام سازی منطقه از ضدانقلاب بودند. لذا علاوه بر درگیری دو لشکر پیاده ، عناصری از لشکرهای (۹۲-۲۱ و ۷۷) تیپ ۲۳ نهد و تیپ ۵۵ هوابرد را در اختیار داشتند در منطقه غرب : در این جبهه لشکر ۸۱ زرهی و یک گروه رزمی از تیپ ۸۴ پیاده خرم آباد مستقر بودند.

در جبهه جنوب: لشکر ۹۲ زرهی تقویت شده با گروه رزمی تیپ ۳۷ زرهی شیراز، گردان ۱۵۱ دژ، گردان تانک تیپ ۸۸ زرهی یک گروه رزمی پیاده از لشکر ۲۱ و یک گردان پیاده و یک گروهان تانک از عناصر لشکر ۷۷ پیاده و یک گردان از تیپ ۸۴ خرم آباد با عناصری از ناحیه ژاندرمری خوزستان و پایگاه دریایی خرمشهر و عناصری از گروه ۲۲ و ۵۵ توپخانه.

استعداد نیروهای عراقی^۱

در شمالغرب: با دو لشکر پیاده کوهستانی به منظور کنترل مرز و سرکوب نیروهای کرد داخلی (کردستان عراق)

۱ - سرتیپ ۲ علی نیکفرد، سرتیپ ۲ محمد جوادی پور؛ هشت سال دفاع مقدس، جلد اول، صفحه ۷۶ و ۷۷

در منطقه غرب: با سه لشکر زرهی یک لشکر پیاده و یک لشکر کوهستانی به منظور کنترل مرز و پشتیبانی از عناصر ضدانقلاب و تجاوز به ج.ا.ا.

در جبهه جنوب: با سه لشکر زرهی، دو لشکر مکانیزه به منظور تجاوز به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران .

به طور خلاصه استعداد کل نیروهای عراق در آغاز جنگ به شرح زیر بوده است:

- دو لشکر پیاده مکانیزه ، ۶ لشکر زرهی ، ۴ لشکر پیاده کوهستانی جمعاً ۱۲ لشکر
- ۲۹ تیپ مستقل
- ۱۲۰ گروهان کماندویی

ارزیابی نیروها قبل از جنگ

با توجه به محاسبه فوق، استعداد رزمی ارتش عراق در آغاز جنگ تحمیلی حدود ۲۴ لشکر با کیفیت آمادگی رزمی لازم بود، در حالیکه استعداد ارتش ایران کمتر از ۱۰ لشکر آنهم در پایین ترین سطح آمادگی رزمی بود.

وضعیت نیروی هوایی خوب و وضعیت نیروی دریایی بسیار خوب ارزیابی شده بود بطوریکه در ابتدای جنگ نیروی دریایی عراق به وسیله نیروی دریایی ایران از صحنه عملیاتی خارج گردید و سکوهاى دریایی عراق همه منهدم شدند.

جدول زیر مقایسه نیروهای ایران و عراق را در شهریور ۱۳۵۹ نشان می دهد:

تعداد تانک	تعداد نفربر زرهی	هلی کوپتر	هواپیما	توپ	هواپیمای ترابری
ایران	۱۹۸۵	۱۱۵۰	۷۴۰	۴۴۷	۱۷۳۰
عراق	۲۸۵۰	۱۵۰۰	۱۳۳	۳۳۹	۱۱۶۰
					۸۰ فروند
					۵۶ فروند

سپاه پاسداران که از سال ۱۳۵۸ تشکیل شده بود تا آن زمان هنوز عملیاتی نشده تا بتواند مانع از تهاجم واحدهای کلاسیک یک مهاجم خارجی شود ولی اکثراً در ارتباط با نیروهای ضدانقلاب در شمال غرب کشور کمک های زیادی نمودند.

اما صدام و یارانش نگران بودند. اصولاً او و همه افراد رده بالای حزب بعث ، نظامی بودند. آنها می دانستند اگر قرار باشد فانتوم ها، تایگرها، تامکت ها، سوپر کبراها و شبکه های پدافندی ایران خوب عمل کند حمله به ایران برای واحدهای زرهی آنها که برگ برنده ارتش بعث بود گران تمام خواهد شد.

در آمریکا نیز سیاستمداران کاخ سفید چیزی را جز یک پیروزی آسان فکر نمی کردند. بنابراین بار دیگر سرویس های اطلاعاتی آمریکا مرتکب اشتباه بزرگی شدند. تصور آنها بر این بود که با خروج ۵۰ هزار مستشار خارجی نظامی ، توقف ارسال قطعات، تصفیه افسران رده بالا چیزی جز یک ماشین جنگی بدون فرمان و چرخ باقی نگذاشته و تنها یک ضربه کوچک کافی است تا باقی مانده این نیروها نیز از بین برود.

وسعت حوزه عمل لشکر ۹۲ زرهی

قبل از اینکه به شرح عملیات دفاعی لشکر ۹۲ زرهی جهت جلوگیری از پیشروی دشمن بپردازیم میزان وسعت حوزه عمل آن ، مناطق مسولیت لشکر ۹۲ را از نظر می گذرانیم

- منطقه مرزی دهلران

- منطقه مرزی موسیان

- منطقه مرزی بستان

- منطقه مرزی جنوب غربی اهواز از باطلاقیهای هور الهویزه تا پاسگاه کیلومتر ۲۵

- منطقه مرزی غرب خرمشهر از پاسگاه کیلومتر ۲۵ تا نهر ختین

- منطقه مرزی اروند رود از مرز ختین تا دهانه فاو

برای پوشش مناطق بالا که جمعاً ۴۰۰ کیلومتر است، لشکر ۹۲ علاوه بر یگانهای

سازمانی فقط تیپ ۳۷ زرهی شیراز را در اختیار داشت.

مهمتر از همه این بود که حساس ترین منطقه کشور در پوشش این لشکر قرار داشت.

بخش دوم - حمله عراق به ایران

پایداری در منطقه جنوب

دزفول: دشمن تک خود را در منطقه دزفول بر روی دو محور اصلی زیر قرار داده بود
محور یکم - از پاسگاه شرهانی واقع در ارتفاعات حمربین به سمت مواضع پدافندی عین خوش و سپس ادامه آن به سمت پل نادری واقع در رودخانه کرخه .
محور دوم - از پاسگاه فکّه به سمت مواضع پدافندی دوسلک در شرق فکّه و سپس ادامه آن به سمت ارتفاعات ابوصلیبی خات و شهر شوش واقع در ساحل غربی رودخانه کرخه.
نیروی هوائی عراق در روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹، شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز و دزفول در استان خوزستان را بمباران نمود. در منطقه دزفول پایگاه هوائی و انبار مهمات دوکوهه را به آتش کشید.

سپاه سوم ارتش عراق با لشکر ۱۰ زرهی و لشکر یک مکانیزه و برخورداری از پشتیبانی توپخانه سازمانی و نیروی هوائی پس از عبور از مرز ایران از دو محور یاد شده شامل ارتفاعات حمربین، مواضع پدافندی عین خوش، علی گره زد، پای پل کرخه رسید و محور دیگر عماره، فکّه، دوسلک، ابوصلیبی خات و در نهایت در پای پل کرخه به دلیل مقاومت تیپ ۲ زرهی دزفول و گروه رزمی ۳۷ و گروه رزمی ۱۳۸ مانع از پیشروی دشمن شدند.
در این عملیات یگانهای لشکر ۹۲ زرهی در منطقه غرب دزفول و شوش در حقیقت عملیات تاخیری انجام داده و توانستند پیشروی دشمن را از خط مرز تا کرانه غربی رودخانه کرخه به عمق ۵۰ کیلومتر به تأخیر اندازند و سپس یگانها لشکر ۹۲ به شرق رودخانه عقب‌نشینی نمودند.

منطقه حسینیّه: صدام مهمترین هدف از این جنگ را دستیابی بمراکز حساس اقتصادی و نظامی ایران که شامل تصرف مناطق نفت خیز اهواز - خرمشهر و آبادان می گردید ، در نظر گرفته بود. لذا برای رسیدن به این هدف دو لشکر زرهی ۳ و ۹ را وارد منطقه عملیاتی کرد. هجوم اولیه دشمن در محور بصره ،تنومه،شلمچه-خرمشهر بود لذا نیروهای خود را از روی محور بصره پاسگاه کیلومتر ۲۵ حسینیّه به طرف اهواز و خرمشهر گسیل داشت .

این ستون در روز سوم مهر موفق گردید نیروی پوششی لشکر ۹۲ را تا محور اهواز - خرمشهر عقب براند و از سمت شمال خرمشهر را تهدید نماید.

پیشروی دشمن در محور شلمچه با مقاومت نیروهای لشکر ۹۲ و دادن تلفات و ضایعات سنگین، ارتش عراق را وادار کرد تا تک اصلی را از روی محور تنومه، ایستگاه حسینییه بسمت شمال خرمشهر بکارگیرد. این عملیات تا ۲۱ مهرماه بطول کشید و دشمن پس از برقراری پل شناور حدود ۱۵ کیلومتری خرمشهر را بطور کامل محاصره نمود.

در این عملیات تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی - ناحیه ژاندارمری خوزستان با استفاده از یگانهای ژاندارمری، فرماندهی منطقه ۳ دریایی خرمشهر و نیروهای پاسدار مردمی مسئولیت پدافند از منطقه را عهده دار گردیدند.

نتیجه: پایان این عملیات قطع محور مواصلاتی اهواز-خرمشهر، تصرف پادگان حمید و اشغال چندین کیلومتر مربع از خاک ج.ا.ا.

با قطع جاده (آبادان-اهواز) و (آبادان - ماهشهر) همزمان محاصره آبادان و خرمشهر را تکمیل کرد. در چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ خرمشهر، به وسیله دشمن اشغال شد.

عملیات در جبهه غرب

دهلران: در روز ۱۵ مهرماه ۱۳۵۹ یک گروه رزمی شامل گردان ۶ مکانیزه تیپ ۱۷ زرهی و گروهان سوم تانک حماد شهاب در محور موسیان - دهلران پیشروی کرد و در یک درگیری با تیپ ۸۴ خرم آباد سه دستگاه تانک و یک دستگاه خودرو مهمات را منهدم و بدون هیچگونه نتیجه ای به پایگاه چم سری مراجعت نمود. سرانجام تیپ ۸۴ مأموریت یافت در ارتفاعات شمالی دشت عباس و عینخوش مستقر و در آنجا مبادرت به پدافند نماید.

پدافند یگانهای لشکر ۸۱ در منطقه میمک، مهران و سوما:

در روز دوم مهرماه ۱۳۵۹ لشکر ۲ پیاده همراه با تیپ ۷ زرهی عراق پس از عبور از قصر شیرین به سوی سرپل ذهاب پیشروی نمود و هدف آن دستیابی به اسلام آباد و کرمانشاه بود. لشکر ۱۲ زرهی هم در محور مندلی - سوما پیشروی کرد.

در مقابل تهاجم نیروهای دشمن تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی در منطقه قصر شیرین و سرپل ذهاب و تیپ ۲ در منطقه نفت شهر و سومار پدافند نمودند ولی به دلیل نیرو و حجم آتش زیاد دشمن عقب نشینی کرده و در مواضع جدید پیشروی دشمن را سد نمودند. در این عملیات تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ از منطقه شهر مهران و ارتفاعات میمک دفاع می کردند.

نتیجه :

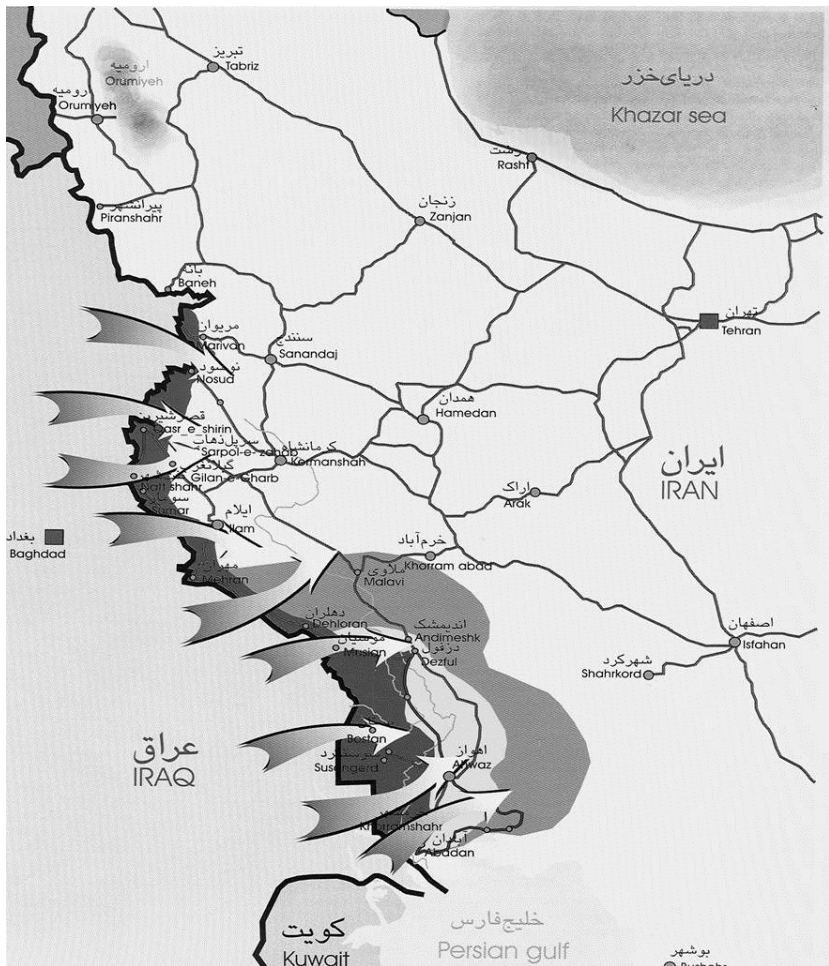
دستیابی به ارتفاعات مهم و حساس منطقه

تصرف و اشغال مهران - ارتفاعات میمک و قلعه آویزان

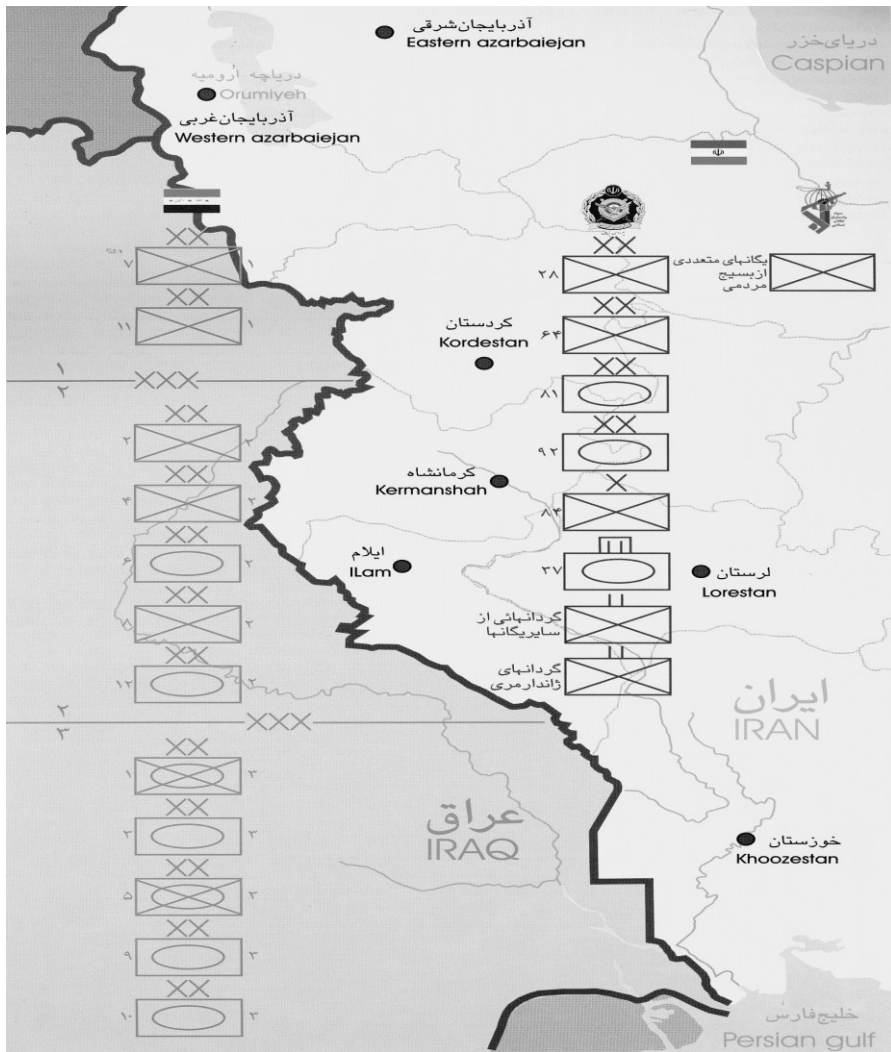
تصرف نفت شهر - سومار ، ارتفاعات داروان

در منطقه شمالغرب: ارتش عراق با لشکر ۷ پیاده و لشکر ۱۱ پیاده در منطقه شمالغرب فقط به منظور حفظ امنیت در منطقه کردستان عراق و اجرای تکه‌های محدود در این منطقه مستقر گردید.

این دو لشکر در تمام طول جنگ بارها بوسیله نیروهای ارتش و سپاه پاسداران مورد تهاجم قرار گرفتند و نیروهای ایرانی قسمتهایی از خاک عراق (حاج عمران ، حلبچه) را در اختیار داشتند.



تهاجم سراسری دشمن در ۱۳۵۹/۶/۳۱



استعداد نیروهای عراقی در شروع تجاوز و نیروهای ایران در آغاز دفاع

عملیات نیروی هوایی

در ساعت ۱۳/۳۰ دقیقه روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ عراق با پرواز ۱۹۲ هواپیمای جنگنده بمب افکن به طور ناگهانی به ۱۹ شهر ایران از جمله پایگاههای مهم شکاری تهران، تبریز، دزفول، همدان و بوشهر حمله کرد تا نیروی هوایی ایران را در روی زمین متلاشی کند.^۱

نیروی هوایی ایران قبلاً متوجه هجوم احتمالی عراق شده بود لذا با انتقال هواپیماها به پایگاههای بتنی و آشیانه ها آنها را در حالت آماده باش نگاه داشته، حتی پیش بینی چگونگی حمله متقابل را کرده بود. بنابراین حمله اولیه نیروی هوایی عراق تأثیری بر روی نیروی مذکور نگذاشت.

در سحرگاه سه شنبه اول مهر ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگی ایران از پایگاهها تهران، تبریز، همدان، دزفول، بوشهر، و شیراز به پرواز در آمده و هدف های زیر را مورد تهاجم قرار داد:

پایگاه هوایی و نظامی موصل، الرشید (بغداد)، سلمانیه، کوت، شعبیه، ناصریه و ام القصر

هر دو باند پایگاه کرکوک

پالایشگاه نفت کرکوک و بصره

فرودگاههای حبانیه شمالی و المثنی

چاههای نفت باباگرگر و مخازن نفت موصل و تاسیسات گازی کرکوک

پل های ارتباطی تنومه و بصره

این حملات منجر به انهدام و از رده خارج شدن بخشی از توان رزمی نیروی هوایی عراق گردید.

نیروی هوایی عراق در دوم مهر دست به یک یورش مجدد زد ولی در این مرحله هم گرفتار هواپیماهای رهگیر اف-۱۴ و شبکه های پدافندی اورلیکن و موشکهای هاوک قرار گرفت.

در تمام طول جنگ در جبهه جنوب نیروی هوایی و هوانیروز در آسمان و زمین فعال بودند. هوانیروز در شکار تانکها در مناطق سوسنگرد، هویزه و خرمشهر در هفته های اول جنگ سرعت واحدهای عراقی را کم کرده و ۵۰ درصد توان آنها را متلاشی کردند و یا از کار افتادند، هوانیروز که در طول جنگ با برجا گذاشتن رکورد ۳۳۱ هزار پرواز مبدل به کابوس

^۱ - علی غفوری - تاریخ جنگهای ایران - انتشارات اطلاعات سال ۱۳۸۸ صفحه ۴۹۱.

لشکرهای زرهی عراق شده بود مهمترین نقش خود را در همان سالهای اول جنگ ایفا کرد، و (کبراها) در نوک پیکان حمله بودند.

تهاجم اولیه

در تهاجم اولیه نیروهای عراق به هدفهای از پیش تعیین شده خویش نرسیدند و نیروهای خود را در غرب کرخه و جناحین هورالعظیم متوقف نمودند لذا صدام در فکر به کاربردن مقاصد زیر بود:

تحت فشار گذاردن مردم شهرهای بزرگ خوزستان با اجرای بمباران هوایی و توپخانه
تامین عقبه نیروهای نظامی خود و کوتاه نگهداشتن خطوط مواصلاتی
ادامه جنگ در داخل سرزمین ایران

حذف کامل نیروهای دریایی عراق

نیروی دریایی عراق اگرچه کوچک و ضعیف به شمار میآمدند، اما به هر حال در صورت به دست آوردن فرصت مناسب می توانست با پشتیبانی نیروی هوایی کشورش برای ایران خطرناک شود. نیروی دریایی ایران در عملیات مروارید در هفتم آذر ۱۳۵۹ تصمیم گرفت با استفاده از ناوچه ها، فریگت ها و رزمناوهای ایرانی و با کمک نیروی هوایی در یک عملیاتی هماهنگ در شمال خلیج فارس نیروی دریایی عراق را محاصره و آنها را به توپ و موشک بستند.
در این عملیات چهار ناوچه غرق و سایر ناوچه ها که مورد اصابت موشک و توپ قرار گرفته بودند به بندر ام القصر عقب نشینی کردند در ادامه عملیات، بندرالبکر به همراه کلیه تاسیسات نفتی به آتش کشیده شد. اثرات این عملیات افتخار آفرین حتی تا زمان برقراری آتش بس نیز مشهود بود.

تجهیز و آماده شدن نیروهای خودی

تجهیز و آماده نمودن نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران جهت اجرای عملیات گسترده با گذشت چند ماه از جنگ بتدریج لشکرهای نیروی زمینی در منطقه جنوب ظاهر شدند این واحدها هنوز به آمادگی کامل از نظر تجهیزات و نیروی انسانی نرسیده بودند ولی

حضور آنها سبب نگرانی صدام و ارتش عراق گردیده بود. از طرف دیگر به همراه ده ها هزار نیروهای بسیجی تحت فرماندهی سپاه پاسداران کمک بزرگی برای نیروی زمینی شده بود. بطوریکه از بهمن ۱۳۵۹ دهها عملیات در مناطق کوی ذوالفقاری ، سوسنگرد، هویزه ، رقابیه ، چخالوند، قوچ سلطان، سید صادق، اروند، منطقه شوش، بازی دراز بعمل آوردند. عملیات میمک در تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۵۹ به وسیله تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی (گروه رزمی ۱۹۵، ۲۱۷، ۲۲۲ تانک و ۲۲۲ تانک) به عمل آمد که در نتیجه قسمتهای عمده و حساس ارتفاعات میمک به تصرف یگانهای خودی درآمد. عملیات الله اکبر در غرب سوسنگرد در اوایل فروردین ۱۳۶۰

نیروهای خودی

لشکر ۱۶ زرهی (منهای تیپ ها ۲ و ۳ زرهی)

لشکر ۹۲ زرهی (منهای تیپ ۱ زرهی)

تیپ ۵۵ هوابرد

سپاه پاسداران منطقه اهواز

گروه نامنظم دکتر چمران

یگانهای دشمن

تیپ ۱۴ مکانیزه

تیپ ۳۵ مکانیزه

تیپ ۴۳ زرهی

نتیجه عملیات

تصرف تپه های الله اکبر و شحیطیه

آزاد سازی ۱۰۰ کیلومتر مربع از اراضی شمالی سوسنگرد

انهدام کامل دشمن

تلفات پرسنلی کشته و زخمی شدن بیش از ۵۰۰ نفر. اسیر ۷۰۰ نفر

ضایعات لجستیکی حدود ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر

تداوم نبردهای هوایی

سحرگاه ۷ مهرماه ۱۳۵۹ چهار فروند فانتوم از گردان ۳۳ شکاری پایگاه همدان جهت بمباران نیروگاه (تموز) واقع در ۸۰ کیلومتری بغداد به پرواز درآمدند و نیروگاه تموز و کارخانه برق بغداد را بطور کامل منهدم کردند.

سحرگاه ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ ۸ فروند فانتوم از طریق ارومیه با استفاده از دو فروند بوئینگ ۷۴۷ سوخت رسان موفق شدند با حمله به پایگاه هوایی الولید توانستند ۴۸ فروند هواپیمای میگ (۳۳-۲۱) و توپولف را منهدم نمایند و با موفقیت به آشیانه های خود بازگردند.

این عملیات از آن جهت بسیار قابل توجه بود که صدام این هواپیماها را در مرز اردن در پایگاه هوایی الولید که هزاران کیلومتر تا پایگاههای ایران فاصله داشت نگهداری می کرد تا موقع مناسب از آنها بهره برداری نماید.

مقاومت نیروهای مستقر در منطقه و نتایج اولیه تجاوز عراق

با شروع تجاوز سراسری دشمن، بدلیل عدم امکان مقابله فوری و متوقف نمودن نیروهای متجاوز در نقاط مرزی با تدابیر ابلاغی حرکات به عقب و تاکتیک معاوضه زمان با زمین صورت پذیرفت. یگانها ضمن ایجاد درگیری با دشمن سعی نمود در مواضع مناسب مستقر شده و دشمن را در نقاط نامناسبی متوقف کرده و فرصت لازم را جهت بازسازی خودی و شناسایی دشمن بدست آورده و حملات خویش را شروع نمایند.

لذا وضعیت عمومی استقرار نیروها روی زمین هرچند علی الظاهر به اشغال اراضی قابل توجهی توسط دشمن انجامید ولی بدلیل هوشیاری به موقع و حضور به هنگام لشکرهای اعزامی به مناطق مورد نظر، عراق نه تنها به تصرف هدف قاطعی دست نیافت بلکه با استقرار اجباری در مواضع نامناسب داعیه صلح طلبی را سرداده و سعی کرد از موفقیت‌های نسبی و جزئی بدست آمده حداکثر بهره برداری نماید. مهمترین نتایج تجاوز سراسری عراق و دفاع و ایستادگی نیروهای ایرانی را می توان به شرح زیر ارائه نمود:

اروند رود

هرچند استفاده ایران از این رود غیر ممکن شد اما عراق نیز نتوانست از آن استفاده نماید.

اهواز

عراقی ها بدون حصول نتیجه در ۱۵ کیلومتری اهواز متوقف شدند.

بستان

بدلیل نزدیک بودن به مرز اشغال شد.

سوسنگرد

هر چند در ابتدای جنگ بطور کامل اشغال شد ولی فوراً از اشغال درآمد.

دزفول

پیش روی عمیق عراقی ها حتی منجر به عبور از کرخه نگردید.

مهران و موسیان

به دلیل نزدیک بودن به مرز به اشغال درآمد.

نفت شهر و سومار

بدلیل نزدیک بودن به مرز به اشغال درآمد.

جبهه شمال غرب

تلاش عراق در این جبهه عمدتاً عقیم ماند و به نتیجه مهمی نرسید.

لذا به جرات می توان گفت که عراق در حمله سراسری خود در تمام زمینه ها شکست خورد ولی بدلیل نداشتن توجیه جهت عقب نشینی و امید به آینده جهت بهره برداری از اوضاع سیاسی ایران در مناطق اشغالی زمین گیر شد.

لازم به یادآوری است که در این کتاب، بیشتر به عملیات هایی که در سطح قرارگاه ها و حضور یگان های عمده از ارتش و سپاه انجام گرفته، اشاره شده است. مسلماً پرداختن به تمام عملیات های هشت سال دفاع مقدس، نیاز به مجموعه کامل تری دارد که در این کتاب میسر نمی باشد.

بخش سوم - فتح و پیروزی

عملیات شکست حصر آبادان^۱

نیروهای عراقی پس از محاصره خرمشهر در شمال و غرب کارون، در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۹ با عبور از رودخانه کارون در مقابل آبادی مارد واقع در ۱۵ کیلومتری شمال بهمنشیر، محور اهواز - آبادان را قطع و با توسعه وضعیت و پیشروی به سمت شمال و جنوب و قطع محور ماهشهر - آبادان، تلاش نمود که از رودخانه بهمنشیر نیز عبور نموده و با ورود به جزیره آبادان، خرمشهر را کاملاً محاصره و آبادان را اشغال نماید که این مرحله عملیات در اثر پدافند نیروهای خودی عملی نگردید.

محاصره آبادان از شرق کارون و استمرار تهدید اشغال آن از سوی نیروهای دشمن از جنبه های مختلف سیاسی و نظامی برای کشور ما بسیار ناگوار بود. طرح انهدام نیروهای دشمن در منطقه سرپل شرق کارون به دلایل زیر در اولویت قرار داشت.

الف - فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی مبنی بر «شکست حصرآبادان» که باید اجرا می گردید.
ب - محورهای اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان باز شده و در کنترل نیروهای خودی قرار می گرفت

ج - با انهدام یا عقب راندن دشمن به غرب کارون و اتکا مواضع پدافندی نیروهای خودی به رودخانه غیرقابل عبور کارون سبب صرفه جویی در نیرو و رها شدن لشکر ۷۷ پیاده و سپاه پاسداران از این منطقه می گردید

د - با شکست نیروهای متجاوز ضربه سیاسی، نظامی و روانی بزرگی به صدام و ارتش عراق وارد می شد.

هـ - تصرف یا تخریب سریع پلهای احداثی دشمن روی رودخانه کارون امکان محاصره، انهدام اسارت قسمت عمده ای از نیروهای متجاوز را میسر می ساخت.

^۱ - سرتیپ ۲ ستاد سید علی اشکانفر و عباد... هادیان - دفاع مقدس - چاپ مرکز پشتیبانی معاونت آموزش نزاجا سال ۱۳۷۳ - صفحه ۱۱۲.

عملیات در تاریخ پنجم مهرماه ۱۳۶۰ شروع و پایان آن هفتم مهرماه ۱۳۶۰ بود. قرارگاه هدایت کننده: قرارگاه مقدم نذا در جنوب. قرارگاه لشکر ۷۷ پیاده منطقه عملیات: شرق رودخانه کارون و شمال آبادان، منطقه دارخوین

یگانهای خودی

لشکر ۷۷ پیاده

تیپ ۳۷ زرهی

گروه رزمی ۲۹۱ تانک

گردان ۲۵۱ تانک از لشکر ۱۶ زرهی

گردان ۱۰۷ ژاندارمری

یگانهایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

یگانهای دشمن

تیپ ۶ زرهی لشکر ۳ زرهی

تیپ ۸ مکانیزه لشکر ۳ زرهی

تیپ ۱۵۳ (-) مختلط لشکر ۳ زرهی

گردان شناسایی لشکر ۳ زرهی

تیپ ۴۴ پیاده

تیپ ۱۱۳ گارد مرزی

گردان ۳ تیپ ۳۱ نیروی مخصوص

مأموریت:

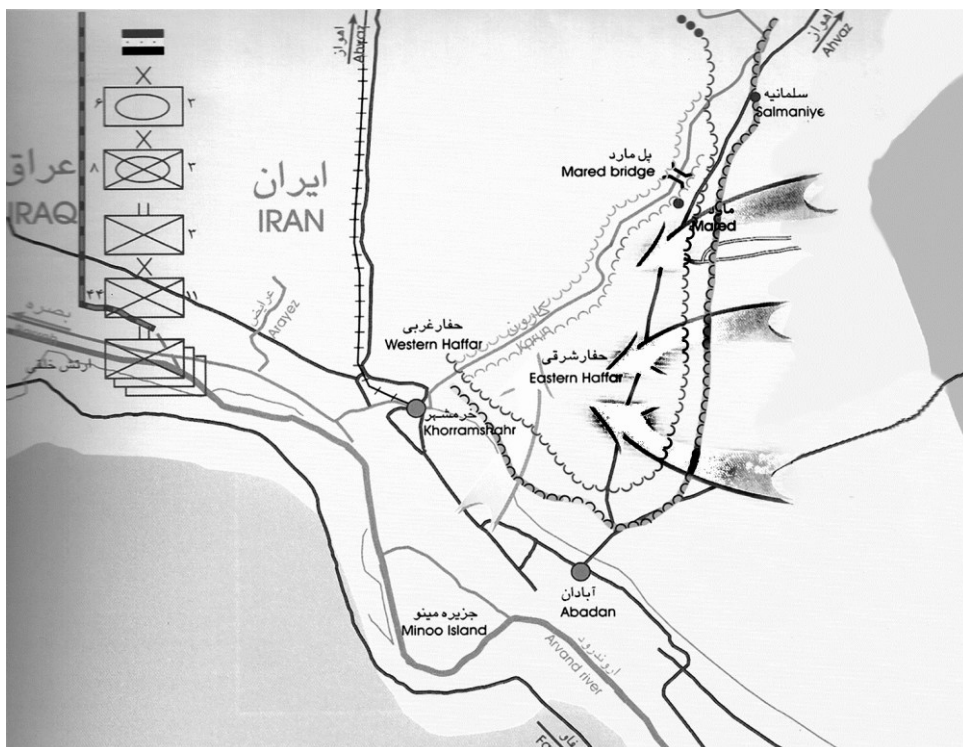
لشکر ۷۷ پیاده با همکاری سپاه پاسداران آبادان مأموریت دارد در مورخه ۵ مهرماه ۱۳۶۰ در منطقه تک نموده، شرق رودخانه کارون را در منطقه مربوطه تأمین و سپس پدافند نماید.

اجرای عملیات:

تیپ یک لشکر ۷۷ به منطقه ذوالفقاریه ، تیپ دو به فیاضیه و تیپ سوم به دارخوین حمله کردند. محور جنوبی محور فرعی بود خطوط عراقی آن قدر سریع شکاف برداشت که سربازان ایرانی در ساعت ۲ بامداد خاکریزهای اولیه را تصرف کردند و در ساعت ۳ بر جاده آبادان - ماهشهر مسلط بودند. نیروهای غرب کارون در تلاش احداث پل و کمک به عراقی ها بودند که بوسیله هلی کوپترهای کبرا تجهیزات آنها را به آتش کشیدند و همین امر باعث ناامیدی عراقی ها گردید و تا غروب آن روز هزاران عراقی کشته شد. تیپ ۲ لشکر ۷۷ باقیمانده قوای عراقی را با حملات پیاپی به عقب راند تا به غرب کارون و به سوی خرمشهر عقب نشینی کردند.

نتیجه عملیات

تصرف و تامین ساحل شرقی رودخانه کارون
خارج کردن آبادان از محاصره یکساله
آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده
تلفات پرسنلی دشمن : کشته و زخمی بیش از سه هزار نفر ، اسیر ۱۶۵۶ نفر
ضایعات لجستیکی دشمن انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر و ۱۰۰ دستگاه انواع خودرو و
سرنگونی سه فروند هواپیما و یک فروند هلی کوپتر
غنائم : تعداد ۱۰۰ دستگاه تانک ، ۶۰ دستگاه نفربر، سه دستگاه لودر ، ۵ عراده توپ و
۱۵۰ خودرو به غنیمت نیروهای خودی درآمد.



عملیات-آفندی-ثامن الاثمه ♦ -۱۳۶۰/۷/۵

عملیات طریق القدس (کربلا ۱) فتح بستان^۱

پس از عملیات ثامن الائمه در شرق کارون (شکست حصرآبادان)، بررسی برای استفاده از این موفقیت، تقدم تلاش به منطقه بستان داده شد که طرح مقدماتی آن در خردادماه ۱۳۶۰ تهیه و دستورات تکمیلی در ۲۶ مرداد ۱۳۶۰ صادر گردید.

دلایلی که منجر به پیشنهاد تقدم عملیات در غرب سوسنگرد گردید این بود که تامین بستان خصوصیات و امتیازات زیر را در برداشت:

سهل الوصول و دستیابی به آن با نیروهای موجود امکان پذیر بود.

بستان شهری مرزی بوده و تصرف آن نیروهای خودی را به نزدیکی مرز می‌رساند.

موقعیت بستان با توجه به ارتفاعات میشداق و تپه های رملی در شمال و باطلاق هورالعظیم در جنوب نگهداری آن با نیروهای کمتر امکان پذیر بود.

تصرف شهر بستان انعکاس جهانی داشت.

تصرف شهر بستان جبهه پیوسته ارتش عراق از مهران در شمال تا خرمشهر در جنوب را به دو قسمت مجزا تقسیم نموده ، امکان پشتیبانی شمال و جنوب را از دشمن سلب می‌کند.

عملیات در ۸ آذرماه ۱۳۶۰ شروع و پایان آن در ۳۰ آذر ماه ۱۳۶۰ به مدت ۳۲ روز بود.

قرارگاه هدایت کننده : قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب

منطقه عملیات: منطقه بستان و غرب سوسنگرد

یگانهای خودی

نیروهای ارتش

لشکر ۱۶ زرهی (-)

لشکر ۹۲ زرهی (-)

تیپ ۱ لشکر ۷۷

نیروهای سپاه پاسداران

تیپ کربلا

تیپ عاشورا

^۱ - سرتیپ ۲ ستاد سید علی اشکانفر و سرتیپ ۲ ستاد عباد ا... هادیان - کتاب دفاع مقدس - صفحه ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷.

تیپ امام حسین (ع)

تیپ امام سجاد (ع)

تیپ امام حسن (ع)

یگانهای دشمن

لشکر ۶ زرهی (-)

تیپ ۱۲ زرهی لشکر ۳ زرهی

تیپ ۲۶ زرهی لشکر ۵ مکانیزه

تیپ ۱۷ زرهی

تیپ مکانیزه گارد جمهوری

تیپ ۴۸ لشکر ۱۱ پیاده

تیپ ۲۳ لشکر ۸ پیاده

تیپ ۹۳ پیاده

تیپ ۹۶ پیاده

تیپ ۳۱ نیروی مخصوص

این عملیات در سه مرحله به شرح زیر اجرا گردید:

مرحله یکم: لشکر ۹۲ زرهی (-) با یک تیپ ۲ گردان بسمت غرب پیشروی می کند و منطقه مورد نظر را تصرف می نماید. لشکر ۱۶ (-) با یک تیپ ۲ گردان در غرب سوسنگرد پیشروی می کند. همزمان با عملیات این دو لشکر، تیپ ۲ و لشکر ۲۱ حمزه تکههای محدودی را اجرا مینماید

مرحله دوم: هر دو لشکر پیشروی را به سمت غرب ادامه می دهند و شهر بستان را تصرف می کنند.

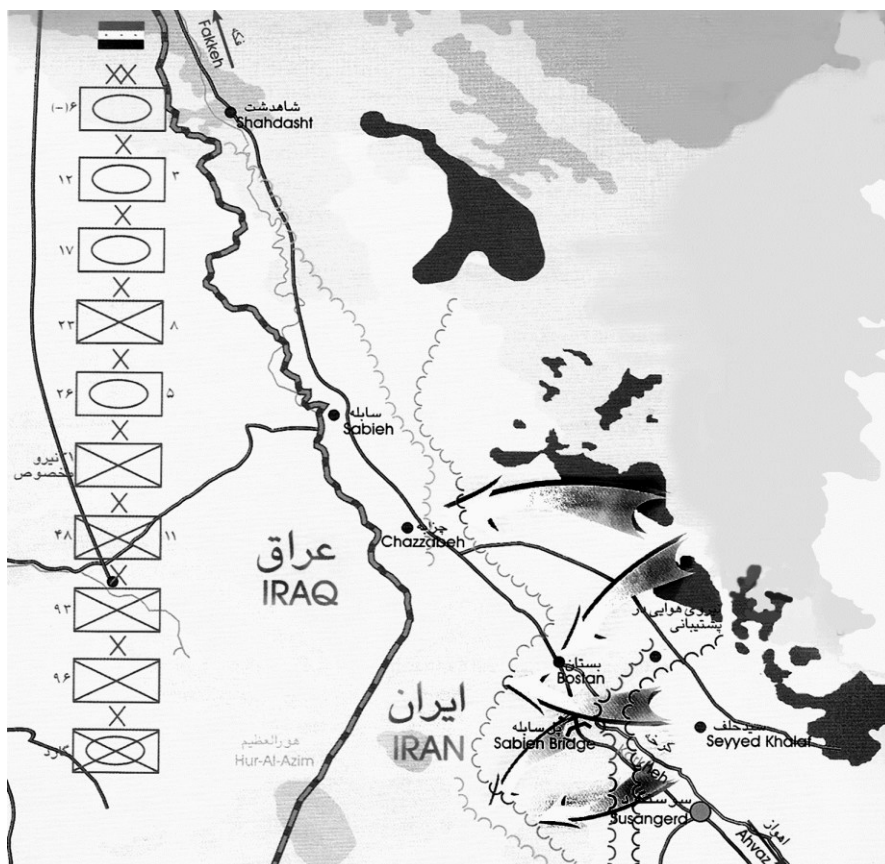
مرحله سوم: لشکر ۹۲ زرهی (-) بنا به دستور بسمت غرب پیشروی را ادامه می دهند و خط مرز را در حوالی سوبله تأمین می کنند. لشکر ۱۶ زرهی (-) بنا به دستور بسمت جنوب شرقی پیشروی و هویزه را تصرف و تأمین می نماید.

نتیجه

آزاد سازی شهر بستان و حدود ۶۰۰ کیلومتر از خاک کشور
تلفات پرسنلی دشمن - کشته و زخمی شدن حدود ۱۵۰۰۰ نفر، اسیر ۵۴۶ نفر
ضایعات لجستیکی دشمن : انهدام بیش از ۲۰۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه
انواع خودرو
غنائم : تعداد زیادی تانک و نفربر، انواع خودرو و وسائل مهندسی

فعالیت‌های نیروی هوایی

در اجرای عملیات (طریق القدس) خلبانان نیروی هوایی به صورت گسترده به بمباران
خطوط مقدم جبهه پرداختند.
به موازات هر عملیات موفق از سوی ایران، نیروی هوایی عراق دست به جنایت تازه ای
علیه شهروندان بی دفاع می زد.
در روز ۱۸ آذرماه ۱۳۶۰ هواپیماهای عراق با بمبهای خوشه ای شهر ایلام را بمباران
کردند که منجر به شهادت ۹۰ نفر از اهالی شد.
اوج نبردهای هوایی دو کشور طی دهه دوم و سوم آذرماه ۱۳۶۰ بود که با سرنگون شدن ۱۶
فروند هواپیمای مهاجم عراقی ، برگ زرینی به پرونده افتخارات نیروی هوایی ارتش جمهوری
اسلامی ایران افزوده شد. سقوط این هواپیماها جمعاً شامل ۱۶ فروند میگ و میراژ بود.
در عملیات آزاد سازی تنگه چزابه، نیروی هوایی با انجام بمباران پی در پی ضربات مهلکی به
نیروی هوایی عراق وارد کردند. که پیامد آن آزادی عمل نیروهای رزمنده سطحی برای تسلط کامل
بر تنگه استراتژیکی چزابه بود. از این پس دشمن برای تدارک نیروهایش در بخش شمالی
خوزستان اجباراً به احداث جاده عبور از حاشیه غربی هویزه و هورالعظیم مبادرت ورزید، که این
خود در قطع پشتیبانی مطلوب نیروهای عراق مستقر در دهلران، ابو غریب ، عین خوش ،
سایت‌های چهار و پنج ، چنانکه، دشت عباس تأثیر بسزایی داشت و به این ترتیب زمینه مساعد
برای پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات (فتح المبین) فراهم گردید.



عملیات آفندی طریق القدس (-طرح عملیاتی کربلا) - ۱۳۶۰/۹/۸

عملیات لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۵۸ ذوالفقار (مطلع الفجر)

عملیات‌هایی که در غرب و شمالغرب انجام می‌گرفت با حداقل امکانات اداره و انجام می‌شد. در این مناطق نیروی احتیاط وجود نداشت، نیروهای عراقی مواضع پدافندی خود را با میادین مین متراکم، مستحکم نموده و نفوذ به آن را بسیار مشکل ساختند. از طرفی پشتیبانی از عملیاتهای منطقه جنوب ایجاب می‌کرد سکون و آرامشی که بنفع نیروهای خودی نبود در منطقه غرب برهم زده شود.

لذا در روز ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰ عملیات مطلع الفجر در مناطق چرمیان، تنگه قاسم آباد و دشت گیلانغرب آغاز شد و ۲۷ روز ادامه یافت.

نتیجه

ابتدا ارتفاعات شیاکوه بتصرف نیروهای خودی درآمد لیکن تلاش تیپ ۵۸ ذوالفقار و گردان ۱۹۱ پیاده شیراز بعثت آتش انبوه و شدید دشمن بجایی نرسید. سرانجام به مواضع قبلی مراجعت کردند.

عملیات آفندی لشکر ۲۸ پیاده سنندج و سپاه پاسداران مریوان و پاوه (محمد

رسول الله (ص))

در این عملیات گردان ۱۳۹ پیاده تیپ ۸۴ و عناصری از ژاندارمری شرکت داشتند. عملیات در تاریخ ۱۲ دیماه ۱۳۶۰ قرارگاه لشکر ۲۸ پیاده به شهر طویله در شمال غرب نوسود حمله برده و پس از اشغال موقت آن به مواضع خود در همان روز بازگشتند.

عملیات فتح المبین (طرح کربلا ۲)

هدف نظامی تجاوز عراق و پیشروی یگان‌هایی از دشمن به استعداد یک لشکر زرهی و یک لشکر مکانیزه در معابر وصولی عمده فکه، شوش، موسیان، دشت عباس، پل نادری در آفند عمومی ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ را میتوان وصول به اندیمشک، دستیابی به گذرگاه دو کوهه، قطع جاده اندیمشک - اهواز و تهدید اهواز از شمال دانست. با توجه به تلاش یگان‌های متجاوز برای عبور از پل نادری، عرض جبهه دشمن و وجود هدف‌های با ارزش تاکتیکی و استراتژیکی در شرق رودخانه کرخه، ساده اندیشی است که وصول به رودخانه کرخه و سپس توقف و اتخاذ حالت پدافندی در کرانه غربی آن را، هدف نظامی و نهایی دشمن در این بخش از صحنه عملیات جنگ بدانیم. عدم موفقیت نیروهای متجاوز در عبور از رودخانه کرخه به منظور تامین هدف‌های یاد شده را می‌توان ناشی از یک یا چند عامل زیر دانست:

مقاومت شدید نیروهای خودی در برابر متجاوز با استفاده از مانع رودخانه کرخه. تلاش شدید یگان‌های توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی برای زمین‌گیر کردن دشمن. عدم توانایی و فقدان ورزیدگی نیروهای دشمن در عملیات عبور از رودخانه بویژه آن که نیروهای مدافع خودی در ساحل شرقی رودخانه حضور داشتند.

وضعیت: به نظر می‌رسد دشمن با برآوردی که از توانائیهای نیروهای خودی داشت امکان تک در ابعاد وسیع و عمیق را مردود دانسته و برآورد می‌کرد که تک اصلی و محور فشار ما فقط در یکی از دو جبهه شوش یا پای پل نادری (بعلت وجود سرپل) بوده و در جبهه دیگر تظاهر به تک خواهد شد. دشمن علاوه بر انتخاب راه کار پدافندی در منطقه با اتکا به مواضع مستحکم و مناسب اشغالی و تقویت نیروهای خود بایگان‌های اضافی و توپخانه چند حرکت آفندی را به منظور بر هم زدن طرح و سازمان نیروهای خودی و در نتیجه ممانعت از اجرای عملیات انجام داد. آنها در منطقه چزابه و تک در تنگ رقابیه و منطقه جنوب شوش برای رسیدن به ساحل کرخه بود.

لازم به یادآوری است که بازگرداندن دشت رقابیه در جبهه جنوبی از بخش شمالی صحنه عملیات خوزستان - منطقه عملیات خوزستان به سه بخش عمده شمالی: دزفول و شوش، میانی: سوسنگرد و بستان، جنوبی: خرمشهر و آبادان تقسیم می‌شود - و تحمل در سرپلهای خودی در غرب رودخانه کرخه از اشتباهات بزرگ نظامی عراق بوده که عامل

ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۳۳۳

سرنوشت‌ساز در شکست متجاوز در این جبهه به شمار می‌رود و عراق زمانی در صدد جبران پاره‌ای از اشتباهات تاکتیکی خود برآمد که دیر شده بود.^۱

آغاز عملیات شروع عملیات دوم فروردین ماه ۱۳۶۱ و پایان آن ۱۰ فروردین ماه ۱۳۶۱ به مدت ۸ روز بود.^۲

قرارگاه عملیاتی کربلا (قرارگاه مشترک نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) منطقه عملیات غرب منطقه عمومی دزفول و شوش (عین خوش، دشت عباس، علی‌گره زد، چنانه، رقابیه)

یگانهای خودی

قرارگاه قدس

تیپ ۸۴ پیاده

تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی

تیپ ۱۴ امام حسین (ع)

تیپ ۴۱ ثارالله

تیپ ایلام

قرارگاه نصر

لشکر ۲۱ پیاده

تیپ ۵۸ ذوالفقار

تیپ ۷ دزفول

تیپ ۲۷ رسول الله (ص)

۱ - قبل از عملیات فتح المبین دو عملیات دیگر در جنوب انجام گرفت:

عملیات آفندی تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیاده و سپاه پاسداران در منطقه جزایه تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۷

عملیات پدافندی شوش که ۳ روز قبل از عملیات فتح‌المبین بود که به وسیله دشمن در منطقه شوش انجام گرفت. نیروهای عراقی با تلفات و ضایعات زیاد مجبور به عقب نشینی شدند و هیچگونه موفقیتی بدست نیاوردند.

۲ - سرتیپ ۲ ستاد سید علی اشکانفر و سرتیپ ۲ ستاد عباد ا... هادیان - کتاب دفاع مقدس - صفحه ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷.

قرارگاه فجر

لشکر ۷۷ پیاده

تیپ ۳۳ المهدی (عج)

تیپ ۱۷ قم

تیپ ۳۵ امام سجاد (ع)

د- قرارگاه فتح

لشکر ۹۲ زرهی (-)

تیپ ۵۵ هواورد

تیپ ۲۵ کربلا

تیپ ۴۶ فجر

تیپ ۸ نجف

ه- سایر یگانها:

گروه ۳۳ توپخانه

یگان هوانیروز

یگانهای دشمن

لشکر ۱ مکانیزه

لشکر ۳ زرهی

لشکر ۱۰ زرهی

تیپ ۱۰ زرهی

تیپهای ۹۶، ۹۷، ۹۹ پیاده

یک تیپ گارد مرزی

تیپ ماموریت ویژه

تعدادی از تیپ های سری ۴۰۰ و ۵۰۰ و ۶۰۰ پیاده

چگونگی اجرای عملیات

عملیات منطقه غرب دزفول به چهار منطقه به شرح زیر تقسیم گردید:

- منطقه دشت عباس و عین‌خوش به قرارگاه قدس محول گردید.
 - منطقه غرب پل نادری و شمال رودخانه رفائیه به لشکر ۲۱ پیاده واگذار شد.
 - منطقه غرب شوش و جنوب رودخانه رفائیه به لشکر ۷۷ پیاده محول گردید.
 - منطقه تنگ رقابیه و غرب چنانه به لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوایرد واگذار شد.
- در مناطق یاد شده، قرارگاه عملیاتی چهارگانه تشکیل گردید که به اسامی: قدس، نصر، فجر و فتح نامگذاری شدند. این قرارگاه‌ها تابع قرارگاه فرماندهی کربلا ۲ شامل قرارگاه نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران بود.

قرارگاه قدس: با تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده اولین یورش را به طرف نیروهای دشمن در دشت‌عباس و عین‌خوش آغاز کرد. تیپ ۱۴ امام حسین (ع) سپاه پاسداران از سمت شمال غرب و غرب رودخانه چिخاب به معبر عین‌خوش نزدیک شد. این تیپ مواضع عین‌خوش را تصرف و نگهداری نمود. تیپ ۱۴ امام حسین (ع) سهم بسیار مهمی را در نتیجه نهایی عملیات داشت. در این مرحله نیروهای دشمن عناصر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی را تا شمال امام‌زاده عباس و تیپ ۸۴ را تا دامنه جنوبی ارتفاعات کمرسرخ به عقب راندند. ولی با وارد عمل شدن تیپ ۵۸ ذوالفقار و تیپ ۳۷ زرهی از سقوط عین‌خوش جلوگیری شد.

قرارگاه نصر: تلاش اصلی یگان‌های این قرارگاه ابتدا از شمال به جنوب به طرف ارتفاعات شاوریه و علی‌گه‌زد بود. در مرحله اول نیروهای این قرارگاه توانستند با غافل‌گیری دشمن پیشروی کنند و حتی یگان‌ها با استفاده از تونل حفر شده خود را به نزدیکی مواضع دشمن رسانیدند، اما در حدود ساعت ۰۱۰۰ بامداد تک عناصر قرارگاه نصر نیز به وسیله دشمن کشف شد و آتش شدید توپخانه را به منطقه عملیات قرارگاه نصر باز کردند و توپخانه قرارگاه نصر نیز آتش خود را به روی مواضع دشمن باز نمودند.

قرارگاه فجر: که از سمت شمال غربی شوش به سمت غرب پیشروی می‌کردند، توانستند غافل‌گیری را رعایت کنند و خود را به نزدیکی مواضع دشمن در تپه‌های غرب رودخانه کرخه و دامنه جنوبی تپه ابوصلیبی خات برسانند. اما حدود ساعت ۰۱۳۰ بامداد حرکت یگان‌های

قرارگاه فجر به وسیله دشمن کشف گردید و اولین یگانی که با دشمن درگیر شد تیپ ۳ لشکر ۷۷ و عناصر سپاه پاسداران بود.

قرارگاه فتح: این قرارگاه در مرحله اولیه طرح برابر مأموریت ابلاغی اقدام و در ادامه مأموریت به علت وضعیت خاصی که در اثر تک مورخه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۶۰ دشمن در منطقه قرارگاه فجر و قسمتی از قرارگاه فتح به وجود آمده بود، نتوانست مأموریت های بعدی را انجام دهد. لذا با دو روز تاخیر عملیات را در ۴ فروردین ماه ۱۳۶۱ به مرحله اجرا درآورد و با عبور از تنگ زلیجان به عقبه دشمن در غرب ارتفاعات میشداغ دست یافت. در مرحله نهائی با انجام یک مانور متهورانه در تپه برقازه با قرارگاه نصر الحاق حاصل نمود.

نتیجه

- حدود ۲۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک ج.ا.ا آزاد گردید.
- دشمن از ساحل غربی رودخانه کرخه و ارتفاعات علی گره زد و شمال عین خوش تا دامنه ارتفاعات تینه و حمزین عقب نشینی نمود.
- ارتفاعات تپه چشمه، شاوریه، علی گره زد، ابوصلیبی خات، برقازه و همچنین چاههای نفت ابوغریب تصرف گردید.
- تلفات پرسنلی دشمن: کشته و زخمی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر، اسیر ۱۶۰۰۰ نفر.
- ضایعات لجستیکی دشمن: انهدام ۲۷۰ دستگاه تانک و ۱۵۰ دستگاه نفربر، سرنگونی ۶ فروند هواپیما و ۳ فروند هلیکوپتر
- غنائم: تعداد ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۱۶۵ عراده توپ و ۵۰۰ خودروی سالم به غنیمت نیروهای خودی در آمد.

بدین ترتیب مرحله چهارم عملیات فتح المبین که پاکسازی ارتفاعات تینه و دوسلک و برقازه بود و اجرای آن برای روز نهم فروردین ماه پیش بینی شده بود، در روز هشتم فروردین ماه با تلاش همه جانبه عناصر ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای بسیج مردمی به مرحله اجرا در آمد. نیروهای جمهوری اسلامی ایران موفق شدند تا آن روز قریب ۲۲۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده را آزاد سازند و نیروهای دشمن را به حوالی مرزهای بین المللی در منطقه فکه و غرب دویرج عقب برانند و ۴ لشکر زرهی و مکانیزه و پیاده دشمن را کاملاً منهدم

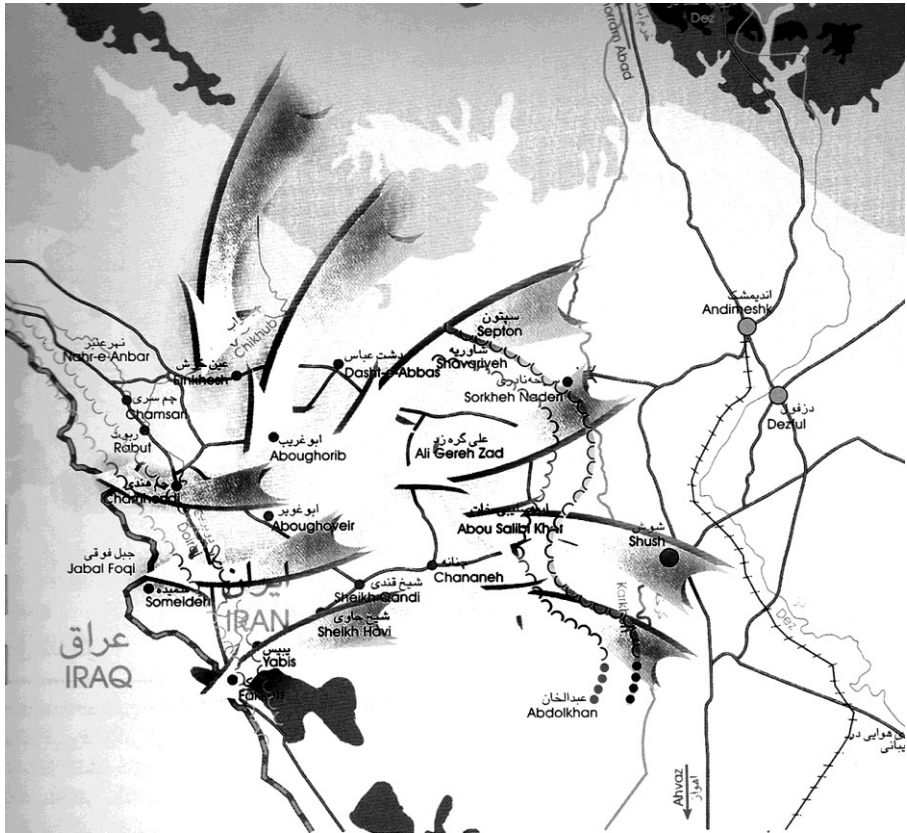
سازند و بیش از ۱۶۰۰۰ هزار نفر را به اسارت گرفتند و زمینه را برای اجرای عملیات بیت‌المقدس فراهم نمایند.

سایت‌های ۴ و ۵ موشکی و ایستگاه رادار دهلران که در آغاز تجاوز عراق به اشغال متجاوزان در آمده بود، در جریان عملیات فتح‌المبین از تصرف دشمن خارج شد.

نیروی هوایی در مرحله اولیه با اعزام دسته‌های هشت فروندی هواپیماهای (اف - ۴) برای بمباران در ارتفاع بالا و انهدام قرارگاه‌های تاکتیکی تیپ‌ها و لشکرهای دشمن و همچنین اعزام دسته‌ها دو و چهار فروندی هواپیمای (اف - ۵) در ارتفاع کم و بمباران متوالی مراکز تجمع نیرو، مجال هرگونه تفکر و برنامه ریزی را از فرماندهان رده بالای ارتش سلب کرده بود.

عراق زمانی نیروی هوایی خود را وارد صحنه منازعات کرد که با پوشش هوایی نیروی هوایی ایران که با هواپیماهای (اف - ۱۴) و (اف - ۴) حاکمیت فضای منطقه نبرد را عهده‌دار بود مواجه و متحمل ضایعات و تلفات زیادی گردید.

در اینجا جادارد از خلبانان هوانیروز هم که نقش عمده‌ای در این عملیات داشتند یاد بکنیم. در این عملیات با استفاده از هلیکوپترهای هجومی کبرا و شکار تانک‌های عراقی باعث سلب روحیه نیروهای زرهی دشمن گردیده و مقاومت را تا حد زیادی در آنان کاهش داد.



عملیات آفندی فتح المبین (طرح عملیاتی کربلا ۲) - ۱۳۶۱/۱/۲

عملیات بیت المقدس

عملیات بیت المقدس در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ حدود یک ماه بعد از عملیات فتح المبین شروع شد. این عملیات در حالی آغاز شد که قسمت وسیعی از خاک میهن عزیزمان در اشغال دشمن بعثی بود.

از جمله شهر بندری و استراتژیکی خرمشهر که از همان اوایل شروع جنگ به تصرف دشمن در آمد. منطقه عملیاتی خوزستان با عرض بیش از ۳۰۰ کیلومتر به سه بخش تقسیم می گردید:

جبهه شمالی که در غرب دزفول و شوش قرار داشت در عملیات فتح المبین آزاد گردید. جبهه میانی که شامل منطقه نبرد در سوسنگرد و بستان می شد در عملیات موفق طریق القدس آزاد شد و سومین منطقه تحت عنوان جبهه جنوبی غرب اهواز و شمال خرمشهر بود که علی رغم توجه جهت آزادسازی آن ، در اشغال عراق باقی مانده بود. طراحی عملیات بیت المقدس تحت عنوان (کربلا ۳) بلافاصله بعد از عملیات فتح المبین آغاز شد.

اهداف اساسی از عملیات بیت المقدس تداوم رزم بر علیه دشمن ، آزاد سازی خرمشهر و خارج نمودن اهواز از برد توپخانه بود. البته ملاحظات سیاسی در رابطه بی ثبات نشان دادن رژیم صدام ، وادار نمودن عراق به پذیرش شرایط ایران برای پایان جنگ، کاهش فشار مشکلات مهاجرین جنگی در داخل کشور و ایجاد زمینه برای فعالیت کشاورزی در مناطق حاصلخیز خوزستان نیز مورد توجه بوده است. این عملیات به طور مشترک توسط ارتش و سپاه طرح ریزی ، هدایت و اجرا گردید.

اهمیت استراتژیکی خرمشهر

خرمشهر از بزرگترین بنادر در منطقه خاورمیانه و آسیا بشمار میرود. تا قبل از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، خرمشهر بزرگترین بندر تجاری ایران بود. این بندر که در تقاطع رود کارون و اروند رود قرار دارد، توسط رودخانه بهمنشیر به دو بخش تقسیم شده است و فاصله اش تا خلیج فارس ۱۰۵ کیلومتر می باشد. خرمشهر با کشیده شدن راه آهن شمالی- جنوبی ایران و قرار گرفتن در منتهی الیه راه آهن به صورت اولین بندر تجاری ایران درآمد و

در جنگ جهانی دوم به صورت بزرگترین بندر حمل و نقل برای ارسال مهمات و آذوقه متفقین به شوروی، مورد استفاده قرار گرفت و پس از جنگ نیز به واسطه وجود تجهیزات بندری، این بندر کماکان برتری خود را در مقابل سایر بنادر ایران حفظ کرد.

خرمشهر از سال ۱۳۲۲ شمسی بیش از پیش توسعه یافت و برای پذیرش کشتی های اقیانوسی پیمای آماده گردید و به این ترتیب به بزرگترین بندر تجاری ایران تبدیل شد.^۱

وضعیت دشمن قبل از عملیات

قبل از آغاز عملیات بیت المقدس منطقه عملیاتی اهواز - خرمشهر بشکل مثلثی بود که ضلع شرقی آن بطول یکصد کیلومتر در امتداد رودخانه کارون از خرمشهر تا آبادی ملیحان واقع در بیست کیلومتری جنوب غربی اهواز و ضلع شمالی آن حدود شصت کیلومتر از ملیحان در امتداد کرانه جنوبی کرخه کور - هویزه - رودخانه نیسان تا هورالعظیم و وتر این مثلث را نیز خط مرز دو کشور بطول یکصد و پنجاه کیلومتر تشکیل می داد. طرح پدافندی دشمن به شرح زیر بود :

پدافند در بخش یکم (ضلع شمالی مثلث) شامل شرق هورالعظیم - ساحل رودخانه های نیسان و کرخه با ایجاد استحکامات فشرده، بهره برداری از موانع هورالعظیم و مناطق آب گرفتگی و تهیه قدرت آتش زیاد و تهیه احتیاط برای انهدام رخنه های احتمالی با استقرار حداقل دو لشکر تقویت شده ۵ مکانیزه - ۶ زرهی

تدبیر پدافندی در بخش دوم شامل منطقه خرمشهر : پدافند از منطقه خرمشهر با ایجاد استحکامات بسیار سنگین در شرق و جنوب خرمشهر، احداث خاکریزهای شرقی - غربی متوالی و موازی در شمال خرمشهر برای جلوگیری از هرگونه تلاش آفندی شمالی - جنوبی بطرف خرمشهر، ایجاد سلسله مواضع ضد هوابرد و میادین مین برای جلوگیری از هرگونه عملیات فرود چتر باز، هوابرد و متحرک هوایی عمدتاً در غرب خرمشهر، ایجاد استحکامات بسیار زیاد در داخل خرمشهر برای جنگ در شهر.

^۱ - دکتر احمد پوراحمد - جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس. ناشر بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس سال

تدبیر پدافندی در بخش سوم (ضلع شرقی) در امتداد ساحل کارون، خوشبختانه نیروهای عراقی ساحل رودخانه کارون در حد فاصل رودخانه تا جاده اهواز - خرمشهر را اشغال ننموده و به گسترش یگانهای تামینی و پوشش بسنده کردند. بطوریکه لشکر سوم زرهی عراق با استقرار در سه محل مجزا در غرب جاده اهواز - خرمشهر عهده دار این وظیفه بود. با توجه به نکات بیان شده تلاش اصلی پدافند نیروهای عراق (در جناح شمالی) متمرکز بود. تلاش اصلی نیروهای خودی (در ضلع شرقی) یعنی منطقه‌ای که عراق نیروهای کمتری برای دفاع بکار گرفته بود.

به تصور دشمن، عبور از رودخانه کارون که نیاز به وسایل مهندسی پیشرفته داشت به سادگی ممکن نبود. دشمن گمان می‌کرد که به محض عبور رزمندگان از کارون خواهد توانست با احتیاط‌های متحرک خود که در غرب جاده آسفالت‌ه اهواز - خرمشهر مستقر کرده بود، بلافاصله واحدهایی که از آب گذشته اند منهدم کند. تلاش پشتیبانی در بخش شمالی و به منظور درگیر نگهداشتن متجاوز و سلب امکانات او در تقویت جناح شرقی و همچنین فریب او، متمرکز گردید. بطور کلی در منطقه مثلثی شکل که تدابیر پدافندی دشمن در آن تشریح شد، انهدام نیروهای متجاوز عراقی و ترمیم مرز بین المللی، هدف استراتژیکی در نبرد بیت المقدس را تشکیل می‌داد.

آغاز عملیات

۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ پایان عملیات ۵ خرداد ماه ۱۳۶۱ مدت ۲۶ روز

یگانهای خودی (نیروهای ارتش و سپاه پاسداران) و دشمن

قرارگاه قدس

لشکر ۱۶ زرهی

تیپ ۵۸ ذوالفقار

لشکر ۱ سپاه پاسداران

قرارگاه فتح

لشکر ۹۲ زرهی

تیپ ۵۵ هوارد

تیپ ۳۷ زرهی

لشکر ۳ سپاه پاسداران

قرارگاه نصر

لشکر ۲۱ پیاده

لشکر ۲۳ نوهد

لشکر ۵ سپاه پاسداران

در کنترل عملیاتی قرارگاه کربلا

تیپ ۳ لشکر ۷۷

تیپ ۳۰ زرهی سپاه پاسداران

یگانهای دشمن

لشکر ۱۱ و ۱۵ پیاده

لشکر ۵ مکانیزه

لشکرهای ۳، ۶، ۹ و ۱۰ زرهی

تیپ گارد جمهوری

تیپ ۱۰ زرهی

تیپهای ماموریت ویژه

بیش از ۱۰ تیپ پیاده

این عملیات در چهار مرحله با قرارگاههای قدس، فتح و نصر می‌بایست انجام گیرد.

هوانیروز: تیزپروازان هوانیروز با انجام ۳۱۵۲ ساعت پرواز، تخلیه چندین هزار مجروح، جابه‌جایی ۷۰۰۰ نیرو، پشتیبانی آتش از یگان‌های مانوری، حمل‌آمداد و انجام پروازهای شناسایی در عملیات بیت‌المقدس شرکت نمودند.

نیروی هوایی: خلبانان شجاع و پرسنل فنی و ستادی نیروی هوایی اجا با ۸۹۰ سورتی پوشش هوایی، ۸۷ سورتی پشتیبانی نزدیک هوایی، ۲۲ سورتی عکاسی، ۸۴۸ سورتی ترابری هوایی، حمل‌صدها نفر مجروح و با مصرف ۴۸۰۰۰ پوند مهمات در پیروزی رزمندگان اسلام نقش ارزنده‌ای ایفاء نمودند.^۱

مرحله یکم عملیات

ساعت ۰۰:۳۰ دقیقه بامداد صبح جمعه ۶۱/۲/۱۰ عملیات شروع شد. همزمان با تک‌قرارگاه قدس در شمال و تامین خاکریزهای مقدم دشمن، به منظور ایجاد سرپل مناسب برای ادامه عملیات با قرارگاه فتح و نصر در مرکز و جنوب منطقه عملیات از رود کارون و استقرار در جاده اهواز - خرمشهر بیش از هشتصد کیلومتر مربع را پاکسازی نموده. عراقی‌ها قصد داشتند پس از عبور نیروهای ایرانی از کارون آنها را در مقابل موضع سد‌کننده کنار جاده تثبیت نموده و سپس با اقدام به پا‌تک، نیروهای ایرانی را منهدم نمایند. ولی در عمل با چهار مشکل عمده مواجه شدند. «عدم استقرار پست دیده‌بانی و نداشتن کنترل روی رودخانه - غفلت نیروهای تامینی عراق در شرق جاده اهواز - خرمشهر و غافلگیری بسیار سریع آنها» سرعت عمل نیروهای ایرانی در عبور از رودخانه با استعداد و حجم زیاد و رسیدن به خط سرپل با استعداد و توان رزمی اولیه بدون تلفات و ضایعات.

نیروی هوایی در پشتیبانی از عملیات قرارگاه قدس فعالیت بسیاری نشان داد که در طول ۲۶ روز مداومت عملیات بیت‌المقدس بی‌سابقه بود.

آمار اسرای عراق که روز اول به ۳۰۹۶ نفر رسیده بود در دومین روز به ۴۶۶۳ نفر افزایش یافت و یگانهای متجاوز در غرب کارون به نام نیروهای العمود خوانده می‌شدند در

^۱ - سرتیپ ۲ مسعود بختیاری، نصرت‌اله معین وزیری؛ ارتش ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس، ج ۴، ص ۷۲

شب اول عملیات ، اکثراً به طور کامل منهدم و همچنین لشکر ۳ زرهی عراق در نتیجه پاتک‌های خود، خسارت و ضایعات سنگینی را متحمل شد.

در این مرحله نیروهای ایرانی رود کارون را پشت سر گذاشته و به جاده اهواز - خرمشهر مسلط شدند و پس از در هم کوبیدن نیروهای عراقی راه خود را به سوی غرب و حرکت به سوی مرز تغییر دادند. آنها با این اقدام ضمن بدام انداختن بخش قابل توجهی از نیروهای عراق امکان رساندن نیروهای جدید به منطقه نبرد از سوی دشمن را از بین بردند و عملاً بخشی از خاک ایران به میزان ۸۰۰ کیلومتر مربع را آزاد کردند.

مرحله دوم عملیات

در مرحله دوم نبرد ساعت یک بامداد ۱۷ اردیبهشت، بخش بزرگی از نیروها از سمت جنوب غربی اهواز به سمت خرمشهر حرکت کردند و ۳ لشکر عراق را به محاصره در آوردند، اما عراقی‌ها در این منطقه دارای نیروی قابل توجهی بودند و اقدام به پاتک‌های سنگینی کردند. این حملات تا ۵ روز مانع از پیشروی نیروهای خودی شد و اما حملات نیروی عمل‌کننده در جناح میانی (هویزه - جفیر ، پادگان حمید و کرخه) سبب شد تا عراق وحشت زده متوجه شود حمله ایران فقط در یک جبهه چند کیلومتری نیست و بسیار وسیع و دامنه دار است. در مقابل انبوه نیروهای ایرانی که از کرخه می‌گذشتند، شکاف برداشتن جبهه جنگی آنها در شمال سبب عقب ماندن بخشی از نیروهای عراق شده بود. با سقوط جفیر ناگهان دهها هزار سرباز ایرانی با چرخش به سوی جنوب در جاده استرژیک اهواز - خرمشهر حرکت به سوی باقیمانده نیروهای عراقی را آغاز کردند. تا ساعت ۱۰ صبح ۱۸ اردیبهشت ماه نیروهای شمالی و جنوبی ایران به یکدیگر پیوستند.

عراق در این زمان تمام تمرکز را بروی خط دفاعی شلمچه - خرمشهر قرار داد، تا مانع سقوط خرمشهر شود. لذا نیروی هوایی عراق بدون توجه به حجم گسترده واحدهای پدافندی و نیروی هوایی ایران به بمباران مواضع ایران می پرداخت. این مسأله سبب شد تا طی دو هفته نبرد ۵۳ فروند هواپیمای عراقی نیز نابود شود.

مرحله سوم عملیات

اول خرداد پس از یک توقف ۱۰ روزه بیش از ۱۰۰ هزار نیروی ایرانی حمله را از سر گرفته و پس از محاصره خرمشهر جاده تدارکاتی شلمچه - خرمشهر را قطع کردند ، نیروهای تیپ ۳۳ تیپ ۴۴-۱۱۳ ، ۲۸۳-۱۰ گارد و ۴۲۰ که جزو نیروهای فدایی صدام بودند در خرمشهر به دام افتادند . استعداد دشمن در خرمشهر ۳۰ هزار نفر تخمین زده می شد که بخشی از آنها کشته شده و بخشی دیگر در حدود دوازده هزار نفر اسیر شدند. از صحنه هایی که بعد از آزاد شدن خرمشهر بسیار مشاهده می شد تعداد زیادی اجساد و سربازان و افسران عراقی بود که در اروند رود غرق شده بودند و این نشان می داد که آنان برای رهایی از جهنمی که صدام برایشان ساخته بود ، خود را به آب انداختند و غرق شدند.

سوم خرداد خرمشهر آزاد و عملیات ۲۴ روزه بیت المقدس تمام شد. تقریباً از ارتش عراق که ۲۰ ماه قبل به ایران حمله کرده بود چیزی باقی نمانده بود.

اما بدترین قسمت این عملیات برای عراق از دست دادن ۵۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران و فرو ریختن کامل استحکامات جنوبی عراق بود.عراق با از دست دادن خرمشهر دیگر چیز قابل توجهی در دست نداشت تا با آن بخواهد بر سر میز مذاکره با ایران به چانه زنی بپردازد.

رسانه های غربی نیز در تحلیل های خود مجبور شدند برتری بی چون و چرای ایران را تایید کنند و کار صدام را در حمله به ایران (تمام شده) بدانند. ستون فقرات ارتش صدام شکسته شده بود. صدام بعدها به نیروهایی که از خرمشهر به سلامت در رفته بودند، گفته بود « باید شما می مردید، شما از زن کمتری، کار شما را هرگز فراموش نمی کنم و روزی خودم تک تک شما را خواهم کشت.»

با توجه به مراحل عملیات ذکر شد در مرحله اول و دوم عملیات که نیروهای خودی بطرف مرز پیشروی می کردند. دشمن با احساس خطر از قطع خطوط ارتباطی در عقبه لشکرهای تقویت شده ۵ مکانیزه و ۶ زرهی خود در منطقه جنوبی اهواز و کرخه کور، با مهارت و شایستگی بطرف کوشک عقب نشینی و از این نیروها برای تقویت پدافند در شرق بصره استفاده می کند. از طرفی اجرای مراحل سوم و چهارم عملیات بیت المقدس سبب طولانی شدن جناح جنوبی نیروها از منطقه مارد در کناره کارون تا حوالی بصره می شد که با توجه به تمرکز نیروهای سنگین عراقی در خرمشهر از نظر تامین جناح بسیار خطرناک بود و احتمال تک دشمن در امتداد

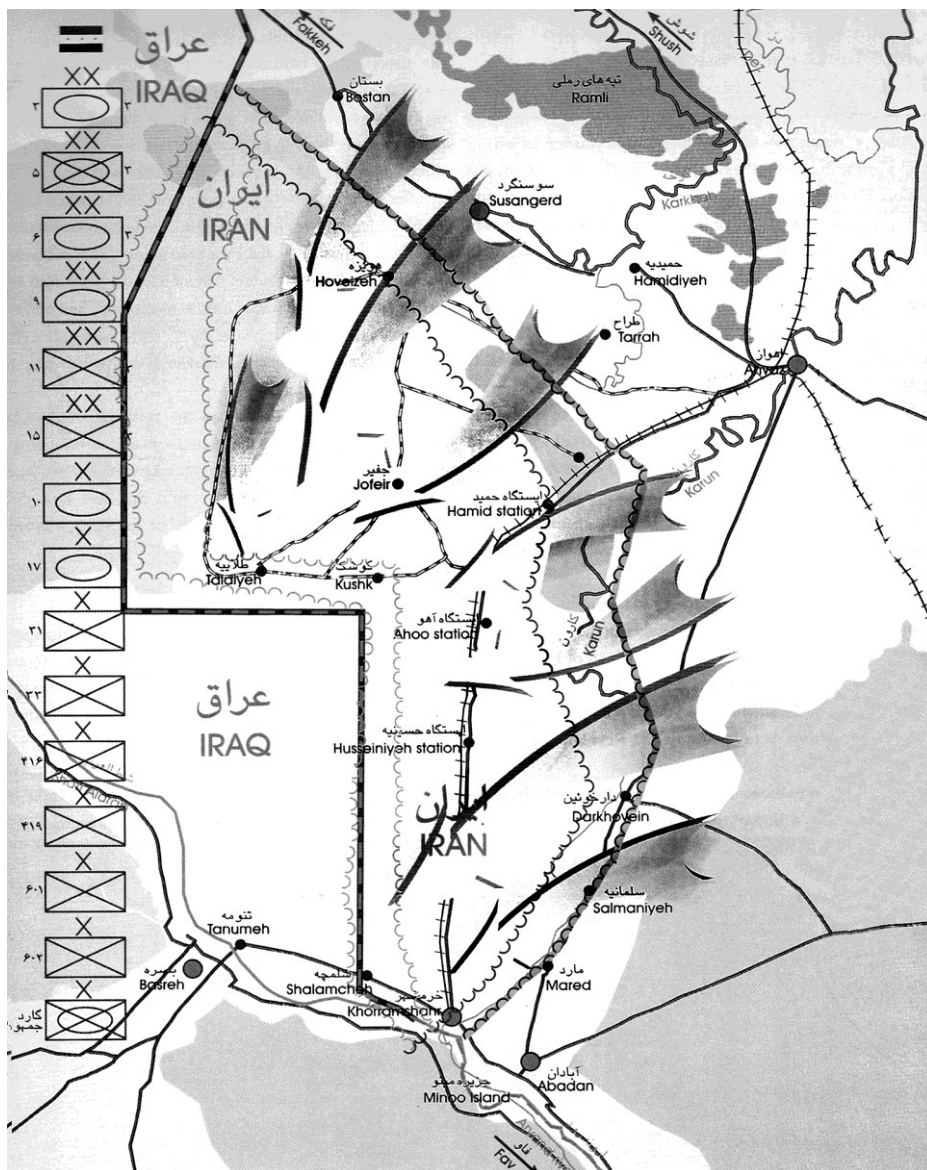
خرمشهر - مارد، بمنظور قطع ارتباط عقبه یگانهای خودی وجود داشت، لذا قرارگاه کربلا تصمیم می‌گیرد اجرای مراحل بعدی طرح را پس از تصرف خرمشهر به عملیات رمضان موکول نماید.

نتیجه

آزاد سازی حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغالی، ترمیم خط مرزی از شلمچه تا شمال طلاییه، خرمشهر پس از ۲۰ ماه اشغال و اسارت آزاد گردید، پادگان حمید و جاده اهواز - خرمشهر آزاد گردید.

انهدام کامل ۲ لشکر عراق و آسیب رساندن به ۶ لشکر دشمن به میزان ۲۰ تا ۶۰ درصد تلفات پرسنلی دشمن: کشته و زخمی بیش از ۱۶۰۰۰ نفر، اسیر ۱۷۴۹۹ نفر ضایعات دشمن: انهدام ۵۵۰ تانک و نفربر، هزاران خودرو، عراده توپ مقادیر زیادی جنگ افزار و مهمات، سرنگونی ۵۳ فروند هواپیما و ۳ فروند هلی کوپتر

صدام حسین در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۳۱ اعلام آتش بس یکجانبه کرده و فرمان عقب نشینی نیروهای عراق را در جبهه های غرب صادر مینماید، تا در صورت عدم اقدام مشابه از سوی ایران، ج.ا.ا را مایل به تداوم جنگ و نتیجتاً جنگ طلب در نزد افکار عمومی مردم منطقه و جهان معرفی و نهایتاً کمکهای هرچه بیشتر مالی و نظامی رژیم‌های عرب و قدرت‌های غربی را به سوی عراق جلب نماید.



عملیات آفندی بیت المقدس (طرح عملیاتی کربلا ۳) - ۱۳۶۱/۲/۱۰

عملیات رمضان، کربلا ۴

۱- وضعیت: هدف مرحله سوم عملیات بیت المقدس، عبور نیروهای خودی از مرز، پیشروی در خاک عراق و وصول به کرانه اروند رود در شرق بصره و هدف مرحله چهارم را اجرا پدافند در ساحل شرقی اروند تشکیل می داد. ایران تقریباً حمله به عراق را بلافاصله پس از فتح خرمشهر انجام داد. نیروهای عراق از ۷ ماه قبل در شرق بصره عظیم ترین خطوط دفاعی را بر پا کرده بودند. ایران برای دستیابی به بصره از دو محور پاسگاه زید و محور شلمچه با نیروهایی به استعداد ۱۷۴ گردان (لشکرهای ۱۶-۲۱-۷۷-۹۲ از ارتش و یک ۳-۵-۷ از سپاه و ۳ تیپ مستقل سپاه و ارتش) در سحرگاه روز ۲۲ تیر ۱۳۶۱ از ۴ محور با سرعت اقدام به گذر از مواضع عراق کرده و وارد خاک عراق شدند و در روز اول به نزدیکی بصره رسیدند، اما این پیشروی در تمام بخشها به یک اندازه نبود. در محور شمال با موانع دشمن زمین گیر شده و نیروهای عمل کننده از شمال پاسگاه زید نیز به رغم پیشروی اولیه در نبرد سنگینی با دشمن متوقف شدند.

در محور جنوب سپاه و ارتش بهترین پیشروی را داشتند. آنها با گذر از موانع اولیه و درگیری با لشکر ۹ زرهی عراق آن را از سر راه برداشته، با تصرف قرارگاه لشکر عملاً به ۳۰ کیلومتری خاک عراق نفوذ کردند، آنها حتی چراغهای بصره را نیز می دیدند. اما این پیروزیها چندان طولانی نبود و با حملات لشکرهای زرهی عراق که مشاهده کردند، جناح شمالی نیروهای ایرانی خالی است. در هجومی گسترده نیروهای ایرانی را تحت فشار گذاشتند.

سرانجام در اول مرداد ۱۳۶۱ واحدهای ارتش و سپاه ناگزیر به عقب بازگشتند و عملیات رمضان ۷ مرداد پس از ۱۶ روز نبرد بی امان خاتمه یافت.

۲- نتیجه عملیات

الف - حدود ۲۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و ۸۰ کیلومتر از خاک عراق آزاد شد. تیپ های ۹۶-۱۲ و ۴۲ زرهی و تیپ ۸ مکانیزه و تیپ ۵۵ مختلط منهدم شد
ب - تلفات پرسنلی دشمن کشته و زخمی ۱۰۰۰۰ نفر و اسیر ۴۱۷ نفر

ج - ضایعات دشمن - انهدام ۶۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، سرنگونی ۱۴ فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر

د - غنائیم: تعداد ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر و تعداد زیادی جنگ افزار و مهمات.

عملیات رمضان اگرچه برای ایران پیروزی (از نظر تصرف اهداف تعیین شده) نداشت، اما فشار بسیار سختی بر ماشین جنگی عراق وارد ساخت و کاملاً آنها را از حمله مجدد به محورهای جنوب منصرف کرد.

پشتیبانی و کمک به منظور تجهیز ارتش عراق

شکست های پی در پی عراق سبب شد تا صدام در پی رفع نواقص موجود سریعاً اقدام نماید اهم آن آموزش و دریافت تجهیزات جدید بود. که قادر باشد در مقابل نیروهای ایرانی مقابله نماید.

چون صدام اکثر تجهیزات خود را از شوروی دریافت می کرد لذا ۱۸ هزار افسر و درجه دار روسی جهت آموزشهای لازم در عراق بودند. مصری ها نیز بی سروصدا دهها هواپیمای میگ خود را در اختیار عراق گذاشتند تا به این طریق تعادل این نیرو را در برابر هواپیماهای ایرانی حفظ کنند.

خلبانان مصری حتی برای انتقال تجارب خود از نبردهای هوایی با اسرائیل به بغداد آمدند. لذا کمکهای آموزش روس ها و مصری ها در سال ۱۳۶۱ باعث بالا رفتن مهارت خلبانان عراقی گردید. روس ها هم برای اولین بار میگهای ۲۵ و مدلهای جدیدتر میگ ۲۳ را در اختیار صدام قرار دادند.

در بخش زرهی روس ها با ارسال صدها تانگ جدید واحدهای زرهی متلاشی عراق را بازسازی کردند.

فرانسوی ها با ارسال ۶۰ فروند هواپیمای میراژ با موشک های جدید سوپراتاندارد که برای کشتی های نفتکش در نظر گرفته شده بود. نیروی هوایی را از حالت تدافعی به تهاجمی جهت مشکلات برای صدور نفت به خارج را فراهم نمودند.

اما طرف مقابل متجاوز، یعنی جمهوری اسلامی ایران با کوهی از مشکلات مواجه بود. باید اذعان نمود که تجهیزات یدکی و سلاحهای (اف - ۱۴) مرتب در حال کاهش بود

بخصوص موشکهای فونیکس در محدودیت شدید بود و متاسفانه تجهیزات یدکی و سلاحهای (اف - ۱۴) قبلاً خریداری شده ولی در بنادر آمریکا از حمل آنها جلوگیری شده بود. ارسال دهها میلیارد دلار پول نقد و خط اعتباری برای صدام، در کنار اعزام نیروهای سودانی به دستور جعفر نمیری رئیس جمهوری وقت سودان، اعزام تیپ پیاده العروبه، از یمن و تیپ الیرموک از سوی شاه حسین اردنی، در کنار اعزام هزاران سرباز تونس، مراکش و مصری نشان می داد که حيله صدام برای ایرانی - عربی جلوه دادن جنگ ایران و عراق موفق بوده است.^۱

همچنین از این زمان به بعد، مشاهده می شود که غرب به ویژه کشور آلمان کمکهای شیمیائی خود را به عراق آغاز می کند و عراق به آرامی مبدل به نیروی ویژه جنگهای شیمیائی می شود.

بالاترین کمکهای نقدی شامل کمک مالی کشورهای ثروتمند خلیج فارس بود. کمکهای شش کشور ساحل جنوبی خلیج فارس تا پایان جنگ ۶۶ میلیارد برآورد شده و صدام پس از جنگ از پرداخت این کمکها سرباز زد.

عملیات آفندی رمضان (طرح عملیاتی کربلا ۴) - ۱۳۶۱/۴/۲۲

بخش چهارم - عملیات آفندی جهت تخلیه مناطق اشغالی باقیمانده

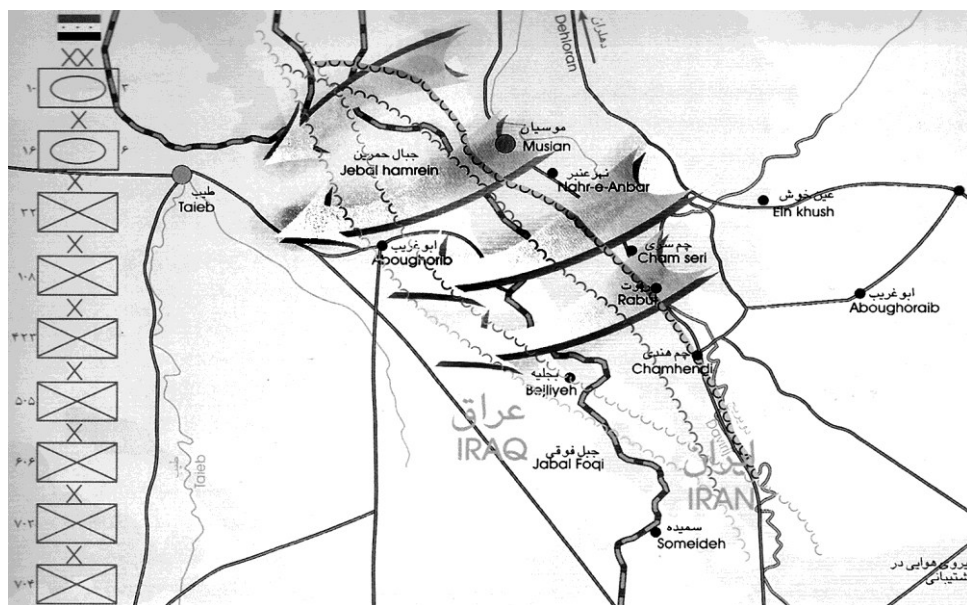
عملیات مسلم بن عقیل

در عملیات مسلم بن عقیل در ۹ مهر ۱۳۶۱ ارتش و سپاه در عملیاتی هماهنگ در منطقه کوهستانی غرب و شمال غربی سومار با عقب زدن دشمن و تصرف ارتفاعات کلیدی در منطقه غرب ۱۵۰ کیلومتر از خاک ایران را که در اشغال عراق بود آزاد کردند. در این عملیات لشکر ۸۱ زرهی همراه با تیپ ۵۵ هوایرد - با تیپ‌های محمدرسول الله (ص)، عاشورا، امام رضا (ع) و جوادالائمه (ع) از سپاه پاسداران شرکت داشتند.

عملیات محرم

یک ماه بعد در دهم آبان نیز در شمال خوزستان و غرب اندیمشک و دزفول عملیات بزرگی تحت عملیات محرم آغاز شد که طی آن پس از ۱۰ روز نبرد ارتش و سپاه با پشتیبانی نیروی هوایی و هوانیروز ضمن آزاد سازی بیش از ۳۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی، ۲۵۰ کیلومترمربع از خاک عراق، آزادسازی بیش از ۱۰ پاسگاه مرزی و حوضچه های نفتی شرفانی و زبیدات، عراق و همچنین به تصرف درآمدن ارتفاعات حمیرین و قله های ۲۹۰، ۲۹۸، ۴۰۰ از فتوحات این عملیات بود.

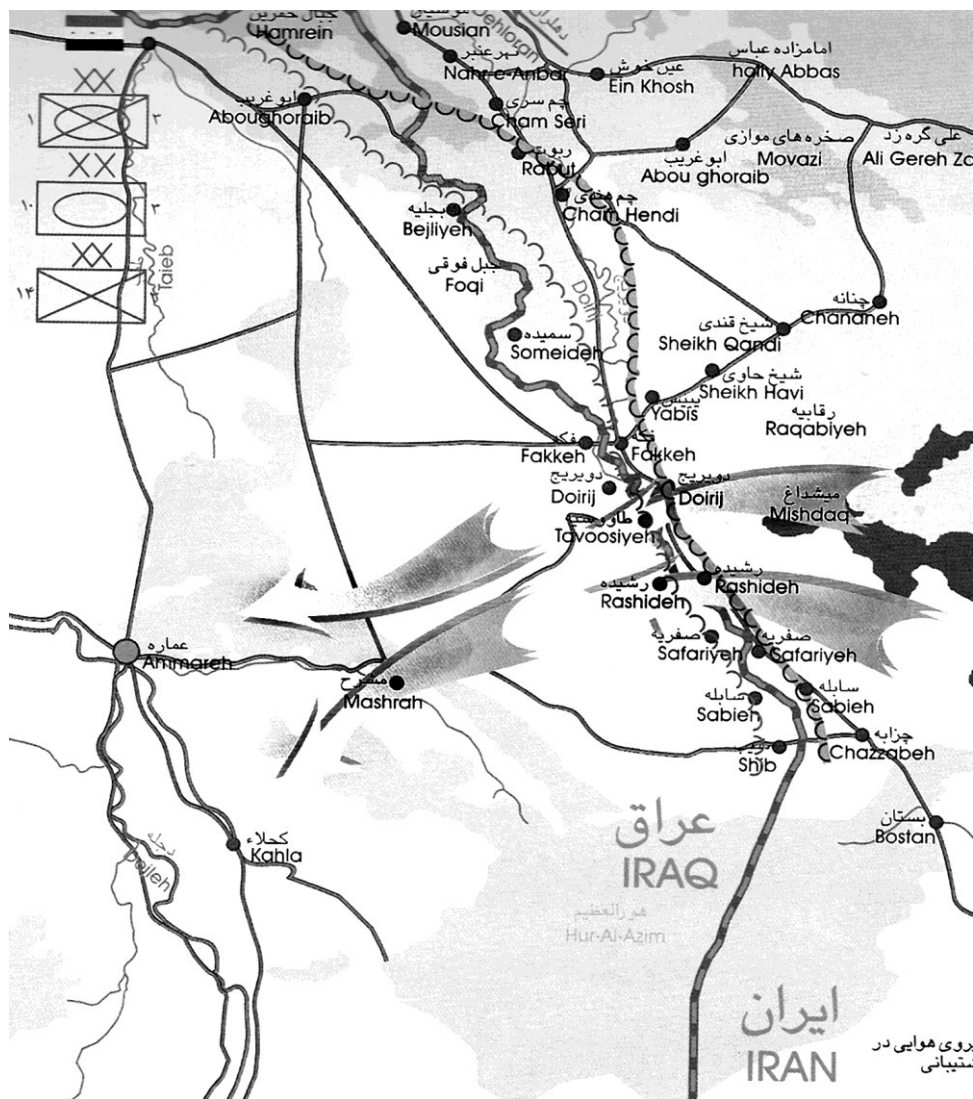
تلفات دشمن - کشته و زخمی شدن بیش از ۵۰۰۰ نفر، اسیر ۳۴۰ نفر پیروزی عملیات سبب شد تا سه ماه بعد نیروهای ارتش حمله بزرگی را در همین محور سامان دهند.



عملیات آفندی محرم (طرح عملیاتی کربلا ۵) - ۱۳۶۱/۸/۱۰

عملیات والفجر مقدماتی

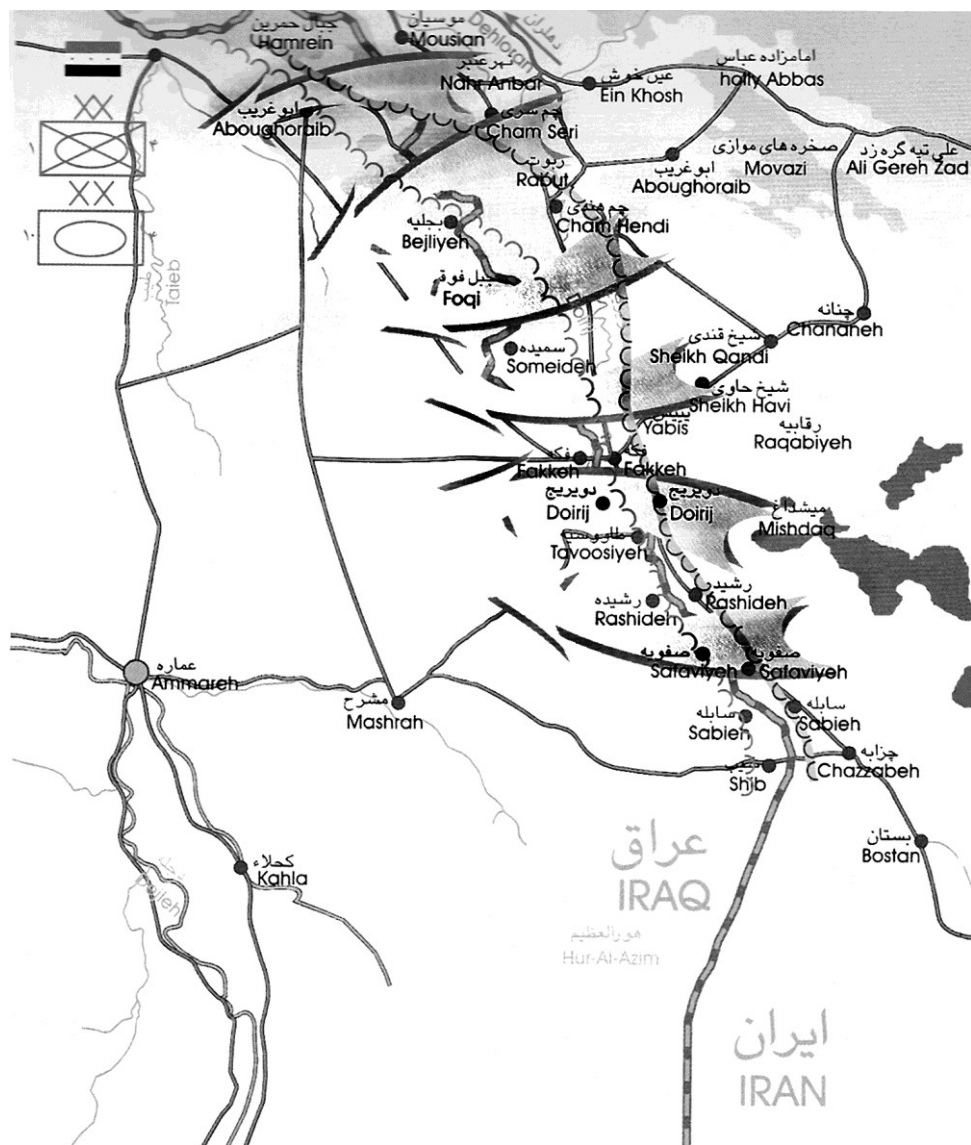
در ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ آغاز گردید در این عملیات نیروهای سپاه و ارتش پس از درهم شکستن خطوط اولیه دشمن خود را با موانع متعدد طبیعی و ایجاد شده در یک سال اخیر مواجه دیدند. سیمهای خاردار، میدانهای مین، کانالهای پرآب و زمین غیره استفاده برای واحدهای زرهی سبب شد تا در حساس ترین لحظات حمله در حالی که واحدهای عمل کننده زیر آتش دشمن بودند سرعتشان کم شود. آنها حتی به منطقه رشیدیه نیز در خاک عراق رسیدند اما شدت آتش دشمن در کنار بهره گیری گسترده از واحدهای زرهی و مکانیزه سبب شد تا نیروهای ایران به رغم چهار روز مقاومت مجبور به عقب نشینی به مواضع اولیه شوند.



عملیات آفندی والفجر مقدماتی - ۱۳۶۱/۱۱/۱۷

عملیات والفجرا

نیروهای ایرانی از ۶ محور از موسیان در شمال تا صفویه در جنوب حمله را آغاز کردند و با توجه به گسترش آتش خودی توانستند با کمترین تلفات خود را به عمق خاک دشمن برسانند، ولی عراقی ها از روز پنجم به بعد با تمرکز شدید نیرو در این محور با اجرای پاتکها اقدام به فرسوده کردن نیروهای ایران کردند. در نتیجه عدم موفقیت یگانها در الحاق به یکدیگر ، آنها پس از چند روز نبرد به مواضع قبلی بازگشتند.



عملیات آفندی والفجر ۱- ۱۳۶۱/۱/۲۱

عملیات والفجر ۲

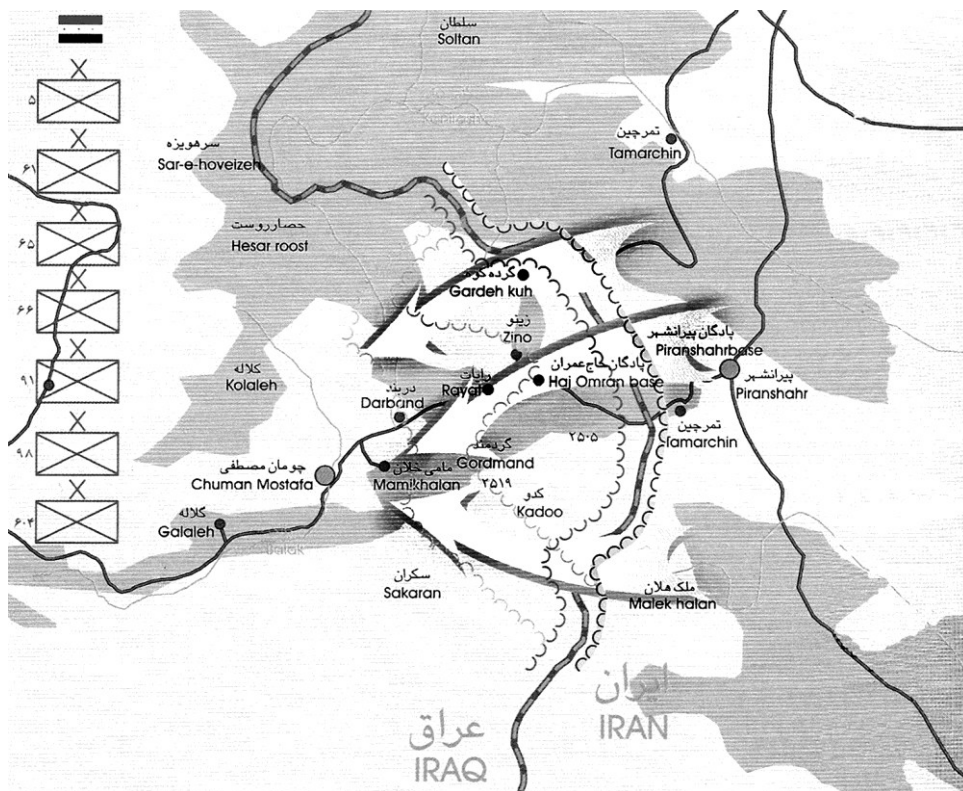
در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۲ آغاز و پایان عملیات پس از ۲۴ روز، منطقه عملیات، منطقه عمومی حاج عمران - محور پیرانشهر - رواندوز در راستای استراتژی جدید مبنی بر تصرف و آزادسازی قسمتهایی از خاک عراق به منظور قبولاندن شرایط ایران به رژیم بعث عراق، و با توجه به اقدامات پدافندی گسترده دشمن در جبهه های جنوب لذا قرارگاههای غرب و شمالغرب نیز عملیات آفندی گسترده ای را طرح ریزی و اجرا نمودند.

تا دشمن ناگزیز به برداشت و انتقال قسمتی از نیروهای خود از جبهه های عملیاتی جنوب به سایر جبهه شده و بدین ترتیب تغییر مثبتی در توان نسبی نیروهای خودی نسبت به دشمن در جبهه های جنوب حاصل گردد.

قرارگاه شمالغرب نیروی زمینی و قرارگاه سید الشهداء (سپاه پاسداران) در منطقه عمومی حاج عمران و محور پیرانشهر - رواندوز اجرای عملیات آفندی نموده و تلفات سنگینی به نیروهای عراقی وارد نمودند و صدها تانک، نفربر، هواپیما و هلی کوپتر دشمن را از بین ببرند.

نتیجه عملیات

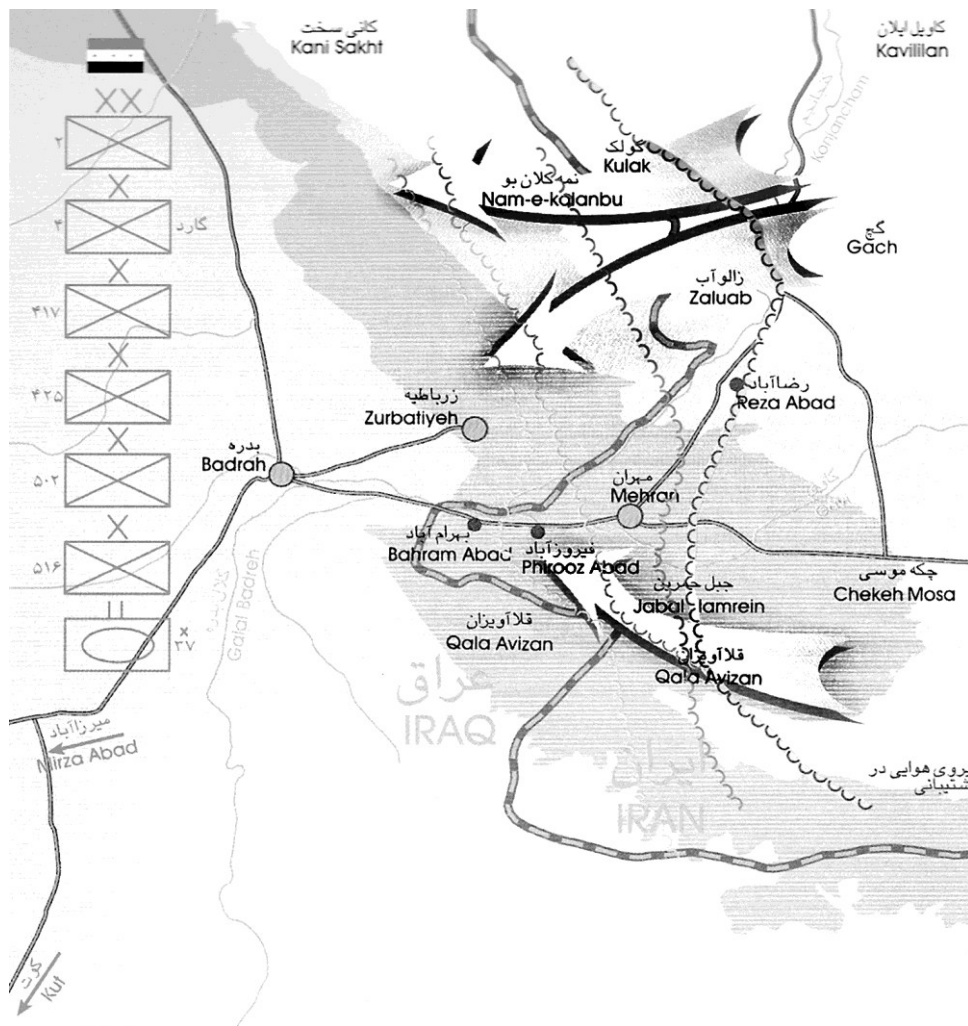
تصرف ارتفاعات ۲۵۱۹، ۲۱۲۰، ۱۹۷۰ در شمال دربند و ارتفاع ۲۰۶۲ و پادگان حاج عمران و آزادسازی بیش از ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق.



عملیات آفندی والفجر ۲ - ۱۳۶۲/۴/۲۹

عملیات عمومی مهران؛ ولفجر ۳

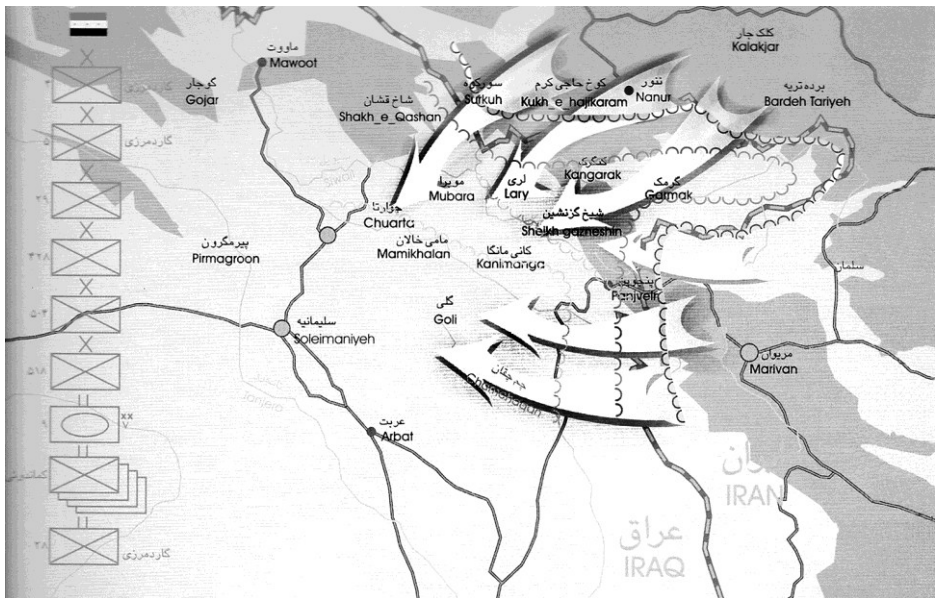
عملیات در ۷ مرداد ۱۳۶۲ در منطقه مهران به مدت ۱۷ روز آغاز گردید. در عملیات ولفجر ۳ دشمن را از سه طرف مورد حمله قرار دادند و با بهره گیری از نیروی هوایی و هوانیروز، شهر مهران - ارتفاعات نمکلان و زالوآب را تصرف نمایند - آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر از خاک میهن اسلامی و عراق - آزادسازی محور ارتباطی گنجان چم، مهران، دهلران و پاسگاههای مرزی رضا آباد، فرج آباد و پاسگاههای عراقی زالوآب و دوراجی. تلفات دشمن: کشته و زخمی شدن ۵۰۰۰ نفر و اسیر ۴۰۰ نفر و انهدام کامل ۳ گردان کماندوئی یگانهای عمل کننده توسط نیروهای ارتش و سپاه پاسداران.



عملیات آفندی والفجر ۳ - ۱۳۶۲/۵/۷

عملیات عمومی مریوان و پنجوین عملیات والفجر ۴

عملیات والفجر ۴ در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ آغاز شد و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۲ کمتر از یک هفته نیروهای ارتش و سپاه توانستند با فتح اهداف از پیش تعیین شده و آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران و ۷۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق را به تصرف درآوردند. در این نبرد کوهستانی دشمن بیش از ۵۰۰۰ کشته و زخمی، ۹۰۵ نفر اسیر داد ضایعات عراق انهدام ۶۵ دستگاه تانک و نفربر، سرنگونی ۱۲ فروند هواپیما و ۵ فروند هلی کوپتر.



عملیات آفندی والفجر ۴ - ۱۳۶۲/۷/۲۷

عملیات ویژه خیبر

اگرچه پیروزی در جبهه های شمالی و میانی برای روحیه مردم و رزمندگان مناسب بود اما کارشناسان نظامی بخوبی می دانستند راه و رود به عراق و کلید پیروزی، در جبهه های جنوبی است. جایی که لشکرهای بزرگ زرهی و پیاده بتوانند در زمینهای هموارراه خود را به سوی شرق و شمال بازکنند. منطقه عملیاتی خیبر که در شرق رودخانه دجله و داخل هورالعظیم واقع شده است، از شمال به العزیز و از جنوب به القرنه - ملایه و نیز یک محور در زید محدود می گردد.

به هرترتیب در سوم اسفند ۱۳۶۲ به یکی از عظیم ترین حملات خود تا آن تاریخ دست زدند. عراق هرگز گمان نمی کرد ایرانی ها در منطقه هور که عمدتاً پر از آب، بیشه زاروگل و لای است اقدام به حمله کنند، آن هم با نیرویی به استعداد ۱۲ لشکر، آنها در ابتدا بویژه در محورهای شمالی غافلگیر شده، عقب نشستند، سرعت عملیات به اندازه ای زیاد بود که پس از مدت کوتاهی به دجله رسیدند.

یگانهای خودی

قرارگاه کربلا

لشکر ۲۱ پیاده (منهای تیپ ۴)

لشکر ۹۲ زرهی

لشکر ۷ ولی عصر عج

لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

قرارگاه نجف

تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی

توپخانه لشکر ۹۲

گروه ۳۳ توپخانه

یگانهای دشمن

لشکر ۵ مکانیزه

لشکر ۸ پیاده کوهستانی

لشکر ۱۱ پیاده

لشکر ۳ زرهی

لشکر ۶ زرهی

لشکر ۱۰ زرهی (-)

نیروهای گارد جمهوری

نتیجه

عملیات - تصرف جزایر نفتی مجنون شمالی و جنوبی به وسعت تقریبی ۲۰۰ کیلومتر مربع.

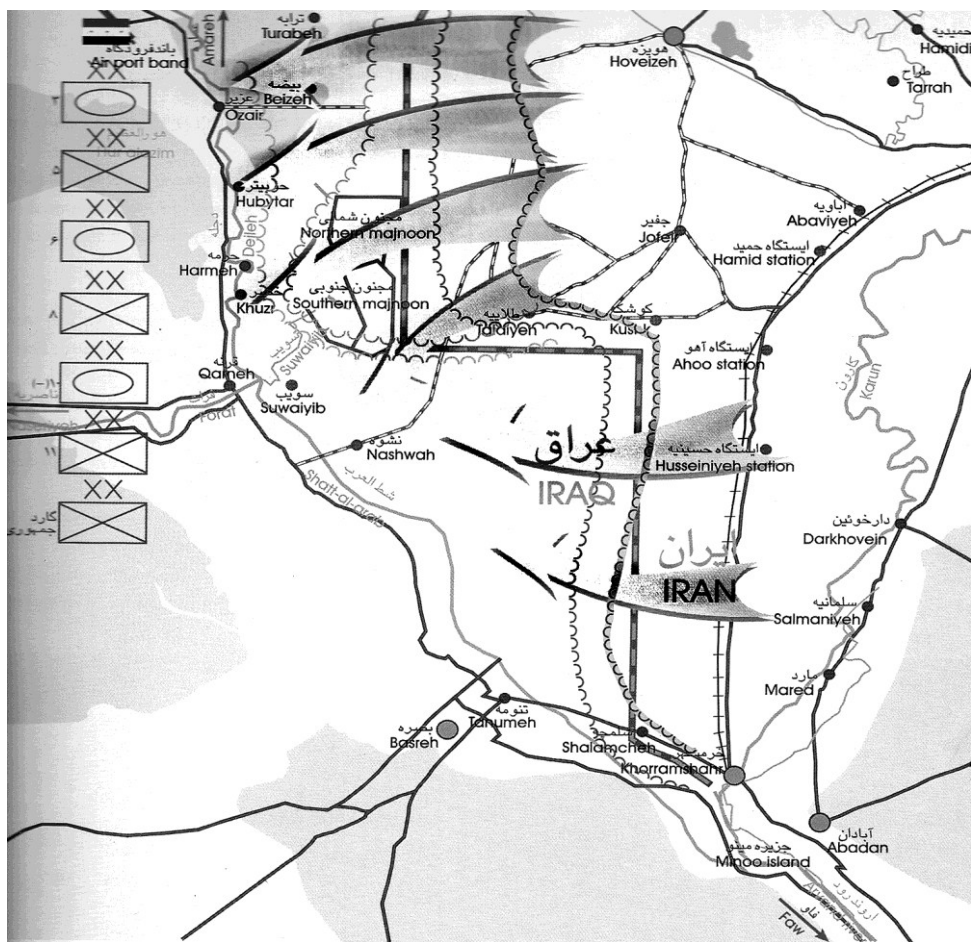
تلفات دشمن کشته و زخمی ۱۳۰۰۰ نفر، اسیر ۱۰۰ نفر

ضایعات دشمن انهدام ۱۳۷ دستگاه تانک و نفربر، سرنگونی ۷ فروند هواپیما و ۹ فروند

هلی کوپتر

غنایم بدست آمده - تانک و نفربر ۴۰ دستگاه ، ۲۰ دستگاه توپ پدافند هوایی تعداد

زیادی زاغه مهمات سالم



عملیات آفندی خیبر - ۱۳۶۲/۱۲/۳

عملیات بدر

بدنبال اجرا عملیات در جزیر مجنون شمالی و جنوبی دشمن در طرحهای پدافندی خود در این جبهه، تجدید نظر نموده و با انتقال یگانهای جدید نسبت به تقویت نیروهایش اقدام می نماید. و یک فرماندهی مستقل بنام «فرماندهی نیروهای شرق دجله» خصوصاً بمنظور دفع تهدیدات احتمالی نیروهای ایرانی در قطع محور حیاتی العماره - بصره، با انجام اقداماتی به شرح زیر پدافند مطمئنی را سازمان میدهد:

- ایجاد شبکه سیم خاردار و نصب بشکه های فوگاز و مین گذاری در دهانه نهرهای منتهی به سیل بند غربی هورالعظیم

- احداث موانع و مزغل های بتونی روی خاک ریز شرقی هورالعظیم
- احداث مواضع تانک روی خاک ریز غربی هور(بطور کلی کمر بند یکم پدافندی متکی به دوخاکریز شرقی غربی بود)

- احداث جاده های شوسه ارتباطی بین مواضع
- احداث جاده نظامی در پشت کمر بند یکم پدافندی در امتداد کرانه شرقی رودخانه دجله
- احداث مواضع فرعی و یدکی تانک در غرب سیل بند غربی و شرقی رودخانه دجله
- احداث جاده آسفالت به فاصله یک کیلومتری غرب سیل بند غربی هورالعظیم
- احداث سیل بند در غرب اتوبان عماره - بصره
- نصب دکل های دیده بانی
- احداث ۶ فرودگاه هلی کوپتر در شمال جاده خندق و یک فرودگاه جهت استفاده هواپیماهای شکاری

اقدامات یاد شده در کنار سایر فعالیتهای روزانه یگانهای دشمن مبین تدبیر ارتش عراق مبنی بر اجرای پدافند سرسختانه از منطقه در مقابل عملیات آفندی نیروهای خودی بود.

اولین نشانه های رکود در جنگ در سال ۱۳۶۳ بروز کرد، تحریمهای همه جانبه نظامی ایران ماشین جنگی ارتش را به چالش کشید، سرپا نگهداشتن تانکها، توپها، هلی کوپترها و هواپیماها نیاز به پشتیبانی لجستیکی مداوم است توقف ارسال قطعات و تجهیزات از خارج

کار را برای بکارگیری این ادوات مشکل می ساخت، همچنین در چهار سال ابتدای جنگ این نیروها اگرچه موفق به انهدام هزاران تانک و نفربر عراقی و صدها هواپیما شده بودند، اما خود نیز از انهدام بی نصیب نمانده بودند.^۱

نیروهای ایرانی این بار بیشتر با تکیه بر نیروهای آب - خاکی و بدون پشتیبانی زرهی عملیات را اجرا نمودند در ۱۹ اسفند سال ۱۳۶۳ نیروهای ارتش و سپاه خطوط اولیه دشمن را شکافته، طی دو روز خود را به شرق دجله رساندند و بار دیگر بر جاده العماره - بصره مسلط شدند. خاکریزهای عراقی ها خیلی سریع فرو ریختند و صدها تانک و نفربر و توپ عراقی از گردونه عملیات خارج گردیدند.

اما با ورود ستونهای عظیم زرهی سپاه سوم و چهارم عراق، نیروهای ارتش و سپاه دریافتند نبرد بسیار سختی دارند.

در محور شمالی نیز لشکرهای زرهی که بالغ بر ۵۰ گردان زرهی و ۲۸ گردان گارد ریاست جمهوری بودند ، با پاتک های سنگین نیروهای ایرانی را از محورهای العماره - بصره و شرق دجله به عقب راندند. آنچه که پس از یک هفته نبرد خونین باقی ماند ، بخشی از زمین های هورالهویزه و تصرف جاده خندق بود.

یگانهای خودی (نیروهای ارتش و سپاه پاسداران)

قرارگاه عملیاتی کربلای ۱ و ۲

لشکر ۲۸ پیاده

لشکر ۳۱ عاشورا

تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم

لشکر ۲۱ پیاده

لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

^۱ - علی غفوری - تاریخ جنگ ایران - انتشارات اطلاعات - تهران سال ۱۳۸۸ صفحه ۵۳۴.

قرارگاه ظفر

تیپ ۵۵ هواپرد
تیپ ۳۳ المهدی (عج)
لشکر ۹۲ زرهی
لشکر ۸ نجف
لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع)

قرارگاه عملیاتی نجف اشرف

لشکر ۷۷ پیاده
لشکر ۵ نصر
لشکر ۷ ولیعصر
لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
لشکر ۲۵ کربلا
تیپ ۲۱ امام رضا (ع)
تیپ امام حسن (ع)

یگانهای دشمن

۱۱ تیپ پیاده
۳ تیپ مکانیزه
۷ تیپ زرهی

چنانچه جنگ نظامی (عملیات زمینی - هوایی و دریایی)، جنگ سیاسی، روانی و تبلیغاتی را که همیشه همراه با دسیسه و توطئه بر علیه ما جریان داشته است در مدت ۸ سال دفاع مقدس مورد بررسی قرار دهیم مشخصات مقاطع و سرفصل های سیاسی - نظامی متعددی را به شرح زیر در آن مشاهده می کنیم:

- در آغاز تجاوز سراسری در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ بی تفاوتی ابر قدرت ها و همه کشورها و سازمانهای بین المللی

- در مواقع سد پیشروی دشمن، موضع گیری ابرقدرتها و کشورهای حامی صدام مبنی بر قبول آتش بس از سوی دو طرف

- پس از بیرون راندن متجاوز از ایران، تبلیغات جهانی مبنی بر لزوم و توقف جنگ

- ادامه فشارهای اقتصادی بین المللی در مورد ایران و همزمان کمک های اقتصادی و نظامی و اطلاعاتی به ارتش عراق

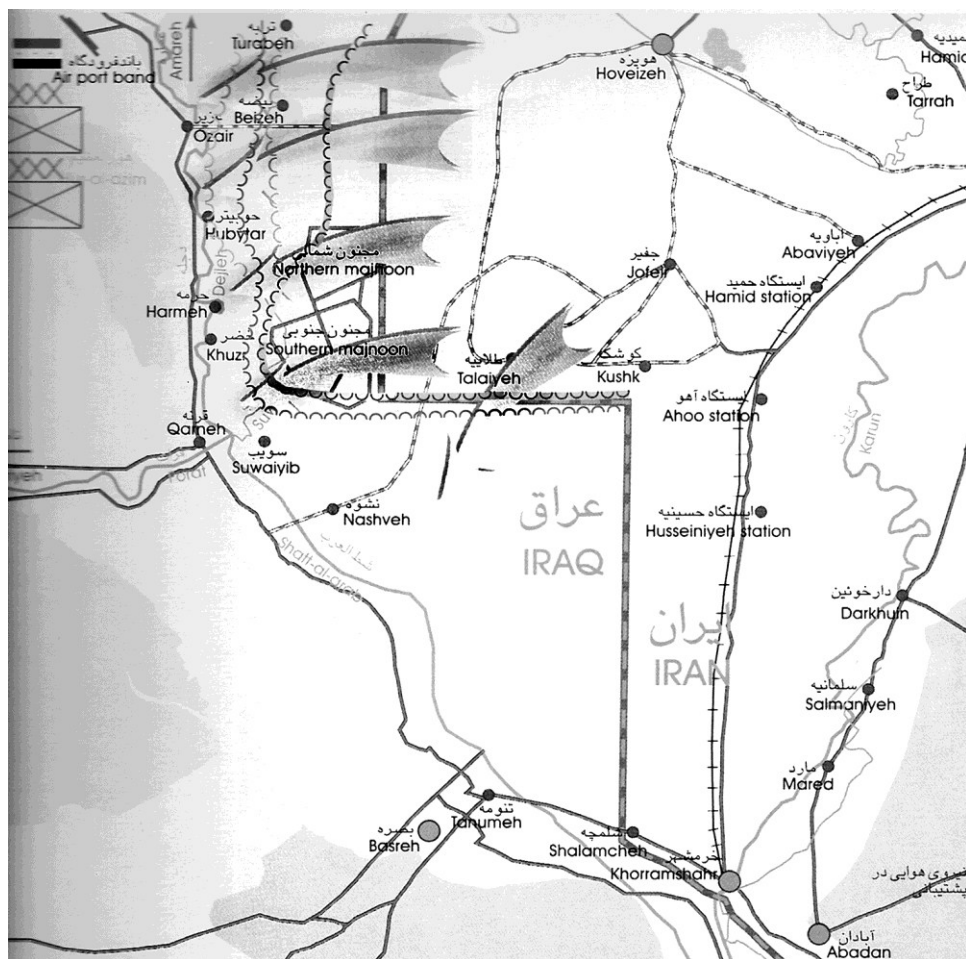
- سکوت مجامع بین المللی در مقابل بمباران هوایی و موشکی مناطق مسکونی ایران و کاربرد گسترده مهمات شیمیایی از سوی ارتش عراق

- تغییر استراتژیکی جنگ و اتخاذ تدبیر اجرای عملیات محدود از اوایل سال ۱۳۶۴ و اجرای عملیات گسترده در فواصل زمانی طولانی که متأثر از محدودیت منابع لجستیکی و تضییقات جهانی در تامین اقلام عمده تجهیزات و مهمات مورد نیاز نیروهای مسلح ما بود

- حضور نیروهای بیگانه و لشکر کشی استکبار به خلیج فارس و دریای عمان که به طور رسمی با ج-ا-ا وارد جنگ شده و با حمله به سکوهای نفتی آنها را منفجر ساخته و هواپیمای مسافبری ایران را نیز ساقط نمودند که منجر به شهادت تعداد از غیر نظامیان بیگانه گردید.

- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد

با توجه به موارد ذکر شده این خود آزمایشی بود برای ملت ما و تمام ملتهای آزاد جهان که حاکمیت مستقل و عدم تمکین از قدرتهای بزرگ راه دیگری جز مقاومت وجود ندارد. مادامیکه دشمن استکبار و کفر جهانی و حلقه بگوشی و نوکری اغلب کشورهای به ظاهر مستقل جهان ، تامین اینگونه منابع را در گرو عدول ج-ا-ا از مواضع انقلابی اعلام شده و همچنین صرفنظر از استقلال سیاسی قرار میدهد، طبیعی است که در تامین نیازمندیهای نیروهای مسلح، تلاشها به نتایج موثری نرسد.



عملیات آفندی بدر - ۱۳۶۳/۱۲/۲۰

توسعه نظامی ارتش عراق

اگرچه عراقی ها حملات ایران را در این اواخر به طور نسبی دفع کرده بودند، اما تحرکات ارتش در جبهه های غربی از یک سو و عدم توانایی عراق در بیرون راندن ایران از مواضع تصرف شده در هورالهویزه و مجنون از سوی دیگر سبب شد تا کمکهای خارجی به عراق باز هم افزایش یابد.

آمارها نشان می دهد عراق که در اول جنگ فقط ۱۲ لشکر و ۱۵ تیپ مستقل را در اختیار داشت در بهمن سال ۱۳۶۴ یعنی قبل از عملیات والفجر ۸، نیروهایش به ۴۲ لشکر و ۲۵ تیپ مستقل افزایش پیدا کرد و این به معنای ۳ برابر شدن ارتش عراق.

نیروی زمینی عراق با دریافت کمکهای خارجی دارای ۷ هزار تانک و نفربر و ۲۵۰۰ توپ گردید. این جنگ افزارها از نوع پیشرفته ترین تجهیزات روز بودند.^۱ از طرف دیگر عراق با دریافت هزار فروند هلی کوپتر، ضعف خود را در بکار گیری این نیرو که در جابجایی و ترابری افراد و همچنین هلی کوپترهای جنگی برای استفاده از موشکهای ضد تانک تا حدودی مرتفع نمود.

نیروی هوایی عراق به رغم ضربه های سنگین نیروی هوایی ایران، با اجرای قراردادهای ده میلیارد دلاری از ۶۰۰ فروند هواپیما بهره می برد.^۲

این توسعه سازمان ارتش عراق از چشم مسئولان ایرانی مخفی نماند و آنها همواره در تلاش سازمان دادن و تقویت نیروهای خود بودند، لشکرهای جدیدی چون لشکرهای ۳۰- ۵۸-۲۳-۸۴ و ۸۸ به وجود آمد و سپاه هم تیپ های خود را به لشکرهای ۴۱-۱۹-۱۳۳-۵- ۴۴-۸-۳۱-۲۵-۷-۱۷-۱۴ و ۲۷ ارتقاء دادند.

ارتش از ماه فروردین تکهای محدودی را به شرح زیر انجام داد:^۳

- عملیات ظفر ۱ لشکر ۵۸ - منطقه نصریان در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۱۵
- عملیات ظفر ۲ لشکر ۲۱ - منطقه آبادان در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۱۷
- گردان تکاور عملیات صبر ۴ لشکر ۶۴ منطقه گناو در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۱

^۱ - ۱ و ۲- روزنامه پنجم مهر ۱۳۷۸ برگرفته از آمارهای کتاب راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله

^۲ - سرتیپ ستاد سید علی اشکانفر - عباد... دفاع مقدس - چاپخانه مرکز پیش آموزش - ۱۳۷۳ ص ۱۹۴ تا ۲۱۳.

- عملیات ظفر ۵ لشکر ۱۶ منطقه چنانه در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۲
- عملیات صبر ۳ لشکر ۳۰ منطقه شیلر در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۶
- عملیات ظفر ۳ لشکر ۸۱ منطقه سرپل ذهاب در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۸
- عملیات آفندی تیپ ۲ لشکر ۷۷ در جزایر مجنون در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۳۱
- عملیات صبر ۴ لشکر ۳۰ در منطقه شیلر در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۵
- گد ۱۳۷ عملیات آفندی ستاد جنگهای نامنظم در منطقه شیلر در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۷

عملیات قادر : مرحله یکم

در عملیات بدر نیروهای ایرانی خود را به دجله رسانده و از آن عبور مینمایند ولی صدام با بکارگیری مواد شیمیایی در سطحی بسیار وسیع سبب می شود که این عملیات ناموفق گردد. بدنبال این وضعیت جدید ، سرفرماندهی ارتش درمی یابد ، صدام که حمایت بی حدومرز شرق و غرب را، در اختیار دارد و مجامع بین المللی هم در این رخداد مهم سکوت اختیار می کنند به منظور حفظ روحیه آفندی و پرهیز از تلفات سنگین ناشی از کاربرد عوامل شیمیائی ، هر یگان مستقل تا رده تیپ داخلی با اعزام گشتی های رزمی با استعداد گروهان و گردان آرامش را از نیروهای عراق سلب نمایند. مضافاً در این سالها دشمن با احساس خطر در منطقه جنوب و به دنبال عملیات موفقیت آمیز مسلم ابن عقیل و والفجر ۳ در منطقه غرب کلیه فعالیتهای خود را متوجه این دو ناحیه نمود. در این موقع با اجرای یک عملیات گسترده در شمالغرب ، میتوان نیروهای عراق را ضمن غافلگیری مضمحل نمود.

عملیات قادر در منطقه سیدکان و رواندوز عراق به منظورهای زیر اجرا می گردد:

- تصرف ارتفاعات مهم و حساس منطقه
- قطع خطوط ارتباطی و تدارکاتی ضدانقلاب داخلی
- انهدام نیروهای دشمن
- آزادسازی بخشی از خاک عراق
- نزدیک شدن به راههای اصلی و خطوط مواصلاتی دشمن

– افزایش کارآیی یگانهای خودی

– تضعیف روحیه دشمن

عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۲۳ تیرماه ۱۳۶۴ آغاز گردید و پس از ۱۵ روز در ۸ مردادماه خاتمه یافت.

یگانهای خودی

حمزه ۱

لشکر ۲۳ نیروهای مخصوص

تیپ ۲ لشکر ۲۸

نیروهای کمبا ۱۱ (کردهای بارزانی) به استعداد هزار نفر

حمزه ۲

تیپ ویژه شهدا

گردان تکاور لشکر ۶۴

تیم نیروی مخصوص

عناصری از کمبا ۱۱ (۱۵۰ نفر)

حمزه ۳

تیپ ۱ لشکر ۷۷

گردان ثارالله

حمزه ۴

یگانهای از سپاه پاسداران

حمزه ۵

لشکر ۲۸ (-)

یک گردان از تیپ امام رضا(ع)

حمزه ۶

لشکر ۸ نجف

تیپ ضربت ۵۵ هوابرد

یگانهای لشکر ۲۳ ارتش عراق

نتیجه عملیات

دست یابی به پایگاههای منطقه جهت ادامه مراحل بعدی عملیات و تضعیف روحیه تصرف ارتفاعات مهم باشکین، سه سپندار، برزین روست و حصار روست افزایش کارآیی رزمی یگانها و بالا رفتن روحیه آنان آزادسازی بخشی از خاک عراق در منطقه شمالغرب

تلفات دشمن کشته ۲۵۰ نفر مجروح ۱۰۰۰ نفر - اسیر ۵ نفر
ضایعات انهدام تعدادی پایگاههای دشمن در منطقه ، ساقط نمودن ۳ فروند هواپیما، انهدام تعداد تانک و توپ و ۷ انبار مهمات.

عملیات قادر - مرحله دوم

وضعیت: قسمتی از هدفهای پیش بینی شده در مرحله یکم عملیات قادر تامین نگردیده، لذا پس از آمادگی نیروها و تکمیل شناسائیهای مرحله دوم عملیات قادر طرح ریزی و اجرا می گردد
آغاز عملیات ۱۸ شهریورماه ۱۳۶۴ پایان عملیات : ۲۱ شهریور ماه ۱۳۶۴ مدت عملیات: ۴ روز
منطقه عملیات : منطقه عمومی سیدکان و برده بوک

یگانهای خودی

حمزه - ۱

لشکر ۲۳ نیروهای مخصوص

گردان مظاہر از لشکرهاى عاشورا (ع)

گردان امام حسین از لشکرهاى علی ابن ابیطالب (ع)

حمزه ۲ - تیپ ویژه شهدا

حمزه ۳

تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیاده

گردان ثارالله

حمزه-۴ تیپ ۵۵ هوابرد

حمزه - ۵

(۱) لشکر ۲۸ پیاده(-)

(۲) یک گردان از تیپ امام رضا (ع)

حمزه-۶-لشکر ۸ نجف

یگانهای دشمن: یگانهای لشکر ۳۳ ارتش عراق

نتیجه

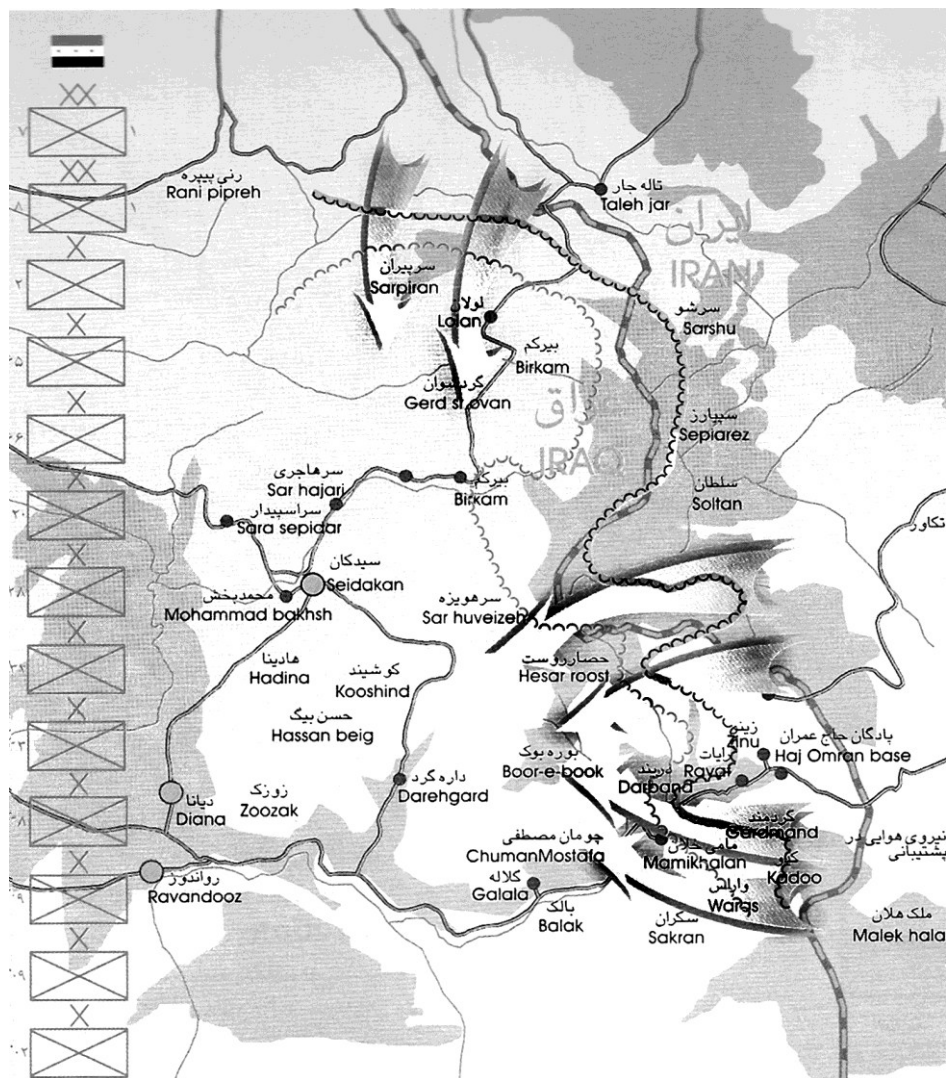
عملیاتی: تصرف ارتفاعات حصار روست، برزین روست، کارگزین لولان، گرد شوان، باشکین تا عمق ۳۵ کیلومتری تا منطقه حیات، ضمناً مناطق و آبادیهای مشروحه زیر، زیر دید و تیر یگانهای خودی قرار گرفت.

مناطق شمالی و جنوبی حصار روست، شهرستان سیدکان و دیانا، شهرک دیلیز و باوالیان تلفات دشمن: کشته ۲۰۰۰ نفر، زخمی ۳۰۰۰ نفر، اسیر ۳۰ نفر

ضایعات دشمن - انهدام ۶ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی کوپتر، ۲۲ دستگاه ادوات زرهی

و مهندسی ۲۵ عراده توپ

انهدام ۶۰ درصد گردان ۲ لشکر ۷-۵۰ درصد گردان ۱ تیپ ۴۳۸ و تیپ ۶۰۳



عملیات قادر - ۶۴/۴/۲۳

عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو)

قرارگاه خاتم الانبیا(ص) اولین بار در خردادماه ۱۳۶۳ طرح عملیاتی والفجر ۸ را تهیه و ابلاغ مینماید. در طرح مذکور به منظور تامین سرپلی درشبه جزیره فاو و تامین آن و سپس عبور از رودخانه اروند و اجرای عملیات آفندی در شبه جزیره فاو مورد نظر بود.

– وجود مانع عمده رودخانه ای اروند رود

– نیاز به وسائل و تجهیزات برای عبور گسترده یگان‌ها از اروندرود.

– نیاز عملیات به استمرار انتقال حجم و وزن قابل ملاحظه ای از تجهیزات و وسایل به

ساحل دور

– پیش بینی تلفات پرسنلی و ضایعات لجستیکی غیرقابل قبول برای نیروهای خودی

– پیش بینی پاتک های مستمر عراق

– نیاز عملیات به انواع اقدامات گسترده مهندسی و تمرکز آن در ساحل نزدیک اروند

– آسیب پذیری تمرکزات اعم از پرسنل و تجهیزات در مقابل نیروی هوایی و توپخانه دشمن

– لزوم رعایت کامل اصل غافلگیری و اجرای عملیات گسترده نیرنگ و فریب تاکتیکی

مروری اجمالی به شرح زیر بر سوابق و مدارک موید این است که رعایت غافلگیری و

اجرای موفق عملیات فریب، عاملی اساسی در پیروزی نیروهای ایران در عملیات والفجر ۸- بوده است.

یکی از مسئولین اداره توجیه سیاسی ارتش عراق در تاریخ ۱۴ بهمن ماه یعنی شش روز قبل از شروع عملیات والفجر – ۸ طی مصاحبه ای در پاسخ به خبرنگار رادیو مونت کارلو اظهار میدارد «حمله ایرانی ها به منظور قطع جاده بغداد – بصره و ایجاد شکاف بین سپاه‌های ۶ و ۴ یعنی اهدافی که قبلاً بدان دست نیافته‌اند، در منطقه هورالهویزه صورت خواهد گرفت.»

یکی از مسئولین اطلاعاتی ستاد کل ارتش عراق چند روز قبل از شروع در بازید خود از جبهه فاو در جمع فرماندهان عراقی اظهار میدارد «در منطقه غرب اروند رود تهدیدی از سوی ایران وجود نداشته، لذا ممکن است تعدادی یگان دیگر علاوه بر آنچه که تاکنون از این منطقه برداشت شده، به منطقه سپاه ۶ در شرق دجله اعزام گردد.»

ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۳۷۹

سرلشکر ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه ۳ عراق مستقر در جبهه شرق بصره حتی در تاریخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۶۴ تک گسترده ایران را در روزهای آینده از سمت هورالعظیم پیش بینی می کند.

اطلاعات بدست آمده از اسرای عملیات والفجر -۸ موید آن است که ارتش عراق استعداد قابل توجهی از یگانهای مانوری و توپخانه را تا شروع عملیات فاو، از همین جبهه که منطقه مسئولیت سپاه ۷ بوده، برداشت نموده و جهت تقویت به جبهه شرق دجله اعزام می نماید. آغاز عملیات: ساعت ۲۲ روز ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۴. پایان عملیات: ۲۶ بهمن ۱۳۶۴. مدت: ۷ روز منطقه عملیات: منطقه عملیات جنوب (کوشک تا دهانه فاو)

یگانهای خودی

سپاه پاسداران

قرارگاه نجف

تیپ ۲۱ امام رضا (ع)

تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع)

تیپ ۱۸ الغدير

تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا

قرارگاه نوح

لشکر ۴۱ ثارالله

لشکر ۱۹ فجر

لشکر ۱۳۳ المهدی

ناو تیپ کوثر

قرارگاه کربلا

لشکر ۵ نصر

لشکر ۴۴ قمر بنی هاشم

لشکر ۳۱ عاشورا

لشکر ۲۵ کربلا

لشکر ۷ ولیعصر (عج)

لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع)

لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص)

قرارگاه یونس

ناو تیپ امیرالمومنین (ع)

عناصری از نیروی دریایی ارتش ج-ا-ا

یگانهایی که پس از شروع عملیات وارد منطقه میشوند

تیپ ۱۵ امام حسین (ع)

تیپ ۳۲ انصارالحسین

تیپ ۹ بدر

نیروهای ارتش ج-ا-ا

لشکر ۲۱ پیاده

لشکر ۳۰ پیاده

لشکر ۷۷ پیاده

لشکر ۸۸ زرهی

لشکر ۹۲ زرهی

تیپ ۵۵ هوارد

یگانهای دشمن

نیروهای شرق دجله (سپاه ۶) از منطقه شیب تا نهر سویپ

لشکر ۲۹ پیاده

لشکر ۲۵ پیاده

لشکر ۴ پیاده

لشکر ۱۲ زرهی

لشکر ۲ پیاده کوهستانی

سپاه ۳ عراق از نهر سویپ تا جنوب جزیره بوارین

لشکر ۳۱ پیاده

لشکر: ۱۹ پیادہ

لشکر ۳۰ بیادہ

لشکر ۸ پیادہ کوهستان،

لشکر ۱۱ پیاده

لشکر ۵ مکانیزہ

لشکر ۶ ز رہی

تیب های ۴۰۲ و ۴۰۸ و ۶ گارد مرزی و ۱۰ زرهی

در شرق بصره (نیروهای غرب ارونند سیاه - ۷ از ابوالخصیب تا دهانه فاو)

لشکر ۱۵ پیاده

لشکر ۲۶ پیاده

فرماندهی نیروهای تفنگدار دریایی در فاو، قشله وام القصر

سپاه پاسداران در تلاش تصرف شبه جزیره فاو بود تا ضمن پیدا شدن سرپلی مهم در جنوب عراق، ارتباط این کشور به طور کلی با خلیج فارس قطع شود. در محور یکم قرارگاه کربلا (سپاه پاسداران) با عبور از رودخانه اروند از ضلع جنوبی شهر فاو تا شمال نهر سید یوسف، و حرکت از جاده ابوالمصیب بطرف بصره بعنوان تک اصلی، در این محور نیروهای غواص و قایق سوار بعنوان خط شکن به دشمن یورش برده و نیروهای ارتش ج ۱-۱ شامل یگانهای نصب پل، قرارگاه رعد نیروی هوایی و قرارگاه هوانیروز به همراه بیش از ۵۰ گردان توپخانه پشتیبانی می نمایند.

در محور دوم در منطقه شلمچه تک پشتیبانی محدود توسط سپاه و در محور سوم از شلمچه تا کوشک در امتداد ۵۰ کیلومتری خط جبهه بیش از ۵ لشکر نیروی زمینی ا-ج-۱-۱ در واقع یک تک پشتیبانی، مهم و بسیار بزرگ را به نمایش گذاشتند.

عملیاتی که هرچند نتوانست به تصرف خطوطی از دشمن منجر گردد ولی به استناد مدارک ضمن به اشتباه انداختن عراق در تشخیص محل تک اصلی در آغاز عملیات بار سنگین پاتک های عراقی را در روزهای اولیه موفقیت عملیات در منطقه ارونکنار و فاو عراق

کاهش داده و موجب شد که نیروهای ایرانی بتوانند سرپل تصرفی خود را در منطقه بین اروندرکنار و خور عبدالله تثبیت نمایند.

نتیجه

در این عملیات نتایج بسیار گرانبهائی از جهات مختلف سیاسی و نظامی به شرح زیر بدست آمد:

- آزاد سازی ۸۰۰ کیلومتر مربع
- قطع ارتباط دریایی عراق با آبهای آزاد
- آزاد سازی شهر فاو و تأسیسات اقتصادی و نفتی آن
- آزادسازی کارخانه نمک
- تأمین امنیت کشتی رانی در شمال خلیج فارس
- قطع ارتباط عراق با اسکله های البکر و الامیه
- تصرف اسکله های معاصر (چهارچراغ) فاو، قشله
- نزدیک شدن به ام‌القصر به میزان ۲۰ کیلومتر
- عبور از موانع اروند و نزدیک شدن به جناح جنوبی بصره
- انهدام بسیاری از یگانهای ارتش عراق

تلفات پرسنلی دشمن: کشته ۱۷۰۰۰ نفر « یک فرمانده لشکر و ۵ فرمانده تیپ جزو کشته شدگان بود.» مجروح ۲۵۰۰۰ نفر و اسیر ۲۵۰۰ نفر

ضایعات دشمن: انهدام تانک و نفربر ۶۰۰ دستگاه، خودرو ۵۰۰ دستگاه، توپ ۱۵۰ عراده، خمپاره انداز ۳۰۰ قبضه، توپ ضد هوایی ۵۰ قبضه، ناوچه جنگی ۳ فروند، سایر شناورها ۱۰ فروند، سرنگونی هواپیما ۷۰ فروند و ۱۰ فروند هلی کوپتر

غنایم: تانک و نفربر ۱۲۰ دستگاه، توپ ضد هوایی ۱۵۰ قبضه، توپ صحرایی ۲۰ عراده.

غرب و اعراب به این نتیجه رسیدند که با وجود کمکهای متعدد به صدام، هنوز ایران قوی است و باید بازهم کمکها ادامه یابد. دیگر برای کسی مهم نبود که عراق از بمبهای شیمیایی استفاده می کند، از نظر آنها ایران باید متوقف می شد، به هر قیمت حتی بمب شیمیایی بر این اساس وقایع سال ۱۳۶۵ به بعد کاملاً به زیان ایران پیش می رفت. کمکهای

به عراق افزایش یافت و به سطح ۶۰ میلیارد دلار رسید. امریکایی ها نیز حجم کمکهای نظامی و اطلاعاتی خود را به عراق افزایش دادند. جنگ نفتکش ها ابعاد تازه ای یافت.

بحرانهای اقتصادی

کاهش بهای نفت از یک سو و حملات پی در پی نیروی هوایی عراق به نفتکش ها از سوی دیگر اقتصاد کشور را که در سالهای ۶۲ و ۶۳ دچار مشکل شده بود. در سالهای ۶۴ و ۶۵ با بحران مواجه کرد.

در سالهای ۶۴-۱۳۶۳ با حمله به ۵۵ نفتکش صدمه جدی به ناوگان نفتکش ایران وارد آمد و در سال ۱۳۶۵ این رقم به ۵۴ نفتکش رسید.^۱

نتیجه این مساله نیز کاهش درآمد نفتی از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۰ به ۱۳/۶ میلیارد دلار در سال ۶۴ و در نهایت به ۶ میلیارد در سال ۱۳۶۵ رسید.

از آن طرف تورم نیز از ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۲۴/۷ درصد در سال ۱۳۶۵ رسید با توجه به موارد ذکر شده در سالهای ۱۳۶۵ به بعد مشکلات زیادی از یکسو برای نیروهای ایرانی بدلیل تحلیل تجهیزات موجود که در اثر نبردهای سنگین و پی در پی به وجود آمده بود، و از سوی دیگر بمباران و موشک باران شهرها بوسیله هواپیماها و موشکهای اهدا شده به ارتش عراق که بر سر مردم بی دفاع شهرها وارد می شد مسئولین نظام را در فکر چاره برای متوقف کردن جنگ انداخت.

ناکامی سفر مک فارلین مشاور امنیت ملی ریگان (خرداد ۱۳۶۵) سبب شد تا دولت ریگان در آمریکا و حتی اروپا با چالشهای جدی روبرو شود. اتفاقات مذکور موجب شد تا امریکایی ها که ایران را مسبب افشای سفر محرمانه مک فارلین و سرهنگ الیور نورث می دانستند، با متمرکز ساختن ماهواره های امریکایی بر منطقه جنوب کلیه اطلاعات لازم را در اختیار عراقی ها گذاشتند.

از ابتدای سال ۱۳۶۵ عراق با حملات پیاپی در کل منطقه در فکر تصرف زمینهایی که از دست داده برآمد ولی این عملیات در سطح گسترده نبود لذا موفقیتهایی در بعضی از نقاط منطقه بدست آورد.

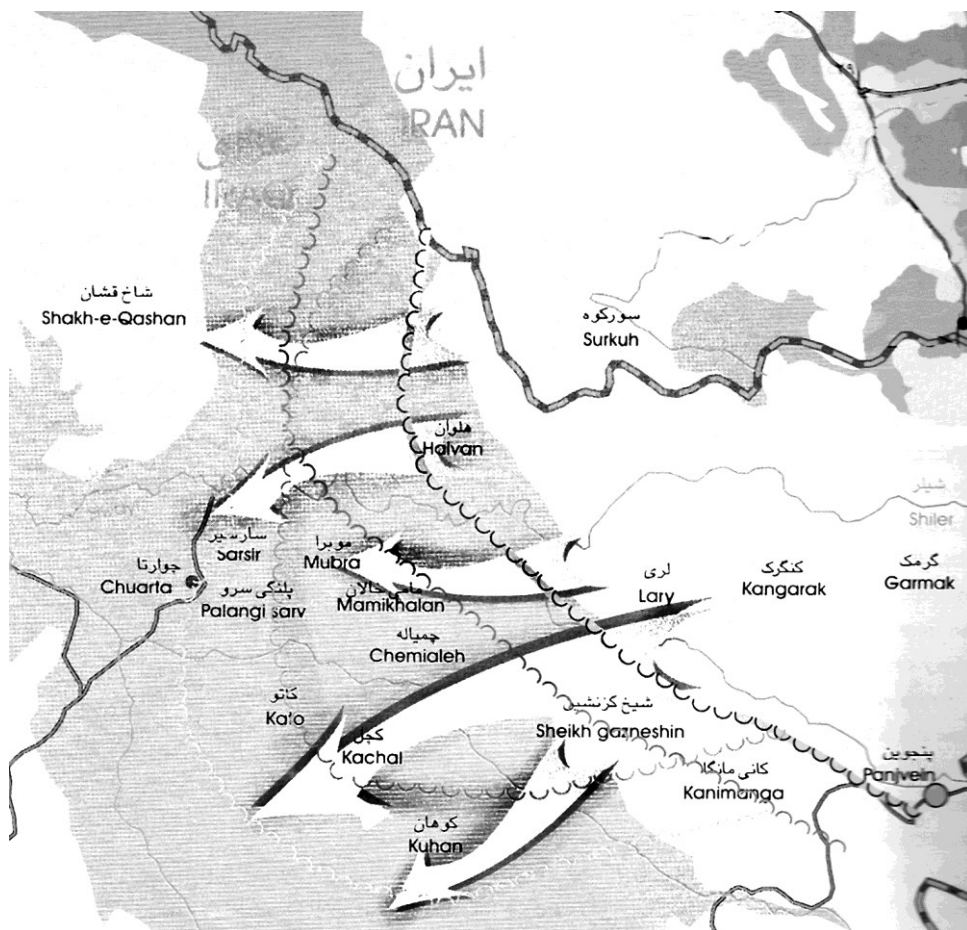
^۱ - کتاب مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه صفحه ۳۲۵.

عمليات أفندي والفجر ٨ - ١٣٦٤/١١/٢٠

بخش پنجم رکود نسبی در جبهه جنوب

عملیات والفجر ۹

تیپ ۳ لشکر ۷۷، تیپ ۲ لشکر ۲۸ و تیپ ۵۵ در منطقه شمالغرب. نتیجه: دشمن توانست با اجرای مراحل مختلف پاتک علاوه بر تصرف مناطقی که در والفجر ۹ از دست داده بود، قسمتی از مواضع پدافندی قبل از تک را بتصرف خود درآورد.



عملیات آفندی والفجر ۹ - ۱۳۶۴/۱۲/۵

عملیات گسترده کربلا ۴، ۵ و ۶

در نیمه دوم سال ۱۳۶۵ و به دنبال سلسله عملیات کربلا، چند عملیات مستقل را سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش در جبهه های متفاوت جنوبی، میانی یا شمال طرح ریزی و هریک را رأساً طوری اجرا نمودند که عملیات هر کدام، عملیات دیگری را پشتیبانی نموده و با تقسیم توان رزمی ارتش عراق در جبهه های مختلف مانع از تمرکز قوا و تلاش دشمن برای باز پس گرفتن مناطق از دست داده شوند. اجرای این عملیات ها تحت نظر قرارگاه خاتم الانبیا(ص) بود.

در جهت تحقق تدبیر یاد شده به شرح زیر طرح ریزی شد:

– سپاه پاسداران عملیات کربلا ۴ را برای جبهه جنوب منطقه عملیات غرب اروند اجرا می نمایند.

– نیروی زمینی ارتش نیز عملیات کربلا ۵ را در جبهه میانی منطقه عملیاتی نفت شهر اجرا نمایند.

عملیات کربلا ۴- در تاریخ ۳ دی ماه ۱۳۶۵ در جنوب آغاز شد و علیرغم تحمیل تلفات و ضایعات قابل توجه به نیروهای دشمن، منجر به تامین هدفهای پیش بینی شده در طرح عملیاتی نمی گردد لذا عملیات کربلا ۵- در غرب بعثت توقف عملیات جنوب اجرا نگردید. سپاه پاسداران عملیات دیگری برای منطقه عملیاتی شلمچه و شرق بصره طرح ریزی و در تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۶۵ با نام عملیات کربلا ۵- اجرا می نماید.

یگانهای سپاه پاسداران با ۴ قرارگاه نجف-قدس-کربلا-نوح با تجهیز ۲۰۰ گردان سرباز و بسیجی در غالب ۱۰ لشکر حمله گسترده ای را علیه دشمن در محور شلمچه - بصره انجام دادند و تعدادی از روستاها و پاسگاههای عراقی را آزاد نموده، تلفات و ضایعات قابل توجهی به نیروهای عراقی وارد نمودند.

نیروی زمینی ارتش با نام عملیات کربلا ۶- در ۲۳ دی ماه ۱۳۶۵ در منطقه نفت شهر در شرایطی آغاز می گردید که:

– بدلیل ضرورت پشتیبانی از عملیات جبهه جنوب، تبلیغات جنگ از قبل موید اجرای عملیات قریب الوقوع نیروهای خودی در غرب کشور بوده است.

- هرگونه شرایط غافلگیری برای اجرای عملیات از بین رفته ، نیروهای دشمن ضمن هوشیاری کامل و تحکیم مواضع پدافندی و تکمیل استحکامات و موانع، نیروهای مستقر در خط پدافندی خود را تقویت نموده و آمادگی کامل جهت اجرای عملیات پدافندی را در مقابل تک قریب الوقوع نیروهای خودی کسب می نمایند.

یگانهای نیروی زمینی ارتش

-لشکر ۲۱ پیاده(-)

-لشکر ۵۸ (احتیاط)

-لشکر ۷۷ پیاده(-)

-لشکر ۸۴ پیاده

- لشکر ۸۱ زرهی (-)

-لشکر ۸۸ زرهی(-)

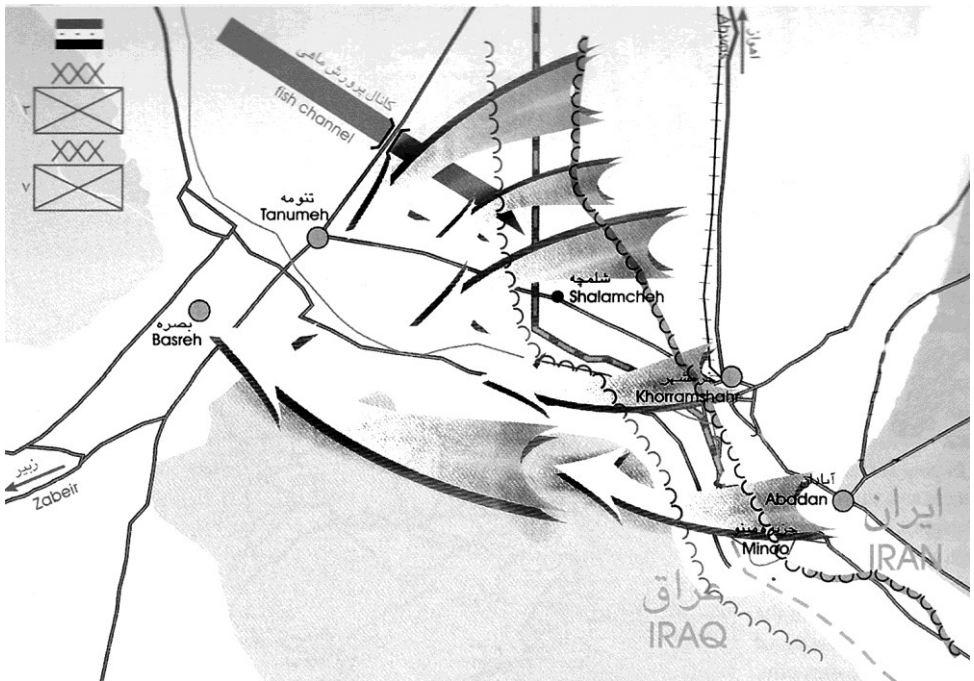
-تیپ ۵۵ هوایرد (-) احتیاط

یگانهای دشمن

- لشکر ۱۶ زرهی

- لشکر ۱۷ زرهی

- لشکر ۲۲ پیاده



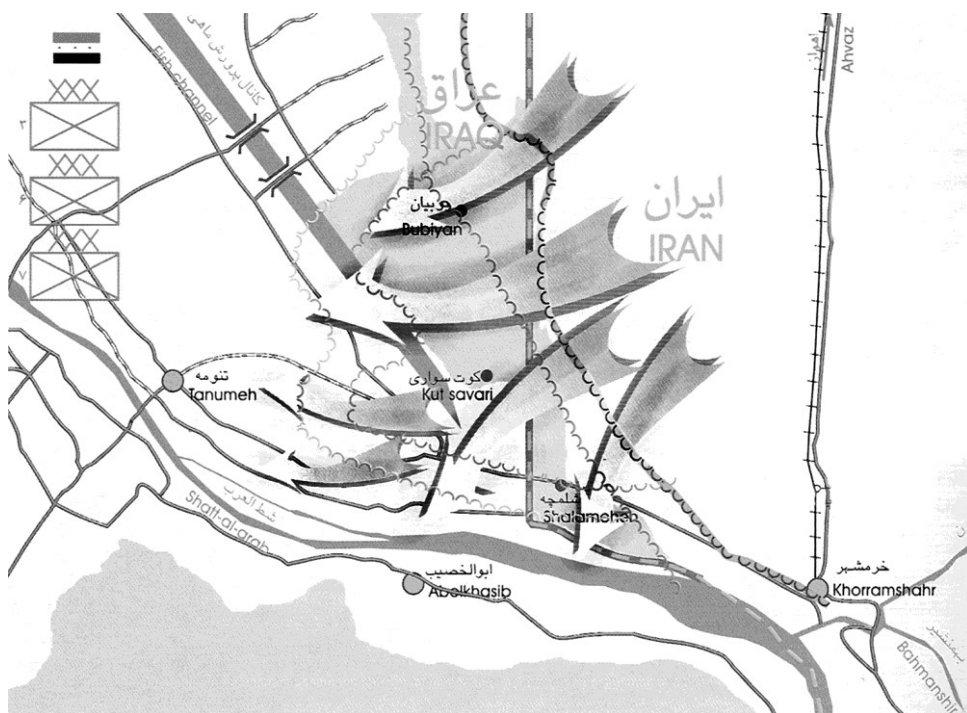
عملیات آفندی کربلا ۴ - ۱۳۶۵/۱۰/۳

نتیجه

عملیات کربلا ۵

عملیات کربلا ۵ را می توان خونین ترین عملیات تاریخ جنگ ایران و عراق دانست. در این نبرد عراق حداقل ۹۰ هزار کشته و زخمی ۸۰۰ تانک و نفربر و ۴۰ هواپیمای خود را از دست داد.^۱

۱ - کارنامه نبردهای زمینی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه ص ۹۸.



عملیات آفندی کربلا ۵ - ۱۳۶۵/۱۰/۱۹

نیروهای ایرانی نیز اگرچه در این عملیات واقعاً شجاعت بخرج دادند و از نظر نظامی ضربه های سنگینی بر پیکر ارتش عراق زدند اما موفق به دستیابی به هدفهای تعیین شده نگردیدند. این نبرد همچنین نشان داد که عراق به ویژه در منطقه جنوب قصد عقب نشینی ندارد ، زیرا بصره برای صدام دارای اهمیت خاصی است. لذا با اعزام ۴ سپاه با بیش از ۸۶ تیپ (حدود ۵۰۰ هزار نفر) به منطقه ای کوچک نشان از عزم جدی عراق در حفظ بصره را دارد.

عملیات کربلا ۶

- هدفهای پیش بینی شده در طرح عملیاتی تامین نگردید
- آزادسازی حدود ۴۰ کیلومتر مربع از خاک ایران
- درگیر نمودن حدود ۱۱ تیپ (احتیاط کلی ارتش عراق) به منظور پشتیبانی از عملیات کربلا ۵

(۱) تلفات دشمن

- انهدام تیپ ۱۰۸ پیاده ۶۰ درصد
- انهدام تیپ ۶۰۶ پیاده ۴۰ درصد
- انهدام تیپ ۲۵۲ پیاده و گردان کماندوئی لشکر ۱۶ و یک گردان جیش الشعبی به میزان ۲۰ درصد
- انهدام گردان یکم تیپ ۸۰ به میزان ۸۰ درصد
- (۲) ضایعات : انهدام دهها دستگاه تانک و نفربر، سرنگونی ۱۳ فروند هواپیما و ۳ فروند هلی کوپتر

عملیات آفندی لشکر ۶۴ پیاده در منطقه عمومی حاج عمران (کربلا ۷)

تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ در منطقه حاج عمران بوسیله لشکر ۶۴ پیاده تا حدودی سبب بالا رفتن روحیه رزمندگان اسلام گردید. ولی به دلیل فرعی به شمار آمدن جبهه های شمالی چندان مورد توجه رسانه های گروهی واقع نگردید. این عملیات در تاریخ ۱۳ اسفندماه ۱۳۶۵ شروع گردید

نتیجه

- الف- تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ در خاک عراق
- ب- تلفات پرسنلی دشمن : کشته و زخمی شدن ۳۰۰۰ نفر ، اسیر ۲۷۲ نفر
- ج - ضایعات لجستیکی انهدام چندین تانک و نفربر

عملیات آفندی کربلا ۸

نیروی زمینی سپاه پاسداران با قرارگاههای قدس و کربلا مواضع سپاه سوم عراق را مورد هدف قرار داد و در نظر داشت تا بتواند دژهای ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ را نیز تصرف نموده و جنوب کانال ماهی را آزاد سازد، لذا عملیات کربلا ۸ را در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۱۸ به مدت ۴ روز در منطقه شرق بصره انجام داد فرماندهان ایرانی برای تداوم عملیات و نهایتاً نیز بجز از کار انداختن ماشین جنگی عراق نتیجه قابل توجهی نداشت، نهایت پیشروی در این عملیات مانند عملیات تکمیلی کربلا ۵ هزار متر بود که بدلیل مقاومت دشمن خطوط مورد نظر تامین نشد.

ارتش جمهوری اسلامی ایران ۳۹۱/

۲۶۰ اسیر و ۱۲۰۰۰ کشته و زخمی تلفات پرسنلی عراق بود.

۱۳۰ تانک و نفربر و تجهیزات نظامی عراق به همراه ۲ فروند هواپیما دو فروند بالگرد و ۴۰ عراده توپ منهدم گردید.

عملیات آفندی لشکر ۸۱ زرهی در منطقه سرپل ذهاب (کربلا ۹)

تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۰ تک نمود و ارتفاع ۵۶۴ و ۵۴۲ را در منطقه سرپل ذهاب تصرف نمود.

قدرت گرفتن عراق در سالهای پایانی جنگ رخداد ناگهانی نبود و این روند از سالهای میانی جنگ آغاز شد، اما از اواخر سال ۱۳۶۵ دفاع فشرده و متحرک عراق اجازه نفوذ به نیروهای ایران را در منطقه جنوب نداد و ناکامی در عملیات کربلا ۴-۵ و ۶ این نکته را ثابت نمود لذا نیروی زمینی و سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۶ عملیات گسترده ای تهیه ندیده و بیشتر تداوم عملیات در شمالغرب و غرب کشور متمرکز گردیده بود.

عملیات آفندی تیپ ۴۰ پیاده سراب در منطقه میمک (نصر - ۲)

این عملیات در ۱۳ خردادماه ۱۳۶۶ در منطقه عمومی میمک به وسیله تیپ ۴۰ و یک گردان ژاندارمری جهت تصرف منطقه غربی و مرکز ارتفاعات میمک انجام گردید.

نتیجه عملیات

- تصرف اهداف از پیش تعیین شده

- تلفات پرسنلی دشمن کشته و زخمی حدود ۸۰۰ نفر، اسیر ۲۲ نفر

عملیات پدافندی تیپ ۲ لشکر ۸۸ زرهی در برابر تک دشمن در منطقه سومار

در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۶ دشمن به ارتفاع ۴۰۲ واقع در سومار، تک می نماید.

نتیجه عملیات : تک دشمن با رشادت و ایثارگری تیپ ۲ لشکر ۸۸ دفع گردید

عملیات پدافندی تیپ ۴۰ سراب در برابر تک دشمن در میمک

این عملیات در ۲ مردادماه ۱۳۶۶ آغاز شد.

نتیجه عملیات علیرغم همه تلاش نیروهای خودی دشمن موفق گردید قسمتی از ارتفاعات میمک را تصرف نماید .

عملیات آفندی یگانهای نیروی زمینی ارتش ج ۱-۱ در عملیات میمک (عملیات نصر ۶)

آغاز عملیات ۱۰ مرداد ماه ۱۳۶۶

قرارگاه هدایت کننده قرارگاه عملیاتی غرب

منطقه عملیات: منطقه میمک

یگانهای خودی

- تیپ ۴۰ سراب

- تیپ ۱ لشکر ۲۸ پیاده

- تیپ ۱ لشکر ۷۷ پیاده

- تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی

- گردانهای تکاور لشکر ۱۶ و ۹۲

نیروهای دشمن

- تیپ ۴ و ۳۶ پیاده کوهستانی

- تیپهای ۷۰۵، ۴۲۱، ۱۰۸، ۹۵، ۷۷ و ۸۰۱ پیاده

- تیپ ۱۰ پیاده ویژه

- تیپ ۶۵ نیروی مخصوص

- تیپ ۱ کماندوئی سپاه یکم

- تیپ ۳۰ زرهی لشکر ۶ زرهی

- ۵ گردان کماندوئی مکانیزه، تانک و پیاده

نتیجه

- عملیاتی

تصرف تپه ۶۷۰

تصرف تپه ۶۴۳ میمک

تصرف قسمتی از تپه شهدا

انهدام ۵ تیپ ارتش عراق به میزان ۶۰ الی ۹۰ درصد

انهدام ۶ تیپ ارتش عراق به میزان ۳۰ الی ۶۰ درصد

دفع حدود ۴۲ پاتک دشمن

- تلفات پرسنلی دشمن: کشته و زخمی ۱۵۰۰۰ نفر (فرمانده تیپ ۱ کماندویی سپاه یکم جزو

کشته شدگان بوده است) اسیر ۱۰۲

- ضایعات انهدام ۱۸ دستگاه تانک ۹ دستگاه نفربر، ۱۱ عراده توپ

عملیات آفندی یگانهای لشکر ۶۴ پیاده و تیپ ۲۵ تکاور در منطقه عمومی حاج عمران

عملیات نصر ۹

عملیات در یکم آذرماه ۱۳۶۶ آغاز شد.

قرارگاه هدایت کننده لشکر ۶۴

منطقه عملیات : حاج عمران

نتیجه : تپه شهدا به تصرف نیروهای خودی درآمد لیکن دشمن با اجرای پاتکهای متوالی

پس از ۳ روز مجدداً ارتفاع مذکور را اشغال کرد.

عملیات آفندی لشکر ۲۱ پیاده در منطقه عمومی زبیدات (عملیات نصرت - ۲)

عملیات در ۲۸ آذرماه ۱۳۶۶ آغاز شد

قرارگاه هدایت کننده: قرارگاه عملیاتی جنوب

منطقه عملیات زبیدات

نتیجه در تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۶ کلیه هدف ها تصرف شد ولی بر اثر پاتک ها در روز ۲۹

آذرماه ۱۳۶۶ به مواضع اولیه عقب نشینی می نمایند.

عملیات آفندی یگانهای از لشکر ۸۱ زرهی، تیپ ۳۵ و ۴۵ تکاور در منطقه سرپل ذهاب

آغاز عملیات ۳۰ اسفندماه ۱۳۶۶

قرارگاه هدایت کننده قرارگاه لشکر ۸۱ زرهی

منطقه عملیات : ارتفاعات آهنگران و تپه ۶۵۴ در منطقه سرپل ذهاب

نتیجه: عملیات نیروهای خودی موفق به تصرف هدفهای پیش بینی شده نمی شوند.

عملیات آفندی تیپ ۲۵ تکاور در منطقه عمومی مریوان (بیت المقدس - ۵)

آغاز عملیات ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۷

قرارگاه هدایت کننده : لشکر ۲۸ پیاده

منطقه عملیات - مریوان

نتیجه - هدفهای پیش بینی شده به تصرف نیروهای خودی در میاید.

عملیات آفندی والفجر ۱۰

عملیات والفجر ۱۰ در منطقه عمومی نوسود ایران و حلبچه در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ آغاز گردید و بعد از ۶ روز نبرد به پایان رسید.

انتخاب این منطقه با پیش بینی تصرف اهداف تعیین شده صورت پذیرفت تا ارتش عراق را وادار نماید با اعزام گسترده نیروهای احتیاط خود به حلبچه زمینه برای انهدام ماشین جنگی عراق در این منطقه نیز آماده شود، ولی از آنجا که عراقی ها برای منطقه جنوب نبردهای گسترده ای را برای سال ۱۳۶۷ پیش بینی کرده بودند، لذا در این منطقه به نیروهای موجود اکتفا کردند و برای متوقف نمودن نیروهای ایرانی متوسل به حملات گسترده هوایی شدند.

با توجه به کم اثر بودن حملات هوایی نهایتاً در اواسط روز ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ در حالیکه مردم حلبچه گروه گروه به طرف مرزهای ایران در حرکت بودند، منطقه مورد هجوم هواپیماهای عراق با پرتاب گسترده بمبهای شیمیایی قرار گرفت.

۵۰۰۰ نفر از کردهای عراقی با این حمله شهید شدند، این اقدام عراق هیچ عکس العمل مناسب بشر دوستانه و موثری را از کشورها و سازمانهای بین المللی به دنبال نداشت

نتیجه

۱۲۰۰ کیلومتر از خاک ایران و عراق آزاد شد

۵۴۴۰ نفر از عراقی ها به اسارت درآمدند و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر کشته و مجروح شدند

۲۷۰ دستگاه تانک و نفربر منهدم گردید و بیش از ۹۰ دستگاه به غنیمت گرفته شد

۱۵۵ قبضه از انواع توپ به غنیمت گرفته شد و تعداد ۱۰ فروند هواپیما و یک فروند بالگرد منهدم گردید.

بخش ششم - سالهای سخت پایانی

سرانجام پیروزی های به دست آمده در عملیات والفجر ۸ و نیز اقدامات دیپلماتیک ج-۱-۱ منجر به آن شد که شورای امنیت در پیش نویس اولیه قطعنامه، گامی به سوی خواست های ایران بردارد، ولی این پیش نویس با مخالفت های آمریکا و فرانسه مواجه شد. مسئولین کشور هم در این رابطه اعلام کردند که هر قطعنامه ای را که عراق را بخاطر تجاوز محکوم نکند برای ایران ارزش نخواهد داشت.

هم زمان با ادامه مشورت های شورای امنیت، در حالی که برای ترسیم چهره صلح طلبی و مظلوم نمایی به سود عراق (به خاطر حمله به ایران) تلاش های وسیعی صورت می گرفت، حمله جنایتکارانه و احمقانه عراق به هواپیمای مسافبری صورت گرفت، سرانجام شورای امنیت به اتفاق آرا طی قطعنامه ای ضمن ابراز تاسف از اقدامات اولیه که باعث شعله ور شدن جنگ و ادامه آن شد، حمله مناطق غیرنظامی، کشتی های باری و هواپیمای مسافبری و نیز استفاده از سلاح شیمیایی را بدون ذکر نام عراق محکوم کرد به این صورت شورای امنیت بار دیگر مانند گذشته از محکوم کردن صریح رژیم عراق امتناع ورزید، گرچه محکومیت هایی که در قطعنامه عنوان شد و نیز اشاره به مسئله آغاز جنگ (برای نخستین بار) را هم می توان معلول پیروزی های بدست آمده در عملیات والفجر ۸ دانست.

بمباران هوایی شهرها و مراکز اقتصادی ایران تاثیر قاطع خود را داشت. در اثر تهاجمات هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی ایران و به موازات آن تهدید کمپانی های خارجی، صادر کننده نفت ایران و حمله به نفت کش ها و پایانه های نفتی و کشتی های تجاری، وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی رو به وخامت گذاشت. ضمن اینکه قیمت نفت به کمتر از ۱۰ دلار کاهش یافت. در همین سال بخشی از واردات ایران به دلیل کمبود شدید ذخایر ارزی به قرارداد پایاپای کشورهای دوست متکی بود.

گزارشات منتشره نشان دهنده افزایش مشکلات و سختی های روزافزون در زندگی قشرهای وسیعی از جامعه بود که عمدتاً از درآمد ثابت برخوردار بودند. در واقع در دوران سخت بی برقی، جیره بندی بنزین، بازار سیاه کالاهای اساسی، افزایش قیمت ها و تورم، امریکایی ها امیدوار بودند ایران در این روند به تدریج موضع خود را تغییر دهد.

بنابراین عراق در جهت تعقیب سیاست تحت فشار قرار دادن ایران، اقدام به بمباران و موشک باران شهرهای ایران نمود. شهرهای کرمانشاه و اسلام آباد غرب نیز در یکی از شدیدترین حملات عراقی ها به خون کشیده شد و صدام مکرر از سلاح های شیمیایی استفاده می کرد و مجامع بین المللی عکس العمل نشان نمیدادند.

عملیات کربلا ۱۰

آغاز مرحله جدید جنگ در سال هفتم، در غرب کشور با عملیات کربلا ۱۰ شروع گردید، پس از عملیات بدر در خرداد ۶۴، وضعیت حاکم بر جنگ منتهی به پیدایش این نظریه شد که با یک عملیات منظم و بزرگ هرگز عراق از پا در نخواهد آمد، زیرا عراق با جمع آوری کلیه نیروهایش قادر به مقاومت در برابر ایران بود و در این حال مانع از تحقق اهداف ایران می شد. لذا این مسئله تاکید شد که با انجام دو عملیات به طور هم زمان می توان با تجزیه قوای دشمن، وضعیت جدیدی بوجود آورد. ولیکن فقدان امکانات و نیروی مورد نیاز مانع از اجرای آن بود. لذا در سال ۶۵ چند عملیات طرح ریزی شد که عملیات کربلا ۱۰ و فتح ۵ از جمله آنها بود. به عبارت دیگر عوامل موثر در گشایش جبهه جدید در منطقه غرب کشور عبارت بود از :

- ضرورت تداوم جنگ و مخالفت از ایجاد رکود در آن
 - حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن
 - گشودن جبهه جدید برای دشمن در منطقه غرب و تجزیه قوای آن
 - کاهش دادن حساسیت دشمن نسبت به منطقه جنوب
 - گرفتن فرصت از دشمن برای یافتن راه کار جدید در جبهه جنوب
- با فرماندهی قرارگاه نجف، نیروهای ایرانی در منطقه شمالغرب به طول ۴۰ کیلومتر در ناحیه ماووت - سلیمانیه از طریق محورهای مریوان، بانه و سردشت توانستند عملیات گسترده ای را در خاک عراق انجام دهند این عملیات با همکاری نیروهای نامنظم اتحادیه میهنی کردستان عراق در ساعت ۲ بامداد روز جمعه ۶۶/۲/۲۴ آغاز گردید و حدود ۱۲ روز طول کشید تا اغلب اهداف مورد نظر به تصرف نیروهای ایرانی درآمد.

هرچند الحاق بین دو قرارگاه صورت نگرفت ولی گسترش عملیات نشان داد که در این منطقه نیز می توان اهداف قابل توجهی را تصرف کرد.

عقب نشینی از فاو

تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ این پیام را برای ایران داشت که اگر مخالفت کند این بار با اعضای شورای امنیت سازمان ملل روبرو خواهد شد.

حضور ناوگان پنجم امریکا در خلیج فارس نیز فشار دیگری به ایران بود. بروز برخی درگیری های محدود با نیروهای ایرانی نشان میداد امریکا واقعاً به دنبال بهانه ای است تا با ایران برای جبران تحقیرهای سالهای انقلاب «گروگانگیری سفارت - شکست عملیات دلتا و ماجرای مک فارلین» درگیر شود.

در این شرایط مسولان نظام به دلیل کمبودها، در برابر هر عملیات بزرگ تضمین پیروزی می خواستند. لذا با افزایش نبرد در جبهه های میانی و شمالی یکی از راههای گریز از بن بست عملیاتهای بزرگ و پرهزینه جنوبی بود.

سپاه اگرچه در دو عملیات دیگر نیز در غرب پیشروی بسیار خوبی به داخل خاک عراق انجام داد، اما نکته مهم این بود که سرفرماندهی عراق به دنبال کشاندن نیروهای ایرانی به مناطق کم اهمیت تر کوهستانی غرب و شمالغرب بود.

ارتش عراق میدانست که چنانچه بصره به تصرف نیروهای ایرانی درآید دیگر حرفی برای گفتن به مردم خود و جهان عرب ندارد.

در حقیقت درگیری های مستقیم نیروی دریایی امریکا با ارتش و سپاه سبب شده بود در آخر جنگ صدام با توان بیشتری به عملیات بمباران شیمیایی ادامه دهد.

غرق شدن کشتی «ایران اجر» در ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ رودر رویی قایقهای تندروی سپاه با هلی کوپترهای امریکایی که منجر به سقوط یک هلی کوپتر و غرق چند قایق شد در کنار حمله امریکایی ها به اسکله های نفتی و اصابت یک کشتی امریکا به مین و در نهایت حمله آمریکا به سکوهای نفتی و نیروی دریائی ایران همزمان با حمله به فاو در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ همه نشان دهنده این بود که این بار «آمریکا» مستقیماً وارد عمل شده است.

منطقه فاو از زمان تصرف توسط نیروهای ایرانی و تثبیت مواضع که حدود ۷۵ روز طول کشید تا ۶۷/۱/۲۸ فعالیت خاصی را از دو طرف شاهد نبود. اما به خوبی قابل درک و پیش بینی بود که عراق در صورت دستیابی به توانایی لازم، اولین حمله گسترده را در این منطقه اجرا خواهد شد.

از طرف دیگر وضعیت مواضع پدافندی خودی در فاو به دلیل نا مناسب بودن منطقه جهت استقرار نیرو در زمان طولانی، نداشتن جاده مواصلاتی، متکی بودن پل‌های نصب شده روی اروند رود که حتی با آتش توپخانه نیز آسیب پذیر است، عراق را بر آن داشت تا با استفاده از وضعیت سیاسی و بحران ایجاد شده توسط امریکا در خلیج فارس مبداء حملات سراسری خود را در سال پایانی جنگ در منطقه فاو قرار دهند.

در هر صورت در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ ارتش تقویت شده صدام با برخورداری از هزاران تانک و نفربر در قالب ۳ سپاه در پناه آتش شدید توپخانه، هواپیما و بمباران های گسترده شیمیایی و حتی استفاده از واحدهای دریایی (نیروی دریایی درگیر نبرد با امریکا بود) در حرکتی بسیار سریع کلیه پل‌های مورد استفاده در منطقه را منهدم و یا تصرف کرده و خطوط دفاعی سپاه را شکافتند. در نتیجه دشمن توانست بعد از بمباران و قطع پل‌های ارتباطی فاو را تسخیر نماید.

در شرق این منطقه در خلیج فارس ناوگان عظیم امریکا پس از انهدام سکوها‌های نفتی ایران در بازگشت سه ناو جوشن، سه‌ند و سبلان برخورد کرد و ناوهای مذکور چون دستور درگیری داشتند به رغم آنکه می دانستند در برابر توپ‌های پیشرفته و موشک‌های قدرتمند ناو وینسنس و رزمناوهای چند هزار تنی همراه آنها شانس ندارند، تن به مبارزه نابرابری دادند. انبوهی از موشک و گلوله توپ، جوش و سه‌ند را مجبور به شلیک متقابل کرد، ولی سیستم‌های انحراف موشک دشمن در کنار دور بودن ناوهای اصلی عمل کننده، موجب شد ضربات کشتی های ایرانی چندان موثر نباشد، اگرچه یک هلی کوپتر آن کشور سقوط کرد، در مقابل ناو جوشن با اصابت ۴ موشک هارپون و صدها گلوله کاملاً منهدم و تمامی پرسنل آن شهید شدند و سه‌ند نیز کاملاً بدون استفاده شد ناو سبلان بنا به دستور مجبور به عقب‌نشینی شد.

پیامدهای تصرف فاو و استفاده از موفقیت برای اجرای حملات

تصرف فاو روحیه نیروهای عراقی را دوچندان کرد
رها شدن حداقل سه سپاه عمده عراق سپاه ۳، ۷ و گارد ریاست جمهوری با تجهیزات کامل
درگیری نیروی دریایی ج ۱-۱ در خلیج فارس با ناوگان پنجم آمریکا
بکار گرفتن نیروهای آزاد شده جهت حمله به مواضع پدافندی منطقه شلمچه - مجنون ،
طلائیه، کوشک

بدست آوردن برتری هوایی و استفاده از بمباران های شیمیایی
ضعیف بودن خطوط پدافندی نیروهای ایرانی در کل منطقه
نبود یک نیروی احتیاط قوی جهت پشتیبانی از نیروهای ایرانی در هنگام تک دشمن

حمله عراق به شلمچه

منطقه عمومی شلمچه یکی از مناطقی است که بیشترین فعالیت نظامی را در جنگ
شاهد بوده است .

پس از عملیات والفجر ۸ و کربلا ۵ و عملیات محدود دیگر در این منطقه، نهایتاً خطوط
پدافندی نیروهای خودی در داخل خاک عراق تثبیت گردید.

انجام عملیات موفقیت آمیز فاو توسط عراق و بازپس گیری آن موجب افزایش روحیه
آفندی دشمن شده و مانع روانی در ارتش عراق برطرف گردیده و ابتکار عمل به دست
دشمن افتاد و بنا به پیش بینی کارشناسان نظامی ارتش ایران که معتقد بودند در اولین
فرصت به بازپس گیری خاک خود اقدام خواهد کرد.

در چهارم خرداد ۱۳۶۷ با بکارگیری نیروهایی در سطح نیم میلیون سرباز از سپاههای
سوم، هفتم و لشکرهای گارد ریاست جمهوری حمله عظیم را به مواضع ایران در محور
شلمچه آغاز کردند . نیروهای ایرانی اگرچه خیلی رشادت زیادی به خرج دادند اما محور
پرازش شلمچه را از دست دادند و دشمن پس از یک هفته نبرد سنگین با تحمل تلفات
فراوان در شلمچه مستقر گردد.

حمله عراق به جزایر مجنون

جزایر مجنون در داخل هورالعظیم از نقاط مهم جنگ بود که در عملیات خیبر در اسفند سال ۱۳۶۲ توسط نیروهای ایرانی فتح شد.

موقعیت خاص جغرافیایی جزایر مجنون اجازه یک پدافند طولانی و مطمئن را نمی دهد و وجود مناطق وسیع آب گرفتگی هور ضمن تسهیل انجام عملیات های چریکی، محدودیتهای فراوانی را برای پشتیبانی عملیات پدافندی بوجود آورد. لذا دشمن با توجه به حساسیت منطقه و آگاهی از موارد بالا دقیقاً بعد از ۳۰ روز که از موفقیت حمله اش از شلمچه می گذشت، با حفظ دور حملات خود نبرد دیگری را در سوم تیر بدون آنکه به نیروهای ایرانی فرصت تجدید قوا بدهند، سپاه ششم و سوم گارد ریاست جمهوری و لشکر ۲۵ عراق با هدف باز پس گیری جزایر مجنون و ایجاد زمینه برای ادامه حملات خود اقدام به انجام عملیات آفندی نمودند .

حمله عراق به طلائیه - کوشک

با تداوم عملیاته‌ای عراق و بازپس گیری مناطق در تصرف ایران، وضعیت عمومی مناطق عملیاتی جنوب در نیمه اول سال ۱۳۶۷ چندان مناسب نبود و دشمن با استفاده از توان فوق العاده به دست آمده در افزایش نیرو و تجهیزات و بهره گیری از بحران موجود در منطقه، نه تنها از موضع دفاعی بیرون آمده و اقدام به باز پس گیری خاک خود می نمود، بلکه با استفاده از برهم زدن سازمان رزم نیروهای ایرانی ، قصد تعرض و ادامه عملیات به داخل خاک ایران را داشت.

هجوم عراق در محور طلائیه به کوشک در چهارم تیرماه ۱۳۶۷ آغاز گردید و ۵ روز به طول انجامید. یگانهای حمله کننده عراقی همان یگانهایی بودند که جزیره مجنون را پس گرفته و مواضع لشکر ۹۲ زرهی اهواز را مورد هجوم قرار دادند. بنظر میرسد عراق چهار هدف عمده در عملیات خود از اول تیر دنبال می کرد:

- پیش روی به داخل خاک ایران
- گرفتن اسیر برای مذاکرات صلح
- رسیدن به اهداف خود در روزهای اول جنگ
- وادار کردن ایران به پذیرش قطع نامه ۵۹۸

در این عملیات دشمن در روزهای اولیه با برخورداری از لشکرهای زرهی از مواضع نیروهای ایرانی عبور کرده و حتی تا جاده اهواز - خرمشهر پیش روی نمود و بعد از جمع آوری اسرا و غنائم به مواضع خود در نوار مرزی عقب نشینی کرد.

حمله عراق به فکه، شرهانی

منطقه عمومی موسیان و عین خوش و فکه به علت وجود محورهایی که به دزفول ختم می شود، از نظر عراق مورد توجه بود. انجام چهار عملیات موفق کمتر از سه ماه توان نیروهای عراقی را افزایش داده و تداوم حضور نیروهای آمریکا در خلیج فارس و ادامه درگیری پراکنده دریایی و تهدیدات سیاسی نظامی برای ج-ا-ا، موجب شده بود که نیروهای عراقی بتوانند از ضعیف بودن خطوط پدافندی نیروهای ایرانی که به دلیل تمایل به ادامه حملات به سمت عراق غالباً فاقد موانع و استحکامات مهندسی بوده، استفاده کرده و با انجام مکرر بمباران شیمیایی در منطقه شرهانی و فکه اقدام به تک و حمله بسیار گسترده نمایند.

سپاه چهارم و گارد ریاست جمهوری عراق با بکارگیری بیش از ۵ لشکر زرهی به منظور جمع آوری اسیر و انهدام نیروهای ایرانی با استفاده از حجم آتش توپخانه اقدام به حمله در منطقه شرهانی و فکه نمودند.

لشکرهای ۲۱،۷۷ و تیپهای ۴۰ سراب و ۴۵ تکاور در منطقه مسئولیت پدافند و احتیاط را بعهده داشتند.

نتیجه

عراقی ها با استفاده از اصل تمرکز قوا، آتش پر حجم و بمباران شیمیایی به مواضع نیروهای ایرانی رخنه کرده و تا عمق قابل توجهی از خاک ایران پیش روی نموده و پس از جمع آوری اسیر و غنائم به ارتفاعات مرزی عقب نشینی کردند ولی صحنه‌هایی از مقاومت و فداکاری سربازان دلاور اسلام در طول روزهای نبرد خلق گردید که اوج ایثار و فداکاری و شهادت را به تصویر کشید. این آخرین مرحله عملیات در منطقه جنوب بود. به هر تقدیر مجموع اتفاقات اقتصادی سیاسی و نظامی نشان داد که ادامه جنگ بیش از این صلاح نیست.

قبول قطعنامه ۵۹۸

امام خمینی (ره) به عنوان فرماندهی عالی جنگ با پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ آتش بس را پذیرفت .

عملیات پدافندی تمرچین

دو روز پس از پایان جنگ تحمیلی و اعلان پذیرش و موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۹ چهار تیپ از یگانهای عراقی مستقر در منطقه تمرچین و ارتفاعات سه کانیان به منظور دست یابی به ارتفاعات حساس منطقه به مواضع نیروهای ایران حمله و بعد از ۵ روز نبرد شدید بدون دست یابی به موفقیت مجبور به عقب نشینی شدند.

در این عملیات که توسط قرارگاه لشکر ۶۴ از نیروی زمینی هدایت می شد، یگانهای لشکر ۶۴ ارومیه و گردان ۷۹۵ تکاور از تیپ ۲۵ تکاور با دو گردان از سپاه پاسداران و ژاندارمری حماسه مقاومت در آخرین روزهای جنگ را خلق کردند. نتیجه - ارتفاعات سه کانیان توسط گردان ۷۹۵ تکاور حفظ گردید و از اشغال آن ممانعت بوجود آمد.

- حدود ۲۰۰۰ نفر از نفرات دشمن کشته و زخمی شدند.

- ۵ عراده توپ ، ۷ خمپاره انداز، ۱۴ دستگاه انواع خودرو و ۴ انبار مهمات عراق منهدم شد.

عملیات پدافندی قصر شیرین

نیروهای عراقی مستقر در منطقه غرب نیز در محور قصرشیرین و اطراف آن اقدام به حمله گسترده ای به مواضع نیروهای ایرانی کردند.

علیرغم اینکه نیروهای ایرانی با اعلان موافقت با قطعنامه ۵۹۸ آماده اجرای آتش بس می شدند و آمادگی مقابله با این حمله را نداشتند ، با تمام توان موجود دشمن را قبل از دستیابی به موضعی در عمق خاک ایران متوقف کردند. ولی عراقی ها که بیشتر قصد جمع آوری اسیر و ایجاد تعادل در مبادله اسرا را داشتند، پس از وارد آوردن ضربات خود و به

اسارت گرفتن تعدادی از نیروهای ایرانی منطقه را مهیا نمودند تا منافقین را برای ایجاد نبرد داخلی و ضربه زدن به نظام ج-۱-۱ به داخل مرزهای ایران گسیل نمایند. اما این اقدام در منطقه «چهار زبر» محور اسلام آباد - کرمانشاه با کمین نیروهای ایرانی با شکست مواجه شد و تعداد زیادی از نیروهای مذکور اسیر شدند.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از طرف عراق

هشت سال جنگ تحمیلی اوضاع کشور را دگرگون کرده اما وضع عراق نیز بهتر نبود کسانی که از آغاز جنگ تا کنون به خدمت ارتش عراق درآمده بودند هنوز به عنوان سرباز و درجه دار و یا افسر مشغول به خدمت بودند و تنها مرگ یا معلولیت می توانست آنها را از جنگ معاف کند. اقتصاد عراق نیز وضع خوبی نداشت. این کشور که در آغاز جنگ ۳۰ میلیارد دلار دارایی خارجی داشت اکنون بیش از ۸۰ میلیارد دلار بدهکار بود، صنعت نفت و بیشتر زیربنای آن تخریب شده بود. بنابراین صدام نیز در ۱۵ مرداد به آتش بس تن داد و از ۲۹ مرداد نیروهای سازمان ملل رسماً در مرزها مستقر شدند.

صدام و روسای حزب بعث ذاتاً افراد ناآرامی بودند در تمامی سالهای پس از جنگ اقدامات تجاوز کارانه خود را متوقف نکردند. تنها زمانی صدام به طور کامل به مبادله اسرا و پایان جنگ تن داد که به کویت حمله کرد و با درگیر شدن با آمریکا و متحدان او می خواست از جانب مرزهای ایران آسوده خاطر باشد.

صدام و یارانش دیکتاتورهای دیوانه ای بودند که سکان کشتی عراق را در دست داشتن، مردم عراق با درآمد نفتی می توانستند مانند سایر کشورهای نفت خیز عربی زندگی مرفهی داشته باشند ولی او در فکر قدرت بود و زندگی مردم خود را به تباهی کشید. بیشتر افراد ارتش را در طول سه جنگ با ایران، کویت و آمریکا از دست داد. او هنگام محاکمه تنها بود و از درسهای تاریخ این است که او با خفت و خواری کشته شد.

صدام، حزب بعث و بسیاری از سربازان عراقی ظلمهای متعدد به مردم ایران کردند. شاید بهایی که مردم عراق می پردازند جزای رفتار سربازانشان باشد که با ملت ایران انجام دادند.

سخنگوی سازمان ملل در موقعیت جدید مجبور به مصاحبه و اظهار مشکلات و موانع موجود برای اعزام کارشناس به منطقه شد «فرانسوا گیلیایی» در این مصاحبه گفت که برای دبیرکل دشوار است که هیاتی را به درخواست یک دولت به خاک کشور دیگر بفرستد.

سرانجام یک روز پس از مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی سازمان ملل، منابع رسمی در این سازمان اعلام کردند که هیاتی از کارشناسان به تهران اعزام خواهند شد تا درباره حملات شیمیایی اخیر عراق تحقیق کنند.

عراق که پیش از این در برابر بازتاب بمباران شیمیایی حلبچه سکوت کرده بود، پس از انعکاس وسیع این جنایت در رسانه های کشورهای غربی و احتمال اعزام کارشناسان سازمان ملل به منطقه شدیداً واکنش نشان داد.

طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز طی نامه ای به دبیر کل، وی را به جهت اعزام هیأت کارشناسی به منطقه برای بررسی کاربرد سلاح های شیمیایی از سوی عراق، به جانبداری از ایران متهم کرد.

لطیف جاسم وزیر اطلاعات و فرهنگ عراق در ادامه حملات مقامات رسمی و مطبوعات عراق به دکوئیر گفت که دبیر کل سازمان ملل در انجام وظائف خود ناتوان است و دیگر اعتمادی به وی نیست.

سرانجام دو تن از کارشناسان سازمان ملل در تاریخ ۶۷/۱/۹ به منطقه اعزام شدند و پس از یک دیدار سه روزه و گفت گو با چند صد نفر از زخمی های حادثه در بیمارستانهای تهران و بازدید از شهرهای نوسودو مریوان، ایران را ترک کردند.

اظهار نگرانی چین از بکارگرفته شدن سلاح های شیمیایی و اظهار مارگارت تاجر نخست وزیر وقت انگلیس مبنی بر تناقض آنچه که روی داده با کنوانسیون سال ۱۹۲۵ ژنو نشان دهنده وسعت دامنه واکنش جهانی بود که در سطوح مختلف انجام گرفت.

مجامع بین المللی و روزنامه های آمریکا و انگلیس هرکدام بکارگیری سلاح شیمیایی بوسیله عراق را زیر سوال بردند. محکومیت همه جانبه عراق، سبب شد موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران چه در افکار عمومی جهان و چه در میان دولت های حامی عراق بهبود یابد. زیرا با تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در سازمان ملل و عدم پذیرش مفاد آن از نظر ترتیب اجرا از سوی ایران، بیم آن می رفت که با توجه به پذیرش قطعنامه از سوی عراق،

ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۴۰۵

تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران اجرا شود که با استفاده عراق از سلاح شیمیایی، تصمیم مذکور اجرا نشد و ایران توانست همچنان بر اعاده حق خود مبنی بر شناسایی متجاوز در اولین مرحله از قطعنامه پافشاری کند.

پس از حمله عراق به کویت سازمان ملل متجاوز بودن عراق را به رسمیت شناخت. اتفاقات بعدی که شامل حمله آمریکا به عراق گردید سبب شد در مورد خسارت وارد شده به ایران مورد بررسی دو کشور قرار گیرد.

پایان

منابع

- ۱- ابراهامیان ، یرواند- ایران بین دو انقلاب - نشر مرکز
- ۲- اشکانفر ، علی - هادیان ، عباد - کتاب هشت سال دفاع مقدس انتشارات پیش آموزش ۱۳۷۳.
- ۳- احرار، احمد، توفان در ایران، نشر نوین.
- ۴- ادمیت، محمدحسین، دلیران تنگستان، نشر آوا.
- ۵- ادمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، نشر خوارزمی
- ۶- ایرونساید، سرادموند، خاطرات و سفرنامه ژنرال آیرونساید، بهروز قزوینی، نشر آئینه.
- ۷- امیراحمدی، سپهد احمد، خاطرات نخستین سپهد ایران، غلامحسین زرگرنژاد، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- اخوان - صفا - ایران و جنگ جهانی اول - مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ۹- ازغندی، علیرضا، ارتش و سیاست، نشر قومس.
- ۱۰- افسر، سرهنگ پرویز، تاریخ ژاندارمری ایران، نشر ستاد بزرگ.
- ۱۱- اینی، ژنرال آندره، تاریخ معاصر ایران، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۲- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۳- افشار، دریادار اللهیار افشار، تاریخچه هوادریا و توانایی‌ها عملیاتی، نیروی دریایی جمهوری اسلامی.
- ۱۴- استوارت، ریچارد، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر معین.
- ۱۵- اداره جغرافیای ارتش - نقشه عملیات مشترک زمینی ، نقشه های مرزی.
- ۱۶- ایماز آ، تاریخ تمدن ایران، جواد محبی، نشر گوتمبرگ.
- ۱۷- ا- بیل، جیمز، شیر و عقاب، فروزنده برلیان، نشر فاخته.
- ۱۸- بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران، چاپخانه بانک بازرگانی.
- ۱۹- بختیاری ، مسعود سرتیپ دوم - معین وزیری نصرت ا... سرتیپ ۲ هشت سال دفاع مقدس جلد چهارم.
- ۲۰- بیانی، دکتر خانابا، جنگ‌های ایران در دوره صفویه، ستاد بزرگ ارتشتاران.

- ۲۱- بیگلرپور، سرتیپ علیقلی، تاریخ ارتش نوین ایران جلد یکم، ستاد بزرگ ارتشتاران
- ۲۲- بهار، محمد تقی ملک الشعراء، تاریخ احزاب سیاسی، جلد اول، نشر امیرکبیر.
- ۲۳- بهار، محمد تقی ملک الشعراء، تاریخ احزاب سیاسی، جلد دوم، نشر امیرکبیر.
- ۲۴- بهبودی، سلیمان، رضاشاه، نشر طرح نو.
- ۲۵- بیگلری، سرتیپ حیدرقلی، خاطرات یک سرباز، ستاد بزرگ ارتشتاران.
- ۲۶- پور احمد، جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس ناشر بنیاد حفظ آثار.
- ۲۷- پیرنیا، حسن، دوره تاریخ ایران، نشر خيام.
- ۲۸- پیروزان، سرهنگ علی اصغر، صناعت جنگ، نشر دانشکده افسری.
- ۲۹- پیروزان سرهنگ علی اصغر تاریخ نظامی جنگ بین المللی اول در ایران - چاپخانه دانشکده افسری .
- ۳۰- پولاک، سفرنامه پولاک، نشر تاریخ ایران.
- ۳۱- پالمر، رابرت، تاریخ جهان، ابوالقاسم طاهری، نشر امیرکبیر.
- ۳۲- ترکان، اسکندربیک، عالم آرا عباسی، نشر امیرکبیر.
- ۳۳- تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری، نشر اقبال.
- ۳۴- تجلی، حسین، مختصات سلاح‌ها و وسایل در ارتش، دانشکده افسری.
- ۳۵- تبرائیان، صفاءالدین، سراب یک ژنرال، مؤسسه فرهنگی و پژوهشی.
- ۳۶- تاریخ معاصر ایران، جلد اول تا ششم، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۷- جیمز - مابرلی - عملیات در ایران ترجمه کاوه بیات - آرمان چاپ.
- ۳۸- جعفریان - رسول - بحران آذربایجان - موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۳۹- جعفری - مجتبی - گرد آورنده اطلس نبردهای ماندگار عملیات نیروی زمینی در هشت سال دفاع مقدس.
- ۴۰- چمنکار، محمد جعفر - بحران ظفار و رژیم پهلوی - موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۴۱- حکیمی، محمود، تاریخ معاصر جهان، نشر امیرکبیر.
- ۴۲- حسینی، یعقوب - جوادی پورمحمد کتاب هشت سال دفاع مقدس جلد سوم و پنجم.
- ۴۳- حسینی، یعقوب - بختیاری مسعود کتاب هشت سال دفاع مقدس جلد دوم.
- ۴۴- حسینی، یعقوب - نیکفرد علی، کتاب هشت سال دفاع مقدس جلد اول.

- ۴۵- خواجه‌نوری، ابراهیم، بازیگران عصر طلایی، نشر جاویدان.
- ۴۶- دولاوله، پی یتر، سفرنامه ایران، نشر علمی.
- ۴۷- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، نشر عطار.
- ۴۸- سردادور، ابوتراب، تاریخ نظامی و سیاسی نادرشاه، چاپخانه ارتش.
- ۴۹- ساسانی، خان ملک، سیاست‌گزاران دوره قاجار، نشر هدایت.
- ۵۰- سمیعی، علی - کارنامه توصیفی عملیات هشت سال دفاع مقدس معاونت تبلیغات و انتشارات .
- ۵۱- سیفی تفرشی، مرتضی، پلیس خفیه ایران، نشر ققنوس.
- ۵۲- سیفی تفرشی-مرتضی-نظم و نظمیه در دوره قاجاریه - انتشارات یساولی.
- ۵۳- سمسون، آنتونی، بازار جنگ‌افزار، فضل‌الله نیک آئین، امیرکبیر.
- ۵۴- سولیوان، ویلیام، مأموریت در ایران، محمود مشرقی، نشر هفته.
- ۵۵- رسائی، دریابد فرج‌الله، ۲۵۰۰ سال بر روی دریا، نیروی دریایی.
- ۵۶- رواسانی، شاپور، دولت و حکومت در ایران، نشر شمع.
- ۵۷- زرگر، دکتر علی اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، نشر معین
- ۵۸- رستمی، فرهاد - رضا شاه به روایت اسناد - نشر موسسه فرهنگی و پژوهشی جلداول
- ۵۹- رستمی، فرهاد - پهلوی ها به روایت اسناد - نشر موسسه فرهنگی و پژوهشی جلد سوم
- ۶۰- شوستر، مورگان، اختناق در ایران، ابوالحسن موسوی، نشر صفی علیشاه.
- ۶۱- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، نشر علمی.
- ۶۲- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، نشر فرانکلین.
- ۶۳- طلوعی، مرتضی، تاریخ نیروی هوایی شاهنشاهی، اسناد رسمی.
- ۶۴- عاطفی، سرهنگ میرحسین، مجموعه اطلاعات مهندسی رزمی، وزارت جنگ.
- ۶۵- علم، اسدالله، گفتگوهای من با شاه ۲ جلد، طرح نو.
- ۶۶- عطائی، دکتر، تاریخ روابط خارجی ایران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۶۷- عاقلی، دکتر باقر، رضاشاه و قشون متحدالشکل، نشر نامک.
- ۶۸- غفوری، علی - تاریخ جنگهای ایران از ماد تا به امروز ، انتشار اطلاعات.
- ۶۹- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات سیاسی.
- ۷۰- فیشر، هربرت، تاریخ اروپا، وحید مازندرانی، نشر محمدعلی علمی.

- ۷۱- فرهمند، جلال و حدیدی مختار-فرزندان رضا شاه - نشر موسسه فرهنگی و پژوهشی جلد دوم.
- ۷۲- فخرائی، ابراهیم، سردار جنگل، نشر جاویدان.
- ۷۳- فاوست، لوئیس، ایران و جنگ سرد، کاوه بیات، دفتر مطالعات سیاسی.
- ۷۴- فلسفی، نصرالله، زندگی شاه عباس، نشر علمی.
- ۷۵- قوزانلو، سرهنگ جمیل، تاریخ نظامی ایران، نشر فردوسی.
- ۷۶- قائم مقامی، دکتر جهانگیر، تاریخ ژاندارمری ایران، ستاد بزرگ ارتشتاران.
- ۷۷- کرونین، استفانی، ارتش و تشکیل حکومت پهلوی، غلامرضا بابائی، نشر خجسته.
- ۷۸- کرزن، جرج - ن - ایران و قضیه ایران، وحید مازندرانی، نشر کتاب.
- ۷۹- کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، نشر امیرکبیر.
- ۸۰- کاظمی، سپهبد محمد، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی، نشر نیروی زمینی.
- ۸۱- گاردان، ژنرال، مأمویت ژنرال گاردان، عباس اقبال، نشر اقبال.
- ۸۲- گرگه - اولریخ- پیش به سوی شرق جنگ جهانی اول - ترجمه پرویز صدری چاپ رامین دو جلد.
- ۸۳- گازیورسکی، مارک - ج - سیاست خارجی امریکا و شاه، جمشید زنگنه، نشر رسا.
- ۸۴- لاچینی، ابوالقاسم، عباس میرزا قاجار نایب‌السلطنه، نشر افشاری.
- ۸۵- مقتدر، سرلشکر غلامحسین، تاریخ نظامی ایران، دانشکده افسری.
- ۸۶- محمودی، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، نشر ابن سینا.
- ۸۷- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، نشر علمی.
- ۸۸- معتضد، خسرو، درون ارتش شاه، نشر البرز.
- ۸۹- مدنی، دکتر جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، نشر اسلامی.
- ۹۰- مستوفی، عبدالله، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، نشر زوار.
- ۹۱- مورخ الدوله سپهر - ایران در جنگ بزرگ - نشر ادیب.
- ۹۲- میرزائی - محسن - تاریخچه بریگارد و دیویزیون قزاق - نشر علم دو جلد.
- ۹۳- مجتهد زاده - پیروز - کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس - دفتر مطالعات بین‌المللی.

- ۹۴- ماهنامه ارتش ج-۱-۱ صف شماره ۸۲ مهر ماه ۱۳۶۵.
- ۹۵- ماهنامه ارتش ج-۱-۱ صف شماره ۹۴ مهر ماه ۱۳۶۶.
- ۹۶- نجاتی، سرهنگ غلامرضا - تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران نشر رسا.
- ۹۷- وطن دوست ، دکتر غلامرضا - آصفی، حمد ا... - سردار سپه و فروپاشی دودمان قاجار انتشارات نوید شیراز.
- ۹۸- وطن دوست، دکتر غلامرضا- اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد موسسه فرهنگیان رسا.
- ۹۹- ولایتی، دکتر علی اکبر - تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران - دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰۰- هدایت مهدی قلی- خاطرات و خطرات - کتابفروشی زوار.
- ۱۰۱- یکرنگیان، سرتیپ میر حسین - سیری در تاریخ ارتش ایران- انتشارات خجسته
- توضیح :** نویسنده بصورت مستمر در اکثر عملیاتهای ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران خصوصاً در منطقه جنوب شرکت داشته است.

فهرست کتب منتشره در هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف	نوبت چاپ	زمان چاپ	قیمت (تومان)	شمارگان	ملاحظات
۱	یادداشت‌های سفر	محسن کاظمی	اول - دوم	۷۸-۱۳۷۸	۱۳۰۰	۵۰۰۰- ۲۰۰۰	قطع رقی ۲۸۰ صفحه
۲	عملیات شیندرا	سرتیپ ۲ نجاتعلی صادقی گویا	اول - دوم - سوم	۸۳-۸۰- ۱۳۷۹	۵۰۰-۵۰۰- ۷۵۰	۵۰۰- ۵۰۰۰-۲۰۰۰	قطع وزیری ۱۱۶ صفحه
۳	عملیات طریق القدس	سرتیپ ۲ مسعود بختیاری	اول - دوم	۸۰-۱۳۷۹	۸۵۰-۱۶۰۰	۳۰۰۰-۵۰۰۰	قطع وزیری ۲۵۶ ص
۴	عملیات آزادسازی سنندج و گردنه صلوات آباد	سرتیپ ۲ نجاتعلی صادقی گویا	اول	۱۳۷۹	۹۰۰	۳۰۰۰	قطع رقی ۲۰۰ صفحه
۵	عملیات بیت المقدس	سرتیپ ۲ مسعود بختیاری	اول	۱۳۸۰	۱۶۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری ۴۳۴ ص
۶	جانم فدای اسلام	سرتیپ ۲ تجلی صلفی گویا	اول	۱۳۸۰	۱۲۰۰	۲۰۰۰	قطع وزیری ۲۹۶ ص
۷	خاکریز ۲۰۲	سرتیپ ۲ علی عبدی بسطامی	اول	۱۳۸۰	۱۰۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری ۲۰۸ صفحه
۸	از سپتون تا شلمچه	سرتیپ ۲ سعید پورداراب	اول	۱۳۸۰	۹۰۰	۲۰۰۰	قطع رقی ۱۸۴ صفحه
۹	عملیات بیت المقدس قرارگاه نصر	سرتیپ ۲ سعید پور داراب	اول	۱۳۸۰	۸۰۰	۲۰۰۰	قطع وزیری ۱۸۴ صفحه
۱۰	گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان	سرتیپ ۲ فرض الله شاهین راد	اول	۱۳۸۰	۱۲۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری ۲۶۸ صفحه
۱۱	پیشنازان غرب کرخه	سرتیپ ۲ علی محمد سالار کیا	اول	۱۳۸۰	۱۵۰۰	۱۰۰۰	قطع وزیری ۳۱۲ صفحه
۱۲	عملیات فتح المبین قرارگاه قدس	سرتیپ ۲ محسن شاهان بهبهانی	اول	۱۳۸۱	۱۴۰۰	۱۰۰۰	قطع وزیری ۳۶۰ صفحه
۱۳	نیروی زمینی ارتش در عملیات فتح المبین	سرتیپ ۲ نصرت الله معین وزیری	اول	۱۳۸۱	۱۵۰۰	۱۵۰۰	قطع وزیری ۲۳۲ صفحه
۱۴	گردنه خان تا قله آربابا	سرتیپ ۲ نجاتعلی صادقی گویا	اول	۱۳۸۱	۶۵۰	۲۰۰۰	قطع رقی ۱۳۸ صفحه
۱۵	یادداشت‌های ویژه	شهید سپهبد علی صیاد شیرازی	اول	۱۳۸۱	۱۲۰۰	۵۰۰۰	قطع رقی ۲۹۰ صفحه
۱۶	شجاعان نبرد	سرتیپ ۲ فرض الله شاهین راد	اول	پاییز ۱۳۸۲	۲۲۰۰	۵۰۰۰	قطع وزیری ۳۲۴ صفحه
۱۷	رستاخیز عاشقان	جانباز رحمان میرزاییان	اول	پاییز ۱۳۸۲	۲۲۰۰	۵۰۰۰	قطع وزیری ۳۲۶ صفحه
۱۸	عملیات ثامن الائمه (ع) جلد یکم از دفتر اول کتاب مرجع	سرتیپ ۲ روح الله سروری، سرتیپ ۲ ابوالقاسم جاودانی	اول دوم	جلد اول ۱۳۸۳ ۱۳۸۴	---	۲۰۰ ۱۵۰۰	قطع رحلی ۳۱۲ صفحه

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف	نوبت چاپ	زمان چاپ	قیمت (تومان)	شمارگان	ملاحظات
۱۹	عملیات ثامن الائمه (ع) جلد دوم از دفتر اول کتاب مرجع	سرتیپ ۲ روح الله سروری، سرتیپ ۲ ابوالقاسم جاودانی	اول	۱۳۸۴	---	۲۰۰	قطع رحلی صفحه ۴۲۴
۲۰	بوی گل مریم	سرتیپ ۲ غلامحسین دربندی	اول	۱۳۸۳	۸۵۰	۵۰۰۰	قطع وزیری صفحه ۱۳۶
۲۱	حمرین	سرتیپ ۲ علی عبدی بسطامی	اول	۱۳۸۳	۲۸۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری صفحه ۴۰۶
۲۲	نصر بزرگ	سرتیپ فرض الله شاهین راد	اول	۱۳۸۴	۲۰۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری صفحه ۳۰۴
۲۳	زمزمه‌ای در تنهایی	سرهنک احمد حسینی	اول	۱۳۸۴	۸۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری ۱۳۶ص
۲۴	سفر به ماوراء	سید کاوه خاتمی	اول	۱۳۸۴	۱۵۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری صفحه ۱۸۴
۲۵	سال اول جنگ تحمیلی	سرتیپ ۲ سید علی اکبر موسوی قویدل	اول	۱۳۸۴	۴۰۰	۳۰۰۰	قطع رقی ۸۰ صفحه
۲۶	کلاه آبی	مرتضی سلطانی	اول	۱۳۸۴	۱۶۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری صفحه ۲۵۴
۲۷	خلبانان	علیرضا پوربزرگ	اول	۱۳۸۵	۱۴۰۰	۲۰۰۰	قطع رقی ۲۱۹ صفحه
۲۸	عملیات فتح المبین قرارگاه نصر	محمد سالار کیا	اول	۱۳۸۴	---	۵۰۰	قطع رحلی صفحه ۲۴۹
۲۹	لشکر ۷۷ در عملیات بیت المقدس	روح الله سروری	اول	۱۳۸۵	---	۵۰۰	قطع رحلی صفحه ۱۶۲
۳۰	منش فرماندهی	احمد نوروزی	اول	۱۳۸۵	۱۸۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری صفحه ۲۳۲
۳۱	هر چند دیر	هیبت الله اسدی	دوم	۱۳۸۴	۱۰۰۰	۳۰۰۰	قطع رقی ۱۷۸ صفحه
۳۲	حامد و پدر بزرگ	صادق زاده	اول	۱۳۸۶	۶۰۰	۱۰۰۰	قطع رقی ۷۹ صفحه
۳۳	سرباز در خطرات دفاع مقدس	مسعود نادری	اول	۱۳۸۶	۱۲۰۰	۲۰۰۰	قطع رقی ۲۱۶ص
۳۴	اهتزاز در زنجیر	مرتضی سلطانی	اول	۱۳۸۶	۱۵۰۰	۲۰۰۰	قطع رقی ۲۲۴ صفحه
۳۵	جلوه یار	احمد حسینی	اول	۱۳۸۶	۷۰۰	۲۰۰۰	قطع رقی ۷۵ صفحه
۳۶	عملیات محرم جلد ۱	سرتیپ ۲ پورداراب	اول	۱۳۸۶	---	۵۰۰	قطع رحلی کوچک ۱۸۵ صفحه
۳۷	عملیات محرم جلد ۲	سعید پورداراب	اول	۱۳۸۶	---	۵۰۰	قطع رحلی ۳۲۹ص

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف	نوبت چاپ	زمان چاپ	قیمت (تومان)	شمارگان	ملاحظات
۳۸	پسند جانان	احمد نوروzy	اول	۱۳۸۴	۱۰۰۰	۲۰۰۰	قطع رقیعی ۲۱۵ صفحه
۳۹	عملیات فتح المبین قرارگاه فجر، جلد ۱	سرتیپ ۲ سروری	اول	۱۳۸۴	---	۵۰۰	قطع رقیعی ۱۸۳ صفحه
۴۰	عملیات فتح المبین قرارگاه فجر، جلد ۲	سرتیپ ۲ سروری	اول	۱۳۸۴	---	۵۰۰	قطع رحلی ۳۶۳
۴۱	حماسه پردازان	علیرضا پوربزرگ	اول	۱۳۸۴	۸۰۰	۲۰۰۰	قطع رقیعی ۱۵۸ صفحه
۴۲	آتش دل	فرزاد بیطرف	اول	۱۳۸۶	۵۰۰	۱۰۰۰	قطع رقیعی ۸۶ صفحه
۴۳	واژه‌های نظامی	سرتیپ محمود رستمی	دوم	۱۳۸۶	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰	قطع وزیری ۱۱۵۸ صفحه
۴۴	برای امنیت	سرتیپ فرض الله شاهین راد	اول	۱۳۸۶	۲۰۰۰	۲۰۰۰	قطع وزیری ۲۱۵ صفحه
۴۵	جبهه جنوب	سرهنگ یعقوب حسینی	اول	۱۳۸۶	۲۰۰۰	۲۰۰۰	قطع وزیری
۴۶	عملیات والفجر ۴	سرهنگ امیر بیگی	اول	۱۳۸۶	۳۰۰۰	۵۰۰	قطع رحلی ۳۰۰ صفحه
۴۷	ارتش در فاو	سرهنگ هیبت الله اسدی	اول	۱۳۸۶	۳۰۰۰	-----	قطع وزیری ۲۸۰ص
۴۸	درمانگران رزمنده	تیم بهداری	اول	۱۳۸۷	۱۲۰۰	-----	قطع رقیعی ۱۳۲ صفحه
۴۹	میراث	احمد نوروzy فرسنگی	اول	۱۳۸۷	۲۰۰۰	-----	قطع وزیری ۱۶۸ صفحه
۵۰	در کلاس پیرمردها	محمود سبز چهره	اول	۱۳۸۷	۵۰۰	۲۰۰۰	قطع جیبی ۷۲ صفحه
۵۱	من از ویرانه‌های درد می‌آیم	جمشید رحیمی‌نژاد	اول	۱۳۸۷	۱۷۰۰	۲۰۰۰	قطع رقیعی ۱۳۲ص
۵۲	شنیدن کی بود مانند دیدن	آرش کوهی	اول	۱۳۸۷	۱۷۰۰	۲۰۰۰	قطع رقیعی ۱۳۰ صفحه
۵۳	یک برگ از هزار نکته	وحید مداحی	اول	۱۳۸۷	۱۷۰۰	۲۰۰۰	وزیری ۲۴۴ صفحه
۵۴	پژواکی از خاطره‌ها	روح ... سروری	اول	۱۳۸۷	۴۵۰۰	۲۰۰۰	وزیری ۲۸۸ صفحه
۵۵	تیر خلاص	علیرضا پور بزرگ	اول	۱۳۸۷	۲۵۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۲۰۸ صفحه
۵۶	عملیات فتح المبین قرارگاه کربلا	سید علی اکبر موسوی قویدل	اول	۱۳۸۷	۴۰۰۰	۳۰۰۰	رحلی کوچک ۱۷۲ صفحه

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف	نوبت چاپ	زمان چاپ	قیمت (تومان)	شمارگان	ملاحظات
۵۷	عملیات بیت المقدس	سرتیپ ۲ مسعود بختیاری	اول	۱۳۸۰	۱۶۰۰	۳۰۰۰	رحلی کوچک ۲۵۶ص
۵۸	تاریخ نظامی جنگ تحمیلی ۱	سرهنگ سید یعقوب حسینی	اول	۱۳۸۷	۴۰۰۰	۳۰۰۰	وزیری ۳۹۲ صفحه
۵۹	برای سرباز تا ارتشید	سرتیپ ۲ صادقی گویا	اول	۱۳۸۷	۵۰۰۰		وزیری
۶۰	گردان ۱۴۴ در نبرد آبادان	سرتیپ فرض ا.. شاهین زاد	دوم	۱۳۸۸	۱۲۰۰	۳۰۰۰	وزیری ۲۶۰ صفحه
۶۱	عملیات طریق القدس	سرتیپ ۲ مسعود بختیاری	دوم	۱۳۸۷		۵۰۰۰	رحلی ۱۶۶ صفحه
۶۲	تیپ ۳۷ زرهی در فتح المبین	مجید صارمی	اول	۱۳۸۷	۱۵۰۰	۱۵۰۰	رقعی ۱۰۴ صفحه
۶۳	عملیات فتح المبین فرارگاه فتح	سرتیپ ۲ محسن شاهان	اول	۱۳۸۷	۷۰۰۰	۱۰۰۰	رحلی کوچک ۴۰۸ص
۶۴	تیپ ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس	سرتیپ ۲ مجید صارمی	اول	۱۳۸۸	۱۲۰۰	۱۰۰۰	رقعی ۱۳۰ صفحه
۶۵	دژ خرمشهر	سرهنگ علیرضا پور بزرگ	اول	۱۳۸۸	۵۰۰۰	۳۰۰۰	وزیری ۵۱۲ صفحه
۶۶	در غربت جنگیدیم	سید رضا پردیس	اول	۱۳۸۸	۳۰۰۰	۲۰۰۰	وزیری ۲۴۰ صفحه
۶۷	تاریخ نظامی جنگ تحمیلی جلد ۲	سرهنگ سید یعقوب حسینی	اول	۱۳۸۷	۴۰۰۰	۳۰۰۰	وزیری ۳۶۰ صفحه
۶۸	تصمیم	سرتیپ محمود رستمی	اول	۱۳۸۸	۲۵۰۰	۳۰۰۰	وزیری ۱۶۸ صفحه
۶۹	از هوپزه تا آتش بس	امرا.. نوجوان	اول	۱۳۸۸	۲۵۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۹۶ صفحه
۷۰	نزدبان طنابی	سرتیپ ۲ حمید شکبیا	اول	۱۳۸۸	۱۷۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۰۸ صفحه
۷۱	سرباز و خاطرات دفاع مقدس	مسعود نادری	اول	۱۳۸۶	۱۲۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۵۲ صفحه
۷۲	مدیریت طرح و برنامه در قرآن	سرتیپ ناصر آراسته	اول	۱۳۸۴	۵۹۰۰	۳۰۰۰	وزیری ۷۲ صفحه
۷۳	حماسه پیرازان تنگ حاجیان	قاسم کریمی	اول	۱۳۸۸	۳۰۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۶۰ صفحه
۷۴	تاریخچه طب نظامی	سرتیپ ۲ دکتر خسرو نامجو نیک	اول	۱۳۸۹	۵۰۰۰	۲۰۰۰	وزیری ۲۵۸ صفحه
۷۵	معبر آسمانی	صالح افشار تویسرکانی	اول	۱۳۸۸	۲۵۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۲۱۶ صفحه
۷۶	آنچه گذشت	سرتیپ ۲ بختیاری	اول	۱۳۸۹	۲۰۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۲۸ صفحه
۷۷	کانال هندلی	سرتیپ ۲ احمد آرام	ول	۱۳۸۹	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۳۲ صفحه
۷۸	در کمینگاه دشمن	سرتیپ ۲ صادقی گویا	اول	۱۳۸۹	۳۵۰۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۲۰۴ صفحه
۷۹	کلیاتی از جنگ	سرتیپ ناصر آراسته	اول	۱۳۸۹	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۰۰ صفحه
۸۰	جنگ و اسارت	سرتیپ ۲ عین الله کرمانی زاده	اول	۱۳۸۹	۱۶۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۰۰ صفحه
۸۱	نیروی هوایی در دفاع مقدس	سرتیپ ۲ خلبان علیرضا نمکی	اول	۱۳۸۹	۵۰۰۰	۳۰۰۰	قطع وزیری ۳۳۶ص
۸۲	والفجر مقدمانی	سرهنگ یعقوب حسینی	اول	۱۳۸۹	۲۵۰۰	۲۰۰۰	قطع وزیری ۱۵۲ص
۸۳	عملیات تاخت گمجن عشایری	سرتیپ ۲ جهانگیر جمیلی	اول	۱۳۸۹	۲۰۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۱۶ صفحه
۸۴	جنگ و زندگی	سرتیپ ۲ پزشکی طوسی	اول	۱۳۸۹	سخت: ۳۲۰۰ نرم: ۲۵۰۰	۲۰۰۰	رقعی ۱۵۲ صفحه
۸۵	نبردهای سال ۱۳۶۲ تا پایان ۱۳۶۴	سرهنگ یعقوب حسینی	اول	۱۳۸۹	۶۰۰۰	۲۵۰۰	وزیری ۵۷۴ صفحه



هیتت معارف جنگ
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

Tarikh Nezami Iran

Hooshang Jalali

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shirazi**